



بسم الله الرحمن الرحيم

اسلام و پژوهش های روان شناختی

دوفصلنامه علمی - پژوهشی

سال دهم، شماره دوم، پیاپی ۲۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

مدیر مسئول: دکتر محمدجواد زارغان

صاحب امتیاز: دکتر محمدجواد زارغان

دبیر اجرایی: امیر عرفانی نژاد

سر دبیر: دکتر محمدرضا احمدی

دورنگار: ۰۲۵۳۳۹۲۲۳۳۹

پست الکترونیکی: pajoohesh.ueae@gmail.com

صندوق پستی: ۳۷۱۶۷۱۵۵۴۵

پایگاه اینترنتی: journals.ueae.ir

کد پستی: ۳۷۱۶۷۱۵۵۴۵

نشانی: قم، بلوار شهید صدوقی، خیابان شهید شهبازی، پلاک ۱۳

اعضای هیأت تحریریه

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمدرضا احمدی

دانشگاه تهران

دکتر هادی بهرامی احسان

مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت

حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمد جواد زارغان

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

آیت الله سید محمد غروی راد

دانشگاه بقیة الله

دکتر علی فتحی آشتیانی

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمد کاویانی آرانی

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

حجة الاسلام و المسلمین دکتر رحیم نارویی نصرتی

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمود نوذری

بر اساس مصوبه شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی و در طی نامه شماره ۱۲۱۳۴ به تاریخ ۱۴۰۱/۷/۹

درجه علمی دوفصلنامه از علمی - ترویجی به علمی - پژوهشی ارتقا یافت.

این دوفصلنامه در پایگاه اطلاع رسانی SID, Noormags, Magiran و پرتال جامع علوم انسانی نمایه شده است.

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش مقاله

مقدمه

فصلنامه «اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی» فصلنامه‌ای علمی و چندرشته‌ای است که با هدف ارائه نتایج مطالعات و پژوهش‌های علمی، فراهم آوردن زمینه تبادل افکار و اطلاعات، ترویج مباحثات علمی بین پژوهشگران و محققان حوزه‌های مختلف علمی: روان‌شناسی، مشاوره، مددکاری اجتماعی، تعلیم و تربیت، دین و... منتشر می‌شود. این فصلنامه در گستره مسائل روان‌شناختی، در دو سطح بنیادی و کاربردی، مقاله‌هایی را می‌پذیرد که از ساحت دینی نیز برخوردار باشد. فصلنامه، به زبان فارسی منتشر می‌شود.

نوع مقالات مورد پذیرش

- گزارش یک پژوهش علمی؛
- تحلیل علمی با هدف ارائه مفاهیم و الگوهای جدید؛
- نقد علمی مقالات منتشر شده در فصلنامه (در قالب نامه به سردبیر)؛
- گزارش کوتاه علمی؛
- مطالعه موردی؛

ساختار مقاله بایستی به شرح زیر تنظیم و ارسال گردد

- عنوان مقاله: عنوان باید گویا و کوتاه باشد.
- نام، نام خانوادگی، مرتبه علمی، وابستگی سازمانی، شهر، کشور و ایمیل پژوهشگر/پژوهشگران؛
- چکیده: در این قسمت، مطالب اصلی مقاله شامل هدف، روش، یافته‌ها و نتیجه‌گیری به صورت فشرده (حداکثر ۲۰۰ کلمه) بیان می‌شود.
- کلید واژه‌ها: از میان واژه‌های اصلی مقاله، بین ۳ تا ۵ واژه مشخص شوند.
- نکته: موارد فوق هم به زبان فارسی و هم لاتین بارگذاری شود.
- مقدمه: بیان مسئله، هدف، پیشینه تحقیق، تبیین ضرورت انجام تحقیق و فرضیه‌ها (سؤال‌ها)؛
- روش: جامعه آماری، روش نمونه‌برداری، گروه نمونه، ابزار(های) پژوهش، فرایند اجرای پژوهش و روش تحلیل داده‌ها؛
- یافته‌ها: یافته‌های حاصل از روش‌های آماری، جدول‌ها (شماره و عنوان در بالای آن) و نمودارها (شماره و عنوان در زیر آن). کلیه جدول‌ها و نمودارها باید به زبان فارسی تهیه شوند. همچنین اعداد داخل جدول‌ها باید به زبان فارسی باشد و برای اعشار از نقطه (.) استفاده شود.

نکته: تعداد جداول متناسب با حجم مقاله باشد و فایل جداول علاوه بر متن اصلی به صورت جداگانه بارگذاری شود.

- بحث و نتیجه‌گیری: نتیجه‌گیری، مقایسه یافته‌های پژوهشی با پیشینه پژوهش و تبیین آنها؛
- منابع (شامل منابع فارسی و لاتین): ارائه کامل کلیه منابعی که در متن مقاله از آنها استفاده و به آنها ارجاع شده است به ترتیب حروف الفبا. تنظیم منابع، مطابق الگوی راهنمای APA به شرح ذیل انجام شود:

۱. کتاب: نام خانوادگی، نام (سال انتشار اصلی)، **عنوان کتاب**، شماره جلد، نام و نام خانوادگی مترجم، سال انتشار ترجمه، نوبت چاپ، محل انتشار: انتشارات.

۲. مقاله: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، **نام نشریه**، سال / دوره، شماره، صفحات.

۳. پایان‌نامه: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، **عنوان پایان‌نامه**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد / دکترا، رشته، دانشگاه.

۴. گزارش: نام سازمان (سال انتشار)، «**نام گزارش**».

۵. اینترنت: نام خانوادگی، نام (تاریخ اخذ مطلب): نشانی کامل سایت.

- ضمایم (در صورت لزوم)

نکات قابل توجه در ارائه مقالات

۱. مقاله ارسالی نباید قبلاً در جای دیگری به چاپ رسیده باشد و نیز نباید به‌طور همزمان برای بررسی و چاپ به مجله دیگری ارسال شده باشد.

۲. مقاله باید با نرم‌افزار Microsoft Word، قلم Mitra، اندازه ۱۴ و فاصله خطوط ۱، تهیه و از طریق سامانه مجله به نشانی <http://journals.ueae.ir> ارسال شود. شماره تلفن برای دسترسی آسان و سریع دفتر مجله به نویسنده مسؤول مقاله نیز قید گردد.

۳. حجم مقاله از ۹۰۰۰ کلمه بیشتر نباشد.

ملاحظات

- فصلنامه در رد، اصلاح یا ویرایش مقاله آزاد است.
- اصطلاحات علمی و اسامی خاص مقاله‌ها مطابق روش دوفصلنامه یکسان‌سازی می‌شود.
- مسؤولیت صحت و محتوای مقاله و حفظ حقوق دیگر مؤلفان بر عهده نویسنده مسؤول آن است.
- فرم تعهدنامه نیز تکمیل و در سامانه بارگذاری گردد.

فهرست مطالب

۷.....	موضوع روان‌شناسی اسلامی، چالش‌ها و افق‌های پیش رو.....	رحیم ناروئی نصرتی
۳۳.....	مدل مفهومی خطاهای شناختی در آموزه‌های قرآن کریم.....	میلاذ شماخته، محمدرضا احمدی محمدآبادی
۵۳.....	اثربخشی آموزش تحول معنوی بر نگرش معنوی.....	محمدرضا حاتمی
۶۵.....	ساخت، اعتباریابی و تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی پرسش‌نامه تصور مثبت و منفی از خدا بر اساس منابع اسلامی.....	احد امیدی
۸۵.....	طراحی بسته آموزشی روان‌شناختی در تسهیل هویت‌یابی دینی نوجوان و بررسی روایی آن.....	محسن مطلبی کربکندی، نجیب‌الله نوری
۱۱۱.....	تدوین مدل نظری آموزش جنسی بر اساس اندیشه اسلامی.....	نوید خاکبازان، علی ابوترابی، حمید رفیعی‌هنر
۱۴۳.....	طراحی بسته آموزشی عزت نفس معنوی با رویکرد اسلامی و امکان‌سنجی در افزایش بهزیستی روانی.....	محمد قنبری، محمدرضا جهانگیرزاده، محمد فرهوش
۱۶۳.....	اثربخشی برنامه مشاوره معنویت درمانی بر هیجان تحصیلی و خودپنداره تحصیلی دانش‌آموزان خانواده‌های تک‌والد.....	رضا شیبانی‌فر، سهیل هاشمی، سجاد قاسمی، زینب امیدواری
۱۸۱.....	شاخص‌های آمادگی پیش از ازدواج دختران با تأکید بر منابع اسلامی.....	فائزه سادات موسوی، هادی حسین‌خانی، عبدالاحد اسلامی
۲۰۵.....	پیش‌بینی رضایت از زندگی بر اساس خودمهارگری و تاب‌آوری.....	سعید عبادی، حسن تقیان، زهرا قمری دوزنده
۲۱۷.....	پیش‌بینی کارآمدی خانواده بر اساس تمایز یافتگی و همدلی عاطفی زوجین با میانجیگری مرزهای ارتباطی زوجینی.....	فاطمه شیرچی، جعفر هوشیاری
۲۳۹.....	پیش‌بینی جهت‌گیری دینی چرخشی بر پایه الگوی ارتباطات خانواده با نقش میانجیگر کمال‌گرایی.....	مجید هزاری، ناصر آقابابائی، امیرعلی مازندرانی

موضوع روان‌شناسی اسلامی، چالش‌ها و افق‌های پیش رو

The Subject Matter of Islamic Psychology, Its Challenges and Its Future Horizons

رحیم ناروئی نصرتی / دانشیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران

Rahim Naroui Nosrati / Associate Professor, Department of Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran
rnarooei@yahoo.com

Abstract

The aim of this research is to investigate and introduce the subject matter of Islamic psychology, its challenges and its future horizons. For this purpose, using a descriptive-analytical method, it was referred to the original and first-class psychological sources that have addressed the subject of psychology in each approach. The subject matter was extracted from the approaches or owners of the schools of psychology. Then, they were examined and briefly criticized according to four criteria: psychological orientation, comprehensiveness, having a cohesive element, and alignment with goals of psychology. In the second step, the activities carried out in the field of Islamic psychology, were referred to and suggested subject matters for Islamic psychology were discovered and examined and criticized based on the four previous criteria. Finally, by referring to first-hand Islamic sources such as the works of Mulla Sadra, Shifa'a Bu Ali, the works of Allamah Misbah Yazdi, and books written about the foundations of Islamic psychology from a psychological perspective, the subject matter of Islamic psychology

چکیده

هدف این پژوهش بررسی و معرفی موضوع روان‌شناسی اسلامی، چالش‌ها و افق‌های پیش رو است. بدین منظور با استفاده از روش تحلیل محتوا به منابع اصیل و دسته‌اول روان‌شناسی که به موضوع روان‌شناسی در هر رویکرد پرداخته‌اند، مراجعه شد. موضوع از رویکردها یا صاحبان مکاتب روان‌شناسی استخراج گردید؛ سپس طبق چهار معیار جهت‌گیری روان‌شناختی، جامعیت، برخورداری از عنصر انسجام‌بخش و همسویی با اهداف بررسی و به اختصار نقد گردید. در گام دوم به فعالیت‌های انجام‌شده در حوزه روان‌شناسی اسلامی مراجعه و موضوعات پیشنهادی برای روان‌شناسی اسلامی کشف و بر اساس چهار معیار پیشین بررسی و نقد گردید. در نهایت با رجوع به منابع دست‌اول اندیشمندان مسلمان مانند اسفار ملاحدره، شفا‌ی بوعلی، آثار علامه مصباح یزدی و کتاب‌های نوشته‌شده درباره مبانی روان‌شناسی اسلامی با نگاهی روان‌شناختی، موضوع روان‌شناسی اسلامی استخراج و با عنوان «سازمان‌یافتگی‌ها، دگرگونی‌ها، حالت‌ها، کنش‌های روان و فرایندهای زیرین آنها» به عنوان موضوع منتخب برای روان‌شناسی اسلامی معرفی گردید.

was extracted and introduced under the title "Organizations, Developments, States, and Actions of the Mind and Their Underlying Processes." as the selected subject matter for Islamic psychology.

Key words: subject matter, subject of Islamic Psychology, organization, developments, States, action, underlying process, mind.

کلیدواژه‌ها: موضوع، موضوع روان‌شناسی اسلامی، سازمان‌یافتگی، دگرگونی، حالت، کنش، فرایند زیرین.

مقدمه

آدمی از سپیده‌دم تمدن نوشته‌شده به دنبال چیستی و علل فرایندهای ذهن و رفتار بوده و به دنبال آن بوده است که دانسته‌هایش را در زندگی عملی خود بیازماید. در قرن هفده قبل از میلاد پادشاه مصر، پسامتیک اول^۱، تصور می‌کرد کودکانی که فرصت یادگیری زبانی خاص از دیگر افراد را ندارند، به‌صورت خودکار به زبان جهانی و عمومی انسان‌ها رو می‌آورند و آن را فرا می‌گیرند که همان زبان مصری است (هانت^۲، ۱۹۹۴، به نقل از: گرین‌وود^۳، ۲۰۰۹، ص ۱). وی از یکی از پیروانش خواست تعدادی کودک را از هرگونه فضای زبان‌آموزی جدا کند و ببیند کودکان در نهایت به چه زبانی سخن می‌گویند؛ البته از اینکه مشاهده کرد آنان به زبان مصری سخن نگفتند سرخورده و دل‌آزرده گشت. قرن‌ها گذشت و اندیشمندان نقاد به حدس و گمان‌های خود درباره چیستی ذهن و رفتار ادامه دادند و تلاش کردند اندیشه‌های خود را به‌صورت عملی بیازمایند. تا اینکه این روند، بر اثر پدیدآیی انقلاب علمی در اروپا در قرن شانزده و هفده و به میدان آمدن روان‌شناسی آزمایشگاهی و نظریه تکامل در قرن نوزده، سرعت بیشتری یافت و در نتیجه دانش‌نهادی روان‌شناسی در اواخر قرن نوزده و طول قرن بیستم حرکت تکاملی خود را آغاز کرد.

از همان آغاز و دوران باستان و همچنین ادیان توحیدی به‌ویژه دین اسلام، فلاسفه و اندیشمندان مسلمان انسان را صرفاً ترکیبی از فرایندهای پیچیده جسمی یا روان‌شناختی نمی‌دانستند. به باور آنان انسان علاوه بر بدن مادی دارای عنصری به نام روح بود که خدا را آفریننده آن می‌دانستند. به نظر آنان روح و بدن همانند یک واحد روانی جسمی با هم ارتباط دارند. همه قوای روح با بدن پیچیده درهم تنیده‌اند. همه «عواطف و هیجان‌های روح» نظیر خشم، محبت، نفرت، شادمانی و جرئت به کمک بدن ابراز می‌شوند

1. Psamtik, I.

2. Hunt

3. Greenwood, J. D.

(چیونگ چانگ^۱ و هایلند،^۲ ۲۰۱۲، ص ۱۴). گفت‌وگو از نفس و روح در میان فلاسفه بزرگی مانند سقراط، افلاطون، ارسطو تا قرون وسطی ادامه داشته است (هنلی، ۲۰۲۴). از این دغدغه‌مندی‌ها روشن می‌شود که این اندیشمندان می‌خواسته‌اند برخی از واقعیت‌های مربوط به انسان را که به اصطلاح موضوع^۳ اندیشه‌ورزی آنان بوده است را کشف کنند. لیکن همان‌گونه که ماریو بوئزه می‌گوید، بسیاری از روان‌شناسان و ناظرانی که از بیرون به روان‌شناسی می‌نگرند، از فقدان اتفاق نظر درباره موضوع روان‌شناسی معاصر یا اینکه مرجع و بازگشت‌گاه رشته آنان چیست، گله‌مندند (بوئزه و آردیلا، ۱۹۸۷، ص ۲۵).

در این مقاله به دنبال آنیم که ضمن بررسی موضوع روان‌شناسی در دوره‌های مختلف علم روان‌شناسی و نقد مختصر آن، موضوع روان‌شناسی بر اساس اندیشه‌های بنیادین اسلامی را به جامعه علمی معرفی کنیم.

موضوع علم روان‌شناسی در بستر تاریخ و چرایی آن

روان‌شناسی از دوران پیش‌علمی تا دوران معاصر در صدد پاسخگویی به پرسش‌های خاص و بنیادینی بوده است که هم‌اکنون نیز از پی پاسخ دادن به همان‌هاست. سؤال‌هایی مانند آیا انسان رفتار خود را آزادانه انتخاب می‌کند یا اینکه رفتارش تعیین شده و جبری است؟ ماهیت انسان چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟ و مانند آن (ر.ک: هرگنهان^۴ و هنلی،^۵ ۲۰۱۴، ص ۱۶). چالش‌ها و دغدغه‌های مشترک و از پی آن سؤال‌های خاص، اندیشمندان را واداشته‌اند تا در ابتدا موضوع سؤال‌های خود را هرچند به شکل اجمالی تعیین کنند؛ سپس به پاسخ آن سؤال‌ها به روش مناسب با موضوع بپردازند.

موضوع روان‌شناسی در یونان باستان

در دوران باستان و ما قبل تاریخ، عمدتاً توجهات به سوی رفتار نابهنجار معطوف بوده است. اختلال‌هایی مانند اسکیزوفرنی، افسردگی و اضطراب‌های شدید اندیشمندان را به چاره‌جویی وامی‌داشت. در این دوران موضوع روان‌شناسی بدن به‌ویژه سر انسان بود از آن جهت که تصور می‌کردند در آن شیاطین و جن‌ها لانه‌گزینی می‌کنند (کامر،^۶ ۲۰۱۵؛ کرینگ^۷ و همکاران، ۲۰۱۰). بقراط حکیم (۴۶۰-۳۷۷ ق.م) این اندیشه را به چالش کشید و اعلام کرد این نابهنجاری‌ها نه از شیطنت

1. Cheung Chung, M.
2. Hyland, M. E.
3. subject matter
4. Hergenhahn, B. R.
5. Henley Tracy, B.
6. Comer R. J.
7. Kring A. M.

شیاطین؛ بلکه از بروز نقصان در بدن به‌خصوص مغز ناشی می‌شوند. وی به‌طور خاص چهار خلط صفرا، سودا، خون و بلغم را در حالت‌ها و سازمان‌یافتگی‌های روانی دخیل دانست (کامر، ۲۰۱۵، ص ۱۰؛ کرینگ و همکاران، ۲۰۱۰، ص ۹)؛ بنابراین بقراط همانند روان‌شناسان زیستی کنونی موضوع روان‌شناسی را بدن و فرایندهای‌های بدنی البته با جهت‌گیری روان‌شناختی قرار داد.

موضوع روان‌شناسی در دوران علمی

در سال ۱۸۷۹ ویلهلم ماکسیمیلیان وونت،^۱ روان‌شناسی علمی را چنان‌که مشهور است پایه‌گذاری کرد (هنلی، ۲۰۲۴، ص ۱۸۰؛ ریچاردز، ۲۰۱۰، ص ۳۹). وونت هشیاری را موضوع بررسی خود قرار داد. وی به همین دلیل روان‌شناسی مادی‌گرایانه را نپذیرفت؛ زیرا فکر می‌کرد با اصل هشیاری در تضاد است؛ زیرا هشیاری از هیچ‌یک از ویژگی‌های مولکول‌ها یا اتم‌های مادی ناشی نمی‌شود (هنلی، ۲۰۲۴، ص ۱۸۰؛ ریچاردز، ۲۰۱۰، ص ۳۹-۳۷؛ گرینوود، ۲۰۰۹، ص ۳۰۵). وونت اراده را به‌منزله یکی از کارکردهای هشیاری، مفهومی اساسی می‌دانست که همه مشکلات موجود در روان‌شناسی بر پایه آن فهمیده می‌شود. وونت این رویکرد خود به روان‌شناسی را به دلیل تأکیدش بر اراده، انتخاب و قصد، اراده‌گرایی^۳ نامید (هنلی، ۲۰۲۴، ص ۱۸۰). وونت پیوسته می‌گفت همه وظیفه روان‌شناسی را در این دو مسئله می‌توان خلاصه کرد: ۱. عناصر هشیاری کدام‌اند؟ ۲. این عناصر چه ترکیب‌هایی دارند، و چه قواعدی بر این ترکیب‌ها حاکم است (گرینوود، ۲۰۰۹، ص ۳۰۵). چنان‌که به‌صراحت بیان شد، وونت هشیاری و عناصر بینادین آن از جمله اراده را به‌عنوان موضوع روان‌شناسی برگزید. افراد شاخصی مانند استنلی هال^۴ و ویلیام جیمز^۵ نیز هشیاری و جریان هشیاری را به‌منزله موضوع روان‌شناسی برگزیدند (هنلی، ۲۰۲۴). جیمز با تعریف روان‌شناسی به‌عنوان علم زندگی روانی، حامی بخش هشیار روان به‌منزله موضوع روان‌شناسی بود (کازدین، ۲۰۰۰، ج ۷، ص ۳۷۵).

هشیاری هرچند جهت‌گیری روان‌شناختی دارد؛ صرفاً یکی از کارکردها یا ابعاد ارگانیزم یا روان انسان است و جامعیت لازم را ندارد؛ مثلاً جنبه‌های بدنی، ناهشیار و کنش‌های انسان را دربر نمی‌گیرد، با اهداف روان‌شناسی از جمله برطرف‌سازی اختلالات همسو نیست، به‌علاوه به عنصر انسجام‌بخش که همان نفس یا روان است نیز نپرداخته است.

1. Wilhelm Maximilian Wundt

2. Henley T. B.

3. voluntarism

4. Hall, G. S.

5. James, W.

موضوع روان‌شناسی در رویکرد روان‌پویشی

روان‌شناسی از آغاز بر پایهٔ هشیاری پایه‌گذاری شده بود؛ چنان‌که حتی رفتارگرایان روشی چون تولمن^۱ و مک‌دوگال^۲ ساختارهای شناختی هشیار را به‌عنوان پیش‌فرض در نظر گرفتند و از ساختارهای شناختی ناهشیار سخنی به میان نیاوردند؛ بنابراین بررسی ناهشیار آن هم به‌منزلهٔ ستون فقرات روان‌شناسی، باورنکردنی و دور از ذهن بود (هرگنهان، ۲۰۰۹، ص ۵۱۵؛ چیونگ چانگ^۳ و هایلند، ۲۰۱۲، ص ۱۹۳). البته بحث از ناهشیار سال‌ها قبل از آنکه زیگموند فروید آن را وارد زندگی ما کند، مطرح بود. ادوارد فان هارتمن^۴ در سال ۱۸۶۹ کتابی با عنوان *فلسفهٔ ناهشیار* به چاپ رساند و در آن از وجود افکار ناهشیار سخن گفت؛ چنان‌که هندریکس^۵ (۲۰۱۵) در کتاب *تفکر ناهشیار در فلسفه و روان‌تحلیل‌گری*، ادعا می‌کند که اندیشهٔ ناهشیار ابتدا در نظریهٔ عقل فعال ابن‌رشد اندلسی پی‌ریزی شده است. لیکن فروید نه تنها از وجود آن گفت‌وگو کرد؛ بلکه نشان داد که ناهشیار چگونه می‌تواند بر زندگی روزمرهٔ ما تأثیرگذار باشد (چیونگ چانگ و هایلند، ۲۰۱۲، ص ۱۹۳). فروید اساساً از پی درمان اختلالات روانی بود. با وجود روش‌هایی بسیار محدود در آن دوران، در صورتی‌که فروید می‌توانست تنها یک نفر را واقعاً درمان کند کاری معجزه‌آسا و پیشرفتی بزرگ به نظر می‌رسید (چیونگ چانگ و هایلند، ۲۰۱۲، ص ۱۸۷؛ هنلی، ۲۰۲۴، ص ۳۵۵).

فروید در سال ۱۸۸۹ با لیبو^۶ و برنهایم^۷ پایه‌گذار مکتب ناسی^۸ ملاقات کرد. به امید آنکه مهارت‌های هیپنوتیزمی خود را افزایش دهد، فروید از لیبو و برنهایم در مورد تلقین پس‌هیپنوتیزمی آگاهی یافت و فهمید عقیده‌ای که در مدت هیپنوتیزم القا می‌شود، می‌تواند حتی در صورتی‌که فرد از آن آگاه نباشد، بر وی تأثیر بگذارد. مشاهدهٔ فروید مبنی بر اینکه عقایدی که فرد از آنها آگاه نیست، می‌توانند نقش مهمی در رفتار وی داشته باشند. آنچه را فروید از شارکو آموخته بود تأیید کرد و جزء مهمی از روان‌تحلیل‌گری گردید (هرگنهان، ۲۰۰۹، ص ۵۲۳). این‌گونه ذهن فروید به سطح ناهشیار روان معطوف گردید و ساختار روان^{۱۰} را به‌طور کلی موضوع روان‌شناسی قرار دادند و بر سطح ناهشیار به‌عنوان اصل زندگی روانی انسان تأکید کردند (اسمیت، ۲۰۱۳، ص ۱۸۳؛ چیونگ چانگ و هایلند، ۲۰۱۲، ص ۱۹۳).

-
1. Tolman, E. C.
 2. McDougall, W.
 3. Cheung Chung, M.
 4. Hyland, M. E.
 5. Eduard von Hartmann
 6. Hendrix J. S.
 7. Liebeault, A. A.
 8. Bernheim, H.
 9. Nancy School
 10. structure of mind
 11. Smith, R.

ساختار روان به‌خصوص با تأکید بر ناهشیار با اینکه از جهت‌گیری روان‌شناختی برخوردار است؛ لیکن جامعیت، عنصر انسجام‌بخش و همسویی با همه اهداف عملی و نظری علم روان‌شناسی را فاقد است؛ بنابراین صلاحیت لازم برای اینکه بتواند موضوع روان‌شناسی قرار گیرد را ندارد. بله، بحث از هشیار و ناهشیار یکی از بحث‌های بنیادین در روان‌شناسی است.

موضوع از نگاه رفتارگرایان

رفتارگرایان بر رفتار مشهود تکیه می‌کنند؛ بلکه تنها آن را قابل بررسی علمی می‌دانند. آنچه این رویکرد را از دیگر رویکردها متمایز می‌کند، آن است که بر رابطه میان رفتار قابل‌مشاهده (پاسخ‌ها) و رویدادهای محیطی (محرک‌ها) تأکید می‌کند. این رویکرد اندیشمندانی مانند واتسون، پاولف، اسکینر و... را دربر می‌گیرد؛ اندیشمندانی که همه یادگیری را در بررسی‌های روان‌شناختی مهم می‌شمارند (گلاسمن و هداد، ۲۰۰۹، ص ۱۱۰؛ اُدونایو^۱ و کیچنر^۲، ۱۹۹۹). جان بی واتسون^۳ در سال ۱۹۱۳ با جسارت تمام از موضوع روان‌شناسی سخن گفت و اعلام کرد که موضوع روان‌شناسی رفتار است. وی اندیشه رفتارگرایی را تقریباً از سال ۱۹۰۱ در ذهن خود می‌پروراند. واتسون با اینکه اندیشه روشن درباره رفتارگرایی را در سال ۱۹۰۲ آغاز کرده بود، از در میان گذاشتن آن با استاد و دوست خود جیمز آنجل^۴ واهمه داشت؛ زیرا می‌دانست که آنجل معتقد است روان‌شناسی باید مطالعه هشیاری را دربر بگیرد. وقتی واتسون سرانجام در سال ۱۹۰۲ اندیشه‌های خود را با آنجل در میان گذاشت، آنجل پاسخ منفی داد و به او گفت با چنین افکاری باید فقط به حیوانات بچسبید (هرگنهان، ۲۰۰۹، ص ۳۹۹). رابرت یرکز^۵ نیز به‌رغم درگیری با بررسی‌های حیوانی و دوستی که با واتسون داشت، هرگز نگاه رفتاری واتسون را نپذیرفت و طی مراحل شکل‌گیری رفتارگرایی به رویکرد تیچنر وفادار ماند (هنلی، ۲۰۲۴، ص ۲۷۸؛ هرگنهان، ۲۰۰۹، ص ۴۰۰).

واتسون اولین بار دیدگاه رفتارگرایی خود را در سال ۱۹۰۸ در کنفرانسی در دانشگاه ییل^۶ به‌طور علنی اعلام کرد. واتسون دوباره شدیداً مورد انتقاد قرار گرفت و بار دیگر سکوت اختیار کرد. در آن زمان واتسون به‌قدر کافی اعتمادبه‌نفس نداشت که علیه روان‌شناسی تثبیت‌شده وارد جنگ شود. او همچنین به خاطر اجتناب از رنجاندن دوستش تیچنر خاموش ماند (هنلی، ۲۰۲۴، ص ۳۸۵؛ هرگنهان، ۲۰۰۹، ص ۴۰۱).

1. O' Donohue William
2. Kitchener Richard
3. John Broadus Watson
4. James Angell
5. Robert Yerkes
6. Yale University

واتسون به‌هرحال در سال ۱۹۱۳ جرئت یافت و دل به دریا زد و اعلام کرد رفتار انسان با همه ظرافت و پیچیدگی‌های آن، فقط بخشی از طرح پژوهشی رفتارگرا را تشکیل می‌دهد (واتسون، ۱۹۱۳، ص ۱۵۸). اظهارنظر واتسون چنان بود که حتی بوروس فردیک اسکینر^۱ که وارث معنوی آثار واتسون به‌حساب می‌آمد، اظهار کرد: «کمبود حقایق نسبت به هر علم جدید همواره مشکل‌ساز است، لیکن در برنامه تهاجمی واتسون در حوزه‌ای به گستردگی رفتار انسان، به‌طور خاص زبان‌بار بود» (اسکینر، ۱۹۷۴، ص ۶ به نقل از: گلاسمن و هداد، ۲۰۰۹، ص ۱۱۴).

رفتار نیز به‌عنوان موضوع روان‌شناسی به‌خصوص رفتار مشهود با نگاه به شدت یک بعدی به انسان، جامعیت لازم را ندارد، همسویی با اهداف روان‌شناسان حتی اهداف علمی که توصیف دست‌کم بخشی از ابعاد روان‌شناختی انسان مانند عناصر شناختی است را فاقد است. در بعد تغییر رفتار نیز با غفلت از درون ارگانیزم کارایی لازم را ندارد، بلکه چنان‌که سیموس^۲ (۲۰۰۲) می‌گوید فعالیت‌های ما انسان‌ها همواره شناختی رفتاری‌اند (سیموس، ۲۰۰۲، ص ۱۴۶).

موضوع روان‌شناسی در رویکرد شناختی

شناخت همواره موضوعی مهم از برای روان‌شناسان بوده است. مکتب‌های اراده‌گرایی و ساختارگرایی به وضوح بر بررسی تجربی شناخت متمرکز بودند، و مکتب کارکردگرایی هم شناخت و هم رفتار را مورد توجه قرار داد. تنها در دوره‌ای بین سال‌های ۱۹۳۰ تا بعد از ۱۹۵۰ هنگامی که رفتارگرایی افراطی به شدت بر فضای روان‌شناسی حاکم بود، به‌طور گسترده باور بر این بود که رویدادهای شناختی صرفاً محصولات جانبی فعالیت مغز هستند و می‌توان آنها را نادیده گرفت. درست در همان زمان، بررسی فرایندهای شناختی هم مطرح می‌شد (هنلی، ۲۰۲۴، ص ۴۲۲)، بلکه به عرصه آمدن دوباره شناخت در واقع عکس‌العملی بود در مقابل رفتارگرایان که بر رویدادهای خارجی تأکید می‌کردند. در سال ۱۹۲۵ پژوهشگر جوان آلمانی به نام ولفگنگ کهلر^۳ کتابی با عنوان ذهنیت میمون‌ها^۴ به رشته تحریر در آورد؛ همچنین در سال ۱۹۳۲ ادوارد چیس تولمن^۵ کتابی با عنوان رفتار هدفمند در حیوانات و انسان^۶ به چاپ رساند. وی در این کتاب به جای رابطه میان محرک‌ها و پاسخ‌ها از رابطه محرک‌ها سخن گفت و از آن به نقشه‌های شناختی یاد کرد. کتاب‌های کهلر و تولمن سنگ‌بنای روان‌شناسی شناختی امروز قرار

1. Burrhus Frederic Skinner

2. Simos, G.

3. Wolfgang Kohler

4. The Mentality of Apes

5. Edward Chace Tolman

6. Purposive Behavior in Animal and Man

گرفت (گلاسمن و هداد، ۲۰۰۹، ص ۱۶۵). این‌گونه موضوع روان‌شناسی شناختی، شناخت و فرایندهای شناختی قرار گرفت.

شناخت و فرایندهای شناختی نیز تنها برخی از ابعادی ارگانیزمی - روان‌شناختی انسان را منعکس می‌کنند؛ بنابراین جامعیت ندارد، فاقد همسویی با همه اهداف روان‌شناختی است و همچنین عنصر وحدت‌بخش ابعاد مختلف روان را در خود ندارد؛ بنابراین موضوع مناسبی برای روان‌شناسی نیست.

موضوع در رویکرد زیستی

روان‌شناسان زیستی برخلاف روان‌شناسان رفتاری، تحلیلی و شناختی ریشه رفتار را در عوامل بدنی به‌خصوص عوامل مغزی جست‌وجو می‌کنند. این اندیشه به گذشته‌های دور تا دوران بقراط^۱ حکیم باز می‌گردد. درست همانند یکی از پزشکان در اظهارنظر درباره علل پیدایش اسکیزوفرنی که خاطر نشان می‌سازد و می‌گوید: «البته علت آن باید جسمانی باشد، آخه چیز دیگری در آن بالا^۲ وجود ندارد». روشن است که مراد وی از آن بالا، مغز است. در گذشته چنین اظهارنظری را بسیار افراطی به حساب می‌آوردند؛ حتی در قرن هفدهم بیشتر افراد بر این باور بودند که بدن را عنصری نامحسوس به نام نفس کنترل می‌کند. از میان کسانی که به روح یا نفس باور داشت، فیلسوف فرانسوی رنه دکارت^۳ بود (گلاسمن و هداد، ۲۰۰۹، ص ۴۹).

لیکن موضوع روان‌شناسی به‌تدریج از هشیاری، رفتار و ناهشیاری به مغز و امور مربوط به آن تغییر یافت؛ چنان‌که جیمز کالات^۴ می‌گوید ما باید همواره دو نکته را بپذیریم: ۱. اینکه ادراک در مغز رخ می‌دهد؛ ۲. فعالیت روانی و انواع خاصی از فعالیت‌های مغزی انفکاک‌ناپذیرند. این موضعی است که به یگانه‌گرایی^۵ مادی شهرت یافته است (کالات، ۲۰۱۹، ص ۷). در حال حاضر خرده‌رویکرد دیگری با عنوان رویکرد روان‌شناسی اعصاب‌شناختی نیز شکل گرفته که موضوع آن ترکیبی از شناخت و فرایندهای شناختی و بخشی از فرایندهای جسمانی است. در سایه چنین ترکیب‌هایی راحت‌تر می‌توان جنبه‌های روان‌شناختی انسان را تبیین کرد (هود، ۲۰۱۲، ص ۱؛ گلاسمن و هداد، ۲۰۰۹، ص ۴۷۲-۴۷۳).

رویکرد زیستی نیز از آنجایی که بر یکی از ابعاد روان‌شناختی انسان متمرکز است و همچنین بر نگاه یگانه‌گرایی مادی پایه‌گذاری شده و از تبیین مهم‌ترین بلکه اصیل‌ترین رفتار انسان مانند رفتار دینی عاجز است، موضوعی بسنده برای روان‌شناسی نیست.

1. Hippocrates

2. up there

3. Rene Decartes

4. James W. Kakat

5. monismmm

6. Hood, B.

موضوع در روان‌شناسی انسان‌گرا

رویکرد انسان‌گرایی^۱ در روان‌شناسی از دغدغه‌های اندیشمندانی نشئت گرفت که افراد دارای درد و رنج^۲ را مشاهده می‌کردند و به دنبال آن بودند تا درد و رنج افراد را کاهش داده یا برطرف کنند. آنان با تمرکز بر توانمندی‌های ویژه انسان رویکرد خود را پایه‌گذاری کردند. دغدغه‌هایی مانند اینکه انسان بیش از مجموعه‌ای از واکنش‌های زیستی به همراه یا بدون واکنش‌های شرطی است، انسان بیش از فرایندهایی است که به آنها علم آگاهانه ندارد و از منبعی ناهشیار از درونش می‌جوشد، یا هرکس موجودی رو به کمال با اندیشه، احساس، امید، رؤیا و طرحی منحصربه‌فرد است که به‌شیوه منحصربه‌فرد کار خود را دنبال می‌کند، روان‌شناسی انسان‌گرا را به میدان آورد (گلاسمن و هداد، ۲۰۰۹، ص ۲۷۸). این رویکرد جریان سوم در روان‌شناسی نام گرفت (نولن - هوکسما و همکاران، ۲۰۰۹، ص ۴۸۴). روان‌شناسان انسان‌گرا انتظار داشتند که این جریان جانشین هر دو نیروی اصلی روان‌شناسی، رفتارگرایی و روان‌تحلیل‌گری بشود. روان‌شناسی انسان‌گرا بر قوت‌های انسان و آرزوهای مثبت، تجربه هشیار، اراده آزاد در مقابل جبرگرایی، تحقق بخشیدن به توانمندی‌های بالقوه انسان و باور به طبیعت ویژه انسان به‌عنوان یک کل تأکید کرد (شولتز^۳ و شولتز^۴، ۲۰۱۱، ص ۳۳۰-۳۳۳).

اینکه انسان چگونه می‌تواند به برترین وضعیت خود دست یابد، سؤال دیگر روان‌شناسان انسان‌گرا بود. در پاسخ به چنین سؤال پیچیده‌ای، آبراهام مزلو^۵، رولو می^۶، گوردن آلپورت^۷، کارل راجرز^۸، مایکل پولانی^۹ و جیمز بوگنتال^{۱۰} به دغدغه‌ای مشترک و درهم تنیده رسیدند و شخص را به‌منزله یک کل‌محور رویکرد خود قرار دادند. در کنار روان‌شناسی انسان‌گرا خرده‌رویکردی نوتر نیز در روان‌شناسی شکل گرفته که صرفاً بر نقاط قوت و توانمندی‌های انسان و شکوفاسازی این توانش‌ها در سطح فردی و گروهی متمرکز است که بر آن روان‌شناسی مثبت اطلاق می‌شود (اسنایدر و لویز، ۲۰۰۲، ص ۱).

شخص و تجربه‌های شخصی با تأکید یک‌سویه روان‌شناسان انسان‌گرا بر شخص و تجربه‌های شخصی و بر توانمندی‌های مثبت انسان و کنارگذاری جنبه‌های منفی، ابعاد بدنی و فقدان عنصر وحدت بخش، موضوع مناسبی برای روان‌شناسی نیست.

1. humanistic approach

2. distress

3. Schultz, D. P.

4. Schultz, S. E.

5. Abraham Maslow

6. Rollo May

7. Gordon Allport

8. Carl Rogers

9. Michael Polanyi

10. James Bugental

نقطه‌نظرات دیگری که تاکنون درباره موضوع روان‌شناسی ارائه‌شده، یکی یا آمیخته‌ایی از موضوع‌هایی است که تاکنون ذکر کرده‌ایم؛ به‌عنوان مثال انجمن روان‌شناسی آمریکا که روان‌شناسی را به علم بررسی ذهن و رفتار تعریف کرده است (کازدین، ۲۰۰۰)، دو رویکرد شناختی و رفتاری را به هم آمیخته است. البته تاکنون این رفت‌وبرگشت در موضوع روان‌شناسی ادامه دارد تا جایی که نیل کارلسون^۱ در سال ۱۹۹۷ و چاپ‌های بعدی، کتاب درسی خود را «روان‌شناسی: علم رفتار»^۲ نام نهاد.

جدول ۱: موضوع روان‌شناسی در بستر تاریخ

دغدغه‌مندی‌ها	ماهیت موضوع	روش بررسی	اهداف	موضوع دانش
رفتارهای ناپه‌نجار	بدن به‌عنوان منزلگاه جن و شیاطین	موردی - بالینی	اخراج شیاطین از بدن	دوره پیش‌علمی
رفتارهای ناپه‌نجار	روانی با تأکید بر بدن	تجربی با تأکید بر مزاج‌های چهارگانه	تنظیم مزاج‌ها و رفع ناپه‌نجاری	بقراط حکیم
شناخت هشیاری و فرایندهای آن	روانی	درون‌نگری	بررسی هشیاری و عناصر بنیادین آن	وونت و ساختارگرایان
یادگیری و فرایندهای آن	عینی و مشهود	تجربی (آزمایشگاهی)	تغییر رفتار	رفتارگرایی
درمان اختلال‌های روانی	بدنی روانی	روان‌تحلیل‌گری	رفع ناپه‌نجاری	روان‌پوشی
تحلیل فرایندها و ساختارهای ذهنی	بدنی با تأکید بر فرایندهای ذهنی	شهودی تجربی	شناخت فرایندهای ذهنی	شناختی
حالت‌ها و تجربه‌های روانی	جسمانی زیستی	تجربی آزمایشگاهی	شناخت حالت‌ها و تجربه‌های روانی	زیستی
رهاسازی انسان از درد و رنج‌ها و توسعه توانمندی‌های وی	روانی جسمانی	روش‌های کیفی تجربه‌ای	شکوفاسازی توانمندی‌ها به جای تمرکز بر بیمارها	انسان‌گرایی
نقاط قوت و توانمندی‌های انسان	روانی جسمانی	کیفی تجربه‌ای	شکوفاسازی توانمندی‌های مثبت	مثبت

1. Neil. R. Carlson

2. Psychology: The Science of Behavior

موضوع روان‌شناسی اسلامی

دغدغه‌مندی روان‌شناختی اندیشمندان مسلمان

اندیشمندان مسلمان از همان آغاز با پیروی از آموزه‌های دین اسلام در ارتباط با وضعیت‌های مختلف انسان از جمله شرایط بدنی و روانی او به شدت دغدغه‌مند بوده‌اند؛ چنان‌که پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمودند:

علم دو سنخ دارد: یک سنخ آن در قلب جای دارد که علم نافع است؛ سنخ دیگر آن فقط سر زبان‌هاست. این علم حجت خداوند بر علیه بندگان است. از لحاظ موضوع نیز علم دو قسم دارد: یکی علم مربوط به بدن است و دیگری مربوط به دین^۱

اندیشمندان مسلمان مانند ابن‌سینا، بهمنیار تا شیخ اشراق، ملاصدرا و اندیشمندان معاصر مانند علامه مصباح یزدی در علم‌النفس درصدد بوده‌اند قواعد روان‌شناختی حاکم بر ارگانیسم انسان را کشف کنند؛ بنابراین از وجود نفس و بدن، سازمان‌یافتگی‌های نفس با عنوان قوای نفس، فعل و انفعالات نفس و خودشکوفایی نفس با عنوان سعادت و کمال نفس، خلود و جاودانگی نفس و احساس و ادراک و انواع و حتی قواعد اخلاقی حاکم بر نفس سخن گفته‌اند (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ق، ص ۷۶؛ صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۹؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۴-۲۵).

الهام‌بخش این رویه آیات و روایاتی است که در منابع اسلامی به وفور یافت می‌شود. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را به خودفراموشی گرفتار کرد، آنان همانا از دسته فاسقانند (حشر: ۱۹). به پیامبر گرامی اسلام ﷺ منسوب است که فرمودند: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ»؛ هرکس نفس خود را بشناسد براستی خدای خود را شناخته است؛ همچنین علی‌علیه می‌فرماید: «لَا تَجْهَلْ نَفْسَكَ فَإِنَّ الْجَاهِلَ بِمَعْرِفَةِ نَفْسِهِ جَاهِلٌ بِكُلِّ شَيْءٍ»؛ در ارتباط با نفس خود ناآگاه نباش؛ زیرا کسی که از نفس خود آگاهی ندارد نسبت به همه چیز ناآگاه است. باز می‌فرمایند: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ انْتَهَى إِلَى غَايَةِ كُلِّ [مَعْرِفَةٍ وَ] عِلْمٍ»؛ کسی که نفس خود را بشناسد به غایت و مقصود هر علمی دست یافته است؛ همچنین فرموده‌اند: «مَنْ لَمْ يَعْرِفْ نَفْسَهُ بَعْدَ عَنْ سَبِيلِ النَّجَاتِ وَ خَبَطَ فِي الضَّلَالِ وَ الْجَهَالَاتِ»؛ هرکس نفس خود را نشناسد از راه نجات فاصله گرفته و در گمراهی و نادانی‌ها فرو رفته است. در جای دیگر می‌فرمایند: «مَعْرِفَةُ النَّفْسِ أَنْفَعُ الْمَعَارِفِ»؛ شناخت نفس نافع‌ترین معارف است (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۶؛ جعفر بن محمد الصادق ﷺ، ۱۴۰۰ق، ص ۱۳).

۱. «عِلْمٌ فِي الْقَلْبِ فَذَاكَ الْعِلْمُ النَّافِعُ وَ عِلْمٌ عَلَى اللِّسَانِ فَذَاكَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْعِبَادِ وَ الْعِلْمُ عِلْمَانِ عِلْمُ الْإِنْبَانِ وَ عِلْمُ الْأَذْيَانِ».

با وجود چنین تأکیدی اندیشمندانی مانند ملاصدرا از احساس و ادراک همانند روان‌شناسی امروز سخن گفته است (ناروئی نصرتی، ۱۴۰۱، ص ۸۶-۸۷). طبق بیان ملاصدرا احساس و ادراک در بدن مثلاً جایی از مغز رخ نمی‌دهد (ر.ک: صدرالدین شیرازی، ج ۸، ص ۲۲۶)؛ آن‌گونه که کالات و دیگر روان‌شناسان زیستی به آن باور دارند (کالات، ۲۰۱۹، ص ۶؛ فربرگ، ۲۰۱۹، ص ۵). به باور علامه مصباح یزدی (۱۳۷۷) این‌گونه مباحث بلکه همه قاعده‌مندی‌های مربوط به نفس چنان که موضوع روان‌شناسی خودبه‌خود اقتضا دارد، جایی در غیر علم روان‌شناسی ندارد (مصباح یزدی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۴). بر خلاف روان‌شناسی معاصر و معمول (ولف، ۱۹۹۷، ص ۱۶-۱۷)، ارتباط انسان با خدا، به‌عنوان عام‌ترین رفتار انسان نیز در منابع اسلامی به تفصیل آمده است؛ هرچند امروزه روان‌شناسان زیادی به رفتار دینی انسان خارج از بدنه روان‌شناسی پرداخته‌اند (ولف، ۱۹۹۷؛ هود، جی آر و دیگران، ۲۰۰۹؛ پالوتزیان^۱ و پارک،^۲ ۲۰۰۵)، حتی برخی مباحث روان‌شناسی دین را در متن اصلی روان‌شناسی گنجانده‌اند (کرول،^۳ ۲۰۱۴). اندیشمندان مسلمان به خصیصه‌ها و ظرفیت‌های اخلاقی انسان نیز توجه ویژه داشته‌اند (طباطبائی، ۱۴۰۲، ج ۱۹، ص ۲۶۵) و به تعلیم و تربیت نفس نیز اهتمام فراوان ورزیده‌اند (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۲، ص ۱۷). سلامت و بیماری نیز فوق‌العاده برای اندیشمندان مسلمان اهمیت داشته و از دغدغه‌های اساسی آنان بوده است (دورانت، ۱۹۹۷، ج ۴، ص ۳۱۵-۳۱۶). به این ویژگی‌های متعدد و متکثر در ارتباط با عنصری اصیل، جاودان و پویا به نام نفس معنی بخشیده‌اند (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۸).

نفس به‌عنوان موضوع روان‌شناسی

برخی اندیشمندان مسلمان به دلیل اصالت و همه‌جانبه بودن، خود نفس را موضوع روان‌شناسی اسلامی دانسته‌اند و مراد از روان در مباحث روان‌شناختی را نفس انسان در نظر گرفته‌اند. به نظر آنان روان به این معنی به‌صورت مستقیم و با توجه به لوازم آن تقریباً مشتمل بر همه عناوینی است که در روان‌شناسی از آن بحث می‌شود. مباحثی نظیر رشد روانی، احساس و ادراک، هشیاری، یادگیری، حافظه، زبان و اندیشه، هوش، انگیزش و هیجان، شخصیت، فشار روانی و سلامت، آسیب‌شناسی روانی، روان‌درمانی، تفاوت‌های فردی و موضوعات اخلاقی و... در مجموع می‌توان گفت که روان به معنای معادل نفس که شامل همه احوالات روانی اعم از شناختی، عاطفی و رفتاری، اخلاقی و معنوی است و نیز ابعاد بدنی تا روحی را دربر می‌گیرد، موضوع روان‌شناسی است (آذربایجانی، ۱۳۹۹، ص ۱۱۵-۱۱۶).

1. Paloutzian, R. F.

2. Park, C. L.

3. Krull Douglas, S.

لیکن با همه تأکیدی که بر نفس و معرفت نفس در منابع اسلامی شده است، نفس بما هو نفس را نمی‌توان موضوع علم روان‌شناسی اسلامی قرار داد؛ زیرا جهت‌گیری خاص اندیشمندان روان‌شناسی و دغدغه‌های آنان که ابعاد مختلف روان با نگاه کاربردی است، در آن لحاظ نشده است. به عبارت دیگر، نفس بما هو نفس کل انسانیت انسان است و چیزی ورای آن باقی نمی‌ماند و هرکس درباره انسان سخن می‌گوید در واقع درباره نفس گفت‌وگو می‌کند و دانش نفسانی در واقع کل علوم انسانی؛ بلکه برخی علوم پایه مانند ریاضیات را هم دربر می‌گیرد؛ زیرا این نفس است که دغدغه عدد و رقم را دارد و خودش نیز با دقت بر پایه عدد و رقم پایه‌گذاری شده است؛ مثلاً در اخلاق از این جهت که نفس منشأ صفات پایدار و ناپایدار است، که خاستگاه کارهای پسندیده و نیکو یا کارهای بد و ناپسند انسان می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۲ ص ۱۸۹)، از آن گفت‌وگو می‌شود. در عرفان از آن جهت که نفس می‌تواند خداوند متعال، صفات و افعال او را از طریق ادراک قلبی و دریافت باطنی شهود کند و به واسطه علم حضوری بیابد، موضوع عرفان است (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ص ۳۳). بنابراین در روان‌شناسی نیز همان بعد خاصی از نفس که دغدغه روان‌شناسان را تأمین می‌کند، موضوع روان‌شناسی است نه خود نفس.

روح به عنوان موضوع روان‌شناسی

برخی روان‌پژوهان مسلمان موضوع روان‌شناسی اسلامی را روح می‌دانند (حسینی، ۱۳۶۴، ص ۱۸)؛ زیرا قرآن برای انسان دست کم دو بعد در نظر گرفته است و بیان می‌کند که پس از ساخت جسم انسان، از روح الهی در آن دمیده شد.^۱ حقیقت انسان همین روح است؛ پس روان‌شناسی انسان به معنای «روح‌شناسی» است، به طوری که هیچ مسئله‌ای را نمی‌توان به حد نصاب تحقیق و کشف حقیقت آن رسانید، مگر اینکه به ناچار به قلمروی روح وارد شویم؛ زیرا هیچ مسئله‌ای در قلمرو انسانی و جهان‌بینی نیست که پای انسان در کار نباشد، و هر مسئله‌ای که انسان در کار باشد، بدون تصفیه حساب حقیقی معرفتی با روح یا روان انسانی، نجات از بن‌بست دیده نمی‌شود، مگر با قضایای فرضی که به ثبوت نرسیده است (جعفری، ۱۳۷۸، ص ۴۲-۴۳).

لیکن همانند نفس در مفهوم روح نیز دغدغه‌ها و جهت‌گیرهای روان‌شناسان لحاظ نشده است. به علاوه در آیات مربوط به روح، روح امری مایه حیات و مبدأ شعور و اراده و موجودی همراه با ملائکه الله و حتی بالاتر از آنها و موجودی همراه با انبیای الهی و مؤمنین است و به روح به عنوان

۱. «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (ص: ۷۲).

موجود معمولی نگاه نشده است و همیشه با عظمت از آن یاد شده است و حتی در مورد انسان نیز خداوند آن را به خود نسبت داده است و فرموده: «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» و تعبیرهای دیگر مانند «روحنا» همه این موارد مؤید و دلیل بر این است که روح موجودی ملکوتی، الهی، فوق مادی و مجرد و سنخ دیگری غیر از موجودات عالم جسمانی در نظر گرفته شده است (معلمی، ۱۳۹۵، ص ۸۳۹). این گونه مواجهه نشان می‌دهد که روح از لحاظ مفهومی به عنوان وجودی منسلخ از بدن لحاظ شده است؛ درحالی که بدن و پایه‌های بدنی یکی از دغدغه‌های اصلی روان‌شناسان است.

فطرت به منزله موضوع روان‌شناسی

برخی دیگر در سایه مفهوم فطرت حدود موضوع روان‌شناسی اسلامی را تعیین کرده‌اند (احمدی، ۱۳۶۲، ص ۱۴). طبق نظر این اندیشمندان، فطرت، طبیعت وجودی و نحوه آفرینش انسان را متبادر می‌کند و تمام محتواهای مثبت و منفی را شامل می‌شود؛ بنابراین فطرت نوعی ادراک و تمایل به صورت بالقوه در نهاد آدمی است که اگر فرصت و امکان مناسب را بیابد، شکوفا خواهد شد و در غیر این صورت، به شکل تحریف‌شده و بیمارگونه آشکار می‌گردد (مطهری، ۱۳۹۹، ص ۱۲۲). پس فطرت سرشتی ویژه و آفرینشی خاص می‌باشد و بیشتر یا همیشه برای انسان استعمال می‌شود و غیر از واژه طبیعت، طبع که در همه موجودهای جامد یا نامی و یا بدون روح حیوانی یافت می‌شود (جواد آملی، ۱۳۸، ص ۲۴؛ مطهری، ۱۳۸۲، ص ۳۸۰). با این بیان فطرت واقعیت فراگیر طبیعت انسان است و می‌تواند به منزله موضوع روان‌شناسی اسلامی قرار گیرد و پژوهش‌های روان‌شناختی حول محور فطرت انسان سامان یابند.

لیکن فطرت نیز اولاً جامعیت لازم برای شمول همه ابعاد روان‌شناختی انسان از جمله ابعاد بدنی را ندارد؛ ثانیاً فاقد جهت‌گیری روان‌شناختی است. به همین دلیل بسیاری از مسائلی که در دوران مختلف دغدغه اندیشمندان روان‌شناسی بوده است را پوشش نمی‌دهد؛ ثالثاً آن معنایی را که نفس و روان به طور طبیعی القا می‌کنند و آن جنبه‌های غیربدنی انسان است را به ذهن نمی‌آورد؛ رابعاً جنبه‌های بدنی را هم که یکی از دغدغه‌های روان‌شناسان است را به روشنی پوشش نمی‌دهد؛ بنابراین موضوعی مناسب برای روان‌شناسی اسلامی نیست.

عمل به منزله موضوع روان‌شناسی

به نظر برخی اندیشمندان از آنجایی که انسان در منابع اسلامی به عنوان ارگانیسم عامل در نظر گرفته شده، می‌توان عمل را موضوع روان‌شناسی اسلامی به حساب آورد؛ زیرا دین اسلام انسان را موجودی می‌داند که در کشاکش نیروهای مختلف محیطی، خود منشأ عمل است و با اعمال خویش، هویت خود

را رقم می‌زند و عمل آن رفتاری است که دست‌کم بر سه مبدأ معرفتی، میلی و ارادی استوار است (باقری، ۱۳۷۵، ص ۲۴). نظریه انسان به‌عنوان عامل، تصویری است که نگرش اسلامی در مورد انسان به‌دست می‌دهد، صرف‌نظر از اینکه چه هویتی یافته باشد و به چه راهی رفته باشد.^۱ به نظر این اندیشمندان، اگر بخواهیم در تصویری عام و مجمل، عمده‌ترین و برجسته‌ترین ویژگی انسان را برحسب آنچه در منابع اسلامی ذکر شده است، مشخص کنیم، باید آن را در این خصیصه آدمی جست‌وجو کنیم که او برخوردار از «عمل» است (باقری، ۱۳۷۴، ص ۹۶)؛ بنابراین برای ساماندهی روان‌شناسی اسلامی مناسب است عمل به‌عنوان موضوع آن قرار داده شود.

لیکن اولاً عمل چه کنش بیرونی یا کنش درونی، صرفاً یکی یا بخشی از فعالیت‌های ارگانیزم انسان است؛ درحالی‌که بسیاری از فعالیت‌های مانند سازمان‌یافتگی‌ها اعم از فطری و اکتسابی را دربر نمی‌گیرد. عمل همچنین دلالت روشنی بر حالت‌های روانی مانند هیجان، غم و شادی و... ندارد؛ ثانیاً دغدغه‌های روان‌شناسان به‌ویژه عرصه بیمارهای روانی را به روشنی دربر نمی‌گیرد؛ ثالثاً به پایه‌های زیستی رفتار انسان که از اساسی‌ترین دغدغه‌های اندیشمندان روان‌شناس بوده است را به سادگی دربر نمی‌گیرد؛ بنابراین عمل نیز موضوعی مناسب برای روان‌شناسی اسلامی نیست.

در میان برخی (ژاله‌فر، ۱۳۸۲) نیز قلب را مفهومی اساسی و مهم در منابع اسلامی برشمرده‌اند و آن را به‌عنوان موضوع روان‌شناسی اسلامی پیشنهاد کرده‌اند؛ زیرا در روایات قلب مرکز تعقل، یادگیری و فرمانده بدن است که هیچ عضوی بدون اجازه او نمی‌تواند کاری را انجام دهد. درحقیقت هر عملی که ما انجام می‌دهیم به اراده قلب ماست. اگر تمایل قلبی برای انجام دادن آن نباشد، انجام آن غیرممکن است (ژاله‌فر، ۱۳۸۲، ص ۹۶). لیکن با توجه به کارکردهای متفاوتی که در قرآن و روایات به قلب نسبت داده شده، درک کردن، اندیشیدن، مرکز عواطف بودن، مرکز تصمیم‌گیری، محل دوستی و دشمنی و... می‌توان گفت مراد از قلب در منابع اسلامی به‌ویژه قرآن همان روح و نفس انسانی است. شاید بتوان گفت هیچ بعدی از ابعاد نفس انسانی و صفاتی از صفات و یا کاری از کارهای روح انسانی را نمی‌توان یافت که قابل استناد به قلب نباشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۲۳۴).

به نظر می‌رسد با توجه به ابهام مفهومی قلب به‌خصوص اینکه بر یکی از اندام اصلی بدن نیز اطلاق می‌شود، فقدان جهت‌گیری روشن روان‌شناختی هرچند قابلیت بیشتری دارد، نسبت به دیگر موضوع‌های پیشنهادی ترجیحی ندارد.

۱. «وَقَالَ النَّاسُ فِي الدُّنْيَا عَامِلٌ عَامِلٌ فِي الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا قَدْ شَعَلَتْهُ دُنيَاهُ عَنْ آخِرَتِهِ يَخْشَى عَلَى مَنْ يَخْلُفُهُ [يُخْلَفُ] الْفَقْرَ وَ يَأْمَنُهُ عَلَى نَفْسِهِ فَيَفْنِي عُمُرَهُ فِي مَنْفَعَةٍ غَيْرِهِ وَ عَامِلٌ عَامِلٌ فِي الدُّنْيَا لِمَا بَعْدَهَا فَجَاءَهُ الَّذِي لَهُ مِنَ الدُّنْيَا بَغِيرُ عَمَلٍ فَأَخْرَزَ الْخَطِئِينَ مَعًا وَ مَلَكَ الدَّارَيْنِ جَمِيعًا فَأَصْبَحَ وَجْهًا عِنْدَ اللَّهِ لَا يَسْأَلُ اللَّهَ حَاجَةً فَيَمْنَعُهُ [فَيَمْنَعُهُ]» (صباحی صالح، ۱۴۱۴ق، ص ۵۲۲).

شرایط و ضوابط موضوع از جمله موضوع روان شناسی اسلامی

همواره با توجه به اهداف علمی، عملی و دغدغه‌های اندیشمندان علم، موضوع باید به گونه‌ای باشد که همه قواعد روان شناختی حاکم بر ارگانیزم انسان را پوشش دهد و موضوع دیگر علوم انسانی را تا جایی که ممکن است شامل نشود. موضوع به طور منطقی دست کم چهار شرط دارد: الف) جهت گیری روان شناختی؛ ب) جامعیت؛ ج) برخورداری از عنصر انسجام بخش؛ د) همسویی با اهداف علم مورد نظر، که هریک را با تفصیل بیشتری شرح می‌دهیم.

جهت گیری روان شناختی: موضوع دغدغه‌هایی مانند آزادی و اختیار انسان، رابطه روان و بدن، چستی یادگیری، زبان تفکر و سلامت و بیماری را پوشش دهد. به همین دلیل صرف نفس بما هو نفس نمی‌تواند موضوع علم روان شناسی باشد؛ زیرا نفس از آن جهت که نفس است موضوع هیچ علمی حتی علم النفس فلسفی نیز قرار نمی‌گیرد؛ مثلاً رابطه روان و بدن را که یکی از دغدغه‌های همیشگی روان شناسان چه بسا از پیچیده‌ترین مسائل روان شناختی است (ولف، ۱۹۹۷، ص ۱۱۶) را باید دربر بگیرد؛ بنابراین موضوع روان شناسی باید چنان در نظر گرفته شود که همه این دغدغه‌ها را پوشش دهد.

جامعیت: موضوع همچنین باید چنان باشد که همه قاعده‌مندی‌های مربوط به دغدغه‌های روان شناختی را پوشش دهد، به طوری که اندیشمند پیوسته با چالش عدم شمول روبه‌رو نشود تا مجبور شود پی‌درپی موضوع را تغییر دهد، همان رخدادی که در ارتباط با روان شناسی موجود رقم خورده است. وونت و پیروانش موضوع روان شناسی خود را هشپاری و فرایندهای آن قرار دادند و به این امر توجه نکردند که روان انسان جنبه‌های ناهشپار نیز دارد که به نوبه خود در انگیزه‌ها حتی شناخت‌های انسان بسیار مهم است. همین باعث شد که روان تحلیلگران بخش عمده توجه خود را به سطح ناهشپار روان معطوف کنند و فرایندهای هشپار را فرع ناهشپار قرار دهند. رفتارگرایان از هر دو روان هشپار و ناهشپار دست برداشتند و توجه خود به رفتار مشهود که بخشی از کنش‌های انسانی است معطوف کردند. وقتی پی بردند که ارگانیزم رفتارش تحت تأثیر رویدادهایی است که در درون آن رخ می‌دهد، در تعریف رفتار توسعه دادند و آن را از رفتار مشهود به چیزی گسترش دادند که آنچه در درون ارگانیزم هم رخ می‌دهد را دربر بگیرد. در آغاز در روان شناسی‌های رایج حتی در حیطه روان تحلیلگری که بنیان‌گذار آن فروید خود متخصص سیستم عصبی بود، اهمیت چندانی به بدن و فرایندهای بدنی داده نمی‌شد؛ اگر نگوییم هیچ اهمیتی داده نمی‌شد. در ادامه روان شناسی امروز چنان مشی می‌کند که گویی موضوع آن همان بدن و فرایندهای بدنی است از آن جهت که حالت‌ها و فرایندهای روان شناختی را به همراه دارد، نگاهی که روان شناسان زیستی مانند جیمز کالات به دنبال تثبیت آنند (بونژه و آردیلا، ۱۹۸۷؛ گلاسمن و هداد، ۲۰۰۹؛ آذربایجانی، ۱۳۹۹).

اشتمال بر عنصر انسجام‌بخش: وجود عنصر انسجام‌بخش در موضوع همواره حرکت علمی اندیشمند را جهت‌دهی می‌کند. فقدان چنین عنصری نتیجه‌اش آن می‌شود که روان‌شناسان قطعه‌های پازل روان‌شناسی را چنان چیده‌اند که بونژه و آردیلا آن را به نقاشی تشبیه کردند که حاوی تمام رنگ‌هاست، که یا آن را دیوانه‌ای زبردست نقاشی کرده یا حاصل کار انبوه هنرمندانی است که به صدها هنر و حرفه متفاوت و مکتب‌های مختلف تعلق دارند. در روان‌شناسی اسلامی با اینکه موضوع نفس بما هو نفس نیست؛ لیکن نفس عنصر وحدت‌بخشی است که همواره جنبه‌ای از جنبه‌های آن را از نظر می‌گذرانیم. به بیان ملاصدرا «و أما الذی استقر علیه اعتقادنا فهو أن النفس کل القوى و هی مجموعها الوحیدانی و مبدؤها و غایتها» (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ص ۵۱). بنابراین در روان‌شناسی اسلامی نفس به‌عنوان عامل یا قوه انسجام‌بخش همه کنش‌ها، حالت‌ها و فرایندهایی است که در این علم از آنها گفت‌وگو می‌شود.

همسویی با اهداف: همسویی موضوع با اهداف از عوامل تأثیرگذار در چارچوب موضوع است. علوم دو هدف علمی و عملی را دنبال می‌کنند. هدف علمی هر دانش توصیف، تبیین و پیش‌بینی واقعیت‌ها درباره موضوعی است که از آن بحث می‌کند؛ لیکن هدف عملی علم آن رسالت و مأموریتی است که از ساماندهی علم دنبال می‌شود. روان‌شناسی قبل از جنگ جهانی دوم، درمان بیماری روانی، تبدیل زندگی انسان به زندگی پربارتر و رضایت‌بخش‌تر و شناسایی و پرورش افراد دارای استعداد بالا را دنبال می‌کرد (اسنایدر و لوپز، ۲۰۰۲، ص ۴). این مأموریت‌ها در روان‌شناسی اسلامی منحصر به زندگی دنیا نیستند و به طریق اولی زندگی اخروی او را نیز دربر می‌گیرند؛ زیرا دین اسلام علم را کشف واقع^۱ و هدف‌نهایی از رشته علمی را تأمین سعادت دنیوی و اخروی افراد می‌داند؛ چنان‌که پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرموده است: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ»؛ هرکس به درستی خود را بشناسد، به‌راستی خدای خود را شناخته است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۲؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۶۵۶؛ جعفر بن محمد الصادق علیه السلام، ۱۴۰۰ق، ص ۱۳).

موضوع منتخب برای روان‌شناسی اسلامی

با توجه به شرایط مذکور برای موضوع به‌ویژه جامعیت، برخورداری از عنصر انسجام‌بخش و همسویی با اهداف، هیچ‌یک از هشیاری، جریان هشیاری، ساختار روان و ناهشیار، رفتار، شناخت و فرایندهای شناختی، مغز و فرایندهای مغزی نخاعی و حالت‌های مربوط به آنها، شخص و تجربه‌های شخصی و

۱. ر.ک: محمدتقی مصباح یزدی، رابطه علم و دین.

نقاط قوت و توانمندی‌های انسان، صلاحیت لازم برای موضوع روان‌شناسی را ندارند. اکنون با توجه به مبانی روان‌شناسی اسلامی (ناروئی نصرتی و گروهی از نویسندگان، ۱۴۰۲)، دغدغه‌مندی‌های روان‌شناسان از آغاز تاکنون و چهار شرطی که برای موضوع روان‌شناسی برشمردیم، موضوع روان‌شناسی اسلامی را واقعیتی شامل پنج مؤلفه معرفی می‌کنیم: سازمان‌یافتگی‌ها، دگرگونی‌ها، حالت‌ها، کنش‌های روان و فرایندهای زیرین آنها. این پنج مؤلفه علاوه بر برخورداری از شرایط ذکرشده به سهولت از منابع اسلامی قابل استنباط هستند که به شرح هریک می‌پردازیم.

(الف) روان: مراد از روان که مضاف‌الیه چهار مؤلفه سازمان‌یافتگی، دگرگونی‌ها، حالت‌ها و کنش‌ها قرار گرفته، نفس است. مراد از نفس همان چیزی است که برخی روان‌شناسان از آن به mind یا psyche یاد کرده‌اند و در زبان فارسی آن را روان نامیده‌اند (آذربایجانی، ۱۳۹۹، ص ۱۱۴-۱۱۶). همان واقعیتی که یکی از برجسته‌ترین پایه‌گذاران روان‌شناسی زیستی ویلدر پنفیلد (۱۸۹۱-۱۹۷۶) پس از آنکه سال‌ها پیرو فرضیهٔ یگانه‌گرایی مادی بود و روان را محصول مغز مادی می‌دانست، اظهار کرد: «ساده‌تر و منطقاً بسیار آسان‌تر است که بپذیریم وجود انسان از دو عنصر اساسی تشکیل شده که همان روان و مغز است و هریک از اینها برای خود شکلی خاص از انرژی دارند» (ولف، ۱۹۹۶، ص ۱۱۶؛ پنفیلد، ۱۹۷۵). همان که پنفیلد درباره‌اش می‌گوید:

وظیفهٔ اصلی عالم اعصاب آن است که تلاش کند رفتار را بر پایهٔ سازوکارهای عصبی صرف تبیین کند. این موجود دوپایی که در مقابل خدای خودش به منظور نیایش زانو می‌زند، بر پاهای خود استوار می‌ایستد تا ارتشی را هدایت کند، یا شعری را بنویسد، یا خندقی را حفر کند، یا از زیبایی طلوع خورشید به وجد می‌آید، یا بر بیهودگی‌های این جهان می‌خندد. به نظر من به مراتب منطقی‌تر به نظر می‌رسد که بگوییم؛ چنان که در پایان سخنرانی‌های تاپر^۱ در دانشگاه هاپکینز^۲ در سال ۱۹۵۰ اعلام کردم، روان باید جوهری متمایز و متفاوت از بدن در نظر گرفته شود (پنفیلد، ۱۹۷۵ ص ۶۲).

همان واقعیتی که جان اکلس^۳ با نقل قطعه‌ای شعرگونه از چالز شریگتون^۴ از آن پرده برمی‌دارد: هر صبحکه بیداری گذریست که بر آن خوب یا بد، در هر نمایش طنز، تقلید و لودگی یا حزن‌انگیز، نقابی عجیب به نام «خود» سایه افکنده است. خود همه‌جا هست تا آن

-
1. Thayer Lectures
 2. Hopkins University
 3. Sir John C. Eccles
 4. Charles Sherrington

دم که به خواب ناز فرو رود. خود یک واحد یکپارچه است. به استمرار حضورش در خواب نیز خلل چندانی وارد نمی‌شود، از خودبیگانه نشدنش در رویدادهای حسی در درون، ثبات نقطه‌نظراتش، خلوت تجربه‌هایش، دست به دست هم می‌دهند تا از آن وجودی واحد به نمایش بگذارند... این نقاب عجیب خودش را واحد می‌داند، دیگران هم با آن به منزلهٔ واحد رفتار می‌کنند. با یک نام خطابش می‌کنند. خودش و دیگران آن را به همراه بدنی می‌شناسند که توسط خودش و دیگران به صورت یکپارچه متعلق به آن خود شمرده می‌شود. به صورت خلاصه، باور بی‌چون‌چرا و بدون تردید، آن وجود را واحد می‌شمارند. منطق دستور زبان هم با به‌کارگیری ضمیر مفرد برای آن بر یگانگی‌اش مهر تأیید می‌نهد. این همه تنوع و دگرگونی‌اش به واقعیت واحد باز می‌گردند (شرینگتون، ۱۹۵۱، به نقل از: اکلس ۱۹۹۴، ص ۱).

ما نیز در این نوشتار مرادمان از روان همان جوهر مجزا و متفاوت از بدن است که از آن در فلسفهٔ اسلامی به نفس یاد می‌شود و در برخی شرایط به‌خصوص آنجایی که به شکل مجزا از بدن در نظر گرفته می‌شود و از آن به من، خود، خویشتن و مانند آن یاد می‌کنیم، لیکن نه نفس بما هو نفس؛ بلکه ما از آن ابعاد از نفس در روان‌شناسی بحث می‌کنیم که دغدغهٔ روان‌شناسان بوده و هست.

ب) سازمان‌یافتگی‌ها: سازمان‌یافتگی در این نوشتار مترادف با organization, structure و configuration است که به هر چیزی گفته می‌شود که از قسمت‌های مختلف تشکیل شده که با همدیگر سامان یافته‌اند و در کنار هم یک سازمان را شکل داده‌اند (فرهنگ رندم هاوس، ۱۹۹۹)؛ چنان‌که رایموند کرسینی^۱ می‌گوید: «سازمان‌یافتگی عبارت است از نظم و ترتیب خاص در مواد تشکیل‌دهنده یا قسمت‌های یک چیز به‌عنوان یک کل؛ به‌عنوان مثال یک جمله، خانه و هشیاری» (کرسینی، ۱۹۹۹). بنابراین مراد ما از سازمان‌یافتگی روانی هر ساختار روانی با ترتیب و تنظیمات ویژه است که به شکل هدفمند در درون انسان شکل می‌گیرد، تحول می‌یابد و به نقطه‌ای خاص از شکوفایی می‌رسد و نیازی از نیازهای انسان در سایهٔ آن برآورده می‌شود؛ مانند سازمان‌یافتگی علم‌دوستی، خداجویی و خداخواهی، سازمان‌یافتگی خوردن و آشامیدن، میل جنسی و همهٔ سازمان‌یافتگی‌های مرضی مانند اضطراب، افسردگی، وسواس و غیر آن را دربر می‌گیرد. بنابراین در روان‌شناسی اسلامی از همهٔ سازمان‌یافتگی‌های روانی اعم از فطری و اکتسابی، مثبت و منفی بحث خواهد شد.

ج) دگرگونی‌ها: مراد از دگرگونی همه تغییرات اعم از جسمی و روانی است که در طول زمان برای ارگانیزم از انعقاد نطفه تا دم مرگ و حتی پیش از انعقاد نطفه تا بعد از مرگ رخ می‌دهد؛ بنابراین رشد شناختی، اخلاقی، معنوی و دیگر ابعاد تحولی حتی دگرگونی‌های بدنی تا جایی که با تحولات روانی ارتباط دارند در قلمرو روان‌شناسی اسلامی جای دارند.

د) حالت‌ها: حالت مترادف state در روان‌شناسی است که به معنای شرایط یا وضعیتی مربوط به موجود یا سازمان در زمان خاص است که مؤلفه‌ها یا عناصر آن از ثبات نسبی برخوردارند. هرچند مؤلفه‌ها یا عناصر ممکن است در اصل از لحاظ کمی با ثبات باشند؛ ولی می‌توانند دارای پویایی نیز باشند؛ مانند حالت فزون‌کنشی یا حالت تغییر دائم (وندن‌باس، ۲۰۱۳). در روان‌شناسی اسلامی آنچه بر آن حالت روانی اطلاق می‌شود از آن بحث خواهد شد و یا اینکه جای بحث آن در این رشته علمی وجود دارد؛ به‌عنوان مثال بیهوشی و درد که بر ارگانیزم بعد از عمل جراحی و جراحات برداشتن یا سوختگی حاصل می‌شود. از سبک‌های دین‌داری و حالت‌های مربوط به آنها مثلاً خلسه، جذبه، فنا و... گفت‌وگو خواهد شد. برخی از پدیده‌های خاص دینی که در ادیان دیگر رواج دارد و قدری لازم است با نگاه روان‌شناختی به آن پرداخته شود؛ مانند زخم‌های مقدس^۱ و پیدایش آنها مدنظر قرار می‌گیرد.

ه) کنش‌ها: مراد از کنش^۲ در روان‌شناسی بیشتر کنش حرکتی است که به معنای وقوع حرکتی است که دارای سه مرحله شامل طراحی، برنامه‌ریزی و اجرای حرکتی است. در این فرایند تنها آخرین مرحله قابل مشاهده است که تغییری را در محیط به وجود می‌آورد. دو مرحله دیگر یعنی طراحی و برنامه‌ریزی که داری شرح و بسط دقیق ذهنی قبل از شروع کنش هستند، هدف را تعیین می‌کنند و راهبردی را هم که باید اتخاذ گردد را تعیین می‌کنند (طراحی)، و همچنین زنجیره حرکت‌هایی که لازم است که انجام شود (برنامه‌ریزی) (هودی، ۲۰۰۴، ص ۴) در زمره کنش قرار دارند. در روان‌شناسی اسلامی مراد از کنش هر کار هدفمندی است که ارگانیزم به انجام می‌رساند، اعم از افعال بیرونی و به‌اصطلاح جوارحی که به‌وسیله اعضای ظاهری بدن انجام می‌شود، یا کارهای درونی و به‌اصطلاح جوانحی به روح و مغز و گرایش و بینش انسان مربوط می‌شود و به همین دلیل نیز از دید دیگران پنهان می‌ماند؛ مثل اندیشه‌ها و خیالاتی که در عقل و روح انسان جریان می‌یابد، مصداقی است از حرکت و فعل، و هر حرکت لزوماً جهت و مقصدی را دنبال می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۱؛ صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ص ۵۱).

1. stigmata

2. action

3. Houde, O.

و) فرایندهای زیرین: فرایند معادل واژه process است. process به زنجیره‌ای از رویدادها و کنش‌های اطلاق می‌شود که تغییری را در حالت یک سازمان یا موقعیت به دنبال دارند (ماتسوموتو،^۱ ۲۰۰۹، ص ۴۰۱). آرتور اس. ربر برای واژه فرایند شش معنا ذکر می‌کند و می‌گوید این اصطلاح در روان‌شناسی معانی گوناگون و غنی‌ایی دارد، اما همه آنها با ریشه لاتین آن processus که به معنای «حرکت به جلو و پیش‌رفتن است»، هماهنگی دارند و تلویحاً پیشرفت گام‌به‌گام به سوی مقصد یا هدفی را القا می‌کند (ربر، ۱۹۹۵، ص ۶۰۰-۶۰۱). در روان‌شناسی اسلامی مراد از فرایندها به‌طور مشخص چهار دسته فرایند است که در ورای سازمان‌یافتگی‌ها، دگرگونی‌ها، حالت‌ها و کنش‌های روانی فعالیت می‌کنند: فرایندهای شناختی، هیجانی، عاطفی و فرایندهای بدنی یا فیزیولوژیک.

فرایندهای شناختی: طبق تعریف مراد از فرایندهای شناختی هر کارکرد روانی است که به نظر می‌آید در اکتساب، ذخیره‌سازی، تفسیر، دست‌کاری، دگرگون‌سازی و کاربرد دانش دخالت دارند (وندن‌باس،^۲ ۲۰۱۳، ص ۱۱۸). در روان‌شناسی اسلامی مراد از فرایندهای شناختی همه فعالیت‌های شناختی اعم از تصور، مرور ذهنی،^۳ قضاوت، بازبایی،^۴ ایمان‌آوری و کفرورزی را دربر می‌گیرد. فرایندهای شناختی همچنین قضاوت‌های عقل نظری و عقل عملی را دربر می‌گیرد. به‌علاوه از سطوح مختلف شناخت اعم از هشیار و ناهشیار که در شکل‌دهی سازمان‌یافتگی‌ها، حالت‌ها و کنش‌های نفسانی دخالت دارند سخن به میان خواهد آمد. این به آن دلیل است که همه اینها در گستره نفس انسان یا همان روان رخ می‌دهند و بر آنها قواعدی حاکم است؛ بنابراین از مباحث مدنظر هستند.

فرایندهای هیجانی: هیجان الگویی واکنشی و پیچیده است که عناصر تجربه‌ای، رفتار و فیزیولوژیک به همراه دارد که فرد به مدد آنها تلاش می‌کند با واقعیت یا رویدادی را که برایش اهمیت دارد روبه‌رو شود. ویژگی خاص هیجان، به‌عبارت‌دیگر اینکه در درون انسان چه نوع هیجانی برانگیخته می‌شود (به‌عنوان مثال ترس و شرم) به اهمیت خاص رویداد باز می‌گردد؛ به‌عنوان نمونه اگر امر مهم تهدید باشد احتمالاً هیجان ترس فعال خواهد شد، اگر هیجان ناخرسندی از فردی را دربر داشته باشد، می‌تواند هیجان شرم را برانگیزد (وندن‌باس، ۲۰۱۳، ص ۲۰۳). هیجان‌ها می‌توانند سازمان‌یافتگی‌های خاص،

1. Matsumoto, D.

2. VandenBos, G. R.

3. rehearsal

4. retrieval

حالت‌ها و کنش‌های ویژه‌ای را به دنبال داشته باشند؛ چنان که علی‌علیه می‌فرماید: «فَارْفُضِ الدُّنْيَا فَإِنَّ حُبَّ الدُّنْيَا يُغَمِّي وَ يُصِمُّ وَ يُكَيِّمُ وَ يُزِلُّ الرَّقَابَ»؛ از دنیا روی برگردان؛ زیرا دوستی دنیا فرد را کور و کر می‌کند و لال می‌سازد و گردن‌ها را به ذلت فرود می‌آورد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۳۶). در روان‌شناسی اسلامی این فرایندهای هیجانی نیز که سبب یا زمینه‌ساز سازمان‌یافتگی‌ها، حالت‌ها یا کنش‌های خاص هستند نیز بررسی می‌شوند.

فرایندهای عاطفی: عاطفه خود نوعی هیجان است که علاقه‌مندی، مهربانی و محبت‌ورزی به‌خصوص در موارد غیرجنسی را دربر می‌گیرد؛ به‌عنوان مثال عواطف از نوع دلبستگی هیجانی که میان افراد به‌خصوص میان کودکان و سرپرستان و مراقبان آنان به وجود می‌آید که بر آن روابط عاطفی نیز اطلاق می‌شود (وندن‌باس، ۲۰۱۳، ص ۱۷؛ پورافکاری، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۵). عاطفه و پیوند عاطفی همان است که مادر را برای نجات فرزند به درون آتش می‌برد، همان حس و تجربه‌ای که ما را به چنان تلاش و کوششی وامی‌دارد که حتی دچار خودفروشی می‌شویم؛ چنان که خداوند در قرآن می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال و فرزندان‌تان شما را از یاد خدا غافل نکند! و کسانی که چنین کنند، زیان‌کارانند»^۱ (منافقون: ۹).

فرایندهای جسمانی: فرایندهای جسمانی در زمره فرایندهایی هستند که از نگاه اندیشمندان مسلمان بر سازمان‌یافتگی‌ها، حالت‌ها و کنش‌های انسان بسیار تأثیرگذارند (نارویی نصرتی و همکاران، ۱۴۰۲). این همان چیزی است که از آن به ارتباط نفس و بدن یا روان و بدن یاد می‌شود و دیوید ولف (۱۹۹۷) از آن به‌منزله مسئله‌ای که تاکنون حل‌نشده و حتی لاینحل یاد می‌کند (ولف، ۱۹۹۷، ص ۱۱۷). بحث از فرایندهای جسمانی همواره یکی از بحث‌های اساسی در میان اندیشمندان مسلمان بوده و ارتباط میان حالت‌های بدنی و کارکردهای روان را وثیق و منحصر به فرد می‌دانسته‌اند (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۸، ص ۵۱-۵۲). در روان‌شناسی اسلامی از اصل پیوند میان روان و بدن سخن به میان خواهد آمد؛ همچنین از نحوه ارتباط روان با بدن گفت‌وگو خواهد شد. جزئیات ارتباط روان با بدن مانند جانبی‌سازی^۲، موضع‌یابی، موضع‌یابی کارکرد^۳ و غیر آن که با کارکردهای روانی ارتباط دارند نیز گفت‌وگو خواهد شد.

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ».

2. localization

3. localization of function

جدول ۲: موضوع‌های پیشنهادی برای روان‌شناسی اسلامی

شرایط	جهت‌گیری روان‌شناختی	برخورداری از عامل انسجام‌بخش	جامعیت	همسویی با اهداف نظری و عملی
روان (نفس)	غیربرخوردار	برخوردار	نابرخوردار	نابرخوردار
روح	غیربرخوردار	برخوردار	نابرخوردار	نابرخوردار
فطرت	غیربرخوردار	غیربرخوردار	نابرخوردار	غیربرخوردار
عمل	برخوردار	غیربرخوردار	غیربرخوردار	برخوردار
موضوع‌های پیشنهادی برای روان‌شناسی اسلامی				
موضوع منتخب: سازمان‌یافتگی‌ها، دگرگونی‌ها، حالت‌ها و کنش‌های روان و فرایندهای زیرین آنها	برخوردار (جهت‌گیری همه مؤلفه‌ها روان‌شناختی است)	برخوردار (روان به‌منزله مضاف‌الیه که همان نفس است اعمال انسجام‌بخش می‌باشد)	برخوردار (همه دغدغه‌های روان‌شناسان و همچنین برخی دغدغه‌های غیرموجود در روان‌شناسی، ولی دارای اهمیت روان‌شناختی را دربر می‌گیرد)	برخوردار (همه اهداف نظری و عملی علم روان‌شناسی را پوشش می‌دهد)

نتیجه‌گیری

مباحث روان‌شناختی اعم از دوران پیش‌علمی تا دوران علمی همواره بر پایه موضوعی خاص بنا شده است؛ زیرا برخورداری از موضوع ویژگی همه علوم است. در طول تاریخ روان‌شناسی موضوع از بدن به‌ویژه سر آغاز شد و با بدن و ساختار داخلی آن به‌خصوص مزاج‌های چهارگانه ادامه یافت. وونت هشجاری و عناصر بنیادین آن را به‌منزله موضوع روان‌شناسی قرار داد. بعد از وونت رفتار، آن هم رفتار مشهود موضوع روان‌شناسی قرار گرفت. از پی رفتارگرایان ساختار روان به‌ویژه ناهشیار موضوع روان‌شناسی گردید. با به‌صحنه آمدن دوباره شناخت‌گرایان، شناخت و فرایندهای آن به‌عنوان موضوع روان‌شناسی مطرح شد. در ادامه در رویکرد زیستی بدن به‌خصوص سیستم اعصاب مرکزی به‌منزله موضوع روان‌شناسی انتخاب گردید که رویکرد علم اعصاب‌شناختی را نیز می‌توان خرده‌رویکرد به‌همراه خرده‌موضوعی برای دو رویکرد شناختی و زیستی به‌حساب آورد. رویکرد انسان‌گرایی به‌عنوان جریان سوم در روان‌شناسی و در درون آن روان‌شناسی مثبت، شخص و تجربه‌های شخصی و توانمندی‌ها و نقاط قوت انسان را به‌عنوان موضوع برگزیدند؛ چنان‌که با اندکی دقت روشن می‌شود هریک از این

موضوع‌ها تنها جنبه‌ای سازمان روانی انسان را تشکیل می‌دهند. به همین دلیل روان‌شناسان در گذر زمان مجبور شدند در مواجهه با چالش‌های فراوان عدم‌شمول و عدم فراگیری بر همه قاعده‌مندی‌های مربوط به دغدغه‌های روان‌شناختی، پی‌درپی موضوع را تغییر دهند که به روند آن اشاره کردیم. این مشکل و عدم انسجام در این دانش تاکنون باقی مانده است.

شاید به دلیل پراکندگی موضوع به همراه اشکالات اساسی دیگر، رویکردهای دینی در روان‌شناسی شکل گرفت که یکی از رویکردها، رویکرد اسلامی می‌باشد. در رویکرد اسلامی تاکنون چهار دیدگاه درباره موضوع روان‌شناسی پدید آمده است که به ترتیب نفس، روح، فطرت و عمل را به‌منزله موضوع روان‌شناسی اسلامی برگزیده‌اند، لیکن هیچ‌یک از این چهار عنوان ظرفیت لازم برای اینکه موضوع روان‌شناسی قرار گیرند را ندارند؛ زیرا هیچ‌یک شرایط چهارگانه جهت‌گیری روان‌شناختی، جامعیت، برخورداری از عنصر انسجام‌بخش و همسویی با اهداف را ندارند. طبق این پژوهش موضوع روان‌شناسی اسلامی، سازمان‌یافتگی‌ها، دگرگونی‌ها، حالت‌ها و کنش‌های روان و فرایندهای زیرین آنها به‌دست آمد، که در این موضوع مراد از روان همان نفس است که در آن اولاً نفس بما هو نفس موضوع روان‌شناسی نیست؛ زیرا نفس با گستردگی و همه ابعاد وجودیش در واقع موضوع همه علوم انسانی را می‌سازد. در سطح روان‌شناختی مسائلی مانند وجود نفس، ماهیت آن از جمله عناصر تشکیل‌دهنده آن، کیفیت پیدایش آن، رابطه با بدن و دیگر سطوح عالم هستی در علم‌النفس فلسفی سخن به میان خواهد آمد؛ ثانیاً در سطح قواعد روان‌شناختی که بدنه علم روان‌شناسی را شکل می‌دهد، اصالتاً از سازمان‌یافتگی‌های نفس، دگرگونی‌های نفس، حالت‌های نفس، کنش‌های نفس و فرایندهای زیرین این امور در درون نفس سخن به میان خواهد آمد، که مجموعه گزاره‌های علمی به‌دست‌آمده در این ارتباط علم روان‌شناسی را سامان می‌دهند.

منابع

- نهج البلاغه (۱۴۱۴ق). صبحی صالح. قم: هجرت.
- آذربایجانی، مسعود (۱۳۹۹). *فلسفه علم روان‌شناسی*. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.
- این بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. مصحح: علی‌اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۴ق). *الشفاء*. قم: انتشارات کتابخانه آیه‌الله العظمی المرعشی النجفی.
- باقری، خسرو (۱۳۷۴). پیش‌فرض‌های روان‌شناسی اسلامی. *فصلنامه حوزه و دانشگاه*، ۲(۳).
- باقری، خسرو (۱۳۷۵). *دیدگاه‌های جدید در فلسفه تعلیم و تربیت*. تهران: نقش هستی.
- بهمنیار بن مرزبان (۱۳۴۹). *التحصیل*. تهران: دانشگاه تهران. دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
- پورافکاری، نصرت‌الله (۱۳۸۰). *فرهنگ جامع روان‌شناسی - روان‌پزشکی: انگلیسی فارسی*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). *غررالحکم و دررالکلم*. محقق: سیدمهدی رجائی. قم: دار الکتب الاسلامی.
- جعفر بن محمد الصادق (۱۴۰۰ق). *مصابح الشریعه*. بیروت: اعلمی.

- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۸). در قلمرو معرفت روان‌شناسی اسلامی. گردآوری، تنظیم و تلخیص: محمدرضا جوادی. تهران: پیام آزادی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). فطرت در آینه قرآن. فصلنامه انسان‌پژوهی دینی، ۷(۲۳)، ۲۷-۲۳.
- ژاله‌فر، تقی (۱۳۸۲). مبانی روان‌شناسی از دیدگاه اسلام. زنجان: نیکان کتاب.
- شیرازی، صدرالدین محمد (۱۳۸۳). الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه. اشراف: سیدمحمد خامنه‌ای. تصحیح، تحقیق و مقدمه: علی اکبر رشاد. تهران: بنیاد حکمت صدرا.
- شیرازی، صدرالدین محمد (۱۹۸۱). الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۳). الرسائل التوحیدیة. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۰۲ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعمی للمطبوعات.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی (ط-الاسلامیه). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن. تحقیق و نگارش: محمدحسین اسکندری. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۹). درباره پژوهش. تدوین و نگارش: جواد عابدینی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲). سیمای سرفرازان. تدوین و نگارش: کریم سبحانی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴). جنگ و جهاد در قرآن. تدوین و نگارش: محمدحسین اسکندری و محمد مهدی نادری قمی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۸). اخلاق در قرآن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۸). به سوی عرفان اسلامی. تدوین و نگارش: محمد مهدی نادری قمی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۲). فطرت. تهران: صدرا.
- معلمی، حسن (۱۳۹۵). نفس و روح در فلسفه اسلامی و آیات و روایات. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- نارویی نصرتی، رحیم (۱۳۹۸). نظریه خودیابی اسلامی در درمان وسواس. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- نارویی نصرتی، رحیم (۱۴۰۱). احساس و ادراک در روان‌شناسی و مقایسه آن با دیدگاه ماصلاص: ماهیت، فرایند و گستره. مجله ذهن، ۸۹، ۶۹-۹۰.
- نارویی نصرتی، رحیم و عبدی، حسن (۱۳۹۶). علم النفس از نگاه اندیشمندان مسلمان؛ زیر نظر سیدمحمد غروی راد. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- نارویی نصرتی، رحیم و گروهی از نویسندگان (۱۴۰۲). مبانی روان‌شناسی اسلامی؛ با نظارت علمی محمدجواد زارعان. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- Borch-Jacobsen Mikked and Sonu Shamdasani (2012). *The Freud Files: An Inquiry into the History of Psychoanalysis*. Cambridge University Press: New York.
- Bunge Mario and Ruben Ardila (1987). *Philosophy of Psychology*. Springer-Verlag: New York.
- Carlson. N. R. (2000). *Psychology: The Science of Behavior*. Needham Heights. MA: Allyn & Bacon.
- Cattoi Thomas and David M. Odorisio (2018). *Depth Psychology and Misticism*. Palgrave; Macmillan: USA.
- Cheung Chung Man and Michael Hyland (2012). *History and Philosophy of Psychology*. Wiley- Blackwell: USA.
- Collins John E. (1991). *Mysticism and New Paradigm Psychology*. Rowman and Littlefield Publishers. Inc: USA.
- Comer Ronald J. (2015). *Abnormal Psychology: Ninth Edition*. Worth Publisher: New York.
- Durant, Will (1997). *The Story of Civilizatin: The Age of Faith*. V4. MJF Books. New York.
- Freberg Laura A. (2019). *Discovering Behavioral Neuroscience: An Introduction To Biological Psychology*. California polytechnic State University: California.
- Freud, Sigmund (1895). *Project for a Scientific Psychology*. The Standard Edition of the

- Complete Works of Sigmund Freud, Volume 1. Hogarth Press: London.
- Greenwood John D. (2009). *A Conceptual History of Psychology*. McGraw-Hill Companies. New York.
- Henley Tracy B. (2024). *Hergenhahn's An Introduction to the History of Psychology; Ninth Edition*. Cengage: United States.
- Hergenhahn B. R. & Tracy B. Henley (2014). *An Introduction to the History of Psychology; Seventh Edition*. Wadsworth; Cengage Learning: United States.
- Hood Bruce (2012). *The Self Illusion: How the Social Brain Creates Identity*. Oxford University Press: New York.
- Hood, J. R. Ralph W., Peter C. (2009). Hill and Bernard Spilca. *The Psychology of Religion; An Practical Approach: 5th Edition*. Guilford Press: New York.
- Houde Olivier (2004). *Dictionary of Cognitive Science: Neuroscience, Psychology, Artificial Intelligence, Linguistics and Philosophy*. Psychology Press: New York.
- Joncich, G. (1988). *The Sane Positivist: A Biography of Edward L. Thorndike*. Middletown, CT: Wesleyan University Press.
- Kalat James W. (2017). *Introduction to Psychology: 11th*. Cengage Learning: United States.
- Kalat James W. (2019). *Biological Psychology: 13th*. Cengage: United States.
- Kazdin Alan E. (2000). *Encyclopedia of Psychology*. Volume 6. Oxford University Press: New York.
- Kring Ann M., Sheri L. Johnson, Gerald C. Davison and John M. (2010). Neal. *Abnormal Psychology: Eleventh Edition*. John Wiley & Sons, Inc. United States of America.
- Krull Douglas S. (2014). *Introduction to Psychology*. Kona Publishing and Media Group: Charlotte, North Carolina.
- Matsumoto David (2009). *The Cambridge Dictionary of Psychology*. Cambridge University Press: New York.
- Neisser Ulric (2014). *Cognitive Psychology: Classic Edition*. Psychology Press; Taylor & Francis Group: New York.
- Nolen Hoeksema Susan, Barbara L. (2009). Fredrickson, Geoff R. Loftus and Willem A. Wagenaar. *Atkinson & Hilgard's Introduction to Psychology: 15th Edition*. Wadsworth Cengage Learning: Australia and United States.
- O'Donohue William and Richard Kitchener (1999). *Handbook Of Behaviourism*. Academic Press: Toronto.
- Paloutzian Raymond F. and Crystal L. Park (2005). *Handbook of the Psychology of Religion and Spirituality*. The Guilford Press: New York.
- Penfield Wilder (1975). *Mystery of the Mind: A Critical Study of Consciousness and the Human Brain*. Princeton Legacy Library: New Jersey.
- Reber Arthur S. (1995). *Dictionary of Psychology; Second Edition*. Penguin Group: London.
- Richards Graham (2010). *Putting Psychology in Its Place: Critical Historical Perspectives: Third Edition*. Routledge; Taylor & Francis Group: London and New York.
- Rogers, C. R. (1969). *Freedom to learn*. Charles E. Merrill: Columbus, OH.
- Schultz Duane P. & Sydney Ellen Schultz (2011). *A History of Modern Psychology: 10th Edition*. Wadsworth; Cengage Learning.
- Shaffer David R and Katherine Kipp (2014). *Developmental Psychology; Childhood & Adolescence: Ninth Edition*. Jon- David Hague: United States.
- Simos, Gregoris (2002). *Cognitive behaviour therapy: A Guide for the Practising Clinician*. London: Philadelphia.
- Skinner, B. F. (1974). *About Behaviorism*. Alfred A. Knopf: New York.
- Sternberg Robert J. and Kternberg Karin (2012). *Cognitive Psychology: 6th Edition*. Wadsworth; Cengage Learning: United States.
- VandenBos Gary R. (2013). *APA Dictionary of Clinical Psychology*. American Psychological Association: Washington, DC.
- Watson, J. B. (1924). *Psychology From The Standpoint of A Behaviorist*. J. B. Lippincott Company: Philadelphia and London.
- Watson, J.B. (1913). *Psychology as the Behaviorist Views It*. *Psychology Review*, 20, 158 -177.
- Wulff David M. (1997). *Psychology of Religion: Classic and Contemporary*. Wheaton Collage: Massachusetts.
- Wulff David M. (1997). *Psychology of Religion: Classic and Contemporary*; 2th Edition. John Wiley & Sons. Inc. New York.

مدل مفهومی خطاهای شناختی در آموزه‌های قرآن کریم

Finding a Conceptual Model of Cognitive Errors in the Teachings of the Holy Quran

✉ میلاد شماخته / دانشجوی دکتری قرآن و روان‌شناسی جامعة المصطفی العالمیه، قم، ایران

محمد رضا احمدی محمدآبادی / دانشیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ایران

✉ **Milad Shamakhte** / PhD student of Quran and Psychology, Al-Mustafa Al-Alamiyah University, Qom, Iran
shamakhte1997@gmail.com

Mohammed Reza Ahmadi Mohammadabadi / Associate Professor of Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran

Abstract

Cognitive mistake is considered the basis of all human psychological abnormalities. This study aims to explore the conceptual model of cognitive mistakes in the Holy Quran using a mixed method of content analysis and quantitatively validation by experts. The findings of this research indicate that cognitive mistake consists of two components: error cognition and erroneous logic of thought: a) Superstition, superficiality, and fear of otherwise God provide the grounds for following conjecture and imagination. b) yielding to pressures, haste, and belief in vains lead to selective perception. c) Traditionalism, self-superiority, and hostility -disbelief in the realm of error cognition (the first component) pave the way for the distortion of truths. d) All components of erroneous logic of thought (following conjecture, imagination, selective perception, distortion of truths) culminate in "illogical deduction,"

چکیده

خطای شناختی اساس همه ناپهنجاری‌های روانی انسان تلقی می‌گردد. پژوهش حاضر با هدف استکشاف مدل مفهومی خطاهای شناختی در قرآن کریم به روش ترکیبی تفسیر موضوعی و روایی-سنجی از متخصصان صورت گرفت. یافته‌های این پژوهش نشان داد خطای شناختی از دو مؤلفه شناخت خطا و منطق فکری خطاساز تشکیل یافته است: الف) خرافه‌گرایی و سطحی‌نگری و ترس از غیرخدا زمینه پیروی از ظن - گمان و خیال‌پردازی را فراهم می‌آورد؛ ب) هرزباوری، جوپذیری و شتاب‌زدگی منجر به برخورد گزینشی می‌شود؛ ج) سنت‌گرایی، خودبرتربینی و عناد - حق‌ناباوری در ساحت شناخت‌های خطا (مؤلفه اول)، زمینه تحریف حقایق را فراهم می‌آورد؛ د) تمام مؤلفه‌های منطق فکری خطاساز (پیروی از ظن، خیال‌پردازی، برخورد گزینشی، تحریف حقایق) با رقم زدن «قیاس غیرمنطقی» عامل محوری خطای شناختی در قرآن کریم است. یافته‌های

which is the central factor of cognitive error in the Holy Quran. The quantitative study findings showed that the CVI index for sub-components ranged from 0.88 to 1, and the CVR index for sub-components ranged from 0.78 to 1. Therefore, cognitive mistake in the Holy Quran has a conceptual model with content validity that can be measured through a tool constructed.

Key words: cognitive errors, conceptual model, erroneous logic of thought, interpretation, interpretive narrations.

مطالعه کمی نشان داد که میزان شاخص CVI در زیرمؤلفه‌ها در دامنه ۰/۸۸ تا ۱ و میزان شاخص CVR در زیرمؤلفه‌ها در دامنه ۰/۷۸ تا ۱ است. بنابراین خطای شناختی در قرآن کریم مدل مفهومی و برخوردار از روایی محتوایی است که قابلیت سنجش در قالب ساخت ابزار را دارد.

کلیدواژه‌ها: خطاهای شناختی، مدل مفهومی، منطق فکری خطاساز، قرآن کریم، تفسیر.

مقدمه

معرفت درست و مطابق با واقعیت عامل مهمی برای یافتن حقیقت و آگاه شدن از زوایای مثبت زندگی است. ناآگاهی و آگاهی ناصحیح، انسان را در تحلیل درست وقایع محیط پیرامون دچار لغزش می‌کند. این امر در سازگاری و ناسازگاری افراد جامعه تأثیر فراوانی دارد و می‌تواند زندگی انسان را تحت‌الشعاع قرار دهد. برای داشتن یک زندگی مطلوب باید از تحریف اطلاعات جلوگیری نمود (الیس، ۱۹۷۳، به نقل از: پروچسکا، ۱۳۹۰، ص ۹۰). وقتی تفکر و رفتار آدمی عاقلانه باشد، موجودی کارآمد، شادمان، سرزنده و توانا خواهد بود؛ پس می‌توان گفت هر انسانی با اندیشه و افکار خود، زندگی‌اش را می‌سازد و جهت می‌دهد. وقتی حادثه‌ای برای فرد اتفاق می‌افتد، او بر اساس تمایلات درونی و ذاتی خود ممکن است برداشت متفاوت و متضاد از آن حادثه و رویداد داشته باشد (الیس، ۱۹۷۳، ص ۶۵)، یکی افکار، عقاید و باورهای منطقی و عقلانی و دیگری افکار، عقاید و برداشت‌های غیرمنطقی و غیرعقلانی. در حالتی که فرد تابع افکار و عقاید عقلانی و منطقی باشد، به عواقب و نتایج منطقی دست خواهد یافت و شخصیت سالمی خواهد داشت، اما در حالتی که فرد تحت‌تأثیر و دستخوش افکار و عقاید غیرمنطقی قرار می‌گیرد، با عواقب و نتایج غیرمنطقی و غیرعقلانی مواجه خواهد شد. در این حالت، فردی است مضطرب و ناراحت که شخصیت ناسالمی دارد (پروچسکا، ۱۳۹۰). خطاهای شناختی یعنی تفکر به شیوه جزمی و توأم با افکار غلط و غیرعقلانی که نتیجه آن اضطراب و افسردگی و مشکل در روابط بین فردی است، نیز باعث تغییر در احساسات فرد شده و باعث ایجاد زمینه‌های تنشی می‌شود (الیس، به نقل از: لیپی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۱). این خطاها توسط بک (۱۹۹۷) و الیس (۱۹۷۳) شناسایی شدند که در آن علل مشکلات روانی را وجود نوعی از این خطاها می‌دانند. آخرین یافته‌ها هم مبتنی بر تحقیقات بک (۱۹۹۹)

در کتاب *شناخت درمانی مبانی و فراتر از آن* به نگارش درآمده و در حال بررسی خطاهایی هستند که باعث ایجاد انحراف در فکر فرد شده و بر زندگی روزمره او تأثیر می‌گذارد (حمیدپور، ۱۳۹۷، ص ۱۶۰).

نسخه‌های شفابخش اسلام ضامن سعادت دنیوی و اخروی زندگی بشر است (مصباح یزدی، ۱۳۸۵). قرآن و روایات با عبارات مختلف، به موضوعاتی نظیر شناخت و اصلاح باور و معرفت صحیح می‌پردازند و بر نقش شناخت بر رفتار تأکید می‌کنند (غروی، ۱۳۸۶). قرآن کریم علاوه بر اینکه به امکان خطا در شناخت حسی و نیز به نمونه‌هایی از خطاهای ادراکی؛ مانند «ادراک سراب به جای آب» (نور: ۳۹) اشاره می‌کند، تکیه بر حس و حس‌گرایی صرف را آفت شناخت و معرفت می‌داند و کسانی که به دلایلی توانایی استنتاج امور غیرحسی از نشانه‌های حسی را ندارند، در زمره غافلان برشمرده، درباره آنها می‌فرماید: «آنها دل‌ها [عقل‌ها]یی دارند که با آن اندیشه نمی‌کنند، و چشمانی که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند (اعراف: ۱۷۹؛ بهشتی، ۱۳۷۸، ص ۳۴۱). افزون بر این، قرآن به اندک بودن سرمایه و ابزار علمی بشر، برای درک عمیق و نتیجه‌گیری از برخی معارف نیز اشاره کرده (اسراء: ۸۵)، و سطحی‌نگری را نیز آفت اندیشه و باور حقیقی انسان می‌داند؛ از جمله می‌فرماید که «(برخی) گمان می‌کنند هیچ‌کس آنها را نمی‌بیند» (بلد: ۷).

در بررسی ادبیات پژوهشی یافته‌ها حاکی از آن است که مفهوم خطای شناختی در یک جمله عبارت است از: «افکاری که به‌صورت خودکار پدید می‌آیند و حالت منفی دارند، با یکدیگر شباهت‌هایی دارند و قضاوت‌های ناصحیح برای انسان رقم می‌زنند» (یک، ۱۹۹۷، ص ۱۱۲). این افکار، به دلیل تشابهی که دارند طبقه‌بندی می‌شوند و اصطلاحاً به آنها «خطاهای شناختی» اطلاق می‌شود. در تمام صور خطاهای شناختی، انسان‌ها ذهن دیگران را می‌خوانند و تلاش می‌کنند احساسات و عقاید آنها را حدس بزنند. به حدس خود اعتماد و اعتقاد کامل دارند. این درحالی است که توانایی حدس قطعی را ندارند. این خطاها عامل کلیدی تعارضات و ایجاد تنش در روابط انسانی است (فتی و موتابی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۰).

با تتبعی در منابع تحقیقاتی، پژوهشی در حوزه خطاهای شناختی در قرآن کریم یافته‌هایی مشاهده گردید؛ از جمله مطالعه رحیمی‌زاده (۱۳۹۷) که جلوه‌گر سهم بالای شناخت و معرفت‌های بشر، در پیشرفت معنوی و تکامل اجتهادی

در نگاه وحی است. شاکرمی، زهراکار و محسن‌زاده (۱۳۹۳) میزان اثر تحریفات شناختی بر تعارضات میان‌فردی را بررسی کرده‌اند. چراغچی (۱۳۹۲) به بررسی تطبیقی باورهای غیرمنطقی در اسلام و روان‌شناسی پرداخته و بیان کرده که در بحث باورهای غیرمنطقی شباهت‌های زیادی بین یافته‌های دینی و روان‌شناسی معاصر است؛ لکن در محتوای پژوهش‌های مذکور «مدل مفهومی خطاهای شناختی در قرآن کریم» ارائه نشده است.

بر این اساس با توجه به فقدان مدل منسجم مبتنی بر مبانی اسلامی در فرایند شناسایی خطاهای شناختی در نگاه قرآن کریم و همسو بودن مفهوم این مسئله با برخی مفاهیم دانش روان شناسی، و نیز در نظر گرفتن آثار متعدد آموزه های دینی در درمان های شناختی، برآنیم که در قالب مدل مفهومی خطاهای شناختی را در قرآن کریم مورد پژوهش قرار دهیم؛ چراکه ضرورت مفهوم سازی مدون درخصوص پدیده های دینی از دیرباز مورد تأکید اندیشمندانی همچون اتو^۱ قرار گرفته است (وولف، ۱۳۸۶) که دستیابی به آن، از طریق ارائه مدل مفهومی مقدور است. منظور از «مدل» نمایش گرافیکی، یا نوع دیگری از نمایش یک مفهوم، یا فرایندهای رفتاری پایه یا بدنی است که برای اهداف تحقیقاتی مختلف؛ مانند افزایش آگاهی از یک مفهوم، ارائه فرضیه ها، نشان دادن روابط یا شناسایی الگوهای تخصصی به کار گرفته می شود (دلاور، ۱۳۸۶، ص ۱۱۱). ازاین رو منظور از مدل مفهومی «خطاهای شناختی در قرآن کریم» کشف مجموعه ای از متغیرها که در شکل گیری باور ناکارآمد و خطاساز دخیل هستند. از آنجا که سازه های نظری، مشاهده ناپذیرند، تنها کاری که می توان انجام داد بررسی روایی روابط موضوعه (مفروض) آنهاست (هومن، ۱۳۹۰، ص ۷۰). بر این اساس علاوه بر آنچه گفته شد، این مطالعه درصدد است تا میزان روایی ساختار سازه خطاهای شناختی مبتنی بر آموزه های قرآن کریم را بسنجد و درصدد پاسخگویی به این سؤالات برآید: مدل مفهومی خطاهای شناختی در قرآن کریم چه مؤلفه هایی دارد و میزان روایی محتوای آن چقدر است؟

روش پژوهش

روش پژوهش در زمره طرح های ترکیبی از نوع اکتشافی قرار دارد؛ ازاین رو محقق در مطالعه کیفی از روش تفسیر موضوعی (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۳، ج ۵، ص ۱۱۲) با تمرکز بر توصیف و تحلیل استفاده می کند. بدین منظور برای دستیابی به مدل مفهومی خطاهای شناختی، با استفاده از گزاره های موجود در آیات و تفاسیر و روایات تفسیری، مؤلفه ها و عوامل مؤثر بر خطای شناختی آنها استخراج و سپس مدلی گرافیکی از مفهوم خطای شناختی طراحی می شود. جامعه متنی پژوهش، قرآن کریم اعم از آیات قرآن کریم و تفاسیر روایات تفسیری معتبر است که به صورت هدفمند انتخاب شد. در مطالعه کمی برای دستیابی به روایی محتوا، از روش مراجعه به نظرات کارشناسان خبره استفاده شد. در این مطالعه، جامعه انسانی تمام پژوهشگران حوزوی دکتری در رشته های علوم انسانی است و با روش نمونه گیری در دسترس ۱۰ نفر از آنها انتخاب شد. بدین منظور از دو شاخص روایی محتوا CVI و ضریب نسبی روایی محتوا CVR استفاده شد.

۱. یافته‌های پژوهش

محقق سعی نموده منابع دینی را با تأکید بر محتواهای قرآنی، در زمینه برخی مؤلفه‌های شناخت درمانگری مثل باورهای غیرمنطقی^۱ و خطاهای شناختی^۲ با بررسی قریب سه هزار آیه مرتبط با شناخت و نیز نگاهی به روایات تفسیری معصومین^۳ استخراج کند. در مطالعه کیفی، با تتبع گزاره‌های توصیفی خطاهای شناختی برآمده از نگاه منابع دینی دارای دو مؤلفه شناخت خطا و منطق فکری خطاساز است، که تبیین هریک از آنها با ارائه مستندات متنی ارائه می‌گردد.

۱-۱. مؤلفه شناخت خطا

شناخت خطا از هشت ویژگی خرافه‌گرایی، وابستگی به غیرخدا، هرزباوری، جوپذیری، شتاب‌زدگی، عناد و روحیه حق‌ناپذیری سنت‌گرایی و خودبرتربینی، به‌دست می‌آید. در ذیل مستندات هریک از ویژگی‌های مزبور ارائه می‌شود.

۱-۱-۱. خرافه‌گرایی

قرآن کریم با اشاره به آسیب و آفت خرافه‌گرایی در شناخت (معادی‌خواه، ۱۳۷۸، ص ۵۴۸)، آن را عامل رواج بدعت‌ها و افتراها در جامعه کفرپیشگان جاهلی می‌داند، و از جمله مصادیق این بدعت‌ها و باورهای خرافی، حرام کردن چهار نوع از حیوانات اهلی (مائده: ۱۰۳)، قرار دادن سهمی از زراعت و چهارپایان برای بت‌ها (انعام: ۱۳۶)، قربانی کردن کودکان برای بت‌ها و افتخار به آن (انعام: ۱۳۷) را ذکر کرده است. پیامبر اسلام^ص بر دوری از تطیر و تفأل و دوری از خرافه‌گرایی تأکید می‌ورزند و می‌فرماید: «إِذَا تَطَيَّرْتَ فَأَمْضِ وَإِذَا ظَنَنْتَ فَلَا تَقْضِ وَإِذَا حَسَدْتَ فَلَا تَبْغِ»؛ هنگامی که فال بد زدی، بگذر و چون گمان بردی، بر اساس آن داوری مکن و آنگاه که حسد بردی، تجاوز مکن. حدیث دیگری در باب نهی از آویختن اشیای جادویی برای مصونیت از مشکلات آمده است: «سنگ‌ها، سود و زبانی - برای شما - ندارند» (بخاری، ۱۴۳۲ق، ص ۲۱۵۹). پیامبر اکرم^ص آویختن این اشیاء را با روح خداپرستی ناسازگار و نوعی شرک می‌دانست و می‌فرمود: «مَنْ عَلَّقَ تَمِيمَةً فَقَدْ أَشْرَكَ»؛ همانا هرکس تمیمه^۳ آویزان کند، شرک ورزیده است (طریحی، ۱۴۴۰ق، ج ۶، ص ۲۲). همچنین افروختن آتش برای باریدن باران، یکی دیگر از کارهای خرافی و بی‌اساس مردم جاهلی بود که پیامبر اکرم^ص با کندن چاه و قنات و

1. Irrational beliefs

2. Cognitive errors

۳. تمیمه: نظر قربانی

احیای زمین‌های بایر، آنها را از این کج‌اندیشی نجات داد و به آنان فهماند که برای هر معلولی، علتی وجود دارد و آنجا که علل مادی یافت نمی‌شود، از راه توسل و نماز استسقا می‌توانند مشکل خود را حل کنند. در زمان پیامبر اکرم^ﷺ گروهی از مردم از کمی باران و خشکسالی به ستوه آمده بودند، از حضرت خواستند که دعا کند. رسول اکرم^ﷺ به آنان گفت: زیر آسمان دعا کنید و نماز استسقا بخوانید! و حضرت دعا می‌کرد و مردم آمین می‌گفتند، تا زمانی که دعایش مستجاب شد (فیض کاشانی، ۱۳۹۰، ج ۹، ص ۱۳۱). در نگاه این روایات، خرافه‌گرایی یکی از خطاهای شناختی انسان‌ها تلقی شده است؛ چراکه علامه طباطبایی در *المیزان* معتقد است که خرافه‌گرایی، هم عقل نظری و هم عقل عملی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و قضاوت‌های انسان را خطاآلود می‌کند، از نگاه علامه طباطبایی بهتر است برای تبیین خطاساز بودن خرافه‌گرایی در زندگی بشر، ارکان آن ذکر شود تا تبیین جامع، مانع و واضح باشد. به این ترتیب:

۱. شخص خرافاتی که دارای منطق فکری خطاساز می‌شود؛ ۲. شیء مورد خرافات و رابطه علت و معلولی آن با پدیده‌های دیگر که خطا در اسنادها را رقم می‌زند؛ ۳. حکم‌کننده به خرافه بودن آن، که عبارت است از عقل و نقل مبتنی بر علم و دین (یعنی نادیده گرفتن واقعیت)؛ ۴. عوامل پیدایش خرافه که ترس یا جهل بسیط یا جهل مرکب و خطای در برداشت‌ها و تفسیرها و نگاه‌هاست (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۵۶).

۱-۱-۲. حس‌زدگی و سطحی‌نگری

قرآن کریم علاوه بر اینکه به امکان خطا در شناخت حسی و نیز به نمونه‌هایی از خطاهای ادراکی؛ مانند ادراک سراب به جای آب (نور: ۳۹) اشاره می‌کند، تکیه بر حس و حس‌گرایی صرف را آفت شناخت و معرفت می‌داند و کسانی که به دلایلی توانایی استنتاج امور غیرحسی، از نشانه‌های حسی را ندارند در زمره غافلان برشمرده، درباره آنها می‌فرماید: «آنها دل‌ها [عقل‌ها]یی دارند که با آن اندیشه نمی‌کنند، و چشمانی که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند (اعراف: ۱۷۹؛ بهشتی، ۱۳۷۸، ص ۳۴۱-۳۵۱). افزون بر این، قرآن به اندک بودن سرمایه و ابزار علمی بشر، برای درک عمیق و نتیجه‌گیری از برخی معارف نیز اشاره کرده (اسراء: ۸۵) و سطحی‌نگری را نیز آفت اندیشه و باور حقیقی انسان می‌داند؛ از جمله می‌فرماید که: «(برخی) گمان می‌کنند هیچ‌کس آنها را نمی‌بیند» (بلد: ۷)، و هیچ محاسبه و نظاره‌ای را مافوق خود نمی‌بینند. و گروهی در عین طمع رسیدن به سعادت ابدی، با محاسبه جاهلانۀ خود، به ادعای ایمان قناعت ورزیده، آرزوی زندگی بدون ورود در آزمایش‌ها، سختی‌ها و ناگواری‌ها را دارند (عنکبوت: ۲).

۱-۳-۱. ترس از غیرخدا، وابستگی به غیرخدا

واتسون^۱ ترس را یکی از سه هیجان فطری می‌داند. درست است که ترس یک نوع هیجان تلقی می‌گردد، لکن در این نوشتار بعد شناختی و معرفتی آن مدنظر است؛ چراکه ارسطو^۲ ترس را ناشی از برداشت فرد از جهان بیرونی و مرتبط با احساس درد و لذت می‌داند (استرنبرگ، ۲۰۰۳). ترس دارای چهار مؤلفه: ۱. شناختی (انتظار خطر، افکار، باورها)؛ ۲. بدنی (رنگ‌پریدگی پوست، تنیدگی عضلات، چهرهٔ بیمناک، تند شدن ضربان قلب، گشاد شدن رگ‌ها، عرق کردن، توقف ترشح اسید معده، فقدان کنترل مثانه، کاهش ترشح بزاق و خشکی دهان، آزاد شدن کربوهیدرات از کبد)؛ ۳. هیجانی (احساس دلهره، احساس مور مور شدن)؛ ۴. رفتاری (فرار، اجتناب، میخکوب شدن، پرخاشگری) می‌باشد. مؤلفهٔ شناختی ترس، انتظار خطری واضح و به‌خصوص است (روزنهان و سلیگمن، ۱۹۹۵)، اما همین ترس در ابتدا می‌تواند قضاوت‌های انسان را به چالش کشیده و او را دچار خطا کند. قرآن کریم در زمینهٔ ترس از غیرخدا که از دیگر لغزشگاه‌های اندیشهٔ بشر است (در جریان تغییر قبله)، می‌فرماید: «... از آنها ترسید! و (تنها) از من بترسید!» (بقره: ۱۵۰) و نیز آیهٔ ۱۶۵ سورهٔ بقره، نشانگر اوج وابستگی مشرکان به غیرخداست. به‌اتفاق تمام مفسران، مشرکان به غیرخدا وابسته‌اند و بدان‌ها عشق می‌ورزند و این وابستگی و پذیرش بدون اندیشه، فکر آنان را به بند می‌کشاند و پوچی و از خودبیگانگی را در پی دارد. عمومیت این وابستگی شامل هر مطاعی می‌شود؛ چون اطاعت غیرخدا و غیر کسانی که خدا به اطاعت آنان امر فرموده، خود شرک است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۰۶). خداوند متعال در تحلیل و تبیین علت عدم تعادل روانی افراد به این نکته اشاره می‌کند که ترس از حوادث ناگوار و آینده‌ای تلخ موجب می‌شود تا افراد اجتماع از حالت تعادل روانی خارج شده و تصمیماتی بگیرند که از اعتدال خارج است (احزاب: ۱۰-۱۱). از نظر آموزه‌های قرآن کریم کسانی که دل و قلب و ذهن خویش را به‌جای خدا میزبان افکار و اندیشه‌های غیر می‌کنند و در یک جنگ روانی در اثر ترس از او، گرفتار انفعال در شناخت صحیح و وادادگی و خطا در محاسبه‌ها می‌شوند، اینها نه تنها از ولایت الهی خارج می‌شوند؛ بلکه تحت ولایت طاغوت و اهداف پلید آن قرار می‌گیرند. این افراد روزبه‌روز مبتنی‌بر افکار خطا، منفعلانه عمل می‌کنند؛ زیرا دشمنانی چون شیطان تنها از طریق حربۀ «ارعاب و ترس و خوف» است که می‌تواند ولایت شیطانی و طاغوتی خویش را حفظ کند؛ از این‌رو اینان همواره از سوی غیرخدا مورد تهدید قرار می‌گیرند تا بیش از پیش در خدمت شیطان و اهداف ولایت طاغوتی آن باشند (آل عمران:

1. Watson

2. Aristotle

(۱۷۵-۱۷۶). از این آیات به دست می‌آید که شیطان مؤمنان را از کافرانی که تحت ولایت او هستند می‌ترساند تا این‌گونه اهدافش نیز پیش برود (فخر رازی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۸۹۰).

۴-۱-۱. شایعه‌پذیری و هرزباوری

قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آنها برسد، (بدون تحقیق) آن را شایع می‌سازند...» (نساء: ۸۳). علاوه بر این امامان معصوم^ع نیز اصحاب خود را از شنیدن و گفتن هر سخنی باز می‌داشتند و به آنان توصیه می‌کردند که دربان دل و گوش خود باشید، و در این امر به آیه ۳۶ سوره اسراء استناد می‌فرمودند (عروسی هویزی، ۱۴۱۵ق، ص ۵۹-۶۰): «و لیس لک ان تسمع ما شئت لان الله يقول: ان السمع و البصر...»؛ تو آزاد نیستی به هر سخنی که دلت بدان تمایل دارد، گوش فرادهی؛ زیرا خدای عز و جل می‌فرماید: «گوش و چشم و... مسئولیت دارند» (اسراء: ۳۶). هریک از ابزار ادراکی، اعم از حس ظاهر - سمع و بصر و... - و حس باطن - عقل و اندیشه و... - حجت الهی‌اند و آدمی با در اختیار داشتن چنین ابزاری مسئول است و باید در صراط صحیح گام بردارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۳، ص ۹۴). در خطبه ۷۸ نهج البلاغه می‌خوانیم: «فدع ما لاتعرف فان شرار الناس طائرون اليک باقاوليل السوء»؛ از نقل مطالبی که درباره آن اطلاع کافی ندارید پرهیز کن؛ زیرا اشرار، مطالب بی‌اساس یعنی شایعات را علیه من به گوش شما می‌رسانند. انسان‌ها با شنیده‌های خود تصمیم می‌گیرند و مسیر زندگی را با آن تنظیم می‌کنند؛ چنانچه امام جواد^ع فرمودند: «من اصغى الى ناطق فقد عبده»؛ کسی که گوش جان به کلام گوینده‌ای می‌سپارد چنان است که او را می‌پرستد (مجلسی، ۱۳۵۴، ج ۲، ص ۹۴).

۴-۱-۲. پیروی از اکثریت، تأثیرپذیری از قضاوت دیگران

در قرآن کریم جوپذیری و تبعیت ناآگاهانه از اکثریت، از آفات و خطاهای شناخت است. تصمیم اکثریت گمراه، نمی‌تواند ملاک درستی برای تصمیم‌گیری باشد. برای نمونه می‌فرماید: «و تو ای رسول، اگر از اکثر مردم روی زمین پیروی کنی، تو را از راه خدا گمراه خواهند کرد، که اینان جز از پی ظن و گمان نمی‌روند و جز اندیشه باطل و دروغ چیزی در دست ندارند» (انعام: ۱۱۶). امیر مؤمنان علی^ع نیز می‌فرماید: «در راه حق و هدایت، از کم بودن همراه نهراسید» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۱). بنابراین در شناخت و تفکر سالم، قضاوت‌های مردم درباره انسان نباید برای او ملاک باشد و نباید تحت تأثیر قضاوت و تشخیص دیگران قرار گرفت (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۲۸۶). قرآن کریم در آیه ۷ سوره توبه مؤمنان را موظف می‌کند که در مسیر کمالی خویش و پایبندی به هنجارهای اجتماعی، رو به شناخت صحیح و التزام به آن بیاورند

و خطا در شناخت را در عدم پایداری و تکیه بر قضاوت‌های دیگران معرفی می‌کند. اگر در این آیه با توجه به هنجارهای پسندیده عقلایی اجتماعی سخن از استقامت و پایداری و وفای به عهد و پیمان‌ها حتی نسبت به کافران و مشرکان سخن رفته است، در آیه ۱۰۴ سوره نساء نیز بر ارزشمندی و اهمیت پایداری و استقامت بر ایمان تأکید شده است که بیانگر این نکته است که پایداری و استقامت در همه حوزه‌های کمالی؛ از جمله شناخت کارآمد و معرفت صحیح از باورهای راستین و رفتارها و کردارهای اجتماعی موافق اصول عقلانی و شرعی امری پسندیده؛ بلکه واجب از نظر شرعی است و تأثیرپذیری از قضاوت‌های دیگران نوعی خطای شناختی است. قرآن کریم در آیات متعدد، این آسیب و لغزشگاه اندیشه بشر را مطرح کرده است (جعفری تبریزی، ۱۳۸۶، ص ۲۵۹)، و آن را توبیخ نموده و تأکید می‌کند که باورهای گذشتگان را مادام که با معیار عقل نسنجیده‌اید، نپذیرید (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۶۰). قرآن از احیا و فراخوانی روش نیاکان نابخرد و گمراه، با عنوان «اجابت دعوت شیطان» و «دعوت به آتش» (لقمان: ۲۱) تعبیر فرموده و این تعبیری حقیقی است، نه مجازی (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۸، ص ۵۵۷-۵۵۸). تقلید از نوع گذشته‌گرایی، ارتجاع، تبعیت از عقاید، اخلاق و رفتار گذشتگان و جمود در اصول پیش ساخته آنان، از آن جهت ممنوع است که پایه عقلایی صحیح نداشته باشند و فقط از آن جهت پذیرفته شود که سال‌ها یا قرن‌ها بر آن عقاید گذشته است (جعفری تبریزی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۸).

۱-۱-۶. عجله و شتاب‌زدگی

در قرآن کریم عجله و شتاب‌زدگی از آفات شناخت و مانع فهم سود و زیان خویش است. قرآن شتاب‌زدگی در اندیشه را یکی از علل انحطاط می‌داند؛ زیرا درک صحیح و قدرت تشخیص حق از باطل را از انسان می‌گیرد تا جایی که بدی را نیکی و بدبختی را خوشبختی و بیراهه را راه مستقیم می‌پندارد: «وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا» (اسراء: ۱۱). امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «خداوند در قرآن بندگان خویش را با دو آیه اختصاص داد و تأدیب فرمود: یکی اینکه در آیه ۱۶۹ از سوره اعراف فرمود: "تا به چیزی علم پیدا نکرده‌اند آن را تصدیق نکنند" (شتاب‌زدگی در تصدیق) و دیگر اینکه در آیه ۳۹ از سوره یونس فرمود: "تا به چیزی علم و یقین پیدا نکرده‌اند آن را رد و نفی نکنند" (شتاب‌زدگی در انکار)» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۱۹). شتاب‌زدگی انسان را از فکر و اندیشه کافی و کارآمد بازمی‌دارد و او را به‌سوی لغزش می‌کشانند. اگر در عرف جامعه مشهور است که «عجله کار شیطان است»، مستند دینی دارد. شاید از آنجاکه شیطان انسان را به‌سوی افکار خطا و اشتباه می‌کشانند، چنین عملی به شیطان که مظهر زشتی‌هاست، نسبت داده شده است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الْأَنَاةُ مِنَ اللَّهِ، وَالْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ»؛ درنگ از (صفات) خداست و شتاب‌کاری از

(صفات) شیطان است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «همیشه همراه با آرامش و درنگ، سلامت (از خطا و لغزش) است و همراه شتاب‌زدگی، پشیمانی» (صدوق، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۰۰).

۱-۷-۱. روحیه خودبتربینی

از نظر قرآن کریم اصلاح خود به همراه ایمان، رهایی از ترس و غمگینی را به دنبال دارد (انعام: ۴۸؛ مائده: ۶۹). خودبتربینی معرفت را ناقص و قوه تفکر را ضعیف می‌کند. در حدیثی از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم: «ما دخل قلب امرء شیء من الکبر الا نقص من عقله مثل ما دخله من ذلک! قل ذلک او کثر»؛ در قلب هیچ انسانی چیزی از کبر وارد نمی‌شود، مگر اینکه به همان اندازه از عقلش کاسته خواهد شد، کم باشد یا زیاد (مجلسی، ۱۳۵۴، ج ۷۵، ص ۱۸۶). روحیه خودبتربینی موجب کور شدن انسان و ندیدن حقیقت می‌گردد؛ چنان‌که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مسکین بن آدم مکتوم الاجل، مکنون العلل، محفوظ العمل، تؤلمه البقة و تقتله الشرقة، و تتنه العرقه»؛ بیچاره فرزند آدم، سرآمد زندگیش نامعلوم، عوامل بیماریش ناپیدا و کردارش (نزد خدا و در نامه اعمالش) محفوظ است، پشه‌ای او را آزار می‌دهد، مختصر آبی یا غذایی گلوگیرش می‌شود و او را می‌کشد و مختصر عرقی او را متعفن و بدبو می‌سازد! (نهج البلاغه، کلمات قصار، ۴۱۹). آیا با این حال سزاوار است خود را بزرگ ببیند و به دیگری فخرفروشی کند؟

امام علی علیه السلام در خطبه اول نهج البلاغه عامل اصلی انحراف ابلیس را خطای شناختی او که ریشه در خودبتربینی دارد معرفی می‌نماید (نهج البلاغه، خطبه ۷۲). به گفته بعضی از شارحان نهج البلاغه این امر شاید به خاطر آن بوده که اگر بدون مقدمه چنین دستوری به فرشتگان داده می‌شد، تعجب می‌کردند و شاید در اطاعت این فرمان سست می‌شدند، ولی خداوند از قبل، آنها را برای این امر آماده کرد تا نشان دهد اوامر مهم باید با مقدمه‌چینی‌های لازم صورت گیرد؛ سپس انگیزه مخالفت ابلیس را چنین بیان می‌فرماید: «إِعْتَرَتْهُ الْحَمِيَّةُ^۱ وَ غَلَبَتْ عَلَيْهِ الشَّقْوَةُ وَ تَعَزَّزَ بِخَلْقَةِ النَّارِ وَ اسْتَوْهَنَ خَلْقَ الصَّلْصَالِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱)؛ خشم و غضب و کبر و نخوت او را فراگرفت و شقاوت و بدبختی بر وی غلبه کرد، به آفرینش خود از آتش افتخار نمود و خلقت آدم را از گل خشکیده، سبک شمرد و دچار خطا در شناخت راه صحیح شد. منظور از شقاوت در اینجا همان موانع درونی و صفات رذیله‌ای است که با روحیه خودبتربینی در شناخت‌های غلط شیطان وجود داشت.

۱. «حَمِيَّة» از ماده «حَمَى» (بر وزن نهی) در اصل به معنای حرارتی است که از آفتاب و آتش و مواد دیگر و یا از درون بدن انسان تولید می‌شود و گاه از قوه غضبیه تعبیر به «حمیت» می‌کنند؛ چراکه در آن حالت انسان برافروخته و داغ می‌شود و به حالت تب که مایه گرمی بدن است «حَمَى» گفته می‌شود.

۱-۱-۸. عناد و روحیه حق‌ناپذیری

قرآن کریم درباره این مؤلفه شناختی می‌فرماید: «کسی که روی خود را تسلیم خدا - حق - کند، پاداش او نزد پروردگارش ثابت است، نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین می‌شوند» (بقره: ۱۱۲)؛ یعنی تصمیمات موفقیت‌آمیز و باورهای منطقی در پرتو روحیه حق‌پذیری و تسلیم حق بودن میسر است و عناد انسان را به بی‌راهه فکری می‌کشاند. پس از اینکه آدم از پروردگارش کلماتی دریافت داشت (و با آنها توبه کرد)، خداوند توبه‌پذیر و مهربان توبه او را پذیرفت (بقره: ۳۷) و فرمود: «... هرگاه هدایتی از طرف من برای شما آمد، کسانی که از آن پیروی کنند، نه ترسی بر آنهاست و نه غمگین شوند» (بقره: ۳۸). در نهج البلاغه آمده است که: «للحاجة تسل الرأى؛ لاجت - حق‌ناپذیری - آرای انسان را سست و او را به خطا می‌افکند (نهج البلاغه، کلمات قصار، ۱۷۹)، و نیز از همان حضرت آمده است: «لیس للجوج تدبیر؛ لجوج مدیریت و تدبیر ندارد (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۷۹)».

۱-۲. مؤلفه منطق فکری خطاساز

بر اساس مستندات ارائه شده، دومین مؤلفه خطاهای شناختی در قرآن کریم، منطق فکری خطاساز است. این مؤلفه نیز از پنج ویژگی پیروی از ظن و گمان، خیال‌پردازی، برخورد گزینشی، ناپرهیزگاری، تحریف حقایق و قیاس نابجا یا غیرمنطقی به دست می‌آید. در ذیل مستندات هریک از ویژگی‌های گفته شده ارائه می‌گردد.

۱-۲-۱. پیروی از ظن و گمان (ناکافی بودن مدارک)

قرآن کریم پیروی از حدس، گمان و تخمین را حق‌نما ندانسته (یونس: ۳۶). در ردیف پیروی از هوای نفس (نجم: ۲۳) علامه طباطبایی ذیل آیه ۲۳ سوره نجم می‌فرماید: «حق یعنی حقیقت و معرفت صحیح، و اتخاذ به ظن یعنی تصمیم‌گیری بدون مجوز و مدرک لازم» (طباطبایی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۹، ص ۶۴). بنابراین اتخاذ به ظن و گمان، نوعی خطای شناختی تلقی می‌گردد و عامل آسیب‌های بزرگی در مسیر تصمیم‌گیری فرد و جامعه است (مطهری، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۶۶). اندیشه صحیح، مدارکی یقینی لازم دارد، پیروی از غیرعلم در آیات زیادی شدیداً نهی شده، این نهی معنای وسیعی دارد که مسائل اعتقادی و گفتار و شهادت و قضاوت و عمل را شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱۲، ص ۱۱۶). در روایتی از امام صادق ع می‌خوانیم: «إِنَّ مِنْ حَقِيقَةِ الْإِيْمَانِ أَنْ لَا يَجُوزَ مَنْطِقُكَ عِلْمُكَ»؛ از حقیقت ایمان این است که گفتار از علمت فزون‌تر نباشد و بیش از آنچه می‌دانی نگوئی (حر عاملی، ۱۳۷۶، ج ۱۸، ص ۱۶). در حدیث دیگری از پیامبر ص می‌خوانیم که فرمود: «إِيَّاكُمْ وَ الطَّنَّ فَإِنَّ الطَّنَّ أَكْذَبُ الْكَذِبِ»؛ از گمان پرهیزید که گمان بدترین دروغ است (حر عاملی، ۱۳۷۶، ج ۱۸، ص ۳۸).

۱-۲-۲. خیال پردازی

قرآن از بعضی افراد با تعبیر «مختال» (خیال پرداز) یاد می کند، که به جای حرکت بر مدار عقل و حق، گرد محور اوهام محصول قوه وهم و خیال خود می چرخند و حقایق خدایی را نمی فهمند (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ص ۱۰۸): «و کتاب خدا را جز یک مشت خیالات و آرزوها نمی دانند، و تنها به پندارهایشان دل بسته اند» (بقره: ۷۸-۷۹)، و می گویند: «ما فرزندان خدا و دوستان خاص او هستیم» (مائده: ۱۸)، و «هرگز آتش دوزخ جز چند روزی به ما نخواهد رسید» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۱۸). انسان خیال زده در اصطلاح منطق، انسان شعری است و انسان عقلی نیست (ارسطو، ۱۳۸۰، ص ۶۹). او بخش اندیشه اش را به خیال و وهم می دهد و بخش انگیزه و نیروی اجرایی را به شهوت و غضب می سپارد. برای چنین انسانی بالاتر از وهم و خیال چیزی به نام قلب و عقل نیست؛ چراکه عقل و قلبش به تعبیر امیر مؤمنان علیؑ تعطیل و در سبات (خواب) است (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴). انسان خیال باف گرفتار تکاثر و دنیا طلبی می شود و بستر ایجاد قضاوت های ناکارآمد را در شناخت هایش پرورش می دهد، با آنکه عاقل بالقوه است، ولی عاقل بالفعل نیست، بلکه مختال بالفعل است و در همان خیال بافی کودکانه اش می ماند و حتی می میرد (سمیعی، ۱۳۸۶، ص ۹۲)؛ درحالی که از نظر قرآن درخت دنیا همیشه شکوفه بی میوه است و هرگز شکوفه هایش به میوه تبدیل نمی شود، با این همه مردم دنبال این شکوفه ها و گل ها می روند و خیال می کنند که به میوه می رسند و زحمت بیهوده می کشند (کهف: ۴۶).

۱-۲-۳. برخورد گزینشی

آموزه های قرآنی، کفار را کسانی تبیین می کنند که حقیقت بر آنها پوشیده شده است و مبتلا به خطای شناختی هستند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۲۰۵). در بیان مصداقی خطاهای شناختی کفار، برخورد گزینشی چند مرتبه به چشم می خورد (بقره: ۸۵؛ نساء: ۱۵۰؛ بقره: ۱۱۴). قرآن کریم شدیداً از اینکه افراد به بعضی از دستورات قرآن ایمان آورده و به بعضی کافر شوند، نهی فرموده است (بقره: ۸۵-۸۶). اولیای دین دائماً سعی داشتند انسان ها را از برخورد گزینشی در تفکر و تصمیم گیری برحذر دارند. در آیه دوم سوره انفال آمده است: «انما المؤمنون الذين اذا ذكر الله و جلت قلوبهم»؛ مؤمنان آنهایی هستند که چون ذکری از خدا شود (از عظمت و جلال خدا) دل های آنان لرزان شود، و حضرت علیؑ ذیل آیه مذکور می فرماید: «آن چنان که امید داری بترس»؛ یعنی به قدر آنچه امید به رحمت و مغفرت خدا داری از نافرمانی و غضب حق تعالی بترس (آمدی، ۱۴۲۶ق، ج ۴، ص ۶۲۳). هوس پرستان از شیوه «نُؤْمِنُ بَعْضُ وَ نَكْفُرُ بَعْضُ» بهره می گیرند آنچه

هماهنگ با هوس‌هایشان است می‌پذیرند و به آن ایمان دارند و آنچه را مخالف آن است طرد می‌کنند و نسبت به آن کافر می‌شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۸). طبرسی ذیل آیه، عامل انحراف یهودیان و مسیحیان را برخورد گزینشی در احکام شریعتشان معرفی کرده است (طبرسی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۱۲۱). بنابراین از دیگر خطاهای شناختی تبیین‌شده در قرآن کریم، برخورد گزینشی است.

۴-۲-۱. تحریف حقایق

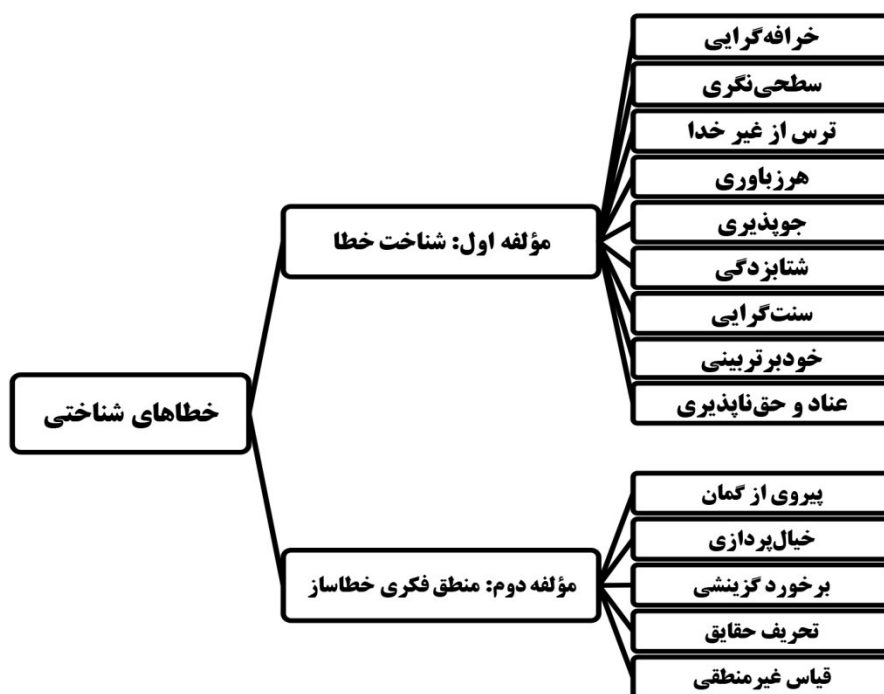
قرآن کریم طایفه‌ای از یهود را این‌طور توصیف نموده: «أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ»؛ آیا انتظار دارید به آیین شما (مسلمانان) ایمان بیاورند با اینکه عده‌ای از آنها سخنان خدا را می‌شنیدند و پس از فهمیدن، آن را تحریف می‌کردند؛ درحالی‌که علم و آگاهی داشتند» (بقره: ۷۵)، که کلمات کتاب خدا را به آشکال مختلف تحریف می‌کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۶۴)، آنها حقایق را به سود خود تحریف می‌کنند (خواه تحریف لفظی و یا تحریف معنوی) و هر حکمی را بر خلاف منافع و هوس‌های خود تشخیص دهند، آن را توجیه و تفسیر و یا به کلی رد می‌کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۱۳). خطر این خطای شناختی را برای خواص (قرائتی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۶۱۱) توجه ویژه‌ای می‌طلبد: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ ای اهل کتاب! چرا حق را به باطل مشتبه می‌سازید و (یا) حق را کتمان می‌کنید؛ درحالی‌که خود (به حقانیت آن) آگاهید (آل عمران: ۷۱). بعدها این روحیه تحریف حقایق، خود آنها را هم دچار تصمیم‌گیری غلط و قضاوت ناصحیح کرد؛ چراکه در ادامه آیه «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ ... وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» می‌فرماید: «وَكَذَتْ طَائِفَةٌ...»، بعد از مدتی کتمان حقایق برایشان درونی‌سازی و رویه ثابت می‌شود و با میل و اختیار خود به خطای شناختی گرفتار می‌شوند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۴۰۴).

۴-۲-۵. قیاس نابجا و غیرمنطقی

قرآن کریم به استدلال منطقی حضرت ابراهیم^ع در مقابل قیاس نابجا و غیرمنطقی نمرود اشاره کرده است (بقره: ۲۵۸). از آیه به‌خوبی برمی‌آید که نمرود هرگز از این بحث و گفت‌وگو در جست‌وجوی حقیقت نبود، بلکه می‌خواست گفتار باطل خود را به کرسی بنشاند و شاید به‌کار بردن کلمه «حاج» نیز به همین منظور باشد؛ یعنی به دنبال اثبات حرف خود از قیاس و استدلال‌های نابجا بود؛ زیرا این کلمه غالباً در همین موارد به‌کار می‌رود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۸۷). امام صادق^ع به ابی‌حنیفه درباره قیاس مع‌الفارق در پژوهش‌های علمی هشدار داده و نهی کرده است (بحرانی، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۶۰).

جدول ۱-۱: مدل مفهومی خطاهای شناختی در قرآن کریم

۱. خرافه‌گرایی	مؤلفهٔ ۱: شناخت خطا	مؤلفه‌های مدل مفهومی خطاهای شناختی در قرآن کریم
۲. سطحی‌نگری		
۳. ترس از غیر خدا		
۴. هرزباوری		
۵. جوپذیری		
۶. عجله و شتاب‌زدگی		
۷. سنت‌گرایی		
۸. روحیهٔ خودبرتربینی		
۹. عناد و حق‌ناپذیری		
۱. پیروی از ظن و گمان	مؤلفهٔ ۲: منطق فکری خطا	
۲. خیال‌پردازی		
۳. برخورد گزینشی		
۴. تحریف حقایق		
۵. قیاس نابجا و غیرمنطقی		



شکل ۱-۱: نمای گرافیکی مؤلفه‌های خطاهای شناختی در قرآن کریم

یافته‌های کمی: روایی محتوا گروه خبرگان اسلامی (CVR و CVI)

در پاسخ به سؤال دوم پژوهش برای ارزیابی روایی محتوایی، نظر متخصصان در مورد میزان هماهنگی مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های استخراج‌شده، دریافت شد. بر این اساس، برای بررسی روایی محتوایی از دو شاخص روایی محتوا CVI و ضریب نسبی روایی محتوا CVR استفاده شد. پس از نظرخواهی از خبرگان، برای محاسبه CVI در هر زیرمؤلفه، تعداد گزینه‌های «کاملاً مرتبط» و «مرتبط، اما نیاز به بازبینی» جمع و بر تعداد کل متخصصان تقسیم شد. نتایج در جدول (۱) گزارش شده است.

برای تعیین CVR، پاسخ متخصصان طبق فرمول زیر محاسبه شد:

$$CVR = \frac{n_E - \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}}$$

جدول ۱: نظرات کارشناسان خبره نسبت به میزان مطابقت هریک از زیرمؤلفه‌ها با مستندات اسلامی

CVI	CVR بر اساس نظر خبرگان اسلامی									یافته‌ها		
	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	خرافه‌گرایی	مؤلفهٔ ۱: شناخت خطا	ردیف
۱	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	م ب	ک م	سطحی‌نگری		۱
۱	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	م ب	ک م	ترس از غیرخدا		۲
۱	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	م ب	ک م	هرزباوری		۳
۱	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	م ب	ک م	جوپذیری		۴
۱	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	م ب	ک م	عجله و شتاب‌زدگی		۵
۱	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	م ب	ک م	سنت‌گرایی		۶
۰/۸۸	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	م ب	ک م	روحیهٔ خودبرتربینی		۷
۱	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	ک م	م ب	ک م	عناد و حق‌ناپذیری		۸

قرآن کریم شناخت خطا را نتیجه هشت پیش‌فرض غلط توصیف می‌نماید که عبارت‌اند از: ۱. خرافه‌گرایی که آن را عامل رواج بدعت‌ها و افتراها در جامعه کفرپیشگان جاهلی معرفی می‌فرماید (مانده: ۱۰۳)؛ ۲. سطحی‌نگری و ساده‌اندیشی را به دلیل امکان خطا در شناخت حسی و ایجاد خطاهای ادراکی آفت شناخت می‌داند (بهشتی، ۱۳۷۸، ص ۳۴۱-۳۵۱)؛ ۳. به اتفاق تمام مفسران، مشرکان به غیر خدا وابسته‌اند و بدان‌ها عشق می‌ورزند، این وابستگی و پذیرش بدون اندیشه، فکر آنان را به بند می‌کشاند و پوچی و از خودبیگانگی را در پی دارد. عمومیت این وابستگی شامل هر مطلق می‌شود؛ چون اطاعت غیر خدا و غیر کسانی که خدا به اطاعت آنان امر فرموده، خود شرک است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۰۶)؛ ۴. هرزباوری؛ امامان معصوم^ع نیز اصحاب خود را از شنیدن و گفتن هر سخنی باز می‌داشتند و به آنان توصیه می‌کردند که دربان دل و گوش خود باشید، و در این امر به آیه ۳۶ سوره اسراء استناد می‌فرمودند (عروسی هویزی، ۱۴۱۵ق، ص ۵۹-۶۰). انسان‌ها با شنیده‌های خود تصمیم می‌گیرند و مسیر زندگی را با آن تنظیم می‌کنند؛ چنانچه امام جواد^ع فرمودند: «کسی که گوش جان به کلام گوینده‌ای می‌سپارد، چنان است که او را می‌پرستد (مجلسی، ۱۳۵۴، ج ۲، ص ۹۴)؛ ۵. جوپذیری به معنای پیروی از اکثریت در تصمیم‌گیری گمراه‌کننده است (انعام: ۱۱۶)، و در شناخت و تفکر سالم، قضاوت‌های مردم نباید برای انسان ملاک باشد و نباید تحت‌تأثیر قضاوت و تشخیص دیگران قرار گرفت (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۲۸۶)؛ ۶. عجله و شتاب‌زدگی در تصمیم‌گیری؛ چراکه خداوند در قرآن بندگان خویش را با دو آیه اختصاص داد و تأذیب فرمود: یکی اینکه در آیه ۱۶۹ از سوره اعراف فرموده: «تا به چیزی علم پیدا نکرده‌اند آن را تصدیق نکنند» (شتاب‌زدگی در تصدیق)؛ و دیگر اینکه در آیه ۳۹ از سوره یونس فرموده: «تا به چیزی علم و یقین پیدا نکرده‌اند آن را رد و نفی نکنند» (شتاب‌زدگی در انکار) (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۱۹)؛ ۷. سنت‌گرایی کورکورانه؛ قرآن کریم در آیات متعدد این آسیب و لغزشگاه اندیشه بشر را مطرح کرده است (جعفری تبریزی، ۱۳۸۶، ص ۲۵۹)، و آن را توبیخ نموده و تأکید می‌کند که باورهای گذشتگان را مادام که با معیار عقل نسنجیده‌اید، نپذیرید (مطهری، ۱۳۷۳، ص ۶۰)؛ ۸. خودبرتربینی و عناد (حق‌ناپذیری) که خودبرتربینی معرفت را ناقص و قوه تفکر را ضعیف می‌کند (مجلسی، ۱۳۵۴، ج ۷۵، ص ۱۸۷).

بر اساس قرآن کریم، مؤلفه دوم خطاهای شناختی، منطق فکری خطاساز است که قضاوت‌های ناصحیح و قیاس‌های غیرمنطقی را برای انسان رقم می‌زند. در تأیید یافته‌های شناخت درمانگران که معتقدند خطاهایی در شیوه استدلال‌های ذهنی از پدیده‌ها و واقعیت‌ها وجود دارد که با پردازش غلط اطلاعات، به قضاوت‌های ناصحیح می‌رسد (بک، ۱۹۹۷، ص ۱۸۴). این منطق فکری خطاساز به شکل خود آیند، تصمیم‌گیری انسان را مخدوش و نابسامان می‌کند و دریافت‌ها و برداشت‌های خلاف واقع را در فرد ایجاد می‌کنند (بک، ۱۹۹۷، ص ۶۹).

مؤلفه دوم، نتیجه چهار ویژگی است که عبارت‌اند از: ۱. پیروی از ظن و گمان؛ حدس و تخمین (یونس: ۳۶) و پیروی از هوای نفس (نجم: ۲۳). این مسئله عامل آسیب‌های بزرگی برای فرد و جامعه است (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۶۶). پیروی از غیرعلم در آیات زیادی شدیداً نهی شده، این نهی معنای وسیعی دارد که مسائل اعتقادی و گفتار و شهادت و قضاوت و عمل را شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱۲، ص ۱۱۶)؛ ۲. خیال‌پردازی؛ قرآن از بعضی افراد با تعبیر «مختال» (خیال‌پرداز) یاد می‌کند، که به‌جای حرکت بر مدار عقل و حق، گرد محور اوهام محصول قوه وهم و خیال خود می‌چرخند و حقایق خدایی را نمی‌فهمند (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۸). انسان خیال‌باف گرفتار تکاثر و دنیاطلبی می‌شود، با آنکه عاقل بالقوه است، ولی عاقل بالفعل نیست، بلکه مختال بالفعل است و در همان خیال‌بافی کودکانه‌اش می‌ماند و حتی می‌میرد (سمیعی، ۱۳۸۶، ص ۶۹)؛ ۳. برخورد گزینشی؛ قرآن کریم شدیداً از اینکه افراد به بعضی از دستورات قرآن ایمان آورده و به بعضی کافر شوند، نهی فرموده است (بقره: ۸۵-۸۶)؛ همچنین روایات انسان را از اینکه دائم‌الخوف یا دائم‌الرجاء بشود برحذر می‌دارند (آمدی، ۱۴۲۶، ج ۴، ص ۶۲۳)؛ ۴. تحریف حقایق؛ گمراهان به‌ویژه خواص (آل عمران: ۷۱) در معرض این خطای شناختی‌اند که کلمات کتاب خدا را به اشکال مختلف تحریف می‌کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۶۴). آنها حقایق را به سود خود تحریف می‌کنند (خواه تحریف لفظی و یا تحریف معنوی) و هر حکمی را بر خلاف منافع و هوس‌های خود تشخیص دهند آن را توجیه و تفسیر و یا به کلی رد می‌کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۱۳). همه این خطاهای شناختی وقتی انسان را به ورطه نابودی می‌کشاند که دچار قیاس غیرمنطقی شود. قرآن کریم به استدلال منطقی حضرت ابراهیم^ع در مقابل قیاس نابجا و غیرمنطقی نمرود اشاره کرده است (بقره: ۲۵۸) و نمرود را دچار خطای شناختی معرفی می‌کند که با قیاس نابجا به بهت و سردرگمی رسید (بقره: ۲۵۸). به بیانی دیگر در یک جمله خداوند متعال نمرود را مبتلا به منطق فکری خطاساز معرفی می‌کند و ریشه این خطا را چند چیز معرفی می‌کند: ۱. اشاره به انگیزه اصلی این محاجه می‌کند (برخورد گزینشی از قدرت خود و نادیده گرفتن قدرت خداوند) و می‌گوید: به خاطر این بود که «أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ»؛ خداوند به او حکومت داده بود و بر اثر کمی ظرفیت از باده کبر و غرور، سرمست شده بود (خیال‌پردازی)؛ ۲. همچنین نمرود جبار، راه تزویر و سفسطه را پیش گرفت (تحریف حقایق) و برای اغفال مردم و اطرافیان خود گفت: «من نیز زنده می‌کنم و می‌میرانم» و قانون حیات و مرگ در دست من است (قَالَ أَنَا أَحْيِي وَأُمِيتُ)؛ ۳. حضرت ابراهیم^ع برای خنثی کردن این توطئه، دست به (افشای قیاس نابجا) استدلال دیگری زد که دشمن نتواند در برابر ساده‌لوحان در مورد آن مغالطه کند: «ابراهیم گفت: خداوند خورشید را (از افق مشرق) می‌آورد (اگر تو راست می‌گویی که حاکم بر جهان هستی می‌باشی) خورشید را از طرف مغرب بیاور!»

(قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ). اینجا بود که «آن مرد کافر، مبهوت و وامانده شد» (فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ). بنابراین یک سلسله‌ای از منطق خطاساز در اندیشه و رفتار نمود بود که او را به قیاس نابجا و در نتیجه خطای شناختی کشاند.

به نظر می‌رسد بر اساس یافته‌ها، مدل مفهومی خطای شناختی در قرآن کریم یک مدل دومرحله‌ای است؛ به این معنا که شناخت خطا یا معرفت خلاف واقع، بنیان فکری انسان را آلوده ساخته و ماده استدلال‌های او را مواد بی‌پایه و اساس تنظیم می‌کند. در مرحله دوم وقتی انسان تلاش به استدلال و تفکر می‌نماید - لاجرم باید از مفروضه‌ها و گزاره‌های تعریف‌شده در ذهنش استفاده کند - همان شناخت‌های خطا، انسان را دچار اختلال در استدلال و تفکر می‌نماید و انسان برداشت‌های ناروا و قضاوت‌های ناصحیح خود را صواب و درست می‌پندارد.

این یافته‌ها با نتایج تحقیقات الیس (۱۹۷۳)، بک (۱۹۹۷)، پروچاسکا (۲۰۱۱)، حمیدپور (۱۳۹۷)، فتی و موتابی (۱۳۹۷) و چراغچی (۱۳۹۲) همسو بوده است. در تبیین یافته‌های این پژوهش به صورت متغیرهایی با تأثیر متقابل می‌توان گفت: «الف) خرافه‌گرایی و سطحی‌نگری و ترس از غیرخدا در ساحت شناخت‌های خطا (مؤلفه اول)، زمینه پیروی از ظن - گمان و خیال‌پردازی در منطق فکری خطاساز (مؤلفه دوم) را فراهم می‌سازد؛ ب) هرزباوری، جوپذیری و شتاب‌زدگی در ساحت شناخت‌های خطا (مؤلفه اول)، منجر به برخورد گزینشی در منطق فکری خطاساز (مؤلفه دوم) می‌شود؛ ج) سنت‌گرایی، خودبرتربینی و عناد - حق‌ناباوری در ساحت شناخت‌های خطا (مؤلفه اول)، زمینه تحریف حقایق در منطق فکری خطاساز (مؤلفه دوم) را فراهم می‌آورد؛ د) تمام مؤلفه‌های منطق فکری خطاساز (پیروی از ظن، خیال‌پردازی، برخورد گزینشی، تحریف حقایق) با رقم زدن «قیاس غیرمنطقی» عامل محوری خطای شناختی در قرآن کریم است».

منابع

نهج البلاغه.

ارسطو (۱۳۸۰). اخلاق. ترجمه رضا مشایخی. تهران: نگاه.

بحرانی، علی بن ابراهیم (۱۴۲۴ق)، البرهان. بیروت: دار الفکر الاسلامی.

بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۳۲ق). صحیح البخاری. قطیف: القطره.

برنز، دیوید (۲۰۱۰). از حال بد به حال خوب. ترجمه مریم سعیدی. تهران: ایران.

بک، جودیت اس. (۱۹۹۷م). شناخت درمانی مبانی و فراتر از آن. ترجمه لادن فتی و فرهاد فرید حسینی. تهران: دانژه.

بهشتی، سیدمحمد (۱۳۷۸). حق و باطل از دیدگاه قرآن. قم: نمایش.

پروچاسکا (۲۰۱۱م). نظریه‌های روان‌درمانی. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: سمت.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۲۶ق). غررالحکم و دررالکلم. قم: دار المکتبه.

جعفری تبریزی، محمدتقی (۱۳۸۶). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. قم: مدادالعلماء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). تفسیر تسنیم. قم: اسراء.

- چراغچی، حوریه (۱۳۹۲). بررسی تحریف‌های شناختی و باورهای غیرمنطقی در حوزه روان‌شناسی از منظر قرآن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم. دانشکده علوم قرآنی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۶). وسائل الشیعه. تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- حمزه‌ای، شهرام (۱۳۸۰). آشنایی با ارسطو. تهران: کریم.
- حمیدپور، حسن (۱۳۹۷). شناخت‌درمانی برای بیماران مشکل‌آفرین. تهران: ارجمند.
- دلاور، علی (۱۳۸۶). روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی. تهران: ویرایش.
- رحیمی‌زاده، علی (۱۳۹۷). نقش شناخت در تکامل اختیاری انسان از منظر قرآن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد گروه علوم قرآنی. مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۹۳). منطق تفسیر. قم: پژوهشگاه جامعه المصطفی العالمیه.
- سمیعی، مجید (۱۳۸۶). خیال‌بافی ممنوع. تهران: دانژه.
- شاکرمی، محمد؛ زهراکار، کیانوش و محسن‌زاده، فرشاد (۱۳۹۳). بررسی نقش واسطه‌ای سبک‌های حل تعارض در رابطه بین تحریف‌های شناختی بین‌فردی و رضایت جنسی با تعهد زناشویی. فصلنامه پژوهش در سلامت روان‌شناختی، ۸(۲)، ۵۱-۶۰.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۷ق). الخصال. قم: کنگره.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن الحسن (۱۴۱۷ق). مکارم الأخلاق. قم: کریمه.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۴۰). مجمع البحرین. تهران: چاپ احمد حسینی.
- عروسی هویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق). تفسیر نورالثقلین. بغداد: دارالمعرفة.
- غروی، سیدمحمد و همکاران (۱۳۸۶). نگاهی به روان‌شناسی اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- فتی، لادن و موتابی، فرشته (۱۳۹۷). راه و رسم درمانگری در نظریه شناختی رفتاری. تهران: دانژه.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۳۸۹). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار الفکر.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۳۹۰). سه رساله. قم: تک تاج.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۶). تفسیر نور. تهران: مرکز تحقیقاتی درس‌هایی از قرآن.
- لیهی، رابرت (۱۳۹۰). فنون شناخت‌درمانی. ترجمه لادن فتی. تهران: دانژه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۵۴). بحارالانوار. تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۵). اخلاق در قرآن. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). انسان کامل. قم: صدرا.
- معادی‌خواه، مجید (۱۳۷۸). تفسیر گفتاری. قم: ذره.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب.
- وولف (۱۳۸۶). روش‌های تحقیق کیفی. ترجمه محسن ادیب و همکاران. تهران: بشری.
- هومن، حیدرعلی (۱۳۹۰). روش علمی در شناخت علوم رفتاری. تهران: سمت.
- الیس، البرت (۱۹۷۳م). رفتاردرمانی عقلانی هیجانی. ترجمه حسن حمیدپور. تهران: روان.

Rozin, P. & Seligman, M. E. P. (1995). Cognitive components of fear: Expectations of clear and specific danger. *Journal of Personality and Social Psychology*, 68(3), 450-460.

Sternberg, R. (2003). A duplex theory of hate: Development & application to terrorism, massacres, & genocide. *Review of General Psychology*, 7, 299-328.

اثربخشی آموزش تحول معنوی بر نگرش معنوی

The effectiveness of spiritual transformation education on spiritual attitude

محمد رضا حاتمی / استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شهید باهنر کرمان، ایران

Mohammad Reza Hatami / Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran
mrhhatami@uk.ac.ir

Abstract

Spirituality is one of the five aspects of life that draws man beyond matter and world's appearance and gives a special meaning to the world. With such an understanding of spirituality, this question will arise; what changes must take place in a person for spiritual transformation to happen? The study is aimed to determine the effectiveness of spiritual transformation skills training on a person's spiritual attitude. Semi-experimental research method and two-group research design (experimental and control) with pre-test and post-test were considered as the method of the research. To conduct research, 30 participants in one of the religious delegations of Kerman city were selected by convenient sampling and randomly divided into two experimental groups (n=15) and control group (n=15). Pre-test was performed for both groups and after holding ten sessions of spiritual transformation skills training in the experimental group, post-test was performed on both groups. To collect the data, the Spiritual Attitude Questionnaire was used and the data were analyzed using descriptive

چکیده

یکی از ابعاد پنج گانه در زندگی، معنویت است، حقیقتی که انسان را به فراروی از ماده و ظاهر می کشاند و به جهان معنایی ویژه می بخشد. نهادینه سازی معنویت و یا تحول معنوی در افراد نیازمند تغییر نگرش معنوی آنهاست. هدف پژوهش حاضر اثربخشی آموزش تحول معنوی بر نگرش معنوی فرد است. روش پژوهش نیمه آزمایشی و طرح پژوهش دو گروهی (آزمایش و گواه کنترل) با پیش آزمون و پس آزمون در نظر گرفته شد. جهت انجام پژوهش ۳۰ فرد از افراد شرکت کننده در یکی از هیئت های مذهبی کرمان، به وسیله نمونه گیری در دسترس انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و گروه گواه (۱۵ نفر) قرار گرفتند. پیش آزمون برای هر دو گروه اجرا شد و بعد از برگزاری ده جلسه آموزش مهارت تحول معنوی در گروه آزمایش پس آزمون بر روی هر دو گروه انجام شد. برای جمع آوری داده ها از پرسش نامه سنجش نگرش معنوی استفاده گردید و داده ها با استفاده از فنون آمار توصیفی و آزمون های پارامتریک بررسی شدند. یافته های پژوهش نشان داد که آموزش مهارت تحول معنوی می تواند بر نگرش معنوی افراد مؤثر باشد؛ همچنین معنویت قابلیت آموزش و

statistics techniques and parametric tests. Findings showed that spiritual transformation skills training can affect the spiritual attitude of individuals.

Key words: "spiritual transformation", "Spirituality", "Spiritual ability", "Spiritual attitude".

توسعه را دارد و با برنامه‌های آموزشی مناسب می‌توان سطح نگرش معنوی و توانایی معنوی افراد را افزایش داد؛ در نتیجه دوره آموزشی تحول معنوی هم می‌تواند بر آگاهی معنوی و هم بر توانایی معنوی افراد مؤثر باشد.

کلیدواژه‌ها: تحول معنوی، اثربخشی تأثیر، معنویت، توانایی معنوی، نگرش معنوی.

مقدمه

معنویت، نقطه عطف زندگی است و بعدی فوق‌العاده است که در تمامی زندگی روزمره جریان دارد. معنویت، در شیوه تفکر، روش‌هایی که رفتار می‌کنیم و در شیوه‌های عاطفی و احساسی، احساس فقدان‌ها، احساس رهاشدگی و معنادگی به زندگی ظاهر می‌شود (جان‌بزرگی و غروی، ۱۳۹۵، ص ۳۶۷). معنویت، یک گم‌شده و خواسته انسانی در پهنه گیتی است که زمان و مکان نمی‌شناسد. معنویت‌طلبی میلی است که به هیچ‌وجه نمی‌توان آن را از وجود انسان حذف کرد؛ زیرا انسان برای معرفت و عبودیت خداوند آفریده شده و ظرفیتی نامتناهی برای رسیدن به این هدف را داراست (مظاهری سیف، ۱۳۸۵، ص ۱۰۹). معنویت، یک احساس ویژه است که افراد در موقعیت‌های خاصی آن را تجربه می‌کنند و در واقع نخ تسبیحی است که تمام وظایف زندگی را به یکدیگر پیوند می‌دهد (کاویانی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۶).

صاحب‌نظران بر این باورند که معنویت به مثابه تنها نقطه امید برای تحول مثبت اجتماعی و نیز برای پاسداری از ارزش‌های واقعاً مهم در حال مطرح شدن و سربرآوردن است (مصباح، ۱۳۸۹، ص ۲۴). پیشرفت علم روان‌شناسی از یک‌سو و ماهیت پویا و پیچیده جوامع نوین از سوی دیگر، موجب شده است نیازهای معنوی بشر در برابر خواسته‌ها و نیازهای مادی قد علم کند و معنویت اهمیت بیشتری یابد. چنین به نظر می‌رسد که مردم جهان امروز بیش از پیش به معنویت و مسائل معنوی گرایش دارند (وست، ۱۳۹۷، ص ۹)، و در این خصوص روان‌شناسانی برجسته، محور اصلی مطالعات خود را روی معنویت قرار داده و تأکید دارند که معنویت می‌تواند موجب ارتقای کیفیت زندگی و پیشگیری از بسیاری از اختلالات روانی شود (کلانتری و اسماعیلی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۳).

«معنویت» در لاتین به معنای «زندگی» یا «روشی برای بودن» و «تجربه کردن» است که با آگاهی یافتن از یک بعد غیرمادی به وجود می‌آید و ارزش‌هایی قابل تشخیص آن را معین می‌سازند که

به دیگران، خود، طبیعت و زندگی مربوط است (الکینز، ۱۹۸۸، ص ۶). گرچه معنویت در منابع اصیل اسلامی به کار نرفته است؛ ولی در ادبیات مسلمانان، هم در زبان عربی و هم در زبان فارسی رواج یافته است (مصباح، ۱۳۸۹، ص ۲۶). در ارتباط با معنویت اسلامی نیز تعاریف مختلفی بیان شده است. امام خمینی^۳ در تعریف معنویت بیان داشته‌اند که: «مجموع صفات و اعمالی است که حال، شور و جاذبه قوی و شدید و درعین حال، منطقی و صحیح را در انسان به وجود می‌آورد تا او را در سیر به سوی خدای یگانه و محبوب عالم، به طور اعجاب‌آوری، پیش ببرد» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۶، ص ۸).

معنویت از دیدگاه جان بزرگی و همکاران او عبارت از نظامی است که در چارچوب دین اسلام، اعمال ارادی انسان را دارای ارزش (میزان خلوص)، معنا (در رابطه بودن عمل با مبدأ و معاد) و هدف (تعالی بخشی) می‌کند (جان بزرگی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۵۵). برخی نیز مانند الوندی گفته‌اند معنویت اسلامی عبارت است از: حیات طیبه و نورانیت دل از طریق معرفت، ایمان، عمل صالح و بندگی خدا بر اساس شریعت اسلامی که از فرایند معرفت، ایمان و عمل صالح حاصل می‌شود (الوندی، ۱۳۹۳، ص ۱۱).

بر اساس آنچه ذکر شد، وجود گرایش‌های معنوی در انسان ذاتی و فطری است. در واقع توجه به گرایش‌های معنوی موجب به وجود آمدن نگرش معنوی در انسان می‌شود که ناشی از عمق آگاهی انسان و شناخت اوست، که با هدف جست‌وجوی علت و معنا، توجه و ایمان به خداوند و درک حضور او در زندگی ادامه پیدا می‌کند. هرچه فرد دارای نگرش معنوی بیشتری باشد، زندگی آرام‌تر و کنترل بیشتری بر هیجان‌های خود دارد و این امر سبب درک و پذیرش بهتر نسبت به ناملایمات و توان سازگاری بالاتری می‌شود. قرار گرفتن در چنین فرایندی همان دست یافتن به توانایی و تحول معنوی است. به بیان دیگر، تحول معنوی از سه عنصر «شناختی»، «عاطفی» و «رفتاری» تشکیل می‌شود. عنصر «شناختی» به دانسته‌ها و نگرش فرد درباره معنویت مربوط می‌گردد. عنصر «عاطفی» به احساس خوب یا بد در مورد موضوعات معنوی اشاره دارد. عنصر «رفتاری» نیز به آمادگی شخص برای عمل و رفتار متناسب با دانسته‌ها نظر دارد.

با توجه به زمینه عمیق و گسترده معنویت در زندگی انسان، معنویت جدی گرفته شده و بستر مطالعات جدیدی را فراهم نموده است. تحقیقات درخصوص موضوع معنویت در چند دسته جای دارند: گروه اول تحقیقاتی که پیگیر مصادیق و معنای معنویت هستند؛ مصباح (۱۳۸۹) در مقاله «واکاوی معنای معنویت»؛ همچنین ایزدپناه و شاکرنژاد (۱۳۹۳) نیز در مقاله «ضرورت نگاه تمدنی به مفهوم معنویت» در جست‌وجوی معنا و مصادیق معنویت، مباحثی را عنوان نموده‌اند؛

گروه دوم تحقیقاتی هستند که بر ارزیابی مراحل تحول معنوی تمرکز کرده‌اند؛ جان‌بزرگی (۱۳۸۸) آزمونی با عنوان پایبندی مذهبی بر اساس منابع اسلامی طراحی نموده است، آذربایجانی (۱۳۹۳) آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام را تهیه کرده است و کتاب *سنجش دین‌داری* را به تحریر درآورده است، شهیدی و فرج‌نیا (۱۳۹۱) پرسش‌نامه سنجش نگرش معنوی را تدوین نموده‌اند. این گروه از محققان «معنویت» را به‌عنوان یک نگرش یا تمایل بررسی کرده‌اند که با استفاده از ابزار متداول روان‌شناسی قابل سنجش و اندازه‌گیری باشد؛

گروه سوم نیز در پی ارائه الگوهای معنوی هستند؛ الوندی (۱۳۹۳) با پژوهشی (طراحی الگوی مفهومی معنویت از دیدگاه امام خمینی^ع) تلاش نموده‌است امام خمینی^ع را به‌عنوان یک الگوی معنوی معرفی نماید، مهری (۱۳۹۶) در مقاله «تدوین یک الگوی نظری درخصوص تحول معنوی بر اساس بیانات مقام معظم رهبری» سعی کرده است عوامل مهم برای تحول معنوی را از سخنان مقام معظم رهبری^ع استخراج نماید. هدف اصلی چنین تحقیقاتی این است که یک الگوی نظری و تحلیلی را از دیدگاه شخص مورد نظر ارائه کنند تا پدیده فرایندی تحول معنوی را توضیح دهد؛

گروه چهارم تحقیقات نیز بر روش درمان و معنویت درمانی پرداخته‌اند؛ محمد یوسف خالد (به نقل از: جان‌بزرگی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۵۱) از یک روش درمانگری روانی - معنوی برای درمان مبتلایان به اعتیاد استفاده کرده است، جلالی (۲۰۰۱) نیز درمان زندانیان آسیب‌دیده را با توجه به چارچوب آموزه‌های اسلامی و با عنوان «درمان یکپارچه توحیدی» انجام داده است؛

دسته پنجم از پژوهش‌های مرتبط با معنویت، به دنبال کشف نتیجه و آثار معنویت در فرد و جامعه می‌باشند؛ غباری بناب و همکاران (۱۳۹۴) و ابراهیم‌پور و همکاران (۱۳۹۶) بر اساس پژوهش خویش معتقدند که معنویت عاملی تأثیرگذار بر کیفیت زندگی و درمان رنجوری و درماندگی افراد است. یافته‌های پژوهشی بهرامی و همکارانش (۱۳۸۵) نشان دادند که بین معنویت فرد و احساس شادکامی رابطه مستقیم وجود دارد و در مقابل بین افسردگی و معنویت رابطه معکوس وجود دارد. بخشی‌زاده و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود، اثربخشی آموزش مهارت‌های تاب‌آوری مبتنی بر معنویت اسلامی را مدنظر داشتند. آموزش معنویت در این پژوهش برگرفته از مفاهیم صبر، رضا، توکل و شکرگزاری است که در اسلام ارکان اصلی تاب‌آوری قلمداد می‌شوند و حول سه محور ارتباط فرد با خدا، ارتباط فرد با دیگران و ارتباط فرد با خود انجام می‌گیرد. نتایج پژوهش نشان داد که آموزش مهارت‌های تاب‌آوری مبتنی بر معنویت اسلامی منجر به بهبود مهارت‌های متعددی نظیر رضامندی زوجیت و مؤلفه‌های تاب‌آوری معنوی؛ مانند صبر، رضا، شکر و توکل شده است. یافته‌های پژوهش پیری و همکاران

(۱۳۹۹) نشان داد آموزش‌های معنویت درمانی باعث افزایش بهزیستی روان‌شناختی دانش‌آموزان برای داشتن زندگی اثربخش و مفید می‌شود و در آنها آمادگی لازم را برای مقابله با چالش‌های زندگی به وجود می‌آورد. گروهی از پژوهشگران مانند اوزوا، سوزوکیا و همکارانشان به این نتیجه رسیدند که حضور در مراسم معنوی و مذهبی به‌طور معناداری با عزت نفس بیماران مبتلا به افسردگی رابطه مثبت دارد؛ همچنین وایت، کارونا و سایرین نیز در پژوهشی نشان دادند داشتن مذهب و معنویت به‌عنوان یک عامل مهم در زندگی با کیفیت زندگی، رضایت زندگی و رفتارهای سالم رابطه مثبت دارد (پیری و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۳۴).

بدین ترتیب ادبیات پژوهشی گسترده‌ای در رابطه با تحول معنوی وجود دارد. اما پژوهش‌های انجام گرفته در مورد مؤلفه‌های معنوی تحول معنوی، اکثراً جنبه توصیفی دارند و مطالعات مداخله‌ای در رابطه با تحول معنوی که مؤلفه آموزش مهارت‌آموزی معنویت را محور اساسی پژوهش قرار داده باشد، بسیار کم و ناچیز هستند. از سویی نیز، تغییر نگرش معنوی، نیازمند یک برنامه منسجم است و تلاش منظم لازم است تا برنامه با موفقیت همراه گردد؛ همچنین تحول معنوی حقیقتی دارای مؤلفه‌های شناخت معنوی، عواطف معنوی و کنش‌های معنوی است که نیازمند الگویی عینی و عملیاتی است. مقاله حاضر هدفش این است که مشخص کند آموزش مهارت تحول معنوی، تا چه اندازه نمره آزمون نگرش معنوی افراد را تغییر می‌دهد؟ معنویت مورد نظر در این مقاله ریشه در اصول اساسی دین اسلام دارد که شامل یگانه‌پرستی، اعتقاد به نبوت و باور به زندگی پس از مرگ و نیز التزام به یک نظام اخلاقی، رفتار و مراسم عبادی است که از یک متن مقدس دینی گرفته شده است.

روش پژوهش

روش پژوهش با توجه به موضوع مورد بررسی، نیمه‌آزمایشی و طرح پژوهش دو گروهی (آزمایش و گواه) با پیش‌آزمون و پس‌آزمون در نظر گرفته شد. شرکت‌کنندگان به‌صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و گواه جای گرفتند. در گروه آزمایش متغیر مستقل؛ یعنی آموزش مهارت تحول معنوی اعمال شد؛ درحالی‌که گروه گواه هیچ مداخله‌ای دریافت نکرد. تحول معنوی دارای مؤلفه‌های شناخت معنوی، عواطف معنوی، کنش‌ها و ثمرات معنوی است که در قالب پنج گام عطش معنوی، ارزیابی دین‌داری و تحول معنوی، تشخیص کشمکش‌های معنوی، شناسایی عوامل معنوی و تمرین‌های معنوی قابل آموزش و یادگیری می‌باشد. این مهارت در ده کارگاه آموزشی مطابق با جدول (۱) ارائه گردید.

جدول ۱: سرفصل دوره آموزش تحول معنوی

جلسه	موضوع	محتوی	هدف
اول	معارفه، شناسه کارگاه و اعتمادسازی	- آشنایی اعضای گروه و مربی - بیان اهداف اصلی و فرعی - توضیح عناوین جلسات - روند کار، وظایف اعضا و تعهدات لازم	آشنایی با دوره آموزشی و اعتمادسازی
دوم	الزامات تحول معنوی	الف) بینش‌های معنوی - اعتقاد به مبدأ عالم (از خدا بودن، در محضر خدا بودن) - توجه کامل به معاد (بازگشت به خدا) - پیوستگی دنیا و آخرت (رستگاری انسان و حیات طیبه)	پی بردن به معنای زندگی
سوم	الزامات تحول معنوی	ب) منش‌های معنوی (اخلاص، تقوا، شجاعت، استقامت، توکل و بخشش)	شناخت مؤلفه‌های اصلی اخلاق
چهارم	الزامات تحول معنوی	ج) کنش‌های معنوی - عمل به تکلیف شرعی - تبعیت از قوانین و مقررات - رعایت حقوق دیگران - انضباط در کارها	شناخت احکام و مقررات دینی
پنجم	عطش معنوی	نیاز به عبادت و پرستش، نیاز به هدفمندی و معناداری زندگی، نیاز به خیرخواهی و نوع‌دوستی، نیاز به اخلاقی زیستن و نیاز به امدادهای غیبی	ایجاد نیاز به معنویت
ششم	ارزیابی دین‌داری و تحول معنوی	- آمادگی‌های فطری (به دنبال درک اهداف غایی و معنای زندگی بودن) - ارزش‌های فرهنگی (علاقه به تغییر خود و فراروی از مادیات) - تربیت معنوی (دوستدار تهذیب نفس و خودسازی)	آگاهی از سطح تحول دین‌داری
هفتم	تشخیص کشمکش‌های معنوی	- آشنایی با دغدغه‌ها و تضادهای فکری - آشنایی با دغدغه‌ها و تضادهای هیجانی - آشنایی با دغدغه‌ها و تضادهای رفتاری	هماهنگی فکر، احساس و عمل
هشتم	شناسایی عوامل معنوی	- معرفی منابع - معرفی مجالس - معرفی الگوها	آشنایی با عوامل معنوی
نهم	تمرین‌های معنوی	تفکر و اندیشه در خلقت، نماز و نیایش، روزه‌داری و سکوت، دعا و تدبیر در آیات قرآن، یاری رساندن و محبت به دیگران	عادت به تمرینات روزمره
دهم	ارزیابی مهارت تحول معنوی	- بررسی و بازبینی باورها و اعتقادات، رفتارهای مذهبی، کارهای خیرخواهانه - ارائه پیشنهادها و انتقادات - انجام پس‌آزمون	بازخورد در مورد آموزش

جامعه آماری این پژوهش ۳۰ فرد از افراد شرکت کننده برای مراسم مذهبی در یکی از هیئت های کرمان (در سال ۹۸) بودند. افراد به وسیله نمونه گیری در دسترس انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۵ فرد) و گروه گواه (۱۵ فرد) قرار گرفتند. در هر دو گروه آزمایش و گواه، دوبار پرسش نامه سنجش نگرش معنوی به عنوان پیش آزمون و پس آزمون اجرا شد. متغیرهای پژوهش شامل یک متغیر مستقل، آموزش مهارت تحول معنوی و یک متغیر وابسته نگرش معنوی بود. جلسات آموزشی برای افراد گروه آزمایش به صورت همزمان برگزار گردید و بعد از برگزاری ده جلسه آموزش مهارت تحول معنوی در گروه آزمایش پس آزمون بر روی هر دو گروه آزمایش و گواه انجام شد و نمره پرسش نامه سنجش نگرش معنوی نیز محاسبه گردید.

جدول ۲: ویژگی های جمعیت شناختی نمونه پژوهش (گروه آزمایش)

نمونه ها		سن		تحصیلات	
ویژگی ها		۲۲-۱۸	۲۶-۳۲	دیپلم	دیپلم بالاتر
تعداد		۱۶	۱۴	۹	۲۱

ابزار پژوهش

در این پژوهش از پرسش نامه سنجش نگرش معنوی، که توسط شهیدی و فرج نیا (۱۳۹۱) برای ارزیابی سطح نگرش معنوی دانشجویان می باشد، استفاده شده است. این پرسش نامه قبل و بعد از اجرای آزمایش توسط افراد تکمیل گردید. پرسش نامه سنجش نگرش معنوی شامل ۴۳ سؤال پنج گزینه ای از نوع لیکرت پنج نقطه ای می باشد که برای گزینه های «کاملاً مخالفم»، «مخالفم»، «تا حدودی موافقم»، «موافقم» و «کاملاً موافقم» به ترتیب امتیازات ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ در نظر گرفته می شود.

«توانایی معنوی» و «نگرش معنوی» دو مؤلفه در سنجش معنویت هستند؛ مؤلفه اول دارای ۲۴ سؤال و دربرگیرنده بعد شناختی نگرش معنوی، شامل ایمان به خدا و درک حضور او، درک معنا و هدف زندگی، اعتماد به خدا، امید، توجه به خود و خدا، و باور به درستی اعمال مذهبی، و بعد عاطفی نگرش معنوی، شامل احساس آرامش، ارتباط مثبت با خدا، درک محبت و توجه خداست؛ مؤلفه دوم نیز دارای ۱۹ سؤال بود و بعد رفتاری نگرش را که شامل رابطه خوب با دیگران، گذشت و بخشش، تلاش برای کمال و رسیدن به تعالی، توکل به خدا، خدمت به دیگران، مسئولیت پذیری و اعتماد به خود می شود، دربر می گیرد. در نهایت، از این پرسش نامه ۳ نمره شامل ۲ نمره برای هریک از مؤلفه ها و یک نمره کل به دست می آید (شهیدی و فرج نیا، ۱۳۹۱، ص ۱۰۷-۱۰۸). دامنه نمره کلی این ابزار از ۲۱۵-۴۳ و میانه نمره آن ۸۶ است. اخذ نمرات بیشتر، نشانه نگرش معنوی بیشتر است.

پایایی پرسش‌نامه با روش «بازآزمایی» مورد آزمون قرار گرفت که ضریب همبستگی به‌دست‌آمده از این بازآزمایی، محاسبه شد. پرسش‌نامه بر روی ۲۳۵ نفر از دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی اجرا شد و با استفاده از تحلیل عوامل با روش «واریماکس» از نوع «چرخشی» ۲ عامل با مقدار ویژه بالاتر از ۵ مشخص گردید؛ همچنین همسانی درونی پرسش‌نامه از طریق محاسبه آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به‌دست آمد و ضریب به‌دست‌آمده برای کل آزمون محاسبه گردید. همسانی درونی سؤالات هر مؤلفه نیز نشان داد که مؤلفه‌های به‌دست‌آمده از همسانی درونی بالایی برخوردارند (شهیدی و فرج‌نیا، ۱۳۹۱، ص ۹۷).

یافته‌های پژوهش

هدف پژوهش بررسی تأثیر دوره آموزشی مهارت تحول معنوی، بر نگرش معنوی افراد بود. در این تحقیق از فنون آمار توصیفی شامل جداول فراوانی و نمودار میله‌ای برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است که در جداول مربوطه تبیین شده‌اند؛ همچنین یافته‌های استنباطی نیز با استفاده از روش‌های تحلیل کوواریانس چندمتغیری مشخص گردیده‌اند. بدین ترتیب ضمن کنترل آماری با استفاده از آزمون‌های پارامتریک بررسی و صحت و سقم فرضیات تحقیق پرداخته شده است و نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل به‌صورت ذیل می‌باشد:

جدول ۳: آماره‌های توصیفی پیرامون میزان توانایی معنوی، نگرش معنوی و نمره کل بر حسب گروه گواه و آزمایش در وضعیت پیش‌آزمون

میانگین	تعداد	انحراف معیار	خطای معیار		
گواه	۸۳/۰۶۶۷	۱۵	۱۰/۷۶۰۱۶	۲/۷۷۸۲۶	توانایی معنوی
آزمایش	۸۲/۰۰۰۰	۱۵	۱۱/۰۳۲۴۲	۲/۸۴۸۵۶	
گواه	۶۷/۰۶۶۷	۱۵	۱۱/۱۸۳۳۲	۲/۸۸۷۵۲	نگرش معنوی
آزمایش	۷۰/۳۳۳۳	۱۵	۱۰/۸۲۱۰۶	۲/۷۹۳۹۸	
گواه	۱۵۰/۱۳۳۳	۱۵	۲۰/۹۹۹۵۵	۵/۴۲۲۰۶	نمره کل
آزمایش	۱۵۲/۳۳۳۳	۱۵	۲۱/۷۷۳۷۳	۵/۶۲۱۹۵	

جدول ۴: نتایج آزمون تی تست پیرامون میزان توانایی معنوی، نگرش معنوی و نمره کل بر حسب گروه گواه و آزمایش

عدد تی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	
۰/۳۸۹	۱۴	۰/۷۰۳	توانایی معنوی
-۰/۰۰۴	۱۴	۰/۳۳۲	نگرش معنوی
۰/۳۸۲	۱۴	۰/۷۰۸	نمره کل

نتایج آزمون تی تست حاکی از آن است، میزان توانایی معنوی، نگرش معنوی و نمره کل در وضعیت پیش آزمون بر حسب گروه گواه و آزمایش یکسان می باشد؛ زیرا سطح معنی داری به دست آمده بیشتر از ۰/۰۵ می باشد؛ بنابراین نتیجه می گیریم که میانگین توانایی معنوی، نگرش معنوی و نمره کل بر حسب گروه گواه و آزمایش یکسان بوده است.

جدول ۵: آماره های توصیفی پیرامون میزان توانایی معنوی بر حسب گروه گواه و آزمایش (پس آزمون)

سطح معناداری	درجه آزادی	عددتی	خطای معیار	انحراف معیار	تعداد	میانگین	
۰/۲۰۰	۱۴	-۳/۸۰۳	۲/۷۷۸۲۶	۱۰/۷۶۰۱۶	۱۵	۸۳/۰۶۶۷	گواه
			۲/۹۵۱۴۹	۱۱/۴۳۰۹۵	۱۵	۹۴/۳۳۳۳	آزمایش

نتایج آزمون تی تست حاکی از آن است، میزان توانایی معنوی بر حسب گروه گواه (۸۳,۰۶) و آزمایش (۹۴,۳۳) متفاوت می باشد؛ زیرا سطح معناداری به دست آمده ۰/۰۰۰ کمتر از ۰/۰۵ می باشد. به عبارت دیگر، میانگین توانایی معنوی بر حسب گروه گواه و آزمایش متفاوت است و میانگین توانایی معنوی در گروه آزمایش بیشتر از گروه گواه می باشد؛ بنابراین نتیجه می گیریم که دوره آموزشی مهارت تحول معنوی بر توانایی معنوی مؤثر بوده است.

جدول ۶: آماره های توصیفی پیرامون میزان نگرش معنوی بر حسب گروه گواه و آزمایش (پس آزمون)

سطح معناداری	درجه آزادی	عددتی	خطای معیار	انحراف معیار	تعداد	میانگین	
۰/۰۰۱	۱۴	-۴/۲۱۱	۲/۸۸۷۵۲	۱۱/۱۸۳۳۲	۱۵	۶۷/۰۶۶۷	گواه
			۲/۶۸۶۵۹	۱۰/۴۰۵۱۳	۱۵	۸۱/۱۳۳۳	آزمایش

نتایج آزمون تی تست حاکی از آن است، میزان نگرش معنوی بر حسب گروه گواه (۶۷,۰۶) و آزمایش (۸۱,۳۳) متفاوت می باشد؛ زیرا سطح معنی داری به دست آمده ۰/۰۰۰ کمتر از ۰/۰۵ می باشد. بدین معنا که میانگین نگرش معنوی بر حسب گروه گواه و آزمایش متفاوت بوده و میانگین نگرش معنوی در گروه آزمایش بیشتر از گروه گواه بوده است؛ بنابراین نتیجه می گیریم که دوره آموزشی مهارت تحول معنوی بر نگرش معنوی مؤثر بوده است.

جدول ۷: آماره های توصیفی پیرامون میزان نمره کل بر حسب گروه گواه و آزمایش (پس آزمون)

سطح معناداری	درجه آزادی	عددتی	خطای معیار	انحراف معیار	تعداد	میانگین	
۰/۰۰۲	۱۴	-۳/۸۸۷	۵/۴۲۲۰۶	۲۰/۹۹۹۵۵	۱۵	۱۵۰/۱۳۳۳۳	گواه
			۵/۶۰۷۱۴	۲۱/۷۱۶۳۵	۱۵	۱۷۴/۸۰۰۰	آزمایش

نتایج آزمون تی تست حاکی از آن است، میزان نمره کل در گروه گواه (۱۵۰،۱۳) و آزمایش (۱۷۴،۴۸) متفاوت می باشد؛ زیرا سطح معنی داری به دست آمده ۰/۰۰۰ کمتر از ۰/۰۵ می باشد. بدین معنا که میانگین نمره کل بر حسب گروه گواه و آزمایش متفاوت بوده و میانگین نمره کل در گروه آزمایش بیشتر از گروه گواه بوده است؛ بنابراین نتیجه می گیریم که دوره آموزشی مهارت تحول معنوی بر نمره کل نگرش معنوی مؤثر بوده است.

بحث و نتیجه گیری

نگرش معنوی چهره جهان را در نظر فرد دگرگون می سازد و طرز تلقی او را از خود، خلقت و رویدادهای پیرامون تغییر می دهد. فرد دارای نگرش معنوی قوی خود را تحت حمایت و لطف همه جانبه خداوند - بزرگ ترین نیروی موجود - می بیند و احساس اطمینان، آرامش و لذت معنوی عمیقی به وی دست می دهد. او خداوند را منشأ خیر و برکت می داند و لذا در نظر چنین فردی همه رویدادها حتی بلايا و مصایب نعمت و آزمایشی از جانب خداوند تلقی می شوند. او خود را موظف می داند که سختی هایی را که با قدرت عقل قابل توجیه نیستند، با ایمان تحمل نماید تا به تکامل دست یابد. چنین فردی به واسطه ناملایمات و ناکامی های زندگی دچار ناامیدی و اضطراب نمی گردد؛ زیرا خداوند را حامی خویش می دانند. او اطمینان دارد که این حوادث و رویدادها گذرا هستند و او پاداش صبر خود را خواهد گرفت. این فرد هدفمند است و با هموعان و اطرافیان خود رابطه خوب و مبتنی بر احترام متقابل و محبت برقرار می کند (آقامحمدی، ۱۳۹۵، ص ۷۹).

هدف پژوهش این بود که اثرپذیری آموزش تحول معنوی بر نگرش معنوی بررسی و دسترسی به امور قدسی و تحقق شان حاصل شود. ادراک شناختی فرد از دنیای طبیعی و رابطه اش با دنیای ماورای طبیعی را دربر می گیرد، به نحوی که فرد به یک تعادل بهینه بین اجزای وجودش یا نظام معنوی دست یابد. در همین راستا، الگویی برای تحول معنوی در جهت تغییر در سه عنصر بینش، منش و کنش معنوی، معرفی گردید.

الگوی حاضر با این باور که خالق انسان بهترین برنامه را از طریق وحی که دانشی قطعی تلقی می شود برای ارتقا و سلامت مخلوق خود طراحی و به شیوه های مختلف در اختیار او نهاده است، به ابعاد مختلف و گسترده تحول نظر دارد، هم بعد انگیزشی را مورد توجه داده است و هم به دو بعد آگاهی و رفتاری تأکید دارد. تحول معنوی در این الگو، یک فرایند است که با پنج گام برای معنوی شدن طراحی شده است.

یافته‌های پژوهش حاضر حکایت از این دارند که دوره آموزشی تحول معنوی هم بر آگاهی نگرش معنوی و هم بر توانایی معنوی افراد مؤثر می‌باشد. بر اهمیت نگرش معنوی در پژوهش‌های مختلف تأکید شده است. معنویت به مثابه آگاهی از هستی یا نیرویی فراتر از جنبه‌های مادی زندگی است و احساس عمیقی از وحدت یا پیوند با کائنات را به وجود می‌آورد (نجفی و عرفان، ۱۳۹۱، ص ۲). نگرش معنوی را می‌توان ناشی از عمق آگاهی انسان و شناخت او دانست که از سطح و ظاهر اشیا و امور عبور می‌کند و به درون و ذات و ماهیت آنها و روابط و وابستگی‌های آنها با هدف جست‌وجوی علت و معنا نفوذ می‌نماید؛ همچنان که در قرآن کریم آیات متعددی به تفکر و تعقل در مخلوقات و پدیده‌های طبیعی برای رسیدن به شناخت نسبت به خداوند و درک حضور او دعوت می‌کند (شهیدی و فرج‌نیا، ۱۳۹۱، ص ۱۰۰).

در تحقیقاتی نیز بر توانایی معنوی و پیامدهای آن پرداخته شده است. معنویت می‌تواند یک نظام معنایی شامل هدف‌دار بودن زندگی، احساس خودارزشمندی مثبت و خود را شایسته احترام دانستن بنا کند. این نظام معنایی می‌تواند مانع از خطرپذیری و رفتار هیجان‌طلبانه توسط فرد شود (پیری و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۴۲). معنویت حقیقتی است دارای مؤلفه‌های شناخت معنوی، عواطف معنوی، کنش‌ها و ثمرات معنوی که شاخص‌های کلی پذیرش معنوی، احساسات مثبت و منفی، عبادت، اخلاق، حس حمایت و ارتباط متقابل با یک قدرت حاکم و برتر قدسی، ارتباط با دیگران و ارتباط با خود را دربر می‌گیرد (عباسی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۳۳). مطالعات نشان می‌دهد که معنویت می‌تواند به پیشرفت سازگاری و انعطاف‌پذیری هیجانی این افراد از طریق تجربه احساسات مثبت و به دنبال آن رضایت و شادکامی از زندگی بینجامد. برای مقابله با فشار زندگی و بیرون آمدن از افسردگی، ناتوانی و رسیدن به شادکامی چه در زندگی فردی و چه در محیط کار، حوزه معنوی مانند یک مشاور به فرد کمک می‌کند تا در موقعیت‌های دشوار معنا و مفهومی بیابد (نجفی و عرفان، ۱۳۹۱، ص ۳).

نگرش معنوی از جمله پارامترهایی است که در سلامت روان، کاهش احساس تنهایی عاطفی، کاهش افسردگی و امیدواری افراد به زندگی و آینده مؤثر است. این اثرگذاری‌ها در پژوهش‌های آقامحمدی (۱۳۹۵)، محمودی و همکاران (۱۳۹۶) و مردانی و همکاران (۱۳۹۷) تأیید شده است. بنابراین معنویت از سویی جست‌وجوی مداوم برای یافتن معنا و هدف زندگی، درک عمیق ارزش زندگی و طلب فهم راجع به فراواقعیت غایی و زیستن بر اساس نظام باورهای شخصی است، و از سویی نیز معنویت، همان آداب معنوی است. این آداب شامل اعمالی از قبیل نیایش، مراقبه، روزه گرفتن و توبه است. با چنین برداشتی، همان‌گونه که یافته‌های پژوهش حاضر همانند سایر پژوهش‌ها نشان می‌دهند، معنویت قابلیت آموزش و توسعه را دارد و با طراحی چنین برنامه‌های آموزشی متناسب با نیازهای معنوی، می‌توان سطح نگرش معنوی و توانایی معنوی افراد را افزایش داد تا از یک زندگی سالم، مناسب و بهنجار بهره‌مند باشند.

منابع

- آذربایجانی، مسعود (۱۳۹۳). *مقیاس سنجش دین‌داری*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- آقامحمدی، زهرا (۱۳۹۵). بررسی رابطه نگرش معنوی، امید به زندگی و اعتیاد به اینترنت با نگرش به دوستی دختر و پسر در دانشجویان دختر دانشگاه صنعتی اصفهان (به روش مدل معادلات ساختاری). *دانش/انتظامی/اصفهان*، ۷(۹)، ۶۳-۸۱.
- ابراهیم‌پور، حبیب؛ روشندل، طاهر و سخندان، الناز (۱۳۹۶). تحلیل نقش معنویت در محیط کار در رشد رفتار اخلاقی کارکنان دانشگاه. *مدیریت در دانشگاه/اسلامی*، ۶(۲)، ۱۷۷-۱۹۲.
- الوندی، محمدجواد (۱۳۹۳). طراحی الگوی مفهومی معنویت از دید حضرت امام خمینی. *مطالعات راهبردی بسیج*، ۱۷(۶۳)، ۵-۲۵.
- ایزدپناه، عباس و شاکرناز، احمد (۱۳۹۳). ضرورت نگاه تمدنی به مفهوم معنویت. *نقد و نظر*، ۱۹(۳)، ۱۲۳-۱۴۹.
- بخشی‌زاده، شهرزاد؛ افروز، غلامعلی و غباری بناب، باقر (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش مهارت‌های تاب‌آوری مبتنی بر معنویت اسلامی بر میزان رضامندی زوجیت و مؤلفه‌های تاب‌آوری معنوی در مادران با کودکان آهسته‌گام. *توانمندسازی کودکان/استثنایی*، ۶(۴)، ۶۸-۷۷.
- بهرامی دشتکی، هاجر؛ عزیززاده، حمید؛ غباری بناب، باقر و کرمی، ابوالفضل (۱۳۸۵). اثربخشی آموزش معنویت به شیوه گروهی بر کاهش افسردگی در دانشجویان. *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاور*، ۴(۱۹)، ۴۹-۷۲.
- پیری، جمال؛ امیرپناه، علی و اقدسی، علی‌نقی (۱۳۹۹). اثربخشی معنویت درمانی مبتنی بر خودآگاهی بر بهزیستی روان‌شناختی و ابراز وجود. *پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۱۵(۵۹)، ۳۰-۴۸.
- جان‌بزرگی، مسعود و غروی، سیدمحمد (۱۳۹۵). *نظریه‌های نوین روان‌درمانگری و مشاوره*. تهران: سمت.
- (۱۳۹۵). *اصول روان‌درمانگری و مشاوره با رویکرد اسلامی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جان‌بزرگی، مسعود؛ فاکر، حسین و جان‌بزرگی، امین (۱۳۹۰). ارزیابی تحول روانی - معنوی در درمانگری مراجعان مذهبی. *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۵(۸)، ۴۹-۷۰.
- شهیدی، شهریار و فرج‌نیا، سعیده (۱۳۹۱). ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه سنجش نگرش معنوی. *روان‌شناسی و دین*، ۳(۳)، ۹۷-۱۱۵.
- عباسی، محمود و همکاران (۱۳۹۱). تعریف مفهومی و عملیاتی سازی سلامت معنوی. *اخلاق پزشکی*، ۶(۲۰)، ۱۷-۴۷.
- غباری بناب، باقر و حدادی کوهسار، علی‌اکبر (۱۳۹۱). رابطه تصور فرد از خدا و روان‌پریشی. *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۶(۱۱)، ۵۹-۷۴.
- کاویانی، محمد (۱۳۹۴). *درس‌نامه سبک زندگی اسلامی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کلانتری، مهرداد و اسماعیلی، مریم (۱۳۹۴). الگوی تحول در روان‌شناسی. *تحول در علوم انسانی*، ۳(۴)، ۸۷-۱۱۸.
- محمودی، فیروز؛ صادقی، فرزانه و جمال‌امیدی، معصومه (۱۳۹۶). بررسی نقش نگرش معنوی در پیش‌بینی راهبردهای تنظیم شناختی هیجانی در دانشجویان. *دین و سلامت*، ۶(۱)، ۵۱-۶۰.
- مردانی حموله، مرجان؛ احمدی، معصومه؛ سیدفاطمی، نعیمه و حقانی، حمید (۱۳۹۷). بررسی ارتباط همدلی با نگرش معنوی در دانشجویان کارشناسی پرستاری شهر تهران. *اخلاق و تاریخ پزشکی*، ۱۱(۲)، ۱۷۶-۱۸۸.
- مصباح، علی (۱۳۸۹). واکاوی مفهومی معنویت و مسئله معنا. *اخلاق پزشکی*، ۴(۱۴)، ۱۹-۳۱.
- مظاهری سیف، حمیدرضا (۱۳۸۵). تحلیل حیات طبیعه از دیدگاه قرآن کریم. *ماهنامه معرفت*، ۹(۱۰۹)، ۱۰۵-۱۱۴.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- مهری، کریم (۱۳۹۶). تدوین یک الگوی نظری درخصوص تحول معنوی بر اساس بیانات مقام معظم رهبری. *تربیت اسلامی*، ۱۲(۲۴)، ۷-۲۹.
- نجفی، محمد و عرفان، آرزو (۱۳۹۱). بررسی کمی و کیفی رابطه بین معنویت، شادکامی و توانمندی حرفه‌ای اساتید. *رویکردهای نوین آموزشی*، ۷(۲)، ۲۲-۳۱.
- وست، ویلیام (۱۳۹۷). *روان‌درمانی و معنویت*. ترجمه شهریار شهیدی و سلطانی شیرافکن. تهران: رشد.

Elkins, D. N. & others (1988). towards a humanistic-phenomenological spirituality. *Journal of Humanistic Psychology*, 28(4), 5-18.

Jalali-Tehrani, S. M. M. (2001). Integration Therapy in Corsini. R. J. Handbook of Innovative Therapy. 2nd edit. John Wiley and Sons. Inc, 321-331.

ساخت، اعتباریابی و تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی پرسش نامه تصور مثبت و منفی از خدا بر اساس منابع اسلامی

Construction, validation and exploratory and confirmatory factor analysis of positive and negative image questionnaire of God based on Islamic sources

احد امیدي / دکتری روان شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ایران

Ahad Omid / PhD in Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran
Omid.ahad@gmail.com

Abstract

The purpose of the current research was to construct, validate and the factor structure of the positive and negative image questionnaire of God and to determine its psychometric properties. The method was content analysis and the survey method by selecting 212 people from the statistical population of students by stratified random sampling. Content validity of each item was confirmed if its minimum CVR was 0.99 and CVI index was 0.79. To evaluate the validity of the construct exploratory factor analysis method was used, with principal components method, Varimax rotation and Kaiser Normation and higher eigenvalue of one also used and confirmatory factor analysis with the help of SPSS26 and AMOS24 software were used. The findings indicate that two factors "positive image of God" (29.969) and "negative image of God" (21.197) were obtained, which in total (51.167) estimates the variance percentage of the entire questionnaire. The validity of

چکیده

«تصور از خدا» از جمله موضوعات مهمی است که ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می دهد. هدف پژوهش حاضر ساخت، اعتباریابی و ساختار عاملی پرسش نامه تصور مثبت و منفی از خدا بر اساس منابع اسلامی و تعیین ویژگی های روان سنجی آن بود. روش تحقیق از روش تحلیل محتوا و روش پیمایشی و جامعه آماری طلاب و دانشجویان دانشگاه قرآن و حدیث که ۲۱۲ نفر به شیوه نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب گردید. جهت ارزیابی روایی محتوا، هر آیتمی که حداقل CVR آن ۰/۹۹، به بالا و شاخص CVI آن ۰/۷۹ به بالا بود، تأیید شد. برای بررسی روایی سازه به شیوه تحلیل عاملی اکتشافی روش مؤلفه های اصلی، چرخش واریماکس به همراه بهنجارسازی کایزر و ارزش ویژه بالاتر از یک استفاده شده است. علاوه بر آن از تحلیل عامل تأییدی برای تأیید گویه های پرسش نامه و ارتباط آن با عامل مرتبط با کمک نرم افزار SPSS26 و AMOS24 استفاده شد. یافته ها حاکی از به دست آمدن دو عامل «تصور مثبت از خدا»

positive image of God and negative image of God in Gutman's two-half method (0.779), (0.843), Spearman's coefficient (0.796), (0.852) and Cronbach's alpha coefficient value of positive image, respectively of God (0.835), and Cronbach's alpha coefficient of negative perception of God (0.914) was obtained. Therefore, the obtained results indicate the ability of questionnaire to be used in research studies.

Key words: positive image of God, negative image of God, Islamic sources, questionnaire, Islamic psychology.

(۲۹/۹۶۹) و «تصور منفی از خدا» (۲۱/۱۹۷)، که در مجموع (۵۱/۱۶۷) درصد واریانس کل پرسش‌نامه را برآورد می‌کند. اعتبار تصور مثبت از خدا و تصور منفی از خدا به ترتیب در روش دونیمه‌سازی گاتمن (۰/۷۷۹)، (۰/۸۴۳)، ضریب اسپیرمن (۰/۷۹۶)، (۰/۸۵۲) و مقدار ضریب آلفای کرونباخ تصور مثبت از خدا (۰/۸۳۵) و ضریب آلفای کرونباخ تصور منفی از خدا (۰/۹۱۴)، به‌دست آمد. بنابراین نتایج به‌دست‌آمده حاکی از قابلیت پرسش‌نامه تصور مثبت و منفی از خدا جهت استفاده در تحقیقات پژوهشی است.

کلیدواژه‌ها: تصور مثبت از خدا، تصور منفی از خدا، منابع اسلامی، پرسش‌نامه، روان‌شناسی اسلامی.

مقدمه

موضوع خداوند به دلیل گستردگی و اهمیتی که از لحاظ دینی و روان‌شناختی دارد، توجه نظریه‌پردازان حوزه روان‌شناسی به‌خصوص روان‌شناسی دین را به خود جلب کرده است (علیان‌نسب، ۱۳۹۱، ص ۹۹). روان‌شناسان برجسته‌ای از قبیل جیمز^۱ (۱۹۰۲)، یونگ^۲ (۱۹۳۳)، فرانکل^۳ (۱۹۶۳) و آلپورت^۴ (۱۹۶۳)، دین، خدا و معنویت را جزء نیازهای اساسی بشر می‌دانستند و بر نقش آنها در سلامت روان تأکید داشتند (شریفی‌نیا، ۱۳۹۱، ص ۲۰۶). با تأکید روان‌شناسان بزرگ موضوع خداوند در روان‌شناسی رهیافت مناسبی پیدا کرد و پژوهش‌های زیادی به موضوع خداوند اختصاص پیدا کرد. یکی از آن موضوعاتی که در روان‌شناسی دین به آن پرداخته شد، موضوع «تصور از خدا»^۵ بود، که پایه‌های نظری آن از پژوهش‌های فروید شروع شده و با تحقیقات دیگر روان‌شناسان از قبیل ریزاتو، گرساچ و دیگران ادامه پیدا کرد.

1. James

2. Jung

3. Frankl

4. Allport

5. The image of God

تصور از خدا یک الگوی درونی روان‌شناختی از تصورات افراد در مورد خداست (لارنس،^۱ ۱۹۹۷)؛ یعنی آن احساسی که افراد نسبت به خداوند دارند (لارنس، ۱۹۹۷، ریزاتو،^۲ ۱۹۷۴). حالتی روان‌شناختی است که به چگونگی احساس فرد نسبت به خداوند و برداشت و درک فرد مبنی بر چگونگی احساس خداوند نسبت به وی مربوط می‌شود (گریمز،^۳ ۲۰۰۸). در صورتی که صحبت از شناخت افراد و شخصیت ایشان به میان باشد و بخواهیم سازه‌های روانی انتخاب کنیم تا با بررسی آن به بسیاری از خصایص روانی افراد پی ببریم، تصور فرد از خدا بسیار مهم است (لارنس، ۱۹۹۷، ریزاتو، ۲۰۰۵، به نقل از: احمدی برآبادی، ۱۳۹۳، ص ۷۲). از دیدگاه برخی روان‌شناسان تصور از خدا از طریق نخستین ارتباطات کودک با افراد مهم زندگی و مراقبتش شکل گرفته و در سراسر زندگی همراه با رشد و بلوغ فرد، بارها و بارها تجدید می‌گردد و جهت‌گیری‌ها، احساس‌ها و رفتارهای فرد را در ارتباط با خدا هدایت می‌کند (لاندرین، ۱۹۹۶). تصور از خدای که در افراد شکل می‌گیرد در دو حیطه کلی تصور مثبت و منفی قرار می‌گیرد. افرادی که تصور مثبتی از خداوند دارند، خداوند را بخشنده و دوست خود می‌دانند و با او از طریق برقراری رابطه‌ای عاشقانه، ملاقات صمیمانه و گرم به عمل می‌آورند و در نتیجه سلامت روان بالاتری دارند، ولی افرادی که تصور منفی از خداوند دارند، خداوند را به صورت منبعی از خشم، قهر و انتقام کامل می‌شناسند و انسان را گناهکاری در حال سقوط و اسیر دستان این خدای غضبناک تصور می‌کنند. شناخت خدا در این الگو، خواسته یا ناخواسته ترسناک و اضطراب‌آور است. افرادی که بر اساس این الگو با خدا ارتباط برقرار می‌کنند، روزبه‌روز از سلامت روانی خود دورتر می‌شوند (پارگامنت،^۴ ۱۹۹۷).

تحلیل ادبیات کودکان، از خدای مثبت و خدای منفی در ذهن کودکان خبر می‌دهد. گاهی والدین و مربیان امور آموزشی و تربیتی به دلیل نداشتن آشنایی کافی نسبت به شکل‌گیری تصور صحیح از خدا، باعث شکل‌گیری تصور منفی و نادرستی از خداوند در ذهن کودکان می‌شوند، این افراد در بزرگسالی از خداوند گریزان می‌شوند. ارائه کردن یک چهره خشن و سخت‌گیر از خداوند، موجب اضطراب کودکان و ترس آنها از نزدیک شدن به خدا در بزرگسالی می‌شود. این باورها اغلب در دوران بزرگسالی گسترش می‌یابد و بر شناخت‌ها و رفتارهای فرد تأثیر می‌گذارد (شریفی‌نیا، ۱۳۹۱، ص ۲۱۹).

به عنوان نمونه برای شکل‌گیری تصور منفی از خداوند، یکی از مددجویان زندانی، تصور خویش از خدا را در قبل و پس از درمان این گونه توصیف می‌کند:

-
1. Lawrence, R. T.
 2. Rizzuto, A. M.
 3. Grimes, C.
 4. Pargament, K. I.

همان‌طور که به‌تدریج بزرگ می‌شدم، طبق سنت خانواده‌های مذهبی، تربیت دینی و مذهبی من هم شروع شد. تربیت که چه عرض کنم، بهتر است بگویم جبر دینی؛ اگر دروغ بگی میری ته جهنم؛ اگر فلان کنی میری وسط جهنم؛ اگر بهمان کنی خدا پوستت را می‌کنه و غیره. نمی‌دانم چرا از خدا بیزار شده بودم، ولی جرئت گفتن آن را نداشتم. من خدا را موجودی جبار، منتقم، عذاب‌دهنده و ترسناک می‌دیدم و به همین خاطر همیشه از او فرار می‌کردم؛ زیرا او خدایی بود که می‌خواست همه را در جهنمش بسوزاند.

او پس از آنکه به‌خاطر اعتیاد و ارتکاب جرائم چند بار دستگیر و زندانی می‌شود، در زندان مرکزی قم تحت درمان روان‌درمانی یکپارچه توحیدی قرار می‌گیرد و همراه با سیر درمان تصور منفی که از خدا داشته دگرگون می‌شود و به تصور مثبتی از خداوند پیدا می‌کند و روند این تحول را چنین گزارش می‌کند:

در طول زندگی به‌خاطر اعتیادم تخریب‌های بسیار زیادی داشته‌ام که شهادت نوشتن خیلی از آنها را ندارم؛ تا اینکه در یکی از روزها خسته، درمانده از همه‌جا و از روی ناچاری به بند روان‌درمانی آمدم در اینجا خدا را به من معرفی کردند. خدایی مهربان و بخشنده؛ خدایی که امروز مرا با همه بدی‌هایم بخشیده است. من که به یک انسان عصبانی، زودرنج، عیب‌جو، ناراضی، افسرده، دروغ‌گو و دارای ده‌ها نقص شخصیتی دیگر تبدیل شده بودم، امروز با بخشش خداوند و به کمک خداوند و طبق اصول برنامه، به برطرف کردن نقص‌های خود پرداختم و آنها را در حد بسیار زیادی از وجودم خارج نمودم و به تربیت و تزکیه خود پرداختم. نورهای امید در دلم روشن شد؛ زیرا نور خدا در آن راه یافت. زندگی جدید من هدیه گران‌بهای از طرف خداوند است؛ پس او را سپاس می‌گویم و با تمام وجودم برای بهتر شدن و نزدیک شدن به او تلاش می‌کنم (شریفی‌نیا، ۱۳۹۱، ص ۲۱۹).

بنابراین تصور مثبت یا منفی که افراد از خداوند دارند، در خلق و رفتار و جهت‌گیری‌های مذهبی فرد در بزرگسالی بسیار مؤثر است. امروزه روان‌درمانگران در جلسات درمانی، ارزیابی تصور مثبت و منفی از خداوند را بخش مهمی از درمان موفق می‌دانند (گریدی^۱ و ریچارد^۲، ۲۰۰۷، ص ۱۸۳). از دیدگاه روان‌درمانگران، تصور و رابطه واقعی افراد با خدا تأثیر زیادی بر کارکردهای روان‌شناختی افراد دارد و در

1. Grady, K.

2. Richards, P. S.

جلسات درمانی به هدف ترمیم و تغییر شکل تصور از خدای افراد از تصور منفی به مثبت، مداخلات روان‌شناختی انجام می‌دهند، و با تغییر دادن تصور از خدای مراجع، به‌طور مستقیم بر بسیاری از جنبه‌های زندگی او تأثیر می‌گذارند (هال^۱ و فوجیکاوا^۲، ۲۰۱۳، ص ۲۸۸). روان‌شناسان و مشاوران که با مراجعان خداپاور مسلمان کار می‌کنند نیز، نیازمند معیاری برای تشخیص و ارزیابی صحیح تصور مثبت و منفی از خدای مراجعان خویش هستند.

پژوهش‌های در موضوع تصور از خدا و ساخت پرسش‌نامه آن صورت گرفته است که بیشتر در غرب و بر اساس آموزه‌های مسیحیت و یهودیت می‌باشد. پرسش‌نامه تصور از خدای لارنس (۱۹۹۷)، تصورات و احساس‌های مختلفی را که افراد ممکن است درباره خدا داشته باشند، بررسی می‌کند که دارای شش مقیاس است: «تأثیرپذیری»: من تا چه حد می‌توانم بر خداوند و خواست او تأثیر بگذارم؛ «مشیت‌الهی»: خداوند تا چه حد توان تأثیرگذارن بر من را دارد؛ «حضور»: آیا خداوند اینجا حضور دارد؟ «چالش»: آیا خداوند می‌خواهد من رشد و پیشرفت کنم؟ «پذیرندگی»: آیا من شایسته دوست داشته شدن از ناحیه خداوند هستم؟ «خیرخواهی»: آیا خداوند همانند کسانی است که دوستم دارند و آنچه برایم بهتر است را برای من می‌خواهند؟ علاوه بر این پرسش‌نامه تصور از خدای که از مقیاس وضعیت مذهبی (RSI^۳) گرینوی^۴ (۲۰۰۳)، از آیتم‌هایی که مربوط به خداوند اقتباس شده است، اقتباس و به‌کار گرفته شده است (گرینوی، میلن^۵ و کلرک^۶، ۲۰۰۳). این آزمون سه خرده‌آزمون، حضور خدا در زندگی، مراقبت خداوند و تصور منفی از خداوند می‌باشد. خرده‌آزمون‌های حضور خدا در زندگی و مراقبت خداوند با هم ترکیب شده و مقیاس تصور مثبت از خدا را تشکیل می‌دهند. پرسش‌نامه مفهوم خداوند در سال (۱۹۶۸)، توسط ریچارد گرساچ^۷ ارائه گردید. در این پرسش‌نامه مجموعه صفاتی به آزمودنی‌ها ارائه و از آنها خواسته شد تا بر مبنای یک مقیاس پنج‌درجه‌ای معلوم کنند، هر صفت تا چه اندازه به مفهومی که آنها از خداوند در ذهن دارند، نزدیک است. سازنده این پرسش‌نامه هشت عامل خداوند خیراندیش^۸، بی‌ربط^۹، لایتناهی^{۱۰}، قضاوت‌کننده^۱، الوهیت^۲، هدایتگر^۳، معتبر^۴ و قهار^۵ را معرفی

1. Hall, T. W.

2. Fujikawa, A. M.

3. Religious Status Inventory

4. Greenway, A. P.

5. Milne, L. C.

6. Clarke, V.

7. Richard Gvrsach

8. benevolent

9. irrelevant

10. infinite

می‌کند. نصیرزاده و رسول‌زاده (۱۳۸۶، ص ۱۴۱) بر اساس تحلیل عاملی شش مقیاس فرعی، خداوند نیک‌خواه،^۶ خداوند نامربوط،^۷ خداوند لایتناهی،^۸ خداوند تنبیه‌گر (غضبناک)،^۹ خداوند دست‌نیافتنی^{۱۰} و خداوند ارزشمند^{۱۱} از آن استخراج کردند. روان‌شناسان و مشاوران که با مراجعان خداپاور مسلمان کار می‌کنند نیز، نیازمند معیاری برای تشخیص و ارزیابی صحیح تصور از خدای مراجعان خویش هستند، که مطابق با مبانی اسلامی باشد و بتوانند بر اساس آن تصور افراد از خدا را مورد سنجش و ارزیابی قرار دهند. بر همین اساس پرسش‌نامه^{۵۷} گوی‌های تصور از خدا بر اساس اسمای الهی توسط امیدی، رفیعی‌هنر، سقای بی‌ریا (۱۳۹۹)، بر اساس اسمای الهی در قرآن کریم و روایات با استناد به منابع اسلامی و فرهنگ جامعه اسلامی بر اساس تحلیل عاملی در پنج عامل «ناصریت»، «رحمانیت - غافریت»، «منعمیت - رازقیت»، «خالقیت - قادریت» و «عالمیت»، ساخته شده است. هریک از گویه‌ها توصیف کوتاهی از چگونگی تصورات افراد از خداوند است که آزمودنی‌ها پس از مطالعه هر گویه، میزان تطابق آن گویه را با تصورات، برداشت‌ها، حالات و تجربه‌های خود نسبت به خداوند بر روی یک مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای تعیین می‌کنند. با این وجود، ولی پرسش‌نامه‌ای که مشخصاً با رویکرد روان‌شناختی و با توجه به منابع اسلامی به دنبال بررسی تصور مثبت و منفی از خداوند باشد، یافت نشد. روان‌شناسان و تحقیقات حاکی از آن است که بیماران مختلفی که به مراکز روان‌درمانی رجوع می‌کنند، تصور منفی، مخدوش، تحریف‌شده و نادرستی از خداوند دارند (اوکوزی،^{۱۲} ۲۰۱۰؛ برام و همکاران،^{۱۳} ۲۰۰۸؛ کرکپاتریک،^{۱۴} ۲۰۰۵)، و روان‌درمانگران و مشاوران توصیه می‌کنند در جلسات درمانی نیاز است تصور از خدای مراجعان کشف شود و به تغییر و اصلاح آن پرداخته شود (دراپر،^{۱۵} ۲۰۱۷). بنابراین برای تشخیص تصور مثبت و منفی درباره خداوند ضرورت وجود معیاری صحیح بسیار مطلوب

1. judge
2. divinity
3. navigator
4. valid
5. wrathful
6. benvolent
7. irrelevant
8. omni- ness
9. wrathful
10. diesticness
11. valuable
12. Okozi, I. F
13. Braam, A. and atel
14. Kirkpatrick, L.A.
15. Draper, S.

می‌باشد. با ساخت پرسش‌نامه حاضر خلأ موجود برای شناخت تصور مثبت و منفی افراد از خداوند بر اساس منابع اسلامی برطرف خواهد شد. به روان‌شناسان و مشاوران و پژوهشگران کمک می‌کند تا تصور درونی شده مثبت یا منفی از خداوند را در درون مراجع خویش شناسایی کنند و خدمات ارزنده‌ای هم در جهت تشخیص، هم در جهت اصلاح تصورات ناکارآمد و هم بهبود و ارتقای تصورات فرد از خدا، ارائه دهند. نیاز است تصور از خدای افراد مسلمان و خداپاور در جامعه اسلامی بر اساس منابع اسلامی و بر آن اساس سنجیده شود، ولی در بررسی ادبیات پژوهش در مورد تصور از خدا، بسیاری از پژوهش‌ها، مبتنی بر مبانی نظری روان تحلیلگری، روابط موضوعی و نظریه دلبستگی شکل گرفته است که بعضاً متأثر از نگاه جسمانی به خدا در مکتب مسیحیت و فرهنگ غیراسلامی است. فرهنگ غربی و دین مسیحیت تصویری غیرمنطقی از خداوند ارائه می‌کنند که باعث روی گردانی افراد زیادی از خداوند و دین می‌شود. خدایی که مذهب‌های غربی به مردم معرفی می‌کنند، خدایی است که نه دانشمندان علوم طبیعی؛ بلکه هر عاقلی ممکن است از او روی گردان شود. این خدا می‌خورد، می‌نوشد، می‌خوابد، کشتی می‌گیرد و همه ویژگی‌ها و آثار نیازهای جسم در اوست. گاه نیز صفات زشت مانند حسد و جهل را نشان می‌دهد، و با معرفی این ویژگی‌ها از خدا، تصویری ناقص و معیوب از خداوند در روان افراد شکل می‌گیرد (علیانسب، ۱۳۹۱، ص ۱۲۲). در داخل ایران هم مطالعاتی در حوزه تصور از خدا انجام گرفته است که مهم‌ترین نقطه ضعف این مطالعات، مقیاس‌های اندازه‌گیری و ابزارهای سنجش آنهاست، که عمدتاً برگرفته از پرسش‌نامه تصور از خدا لارنس است که اصل آن بر مبنای فرهنگ مسیحیت است و پژوهشی که در جامعه و فرهنگ غربی با دین مسیحیت و یهودیت درباره اساسی‌ترین جنبه اعتقادی انجام گرفته است، بعضاً نمی‌تواند شاخصی مناسب برای فرهنگ و جامعه اسلامی باشد (علیانسب، ۱۳۹۱، ص ۱۲۱)؛ از این‌رو هدف پژوهش حاضر ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه تصور مثبت و منفی از خدا بر اساس منابع اسلامی است تا با خلأ موجود برطرف شده و کمکی برای ارتقای روان‌شناسی اسلامی باشد.

روش پژوهش

این پژوهش، از دو روش تحلیل محتوا^۱ و پیمایشی^۲ تشکیل شده است. در روش تحلیل محتوا با رجوع به آموزه‌های دینی، قرآن کریم و روایات محتوای مرتبط با تصور مثبت و منفی از خدا استخراج و سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. از روش پیمایشی یا زمینه‌یابی برای ارزیابی روایی سنجی و اعتباریابی استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش، شامل طلاب و دانشجویان دانشگاه قرآن و حدیث قم بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، حجم نمونه انتخاب گردید. در این نمونه‌گیری،

1. content analysis

2. survey research method

واحدهای جامعه مورد مطالعه در طبقه‌هایی که از نظر صفت متغیر همگن‌تر هستند، گروه‌بندی می‌شوند تا تغییرات آنها در درون گروه‌ها کمتر شود؛ پس از آن از هر طبقه تعدادی نمونه انتخاب می‌شود. در این روش که بر پایه آن، ابتدا عناصر جامعه به چند طبقه تقسیم و سپس از هر طبقه یک نمونه تصادفی برگزیده می‌شود، دقت نمونه‌برداری از لحاظ برآورد پارامترهای جامعه را افزایش می‌دهد (دلاور، ۱۳۹۴، ص ۹۵). اولین قدم در گزینش نمونه تصادفی طبقه‌ای، مشخص کردن طبقه‌ها بود و سپس هر واحد نمونه‌برداری جامعه در طبقه مناسب جای داده شد. هر واحد نمونه‌برداری فقط در یک طبقه جای می‌گیرد. در این پژوهش نمونه به دو طبقه طلاب و دانشجو تقسیم شد. از مراحل ساخت پرسش‌نامه، بررسی روایی سازه، به شیوه تحلیل عاملی اکتشافی^۱ یا تأییدی^۲ است. در روش تحلیل عاملی، برای حجم نمونه برای هر گویه نسبتاً ۵ نمونه و بیشتر در نظر گرفته می‌شود و بعضی از آماردانان حداقل ۲۰۰ نفر برای تحلیل عاملی را کافی می‌دانند (سرمد و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۲۷۰). در پرسش‌نامه تصور مثبت و منفی از خدا بر اساس منابع اسلامی که با ۲۴ گویه نهایی شد، تعداد ۲۱۲ نفر انتخاب گردید که بر اساس آزمون کروییت بارتلت و کفایت نمونه‌برداری کیزر - میر - اولکین^۳ KMO این تعداد برای انجام تحلیل عاملی معنادار بود. برای ارزیابی فرایند روایی سنجی به شیوه روایی محتوایی^۴ و روایی سازه^۵ به دو شیوه تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی و برای اعتبار پرسش‌نامه از روش برآورد همسانی درونی^۶ از روش دونیمه کردن آزمون^۷ و تعیین ضریب آلفای کرونباخ^۸ با کمک نرم‌افزار SPSS26 و AMOS24 استفاده گردید. آزمودنی‌های پژوهش شامل ۶۱/۸ درصد طلاب و ۳۸/۲ درصد دانشجویان، از گروه مردان ۲۶/۹ و زنان ۷۳/۱ درصد و افراد متأهل ۷۲/۲ و مجردین ۲۷/۸ بودند. میانگین سنی افراد ۳۲/۴۲ و انحراف استاندارد آن ۹/۵۶ بود.

یافته‌های پژوهش

در ابتدا منابع اسلامی و روان‌شناختی مرتبط با موضوع تصور مثبت و منفی از خداوند گردآوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بر اساس مستندات به‌دست‌آمده به طراحی و ساخت گویه‌های پرسش‌نامه تصور مثبت و

1. Exploratory Factor Analysis
2. Confirmatory Factor Analysis
3. Kaiser-Meyer-Olkin Measure of sampling adequacy
4. content validity
5. construct validity
6. internal consistency
7. split – half method
8. cronbach's alpha

منفی از خدا پرداخته شد. برای طراحی گویه‌ها اصول ساخت آن مورد توجه قرار گرفت؛ از قبیل محدود کردن هر گویه به یک استناد، قابل فهم و واضح بودن سؤالات، پرهیز از به کار بردن گویه‌های منفی مضاعف، پرهیز از توصیف‌کننده‌هایی که مقدار یا درجه گویه را مبهم نشان می‌دهد، گویه‌ها طوری طراحی شد که تنها یک پاسخ درست داشته باشد و یا قطعاً دارای درست‌ترین پاسخ باشد. بعد از ساخت گویه‌ها به منظور بررسی روایی محتوا از ۶ نفر کارشناس متخصص روان‌شناسی و علوم‌دینی خواسته شد میزان مطابقت گویه‌ها با مستندات را با شاخص (CVI^۱) در یک مقیاس چهار درجه‌ای (کاملاً مرتبط ۷۶ تا ۱۰۰ درصد، نسبتاً مرتبط ۵۱ تا ۷۵ درصد، کم مرتبط ۲۶ تا ۵۰ درصد، و غیرمرتبط از ۱ تا ۲۵ درصد)، و میزان ضرورت هر گویه برای سنجش تصور مثبت و منفی از خدا را با (CVR^۲) بر روی سه طیف (ضروری نمره ۳، مفید ولی غیرضروری نمره ۲، غیرضروری نمره ۱) اعلام نمایند. با توجه به فرمول محاسبه CVI و CVR در روایی محتوا، در صورتی که تعداد ارزیابان ۶ نفر باشند، حداقل مقدار CVR قابل قبول بایستی ۰/۹۹ پایین‌تر باشد و در صورتی که نمره محاسبه‌شده برای گویه‌ها با توجه به تعداد متخصصین ارزیابی‌کننده کمتر از میزان مورد نظر باشد، بایستی از آزمون کنار گذاشته شوند، به این دلیل که روایی محتوایی قابل قبولی ندارند و اگر مقدار قابل قبول برای شاخص CVI بالاتر از ۰/۷۹ باشد، مناسب تشخیص داده می‌شود (پولیت و همکاران، ۲۰۱۲، به نقل از: فتحی آشتیانی، ۱۳۹۵، ص ۳۰). بر این اساس، بعد از ارزیابی داوران متخصص به دلیل پایین بودن شاخص CVI و CVR تعداد ۱۲ گویه حذف گردید و تعداد گویه‌های پرسش‌نامه از ۳۶ به ۲۴ گویه کاهش یافت. بعد از آماده شدن گویه‌ها و مشخص کردن شیوه نمره‌گذاری، پرسش‌نامه بر روی تعدادی از افراد نمونه اجرا گردید و با استفاده از نرم‌افزار SPSS همبستگی هر کدام از گویه‌ها با نمره کل آن مؤلفه به‌دست آمد، که تمام گویه در سطح (۰/۰۱) و (۰/۰۵) دارای همبستگی معناداری با نمره کل آن مؤلفه بود. برای بررسی اعتبار اولیه پرسش‌نامه از روش آلفای کرونباخ بهره برده شد. میزان آلفای کرونباخ هر کدام از مؤلفه‌ها در اجرای مقدماتی تقریباً (۰/۸۳) بود که نشان از اعتبار بالای این آزمون است. بعد از بررسی آلفای کرونباخ، جایگاه هریک از گویه‌ها از لحاظ بررسی آلفای کرونباخ پس از حذف هر سؤال بررسی شد، که آلفای کرونباخ هر گویه در محدوده آلفای کرونباخ کل (۰/۸۳) بود و با حذف هیچ گویه‌ای میزان آلفای کرونباخ افزایش قابل‌توجهی (۰/۱۰) نداشت. همچنین برای ارزیابی نحوه توزیع سؤالات و با هدف حذف گویه‌های بدون واریانس یا دارای واریانس پایین از نمودار هیستوگرام استفاده شد، که نشان داد تمام سؤالات از واریانس مطلوب برخوردار است؛ بنابراین پرسش‌نامه تصور با ۲۴ گویه نهایی گردید.

1. Content Validity Index,
2. Content Validity Ratio; CVR
3. Polit and et al

بعد از تأیید روایی محتوایی برای سنجش روایی سازه - که از قوی ترین و پیچیده ترین معیار آزمون سازی به شمار می رود - و برای شناسایی و تعیین عوامل تشکیل دهنده پرسش نامه تصور مثبت و منفی از خدا، از روش تحلیل عاملی به شیوه اکتشافی (EFA) به روش «مؤلفه های اصلی»،^۱ «چرخش واریماکس به همراه بهنجارسازی کایزر»^۲ و ارزش ویژه^۳ بالاتر از یک استفاده شده است. علاوه بر آن از تحلیل عاملی تأییدی (CFA) برای تأیید سازه های مدل (گویه های پرسش نامه) و ارتباط آن با متغیر مرتبط استفاده شد. پیش از اجرای تحلیل عاملی اکتشافی، برای اینکه معلوم شود حجم نمونه انتخاب شده متناسب با روش تحلیل عاملی است، از آزمون کرویت بارتلت^۴ و کفایت نمونه برداری KMO بهره برده شد. شاخص کفایت نمونه برداری برابر با (۰/۹۱۸) بود؛ در نتیجه حجم نمونه مورد نظر برای تحلیل عوامل مناسب است؛ همچنین نتایج آزمون کرویت بارتلت با مجذور کای اسکور (۲۹۰۸/۷۶۴) با درجه آزادی (۲۷۶) و در سطح ($p < ۰/۰۰۰$) معنادار است؛ بنابراین ماتریس همبستگی متغیرها، ماتریس واحدی نیست و می توان بر پایه این داده ها، به استخراج عامل اطمینان کرد. در جدول (۱) تحلیل عاملی به شیوه اکتشافی به روش مؤلفه های اصلی، چرخش واریماکس به همراه بهنجارسازی کایزر و ارزش ویژه یک و بالاتر نشان داده شده است.

جدول ۱: عامل ها و توصیف واریانس کل

عامل ها	ارزش های ویژه اولیه			مجموع ضرایب فاکتورهای چرخش داده نشده			مجموع ضرایب فاکتورهای چرخش داده شده		
	واریانس کل	درصد واریانس	درصد تجمعی	واریانس کل	درصد واریانس	درصد تجمعی	واریانس کل	درصد واریانس	درصد تجمعی
۱	۹/۷۶۴	۴۰/۶۸۳	۴۰/۶۸۳	۹/۷۶۴	۴۰/۶۸۳	۴۰/۶۸۳	۷/۱۹۳	۲۹/۹۶۹	۲۹/۹۶۹
۲	۲/۵۱۶	۱۰/۴۸۳	۵۱/۱۶۷	۲/۵۱۶	۱۰/۴۸۳	۵۱/۱۶۷	۵/۰۸۷	۲۱/۱۹۷	۵۱/۱۶۷
جمع کل	-	۵۱/۱۶۷	-	-	۵۱/۱۶۷	-	-	۵۱/۱۶۷	-

همان طور که از جدول (۱) مشخص است، ارزش ویژه دو عامل بزرگتر از ۱ است. واریانس عامل اول (۲۹/۹۶۹) و عامل دوم (۲۱/۱۹۷) درصد از واریانس کل را نشان می دهند و دو عامل ذکر شده در مجموع (۵۱/۱۶۷) درصد واریانس کل پرسش نامه را نشان می دهند. در جدول (۲) تعداد عامل ها به همراه بار عاملی آن ارائه شده است.

1. principal component analysis
2. varimax with Kaiser normalization
3. eigen value
4. Bartlett's Test

جدول ۲: ماتریس عامل‌ها همراه بار عاملی بعد از چرخش

عامل دوم				عامل اول			
بار عاملی	گویه‌ها	بار عاملی	گویه‌ها	بار عاملی	گویه‌ها	بار عاملی	گویه‌ها
۰/۸۵۴	۱۹	۰/۶۲۶	۱۳	۰/۷۱۱	۷	۰/۶۳۹	۱
۰/۸۱۰	۲۰	۰/۷۱۸	۱۴	۰/۷۷۰	۸	۰/۶۵۲	۲
۰/۴۶۹	۲۱	۰/۷۳۱	۱۵	۰/۵۵۰	۹	۰/۷۴۹	۳
۰/۶۵۵	۲۲	۰/۷۷۷	۱۶	۰/۶۸۷	۱۰	۰/۷۳۶	۴
۰/۶۲۱	۲۳	۰/۶۶۱	۱۷	۰/۵۱۷	۱۱	۰/۷۱۴	۵
۰/۶۴۵	۲۴	۰/۷۲۸	۱۸	۰/۵۹۵	۱۲	۰/۴۸۳	۶

همان‌طور که در جدول (۲) مشخص است، عامل اول از گویه ۱-۱۲ و عامل دوم از گویه‌های ۱۳-۲۴ شامل می‌شود. در مجموع از ۲۴ گویه تعداد ۲ عامل نهایی استخراج گردید. با توجه به مبانی نظری و مفاهیم گویه‌ها ۱۲ گویه عامل اول تصور مثبت از خدا و ۱۲ گویه از عامل دوم تصور منفی از خدا نام‌گذاری گردید.

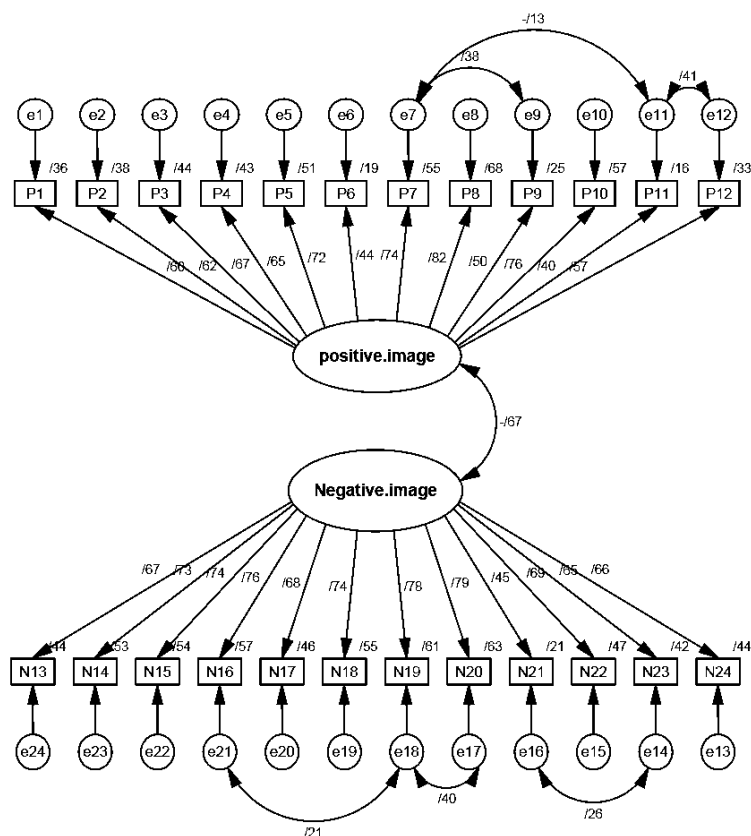
علاوه بر تحلیل عاملی اکتشافی برای اطمینان بیشتر از روش تحلیل عاملی تأییدی نیز بهره برده شد. مدل نظری پرسش‌نامه تصور مثبت و منفی از خدا هرکدام با ۱۲ گویه همراه با متغیر پنهان و مشاهده‌پذیر ترسیم شد و مدل رسم‌شده مورد سنجش قرار گرفت. برای بررسی برازش مدل از شاخص‌های آماری رایج و معروف برازش مطلق آماره مجذورخی (CMIN)، شاخص برازش مقتصد ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، شاخص برازش هنجار شده (NFI)، شاخص برازش نسبی (RFI)، مورد ارزیابی قرار گرفت. در جدول (۳) مقدار شاخص‌های برازش مدل گزارش شده است.

جدول ۳: شاخص‌های برازش پرسش‌نامه تصور مثبت و منفی از خدا بر اساس منابع اسلامی

شاخص‌ها	Df	CMIN	CMIN/DF	RMSEA	CFI	NFI	RFI
مدل تصور مثبت و منفی از خداوند	۲۳۸	۶۲۱/۷۱۱	۲/۶۱۲	۰/۰۸۷	۰/۸۶۱	۰/۷۹۵	۰/۷۶۳

همان‌طور که از جدول (۳) مشخص است، شاخص‌های برازش مطلق، برازش نسبی و برازش مقتصد از برازش مطلوبی برخوردار هستند. مقدار شاخص برازش مطلق کای اسکور برابر با (۶۲۱/۷۱۱) می‌باشد. ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) نیز برابر (۰/۰۸۷) و کوچک‌تر از ۰/۰۹ است. شاخص‌های شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، شاخص برازش هنجار شده (NFI)، شاخص برازش نسبی (RFI)، از برازش مطلوبی برخوردار است. لذا تمام شاخص‌ها حاکی از آن است که مدل برازش خوبی

برخوردار بوده و مدل تدوین‌شده توسط داده‌های گردآوری شده مورد حمایت قرار گرفته است. در شکل (۱) پرسش‌نامه تصور مثبت و منفی از خدا همراه با گویه‌ها و ضرایب استاندارد آورده شده است.



شکل ۱: تصور مثبت و منفی از خدا همراه با متغیرهای آشکار

در شکل (۱)، پرسش‌نامه تصور مثبت و منفی از خدا همراه با وزن‌های رگرسیون استاندارد شده (بارهای عاملی) و متغیرهای پنهان و متغیرهای آشکار و مجذور ضرایب همبستگی چندگانه (R^2) نشان داده شده است. عامل تصور مثبت از خداوند با ۱۲ گویه و تصور منفی از خدا با ۱۲ گویه و با توجه به معنادار بودن بار عاملی‌های هر ۲۴ گویه و مطلوبیت شاخص‌های برازش مطلق، برازش تطبیقی و برازش مقتصد مدل از برازش مناسبی برخوردار است و روایی پرسش‌نامه تصور مثبت و منفی از خدا بر اساس منابع اسلامی مورد تأیید است.

یافته‌های آمار توصیفی شامل میانگین، انحراف استاندارد، کمینه و بیشینه و همبستگی بین دو مؤلفه پرسش‌نامه تصور مثبت و منفی از خدا در جدول (۴) قابل مشاهده است.

جدول ۴: آماره‌های توصیفی پرسش‌نامه تصور مثبت و منفی از خدا بر اساس منابع اسلامی

پرسش‌نامه تصور مثبت و منفی از خدا	تعداد نمونه	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه	همبستگی	سطح معناداری
تصور مثبت از خدا	۲۱۲	۴۳/۴۵	۴/۶۴۴	۳۰	۴۸	-۰/۷۰۰	۰/۰۰۰
تصور منفی از خدا	۲۱۲	۱۵/۵۱	۵/۰۶۷	۱۲	۴۸		

همان‌طور که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، پرسش‌نامه تصور مثبت و منفی از خدا بر اساس منابع اسلامی در عامل تصور مثبت از خدا ($M = 43/45$ و $SD = 4/644$) و عامل تصور منفی از خدا ($M = 15/51$ و $SD = 5/067$) و همبستگی بین دو پرسش‌نامه ($-0/700$)، در سطح ($0/000$) معنادار است. برای برآورد همسانی درونی و اعتبار پرسش‌نامه تصور مثبت و منفی از خدا بر اساس منابع اسلامی از روش دونیمه کردن هر کدام از عامل‌های آزمون استفاده شد. عامل تصور مثبت و منفی از خدا هر کدام به دو نیمه مساوی تقسیم شد. نتایج ضریب آلفای کرونباخ هر کدام از نیمه‌ها، همبستگی، ضریب اسپیرمن - براون و ضریب دونیمه‌سازی گاتمن، در جدول (۵) قابل مشاهده است.

جدول ۵: تحیل داده‌های اعتبار عامل‌های پرسش‌نامه تصور مثبت و منفی از خدا بر اساس منابع اسلامی

آلفای کرونباخ	تصور مثبت از خدا	نیمه اول ۶ گویه	۰/۷۰۵	همبستگی بین دو فرم
		نیمه دوم ۶ گویه	۰/۷۵۸	
	تصور منفی از خدا	نیمه اول ۶ گویه	۰/۸۷۲	همبستگی بین دو فرم
		نیمه دوم ۶ گویه	۰/۸۴۹	
ضریب اسپیرمن - براون	تصور مثبت از خدا	تساوی گویه‌ها	۰/۷۹۶	-
		عدم تساوی گویه‌ها	۰/۷۹۶	
	تصور منفی از خدا	تساوی گویه‌ها	۰/۸۵۲	-
		عدم تساوی گویه‌ها	۰/۸۵۲	
ضریب دونیمه‌سازی گاتمن	تصور مثبت از خدا	۰/۷۷۹	-	
	تصور منفی از خدا	۰/۸۴۳		

همان‌طور که از جدول (۵) مشخص است، آلفای کرونباخ نیمه اول گویه‌های تصور مثبت از خدا با تعداد ۶ گویه برابر با ($0/705$) و آلفای کرونباخ نیمه دوم تصور مثبت از خدا با ۶ گویه برابر با ($0/758$)، و همبستگی بین دو فرم برابر با ($0/661^{**}$)، به‌دست آمده است. آلفای کرونباخ نیمه اول گویه‌های تصور منفی از خدا با تعداد ۶ گویه برابر با ($0/872$) و آلفای کرونباخ نیمه دوم عامل تصور منفی از خدا با ۶

گویه برابر با (۰/۸۴۹)، و همبستگی بین دو فرم برابر با (۰/۷۴۲**) و معنادار به‌دست آمده است. ضریب اسپیرمن - براون همراه با تساوی و عدم تساوی گویه‌ها به ترتیب در تصور مثبت از خدا و تصور منفی از خدا برابر با (۰/۷۹۶) و (۰/۸۵۲) و ضریب دونیمه‌سازی گاتمن جهت بررسی میزان همسانی درونی در تصور مثبت و تصور منفی از خدا به ترتیب برابر با (۰/۷۷۹) و (۰/۸۴۳) می‌باشد. بر اساس این نتایج، همسانی درونی در پرسش‌نامه تصور مثبت و منفی از خدا بر اساس منابع اسلامی از سطح بالایی برخوردار است؛ همچنین برای برآورد همسانی درونی و اعتبار پرسش‌نامه تصور مثبت و منفی از خدا از روش ضریب آلفای کرونباخ بهره برده شد. آلفای کرونباخ تصور مثبت از خدا با تعداد ۱۲ گویه برابر با (۰/۸۳۵) و آلفای کرونباخ تصور منفی از خدا با ۱۲ گویه برابر با (۰/۹۱۴)، به‌دست آمده است، که بیانگر همسانی درونی بسیار خوب پرسش‌نامه تصور مثبت و منفی از خدا بر اساس منابع اسلامی است.

در ادامه در جدول (۶) گویه‌های پرسش‌نامه تصور مثبت و منفی از خداوند با ۲۴ گویه به‌صورت طیف لیکرت چهاردرجه‌ای با گزینه‌های کاملاً مخالفم = ۱، مخالفم = ۲، موافقم = ۳، کاملاً موافقم = ۴ آمده است.

جدول ۶: گویه‌های پرسش‌نامه تصور مثبت و منفی از خدا

تصور مثبت از خدا	تصور منفی از خدا
۱. اگر خدا خیر و مصلحتی برای من بخواهد، هیچ‌کس نمی‌تواند مانع آن شود.	۱۳. گاهی در بعضی از مسائل و مشکلات زندگی، توکل به خدا را کارساز نمی‌دانم.
۲. خدا عمل اندک مرا قبول می‌کند و به بهترین نحو و بیشتر از آنچه مستحق آن هستم، ثواب می‌دهد.	۱۴. احساسم بر این است که خدا از مسائل و مشکلات زندگی من با خبر نیست.
۳. خدا نسبت به تمام جزئیات زندگی من در گذشته، حال و آینده آگاهی کامل دارد.	۱۵. احساس می‌کنم، خدا سخت‌گیر است، نمی‌شود به راحتی او را راضی کرد.
۴. خدا در زندگی به هیچ‌کس، ذره‌ای ظلم نکرده و نمی‌کند.	۱۶. از خدا می‌ترسم؛ زیرا به راحتی انسان را در آتش می‌سوزاند.
۵. حمایت خدا را در زندگیم به‌طور کامل احساس می‌کنم.	۱۷. کمک خواستن از خدا، تأثیری زیادی در حل مشکلات زندگیم نداشته است.
۶. حتی در تصمیم‌های کوچک زندگیم نیز نیاز زیادی به یاری خداوند دارم.	۱۸. احساسم بر این است لطف و رحمت خدا در زندگی، شامل حال من نشده است.
۷. خدا همیشه در زندگی، رزق و روزی مرا از حیث مادی و معنوی رسانده و می‌رساند.	۱۹. احساس می‌کنم برای خدا زیاد مهم نیست که من جهنمی بشوم.
۸. تمام کارهای خدا از روی حکمت و مصلحت می‌باشد.	۲۰. خدا در زندگی به من ظلم و ستم کرده است.
۹. خدا مثل همیشه ضرر، غم و اندوه را از زندگیم برطرف کرده و می‌کند.	۲۱. به دلایل زیادی، مثل مستجاب نشدن دعاهایم از خدا ناراضی هستم.
۱۰. خدا در زندگی، از مادر به من مهربان‌تر بوده است.	۲۲. خدا هم طرف‌دار ظالم‌هاست.
۱۱. با اینکه گناهان زیادی کرده‌ام، خداوند مرا خواهد بخشید.	۲۳. خدا بهترین آفریدگار نیست؛ چراکه حوادثی ویرانگری؛ مثل سیل، زلزله، طوفان و خشکسالی آفریده است.
۱۲. احساسم بر این است وقتی خدا را صدا می‌زنم، جوابم را می‌دهد.	۲۴. وقتی این همه تبعیض و تفاوت بین مخلوقات می‌بینم، عدالت خدا را نمی‌توانم به‌صورت کامل قبول کنم.

در جدول (۷) شیوه نمره‌گذاری پرسش‌نامه تصور مثبت و منفی از خدا با ۲۴ گویه گزارش شده است. در این پرسش‌نامه سوالات معکوس وجود ندارد. نمره محاسبه‌شده در هر دو عامل تصور مثبت و تصور منفی از خدا روی یک پیوستار بین حداقل نمره (۱۲) تا حداکثر نمره (۴۸)، قرار می‌گیرد. میانگین تصور مثبت از خدا در بین ۲۱۲ آزمودنی (۴۳/۴۵) و انحراف استاندارد آن (۴/۶۴۴) و میانگین تصور منفی از خدا (۱۵/۵۱) و انحراف استاندارد آن (۵/۰۶۷) به‌دست آمد.

جدول ۷: نمره‌گذاری پرسش‌نامه تصور مثبت و منفی از خدا

پرسش‌نامه تصور مثبت و منفی از خدا	
تصور مثبت از خدا	تصور منفی از خدا
۱۲-۱۱-۱۰-۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱	۳۴-۳۳-۳۲-۳۱-۳۰-۲۹-۲۸-۲۷-۲۶-۲۵-۲۴-۲۳-۲۲-۲۱-۲۰-۱۹-۱۸-۱۷-۱۶-۱۵-۱۴-۱۳
۱۲ سؤال	۱۲ سؤال
حداقل نمره: ۱۲، حداکثر نمره: ۴۸	حداقل نمره: ۱۲، حداکثر نمره: ۴۸

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه روان‌درمانگران ارزیابی موضوع تصور از خدا در جلسات درمانی را بخش مهمی از درمان موفق می‌دانند (گریدی، ریچارد، ۲۰۰۷، ص ۱۸۳)، و در جلسات درمانی به هدف ترمیم و تغییر تصور از خدای افراد از تصور منفی به مثبت، مداخلات روان‌شناختی انجام می‌دهند. با تغییر دادن تصور از خدای مراجع به‌طور مستقیم بر بسیاری از جنبه‌های زندگی او تأثیر می‌گذارند (هال و فوجیکاوا، ۲۰۱۳، ص ۲۸۸). تغییرات ایجادشده در تصورات افراد از خداوند با رشد عاطفی و معنوی مرتبط است و مراجعان خداوند را مهربان‌تر و دلسوزانه تصور می‌کنند. درمانگران مراجعان خود را تشویق به شرکت در فعالیت‌های معنوی می‌کنند. بازتاب این فعالیت‌ها می‌تواند به آنها کمک کند تا رابطه واقعی‌تری با خدا ایجاد کنند و تصور منفی آنان از خداوند اصلاح شده و یک تصور مثبتی از خداوند در درون آنان شکل بگیرد (چستون،^۱ پیدمونت،^۲ اینز^۳ و لاورین،^۴ ۲۰۰۳، ص ۱۰۳). روان‌شناسان و مشاورانی که با مراجعان خدا‌باور مسلمان کار می‌کنند، نیازمند معیاری برای تشخیص و ارزیابی تصور مثبت و منفی از خدای مراجعان خویش هستند؛ از این‌رو هدف پژوهش حاضر ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه تصور مثبت و منفی از خدا بر اساس منابع اسلامی بود. نتایج سنجش روایی محتوا، ملاک و سازه پرسش‌نامه تصور مثبت و منفی از

1. Cheston, S. E.
2. Piedmont, R. L.
3. Eanes, B.
4. Lavin, P.

خدا، - همراه با تمام مستندات ارائه‌شده - نشان داد که این پرسش‌نامه، روایی لازم برای سنجش تصور مثبت و منفی افراد از خداوند را داراست. اعتبار آزمون نیز با روش آزمون بازآزمون و روش‌های همسانی درونی روش دونیمه‌سازی و ضریب آلفای کرونباخ مورد محاسبه قرار گرفت. نتایج حاکی از آن بود که پرسش‌نامه تصور مثبت و منفی از خدا از اعتبار بالایی برخوردار است، و ثبات، پایایی و قابلیت پیش‌بینی و دقت آزمون مورد تأیید است، و این پرسش‌نامه برای سنجش تصور مثبت و منفی از خدای ایزاری مفید، با معنا و مناسب به حساب می‌آید.

پرسش‌نامه حاضر با دو عامل تصور مثبت و منفی از خدا، همسو با پرسش‌نامه تصور از خدای گرینوی (۲۰۰۳) است. پرسش‌نامه گرینوی شامل سه خرده‌آزمون «حضور خدا در زندگی»، «مراقبت خداوند» و «تصور منفی از خدا» می‌باشد. دو خرده‌آزمون اول با یکدیگر ترکیب شده و مقیاس تصور مثبت از خدا را تشکیل می‌دهند. مقایسه عوامل و گویه‌های پرسش‌نامه تصور از خدای (محقق ساخت) در این پژوهش با عوامل سازه تصور از خدای گرینوی نشان‌دهنده قرابت‌های معنایی در برخی گویه‌هاست. با این حال، این پژوهش در مقایسه با تحقیقات و پرسش‌نامه‌هایی که عمدتاً در حوزه مسیحیت و یهودیت طراحی شده‌اند، تفاوت‌های بنیادی و قابل توجهی دارد؛ درحالی‌که بنیان این پژوهش از منابع اسلامی سرچشمه می‌گیرد، تحقیقات انجام‌شده در حوزه مسیحیت غالباً بر گردآوری و دسته‌بندی توصیفاتی که افراد از خداوند ارائه می‌کنند متمرکز است و بر مبنای آن، ابعاد تصور از خدا را ترسیم می‌کنند؛ برای نمونه، گرساچ (۱۹۶۸) در پژوهشی از مشارکت‌کنندگان خواست زمانی که به خدا فکر می‌کنند، چه تصویری از او دارند. پاسخ‌ها شامل خدای قاضی، پادشاه، استاد، پدر، منجی، مادر و دوست بود. این یافته نشان می‌دهد که اتخاذ رویکردی مبتنی بر منابع اسلامی؛ سپس سنجش تصورات افراد از خداوند بر مبنای آن، روشی جامع‌تر و کامل‌تر در مقایسه با پژوهش‌هایی است که ابتدا به گردآوری توصیف‌ها و تصورات افراد از خداوند می‌پردازند و سپس بر اساس آن، ابعاد تصور از خدا را ترسیم می‌کنند.

یافته‌های پژوهش حاضر در خصوص پرسش‌نامه تصور مثبت و منفی از خدا نشان می‌دهد که تصورات افراد از خداوند طیفی را تشکیل می‌دهد که یک سر آن تصور مثبت و سر دیگر آن تصور منفی از خداوند قرار دارد. هرچه تصورات افراد از خداوند مثبت‌تر باشد، به همان نسبت کارکردهای روان‌شناختی سالم‌تری در زندگی خود تجربه می‌کنند و در مقابل، هرچه تصورات افراد از خداوند منفی‌تر باشد، به همان نسبت کارکردهای روان‌شناختی ناسالم‌تری از خود بروز می‌دهند. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت انسان بر اساس فطرتی که خداوند در او به ودیعه گذاشته است، فطرتاً به دنبال شناخت خدای خویش است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱)، و بر اساس آموزه‌های دینی، روابط با والدین و متربیان و تجربه‌های زندگی از رویدادها و چالش‌ها و انتظاراتی که از خداوند داشته است، یک تصویری

از خداوند در نزد خویش پیدا کرده است و با آن تصور زندگی کرده و می‌کند و آن تصور می‌تواند مثبت یا منفی باشد. تعدادی زیادی از مراجعان مراکز مشاوره، در عین حال که مسلمان بوده و خداوآوردند؛ ولی پژوهش‌های مختلف غباری بناب و حدادی کوهسار (۱۳۹۲)، برادشا و همکاران^۱ (۲۰۰۸)، حاکی از آن است که این افراد تصورات منفی، تحریف‌شده یا نادرستی از خدا دارند (احمدی برآبادی، ۱۳۹۳، ص ۶).

بهترین راه برای تصور صحیح از خداوند، رجوع به قرآن کریم و روایات معصومین^{علیهم‌السلام} است. قرآن مجید به‌عنوان معتبرترین کتاب آسمانی، یکی از مهم‌ترین اهدافش، اصلاح، تعمیق و گسترش شناخت انسان از خدا می‌باشد (سعیدی‌مهر، ۱۳۹۴، ص ۲۰۹). در قرآن و روایات صفات متضادی برای خدا متصور است که اگر به درستی تبیین نشود، موجب بدفهمی در افراد معتقد به خدا می‌شود (علیاناسب، ۱۳۹۱، ص ۱۲۶). در قرآن مجید دو سیمای متفاوت از خویش به نمایش می‌گذارد که به‌صورت اساسی مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند. در یکی از این دو سیما، خدا خود را خدای خیر و نیک و خدای مهر و محبت و رحمت نامتناهی و بخشنده و آمرزنده نشان می‌دهد. در جایی دیگر، خدا سخت‌گیر در دادگستری و داور نرم‌نشدنی در روز داوری و سخت‌گیر (شدیدالعقاب) و تلافی‌کننده است که غضب وی بر هر که فرود آید او را از پا درمی‌آورد (خاکساری و خسروی، ۱۳۹۱، ص ۸۴). در صورتی که اگر درست تبیین شود، در قرآن فقط تصور مثبت از خداوند وجود دارد و اگر درست تبیین نشود تصور منفی از خدا در افراد شکل می‌گیرد. در تصور منفی، خدا با اصطلاحات منفی همچون طردکننده، نامهربان، سخت‌گیر و مانند آن تصور می‌شود که باعث موج ناامیدی، تنفر و خلق منفی در افراد می‌شود. چیزی که در برخی تعلیمات دینی و مذهبی مشاهده می‌شود، این است که در این ایام مفهومی از خدا با مشخصات خاص با نام خدا به خورد کودک می‌دهند. کودک وقتی بزرگ و دانشمند می‌شود، می‌بیند چنین چیزی معقول نیست (مطهری، به نقل از: علیاناسب، ۱۳۹۱، ص ۱۲۵)؛ برای مثال برای تبیین مفهوم ترس از خداوند، اگر خداوند برای انسان موجودی ترسناک وصف شود، او ستون دین، دین‌داری و خداشناسی خویش را بر اموری هولناک بنا می‌کند، ولی اگر به جای ترس از خدا و ترس از عذاب الهی تصور از خدای مهربان و رحیم که جز رحمت و محبت از او جلوه نمی‌کند مطرح شود، مسئله متفاوت خواهد شد (علیاناسب، ۱۳۹۱، ص ۱۲۶).

خداوند در قرآن کریم از بندگان می‌خواهد که تصورشان از خداوند مثبت و نیکو باشد (اعراف: ۱۸۰). خداوند شایسته‌ترین محبوبی است که انسان می‌تواند به او محبت بورزد و او را دوست داشته باشد. اینکه گفته می‌شود ترس از خدا، به معنای این نیست که خداوند موجودی ترسناک است و باید افراد از او تصور

ترسناکی داشته باشند؛ بلکه به معنای این است که باید از قانون عدل الهی ترسید. در دعا وارد شده است: «ای کسی که امیدی نیست مگر به فضل تو و ترس از تو، ترس از عدالت می‌باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۱، ص ۱۰۷)؛ همچنین در صحیفه سجادیه آمده است: «خداوند! تو بزرگوارتر از آن هستی که کسی از تو بترسد جز اینکه از ناحیه عدالت تو باید ترسید» (زین‌العابدین علیه السلام، ص ۱۶۶). پس ترس از خدا در واقع به سبب اعمال خود ما و نظامی است که خداوند برای اعمال زشت مقرر فرموده است. خدای متعال نظام هستی را طوری قرار داده که در آن، ارتکاب گناه آثاری سوء در پی دارد. خداوند در روز قیامت انسان را زنده می‌کند و اگر فرد با ارتکاب گناه مستحق عقاب گردیده باشد او را به جهنم می‌برد و عذاب می‌کند. این نظام لایتنظیم جهان هستی است. چون چنین است، ما از آن می‌ترسیم که در اثر اعمال زشت و گناهان خویش مشمول این نظام گردیم و خدای ناکرده به آتش قهر الهی گرفتار آییم. بنابراین خدا موجودی وحشتناک و ترسناک نیست؛ بلکه آنچه ترسناک است اعمال و رفتارهای سوء خود ماست که ممکن است بر اساس نظامی که خداوند مقرر فرموده، ما را به سوی جهنم و عذاب الهی سوق دهد (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۳۵۰). پس خدا را نباید به‌عنوان موجودی ترسناک و وحشتناک تصور کرد که در کمین بندگانش نشسته است تا اینکه با کوچک‌ترین پنهان آنها را عذاب کند. خدای متعال منزّه از آن است که بخواهد کسی را بدون دلیل عذاب کند و به هیچ‌کس در دنیا و آخرت ظلمی نخواهد کرد. این اعمال مردم است که در آخرت مجسم می‌شود و همراه آنها خواهد بود، اگر خوب است به آنها لذت و نشاط و شادی می‌بخشد و اگر بد است، مایه شکنجه و آزار آنهاست و لذا می‌فرماید: «جزای شما در آن روز همان اعمال شما است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۴۶۰).

آموزه‌های دینی حاکی از آن است که بسیاری از افراد که تصور منفی از خداوند دارند، نسبت به خدا سوءظن دارند. در صورتی که نباید تصور منفی از خداوند داشت؛ بلکه باید تصور مثبت از خداوند داشت و اگر ترسی می‌باشد، ترس از اعمال خودمان باشد که گرفتار آثار شوم آن در دنیا و آخرت شویم. آلوسی در تفسیر روح‌المعانی در ذیل آیه «قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» (اعراف: ۱۵۶) نقل می‌کند: «نسبت اصابت به عذاب به صیغه مضارع است و نسبت سعه به رحمت به صیغه ماضی، به این دلیل که رحمت مقتضی ذات خداوند، ولی عذاب مقتضی گناهان بندگان است (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۷۳). انتظار خداوند از بندگانش این است که تصور و احساسات افراد از خداوند مثبت باشد. خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب می‌کند که «به بندگانم بگو: که من بخشنده و مهربان هستم»؛ یعنی تصور و احساس بندگان از خداوند به‌عنوان بخشنده و مهربان باشد (حجر: ۴۹). از بندگانش می‌خواهد نسبت به مغفرت خداوند امید داشته باشند و احساس یأس و ناامیدی به خود راه ندهند و تصورشان از خدا این باشد که همه گناهان را می‌آمرزد؛ زیرا که او بسیار آمرزنده و مهربان است (زمر: ۵۳). به تمام

انسان‌ها خطاب می‌کند که تصور و احساساتان از خداوند به‌عنوان غنی بذات باشد که همگی نیازمند و فقیر درگاه او هستید (فاطر: ۱۵). رو به درگاه خداوند بیاورید او را بخوانید و دعا کنید که دعای شما را می‌شنود و اجابت می‌کند (بقره: ۸۶).

بنابراین باید تفکیک قائل شد بین اینکه خداوند انتظار دارد که تصورات افراد از او مثبت باشند، ولی در عالم واقع افراد زیادی هستند که تصورشان از خداوند منفی است و گمان بد نسبت به خداوند دارند و نسبت دروغ به خدا می‌دهند و خداوند نیز آنان را مورد سرزنش قرار می‌دهد (احزاب: ۱۲). پس با توجه به اینکه تصور از خدا امری همگانی است، ممکن است مثبت یا منفی، هوشیار یا ناهوشیار، رشد یافته یا رشد نایافته، سالم یا بیمارگونه، ساده یا پیچیده، مفید یا خطرناک باشد (واگان، ۲۰۰۲) و تأثیرات روان‌شناختی بسیار زیادی در جنبه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی می‌گذارد، نیاز است به‌صورت صحیح و دقیق تصورات مثبت و منفی افراد از خداوند سنجیده شود. بر این اساس یافته‌ها حاکی از آن بود که پرسش‌نامه ساخته‌شده تصور مثبت و منفی از خدا بر اساس منابع اسلامی از روایی و اعتبار کافی برخوردار است. روایی محتوا، روایی سازه به دو شیوه تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی و اعتبار پرسش‌نامه از روش برآورد همسانی درونی از روش دو نیمه کردن آزمون و تعیین ضریب آلفای کرونباخ مورد تأیید است و این پرسش‌نامه قابلیت سنجش تصورات مثبت و منفی افراد از خداوند را متناسب با فرهنگی اسلامی - ایرانی دارد.

منابع

قرآن کریم.

آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت: دار الکتب العلمیه. احمدی برآبادی، حسین؛ اسمعیلی، معصومه؛ سلیمی بجستانی، حسین و کلانتر کوشه، سیدمحمد (۱۳۹۴). الگوی مفهومی ابعاد تصور از خدا بر اساس اسما حسنا مبنایی برای مطالعات سبک زندگی اسلامی و روان‌شناسی دین. روان‌شناسی و دین، ۳(۵)، ۲۶-۵.

امیدی، احد؛ رفیعی‌هنر، حمید و سقایی‌ریا، محمدناصر (۱۳۹۹). ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه تصور از خدا بر اساس اسمای الهی در آیات و روایات. روان‌شناسی دین، ۱۵(۱)، ۴۰-۲۱. خاکساری، زهرا و خسروی، زهره (۱۳۹۱). خدا و تصور مثبت و منفی از او و رابطه آن با عزت نفس و سلامت روانی دانش‌آموزان. روان‌شناسی و دین، ۲(۵)، ۹۸-۸۳.

زین‌العابدین، علی بن الحسین (ع). (۱۳۷۶). الصحیفة السجادیة. قم: الهادی.

سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۹۵). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگاه.

سعیدی‌مهر، محمد (۱۳۹۴). آموزش کلام اسلامی. قم: طه.

سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۳). اندازه‌گیری، سنجش و ارزشیابی آموزشی. تهران: آگاه.

شریفی‌نیا، محمدحسین (۱۳۹۱). الگوهای روان‌درمانی یکپارچه با معرفی درمان یکپارچه توحیدی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

علیاناسب، سیدحسین (۱۳۹۱). خداجویی و نقش آن در نگرش به مرگ. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).

- غباری بناب، باقر و حدادی کوهسار علی اکبر (۱۳۹۲). پیش‌بینی افسردگی و اضطراب بر اساس مفهوم خدا در دانشجویان. پژوهش‌ها و مطالعات علوم رفتاری، ۵(۱۵)، ۷۳-۸۶.
- فتحی آشتیانی، علی؛ محمدی، بهاره و فتحی آشتیانی، مینا (۱۳۹۵). آزمون‌های روان‌شناختی. تهران: بعثت.
- لان‌دین، رابرت ویلیام (۱۹۹۶م). نظریه‌ها و نظام‌های روان‌شناسی. تهران: ویرایش.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۹۰). به سوی او. تحقیق: محمدمهدی نادری قمی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). خداشناسی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). پیام قرآن. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- نصیرزاده، راضیه و رسول‌زاده، کاظم (۱۳۸۶). بررسی ادراک مفهوم خداوند بر احساس افسردگی، اضطراب، تنیدگی. پژوهش‌های روان‌شناختی، ۲(۸)، ۱۴۵-۱۶۳.
- Braam, A. W., Mooi, B., Jonker, J. S., Tilburg, W. V. & Deeg, D. J. H. (2008). God image and Five-Factor Model personality characteristics in later life: A study among inhabitants of Sassenheim in The Netherlands. *Mental Health, Religion and Culture*, 11(6), 547-559.
- Bradshaw, M., Ellison, C. G. & Flannelly, K. J. (2008). Prayer, God imagery, and symptoms of psychopathology. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 47(4), 644-659.
- Cheston, S. E., Piedmont, R. L., Eanes, B. & Lavin, L. P. (2003). Changes in clients' images of God over the course of outpatient therapy. *Counseling and Values*, 47(2), 96-108.
- Draper, S. (2017). The preeminent sacred symbol: Theorizing image of God outcomes. *Sociology Compass*, 11(10), e12532.
- GRADY, K. & Richards, P. S. (2007). Theistic psychotherapy and the God image. *Journal of Spirituality in Mental Health*, 9(3-4), 183-209.
- Greenway, A. P., Milne, L. C. & Clarke, V. (2003). Personality variables, self-esteem and depression and an individual's perception of God. *Mental Health, Religion & Culture*, 6(1), 45-58.
- Grimes, C. (2008). Chapter 2. God Image Research: A Literature Review. *Journal of Spirituality in Mental Health*, 9(3-4), 11-32.
- Grosuch, R. L. (1968). The conceptualization of God as seen in adjective ratings. *Journal for the Scientific Study of Religion*, 7, 56-64 Part I. Foundations.
- Hall, T. W. & Fujikawa, A. M. (2013). God image and the sacred. In (Eds.), APA handbooks in psychology.
- Hoffman, L., Knight, S., Boscoe-Huffman, S. & Stewart, S. (2007). Chapter 13. Diversity issues and the god image. *Journal of Spirituality in Mental Health*, 9(3-4), 257-279.
- Kirkpatrick, L. A. (2005). Attachment, evolution, and the psychology of religion. New York: The Guilford Press.
- Lawrence, R. T. (1997). Measuring the Image of God: The God image inventory and the God image scales. *Journal of Psychology and Theology*, 25(2), 214-226.
- Okozi, I. F. (2010). Attachment to God: Its impact on the psychological wellbeing of persons with religious vocation. Seton Hall University.
- Pargament, K. I. (1997). *The Psychology of Religion*. New York: Guilford Press.
- Rizzuto, A. (2005). Psychoanalytic considerations about spiritually oriented psychotherapy. In L. Sperry & E. Shafranske (Eds.), *Spiritually Oriented Psychotherapy* (p. 31-50).
- Rizzuto, A. M. (1974). Object relations and the formation of the image of God. *British Journal of Medical Psychology*, 47, 83-99.
- Vaughan, F. (2002). What is Spiritual Intelligence? *Journal of Humanistic Psychology*, 42(2), 16-33.

طراحی بسته آموزشی روان شناختی در تسهیل هویت یابی دینی نوجوان و بررسی روایی آن

Designing Psychological Educational Package for Facilitating Juveniles' Religious Identification and Investigating its Validity

✍ محسن مطلبی کربکندی / کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران
نجیب الله نوری / دکتری روان شناسی پژوهشگاه بین المللی جامعه المصطفی العامیه، قم، ایران

✉ Mohsen Motallebi Korbekandi / Master of Family Counseling, Institute of Higher Education in Ethics and Education, Qom, Iran
Motallebi64@gmail.com

Najibollah Nouri / PhD in Psychology, International Research Institute of Al-Mustafa University, Qom, Iran

Abstract

The present study aimed at designing a psychological educational package for juveniles' religious identification and evaluating its validity. The study, has been developed using the qualitative method of semantic domains. In this method, first, 8 main words were selected in accordance with components of definiton of religious identity and subcomponents of consciousness and self- monitoring. Then the keywords and concepts related to those main words, were selected, and after that, using the Quran and Hadith software, 159 verses and hadiths related to those contents, were extracted and sieved with purposive sampling technique. Based on the analysis of these verses and traditions, the content of the educational sessions was organized according to their Islamic and psychological contents. To assess the validity of the package, contents of sessions were handed out to nine experts. Then data

چکیده

پژوهش حاضر با هدف طراحی بسته آموزشی روان شناختی هویت یابی دینی نوجوان و بررسی روایی آن صورت پذیرفت. این پژوهش با استفاده از روش کیفی حوزه های معنایی تدوین شد. در این روش ابتدا ۸ کلیدواژه بر اساس عناصر تعریف هویت دینی و زیرمؤلفه های دو مؤلفه هشیاری و خودپایی، انتخاب شد؛ سپس واژگان و مفاهیم کلیدی مرتبط با آن عناوین انتخاب گردید؛ سپس با استفاده از نرم افزارهای قرآنی و حدیثی از بین تمامی آیات قرآن و روایات منقول از اهل بیت (ع)، مجموعاً ۱۵۹ آیه و روایتی که بیشتر از نظر محتوایی با آن عناوین مرتبط بودند با روش نمونه گیری هدفمند، گردآوری و غربال شد؛ سپس بر اساس تحلیل این آیات و روایات، محتوای جلسات بر اساس محتوای اسلامی و روان شناختی تنظیم گشت. همچنین جهت سنجش روایی از روش روایی محتوایی استفاده شد و محتوای جلسات در اختیار ۹ متخصص قرار گرفت و داده ها

analyzed, using the CVI formula and SPSS software. In the end, the educational package consists of eight sessions, with a coefficient validity between 0.79 and 1.00 for sessions. Finally, the findings compared with the similar findings and were analyzed on the basis of Islamic sources.

Key words: Identity, Adolescent, Religious identity, Identification, Educational Package.

در قالب فرمول CVI و با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شد. این بسته آموزشی متشکل از ۸ جلسه است و ضریب روایی محتوایی جلسات بین ۰/۷۹ تا ۱/۰۰ قرار دارد. در نهایت یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های مشابه مقایسه و بر اساس منابع اسلامی توصیف شد.

کلیدواژه‌ها: هویت، نوجوان، هویت دینی، هویت‌یابی، بسته آموزشی.

مقدمه

«هویت»^۱ مقوله‌ای مهم در چگونگی شخصیت انسان است که از اجزایی مانند باورها، ارزش‌ها و مفروضه‌ها تشکیل می‌شود و مؤلفه‌های فرایندی (چگونگی هویت) و مؤلفه‌های ساختاری (چیستی هویت) در ایجاد آن دخیل هستند (نوری، ۱۳۹۵، ص ۸). در تعریف هویت دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد؛ از جمله تعریف اریکسون^۲ (۱۹۶۸) مبنی بر اینکه او هویت را به صورت یک احساس نسبتاً پایدار از یگانگی خود تعریف می‌کند؛ یعنی علی‌رغم تغییر رفتارها، افکار و احساسات برداشت یک فرد از خود همواره مشابه است. علاوه بر این او می‌گوید این احساس ما که (ما چه کسی هستیم؟) باید با نگرشی که دیگران نسبت به ما دارند، نسبتاً همخوان باشد (بیابان‌گرد و پورنوروز، ۱۳۸۴، ص ۴۴). اریکسون هشت مرحله رشدی را برای انسان مطرح کرده و دوره پنجم آن را مختص سن نوجوانی^۳ دانسته و بحران اصلی این دوره را، «هویت در برابر سردرگمی نقش» بیان کرده است. بنابراین یکی از خصوصیات دوران نوجوانی، «هویت‌یابی»^۴ به معنی تلاش انسان برای یافتن مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و در نهایت رفتارهای فردی و اجتماعی می‌باشد؛ همچنین یکی از بحران‌های معمول این دوره، «بحران هویت»^۵ است.

هویت دارای انواع مختلفی بوده که هرکدام از آنها، تعریف مختص به خود را دارا می‌باشد. یکی از انواع هویت، «هویت دینی»^۶ است. هویت دینی به رابطه آدمی با دین و عوامل آن، میزان تعلق و

1. Identity.

2. Erikson, E. H.

3. Adolescence

4. Identification

5. Identity crisis.

6. Religious identity.

گرایش‌های فرد بر حول ارزش‌ها و موازین دینی و چگونگی تأثیر آنها در زندگی او در نظر گرفته شده، که دارای ابعادی همچون رابطه فرد با خویشتن، رابطه فرد با خدا، رابطه فرد با جهان هستی و رابطه فرد با جامعه است (حاجیان، ۱۳۸۸، ص ۴۵۴).

در زمینه «هویت دینی» پژوهش‌های مختلفی تا به حال انجام شده است؛ از جمله پژوهش کراسکیان موجمناری^۱ (۱۳۸۱) که مقیاس سنجش هویت دینی نوجوانان را بر اساس نظریه اریکسون و بر پایه مدل نظری مارسیا^۲ مبتنی بر دو مؤلفه جست‌وجوگری و تعهد ساخته است و بر اساس پرسش‌نامه ۵۰ سؤالی او، پنج نوع هویت مشخص شده است. پژوهش دیگری نیز توسط بل^۳ (۲۰۰۹) در مورد سنجش هویت دینی بر پایه مدل مارسیا با تأکید بر مؤلفه‌های فرایندی جست‌وجوگری و تعهد انجام شده است، مبنی بر اینکه که وی در پژوهش خود با بررسی تحقیقات جاری در تعامل بین دین و هویت و سپس با در نظر گرفتن عناصر هویت دینی و تفسیر مجدد چهار وضعیت هویتی مارسیا، پایه‌ای مفهومی برای سنجش تجربی هویت دینی ایجاد کرد. همچنین در زمینه تدوین «بسته آموزشی»^۴ صیادی (۱۳۹۶) اقدام به ساخت بسته آموزشی درخصوص هویت دینی نوجوان کرده است که برخلاف پژوهش حاضر، در متغیرهای بسته آموزشی وی، «منابع اسلامی»^۵ لحاظ نشده است. یکی دیگر از پژوهش‌های پرداخته به «هویت دینی» که پژوهش حاضر در ادامه این پژوهش قرار دارد، مدل مفهومی نوری (۱۳۹۵) در زمینه بررسی «مؤلفه‌های فرایندی و ساختاری» هویت دینی بر پایه «منابع اسلامی» است. در بخش اصلی پژوهش وی، ساختار هویت در نظام‌های روان‌شناختی بررسی و بر آن اساس معادل‌های مفهومی و نیز مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن در متون اسلامی استخراج و تفاوت‌ها و شباهت‌های آنها به گونه محتوایی و آماری مورد مقایسه قرار گرفته است. یافته‌های او نشان داد که مفهوم «معرفت نفس» می‌تواند معادل مناسب «هویت» در منابع اسلامی بوده و ساختار آن با ۹ مؤلفه باورها، ارزش‌ها، اهداف، گرایش‌ها، شناخت اکتسابی، ویژگی‌های پایدار، احساس هشیارانه، خودارزشمندی و خودپایی تبیین می‌گردد. همچنین وی به این نتیجه رسید که مفهوم هویت با هویت دینی از ساختار مؤلفه‌ای یکسان برخوردار است و البته ساختار هویت و هویت دینی در منابع اسلامی نسبت به هویت در نظام‌های روان‌شناسی، شباهت‌ها و

1. Kraskian Mojamnari, A.

2. Marcia, James, E.

3. Bell, D. M.

4. Educational package

5. Islamic sources

تفاوت‌هایی دارد، با این توضیح که دو مؤلفه خودپایایی و هشیاری به ساختار هویت در منابع اسلامی اختصاص دارد، که همین امر باعث انتخاب این دو مؤلفه در پژوهش حاضر شده است. اما ۷ مؤلفه باورها، ارزش‌ها، اهداف، گرایش‌ها، شناخت اکتسابی، ویژگی‌های پایدار و خودارزشمندی جنبه‌های مشترک هویت در منابع اسلامی و روان‌شناسی را تشکیل می‌دهند. با اینکه در پژوهش نوری (۱۳۹۵) مبنای نظری و کلیات مؤلفه‌های فرایندی و ساختاری هویت دینی مشخص شده است؛ اما مستندات مربوط به این مؤلفه‌ها از منابع اسلامی و جزئیات محتوای آنها به صورت دقیق و عملیاتی گردآوری نشده و همچنین تاکنون بر مبنای مؤلفه‌های پژوهش وی، بسته آموزشی هویت‌یابی دینی تدوین نشده است؛ لذا این موضوع ضروری، بدون پژوهش مانده و پژوهشگر در پژوهش حاضر تلاش کرده است تا این خلأ علمی را پُر نموده و بسته آموزشی با هدف کمک به تسهیل هویت‌یابی دینی نوجوان بر پایه دو مؤلفه هشیاری و خودپایایی، تدوین نماید.

در باب ضرورت پژوهش حاضر باید گفت از آنجایی که انسان با هویت خاص به دنیا نمی‌آید و هویت او در طول زندگی از طرف اطرافیان به صورت غیراختیاری به او تفویض نمی‌شود؛ بلکه فرایند «معناسازی»^۱ است که بر اساس یک ویژگی یا مجموعه‌ای از ویژگی‌های به هم پیوسته فرهنگی، طی زندگی روزمره ساخته می‌شود (گل محمدی، ۱۳۸۱، ص ۲۲۵)، و همچنین با توجه به نظریه اریکسون مبنی بر «هشت مرحله رشدی انسان» که دوره پنجم آن را «نوجوانی» و بحران اصلی این دوره را «هویت در برابر سردرگمی نقش» می‌داند؛ لذا کمک به نوجوان در فرایند معناسازی جهت تسهیل هویت‌یابی دینی وی، مهم به نظر می‌رسد. همچنین انجام چنین تحقیقی برای پژوهشگر، با توجه به ترویج جهانی شدن^۲ و انتشار قدرتمند الگوهای هویتی مختلف دینی و ضد دینی در فضای مجازی، بااهمیت بوده است؛ زیرا عدم آگاهی و عدم دستیابی نوجوان به هویت مطلوب دینی، موجت تزلزل در شکل‌گیری هویت او شده و عدم ایجاد هویت مطلوب، بی‌هویتی یا بحران هویت و در نتیجه آسیب‌های قابل‌توجهی را برای نوجوان در پی خواهد داشت.

پژوهش حاضر متشکل از یک پرسش اصلی و یک پرسش فرعی می‌باشد به این شرح که در پرسش اصلی این گونه سؤال شده: بسته آموزشی روان‌شناختی هویت‌یابی دینی نوجوان بر پایه مؤلفه‌های هشیاری و خودپایایی، مبتنی بر چه عناصری است؟ و در پرسش فرعی این گونه سؤال شده: روایی محتوایی بسته آموزشی روان‌شناختی هویت‌یابی دینی نوجوان بر پایه مؤلفه‌های هشیاری و خودپایایی چگونه است؟

1. meaning making
2. Globalization

روش پژوهش

در این پژوهش از دو روش حوزه‌های معنایی^۱ و روش پیمایشی استفاده شده است. امروزه روش اول یعنی حوزه‌های معنایی، مورد توجه پژوهشگران علوم دینی قرار گرفته است. حوزه‌های معنایی یکی از جهت‌گیری‌های اساسی و مهم در مطالعات واژگانی است و در واقع شالوده نگرش حوزه‌های معنایی بر این پایه استوار است که اشتراک در یک ویژگی، می‌تواند عاملی برای طبقه‌بندی واژه‌ها در یک حوزه شود (شجاعی، جان‌بزرگی، عسگری، غروی‌راد و پسندیده، ۱۳۹۳). در اجرای روش تشکیل حوزه معنایی، ابعاد مختلفی وجود دارد که یکی از آن ابعاد طبق پژوهش شجاعی و همکاران (۱۳۹۳) که در پژوهش حاضر به کار رفته است، تحلیل مؤلفه‌ای^۲ است با این توضیح که فهم معنای یک صفت و آگاهی نسبت به اینکه چه صفاتی در تقابل با یکدیگرند، از طریق تحلیل مؤلفه‌ای امکان‌پذیر است و هدف از آن، تشریح صفات و دستیابی به عناصر تشکیل‌دهنده آن است (شجاعی و همکاران، ۱۳۹۳). این دیدگاه نخستین بار در زبان‌شناسی توسط لایبنیز^۳ (۱۹۰۳؛ به نقل از: صفوی، ۱۳۹۱) مطرح شد؛ بنابراین در روش اول این پژوهش، طبق روش حوزه‌های معنایی و با توجه به بُعد تحلیل مؤلفه‌ای، آیات و روایات در قالب پنج گام به صورت نظری و عقلی، به شرح ذیل تحلیل شده‌اند:

گام اول (یافتن روابط معنایی): در این گام، بر اساس یافتن روابط معنایی بین عناصر و زیرمؤلفه‌های دو مؤلفه هشیاری و خودپایی که در پژوهش نوری (۱۳۹۵، ص ۱۹-۲۰) مبتنی بر منابع اسلامی استخراج شده‌اند، پنج کلیدواژه در ذیل مؤلفه هشیاری و سه کلیدواژه در ذیل مؤلفه خودپایی انتخاب شد. مجموع این هشت کلیدواژه به ترتیب عبارت از: هشیاری به اهداف زندگی، هشیاری به باورهای بنیادین دینی، هشیاری به ارزش‌های مطلوب، هشیاری به کشف توانمندی‌های فردی، هشیاری به کشف آسیب‌پذیری‌های فردی، تنظیم خویشتن، خودمراقبتی و مهار خویشتن، می‌باشند؛

گام دوم (یافتن واژگان و مفاهیم کلیدی): در این گام، بر اساس هشت کلیدواژه که به وسیله تشکیل حوزه معنایی به دست آمد، واژگان کلیدی (و مشتقات آنها) و همچنین مفاهیم کلیدی برای جست‌وجو در آیات و روایات انتخاب شد؛

گام سوم (گردآوری آیات و روایات): در این گام، آیات و روایات مرتبط با واژگان کلیدی منتخب (و مشتقات آنها) و همچنین مفاهیم کلیدی، با استفاده از نرم‌افزارهای حدیثی و قرآنی گردآوری شد؛

1. Semantic field

2. componential analysis

3. Leibniz, G. W.

گام چهارم (غربال به واسطه عدم ارتباط مفهومی): در این گام، آیات و روایات گردآوری شده جهت شناسایی میزان ارتباط مفهومی با ملاکات پژوهش، مورد غربال قرار گرفته و دسته بندی و تحلیل شد؛ گام پنجم (تدوین بسته آموزشی بر اساس محتوای اسلامی و روان شناختی): در این گام، بر اساس هشت کلیدواژه منتخب و همچنین بر اساس آیات و روایات مرتبط و مستندات روان شناختی، اقدام به تدوین جلسات هشت گانه آموزشی هویت یابی دینی شد که در جدول شماره (۲) قابل مشاهده است.

اما روش دوم پژوهش حاضر، روش پیمایشی است که منظور از آن سنجش روایی محتوایی بسته آموزشی از طریق همکاری متخصصین می باشد، که طبق نظر کارشناسان آمار و روش تحقیق، اگر نسبت شاخص روایی در CVI، کمتر از مقدار $0/7$ داشته باشد ($CVI < 0/7$)، محتوا رد خواهد شد و اگر این نسبت بین $0/7$ و $0/79$ باشد ($CVI > 0/7$ و $CVI < 0/79$)، محتوا نیاز به بازبینی داشته و اگر نسبت به دست آمده از $0/79$ بالاتر باشد ($CVI > 0/79$)، روایی محتوایی مورد تأیید است (لاوشه، ۱۹۷۵). بنابراین برای سنجش روایی محتوایی عناوین این بسته آموزشی، از متخصصین با ارائه پرسش نامه ای در قالب فرم روایی سنجی درخواست شد تا با بررسی ۷ جلسه آموزشی تدوین شده (بدون احتساب جلسه جمع بندی) و با جواب دادن هر جلسه به دو سؤال (مجموعاً ۱۴ سؤال): ۱. ارتباط محتوای هر جلسه با منابع اسلامی ذکر شده در فرم و ۲. ارتباط محتوای هر جلسه در تسهیل هویت یابی دینی نوجوان را، مشخص کنند؛ سپس پاسخ ایشان به سؤالات پرسش نامه مطابق جدول شماره (۱)، جمع آوری شد و نمرات به دست آمده وارد نرم افزار SPSS شد.

جدول ۱: نظرات کارشناسان در مورد روایی بسته آموزشی

جلسه	عناوین جلسات	شماره سؤال	کاملاً مرتبط	مرتبط	نسبتاً مرتبط	غیرمرتبط
۱	هشیاری به اهداف زندگی	جواب سؤال اول:	۸		۱	
		جواب سؤال دوم:	۸		۱	
۲	هشیاری به باورهای بنیادین دینی	جواب سؤال اول:	۸	۱		
		جواب سؤال دوم:	۷	۱	۱	

جلسه	عناوین جلسات	شماره سؤال	کاملاً مرتبط	مرتبط	نسبتاً مرتبط	غیرمرتبط
۳	هشیاری به ارزش‌های مطلوب	جواب سؤال اول:	۸	۱		
		جواب سؤال دوم:	۸	۱		
۴	هشیاری به کشف توانمندی‌ها و آسیب‌پذیری‌های فردی	جواب سؤال اول:	۸	۱		
		جواب سؤال دوم:	۸	۱		
۵	تنظیم خویشتن	جواب سؤال اول:	۸	۱		
		جواب سؤال دوم:	۶	۳		
۶	خودمراقبتی	جواب سؤال اول:	۹			
		جواب سؤال دوم:	۹			
۷	مهار خویشتن	جواب سؤال اول:	۸	۱		
		جواب سؤال دوم:	۷	۱	۱	

مطابق جدول شماره (۱)، متخصصین با بررسی ۷ جلسه آموزشی تدوین‌شده (بدون احتساب جلسه هشتم با عنوان جمع‌بندی)، درخصوص هر جلسه به دو سؤال (مجموعاً ۱۴ سؤال) پاسخ داده‌اند. طبق نتایج به‌دست‌آمده، هیچ‌کدام از ایشان نسبت به سؤالات، گزینه «غیرمرتبط» را انتخاب نکرده‌اند و اکثر کارشناسان در پاسخ به سؤالات، گزینه «کاملاً مرتبط» را انتخاب نموده‌اند.

جامعه اسنادی اول این پژوهش شامل تمامی آیات قرآن کریم و روایات منقول از اهل‌بیت علیهم‌السلام بوده و جامعه آماری دوم نیز شامل همه متخصصین علوم روان‌شناسی و علوم تربیتی در مقطع دکتری بوده، که کارشناسان علوم دینی نیز بودند. همچنین نمونه آماری پژوهش حاضر بر اساس جامعه آماری اول و دوم پژوهش، به این صورت بوده است که در جامعه اول، به تناسب عناوین پژوهش، مجموعاً ۱۵۹ آیه و روایت منقول از اهل‌بیت علیهم‌السلام به‌عنوان نمونه‌هایی از جامعه هدف مورد استفاده قرار گرفته است و در جامعه دوم، به تناسب تخصص و دسترسی، ۹ متخصص به‌عنوان نمونه انتخاب شده است، که ۳ نفر از آنها در علوم تربیتی و ۶ نفر از ایشان در روان‌شناسی تخصص داشته‌اند.

روش نمونه‌گیری پژوهش حاضر بر اساس جامعه‌اسنادی اول به این صورت است که با استفاده از روش «نمونه‌گیری هدفمند»^۱ در جامعه‌اول این پژوهش، آیات و روایات مرتبط با عناوین هشت‌گانه، از دو طریق: الف) واژگان کلیدی و مشتقات آن و ب) مفاهیم کلیدی، جست‌وجو شده‌اند، که مجموعاً ۱۵۹ آیه قرآن و حدیث مرتبط با هویت دینی غربال شده است. همچنین روش نمونه‌گیری از جامعه آماری دوم به این صورت است که متخصصین به روش نمونه‌گیری هدفمند و «نمونه‌گیری گلوله‌برفی»^۲ انتخاب شده‌اند. بر این اساس ۳ نفر از متخصصین توسط پژوهشگر به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده و بقیه متخصصین از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی انتخاب شده‌اند، به گونه‌ای که از متخصصین شناسایی‌شده خواسته شد تا متخصص دیگری را در این موضوع معرفی کنند.

ابزار گردآوری اطلاعات پژوهش حاضر نیز از دو بخش تشکیل شده است: بخش اول شامل مقالات علمی، کتاب‌ها، نرم‌افزارهای حدیثی و قرآنی و بانک‌های اطلاعاتی مرتبط با موضوع و عناوین پژوهش می‌باشد و بخش دوم شامل فرم سنجش روایی محتوایی است که به وسیله آن نظرات کارشناسان دریافت شده است.

همچنین برای گردآوری اطلاعات در این پژوهش، از دو روش استفاده شده است: روش اول، روش گردآوری کتابخانه‌ای است؛ به این صورت که از طریق بررسی متون دینی، مطالعه مقالات علمی و کتاب‌ها صورت گرفت. پژوهشگر با روش کیفی و کتابخانه‌ای به بررسی مفاهیم مطرح‌شده در پژوهش از جمله مفاهیم هویت، هویت دینی، مؤلفه‌های هشیاری و خودپایی، نظریات مربوط به هویت و هویت دینی پرداخته و علاوه بر جمع‌آوری مبانی نظری روان‌شناسی، مبانی نظری اسلامی (آیات و روایات) مربوط به «هویت دینی» و دو مؤلفه «هشیاری و خودپایی» را جمع‌آوری و توصیف کرده است و در نهایت این پژوهش با کمک برخی نظریه‌ها و تکنیک‌های روان‌شناختی، در قالب یک بسته آموزشی ارائه شده است؛ روش دوم گردآوری اطلاعات، روش روایی محتوایی است، که در این روش با ارائه پرسش‌نامه‌ای در قالب فرم روایی سنجی، نظرات کارشناسان دریافت شده است.

مراحل ساخت بسته آموزشی

بسته آموزشی، سندی برای مداخله روانی مبتنی بر شواهد پژوهشی است که در آن مجموعه‌ای از نگرش‌ها، مهارت‌ها و مقابله‌ها به فرد یا گروهی از افراد آموزش داده می‌شود و آنان این نگرش‌ها و مهارت‌ها را درونی می‌کنند و در نتیجه باعث بهبود افکار، احساسات و عملکرد آنان در زندگی می‌شود

-
1. Purposive sampling
 2. snowball sampling

(فرهوش، ۱۳۹۹، ص ۱۱)، که به «مداخلات آموزشی» نیز تعبیر شده است (صادقی‌سرشت، ۱۳۹۸، ص ۳۲). در نگاهی کلی، برای تدوین طرح‌نمای مداخلات می‌توان دو مرحله اصلی پیش‌عملیاتی و عملیاتی‌سازی را متصور شد. در مرحله پیش‌عملیاتی به اقدامات اولیه لازم برای تدوین طرح‌نمای مداخله توجه می‌شود، که شامل گام‌های مفهوم‌سازی و مشهودسازی می‌باشد. در گام مفهوم‌سازی، به فرایند مفهوم‌شناسی پرداخته شده و در گام مشهودسازی، مفاهیم مشهود و اندازه‌پذیرتر می‌شوند. مرحله عملیاتی‌سازی نیز مرحله بعد از مرحله پیش‌عملیاتی بوده که در آن طرح‌نمای مداخله تدوین می‌شود (صادقی‌سرشت، ۱۳۹۸، ص ۴۶). از آنجایی که مرحله پیش‌عملیاتی در پژوهش حاضر، از باب بررسی ساختار مفهومی هویت بر پایه منابع اسلامی و بررسی مؤلفه‌های فرایندی و ساختاری هویت دینی بر پایه منابع اسلامی توسط نوری (۱۳۹۵، ص ۱۳) انجام شده است؛ لذا در این پژوهش به مرحله عملیاتی‌سازی پرداخته شده است.

بر اساس مبانی ساختاری تدوین طرح‌نماها، سطح متغیر وابسته می‌تواند به‌عنوان هدف کلی درمانی متصور شود؛ لذا این هدف کلی برای عملیاتی شدن نیازمند تبدیل به اهداف تغییر دقیق‌تر، عینی‌تر و خردتری است که قرار است در یک یا چند جلسه مداخله‌ای در طی طرح‌نمای مداخله‌ای دنبال شود. این اهداف خردتر، اهداف عملیاتی‌سازی است (صادقی‌سرشت، ۱۳۹۸، ص ۷۱)، که در پژوهش حاضر اهداف عملیاتی‌سازی به‌عنوان محتوای تغییر و اهداف دقیق‌تر و عینی‌تر، عبارت‌اند از: ۱. هشیاری به اهداف زندگی؛ ۲. هشیاری به باورهای بنیادین دینی؛ ۳. هشیاری به ارزش‌های مطلوب؛ ۴. هشیاری به کشف توانمندی‌های فردی؛ ۵. هشیاری به کشف آسیب‌پذیری‌های فردی؛ ۶. تنظیم خویشتن؛ ۷. خودمراقبتی؛ ۸. مهار خویشتن، می‌باشند؛ لذا بر اساس پژوهش صادقی‌سرشت (۱۳۹۸، ص ۷۵)، ماهیت متغیر مستقل در طرح‌نماها و بسته‌های آموزشی را (مؤلفه‌های هشیاری و خودپایی در پژوهش حاضر) می‌توان جعبه‌ابزاری دانست که مشتمل بر متغیرهای مستقل گوناگونی برای ایجاد تغییر در متغیر وابسته است، که این متغیرهای مستقل گوناگون در این پژوهش، همان هشت هدف عملیاتی‌سازی مطرح‌شده می‌باشد. بنابراین طبق مرحله عملیاتی‌سازی، برای ساخت بسته آموزشی هویت‌یابی دینی نوجوان بر پایه دو مؤلفه هشیاری و خودپایی، هشت مرحله به شرح ذیل عملیاتی شد:

مرحله اول (گزینش کلیدواژه مرتبط با دو مؤلفه هشیاری و خودپایی با روش یافتن روابط معنایی): توضیح این مرحله از ساخت بسته آموزشی، همان گام اول روش این پژوهش است که با روش یافتن روابط معنایی و با توجه به مبانی اسلامی و تعاریف هویت دینی و مؤلفه‌های هشیاری و خودپایی، پنج عنوان (هشیاری به اهداف زندگی، هشیاری به باورهای بنیادین دینی، هشیاری به

ارزش‌های مطلوب، هشیاری به کشف توانمندی‌های فردی و هشیاری به کشف آسیب‌پذیری‌های فردی) تحت مؤلفه هشیاری و سه عنوان (تنظیم خویشتن، خودمراقبتی و مهار خویشتن) تحت مؤلفه خودپایی، گزینش شد؛

مرحله دوم (گردآوری مستندات اسلامی برای هشت عنوان مرحله قبل): در این مرحله نخست واژگان و مفاهیم کلیدی مرتبط با عناوین هشت‌گانه منتخب، گزینش شد؛ سپس واژگان و مفاهیم کلیدی در نرم‌افزارهای قرآنی و حدیثی با روش نمونه‌گیری هدفمند به‌عنوان نمونه اسنادی انتخاب گردید و بعد از آن مجموعاً ۱۵۹ آیه و حدیثی که با عناوین هشت‌گانه مرتبط بودند، غربال و تجزیه و تحلیل شدند؛

مرحله سوم (آماده‌سازی محتوای آموزشی از بین مستندات اسلامی و مفاهیم روان‌شناختی): در این مرحله با توجه به مستندات اسلامی گردآوری‌شده و مفاهیم روان‌شناختی، محتوای آموزشی جلسات آماده‌سازی شد؛

مرحله چهارم (تدوین جلسات بر پایه عناوین هشت‌گانه): در این مرحله بر اساس عناوین هشت‌گانه و محتوای آموزشی مبتنی بر مستندات اسلامی و مفاهیم روان‌شناختی، جلسات بسته آموزشی تدوین گردید؛

مرحله پنجم (یافتن تکنیک مناسب برای هر جلسه): در این مرحله برای تسهیل در یادگیری و عملیاتی کردن محتوای جلسات، برای هر جلسه تکنیک مخصوص ارائه شد؛

مرحله ششم (طراحی تکلیف خانگی برای هر جلسه): در این مرحله برای تثبیت محتوای آموزشی جلسات، تکالیف خانگی طراحی شد؛ به این جهت که هم مراجع در فضای بیرون از جلسه مشاوره، با محتوای جلسه مرتبط باشد و هم در جلسه بعدی، مشاور با بررسی نتیجه تکلیف، مراجع را ارزیابی کند؛

مرحله هفتم (ایجاد نظم منطقی ترتیب و توالی جلسات): در این مرحله بر اساس محتوای جلسات، نظم منطقی ترتیب و توالی جلسات، مورد بررسی قرار گرفت؛

مرحله هشتم (مناسب‌سازی زمانی اجرای محتوای جلسات): در این مرحله با توجه به حوصله و میزان آموزش‌پذیری مراجع نوجوان، محتوای جلسات در بازه ۶۰ دقیقه، تنظیم شد.

۱. یافته‌های پژوهش

۱-۱. اهداف و محتوای جلسات

بررسی انواع طرح‌نماهای مداخله‌ای نشان می‌دهد، به‌طور کلی جلسات از جهت چارچوب محتوایی که در آن عرضه می‌شود، در دو دسته کلی قرار می‌گیرند: دسته اول درخصوص چارچوب بخش اول جلسه

نخست است که در آن مطالبی کلی و مقدماتی برای شروع کار طرح‌نمای مداخله‌ای عرضه می‌شود و دسته دوم درخصوص بخش دوم جلسه نخست و سایر جلسات تا جلسه آخر است که در آن مطالبی که عرضه می‌شود، در چارچوبی تقریباً مشابه است (صادقی‌سرشت، ۱۳۹۸، ص ۱۱۹). در تدوین جلسات آموزشی، مجموعاً هشت جلسه تدوین شد که در جدول شماره (۲)، اهداف و محتوای جلسات به تفکیک قابل مشاهده است.

جدول ۲: اهداف و محتوای جلسات بسته آموزشی هویت‌یابی دینی نوجوان

عنوان جلسه	خلاصه جلسات هشت‌گانه
جلسه اول: هشیاری به اهداف زندگی	۱. ایجاد ارتباط صمیمانه با مراجع و تولید انگیزه برای شرکت در جلسات؛ ۲. تبیین اهمیت هدفمند بودن در زندگی و هشیری به اهداف در طول زندگی؛ ۳. توجه دادن نسبت به هدفمند بودن خلقت؛ ۴. تبیین ضرورت و اهمیت وجود هدف متعالی در زندگی و فراموش نکردن آن؛ ۵. توضیح معیار و بایسته‌های انتخاب هدف مطلوب جهت تسهیل در هویت‌یابی دینی؛ ۶. ارائه تکنیک‌ها و تکالیف کاربردی.
	۱. آشنایی مشاور و مراجع و توضیح کلی جلسات توسط مشاور؛ ۲. انگیزه‌سازی (تفهیم ضرورت وجود هدف در قالب فرق بین انسان‌های باهدف و بی‌هدف)؛ ۳. تبیین اهمیت هدفمند بودن در زندگی و هشیری به اهداف در طول زندگی؛ ۴. توضیح هدفمند بودن خلقت و لزوم انتخاب اهداف بر اساس هدف آفرینش؛ ۵. بایسته‌های انتخاب هدف متعالی: (الف) سیر گزینش هدف؛ (ب) ضرورت تناسب اهداف با توانمندی‌ها؛ (پ) ضرورت نوشتن اهداف؛ (ج) تقسیم‌بندی اهداف به سه گروه کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت؛ (د) ارائه تکنیک نقطه‌گذاری اهداف (توضیح تکنیک در جدول شماره (۲)؛ (ذ) اولویت‌بندی اهداف؛ (و) ارائه تکنیک ۶۰ سالگی (توضیح تکنیک در جدول شماره (۲)؛ (ی) تذکر بابت عدم ناامیدی نسبت به حرکت به سمت اهداف؛ ۶. ارائه تکلیف خانگی (توضیح تکلیف در جدول شماره (۳).
	۱. تبیین چرایی ضرورت شناخت نسبت به باورها و اعتقادات بنیادی دینی؛ ۲. آگاهی دادن نسبت به چارچوب کلی باورها و اعتقادات بنیادی دینی و تبیین ضرورت هشیری نسبت به آنها؛ ۳. توضیح اصول دین در ذیل بحث عقاید؛ ۴. تبیین اهمیت انتخاب مرجع تقلید در ذیل بحث احکام؛ ۵. تبیین اهمیت بهره‌وری از استاد اخلاق در ذیل بحث اخلاق؛ ۶. ارائه تکنیک و تکالیف کاربردی.
جلسه دوم: هشیاری به باورهای بنیادین دینی	۱. بررسی تکلیف جلسه قبل؛ ۲. انگیزه‌سازی (ذکر مثال با این مضمون: هر سازنده محصولی، برای استفاده صحیح و آگاهی افراد از کارکرد واقعی محصولش، دفترچه راهنمایی در کنار محصول خود قرار داده و ارتباط مثال با کتاب راهنمای قرآن به‌عنوان حامل باورها و اعتقادات)؛ ۳. آگاهی نسبت به سه بُعد اساسی دین (عقاید، اخلاق و احکام) و تبیین ضرورت هشیری نسبت به آنها؛ ۴. توضیح «اصول دین» به‌عنوان پایه علم عقاید؛ ۵. ارائه تکنیک ارزیابی عقاید (توضیح تکنیک در جدول شماره (۲)؛ ۶. تبیین لازمه فراگیری علم اخلاق و ضرورت بهره‌گیری از استاد اخلاق؛ ۷. تبیین لازمه فراگیری علم احکام و ضرورت تقلید از مرجع تقلید؛ ۸. ارائه تکلیف خانگی (توضیح تکلیف در جدول شماره (۳).

	جلسه سوم: هشیاری به ارزش‌های مطلوب	۱. آگاهی و هشیاری نسبت به ارزش‌ها و فراموش نکردن آنها؛ ۲. تبیین اهمیت انتخاب صحیح ارزش‌ها و تقسیم‌بندی انواع ارزش‌ها؛ ۳. توضیح ملاک انتخاب و نحوه ارزیابی ارزش‌های متعالی؛ ۴. ارائه تکنیک و تکالیف کاربردی.
	جلسه چهارم: هشیاری به ۱. کشف توانمندی‌های فردی و ۲. کشف آسیب‌پذیری‌های فردی	۱. بررسی تکلیف جلسه قبل؛ ۲. انگیزه‌سازی (ذکر مثال با این مضمون: افرادی که در نظر آنها والدین، «کم‌ارزش» می‌باشند، در رفتارشان ارزشمند هستند، حتی در دوران پیری آنها نیز، با تمام توان به ایشان رسیدگی می‌کنند؛ همچنین ذکر داستانی از سیره شهدا در باب توجه به ارزش‌ها)؛ ۳. ملاک و تقسیم ارزش‌ها به بنیادین و غیربنیادین و لزوم اولویت‌بندی ارزش‌های بنیادین و هشیاری نسبت به آنها در طول زندگی (مثلاً ممکن است برای دانش‌آموز شماره یک، «نماز خواندن» جزء ارزش‌های بنیادین او و «مورد تمسخر قرار نگرفتن»، جزء ارزش‌های غیربنیادین او باشد و برای دانش‌آموز شماره دو بالعکس باشد؛ لذا دانش‌آموز اول در هر صورت نماز واجب خود را در مدرسه اقامه می‌کند برخلاف دانش‌آموز دوم)؛ ۴. تقسیم‌بندی ارزش به «مطلوب و غیرمطلوب» و توضیح ملاک‌های ارزش مطلوب و لزوم هشیاری به این ملاک‌ها؛ ۵. ارائه تکنیک پرسش «توضیح تکنیک در جدول شماره (۲)»؛ ۶. ارائه تکلیف خانگی: «توضیح تکلیف در جدول شماره (۳)».
	جلسه پنجم: تنظیم خویشتن	۱. تبیین ضرورت توجه دائمی و هشیاری مراجع نسبت به شناسایی توانمندی‌ها و کمبودهای خود؛ ۲. تلاش همواره مراجع در جهت شناسایی و ارتقای توانمندی‌ها؛ ۳. تلاش همواره مراجع در جهت پذیرش نقاط آسیب‌پذیر خود و برطرف کردن نقاط ضعف قابل جبران؛ ۴. ارائه تکنیک و تکالیف کاربردی. ۱. بررسی تکلیف جلسه قبل؛ ۲. انگیزه‌سازی (ذکر آماری از سازمان جمعیت هلال احمر با این مضمون: افرادی که در کوه‌نوردی بیشتر دچار حادثه می‌شوند، کسانی هستند که نسبت به توانمندی‌ها و نقاط ضعف خود، آگاه نیستند)؛ ۳. تبیین ضرورت شناسایی و هشیاری دائمی نسبت به توانمندی‌ها و وظایف انسان در برابر توانمندی‌های خود؛ ۴. تبیین ضرورت شناسایی و هشیاری دائمی نسبت به نقاط ضعف و آسیب‌پذیر و وظایف انسان در برابر آسیب‌پذیری‌های خود؛ ۵. ارائه تکنیک مقایسه مطلوب: «توضیح تکنیک در جدول شماره (۲)»؛ ۶. ارائه تکلیف خانگی: «توضیح تکلیف در جدول شماره (۳)».
		۱. تبیین اهمیت و ضرورت برنامه‌ریزی جهت رسیدن به اهداف؛ ۲. توضیح بایسته‌های برنامه‌ریزی صحیح؛ ۳. ارائه تکنیک‌ها و تکالیف کاربردی.
		۱. بررسی تکلیف جلسه قبل؛ ۲. انگیزه‌سازی (ذکر احوالات بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی علیه السلام در مورد اهمیت برنامه‌ریزی در زندگی ایشان)؛ ۳. تبیین ضرورت برنامه‌ریزی: (الف) زندگی موفق در گرو تنظیم خویشتن و برنامه‌ریزی صحیح؛ (ب) برنامه‌ریزی مقدمه دستیابی به اهداف؛ (ج) بایسته‌های تنظیم خویشتن: (الف) در نظر گرفتن اهداف، باورها، ارزش‌ها، توانمندی‌ها و آسیب‌پذیری‌ها قبل از برنامه‌ریزی؛ (ب) برنامه‌ریزی روزانه؛ (ج) جامعیت برنامه‌ریزی «توضیح سه مرحله ۱. طراحی که شامل ضرورت نوشتن برنامه، گام‌های نگارش برنامه، جامعیت برنامه، واقعی بودن برنامه می‌باشد؛ ۲. اجرا و ۳. ارزیابی»؛ ۵. ارائه تکنیک: (الف) تکنیک توجه به حال؛ (ب) تکنیک بستن پرونده‌های باز؛ (ج) تکنیک رفتار ثابت «توضیح تکنیک در جدول شماره (۲)»؛ ۶. ارائه تکلیف خانگی: «توضیح تکلیف در جدول شماره (۳)».

	جلسه ششم: خودمراقبتی	۱. توضیح فرق بین «مراقبت از خود» و «مهار خود»؛ ۲. تبیین اهمیت خودمراقبتی در جهت تسهیل در هویت‌یابی دینی؛ ۳. توضیح انواع خودمراقبتی؛ ۴. توضیح گام‌های خودمراقبتی صحیح؛ ۵. ارائه تکنیک‌ها و تکالیف کاربردی.
	جلسه هفتم: مهار خویشتن	۱. بررسی تکلیف جلسه قبل؛ ۲. انگیزه‌سازی (ذکر آماری از خبرگزاری سازمان پزشکی قانونی کشور مبنی بر حوادث عید نوروز ۱۴۰۱، روزانه به‌طور میانگین ۵۵ نفر در تصادفات کشته شده‌اند و ذکر اینکه یکی از دلایل این تصادفات، عدم رعایت نکات مراقبتی و ایمنی است)؛ ۳. تبیین اهمیت خودمراقبتی؛ ۴. گام‌های مراقبت صحیح و توضیح آنها (گام اول: مشارطه، گام دوم: مراقبه و گام سوم: محاسبه)؛ ۵. انواع مراقبت و توضیح آنها (الف) رفتاری؛ (ب) قلبی؛ (ج) زمانی و مکانی؛ ۶. ارائه تکنیک: (الف) تکنیک چرایی؛ (ب) تکنیک تنظیم توجه «توضیح تکنیک‌ها در جدول شماره (۲)»؛ ۷. ارائه تکلیف خانگی: «توضیح تکلیف در جدول شماره (۳)».
	جلسه هشتم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری	۱. تبیین اهمیت مهار خویشتن در جهت تسهیل در هویت‌یابی دینی؛ ۲. چگونگی مهار خویشتن در برابر افکار پلید، خواهش‌های نفسانی و شیطانی، هیجانات و تکانه‌ها؛ ۳. تقویت مهارت «نه گفتن»؛ ۴. ارائه تکنیک‌ها و تکالیف کاربردی. ۱. بررسی تکلیف جلسه قبل؛ ۲. انگیزه‌سازی (ذکر مثال با این مضمون که: راننده متبحر، برای مهار و کنترل اتومبیل خود در برابر خطرات، هر بار از روش مناسب و مخصوص به آن حادثه استفاده می‌کند؛ مثلاً مهار اتومبیل در جاده لغزنده با جاده غیرلغزنده متفاوت است)؛ ۳. ضرورت تقویت توانایی مهار خویشتن در برابر افکار پلید؛ ۴. ارائه تکنیک الزام «توضیح تکنیک در جدول شماره (۲)»؛ ۵. ضرورت و چگونگی تقویت توانایی مهار خویشتن با تقویت مهارت «نه گفتن»؛ ۶. ضرورت تقویت توانایی مهار خویشتن در برابر خواهش‌های نفسانی و شیطانی (استفاده از داستان‌های علما در این باب)؛ ۷. ارائه تکنیک معنوی روزه «توضیح تکنیک در جدول شماره (۲)»؛ ۸. ضرورت تقویت توانایی مهار خویشتن در مواجهه با هیجانات؛ ۹. ارائه تکنیک: (الف) تکنیک تأخیر ارضا؛ (ب) تکنیک ورزش و تمرین «توضیح تکنیک در جدول شماره (۲)»؛ ۱۰. ضرورت تقویت توانایی مهار خویشتن در برابر تکانه‌ها؛ ۱۱. ارائه تکنیک: (الف) تکنیک پاک‌سازی و تغییر محیط؛ (ب) تکنیک معنوی نماز «توضیح تکنیک در جدول شماره (۲)»؛ ۱۲. ارائه تکلیف خانگی: «توضیح تکلیف در جدول شماره (۳)».
	جلسه نهم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری	۱. مرور، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری؛ ۲. پاسخ به پرسش‌های مراجع و ارزیابی جلسات از زبان مراجع؛ ۴. تبیین ضرورت نگهداری دستاوردها؛ ۵. تعیین جلسه بعدی به‌عنوان جلسه پیگیری نتایج؛ ۶. ارائه تکلیف کاربردی. ۱. بررسی تکلیف جلسه قبل؛ ۲. مرور کلی جلسات گذشته و نتیجه‌گیری (در این قسمت از جلسه، توسط مشاور موضوعات جلسات قبل به‌صورت تیتروار بیان شده و با همکاری دو جانبه مشاور و مراجع در مورد هر کدام از آنها، مباحثه صورت می‌گیرد و در نهایت توسط مشاور نتیجه‌ای کلی از محتوای مطرح‌شده در طی جلسات عنوان می‌شود)؛ ۳. پاسخ به پرسش‌های مراجع؛ ۴. ارزیابی جلسات از زبان مراجع؛ ۵. تعیین جلسه بعدی به‌عنوان جلسه پیگیری نتایج؛ ۶. ارائه تکلیف خانگی: «توضیح تکلیف در جدول شماره (۳)».

همان‌طور که در جدول شماره (۲) مشاهده می‌شود، جلسات هشت‌گانه بسته آموزشی هویت‌یابی دینی نوجوان، مشتمل بر محتوای متناسب با عنوان هر جلسه تدوین شده است. با این توضیح که در آغاز همه جلسات (به‌استثنای جلسه هشتم)، برای زمینه‌سازی پیش از ارائه محتوای اصلی و جلب‌توجه مراجع، از انگیزه‌سازی جذاب در مورد موضوع آن جلسه استفاده شده و در خلال جلسات این بسته آموزشی جهت تفهیم بهتر و تثبیت محتوای جلسه، تکالیف خانگی و به‌استثنای جلسه هشتم، تکنیک‌های کاربردی ارائه شده است. شایان ذکر است با توجه به اینکه در تدوین بعضی از جلسات، چند تکنیک و تکلیف خانگی ذکر شده است؛ لذا مشاور با تشخیص و صلاحدید خود می‌تواند یک یا چند تکنیک و تکلیف را از میان آنها انتخاب و به مراجع ارائه دهد؛ همچنین شایان ذکر است که در طول برگزاری جلسات، تشویق و توصیه مشاور جهت یادداشت‌برداری محتوای جلسات توسط مراجع، ضروری است (صادقی‌سرشت، ۱۳۹۸، ص ۱۴۰).

۱-۲. تکنیک‌های جلسات

تکنیک‌ها به‌عنوان راهکارهای مهارتی، متغیرهای مستقلی هستند که در فرایند مداخلات روان‌شناختی، به تغییر هدفمند متغیرهای وابسته کمک می‌کنند (صادقی‌سرشت، ۱۳۹۸، ص ۳۷)، که البته به این تکنیک‌ها، فرایند تغییر نیز گفته می‌شود (صادقی‌سرشت، ۱۳۹۸، ص ۷۲). در بسته آموزشی حاضر نیز برای تسلط و تفهیم مراجع نسبت به محتوای ارائه‌شده از تکنیک یا تکنیک‌های موردنیاز و مربوط به محتوای جلسات استفاده شده است. البته از آنجایی که هرچقدر توانمندی که قصد ایجاد و ارتقای آن را داریم پیچیده‌تر باشد، به‌کارگیری تعداد بیشتری از تکنیک‌ها لازم است (صادقی‌سرشت، ۱۳۹۸، ص ۷۳)؛ لذا در بعضی از جلسات تدوین‌شده این بسته آموزشی، چند تکنیک ذکر شده است و مشاور با تشخیص و صلاحدید خود می‌تواند یک یا چند تکنیک از میان آنها را انتخاب و به مراجع ارائه دهد که در جدول شماره (۳) همه تکنیک‌ها به تناسب جلسات تدوین‌شده قابل مشاهده می‌باشند.

جدول ۳: تکنیک‌های بسته آموزشی

جلسه	ردیف	نام تکنیک	توضیح تکنیک	هدف از ارائه تکنیک
اول	۱	نقطه‌گذاری اهداف	فرد مشخص کند که مثلاً درخصوص اهداف یک‌ماهه، هفته اول، دوم، سوم و در نهایت هفته چهارم در کدام نقطه قرار بگیرد	مهارت در تقسیم‌بندی اهداف به سه گروه کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت
	۲	۶۰ سالگی	مراجع باید خود را انسان ۶۰ ساله‌ای تصور کرده و به‌عنوان یک انسان ۶۰ ساله، جایگاه ایدئال خود را در این سن روی کاغذ بنویسد (منک تیلو، ۱۳۸۸، ص ۱۸)	تقویت آینده‌نگری و تبیین جایگاه اهداف بلندمدت
دوم	۳	ارزیابی عقاید	عقاید واقعی و ایدئال فرد، بررسی، مقایسه و مورد ارزیابی قرار می‌گیرد	تقویت باورهای دینی درخصوص اصول عقاید

سوم	۴	پرسش	شخص قبل از هر رفتار فکری و عملی، از خود سؤالاتی این‌چنینی می‌پرسد: مثلاً در مورد انتخاب دوست این‌گونه می‌پرسد: الف) انتخاب این دوست، چه تأثیری در پیشرفت معنوی و غیرمعنوی و خوشبختی من می‌گذارد؟ ب) انتخاب این دوست، چه ویژگی‌های مثبت و منفی دارد؟ ج) آیا بین اهداف من با انتخاب این دوست، ارتباطی وجود دارد؟	ابزار تشخیص ارزش‌های مطلوب از غیرمطلوب
چهارم	۵	مقایسه مطلوب	شخص خود را با شخص هم‌سال دیگری که در مورد او شناخت نسبتاً کاملی دارد «مثل دوست، هم‌کلاسی، فامیل، همسایه»، مقایسه مطلوب (با رعایت حدود اخلاقی) کرده و نقاط قوت و ضعف خود را بر روی کاغذ می‌نویسد	ابزار شناخت نسبت به توانمندی‌ها و نقاط آسیب‌پذیر فردی
پنجم	۶	توجه به حال	شخص در طول شبانه‌روز، ذهن خود را با بی‌توجهی به گذشته و آینده، متوجه زمان حال کرده و به بالا بردن کیفیت رفتار فعلی توجه می‌کند. شایان ذکر است امام علی ^ع نیز توصیه به توجه نسبت به زمان حال می‌کنند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۹۸۴۰)	تقویت تمرکز در اجرای برنامه
	۷	بستن پرونده‌های باز	شخص تمام کارهایی که در لیست انتظار ذهنی خود دارد (که شامل اموراتی است که اصلاً انجام نداده یا به‌صورت نیمه‌تمام رها کرده است) را به‌صورت بارش فکری، مطابق کاربردگ در ستون اول یادداشت کرده؛ سپس هریک از آنها را در یکی از سه ستون مقابل آن با عناوین زیر قرار می‌دهد و مطابق آن عناوین عمل می‌کند. ۱. عنوان ستون اول (لیست پرونده‌های باز): تمام کارهایی که در لیست انتظار ذهنی وجود دارد، به‌صورت بارش فکری در این ستون یادداشت می‌شود. ۲. عنوان ستون دوم (کارهای ضروری فوری): باید هرچه سریع‌تر به انجام آنها پرداخت. ۳. عنوان ستون سوم (کارهای ضروری زمان‌بر): لذا اولین گام برای بسته شدن پرونده آنها در ذهن، برنامه‌ریزی صحیح در جهت انجامشان است. ۴. عنوان ستون چهارم (کارهای غیرضروری): به‌راحتی می‌توان آنها را کنار گذاشت و انجامشان را به زمان دیگری موکول کرد.	دسته‌بندی پرونده‌های باز ذهنی از حیث قابلیت رسیدگی و سرعت بخشیدن به انجام کارهای نیمه‌تمام رهاشده
	۸	رفتار ثابت	شخص یک قرار ثابت زمانی برای انجام رفتاری مخصوص مانند نماز اول وقت ظهر یا شرکت کردن در نماز جمعه هر هفته، قرار می‌دهد.	تقویت تعهد نسبت به برنامه‌ریزی
ششم	۹	چرایی	شخص در ساعات مشخصی از شبانه‌روز، بابت کاری که انجام می‌دهد، از خود سؤال می‌کند که: چرا این کار را انجام می‌دهم؟ و تلاش کند مقدار زمانی این توجه در شبانه‌روز را با تمرین، بیشتر کند.	تقویت توجه نسبت به مراقبت از خود
	۱۰	تنظیم توجه	شخص موضوعی را انتخاب کرده و به مدت یک دقیقه در سکوت، فقط به آن موضوع توجه می‌کند. بعد از اتمام زمان، هر چیزی که تمرکز او را از موضوع موردنظر منحرف کرده را روی کاغذ نوشته و زمان آن را با تمرین بیشتر، طولانی‌تر می‌کند	تقویت توجه هدفمند، نظم و ترتیب فکری مقابله با افکار مزاحم و سرگردان

۱۱	الزام	شخص با تصمیم آگاهانه، خود را ملزم می‌کند تا ورود افکار منفی در ذهن خویش را متوقف کرده و به‌نوعی درب ذهن را مقابل چنین افکاری ببندد و سپس در صورت ورود، اجازه پردازش نسبت به آن افکار را به ذهن خود نداده و آن را از ذهن بیرون کند (شجاعی، ۱۳۹۶، ص ۳۹۲)	تقویت توانایی مهار خویشن در برابر افکار پلید
۱۲	تکنیک معنوی روزه	در منابع اسلامی یکی از راه‌های خودمهارگری در برابر هوس‌ها و خواسته‌های نفسانی و شیطانی روزه معرفی شده است (متقی، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۴۵۰، ح ۲۳۶۱۰)	تقویت توانایی مهار خویشن در مواجهه با خواهش‌های نفسانی و شیطانی و هیجانات منفی
۱۳	تأخیر ارضاء	شخص ارضاهای فوری خود را به تأخیر انداخته؛ سپس به پیامدهای آن اندیشیده و نهایتاً رفتار جایگزین را انتخاب و انجام می‌دهد (رفیعی‌هنر، ۱۳۹۵، ص ۵۱ و ۱۱۸)	تقویت توانایی مهار خویشن در مواجهه با خواهش‌های نفسانی و شیطانی و هیجانات منفی
۱۴	ورزش و تمرین	شخص به توانایی مهار خود، همچون یک عضله نگاه کند؛ یعنی همان‌طور که یک ورزشکار برای پرورش اندام و عضلات خود، از تمرینات و حرکات ساده استفاده می‌کند، برای مهار خود نیز باید از چالش‌های ساده استفاده کرد تا برای مقابله با چالش‌های بزرگ قوی شد (رضازاده، ۱۳۹۱، ص ۳۱)	تقویت توانایی مهار خویشن در مواجهه با خواهش‌های نفسانی و شیطانی و هیجانات منفی
۱۵	پاک‌سازی و تغییر محیط	شخص محیطی که طبق تجربه یا احتمال دچار عملیاتی شدن تکانه می‌شود را تغییر داده و یا پاک‌سازی کند (رفیعی‌هنر، ۱۳۹۵، ص ۱۶۸)	تقویت توانایی مهار خویشن در مواجهه با تکانه‌ها
۱۶	تکنیک معنوی نماز	خداوند متعال در قرآن کریم، نماز را عملی بازدارنده در برابر زشتی‌ها و گناه معرفی می‌کند (عنکبوت: ۴۵)	تقویت توانایی مهار خویشن در مواجهه با تکانه‌ها

همان‌طور که در جدول شماره (۳) مشاهده می‌شود، در هر جلسه از این بسته آموزشی (به‌استثنای جلسه آخر که مربوط به نتیجه‌گیری است)، جهت تفهیم بهتر و تثبیت محتوای جلسات، از ۱۶ تکنیک کاربردی به‌عنوان راهکارهای مهارتی استفاده شده است.

۱-۳. تکالیف خانگی

در تدوین بسته آموزشی، تکالیف خانگی جهت فعالیت خارج از جلسه ارائه می‌شود، که ممکن است به‌صورت فعالیتی در قالب مطالعه، تحقیق، یا تمرین رفتاری جدید باشد. تکالیف خانگی به مراجع فرصت افزایش دادن آگاهی از خود و بینش درباره خود را می‌دهد؛ چراکه مشاور غالباً درباره انجام دادن آنها از مراجع می‌پرسد. همچنین انجام دادن تکالیف خانگی، مدت‌زمانی را که مراجع در بیرون از اتاق

مشاوره و بدون حضور مشاور مشغول تکالیف درمانی است، افزایش می‌دهد؛ همچنین تکالیف خانگی سبب تحکیم تغییرات به‌دست‌آمده طی جلسات، در فضای بیرون از جلسه می‌شوند (صادقی‌سرشت، ۱۳۹۸، ص ۱۳۸). بنابراین در بسته آموزشی حاضر نیز، به‌تناسب محتوا، در انتهای هر جلسه تکلیف یا تکالیف خانگی با هدف تفهیم و تثبیت بهتر محتوای آن جلسه، به مراجع ارائه می‌شود؛ با این کیفیت که از وی خواسته می‌شود در جلسه بعدی نتیجه آن را همراه خود داشته باشد تا در مورد آن گفت‌وگو شود. شایان ذکر است، با توجه به اینکه در تدوین بعضی از جلسات، چند تکلیف ذکر شده است؛ لذا مشاور با تشخیص و صلاح‌دید خود می‌تواند یک یا چند تکلیف را از میان آنها انتخاب و به مراجع ارائه دهد، که در جدول شماره (۴) همه تکالیف به‌تناسب جلسات تدوین‌شده، قابل مشاهده می‌باشند.

جدول ۴: تکالیف خانگی

جلسه	ردیف	توضیح تکلیف	هدف از ارائه تکلیف
اول	۱	مراجع بر اساس کاربرگ معین، اهداف کوتاه، میان و بلندمدت زندگی، با ذکر دلیل انتخاب آنها به‌عنوان هدف و ذکر راهکار برای رسیدن به آنها را بنویسد.	تقویت مهارت انتخاب هدف و راه‌های رسیدن به آن
	۲	نوشتن اهداف کوتاه، میان و بلندمدت زندگی و نوشتن نحوه ارتباط آنها با هدف خلقت	تقویت مهارت انتخاب هدف متعالی
	۳	نوشتن اهداف روزانه در اول روز و ارزیابی آنها در آخر شب	تقویت مهارت هدفمندی
دوم	۴	تطبیق و توضیح سه محور اصلی اصول دین «توحید، معاد و نبوت» بر گزاره‌های روایت «رَجِمَ اللَّهُ امْرَأَ عِلْمٍ مِنْ أَيْنَ وَ فِي أَيْنَ وَ إِلَى أَيْنَ»	تقویت باورهای دینی درخصوص اصول عقاید
	۵	پاسخ به این سؤال: به نظر شما عدم اعتقاد به معاد، چه تبعاتی را در زندگی شخصی و اجتماعی انسان‌ها، به دنبال دارد؟	تقویت باورهای دینی درخصوص اصول عقاید
	۶	با استفاده از مطالعه یا پرسش از اهل علم، به این دو سؤال پاسخ دهد: الف) راه‌های انتخاب مرجع تقلید چیست؟ ب) از نظر مراجع تقلید، نشانه‌های بلوغ چیست و انسان بالغ چه وظایفی دارد؟	تقویت باورهای دینی درخصوص احکام تکلیف
سوم	۷	مراجع به ۹ سؤال تشریحی بر اساس کاربرگ معین پاسخ دهد؛ سپس بر اساس ستون‌های کاربرگ، مشخص کند که آیا جواب سؤالات جزء ارزش‌های بنیادین اوست یا خیر؟ همچنین در صورت پاسخ مثبت، مشخص کند که پیش‌تر به آن ارزش بنیادین توجه داشته یا خیر و در نهایت آن ارزش‌های بنیادین را در ستون آخر به ترتیب اولویت شماره‌گذاری کند.	تشخیص ارزش‌های بنیادین و غیربنیادین

۸	لیست کردن فهرست توانمندی‌ها و نقاط آسیب‌پذیر به صورت بارش فکری (مولیگان، ۱۳۹۱، ص ۷۵) و ارائه راهکار جهت ارتقای توانمندی‌ها و برطرف کردن نقاط آسیب‌پذیر	شناسایی توانمندی‌ها و آسیب‌پذیری‌های فردی	چهارم
۹	درخواست مراجع از صمیمی‌ترین نزدیکانش (خانواده یا دوست) جهت ارائه فهرستی از نقاط مثبت و نقاط ضعف او و مقایسه آن لیست با نتیجه تکلیف قبل	ایجاد خودآگاهی مطلوب نسبت به توانمندی‌ها و آسیب‌پذیری‌های فردی	
۱۰	برنامه‌ریزی روزانه تا جلسه بعدی بر اساس سه مرحله: ۱. طراحی؛ ۲. اجرا؛ ۳. ارزیابی	تقویت مهارت برنامه‌ریزی	پنجم
۱۱	نوشتن روزانه اوقات مفید و اوقات تلف‌شده در دو ستون کاغذ و ارائه راهکار جهت مدیریت اوقات تلف‌شده	تقویت مدیریت زمان	
۱۲	با بررسی ۳ ماه گذشته، در کاغذی به صورت دقیق بنویسد چه اموری (به صورت جزئی مثل دیرخوابیدن) باعث عدم استفاده مفید او از زمان شده است؟ همچنین در ادامه هر مورد بنویسد اگر دوباره به آن زمان برمی‌گشت، چه کار می‌کرد.	تقویت مدیریت زمان	
۱۳	در طی روز، بین یک الی سه ساعت اینترنت تلفن همراه خود را خاموش کرده و برای این زمان برنامه‌ریزی کند و طبق آن برنامه عمل کند.	تقویت مدیریت زمان	ششم
۱۴	یک موضوع مرتبط با وظایف واجب دینی را به عنوان مشارطه قرار داده و تا جلسه بعد، هر روز نسبت به آن مراقبه داشته باشد و هر شب، هنگام خواب به عنوان «محاسبه»، میزان موفقیت خود را با نمره ۱ الی ۲۰، ارزیابی کند.	تقویت مهار خودمراقبتی	
۱۵	مراجع بر اساس دو مورد از ارزش‌هایی که در جلسات گذشته مورد بررسی و توافق قرار گرفته است، خودمراقبتی انجام داده و گزارشی مکتوب از موفقیت یا عدم موفقیت خودمراقبتی در مورد آن دو موضوع را با ذکر علل آنها، تهیه کند.	تقویت خودمراقبتی	هفتم
۱۶	راه‌حلی برای مهار خود در برابر وسوسه‌ها و القانات نفسانی بنویسد	تقویت مهار خویش‌شن	
۱۷	سه مورد از موارد قابل ذکر مهار خویش‌شن خود را در برابر وسوسه‌ها و القانات نفسانی، با ذکر راه‌حل مهار خویش بنویسد	تقویت مهار خویش‌شن	هشتم
۱۸	محتوای مطرح‌شده در طی جلسات هشت‌گانه را (اعم از عناوین، تکنیک‌ها و تکالیف) مرور و عملی کرده و موانع عمل به محتوای جلسات، تجارب، سؤالات و مشکلات پیش‌آمده جدید را یادداشت کرده و در جلسه بعدی (جلسه پیگیری)، همراه خود داشته باشد.	رفع موانع عمل به محتوای بسته	

همان‌طور که در جدول شماره (۴) مشاهده می‌شود، در هر جلسه از این بسته آموزشی، جهت تفهیم بهتر و تثبیت محتوای جلسه و برقراری ارتباط بین داخل و خارج از جلسه مشاوره، از ۱۸ تکلیف خانگی به عنوان «فعالیت خارج از جلسه» استفاده شده است.

۱-۴. روایی محتوایی

طبق جدول شماره (۵)، از آنجایی که بر اساس شاخص روایی محتوایی CVI، کلیه سؤالات نمره بالاتر از ۰/۷۹ کسب نموده‌اند؛ بنابراین همه متخصصین بر این نظر متفق هستند که بسته آموزشی تدوین‌شده، با تسهیل هویت‌یابی دینی نوجوان بر اساس دو مؤلفه هشیاری و خودپایی، کاملاً مرتبط بوده و می‌توان این بسته را بر پایه نظر و تأیید متخصصین در تسهیل هویت‌یابی دینی نوجوان مؤثر دانست.

جدول ۵: ضریب‌های شاخص روایی محتوای CVI

جلسه	عناوین جلسات	شماره سؤال	CVI
۱	هشیاری به اهداف زندگی	سؤال اول	۰/۸۹
		سؤال دوم	۰/۸۹
۲	هشیاری به باورهای بنیادین دینی	سؤال اول	۱/۰۰
		سؤال دوم	۰/۸۹
۳	هشیاری به ارزش‌های مطلوب	سؤال اول	۱/۰۰
		سؤال دوم	۱/۰۰
۴	هشیاری به کشف توانمندی‌ها و آسیب‌پذیری‌های فردی	سؤال اول	۱/۰۰
		سؤال دوم	۱/۰۰
۵	تنظیم خویشتن	سؤال اول	۱/۰۰
		سؤال دوم	۱/۰۰
۶	خودمراقبتی	سؤال اول	۱/۰۰
		سؤال دوم	۱/۰۰
۷	مهار خویشتن	سؤال اول	۱/۰۰
		سؤال دوم	۰/۸۹

همان‌طور که در جدول شماره (۵) مشاهده می‌شود، ضریب روایی محتوایی ۱۰ سؤال ۱/۰۰ می‌باشد و ضریب روایی محتوایی ۴ سؤال بین ۰/۷۹ تا ۱/۰۰ قرار دارد و در نتیجه روایی محتوای همه سؤالات، مورد تأیید کارشناسان قرار گرفته است.

۱-۵. ویژگی‌های ضروری مشاور و مراجع

یکی از محورهای نگارش طرح‌نمای مداخله‌ای که جایگاه مقدمه‌ای دارد، پرداختن به شرایط پذیرش و خروج افراد در آن است با این توضیح که گزینش شرکت‌کنندگان و نیز شرایط قطع همکاری در طرح‌نمای مداخله‌ای، مبتنی بر تعیین شرایط ویژه آن طرح‌نما می‌باشد (صادقی‌سرشت، ۱۳۹۸، ص ۱۱۷)؛ بنابراین با توجه به محتوای بسته آموزشی حاضر، شرایط پذیرش افراد، ویژگی‌هایی است که باید مشاور (اعم از روان‌شناس، کارشناس دین و معلم پرورشی مدرسه و مسجد) و مراجع از آنها برخوردار

باشند که در جدول شماره (۶) قابل مشاهده است و از بین رفتن هر کدام از ویژگی‌های مذکور، باعث خروج افراد از روند اجرای بسته آموزشی حاضر می‌شود.

جدول ۶: ویژگی‌های ضروری مشاور و مراجع

ویژگی‌های ضروری مشاور	مُتَخَلِّق به اخلاق عملی اسلامی
	داشتن تسلط کافی به نحوه ارتباط‌گیری با نوجوان
	داشتن تسلط کافی به اصول صحیح مشاوره
	داشتن تسلط کافی نسبت به چارچوب مباحث اعتقادی اسلامی (خصوصاً اصول و فروع دین)
	رعایت نظم در برگزاری جلسات
ویژگی‌های ضروری مراجع	نوجوان در دامنه سنی اواسط و اواخر نوجوانی (۱۴ تا ۱۸ سالگی)
	اعتقاد اجمالی نسبت به دین اسلام (اعتقاد به اصول و فروع دین)
	داشتن دغدغه نسبت به انجام دستورات دینی اسلامی
	رعایت نظم در برگزاری جلسات
	تعهد کافی نسبت به انجام تکالیف

طبق جدول شماره (۶)، برای اجرای صحیح بسته آموزشی حاضر و دستیابی به نتیجه مطلوب، هر کدام از مشاور و مراجع باید ویژگی‌های مخصوص به خود را به‌عنوان پیش‌نیاز دارا باشند. در این خصوص مشاور، علاوه بر ضرورت تَخَلُّق به اخلاق عملی اسلامی، باید به نحوه ارتباط‌گیری با نوجوان و به چارچوب مباحث اعتقادی اسلامی (خصوصاً اصول و فروع دین) و اصول صحیح مشاوره، تسلط کافی داشته باشد تا بتواند طی جلسات، علاوه بر نظم در برگزاری جلسات و ارتباط صمیمانه، پاسخ‌گوی پرسش‌ها و شبهات مراجع خود باشد. همچنین بسته آموزشی حاضر، درخصوص نوجوانی است که در دوره‌های اواسط نوجوانی (۱۴-۱۶ سالگی) یا اواخر نوجوانی (۱۶-۱۸ سالگی) می‌باشد که از شرایط ضروری او، اعتقاد اجمالی نسبت به دین اسلام (اعتقاد به اصول و فروع دین)، داشتن دغدغه نسبت به انجام دستورات دینی اسلامی، رعایت نظم در حضور به‌موقع در جلسات و تعهد کافی نسبت به انجام تکالیف محوله هر جلسه می‌باشد.

در این بسته آموزشی مجموعاً هشت جلسه طراحی شده که چهار جلسه اول بر اساس «مؤلفه هشجاری» و سه جلسه بعدی (پنجم، ششم و هفتم) بر اساس «مؤلفه خودپایی» و در نهایت جلسه هشتم برای جمع‌بندی و نتیجه‌گیری جلسات تدوین شده است. همچنین با توجه به اینکه معمولاً نوجوانان با توصیه و گاهی با اجبار والدین خود در جلسه مشاوره حاضر می‌شوند و با توجه به ظرفیت‌های هیجانی و میزان حوصله

آنها، زمان اجرای هر جلسه بسته آموزشی حاضر، ۶۰ دقیقه می‌باشد. فاصله جلسات نیز در جلسه اول با توجه به کیفیت آموزش‌پذیری مراجع، برنامه‌ریزی می‌گردد. ضمناً در جلسه هشتم به‌عنوان جلسه جمع‌بندی و نتیجه‌گیری، لازم است مطالب و تکالیف مطرح‌شده در طی جلسات، مرور و پیگیری شود تا مشاور از تأثیر جلسات آموزشی اطمینان یافته و در صورت نیاز برای مشاوره‌های بعدی، برنامه‌ریزی کند.

بحث و نتیجه‌گیری

شایان ذکر است که نتایج این پژوهش با نتایج برخی پژوهش‌های دیگر همسو است؛ به این شرح که پرداختن به موضوع «هشیاری به اهداف زندگی» در پژوهش حاضر، با بخشی از پژوهش گنجی و دیگران (۱۳۸۹، ص ۱۴۰) همسو می‌باشد؛ زیرا همان‌طور که یکی از دستاوردهای هشیاری به اهداف زندگی را می‌توان جهت بخشیدن به زندگی نام برد، ایشان نیز یکی از دستاوردهای هویت دینی را جهت بخشیدن به زندگی بیان می‌کنند. خاکشور، غباری‌بناب و شهابی‌زاده (۱۳۹۲، ص ۴۷) نیز پاسخ به سؤالات نوجوان در مورد هدف و معنای زندگی را بر هویت مذهبی نوجوان تأثیرگذار می‌دانند؛ همچنین اُپنگ^۱ (۲۰۱۳) در پژوهش خود به نام دین و هویت، وجود هدفمندی ناشی از پذیرش دین را نقش محوری در هویت‌یابی دینی افراد می‌داند. فیاض (۱۳۸۸، ص ۳۸) نیز در فرایند ایجاد هویت دینی، انتخاب آگاهانه اهداف زندگی را مؤثر می‌داند.

همچنین پرداختن به موضوع «هشیاری به باورهای بنیادی دینی» در پژوهش حاضر، با بخشی از پژوهش نادری و دیگران (۱۳۹۴، ص ۲۹)، فیاض (۱۳۸۸، ص ۳۸) و رجایی (۱۳۸۷، ص ۱۷-۱۹) همسو می‌باشد؛ چراکه ایشان تقویت باورهای مذهبی را در جلوگیری از بحران هویت و ایجاد هویت دینی، مؤثر می‌دانند؛ همچنان‌که فانهو^۲ (۲۰۱۹) و رجایی و دیگران (۱۳۸۸) نیز اعتقادات و باورهای دینی را عامل تشکیل هویت انسان می‌دانند؛ همچنین از آنجایی که یکی از نتایج و دستاوردهای هشیاری به باورهای بنیادی دینی، افزایش قدرت پاسخ به پرسش‌های بنیادین می‌باشد؛ لذا این بخش از پژوهش حاضر، با بخشی از پژوهش ماهروزاده (۱۳۹۲، ص ۱۴۷)، حسین‌زاده و دیگران (۱۳۹۱، ص ۵۶) و گنجی و دیگران (۱۳۸۹، ص ۱۴۰) همسو می‌باشد؛ چراکه ایشان نیز در پژوهش خود یکی از مهم‌ترین دستاوردهای هویت دینی را پاسخ به سؤالات بنیادین افراد می‌دانند.

همچنین پرداختن به موضوع «هشیاری به ارزش‌های مطلوب» در پژوهش حاضر، با بخشی از پژوهش ماهروزاده (۱۳۹۲، ص ۱۵۲) همسو می‌باشد. ماهروزاده در پژوهش خود، سست‌باور شدن و

1. Oppong, S. H.

2. Fanhao, N.

بی‌اهمیت شدن نسبت به ارزش‌ها را عامل بحران هویت دینی دانسته و همچنین کهن‌دانی و دیگران (۱۳۹۴، ص ۸) نیز پرداختن به ارزش‌های غیرمطلوب و ضدارزش‌ها را عامل بحران هویت می‌دانند. ارشد خرگردی (۱۳۸۱) نیز در پژوهش خود دریافت که ضعف ارزش‌های فرهنگی تأثیر مثبت بر بحران هویت خواهد گذاشت. نادری و دیگران (۱۳۹۴، ص ۲۹)، فیاض (۱۳۸۸، ص ۳۸) و حاجیانی (۱۳۸۸، ص ۴۵۴) نیز در فرایند ایجاد هویت دینی، انتخاب آگاهانه ارزش‌ها را مؤثر می‌دانند؛ همچنان‌که جاکوبسن^۱ (۲۰۰۶) هویت دینی را با شناخت و پرداختن به ارزش‌ها تعریف می‌کند.

همچنین پرداختن به موضوع «تنظیم خویشتن» در پژوهش حاضر، با بخشی از پژوهش کهن‌دانی و دیگران (۱۳۹۴، ص ۸) همسو می‌باشد؛ چراکه ایشان بی‌برنامگی در زندگی و غفلت از فرصت‌ها را عامل بحران هویت می‌دانند.

همچنین پرداختن به موضوع «مهار خویشتن» در پژوهش حاضر، با بخشی از پژوهش آق‌گدی و اعتمادی (۱۳۹۱، ص ۴۹)، رفیعی‌هنر و جان‌بزرگی (۱۳۸۹، ص ۳۷)، دسموند، اولمر و بادر^۲ (۲۰۰۸) و خوشاوی (۱۳۹۰، ص ۶۳) همسو می‌باشد. آق‌گدی و اعتمادی (۱۳۹۱، ص ۴۹) با بررسی نظریه کنترل گلاس (۱۹۹۷) دریافتند که تمرکز و کنترل بر رفتار خویش باعث افزایش اعتمادبه‌نفس شده و راه را برای تحقق هویت می‌گشاید. رفیعی‌هنر و جان‌بزرگی (۱۳۸۹، ص ۳۷) نیز نشان داده‌اند هر قدر ثمره جهت‌گیری مذهبی افراد بیشتر شود، نمرات خودمهارگری آنها نیز افزایش می‌یابد؛ همچنین بین میزان تقید به اعتقادات اسلامی و پایبندی به اخلاق با خودمهارگری، رابطه‌ای مثبت و معنادار برقرار است؛ همچنین تحقیقات دسموند، اولمر و بادر (۲۰۰۸) نشان می‌دهد که بین دین‌داری نوجوانان و خودمهارگری، رابطه مثبت معنادار وجود داشته و هر دو متغیر دین‌داری و خودمهارگری با کاهش رفتارهایی مجرمانه مانند مصرف الکل در ارتباط می‌باشند؛ همچنین خوشاوی (۱۳۹۰، ص ۶۳) در گویه‌های ۲۱-۳۱ پرسش‌نامه هویت دینی خود، رفتارهای دینی را عاملی مؤثر بر شکل‌گیری هویت دینی می‌داند.

بنابراین همان‌طور که ذکر شد، پژوهش‌های مذکور در پرداختن به بعضی از عوامل مرتبط با هویت و هویت دینی با پژوهش حاضر همسو هستند؛ لکن پژوهش حاضر از جهت جامعیت عوامل هشت‌گانه تسهیل هویت‌یابی نوجوان و ساختار بسته آموزشی، با پژوهش‌های مذکور متفاوت می‌باشد. شایان ذکر است که با تحقیق و تفحص محقق این پژوهش، این نتیجه حاصل شد که قبل از تدوین بسته آموزشی حاضر، تنها یک پژوهش در قالب بسته آموزشی جهت ارتقای هویت دینی نوجوان توسط صیادی (۱۳۹۶) تدوین شده است که تفاوت‌ها و شباهت‌هایی میان پژوهش وی و پژوهش حاضر وجود دارد.

1. Jacobson, J.

2. Desmond, S. A, Ulmer, J. T, & Bader, C. D.

پژوهش حاضر با پژوهش صیادی (۱۳۹۶) از حیث پرداختن به موضوع هویت دینی نوجوان در قالب هشت جلسه آموزشی، با پژوهش حاضر شباهت داشته و همسو می‌باشد، لکن از نظر محتوایی، صیادی (۱۳۹۶) در تدوین بسته آموزشی، مؤلفه‌های فرایندی هویت دینی را مدنظر قرار نداده است؛ درحالی‌که پژوهش حاضر بر مبنای دو مؤلفه از مؤلفه‌های فرایندی هویت دینی، یعنی «هشیاری» و «خودپایی» تدوین شده است؛ همچنین برخلاف پژوهش حاضر، در متغیرهای بسته آموزشی صیادی (۱۳۹۶)، منابع اسلامی لحاظ نشده است.

با توجه به اینکه «هویت دینی» جنبه خودشناسی و معرفت نفس داشته (نوری، ۱۳۹۵، ص ۱۵) و به معنای دستیابی فرد به یک تعریف منسجم دینی از «خود» (فیاض، ۱۳۸۸، ص ۳۸) و انتخاب و پذیرش آگاهانه مجموعه باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و در نهایت رفتارهای فردی و اجتماعی دینی است که افراد همراه با پایبندی، از خود بروز می‌دهند (نادری و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۲۹)؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که هویت دینی به‌خودی‌خود امری آموزش‌پذیر و آموختنی نبوده و بلکه امری یافتنی است؛ لذا هر فردی بر اساس میزان و نوع شناخت از خود، اعم از شناخت به اهداف زندگی، باورها بنیادین دینی، ارزش‌های مطلوب و جایگاه خود در عالم، هویت دینی‌اش را می‌یابد. به بیان دیگر، هر کمکی در جهت شکل‌گیری هویت دینی افراد، کمک به یافتن هویت دینی ایشان است.

همچنین می‌توان نتیجه گرفت که هویت دینی؛ یعنی «انسجام خود بر اساس آموزه‌های دینی» با این توضیح که فرد زمانی هویت دینی خود را می‌یابد که بتواند جنبه‌های مختلف زندگی‌اش را (از جمله باورها، ارزش‌ها و اهداف) بر اساس آموزه‌های دینی در ساختار منسجم خود قرار داده و بر طبق آن زندگی کند، به‌صورتی که بین باورهای درونی و رفتارهای بیرونی‌اش هماهنگی وجود داشته باشد؛ بنابراین اگر بین باورهای درونی و رفتارهای بیرونی شخص، ناهماهنگی وجود داشته باشد، می‌توان گفت که هویت دینی وی، به‌صورت کامل شکل نگرفته است؛ لذا شرفی (۱۳۸۱، ص ۹۵)، سنگ بنای هویت دینی را، «تعهد و پایبندی» به دین و جامعه دینی معرفی می‌کند.

همچنین با توجه به جایگاه هویت‌یابی در دوره نوجوانی (اریکسون، ۱۹۶۸) و ارزش و جایگاه کلیدی «هویت دینی» در بین انواع دیگر «هویت»، مبنی بر اینکه هویت دینی سبب جهت‌دهی به دیگر جنبه‌های هویتی فرد شده و با به‌دست‌آوردن آن، به هویت‌های دیگر نیز جهت داده می‌شود (خیری، ۱۳۸۷، ص ۴۵)؛ بنابراین می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که کمک به نوجوان برای تسهیل در هویت‌یابی دینی، امری ضروری است که باعث شکل‌گیری هویت وی در دیگر جنبه‌های هویت خواهد شد. البته باید توجه داشت که آماده‌سازی نوجوان جهت یافتن هویت دینی، به آموزش منسجم در قالب جلسات آموزشی بر اساس مبانی اسلامی و روان‌شناختی نیاز دارد، که در پژوهش حاضر سعی شد به این ضرورت پرداخته شود.

منابع

- قرآن کریم.
- آقاگدی، پریسا و اعتمادی، احمد (۱۳۹۱). بررسی اثربخشی آموزش نظریه انتخاب و کنترل گلاسبر بر تحول الگوی هویت نوجوانان. مطالعات روان‌شناختی، ۳۳(۸)، ۳۳-۵۶.
- ارشد خرگردی، محمودرضا (۱۳۸۱). عوامل اجتماعی مؤثر بر بحران هویت در بین دانشجویان کارشناسی دانشگاه تبریز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تبریز.
- بیابان‌گرد، اسماعیل و پورنوروز، منیژه (۱۳۸۴). بررسی هویت در برنامه‌های نوجوان شبکه‌های یک و دو سیمای پژوهش‌های ارتباطی، ۴۴(۱۲)، ۳۹-۶۴.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). غررالحکم و درر الکلم. قم: دار الکتب الإسلامی.
- حاجیان، ابراهیم (۱۳۸۸). تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران. تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- حاجی‌زاده، ابراهیم و اصغری، محمد (۱۳۹۰). روش‌ها و تحلیل‌های آماری با نگاه به روش تحقیق در علوم زیستی و بهداشتی. تهران: جهاد دانشگاهی.
- حسین زاده، داوود؛ عزیزی، غلامرضا و شوقی، بهزاد (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر در تحکیم هویت دینی دانش‌آموزان دوره متوسطه (مطالعه موردی آموزش و پرورش اسلامشهر). پژوهش‌های اعتقادی کلامی (علوم اسلامی)، ۲(۶)، ۵۳-۷۳.
- خاکشور، فاطمه؛ غباری‌بناب، باقر و شهابی‌زاده، فاطمه (۱۳۹۲). نقش تصور از خدا و هویت مذهبی در معنای زندگی. روان‌شناسی و دین، ۲۲(۶)، ۴۴-۵۸. خوشاوی، فاطمه (۱۳۹۰). رابطه هویت دینی با شادمانی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی.
- خیری، حسن (۱۳۸۷). آینده دینی جهان از منظر جامعه‌شناختی. معرفت، ۱۲۷(۱۷)، ۳۳-۴۶.
- رجایی، علیرضا (۱۳۸۷). درمان شناختی هیجانی - دینی. چکیده مقالات همایش منطقه‌ای شیوه‌های نوین ارتقای سلامت روانی. دانشگاه آزاد اسلامی تربت‌جام.
- رجایی، علیرضا؛ بیاضی، محمدحسین و حبیبی‌پور، حمید (۱۳۸۸). باورهای مذهبی اساسی، بحران هویت و سلامت عمومی جوانان. روان‌شناسی تحولی روان‌شناسان ایرانی، ۲۲(۶)، ۹۷-۱۰۸.
- رضازاده، حمیدرضا (۱۳۹۱). راهنمای عملی مدیریت و کنترل ذهن. تهران: واینا.
- رفیعی‌هنر، حمید (۱۳۹۵). روان‌شناسی مهار خویشتن با نگرش اسلامی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- رفیعی‌هنر، حمید و جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۸۹). رابطه جهت‌گیری مذهبی و خودمهارگری. فصلنامه روان‌شناسی و دین، ۳(۱)، ۳۱-۴۲.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۶). روان‌شناسی تنظیم رفتار با رویکرد اسلامی. قم: دار الحديث.
- شجاعی، محمدصادق؛ جان‌بزرگی، مسعود؛ عسگری، علی؛ غروی‌راد، سیدمحمد و پسندیده، عباس (۱۳۹۳). کاربرد نظریه حوزه‌های معنایی در مطالعات واژگانی ساختار شخصیت بر پایه منابع اسلامی. مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۸(۱۵)، ۷-۳۸.
- شرفی، محمدرضا (۱۳۸۱). جوان و بحران هویت. تهران: سروش.
- صادقی‌سرشت، علی (۱۳۹۸). تدوین مداخلات روان‌شناختی (مراحل و شیوه تدوین). قم: دار الحديث.
- صفوی، کوروش (۱۳۹۱). نوشته‌های پراکنده (برگردان‌هایی در باب زبان‌شناسی). تهران: علمی.
- صیادی، فرزاد (۱۳۹۶). ساختار بسته آموزشی ارتقای هویت دینی در نوجوانان و بررسی اثربخشی آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت.
- فروهر، مجتبی (۱۳۹۹). تدوین بسته آموزشی تعدیل کمال‌گرایی نسبت به همسر با رویکرد شناختی - رفتاری با تأکید بر منابع اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت.
- فیاض، ایراندخت (۱۳۸۸). پرسشگری راهبرد هویت پایدار دینی در قرآن کریم. تعلیم و تربیت، ۹۸(۲۵)، ۳۷-۶۶.
- کراسکیان مومجمناری، آدیس (۱۳۸۱). تدوین و هنجاریابی پرسش‌نامه هویت دینی برای دانش‌آموزان دوره دبیرستان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی تهران.
- کهندانی، آمنه؛ شیرازی، فائزه و عسگری، فاطمه (۱۳۹۴). نوجوانی و رابطه آن با بحران هویت. همایش بین‌المللی روان‌شناسی و فرهنگ زندگی، ۱.

گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۱). جهانی شدن، فرهنگ، هویت. تهران: نی.

گنجی، محمد؛ نعمت‌اللهی، زهرا و طاهری، زهرا (۱۳۸۹). رابطه هویت دینی و سرمایه اجتماعی در بین مردم شهر کاشان. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۱(۴)، ۱۲۳-۱۴۴.

ماهرزاده، طیب (۱۳۹۲). جهانی شدن و هویت دینی نوجوانان. تربیت اسلامی، ۸(۱۶)، ۱۳۹-۱۶۲.

متقی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۱۹ق). کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال. بیروت: دار الکتب العلمیه.

منک تیلو، جیمز (۱۳۸۸). مدیریت زمان در کار و زندگی. ترجمه فروزنده شهبازلو تهران: به تدبیر.

نادری، احمد؛ چیت‌ساز، محمدجواد و شیرعلی، ابراهیم (۱۳۹۴). فراترکیب پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه هویت دینی. مطالعات ملی، ۶۳(۱۶)، ۲۷-۴۴. نوری، نجیب‌الله (۱۳۹۵). مؤلفه‌های فرایندی و ساختاری هویت دینی بر پایه منابع اسلامی. اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی، ۴(۲)، ۲۶-۷.

- Bell, D. M. (2009). Religious identity: Conceptualization and measurement of the religious self (Doctoral dissertation, Emory University).
- Desmond, S. A, Ulmer, J. T. & Bader, C. D. (2008). Religion, prosocial learning, self-control, and delinquency. Manuscript submitted for publication.
- Erikson, E. H. (1968). Identity: Youth and crisis (No. 7). WW Norton & company.
- Jacobson, J. (2006). Islam in transition: religion and identity among British Pakistani youth. Rutledge.
- Oppong, S. H. (2013). Religion and Identity. American International Journal of Contemporary Research, 3(6), 10-16.

تدوین مدل نظری آموزش جنسی بر اساس اندیشه اسلامی

Developing a Theoretical Model of Sex Education Based on Islamic Thought

✍ **نوید خاکبازان** / استادیار دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران

علی ابوترابی / استادیار گروه روان شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)، قم، ایران

حمید رفیعی هنر / استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران

✉ **Navid Khakbazan** / Assistant Professor, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Religions and Denominations, Qom, Iran
n.khakbazan@urd.ac.ir

Ali Aboutorabi / Assistant Professor, Department of Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran

Hami Rafiei Honar / Assistant Professor, Research Institute of Islamic Sciences and Culture, Qom, Iran

Abstract

This study aimed to develop a theoretical model of sex education based on Islamic thought and to assess its validity. This research employed both qualitative and quantitative methods. In the qualitative section, relevant texts were collected using 48 related keywords, resulting in the selection of 2873 verses, hadiths, and statements from Muslim scholars after the screening stages. Grounded theory was used for text analysis. Through purposeful sampling, 766 codes were identified in the open coding stage, 78 axial codes in the first stage, 13 axial codes in the second stage, 4 selective codes as major categories, and 1 core category, leading to the development of the theoretical model of sexual education based on Islamic thought. In the quantitative section, the content validity index of the model was

چکیده

هدف پژوهش حاضر تدوین مدل نظری آموزش جنسی بر اساس اندیشه اسلامی و سنجش میزان روایی آن بود. با توجه به هدف، این پژوهش دارای دو روش کیفی و کمی بود. در بخش کیفی، در قسمت جمع آوری متون ابتدا با استفاده از روش حوزه های معنایی به وسیله ۴۸ کلیدواژه مرتبط جمع آوری شده، ۲۸۷۳ آیه، حدیث و کلام اندیشمند مسلمان بعد از مراحل غربال برگزیده نهایی گردید. در قسمت تحلیل متون، از روش نظریه داده بنیاد استفاده شد. بدین منظور با استفاده از نمونه گیری هدفمند بر اساس اصل اشباع، ۷۶۶ کد در مرحله کدگذاری باز، ۷۸ کد محوری در مرحله اول، ۱۳ کد محوری در مرحله دوم، ۴ کد انتخابی به عنوان مقوله عمده و ۱ مقوله هسته مرکزی شناسایی و مدل نظری آموزش جنسی بر اساس اندیشه اسلامی ترسیم شد. در بخش کمی، با به کارگیری روش ارزیابی نظرات کارشناسان شاخص روایی

evaluated by 11 experts using purposeful and snowball sampling methods. The findings indicated that the theoretical model of sexual education based on Islamic thought includes five foundations (God-centeredness in thoughts, desires, and sexual behaviors, selectivity with the possibility of unconscious influences, continuity, adherence to social norms, and regulation of sexual matters), two strategies (control and foresight), four components (emotion-centered sexual behavior, eudemonic pleasure taking, committed sexual behavior, and observance of sexual boundaries), and one outcome (eudemonic pleasure taking health). The results of this study provide a suitable basis for developing sexual education programs and designing educational packages for developmental stages.

Key words: Sexual Education, Sexual Health, Islamic Thought, Theoretical Model, Grounded Theory, Happiness centering.

محتوایی مدل از ۱۱ متخصص به روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی سنجیده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که مدل نظری آموزش جنسی بر اساس اندیشه اسلامی دارای پنج مبنا (خدامحوری در افکار، امیال و رفتار جنسی، انتخابگری با امکان تأثیرات ناخودآگاه، پیوستاری بودن، رعایت هنجارهای اجتماعی و قانونمندی امور جنسی)، دو راهبرد (مهارگری و آینده‌نگری)، چهار مؤلفه (عاطفه محور بودن رفتار جنسی، لذت‌بری سعادت‌محور، رفتار جنسی متعهدانه، رعایت مرزهای جنسی) و یک پیامد (سلامت جنسی سعادت‌محور) می‌باشد. نتایج حاصل از این پژوهش بستر مناسبی برای تدوین برنامه آموزش جنسی و طراحی بسته‌های آموزشی برای دوره‌های تحولی را فراهم کرده است.

کلیدواژه‌ها: آموزش جنسی، سلامت جنسی، اندیشه اسلامی، مدل نظری، نظریه داده‌بنیاد، سعادت‌محوری.

مقدمه

مدل آموزش جنسی،^۱ فرایند دستیابی به آگاهی‌ها و مهارت‌های مرتبط با مسائل جنسی است (شارون، گون و لینتسکی،^۲ ۲۰۲۰؛ گارزن اورجیولا و همکاران،^۳ ۲۰۲۰) که سلامت جنسی، کیفیت زندگی و بهزیستی روانی را بهبود می‌بخشد (کنیگ و کوستوفسکی،^۴ ۲۰۱۹). آموزش جنسی^۵ ممکن است توسط مدارس یا کلاس‌های آموزشی مرتبط تعلیم داده شود و این آموزش‌ها با سن و تجربه جنسی

1. The model of sexuality education

2. Sharon, D., Gonen, A. & Linetsky, I.

3. Garzón-Orjuela, N., Samacá-Samacá, D., Moreno-Chaparro, J., Ballesteros-Cabrera, M. & Eslava-Schmalbach, J.

4. Kenig, N. & Kostovski, D.

5. sex education

شرکت کنندگان تناسب دارد (ایزر، کر، فیشر، هیوود و لوکه،^۱ ۲۰۱۹؛ جahan،^۲ ۲۰۱۹؛ رو، سینکلر، هیرانو و باربور،^۳ ۲۰۱۸؛ هرات، پلسونس، کستل، باب و چاندرا مولی،^۴ ۲۰۱۸) و تمام جوانب هویت از جمله نژاد، فرهنگ، دین و قومیت را در نظر می‌گیرد (وبستر و تلینگاتور،^۵ ۲۰۱۶).

آموزش‌های جنسی موجود به توصیف کالبدشناسی انسان (شامل یک عضو جنسی یا دیگر قسمت‌های بدن که در تولید مثل نقش دارند) می‌پردازد؛ همچنین اطلاعات پایه دربارهٔ دخول، سلامت تناسلی، ارتباطات عاطفی، روش‌های صحیح استفاده وسایل پیشگیری از بارداری، قاعدگی، بارداری و دیگر جوانب رفتار جنسی را در کنار آموزش در گسترش آگاهی دربارهٔ سقط جنین و بیماری‌های مقاربتی به افراد می‌دهد (ناگپال و فرناندر،^۶ ۲۰۱۵).

بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی،^۷ برنامه‌های آموزش جنسی برای افرادی که فعالیت جنسی خود را آغاز نکرده‌اند و نیز برای افرادی که فعالیت جنسی خود را آغاز کرده‌اند، یک نیاز به حساب می‌آید (نز،^۸ ۲۰۱۴)؛ همچنین تعداد زایمان‌های ناخواسته و سقط جنین را کاهش می‌دهد و مانع بیماری‌هایی می‌شود که از طریق فعالیت جنسی و روابط نزدیک جنسی منتقل می‌شود (مایمونا،^۹ ۲۰۱۹)، و هم جلوگیری از پیامدهای منفی سلامت جسمی و روانی می‌کند (کرامر،^{۱۰} ۲۰۱۹).

برنامه‌های رسمی آموزش جنسی موجود در چهار دسته برنامه‌های مبتنی بر خویشن‌داری، تنها آموزش جنسی،^{۱۱} خویشن‌داری به همراه آموزش جنسی،^{۱۲} پیشگیری از ایدز و برنامه‌های جامع آموزش جنسی معرفی می‌شوند (دل‌اماتر،^{۱۳} ۲۰۰۷). راهنمای برنامه جامع آموزش جنسی نیز پس از انتشار مطالعه آموزش بهداشت مدارس در اواخر دهه ۱۹۶۰ الگوبرداری شد (یونسکو، ۲۰۰۹).

آموزش مسائل جنسی شامل دانش علمی و اطلاعات جامع در مورد تمایلات جنسی انسان نه تنها از جنبه‌های فیزیولوژیکی؛ بلکه به لحاظ روانی و اجتماعی است (کانکایا و الن دیکمن،^{۱۴} ۲۰۱۹)؛

-
1. Ezer, P., Kerr, L., Fisher, C. h., Heywood, W. & Lucke, J.
 2. Jahan, R.
 3. Rowe, D., Sinclair, J., Hirano, K. & Barbour, J.
 4. Herat, J., Plesons, M., Castle, C., Babb, J. & Chandra-Mouli, V.
 5. Webster, C. R. & Telingator, C.
 6. Nagpal A. N. & Fernandes, C.
 7. WHO
 8. Naz, R.
 9. Maimunah, S.
 10. Kramer, A.
 11. abstinence only sexuality education
 12. abstinence plus sexuality education
 13. DeLamater, J.
 14. Çankaya, S. & Alan Dikmen, H.

به‌عنوان مثال محمدی، حسن‌زاده و حیدری (۲۰۰۷) معتقدند محتوای برنامه آموزش جنسی باید در شش محور مورد بحث قرار گیرد: ۱. رشد انسان که شامل کالبدشناسی تولید مثل و فیزیولوژی انسانی است؛ ۲. روابط که شامل رابطه با خانواده و دوستان و روابط نزدیک زناشویی است؛ ۳. مهارت‌های فردی که شامل ارزش‌ها، تصمیم‌گیری، ارتباطات و مذاکره با دیگران است؛ ۴. رفتار جنسی که شامل تمایل و اجتناب از روابط جنسی است؛ ۵. سلامت و بهداشت جنسی که شامل روش‌های مقابله با سوءاستفاده جنسی، پیشگیری از ایدز، حاملگی و بیماری‌های منتقله جنسی است؛ ۶. فرهنگ و اجتماع که شامل نقش‌های جنسیتی، جنسیت و مذهب است (محمدی، حسن‌زاده و حیدری، ۲۰۰۷).

مک‌گی، هافنر، پودگورسکی و ویلسون^۱ (۲۰۱۹) معتقدند سیاست‌های در حال تغییر دولت‌ها، تضاد بین علم و جهان‌بینی و محیط‌های ناپایدار، مسئله آموزش جنسی را با چالش مواجه کرده است؛ ازاین‌رو می‌بایست در تدوین برنامه‌های آموزش جنسی به مدل نظری حاکم بر آن نیز توجه نمود؛ چراکه پژوهشگران (دیویس،^۲ ۲۰۲۰؛ کلونان روی،^۳ ۲۰۱۹؛ چاندر - مولی، گومز - گاربرو، پلسون، لانگ و وارگاس،^۴ ۲۰۱۸) معتقدند اطلاعات نادرست در مورد مسائل جنسی، خطر ایجاد انواع اختلالات جنسی، رفتارهای پرخطر، بیماری‌های مقاربتی، کاهش لذت جنسی، بارداری‌های ناخواسته و مسائل خانوادگی و زناشویی را افزایش می‌دهد.

بنابراین در فرایند تولید و اجرای برنامه‌های آموزش جنسی موجود، طراحان و سیاست‌گذاران برنامه‌ها، به مدل‌های نظری تجربی به‌عنوان پایه و اساس برنامه اتکا می‌نمایند. مدل‌های نظری طراحان برنامه را قادر می‌سازد تا روش‌های آموزشی که بیشترین اثربخشی را بر ارتقای سلامت جنسی دارد، تعیین کنند. مدل‌های نظری که پایه‌های نظری را برای برنامه‌های آموزش جنسی موجود فراهم می‌سازند، عبارت‌اند از: نظریه شناختی اجتماعی^۵ بندورا^۶ (۱۹۸۶)، مدل فرایند نظریه‌ای^۷ دکلمنته و پروچسکا^۸ (۱۹۸۳)، نظریه عمل مستدل و نظریه رفتار برنامه‌مند (طرح‌ریزی شده)^۹ آجزن و مدن^{۱۰} (۱۹۸۶) و مدل اطلاعات، انگیزش و مهارت‌های رفتاری IMB^{۱۱} فیشر و فیشر^۱ (۱۹۹۲).

-
1. McGee, M., Haffner, D., Podgurski, M. & Wilson, P.
 2. Davies, C. h.
 3. Clonan-Roy, K.
 4. Chandra-Mouli, V., Gómez Garbero, L., Plesons, M., Lang, I. & Vargas, E.
 5. Social Cognitive Theory
 6. Bandura, A.
 7. Transtheoretical Model
 8. Diclemente, C. & Prochaska, J.
 9. Theory of Reasoned Action & Theory of Planned Behaviour
 10. Ajzen, I. & Madden, T.
 11. Information, Motivation and Behavioural Skills(IMB) Model

نظریه شناختی اجتماعی بندورا به ساختاری چند عاملی در ارتقای سلامت توجه دارد و تأکید اصلی نظریه بر این موضوع است که مردم با مشاهده، تقلید و الگوبرداری از یکدیگر یاد می‌گیرند. از این نظریه به شیوه‌های مختلف در برنامه‌های آموزش جنسی و افزایش سلامت جنسی به‌طور غیرمستقیم به‌کار می‌رود؛ به‌عنوان مثال از این نظریه برای ارتقای وضعیت سلامت نوجوانان پسر در تعامل با پدر خود با در میان گذاشتن موضوعات جنسی توسط پدران استفاده شده است. نتایج پژوهش‌ها پیامدهای مثبتی را در زمینه ارتقای سلامت جنسی نشان داده‌اند و بیشترین اثربخشی بر افزایش سطح خودکارآمدی در تصمیم‌گیری را شاهد هستیم (دیلوریو، مک‌کارتی و دنزموور، ۲۰۰۶).

مدل فرانظریه‌ای پروچاسکا و دکله منته تغییر رفتار را به‌عنوان یک فرایند در نظر می‌گیرد نه یک رویداد واحد. این مدل با پیوستاری پنج مرحله‌ای از پیش تأمل، تأمل، آمادگی، عمل و پایداری زمینه را برای مداخلات و آموزش جنسی فراهم می‌سازد. از این مدل بیشتر در کلینیک‌های مخصوص ارتقای جنسی نوجوانان استفاده می‌شود و کمتر شاهد اثربخشی آن برای سایر سنین هستیم (پروچاسکا و دکله منته، ۱۹۸۳). نظریه عمل مستدل و نظریه رفتار برنامه‌مند آجنز و مدن مدل نظری‌ای است که برای مداخلات مرتبط با پیشگیری بیماری‌های مراقبتی (ایدز) طراحی شده است. این الگوها ابزاری است که بر قصد و نیت افراد برای رفتار به شیوه‌ای معین تأکید دارد که نیت افراد توسط نگرش‌ها یا هنجار ذهنی مرتبط با رفتار تعیین می‌شود (بوسومپرا، ۲۰۰۱).

مدل نظری فیشر و فیشر به مداخلات مبتنی بر کاهش موقعیت‌های پرخطر جنسی و تعداد شرکای جنسی منجر شده است، که مؤلفه‌های این مدل اطلاعات، انگیزش و مهارت‌های رفتاری هستند. سه عنصر موجود در نظریه به افراد کمک می‌کند تا رفتارهای مناسب با حوزه سلامت جنسی را تجربه کنند (فیشر، فیشر، برایان و میسوویچ، ۲۰۰۲).

علی‌رغم آنکه نزدیک به دو دهه از نهادینه شدن آموزش‌های جنسی مبتنی بر چنین مدل‌های نظری در کشورهای غربی می‌گذرد (مک‌کی، بایرز، ویرز، هامفریز و مارکهام، ۲۰۱۴^۵؛ وایت و فولرتون، ۲۰۱۳^۶)، درعین حال پژوهشگران (شارون، گونن و لیتسکی، ۲۰۲۰؛ بلکی و اوپارد، ۲۰۱۷^۷) بر این باورند که خلأ مدل

1. Fisher, J. D., & Fisher, W. A.
2. Dilorio, C., McCarty, F. & Denzmore, P.
3. Bosomptra, K.
4. Bryan, A. & Misovich, C.
5. McKay, Byers, Voyers, Humphreys, & Markham
6. Wight, & Fullerton
7. Blakey & Aveyard

نظری جامع و کارآمد در برنامه‌های آموزش جنسی قابل مشاهده است. اوس^۱ (۲۰۱۹) نیز معتقد است یافته‌های پژوهش‌ها نشان می‌دهد که نیاز به بازسازی مدل مفهومی آموزش جنسی و اتخاذ یک مدل مناسب است. از همین رو سند^۲ (۲۰۱۹) تصریح می‌کند که دست‌اندرکاران آموزش جنسی باید ذهنیت جدیدی ایجاد کنند و با در نظر گرفتن الگویی صحیح، فرهنگ‌سازی و پذیرش آموزش جنسی مورد توجه قرار گیرد.

تحقیقات متعددی که در داخل کشور به انجام رسیده است نیز حاکی از نیاز مبرم و روزافزون به تدوین مدل آموزش جنسی است (ریحانی اصل و خیاطان، ۱۳۹۶)؛ چراکه نمی‌توان از آموزش صحیح جنسی غفلت کرد، بلکه در جهت دستیابی به اهداف مطلوب و جهت دادن فعالیت‌های جنسی باید کوشش نمود. فعالیت‌های جنسی بدون جهت‌دهی صحیح و برخورداری از الگوی معین، مشکلاتی را به وجود خواهد آورد که سلامت جسم و روان را به خطر می‌اندازد (فقیهی، ۱۳۸۷). مبردی و همکاران (۱۳۹۶) نیز تصریح می‌کنند در جامعه ما با وجود سطح سواد نسبتاً بالا در ایران که راه را برای برنامه‌های آموزشی هموار می‌کند، سیستم مراقبت‌های سلامت اولیه کارآمد، برنامه‌های تنظیم خانواده و برنامه‌های ملی برای سلامت باروری جوانان، موضوع آموزش جنسی به‌طور کافی مورد عنایت قرار نگرفته و الگوی نظری برای آموزش جنسی نیز وجود ندارد و به یک ضرورت مغفول تبدیل شده است.

بررسی پژوهش‌های اسلامی نیز نشان می‌دهد در برخی موارد پژوهشگران در ضمن مسئله کلی تربیت از دیدگاه اسلام به تربیت جنسی نیز پرداخته‌اند (ابوعاشق، ۲۰۰۱؛ مطهری، ۱۳۸۹؛ رفیعی، ۱۳۷۹؛ قطب، ۱۳۷۵؛ امینی، ۱۳۶۸)؛ همچنین برخی پژوهش‌ها حوزه محدودتری از تعالیم اسلامی را مورد بررسی قرار داده و به تربیت جنسی از منظر سنت پیامبر ﷺ (پورامینی، ۱۳۸۳) یا امیرالمؤمنین ع (ثابت، ۱۳۷۹) و یا اندیشمندان اسلامی (بهشتی، ۱۳۸۵) پرداختند. برخی پژوهش‌ها نیز به دنبال ارائه روش‌های تربیت جنسی مبتنی بر آیات و روایات هستند (ستوده‌نیا و رضائی، ۱۳۹۴؛ زارع و ایزانلو، ۱۳۹۴؛ مشایی و شاهد، ۱۳۹۴). اما تا آن مقدار که محقق جست‌وجو نموده است، پژوهشی به تدوین مدل نظری آموزش جنسی با رویکرد اسلامی نپرداخته است.

اسلام با نگاه همه‌جانبه به انسان درصدد رشد همه‌جانبه وجودی اوست؛ از این رو حتی در موضوع‌های مرتبط با مسائل جنسی، توصیه‌ها و دستورالعمل‌های بسیاری صادر نموده است (بنیانی، ۱۳۹۸)، که به نظر می‌رسد می‌تواند به‌عنوان یک مدل نظری جامع و یکپارچه، ضمن پوشاندن ضعف‌های رویکردهای موجود و پیشگیری از آسیب‌های مرتبط با این حوزه، به ارتقای سلامت جنسی ناظر به سعادت و کمال پایدار وی بپردازد.

1. Owis, Y.

2. Sand, L.

در قرآن و حدیث و به تبع آن در کتاب‌های اخلاقی و فقهی به‌ویژه در موضوع نکاح، به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به موضوعات جنسی، در دوره‌های مختلف پرداخته شده است (فقیهی، ۱۳۸۷). البته از سوی دیگر اصطلاح یا کلیدواژه‌های مترادف با آموزش جنسی در متون اسلامی نیز وجود ندارد، اما با توجه به اهمیت موضوع و نقشی که در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی افراد ایفا می‌نماید، مفاهیم مختلفی در آموزه‌های اسلامی که به نوعی ناظر به آموزش جنسی و حاکم از نظام به‌هم‌پیوسته معنایی می‌باشد، به تبیین این موضوع پرداخته است.

از همین رو آموزه‌های اسلامی جایگاه منحصربه‌فرد و نگاه ویژه‌ای به بعد جنسی داشته و برای آن رهنمودهایی دارد (نساء: ۱؛ شوری: ۱۱؛ روم: ۲۱). به رسمیت شناختن لذت جنسی (کلینی، ۱۴۰۷ق)، خویش‌داری جنسی (مؤمنون: ۷-۱؛ معارج: ۲۹-۳۱؛ احزاب: ۳۵)، ازدواج (نساء: ۲۵)، ارتباط و کنش جنسی زوجین (مقاربت، مجامعت، مضاجعت، دخول، اتیان، مواقعه، رفت)، چرخه تولید مثل (نساء: ۳۴)، مواجهه با مسائل جنسی پیش از ازدواج (نور: ۳۰)، حدود، روش‌ها، مکان و زمان رابطه جنسی (لیثی واسطی، ۱۳۷۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق)، نحوه تعامل با فرزندان بالغ (مؤمنون: ۵)، نحوه تعامل با جنس مخالف (نور: ۳۰)، حریم روابط (کلینی، ۱۴۰۷ق)، احکام و حقوق جنسی همسران (نوری، ۱۴۰۸ق)، توجه به انحرافات جنسی و رفتارهای جنسی حرام؛ همچون لواط، مساحقه، زنا، خودارضایی، ارتباط جنسی با حیوانات، خیال‌پردازی جنسی، چشم‌چرانی (حر عاملی، ۱۴۰۹ق)، پیشگیری از انحرافات جنسی و ایجاد زمینه پاکدامنی؛ همچون عفت، حیا، تقوا، حجاب و غیرت (کلینی، ۱۴۰۷ق)، رفتارهای ناهماهنگ با جنسیت در پوشش، آرایش، راه رفتن و حرف زدن (مجلسی، ۱۴۰۳ق) و سایر محتوای جنسی از جمله مؤلفه‌هایی است که در آموزه‌های اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. مسائلی که می‌تواند تبیین‌کننده مدل نظری آموزش جنسی بر اساس دیدگاه اسلامی باشد و به سؤالات متعددی از جمله ضرورت آموزش جنسی، سن تحولی، صریح یا غیرمستقیم بودن و روش‌های مناسب آموزش جنسی پاسخ دهد.

مسئله آموزش جنسی به‌صورت تدوین‌شده در متون دینی وجود نداشته‌اند و می‌بایست با تلاش علمی و روش‌مندانه به مطالعه متون پرداخت و پارادایم مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و مدل نظری حاکم بر آن را به‌دست آورد و سپس تدوین و تنظیم نمود. آن‌گونه که محقق جست‌وجو نموده است، پژوهشگرانی که در حوزه جنسی از دیدگاه اسلام، مطالعاتی را داشته‌اند (سعادت‌فرد، خلوتی جابری، قلتاش و سعادت‌فرد، ۱۳۹۴؛ فاکر میبدی و فاکر ۱۳۹۲؛ کجباف، ۱۳۸۴؛ فقیهی، ۱۳۸۷؛ فقیهی، شکوهی، یکتا و پرند، ۱۳۸۷؛ اسلامیه، ۱۳۸۵؛ فرم‌پینی فراهانی، ۱۳۸۵؛ دوابی و بنی سی، ۱۳۸۴؛ تهذیبی و جوادنیا، ۱۳۸۴؛ پورامینی، ۱۳۸۳؛ ثابت، ۱۳۸۲) به مفهوم‌شناسی تربیت جنسی، ضرورت، اهداف، ابعاد و شیوه‌های آن توجه داشتند. در همین راستا فقیهی (۱۳۸۷) معتقد است که تربیت جنسی،

عبارت است از اینکه فرد در دوره‌های رشد کودکی، نوجوانی و جوانی به‌گونه‌ای پرورده شود که با جنسیت خود آشنا گردد و آن را بپذیرد؛ قدردان وجود خویش باشد و به آن افتخار کند؛ نقش مذکر یا مؤنث بودن از لحاظ اجتماعی را یاد بگیرد؛ و احکام و آداب دینی در ارتباط با مسائل جنسی مربوط به خود و روابط با همسر آشنا گردد و در سایه آن، به آرامش برسد (فقیهی، ۱۳۹۳). بهشتی (۱۳۸۵) مهم‌ترین هدف تربیت جنسی را حس مسئولیت و آگاهی از واقعیت‌های مسائل جنسی می‌داند. کجباف (۱۳۸۴) نیز معتقد است تربیت جنسی معنای وسیع‌تری از آموزش جنسی دارد و نه تنها احساس جنسی را دربر می‌گیرد؛ بلکه دارای ویژگی رشد شخصیت اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی است. ازهمین‌رو پژوهش‌های مذکور تمرکزشان در تربیت جنسی بوده و مدل آموزش جنسی با رویکرد اسلامی را استخراج و طراحی نکرده‌اند.

پسندیده (۱۳۸۶) و عباسی (۱۳۹۶) نیز پژوهش‌هایی در زمینه برنامه‌های مبتنی بر پرهیز (خویش‌داری) داشتند که علاوه بر اینکه مدل نظری آموزش جنسی را طراحی و استخراج نکرده‌اند، به مبانی فلسفی آموزش جنسی نیز نپرداخته‌اند. بر همین اساس پیش‌فرض‌های موجود از قبیل نگرش حداقلی به هدف آموزش جنسی را پذیرفته و یا آن را مورد توجه قرار نداده‌اند. نورعلیزاده میانجی (۱۳۹۷) نیز در پژوهشی به سلامت و اختلالات جنسی همسران از دیدگاه اسلامی پرداخته و مسئله آموزش جنسی را مورد بحث و بررسی کافی قرار نداده است. بنیانی (۱۳۹۸) نیز الگوی سلامت جنسی همسران از دیدگاه اسلامی را استخراج و طراحی نموده است، اما فقط در بخشی از پژوهش خویش به ضرورت تدوین مدل نظری و برنامه آموزش جنسی اشاره داشته است. بنابراین به نظر می‌رسد تاکنون هیچ پژوهش مستقلی در زمینه مدل نظری آموزش جنسی بر اساس منابع اسلامی و توجه به مبانی فلسفی آن صورت نگرفته است.

پس شایسته است از آموزه‌های اسلامی، مدل نظری برای آموزش جنسی استخراج گردد تا همه ابعاد وجودی انسان را تحت پوشش قرار دهد و ضمن توجه به نیازهای مادی انسان، نیازهای معنوی و اخروی او را نیز به بهترین وجه ممکن مدنظر قرار دهد؛ ازاین‌رو پژوهش حاضر درصدد است تا مدل نظری آموزش جنسی از منابع اسلامی (با تأکید بر قرآن کریم، روایات و کلام اندیشمندان مسلمان) را استخراج و طراحی نماید.

روش پژوهش

پژوهش حاضر، به دو روش کیفی و کمی انجام شده است. در بخش کیفی، هر آنچه که مربوط به جمع‌آوری واژگان بود، از روش واحدهای معنایی کمک گرفته شد. در متون دینی واژگانی که مستقیم و

صریح درخصوص آموزش جنسی باشد، وجود نداشت و ناگزیر بر اساس واحدهای معنایی مرتبط با آموزش جنسی، کلیدواژگان شناسایی و سپس اصطلاحات مرتبط با آن استخراج و بررسی گردید. در جستجوی اولیه ۸۳ کلیدواژه یافت شد که در ادبیات لغت‌شناسان و متخصصان دینی به‌کار رفته بود؛ سپس با غربال و بررسی‌های بیشتر در مجموع ۴۸ کلیدواژه بدون مشتقات آن شناسایی گردید.

جامعه پژوهش نیز شامل کتاب‌ها، مقالات و متون اسلامی از جمله قرآن کریم و نهج‌البلاغه و نیز نرم‌افزار جامع‌الاحادیث که نمونه پژوهش و روش نمونه‌گیری تجمیعی از متن کامل ۴۳۱ عنوان کتاب در ۱۱۵۳ جلد، شامل منابع روایی شیعه به همراه ترجمه و شرح، مشاهده ترجمه‌ها و شروح در کنار متن اصلی کتاب در موضوعاتی همچون اخلاق، ادعیه، تاریخ و تفسیر بود؛ همچنین برای بررسی آثار اندیشمندان مسلمان، پس از مشورت با تعدادی از روان‌شناسان اسلام‌شناس، تعداد هفت نفر از اندیشمندان مسلمان (ابن مسکویه، ابن‌سینا، غزالی، خواجه نصیر طوسی، نراقیین و مطهری) که در آثار مکتوب خود بحث مفصل‌تری پیرامون آموزش جنسی کرده بودند و یا اینکه در برخی موارد نظراتی برجسته و کاربردی داشتند، در کنار آیات قرآن و احادیث به‌عنوان نمونه مورد مطالعه در این تحقیق انتخاب شدند.

در قسمت تحلیل متون، از روش نظریه داده‌بنیاد با رویکرد نظام‌مند استراوس و کوربین استفاده شد. نمونه‌گیری بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند با توجه به اصل اشباع استفاده شد. بیش از ۲۸۷۳ آیه، حدیث و کلام اندیشمندان مسلمان در این مرحله شناسایی گردید. در این پژوهش، تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام شده است. با بررسی داده‌های به‌دست‌آمده در مرحله کدگذاری در مجموع ۷۶۶ کد باز بدون در نظر گرفتن تکرارها شناسایی شد. کدهای باز بدون در نظر گرفتن روابط تلقی می‌شوند که برچسب‌های ذهنی جداگانه به وقایع و پدیده‌ها نسبت می‌دهند (استراوس و کوربین، ۲۰۱۴). کدگذاری محوری در دو مرحله انجام شد: در مرحله اول کدهای اولیه‌ای که در کدگذاری باز ایجاد شده بودند، با یکدیگر مقایسه شدند، موارد مشابه و مرتبط به هم ادغام و سپس برای هرکدام عناوین مناسب انتخاب گردید که در مجموع تعداد ۷۸ کد محوری را تشکیل دادند. همین کار در مرحله دوم نیز انجام شد و کدهای محوری مرحله اول که با یکدیگر مرتبط بودند ادغام و طبقات انتزاعی‌تری را ساختند که تعداد ۱۳ کد محوری را در مرحله دوم شکل دادند. در نهایت در کدگذاری انتخابی این طبقات عمده به استخراج ۴ مقوله عمده منجر شد که مقولات اساسی تحقیق را شامل می‌شود. این مقولات عبارت بودند از: مبانی، راهبردها، مؤلفه‌ها و پیامد. پس از آن در این مرحله یک مقوله به‌عنوان مقوله هسته و مرکزی انتخاب شد و بر محور مقوله مرکزی مدل آموزش جنسی طراحی شد. مقوله هسته این پژوهش آموزش جنسی مبتنی بر اندیشه اسلامی بود.

در بخش کمی، با به‌کارگیری روش ارزیابی نظرات کارشناسان شاخص روایی محتوایی مدل از ۱۱ متخصص به روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی سنجیده شد. جامعه آماری پژوهش در بخش کمی، متخصصان روان‌شناسی و اسلام بودند که در تحصیلات آکادمیک روان‌شناسی دارای تحصیلات عالیه (مدرک تخصصی دکترا) و در تحصیلات حوزوی در سطوح خارج (تحصیلات سطح سوم و چهارم) مشغول یا فارغ‌التحصیل بودند. طبق نظر لین (۱۹۸۶، به نقل از: پولیت و بک، ۲۰۰۶) کمترین تعداد کارشناسان باید سه نفر باشند و بیشتر از ده نفر نیز ضرورت ندارد. در این پژوهش برای اطمینان بیشتر از تعداد ۱۱ کارشناس طبق فرم‌هایی در دو سؤال مجزا خواسته شد تا نظرات کارشناسی خود را پیرامون مدل طراحی‌شده ابراز کنند. در سؤال اول تحت یک لیکرت چهاردرجه‌ای از بسیار کم تا خیلی زیاد از آنها خواسته شد تا میزان مطابقت هریک از یافته‌ها (مبانی، راهبردها، مؤلفه‌ها و پیامد) با مستندات بیان کنند. در سؤال دوم تحت یک لیکرت چهاردرجه‌ای از بسیار کم تا خیلی زیاد از آنها خواسته شد تا تناسب یا عدم تناسب هریک از یافته‌ها (مبانی، راهبردها، مؤلفه‌ها و پیامد) با شاخص‌های مربوط به آنها را ابراز کنند و شاخص روایی محتوایی این روابط نیز سنجیده شد. در پایان مدل نهایی آموزش جنسی بر اساس اندیشه اسلامی ترسیم شد.

یافته‌های پژوهش

به علت حجم گسترده جداول کدگذاری‌های باز و عدم امکان انتشار آن در مقاله، در این بخش تنها جداول کدگذاری‌های محوری و انتخابی و شماره کدگذاری‌های باز نمایش داده می‌شود؛ همچنین به علت اینکه هدف نهایی این پژوهش ترسیم مدل آموزش جنسی است از ذکر یافته‌های جزئی‌تر همچون تفصیل مبانی، مؤلفه‌ها، راهبردها و پیامدها پرهیز می‌گردد.

جدول ۱: تجزیه و تحلیل اطلاعات با کدگذاری سه مرحله‌ای

کدگذاری انتخابی		کدگذاری محوری		شماره کدهای باز
مقوله هسته‌ای	مقولات عمده	مرحله دوم	مرحله اول	
آموزش جنسی مبتنی بر اندیشه اسلامی	مبانی	خدامحوری در فعال‌سازی افکار، امیال و رفتار جنسی	افکار، امیال و رفتار جنسی مبتنی بر معنویت خداسو	۷۸-۸۷-۸۸-۱۶۷-۲۰۶-۲۸۵-۳۲۳-۳۴۳-۳۳۰
			نگرش عبادی به افکار، امیال و رفتار جنسی	۷۰-۷۱-۸۲-۸۶-۱۷۹-۱۸۹-۲۰۷-۲۰۸-۲۱۶-۲۱۷-۲۱۸-۲۱۹-۲۲۲-۴۰۲-۳۶۶-۳۳۲-۲۳۸-۲۲۳
			سیطره علم و قدرت خداوند در افکار، امیال و رفتار جنسی	۲۵۶-۲۷۷-۷۶۴-۷۶۵-۷۶۶

کدگذاری انتخابی		کدگذاری محوری		شماره کدهای باز
	انتخابگری با امکان تأثیرات ناخودآگاه	تعیین محدودیت و جریمه برای تخطی از چهارچوب‌های دین‌مدارانه در امور جنسی		۶۴-۷۵-۷۶-۷۹-۱۵۱-۱۵۲-۱۶۲-۲۵۲-۲۹۶-۳۲۶-۳۲۷-۳۴۴-۳۸۸-۴۱۴-۴۱۵-۵۰۳
		رفتار جنسی مسئولانه		۶۶-۶۹-۱۰۱-۱۲۳-۱۳۶-۱۴۶-۱۵۶-۳۱۲-۳۱۳-۳۱۶-۳۱۷-۳۱۸-۳۱۹-۴۰۷-۴۰۸-۴۰۹-۷۵۷-۷۳۳-۵۳۰
		تأثیرات ناخودآگاه در رفتار جنسی		۲۰۸-۲۲۴-۲۷۱-۲۷۰-۳۳۶-۳۷۳-۷۴۰-۷۴۱
		رابطه جنسی با هدف فرزندآوری		۸۳-۸۴-۱۴۴-۲۶۱-۲۷۵-۳۰۶-۴۵۲-۴۸۷-۴۸۹-۵۵۴-۶۱۳-۶۱۶-۶۱۷-۷۲۰-۶۵۳
		داشتن اختیار برای برقراری رابطه جنسی		۱۵-۴۶-۳۵۶-۳۶۳-۳۶۹
	رعایت هنجارهای اجتماعی	رفتار جنسی با رعایت چهارچوب ارزش‌های اجتماعی		۶۶-۱۰۸-۱۲۹-۱۹۲-۳۷۴-۳۸۷-۴۰۹-۵۷۱-۶۲۹-۷۲۳-۷۲۴-۷۴۶
		نقش خانواده و دوستان در هدایت رفتار جنسی		۵۲۷-۵۲۸-۵۳۶-۵۳۹-۵۶۶-۶۲۸-۷۶۲
		پیامدهای اجتماعی اختلالات و انحرافات جنسی		۳۳۹-۳۴۰-۳۵۳-۳۹۶-۳۹۹-۴۰۰-۴۴۹-۴۷۰-۴۷۷-۴۷۸-۴۷۹-۵۲۹-۶۲۷-۷۱۱
	پیوستاری بودن	هیماحوری	باز و	۲۰۰-۲۱۳-۲۱۸-۴۹۷-۶۴۶-۶۸۳-۷۱۲-۶۸۴
		بروز تمایلات جنسی (تحریک محورانه)		۲۲۱-۲۲۲-۴۹۷-۶۶۸
		تمرکز بر شکل‌گیری هویت جنسی		۱۴۲-۳۴۹-۳۵۰-۶۲۲-۶۳۸-۶۴۵-۶۷۲-۶۷۳-۶۸۰
		پیشگیری و کنترل رفتارهای جنسی		۲۰۷-۲۰۸-۲۱۶-۲۱۷-۲۱۸-۲۱۹-۲۲۲-۲۲۳-۲۲۴-۲۲۵-۳۳۳-۳۴۶-۵۳۵-۵۳۶-۵۳۹-۶۳۲-۶۳۳-۶۳۴-۶۳۹-۶۴۰-۶۵۶-۶۶۸-۶۷۴-۶۷۵-۷۰۶
		شکل‌دهی عادت برای پیشگیری و کاهش آسیب‌های جنسی		

کدگذاری انتخابی		کدگذاری محوری			شماره کدهای باز
			شناخت انحرافات جنسی و راهکارهای مقابله با آن		۳-۵-۶-۲۲۶-۲۳۱-۳۰۸-۳۱۰-۳۱۱-۳۶۳-۳۵۵-۳۴۸-۳۴۲-۳۲۷-۳۳۵-۴۲۱-۴۱۲-۳۹۵-۳۹۱-۳۸۰-۳۶۴-۵۰۹-۵۰۸-۵۰۴-۴۷۴-۴۷۳-۴۲۳-۶۳۰-۵۸۲-۵۸۱-۵۷۰-۵۲۸-۵۳۷ ۷۱۶-۶۴۹
			شناخت میل و نیاز جنسی		۴۸۸-۱۹۷-۱۰۵-۱۰۴-۱۰۰
			آشنایی با اهداف تشکیل خانواده		۶۷۷-۶۷۶-۵۵۴-۴۹۱
			آشنایی با تفاوت زن و مرد در مسائل جنسی		۲۵۳-۲۳۶-۲۳۵-۲۳۴-۱۳۸-۱۲۶ ۵۷۴-۴۳۹-۴۳۸
			آشنایی با حقوق جنسی زن و مرد		۳۰۲-۲۹۳-۲۹۲-۲۵۵-۲۵۴-۱۵۷ -۴۶۵-۴۶۲-۴۰۹-۳۳۴-۳۰۴-۳۰۳ ۴۷۲-۴۶۶
			آشنایی با آداب دینی مرتبط با امور جنسی		۷۲-۶۷-۶۳-۶۱-۶۰-۱۳-۱۲-۱۰-۷ -۱۷۶-۱۷۵-۱۶۰-۱۵۹-۸۰-۷۹-۷۷ -۲۶۳-۲۵۱-۲۳۳-۲۲۵-۱۸۵-۱۸۴ -۴۵۴-۴۴۸-۳۹۸-۳۰۹-۲۹۹-۲۸۸ ۵۳۸-۵۳۷-۵۰۹-۵۰۸-۴۸۲
		قانونمندی امور جنسی	فطری بودن میل و نیاز جنسی		۲۳۵-۱۱۷-۱۰۴-۱۰۳-۱۰۰-۹۹-۲ -۵۱۹-۵۱۰-۴۱۱-۳۸۵-۳۸۴-۲۷۸ ۷۰۷-۶۶۳-۵۵۳
			زمان مند و مکان مند بودن رابطه جنسی		۲۸-۲۶-۲۴-۲۳-۲۲-۲۱-۲۰-۱۸ -۴۳-۴۱-۳۹-۳۷-۳۵-۳۳-۳۱-۲۹ -۵۷-۵۵-۵۴-۵۲-۵۰-۴۸-۴۶-۴۴ ۵۸۰-۴۸۸-۱۳۳-۹۰-۸۹-۶۴-۶۱-۵۹
			نقش تغذیه و مزاج در لقاح، تعیین جنسیت و ویژگی های فرزند		۶۰۹-۶۰۵-۲۸۰-۱۱۳-۱۰۶-۱۰۵ ۶۱۱
		راهبرد	مهارگری	کنترل میل جنسی با رفتارهای دینی	
جلوگیری از پیش داوری در مسائل جنسی				۳۷۲-۳۲۶-۳۲۵-۲۶۹-۲۶۸-۱۹۳ ۷۰۰-۶۹۹-۴۱۷-۴۱۶	

شماره کدهای باز		کدگذاری محوری		کدگذاری انتخابی
۱۸۴-۳۸۳-۵۲۰-۶۱۸-۶۲۰-۶۵۴-۶۵۶-۶۷۵-۶۸۹-۶۹۰-۷۲۷-۷۳۹	مراقبت از تخیلات و اندیشه‌های جنسی			
	کنترل انحراف جنسی با رفتارهای جایگزین			
	اعتدال در ارضای نیازهای جنسی			
	مدیریت میل و رفتار جنسی با تغذیه			
۱۹-۲۵-۲۷-۳۰-۳۲-۳۴-۳۶-۳۸-۴۰-۴۲-۴۴-۴۷-۴۵-۵۱-۵۱-۸۱-۱۸۷-۲۴۷-۲۶۷-۴۰۳-۴۷۹-۵۴۱-۵۴۲-۶۴۴	آینده‌نگری			
	ازدواج موقت مانع از انحرافات جنسی			
	درنگ در فکر، تصمیم و رفتار جنسی			
۱۷۸-۱۸۱-۱۸۲-۱۹۰-۱۹۴-۲۱۱-۲۳۸-۲۷۲-۲۹۲-۳۰۵-۳۹۵-۳۷۹-۳۶۰-۴۰۱-۴۱۱-۴۶۹-۵۳۳-۵۵۸-۶۶۹-۶۷۹-۷۳۲-۷۵۹	عاطفه محور بودن رفتار جنسی			

کدگذاری انتخابی		کدگذاری محوری		شماره کدهای باز
			ایجاد هیجانات مثبت در رفتار جنسی سالم	۲۰۳-۲۰۴-۲۰۵-۲۷۴-۴۵۱-۴۹۰-۴۹۱-۵۱۲-۵۸۵-۵۸۸-۶۷۸-۷۳۶-۷۴۹
			دوری از هیجانات منفی در رفتار جنسی سالم	۲۶۰-۲۷۳-۵۵۱-۵۶۵-۵۸۶-۵۸۷-۶۹۸
			مشکلات عاطفی در رفتار جنسی ناسالم	۳۳۱-۳۴۱-۴۰۵-۴۳۷-۷۴۷
		لذت‌بری سعادت‌محور	لذت‌بری جنسی بدون منجر شدن به رفتار جنسی و تولید مثل	۱۵-۱۶-۱۰۲-۱۶۴-۱۸۳-۱۹۶-۱۹۷-۴۶۰
			به کارگیری روش‌های علمی - بهداشتی برای افزایش لذت جنسی	۱۳۲-۱۳۷-۱۵۳-۱۶۶-۱۶۸-۱۷۳-۱۷۴-۱۷۷-۱۹۰-۱۹۵-۱۹۸-۲۱۵-۲۲۲-۲۴۰-۲۴۳-۲۴۴-۲۴۵-۲۴۸-۲۴۹-۲۵۰-۲۵۱-۲۶۵-۲۸۱-۲۸۲-۴۹۹-۵۶۳
			لذت بردن از همسر با هدف دستیابی به سعادت	۱۲۱-۱۳۵-۲۷۷-۲۸۵-۲۸۶-۴۸۱-۵۱۳-۷۱۸-۷۱۹-۷۲۱-۷۳۱-۷۴۸
			توجه به ارگاسم و افزایش تمرکز در رابطه جنسی	۷۳-۱۹۶-۲۲۸-۲۲۹-۲۸۷-۴۶۷-۵۴۴-۵۴۵-۵۴۶-۵۷۴-۵۷۹-۶۵۲
		ایمن‌سازی محیطی	ایجاد محیط ایمن برای رفتار جنسی	۲۰۲-۲۰۹-۲۷۰-۲۷۱-۲۹۴-۲۹۷-۴۲۹-۴۵۳-۴۵۴-۴۵۶
			دوری از محیط‌های زمینه‌ساز آسیب‌های جنسی	۱۲۸-۱۵۰-۲۲۱-۲۶۹-۳۷۰-۳۷۱-۴۲۲-۴۳۱-۵۳۴-۵۴۰-۶۳۱-۶۵۵-۶۶۴-۶۶۵-۶۹۴-۷۴۵
		رفتار جنسی متعهدانه	ابراز وجود و پاسخ به نیاز جنسی	۱۱-۱۷۰-۱۷۱-۱۸۰-۲۴۷-۲۶۱-۲۶۲-۲۸۴-۲۸۹-۳۹۲-۴۲۴-۴۵۰-۵۱۸-۵۲۶-۵۴۳-۵۶۴-۵۷۵-۶۵۲-۶۶۰-۷۳۲
			تعهد و وفاداری به همسر	۴-۱۳۹-۱۷۳-۱۹۰-۲۳۰-۲۶۶-۲۶۷-۳۹۳-۳۹۷-۴۸۴-۴۸۵-۵۴۱-۷۲۶-۷۲۷-۷۵۶-۷۵۸-۷۵۹
			تأمین امنیت جنسی همسر	۲۰۱-۳۵۱-۳۵۲-۳۵۵-۳۵۶-۳۵۷-۳۶۷-۴۲۹-۴۳۰
			مسئولیت‌پذیری نسبت به همسر در رابطه جنسی	۱۳۰-۱۴۹-۲۴۷-۲۵۵-۲۹۰-۲۹۸-۳۶۸-۴۸۰-۴۸۳-۵۴۷-۶۵۱-۷۵۱

شماره کدهای باز		کدگذاری محوری		کدگذاری انتخابی
	رعایت مرزهای روابط جنسی		اجتناب از پدرفتاری، فریب کاری، خشونت و بهره کشی جنسی	۴۶۲-۴۱۵-۳۶۲-۳۶۱-۳۴۷-۳۴۶-۱۴
			تلاش برای جبران رفتارهای جنسی ناسالم	۱۵۵-۳۲۰-۳۵۹-۴۱۰-۴۸۶-۷۰۳-۷۰۴
			مشخص نمودن حدود هر فرد برای روابط جنسی	۹۳-۹۴-۱۳۱-۲۰۱-۳۵۸-۴۵۵-۴۹۴-۶۴۳-۷۲۵
			پوشش مناسب برای همسر و دیگران	۱۴۳-۱۴۵-۱۴۷-۲۲۰-۳۷۸-۴۹۵-۴۹۳-۴۳۳-۴۳۲-۴۳۱-۳۸۱-۵۳۲-۵۰۶-۴۹۸-۴۹۶
			تعیین مرزهای سالم و ناسالم بودن رابطه جنسی	۲۰۹-۲۲۵-۲۷۱-۲۷۲-۳۰۹-۳۱۲-۵۳۰-۵۰۹-۴۷۷-۴۱۳-۳۳۶-۳۲۰-۷۳۴-۵۳۷
			رعایت رازداری زناشویی	۲۰۰-۲۰۲-۲۷۰-۳۵۴-۵۵۲-۵۶۷-۵۶۸
	پیامد سلامت جنسی سعادت محور		سلامت و بهداشت دستگاه جنسی	۶۵-۹۵-۱۱۲-۱۱۴-۱۱۸-۱۱۹-۱۲۲-۴۵۹-۴۵۸-۴۵۷-۴۴۵-۱۹۱-۱۴۱-۶۴۸-۶۱۵-۵۹۸-۴۶۴-۴۶۳-۴۶۱
			مراقبت های بهداشتی قبل و بعد از رابطه جنسی	۹-۶۲-۸۴-۱۶۹-۱۸۶-۱۸۷-۱۸۹-۲۱۰-۲۱۱-۲۱۲-۲۱۳-۲۱۴-۲۳۰-۵۹۶-۵۵۸-۵۵۰-۵۴۹-۳۰۰
			مراقبت های دوران بارداری و پس از زایمان	۱۱۰-۱۸۸-۲۵۹-۲۶۴-۶۰۴-۶۰۶-۶۱۲-۶۰۸-۶۰۷
			افزایش سلامت با رفتار جنسی سالم	۴۳۴-۴۳۵-۵۴۸-۵۸۳-۵۸۹-۶۶۱-۵۹۷-۵۹۵-۵۹۰
			سلامت جسمانی و روانی با رعایت چهارچوب های دینی در امور جنسی	۴۷-۵۱-۵۳-۵۸-۹۰-۹۲-۲۴۲-۳۸۲-۶۱۹-۴۹۲-۴۴۴-۴۴۳
			انحرافات جنسی زمینه ساز کاهش سلامت	۳۴۱-۳۹۴-۴۰۶-۵۱۴-۵۷۳-۶۲۶

در بخش کمی، به علت حجم گسترده کدگذاری های باز، خلاصه ای از مستندات مربوط به هر مبانی، مؤلفه، راهبرد و پیامد در اختیار کارشناسان قرار گرفت که نتایج آن در جدول (۲) می آید.

جدول ۲: شاخص روایی محتوایی مدل

میان CVI میزان تناسب گدهای محدود ۲۰	میان CVI میزان مطابقت مبانی با مستندات	مبانی	رتبه
۰/۹۰	۰/۹۰	رفتار جنسی مسئولانه	معتبر
۰/۹۰	۰/۹۰	تأثیرات ناخودآگاه در رفتار جنسی	معتبر
۱	۱	رابطه جنسی با هدف فرزندآوری	معتبر
۰/۶۳	۰/۶۳	داشتن اختیار برای برقراری رابطه جنسی	عدم اعتدال
۱	۱	افکار، امیال و رفتار جنسی مبتنی بر معنویت خداسو	معتبر
۰/۹۰	۰/۹۰	نگرش عبادی به افکار، امیال و رفتار جنسی	معتبر
۱	۱	سیطره علم و قدرت خداوند در افکار، امیال و رفتار جنسی	معتبر
۰/۹۰	۰/۹۰	تعیین محدودیت و جریمه برای تخطی از چهارچوب‌های دین‌مدارانه در امور جنسی	معتبر
۰/۸۱	۰/۸۱	رفتار جنسی با رعایت چهارچوب ارزش‌های اجتماعی	معتبر
۰/۹۰	۰/۹۰	نقش خانواده و دوستان در هدایت رفتار جنسی	معتبر
۰/۹۰	۰/۹۰	پیامدهای اجتماعی اختلالات و انحرافات جنسی	معتبر
۰/۹۰	۰/۹۰	حیامحوری	پوستاری بودن
۰/۹۰	۰/۹۰	بروز تمایلات جنسی (تحریک محرانه)	
۰/۹۰	۰/۹۰	تمرکز بر شکل‌گیری هویت جنسی	
۱	۱	پیشگیری و کنترل رفتارهای جنسی	
۱	۱	شکل‌دهی عادت برای پیشگیری و کاهش آسیب‌های جنسی	
۰/۸۱	۰/۸۱	بیان مسائل جنسی در قالب تمثیل، داستان و معرفی الگو	

معتبر	۰/۹۰	۰/۹۰	حیامحوری	معتبر	معتبر	معتبر
	۰/۹۰	۰/۹۰	بروز تمایلات جنسی (هشیارانہ)			
	۰/۸۱	۰/۸۱	تمرکز بر تداوم هویت جنسی			
	۱	۱	پیشگیری و کنترل رفتارهای جنسی			
	۱	۱	شکل‌دهی عادت برای پیشگیری از اختلالات و انحرافات جنسی			
	۰/۹۰	۰/۹۰	آشنایی با تغییرات جسمانی و روانی			
	۰/۹۰	۰/۹۰	یادگیری مقدمات مسائل جنسی			
معتبر	۰/۸۱	۰/۸۱	حیامحوری	معتبر	معتبر	معتبر
	۰/۹۰	۰/۹۰	لزوم آماده‌سازی دانش جنسی پیش ازدواج			
	۱	۱	شناخت چرخه جنسی			
	۰/۵۴	۰/۵۴	شناخت میل و نیاز جنسی			
	۰/۹۰	۰/۹۰	شناخت دستگاه جنسی و فرایند زداوری			
	۰/۹۰	۰/۹۰	آشنایی با ویژگی‌های همسر			
	۱	۱	شناخت انحرافات جنسی و راهکارهای مقابله با آن			
	۱	۱	شناخت اختلالات جنسی و راهکارهای مقابله با آن			
	۰/۹۰	۰/۹۰	آشنایی با تفاوت زن و مرد در مسائل جنسی			
	۰/۴۵	۰/۴۵	آشنایی با اهداف تشکیل خانواده			
	۰/۸۱	۰/۸۱	آشنایی با حقوق جنسی زن و مرد			
	۰/۹۰	۰/۹۰	آشنایی با آداب دینی مرتبط با امور جنسی			
	۰/۹۰	۰/۹۰	فطری بودن میل و نیاز جنسی			
معتبر	۱	۱	زمان مند و مکان مند بودن رابطه جنسی	معتبر	معتبر	معتبر
	۰/۸۱	۰/۸۱	نقش تغذیه و مزاج در لقاح، تعیین جنسیت و ویژگی‌های فرزند			

راهنماها			
مستندات	میزان تطابق راهنما با CVI	میزان تناسب کدهای CVI	پایه
مهارگری	۱	۱	معتبر
	۰/۸۱	۰/۸۱	معتبر
	۱	۱	معتبر
	۰/۹۰	۰/۹۰	معتبر
	۰/۹۰	۰/۹۰	معتبر
	۱	۱	معتبر
آینده‌نگری	۱	۱	معتبر
	۰/۹۰	۰/۹۰	معتبر
	۰/۷۲	۰/۷۲	عدم
	۱	۱	معتبر
	۰/۹۰	۰/۹۰	معتبر
	۱	۱	معتبر
مؤلفه‌ها			
مستندات	میزان تطابق مؤلفه با CVI	میزان تناسب کدهای CVI	پایه
عاطفه محور بودن رفتار جنسی	۱	۱	معتبر
	۰/۹۰	۰/۹۰	معتبر
	۰/۸۱	۰/۸۱	معتبر
	۰/۹۰	۰/۹۰	معتبر

لذت‌بری جنسی بدون منجر شدن به رفتار جنسی و تولید مثل	۰/۹۰	۰/۹۰	معتبر
	۱	۱	معتبر
	۰/۹۰	۰/۹۰	معتبر
	۰/۹۰	۰/۹۰	معتبر
لذت‌بری سعادتمحور	۱	۱	معتبر
	۰/۹۰	۰/۹۰	معتبر
ایمن سازی محیطی	۱	۱	معتبر
	۰/۹۰	۰/۹۰	معتبر
رفتار جنسی متعهدانه	۰/۹۰	۰/۹۰	معتبر
	۱	۱	معتبر
	۱	۱	معتبر
	۰/۹۰	۰/۹۰	معتبر
	۰/۸۱	۰/۸۱	معتبر
	۰/۹۰	۰/۹۰	معتبر
رعایت مرزهای روابط جنسی	۰/۹۰	۰/۹۰	معتبر
	۰/۶۳	۰/۶۳	عدم
	۰/۹۰	۰/۹۰	معتبر
	۱	۱	معتبر
پیامد			
CVI میزان تطابق پیامد با مستندات CVI میزان تناسب کدهای متغیری، ۲۰۱۱ نتیجه			
سلامت جنسی سعادتمحور	۱	۱	معتبر
	۱	۱	معتبر
	۰/۹۰	۰/۹۰	معتبر
	۰/۸۱	۰/۸۱	معتبر
	۰/۹۰	۰/۹۰	معتبر
	۰/۹۰	۰/۹۰	معتبر

طبق این محاسبه، در سؤال اول از مجموع ۷۸ کدمحوری ۱، ۷۳ کد توسط کارشناسان تأیید و تعداد ۵ کد محوری ۱ نمره کافی را نیاورده و حذف شدند که اختلالی در تأیید اصل مبانی، مؤلفه‌ها، راهبردها و پیامد ایجاد نکرد. تمام یافته‌های مورد تأیید در سؤال پرسش اول، میزان تناسب آنها با کدمحوری مرحله دوم در پرسش دوم نیز توسط کارشناسان تأیید شد. از سوی دیگر برخی کارشناسان با توجه به نزدیکی مفهومی مؤلفه ایمن‌سازی محیطی و مرزهای روابط جنسی، پیشنهاد تلفیق این دو مؤلفه را با عنوان رعایت مرزهای جنسی داشتند که بر همین اساس مؤلفه‌های آموزش جنسی به چهار مؤلفه تقلیل یافت.

یافته‌های پژوهش نشان داد که مدل آموزش جنسی بر اساس اندیشه اسلامی دارای پنج مبنا، دو راهبرد، چهار مؤلفه و یک پیامد می‌باشد. این مدل نظری از چهار بخش کلی تشکیل شده است که اجزای آن عبارت‌اند از:

بخش اول:

مبانی (خدامحوری در افکار، امیال و رفتار جنسی، انتخابگری با امکان تأثیرات ناخودآگاه، پیوستاری بودن، رعایت هنجارهای اجتماعی و قانونمندی امور جنسی)؛

بخش دوم:

راهبردها (مهارگری و آینده‌نگری)؛

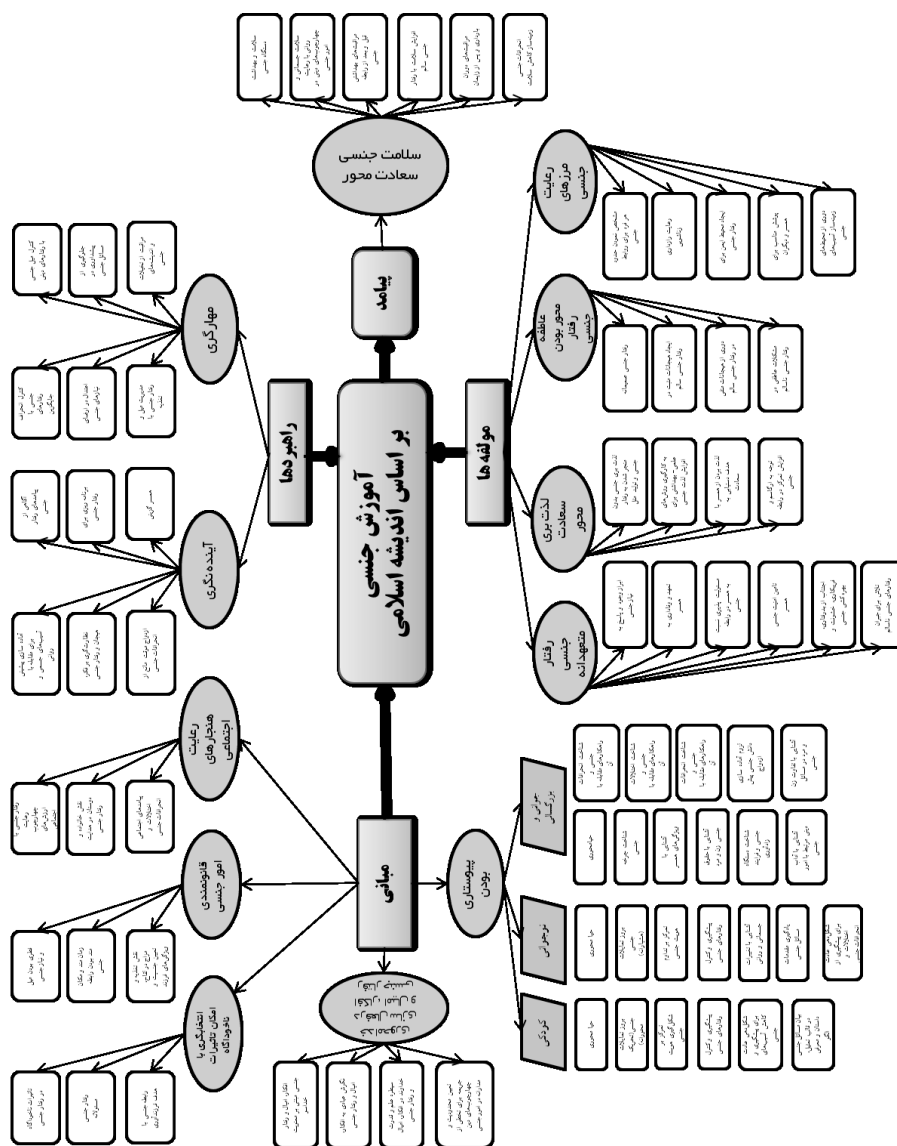
بخش سوم:

مؤلفه‌ها (عاطفه محور بودن رفتار جنسی، لذت‌بری سعادت‌محور، رفتار جنسی متعهدانه، رعایت مرزهای جنسی)؛

بخش چهارم:

پیامد (سلامت جنسی سعادت‌محور).

با توجه به این یافته‌ها مدل نظری نهایی آموزش جنسی بر اساس اندیشه اسلامی را بدین شکل می‌توان تعریف نمود: «آموزش جنسی بر اساس اندیشه اسلامی فرایندی است که با توجه به انتخابگری همراه با تأثیرات ناخودآگاه، رعایت هنجارهای اجتماعی و قانونمندی الهی حاکم بر افکار، امیال و رفتار جنسی، و با به‌کارگیری دو راهبرد مهارگری و آینده‌نگری متناسب با دوره‌های مختلف رشدی طرح‌ریزی می‌شود. رعایت مرزها، لذت‌بری مبتنی بر سعادت، توجه به عواطف، تعهد و مسئولیت‌پذیری در رفتار جنسی از جمله مؤلفه‌های آموزش جنسی می‌باشد که نتیجه آن سلامت جنسی سعادت‌محور خواهد بود».



نمودار ۱: مدل نظری نهایی آموزش جنسی بر اساس اندیشه اسلامی

بحث و نتیجه‌گیری

در تبیین یافته‌های پژوهش ابتدا می‌بایست به چند نکته مهم اشاره نمود: قرآن کریم و منابع اصیل اسلامی به‌عنوان مهم‌ترین منبع برای تدوین مدل آموزش جنسی در نظر گرفته می‌شود. نیاز جنسی در اسلام پذیرفته و به آن اهمیت داده شده است. برای همین در کنار پاسخ‌دهی به سایر نیازهای بنیادین

انسان، مهیا نمودن شرایط بهینه پاسخ‌دهی به این نیاز نیز بایستی مورد توجه قرار گیرد (بقره: ۱۸۷ و ۲۲۳). قرآن به‌عنوان منبعی از معارف الهی برای همه ابعاد وجودی رهنمودهایی دارد که بعد جنسی هم در آن مورد غفلت قرار نگرفته است. خداوند انسان‌ها و همه جانداران را به‌صورت جفت آفرید (نساء: ۱؛ شوری: ۱۱؛ روم: ۲۱) تا حیات بشر و دیگر انواع جانداران تداوم یابد و تولید نسل اتفاق بیفتد، از طرفی رفتار جنسی در قالب ازدواج در چارچوب نظام فقهی اسلام مورد تأکید و توصیه بوده و وسیله تکامل فرد و کسب آرامش و رشد، تلقی شده است. اسلام نه تنها میان معنویت و بهره‌مندی از لذات جنسی منافاتی نمی‌بیند؛ بلکه بهره‌مندی مشروع از آن را شرط تکامل معنوی انسان و یکی از بهترین راه‌های دستیابی به سعادت واقعی می‌داند.

بنابراین بایستی دانش جنسی متناسب با مبنای پیوستاری بودن آموزش جنسی، به روش‌های متناسب در محتوای آموزش جنسی تبیین شود. خداوند پتانسیل‌های مختلف و متفاوتی را برای زن و مرد در سنین مختلف رشدی قرار داده است (نساء: ۳۴)، که به‌واسطه این تفاوت‌های فردی و نقش‌های جنسی و جنسیتی، راهبردهایی متناسب با آن برای افراد مطرح می‌شود تا تضمین زندگی سالم فردی اتفاق بیفتد. بنابراین داشتن راهبردها، محتواها و فرصت‌های یادگیری در زمینه افکار، امیال و رفتار جنسی سالم در سنین مختلف رشدی در آموزش جنسی باید مورد توجه قرار گیرد. وجود چنین دیدگاهی، زمینه فکری آموزش جنسی را به‌صورتی سازگار با کرامت انسانی فراهم می‌آورد، بر خلاف آنچه در بسیاری از کشورهای غربی در زمینه آموزش جنسی یافت می‌شود.

در واقع اندیشه اسلامی مدل آموزش جنسی را تشکیل می‌دهد که در مقایسه با سایر رویکردهای موجود، اولاً وسیع‌تر و جامع‌تر است؛ ثانیاً به دور از افراط و تفریط‌هایی است که در این مورد وجود دارد؛ بنابراین این فرض تقویت می‌شود که مدل آموزش جنسی مبتنی بر اندیشه اسلامی هم از حیث مبانی، مؤلفه‌ها، راهبردها و پیامد نسبت به تبیین آموزش جنسی از سایر مدل‌های موجود از وسعت و عمق بیشتری برخوردار است.

مبانی شناسایی شده در مدل آموزش جنسی بر اساس اندیشه اسلامی یکی از شاخص‌های تفاوت با مدل‌های موجود است. مدل‌های موجود به دلیل مبانی خود، به نادیده انگاشتن جنبه‌های اخلاقی و معنوی در طراحی مدل آموزش جنسی رسیدند؛ درحالی‌که آموزش جنسی مبتنی بر اندیشه اسلامی منشأ الهی دارد و در تلاش است تا به رفتار جنسی، رنگ عبادی بدهد و خشنودی خدا را نیز جلب کند. بر همین اساس حکم تکوینی در زمینه افکار، امیال و رفتار جنسی را خداوند متعال صادر می‌کند که موجب تنظیم قواعد و عوامل تکوینی آن می‌گردد، و حکم تشریعی خداوند، مدل آموزش جنسی را مشخص می‌سازد؛ بنابراین محوریت خداوند متعال، تنها خاستگاهی است که می‌تواند آموزش جنسی را بر اساس آن طرح‌ریزی نمود.

هر محتوایی در خصوص افکار، امیال و رفتار جنسی که مدل آموزش جنسی را پایه‌ریزی می‌کند، اگر از خاستگاه حکم خداوند متعال صادر نشده باشد، بی‌تردید ناقص و ناکارآمد خواهد بود.

سوین، وارن و هلل (۲۰۰۴) رویکرد لیبرال را یکی دیگر از مبانی نظری آموزش جنسی دانسته و بر این باورند که این رویکرد بر بهبود شرایط انتخاب فرد تأکید زیادی دارد و باید علایق و خواسته‌های فرد در آموزش جنسی لحاظ شوند. مسئله جنسی وقتی بروز می‌کند که در مجموعه آموزش‌ها و دانش‌های جنسی که به فرد منتقل می‌شود، فردیت شخص لحاظ نشود. در این دیدگاه اقتدار به سمت فرد و خواسته‌های او منتقل می‌شود؛ بنابراین آن‌الگویی از رفتار جنسی مشروع است که مطابق علایق و خواسته‌های فرد باشد. محققانی مانند مگنوس هیرشفیلد، آلفرد کینزی، ویلیام مسترز و ویرجینیا جانسون به‌عنوان پیشگامان این مدل نظری به‌شمار می‌روند (رک: کینزی، پامری و مارتین، ۱۹۴۸؛ کینزی، پامری، مارتین و گبهارد، ۱۹۵۳؛ مسترز و جانسون، ۱۹۶۶). بنابراین آموزش‌های جنسی که در مدل‌های نظری موجود وجود دارد، مبتنی بر مبانی و دیدگاه فردگرایانه می‌باشد (تالوکدر، ۲۰۱۹). از آنجایی که رویکردهای موجود اومانستی بوده و یک بعدی به انسان می‌نگرد، به شکوفاسازی و کمال‌نهایی فرد و رسیدن به مقام توحید و عبودیت الهی توجهی ندارند.

خسروی و باقری (۱۳۸۷) بر این باورند که آموزش ارزش‌ها همواره بخش مهمی از اهداف نظام‌های آموزشی است؛ زیرا این نظام‌ها به‌منزله بخشی اساسی از کار خود، در پی آن‌اند که فرهنگ و ارزش‌های آن را به نسل آینده انتقال دهند. اما آنچه در این میان اهمیت بیشتری دارد، این است که چگونه می‌توان ارزش‌های مورد نظر را در زمینه مسائل جنسی درونی کرد. بر همین اساس در تنظیم مدل آموزش جنسی برای دستیابی به این امر، مبنای پیوستاری بودن مطرح شده است که در سایر مدل‌های آموزش جنسی مورد توجه قرار نگرفته است. در مدل‌های آموزش جنسی موجود با تمرکز بر دوره کودکی و نوجوانی به آموزش مستقیم جنسی و بدون در نظر گرفتن درونی‌سازی آن توجه شده است (مایمونا، ۲۰۱۹). به‌عبارت‌دیگر، چنین نیست که روش‌های مربوط به مبنای پیوستاری بودن، در جریان آموزش یکباره و به‌صورت مستقیم به داده‌های جنسی بپردازد. ترتیب روش‌ها و محتوای آن کاملاً بر اساس ظرفیت و ویژگی‌های ذهنی و روانی فرد در هر دوره رشدی متفاوت می‌باشد که در این قسمت بهره‌گیری از اندیشه اسلامی چاره‌ساز خواهد بود.

روش‌های آموزش جنسی مبتنی بر اندیشه اسلامی با توجه به بعد پیوستاری آن به روش‌های مستقیم، نیمه‌مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شود. این شیوه‌ها روی یک طیف یا محور قرار می‌گیرند، به‌طوری‌که از قطب شیوه‌های غیرمستقیم تا شیوه‌های نیمه‌مستقیم و قطب شیوه‌های مستقیم تنظیم می‌شوند؛ بنابراین درجه متفاوتی از میزان مستقیم و غیرمستقیم بودن در آنها بسته به دوره رشدی فرد وجود خواهد داشت.

از سوی دیگر مدل‌های آموزش جنسی موجود هنجارمحور می‌باشد (بلکی، هنسی و فیش بین، ۲۰۰۲) و با توجه به عدم ثبات هنجارها در دوره‌های گوناگون و سنین مختلف، مدل آموزش جنسی برآمده از آن نیز متغیر بوده و به یک نسبیت‌گرایی منجر می‌شود؛ درحالی‌که مدل آموزش جنسی مبتنی بر اندیشه اسلامی بر اساس هنجارهای اجتماعی شکل نگرفته است و با توجه به منابع اصیل ارزشی تدوین شده است؛ از همین رو مدل تدوین‌شده ملاک‌محور است؛ ملاکی که بر مبنای آموزه‌های اصیل اسلام تعیین گردیده است و به واسطه گذر زمان و تغییر هنجارهای اجتماعی تغییر نمی‌کند. ملاک مدل آموزش جنسی بر اساس اندیشه اسلامی با ابعاد اعتقادی، اخلاقی و احکامی دینی همخوانی و سازگاری دارد. درعین حال یکی دیگر از تفاوت‌های مدل آموزش جنسی موجود با سایر مدل‌های موجود، به مبنای رعایت هنجارهای اجتماعی به جای طراحی مدل آموزش جنسی بر اساس هنجارهای اجتماعی بر می‌گردد. بر اساس اندیشه اسلامی، آموزش جنسی، ملاکی را تعیین می‌کند که بر اساس آن به معیارها و ارزش‌های اجتماعی حاکم بر جامعه نیز توجه می‌شود؛ درحالی‌که آموزش‌های جنسی موجود بدون در نظر گرفتن ارزش‌های فرهنگی جوامع مختلف و با طرح یک چهارچوب و قانون کلی مانند آموزش جنسی در دوره کودکی و نوجوانی برای جلوگیری از بارداری ناخواسته و پیشگیری از بیماری‌های مقاربتی، نسخه واحدی برای تمامی فرهنگ‌های مختلف در نظر می‌گیرند (گیلیام و همکاران، ۲۰۱۶).

هدف اصلی آموزش جنسی پس از جنگ جهانی دوم، ممانعت از گسترش بیماری‌های مقاربتی، به‌ویژه سیفلیس و سوزاک بوده است (دلاناتر، ۲۰۰۷). بررسی متون درسی آن زمان؛ مثلاً دستگاه تولید مثل خرگوش‌ها یا گرده‌افشانی گیاهان گل‌دار، حاکی است که بسیاری از مدارس در سال ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در باب آموزش جنسی با احتیاط سخن گفته‌اند (فرم‌هینی فراهانی، ۱۳۸۵). آموزش جنسی در دهه هفتاد، از پایه دگرگون شد و در درس زیست‌شناسی درباره دستگاه تولید مثل بحث شد. علاوه بر این، در این سال‌ها شیوه‌های جلوگیری از بارداری به‌صورت گسترده آموزش داده می‌شد. در این دوره بیشتر بر ارائه دقیق اطلاعات تأکید می‌شد و هدف از طراحی مدل‌های آموزش جنسی، کاهش ناآگاهی، جرم و خیانت، شرم و حیا و اضطراب و نگرانی بود. در دهه هشتاد، آموزش جنسی با اهداف گسترده‌تری دنبال شد. استقبال فزاینده از اندیشه فمینیستی^۱ منجر به افزودن برنامه‌هایی شد که شاگردان را به بررسی نقش زنان و مردان در جامعه تشویق می‌کرد. هدف آن بود که دانش‌آموزان اصل تفاوت‌های جنسی و همچنین میزان آن را درک کنند. هم‌زمان با آن، برنامه‌های آموزش جنسی اهدافی از قبیل کسب مهارت برای تصمیم‌گیری، برقرار کردن رابطه با دیگران، ایفای نقش پدری و مادری و تعیین خط مشی در زندگی شخصی را دنبال می‌کرد. آزادی‌های جنسی در این دهه، باعث نگرانی و هراس والدین شد و شیوع

1. feministy

بیماری ایدز به این نگرانی دامن زد (هلیسون، ۲۰۰۲). سراسیمگی در وضع قانون و صدور بخش‌نامه‌های دولتی در خصوص آموزش جنسی، که تا امروز هم ادامه دارد، ثابت کرده است که آموزش‌های جنسی موجود به ارزش‌های اخلاقی و الهی توجهی نکرده است؛ از این‌رو یکی از تفاوت‌های شاخص مدل آموزش جنسی موجود با سایر مدل‌های دیگر، توجه به پیامد مدنظر این مدل می‌باشد.

برنامه جامع آموزش جنسی و آموزش جنسی برای جلوگیری از خطر؛ از جمله برنامه‌هایی است که رویکرد لیبرال بر آن حاکم است (موران، ۲۰۰۰). در چنین برنامه‌هایی موضوعاتی همچون آناتومی جنسی، تولید مثل، روش‌های پیشگیری از بارداری و بیماری‌های مقاربتی، گسترش و حفظ ارتباطات جنسی، خودارضایی و همجنس‌گرایی مورد توجه قرار می‌گیرند (ایروین، ۲۰۰۲). مدل نظری حاکم بر این برنامه‌ها بیشتر نگاهی کارکردگرا داشته و سعی در جلوگیری بارداری‌های ناخواسته و یا انتقال بیماری‌های آمیزشی دارد (مک لارن، ۱۹۹۲). مفاهیم کلیدی این گفتمان آمیزش امن و آمیزش بی‌خطر است (براون و تاورنر، ۲۰۰۱). بنابراین در مدل‌های موجود دستیابی به هدف نهایی خلقت یعنی دستیابی به سعادت توجهی نشده است و بیشتر به اهداف واسطه‌ای؛ همچون فراهم کردن بستر مناسب برای رشد جنسی سالم، شناخت و انتظار درست از هویت جنسی خود و دیگران، ارضای صحیح و بهنجار غریزه جنسی و پیشگیری از انحرافات جنسی و آماده‌سازی دختر و پسر برای زندگی سالم خانوادگی توجه شده است (جورجیو، ۲۰۱۷). در صورتی که دستیابی به هدف نهایی مدل موجود فرایندی است که پیش از تولد شروع می‌شود و همه مراحل تحول زندگی فرد را دربر می‌گیرد. منظور از هدف‌های واسطه‌ای، وضعیت‌های مطلوبی هستند که واسطه و زمینه‌ساز نیل به هدف نهایی‌اند. این هدف‌ها خود دو دسته‌اند: هدف‌های کلی و هدف‌های رفتاری. اهداف رفتاری خود زمینه تحقق و دستیابی اهداف کلی را فراهم و تسهیل می‌کنند. پیامد آموزش جنسی مبتنی بر اندیشه اسلامی دستیابی به کمالات شایسته و رضوان الهی است؛ از همین‌رو همه مبانی، راهبردها و مؤلفه‌های مربوط به آموزش جنسی بایستی در راستای وضع مطلوبی باشند که همان خشنودی و رضایت خداوند است. هر فرد با قرار گرفتن در مسیر رسیدن به سعادت‌مندی خویش، امکانات، خواسته‌ها، افکار، امیال و رفتار جنسی خود را جهت‌دهی کرده و بین باورها، انگیزه‌ها و فعالیت‌های خود، آنچه بیشترین هماهنگی را ایجاد می‌نماید و در درجات قرب الهی قرار می‌گیرد را مورد توجه قرار می‌دهد.

یکی دیگر از جنبه‌های مقایسه مدل آموزش جنسی موجود با سایر مدل‌های موجود، راهبرد آینده‌نگری است. آینده‌نگری یک جهت‌گیری شناختی به آینده فردی در یک چهارچوب استدلال عملی است که به افراد در جهت رسیدن به اهداف بلندمدت‌شان کمک‌های مؤثری می‌کند. افراد آینده‌نگر، به‌طور حساب‌شده و دوراندیشانه به عواقب تصمیمات و اعمال‌شان توجه می‌کنند و اهداف بلندمدت را برای رسیدن به لذت‌های کوتاه‌مدت قربانی نمی‌کنند و در ذهنشان آنچه را که در مجموع بیشترین

رضایت را به دنبال خواهد داشت، نگه می‌دارند (خاکبازان و رفیعی‌هنر، ۱۳۹۶). در رویکردهای موجود مهم‌ترین هدف آموزش جنسی، پیشگیری از بارداری و پیشگیری از بیماری‌های آمیزشی می‌باشد (بیزر، ۲۰۰۵؛ پرایس و همکاران، ۲۰۰۳؛ کتینگ، ۲۰۱۹؛ شیرای، تسوجیمورا، عبدالحامد و هوری، ۲۰۱۷؛ بیومونت، مگیور، ۲۰۱۳؛ کونتولا، ۲۰۱۰)؛ درحالی‌که راهبرد آینده‌نگری در مدل موجود با اهداف عالیه دستیابی به سلامت جنسی سعادت‌محورانه تنظیم شده است.

رویکرد انتقادی یکی دیگر از مدل‌های حاکم بر آموزش جنسی است که کمیس و همکاران (۱۹۸۳) معتقدند. تمرکز اساسی این رویکرد ایجاد عدالت و برابری در جامعه است. این گرایش تمایل دارد تا شرایطی فراهم آورد که صدای گروه‌های در حاشیه قرار گرفته و اقلیت‌های جنسی مانند همجنس‌گرایان و دوجنسی‌ها نیز شنیده شود. این دیدگاه به افراد این امکان را می‌دهد تا به‌طور فعالانه در مقابل گرایش‌ها و ارزش‌های مسلط جامعه در امور جنسی احساس مسئولیت کنند. مطابق این دیدگاه روابط جنسی غیرهمجنس‌گرا مبتنی بر خواست نظام قدرت است. قدرت همان عاملی است که موجب ایجاد بی‌عدالتی و تبعیض شده و باید به تمام صور با آن مبارزه کرد (کوماشیرو، ۲۰۰۲). بنابراین رفتارهای جنسی ناسالم که در مدل‌های آموزش جنسی موجود مطرح می‌شود با انحرافات که در رویکرد دینی وجود دارد، متفاوت است. بر اساس اندیشه اسلامی، تمامی رفتارهای جنسی می‌بایست در جهت رشد و تعالی او و دستیابی به سعادت باشد و ازهمین‌رو دامنه وسیعی از رفتارهایی همچون خودارضایی، همجنس‌گرایی، ارتباط با نامحرم و رفتارهای این‌چنینی به‌عنوان انحراف شناخته می‌شود؛ درحالی‌که در مدل‌های موجود، رفتار جنسی‌ای انحراف محسوب می‌گردد که کش‌وری فردی و اجتماعی او را مختل نماید (کیلی، ۲۰۰۲).

همچنین در مدل آموزش جنسی مبتنی بر اندیشه اسلامی، مؤلفه رفتار جنسی متعهدانه شناسایی می‌شود که فرد می‌بایست لذت جنسی را به شیوه متعهدانه و مسئولانه و در چهارچوب دینی در زندگی رعایت کند؛ ازاین‌رو رفتار جنسی بین دو نفر فقط در چارچوب ازدواج شرعی (دائم یا موقت) قابل پذیرش است؛ درحالی‌که مدل‌های آموزش جنسی موجود، با تمرکز به جلوگیری از بارداری ناخواسته و پیشگیری از سقط و بیماری‌های مقاربتی، جهت‌گیری خود را درخصوص رفتار جنسی دو نفر بر اساس میل و علاقه فرد تعیین می‌کند (هندایان، پانديا، پوتری، واتی، وینستیا و ریزکی، ۲۰۱۹)؛ ازهمین‌رو رابطه دو همجنس یا دو غیرهمجنس فقط به‌گونه‌ای باشد که از بیماری‌های مقاربتی و بارداری ناخواسته محفوظ باشند.

مدل‌های آموزش جنسی فرویدیسم رادیکال (فیلدز و تولمن، ۲۰۰۶؛ فاین و مک کلند، ۲۰۰۶)، فمینیسم رادیکال و فمینیسم فرهنگی (هکمن، ۱۹۹۹) از دیگر مدل‌های آموزش جنسی به‌شمار می‌رود

که رویکرد انتقادی بر آن حاکم است؛ به‌عنوان نمونه فمینیست‌های رادیکال، تولید مثل انسانی را که توسط نهادهایی چون ازدواج و دگرجنس‌خواهی اجباری و مفهوم مادری کنترل و جامعه‌پذیر شده‌اند، به شدت مورد نقد قرار می‌دهند. آنها به دنبال باز تعریف ساختارهای اجتماعی به شکلی هستند که فرهنگ، معنویت، هنر، دانش، لذت و بدن زنانه را مورد حمایت قرار دهد. به این ترتیب لذت جنسی مستقل از مردان به‌صورت فردی یا روابط جنسی دو زن یا روابط جنسی با مردان به‌طوری که شخصیت زن حفظ شود، مورد تأکید قرار می‌گیرد (بابر و موری، ۲۰۰۱)؛ درحالی که مدل موجود که بر اساس اندیشه اسلامی طراحی شده است، یک مدل آموزش جنسی میانه‌رو می‌باشد که ضمن اینکه انگیزه جنسی را به‌عنوان یک نیروی ذاتی مهم می‌شمارد، مهارگری آن را نیز مورد توجه قرار داده است و از همین روی روابط جنسی خارج از چهارچوب ازدواج همچون همجنس‌گرایی را نادرست تلقی می‌کند. آموزش جنسی بر اساس اندیشه اسلامی، لزوم مراعات و اعتدال و اجتناب از افراط و تفریط و رهبری امور فطری را توصیه می‌کند. مدل موجود نه خواهان طغیان و سرکشی و مرزن‌شناسی امور جنسی است و نه حامی سرکوبی افکار، امیال و رفتار جنسی؛ بلکه پیوسته در راهبری آنها در سنین مختلف و هدایتگری آنها می‌کوشد.

بر همین اساس یکی دیگر از تمایزهای مدل‌های موجود آموزش جنسی به مؤلفه رعایت مرزها مرتبط می‌شود. کیفیت رفتارهای جنسی از نظر زمان، مکان و کیفیت رابطه در مدل‌های موجود بر اساس اصل لذت می‌باشد و از همین رو در هر مکانی و به هر کیفیتی می‌توانند رفتار جنسی خود را انجام دهند یا از هر وسیله‌ای برای تحریک بیشتر خود یا شریک جنسی خویش بهره ببرند (شارما، ۲۰۲۰)، اما بر اساس اندیشه اسلامی، آزادی بی‌حدومرز جنسی جایگاهی در مدل آموزش جنسی ندارد و افکار، امیال و رفتارهای جنسی باید با ایمن‌سازی محیطی و رعایت مرزهای جنسی همراه با توجه به لذت مبتنی بر سعادت صورت پذیرد؛ از همین رو اسلام، قواعد و ضوابط خاصی برای برخورد با افکار و امیال جنسی پیش‌بینی کرده است.

از دیگر تفاوت‌های شاخص مدل آموزش جنسی موجود با سایر مدل‌های موجود، توجه به بعد سعادت‌نگری در لذت‌بری جنسی است. در مدل‌های آموزش جنسی موجود فرد برای دستیابی به لذت جنسی بیشتر، می‌تواند از روش‌ها و ابزارهای گوناگونی همچون عکس‌ها، فیلم‌ها، متن‌ها و ابزارهای مختلف بهره برد (بابرز، سیرز و فوستر، ۲۰۱۳)؛ در صورتی که مدل آموزش جنسی مبتنی بر اندیشه اسلامی به لذت‌بری مبتنی بر سعادت فرد توجه می‌کند؛ بدین صورت که رسیدن به بالاترین لذت‌های جنسی زوجی می‌بایست به‌گونه‌ای باشد که آنان را از مسیر قرب الهی و کمال‌نهایی خود دور نکند؛ از این رو راهبرد مهارگری فقط برای پیش از ازدواج بیان نمی‌شود و فرد بعد از ازدواج نیز با مهارگری در لذت‌های ممنوعه و آسیب‌زا، خود را در مسیر کمال و سعادت نگه می‌دارد.

بلیر و منک (۲۰۰۹) به رویکرد محافظه کارانه در آموزش جنسی اشاره داشتند و معتقدند تمرکز اساسی مدل آموزش جنسی بر انتقال ارزش‌های جنسی حاکم به متربیان است. چارچوب و استخوان‌بندی امر جنسی اغلب به‌طور پیشینی و توسط یک قدرت مرجع خارجی تعیین می‌شود. بنابراین مدل‌های آموزش جنسی موجود بر کنترل‌های بیرونی بیشتر از کنترل‌های درونی تمرکز دارد. بر اساس اندیشه اسلامی خداوند انسان را به کنترل درونی مجهز ساخت، که در صورت به‌کارگیری آن و استفاده صحیح از آن، گام مهمی در جهت به کمال رسیدن و سعادت‌مندی او می‌باشد. از جمله این قوای ارزشمند درونی که ریشه در فطرت آدمی دارد، حیا می‌باشد که یکی از ابعاد مورد توجه در مدل آموزش جنسی موجود است.

در مجموع می‌توان اذعان داشت که مدل آموزش جنسی بر اساس اندیشه اسلامی جامع‌تر و درعین‌حال تسهیل‌کننده مسیر فرد برای دستیابی به هدف غایی آفرینش یعنی رسیدن به سعادت می‌باشد. یافته‌های حاصل از این پژوهش، بستر مناسبی برای تدوین برنامه آموزش جنسی برای دوره‌های تحولی مبتنی بر این مدل را فراهم کرده است. پیشنهاد می‌شود کتاب راهنمای مدل آموزش جنسی با تأکید بر مبانی قرآن، احادیث و کلام اندیشمندان مسلمان تألیف و در اختیار معلمان و مربیان تربیتی و مدارس قرار دهند. طراحی مدل نظری آموزش جنسی بر اساس مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با روان‌شناسان اسلام‌شناس از دیگر پیشنهادات پژوهشی به‌شمار می‌رود؛ همچنین پیشنهاد می‌شود بر اساس مدل نظری طراحی‌شده، برای درمان اختلالات و انحرافات جنسی، مداخله درمانی و بسته آموزشی طراحی شود.

منابع

- قرآن کریم.
- ابوعاشق، عبدالمنعم ابراهیم (۲۰۰۱م). تربیت البنات فی الاسلام. مصر: مکتبه اولاد الشیخ للتراث. اسلامیة، حمیدرضا (۱۳۸۵). نگاهی به تعلیم و تربیت در سیره نبوی. تهران: بقیه العتره، مرکز علمی فرهنگی جنات. اسلامی‌نسب، علی (۱۳۷۹). تربیت جنسی کودک از دیدگاه علم و اسلام. تهران: نسل نواندیش.
- امینی، ابراهیم (۱۳۶۸). آیین تربیت. تهران: انتشارات اسلامی.
- ایزائلو، امید و زارع، محبوبه (۱۳۹۴). ادبیات اجازه گرفتن کودکان در خانه، با تأکید بر آیه ۵۸ سوره نور با تکیه بر بررسی تفاسیر معتبر شیعه و اهل سنت. همایش ملی اشراق اندیشه مطهر، خانواده و تربیت جنسی. مشهد.
- بخشی، افسر (۱۳۷۵). نگاهی به تربیت جنسی فرزندان. مجله ندای صادق، ۴(۴)، ۶۶-۷۰.
- بنیانی، محمدرضا (۱۳۹۷). الگوی سلامت جنسی همسران بر اساس منابع اسلامی، ساخت بسته آموزشی و بررسی اثر آن بر رضایت جنسی و رضایت زناشویی. رساله دکتری. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- بهشتی، محمد (۱۳۸۵). تربیت جنسی از منظر فیض کاشانی. تربیت اسلامی، ۲(۳)، ۸۹-۱۱۳.
- پسندیده، عباس (۱۳۸۶). دین و مهارت‌های خویش‌داری جنسی. مجله حدیث زندگی، ۱(۳۴)، ۵۴-۱۰۸.
- پورامینی، محمدباقر (۱۳۸۳). تربیت جنسی در سیره نبوی. تربیت اسلامی، ۱(۱)، ۱۶۵-۱۸۲.
- تهذیبی، نسرین و جوادنیا، امیر (۱۳۸۴). مراحل رشد انسان و تربیت جنسی کودکان از نظر اسلام. دومین کنگره سراسری خانواده و سلامت جنسی. دانشگاه شاهد. تهران.
- ثابت، حافظ (۱۳۷۹). درآمدی بر تربیت جنسی در نهج البلاغه. مجله تربیت اسلامی، ۴(۴)، ۵۹۳-۶۲۰.

- ثابت، حافظ (۱۳۸۲). تربیت جنسی. مجله معرفت، ۶(۶۹)، ۱۰۱-۱۰۵.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. مصحح: مؤسسه آل البيت ع. قم: مؤسسه آل البيت ع.
- خاکبازان، نوید و رفیعی هنر، حمید (۱۳۹۶). تبیین سازه «حزم» (آینده نگری) بر اساس اندیشه اسلامی. معرفت، ۱۰(۲۶)، ۷۵-۶۱.
- خسروی، زهره و باقری، خسرو (۱۳۸۷). راهنمای درونی کردن ارزش های اخلاقی از طریق برنامه درسی. مطالعات برنامه درسی، ۳(۸)، ۸۱-۱۰۵.
- دوایی، مهدی و بنی سی، پری ناز (۱۳۸۴). تربیت جنسی در اسلام. دومین کنگره سراسری خانواده و مشکلات جنسی. دانشگاه شاهد، کلینیک سلامت خانواده. تهران.
- رضازاده، فاطمه بیگم (۱۳۶۹). نظام جنسی کودک و نوجوان در اسلام. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس. تهران.
- رفیعی، بهروز (۱۳۷۹). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن. تهران: سمت.
- ریحانی اصل، فروغ و خیاطان، فلور (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش مهارت های جنسی بر طرحواره های جنسی زنان، عزت نفس جنسی و رضایت جنسی زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر اصفهان. فصلنامه پرستاری، مامایی و پیراپزشکی، ۲(۴)، ۴۵-۵۵.
- ستوده نیا، محمدرضا و رمضانی، ملیحه (۱۳۹۴). بررسی روش های تربیت جنسی در قرآن با تأکید بر رویکرد روان شناسی شناختی. همایش ملی اشراق اندیشه مطهر، خانواده و تربیت جنسی. مشهد.
- سعادت فرد، فاطمه السادات؛ خلوتی جابری، سمیه؛ قلاتش، عباس و سعادت فرد، زهره السادات (۱۳۹۴). بررسی تربیت جنسی کودکان و نوجوانان از دیدگاه اسلام. کنفرانس علمی پژوهشی راهکارهای توسعه و ترویج آموزش علوم در ایران.
- عباسی، مهدی (۱۳۹۶). الگوی تنظیم رفتار جنسی با رویکرد اسلامی. قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
- عبدالرؤف، عبدالغفور (۱۴۱۴ق). دراسات فی علم النفس الاسلامی. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- علم الدین، محمد (۱۹۷۱). التریبة الجنسية بین الواقع و علم النفس والدين. قاهره: الهيئة المصرية العامة للتألیف و النشر.
- فاکر مبینی، محمد و فاکر، اعظم (۱۳۹۲). تربیت جنسی از نگاه مفسران فریقین. دوفصلنامه مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث، ۱(۱)، ۴۲-۵.
- فرمیهنی فراهانی، محسن (۱۳۸۵). درآمدی بر تربیت جنسی در متون دینی اسلام. پژوهش های تربیت جنسی، ۳(۶)، ۱۴۱-۱۷۸.
- فقیهی، علی نقی (۱۳۸۷). بررسی احادیث در زمینه راهکارهای تربیتی به منظور پیشگیری از رفتارهای ناهنجار جنسی نوجوانان و جوانان. تربیت اسلامی، ۳(۶)، ۲۷-۵۶.
- فقیهی، علی نقی؛ شکوهی یکتا، محسن و پرند، اکرم (۱۳۸۷). آموزش جنسی به کودک و نوجوان از دیدگاه اسلامی و مطالعات روان شناختی. تربیت اسلامی، ۳(۷)، ۵۱-۸۰.
- قطب، محمد (۱۳۷۵). روش تربیتی اسلام. ترجمه محمد مهدی جعفری. شیراز: دانشگاه شیراز.
- کجباف، محمداقبر (۱۳۸۴). رفتارشناسی جنسی در اندیشه دینی. مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)، ۷(۲۷)، ۱۱۳-۱۴۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- لثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). عیون الحکم و المواعظ. مصحح: حسین حسینی بیرجندی. قم: دار الحدیث.
- میردی، کتابون؛ حسن پورازغدی، سیده بتول، و امیری فراهانی، لیلا. (۱۳۹۶). آگاهی و نگرش مادران نسبت به تربیت جنسی کودکان پیش دبستانی. نشریه پرستاری ایران، ۳۰(۱۰۶)، ۳۵-۴۵.
- مجلسی، محمداقبر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مشایی، ناهید و شاهد، اکرم (۱۳۹۴). عوامل و راهکارهای خودکنترلی و نقش آن در تربیت جنسی مبتنی بر آموزه های دینی. همایش ملی اشراق اندیشه مطهر، خانواده و تربیت جنسی. مشهد.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا.
- نورعلیزاده میانجی، مسعود (۱۳۹۷). سلامت و اختلال جنسی همسران: رویکرد اسلامی و روان شناختی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ع.
- نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. مصحح: مؤسسه آل البيت ع. قم: مؤسسه آل البيت ع.

- Ajzen, I. & Madden, T. J. (1986). Prediction of goal-directed behavior: attitudes, intentions, and perceived behavioral control. *Journal of Experimental Social Psychology*, 22, 453-474.
- Ali, S. R., Liu, W. M. & Humedian, M. (2004). Islam 101: Understanding the Religion and Therapy Implications. *Professional Psychology: Research and Practice*, 35(6), 635-642.
- Allen, L. (2005). 'Say everything': exploring young people's suggestions for improving sexuality education. *Journal Sex Education*, 4, 389-404.
- Bandura, A. (1998). Health promotion from the perspective of social cognitive theory. *Psychology and Health*, 13, 623-649.
- Çankaya, Seyhan & Alan Dikmen, Hacer. (2019). The Impact of Engaged Couples' Sexual Knowledge and Beliefs on Their Beliefs and Attitudes Towards Marriage. *Turkish Journal of Family Medicine and Primary Care*, 427-437.
- Chandra-Mouli, Venkatraman, Gómez Garbero, Lucía, Plesons, Marina, Lang, Iliana & Vargas, Esther (2018). Evolution and Resistance to Sexuality Education in Mexico. *Global Health: Science and Practice*.
- Clonan-Roy, Katherine. (2019). Latina Girls' Sexual Education in the (New) Latinx Diaspora. *Girlhood Studies*, 12, 65-81.
- Davies, Christian. (2020). Poland's Law and Justice Party targeting sex education. *The Lancet*, 395, 17-18.
- DeLamater, J. (2007). Gender Eguity in Formal Sexuality Education in: Handbook for Achieving Gender Equity through Education. Edited by Susan S. Klein. second edition. Routledge.
- DiClemente, C. C. & Prochaska, J. O. (1982). Self-change and therapy change of smoking behavior: a comparison of change in cession and maintenance. *Addictive Behaviours*, 7, 133-142.
- Dilorio, C., McCarty, F., & Denzmore, P. (2006). An Exploration of Social Cognitive Theory Mediators of Father-Son Communication About Sex. *Journal of Pediatric Psychology*, 31(9), 917-927.
- Donald, D. R., Lazarus, S. & Lolwana, P. (2006). Educational Psychology in Social Context (3rd ed.). Oxford: Oxford University Press.
- Ezer, Paulina, Kerr, Lucille, Fisher, Christopher, Heywood, Wendy & Lucke, Jayne. (2019). Australian students' experiences of sexuality education at school. *Sex Education*, 19, 1-17.
- Fisher, J. D. & Fisher, W. A. (1992). Changing AIDS-Risk Behavior. *Psychological Bulletin*, 111, 435-474.
- Garzón-Orjuela, Nathaly, Samacá-Samacá, Daniel, Moreno-Chaparro, Jaime, Ballesteros-Cabrera, Magnolia & Eslava-Schmalbach, Javier (2020). Effectiveness of Sex Education Interventions in Adolescents An Overview.
- Georgiou, Dora (2017). Factsheet: Comprehensive Sexuality Education in Cyrus.
- Gilliam, M., Jagoda, P., Heathcock, S., Orzalli, S., Saper, C., Dudley, J. & Wilson, C. (2016). Life Changer: A pilot study of a game-based curriculum for sexuality education. *Pediatr Adolesc Gynecol*, 29, 148-153.
- Handayani, Penny, Pandia, Weny, Putri, Agustin, Wati, Lidia P., Vincentia & Rizky, Agatha. (2019). Sexual Education for Parents and Teachers of Teenagers with Special Needs. MITRA: Jurnal Pemberdayaan Masyarakat.
- Heraf, Joanna, Plesons, Marina, Castle, Chris, Babb, Jenelle & Chandra-Mouli, Venkatraman. (2018). The revised international technical guidance on sexuality education - A powerful tool at an important crossroads for sexuality education. *Reproductive Health*.
- Jahan, Rownok. (2019). Knowledge of Sex Education among Urban and Rural Adolescents.
- Kehily, M. J. (2002). Sexing the subject: teachers, pedagogies and sex education. *Sex Education: sexuality, society and learning*, 2 (3), 215-231.
- Kenig, N. & Kostovski, D. (2019). Gender differences in the effects of comprehensive sexuality education. *Journal for ReAttach Therapy and Developmental Diversities*, 2(1), 40-50.
- Koch, Ronel, Kitching, Ansie & Yates, Hannelie. (2019). Adolescent girls' voices on their need for sexuality education: A cry for mutual sexual emancipation. *HTS Theologiese Studies / Theological Studies*, 75, 1-8.

- Kramer, Alisha (2019). Framing the Debate: The Status of US Sex Education Policy and the Dual Narratives of Abstinence-Only Versus Comprehensive Sex Education Policy. *American Journal of Sexuality Education*.
- Leung, Hildie, Shek, Daniel, Leung, Edvina & Shek, Esther (2019). Development of Contextually-relevant Sexuality Education: Lessons from a Comprehensive Review of Adolescent Sexuality Education Across Cultures. *International Journal of Environmental Research and Public Health*.
- Mahmodi GH, Hassanzadeh R, Heidari G (2007). The effect of sex education on family health on Mazandran medical university students. *Ofogh-e-Danesh Journal*; 13(2), 64-71.
- Maimunah, Siti (2019). Importance of Sex Education from the Adolescents' Perspective: A Study in Indonesia. *Open Journal for Psychological Research*, 3, 23-30.
- McGee, Michael, Haffner, Debra, Podgurski, Mary & Wilson, Pamela (2019). Past to Future: Creating a Lifelong Career in Sexuality Education—a Panel from the 2017 National Sexuality Education Conference. *American Journal of Sexuality Education*, 1-9.
- McKay, A., Byers, E. S., Voyers, S. D., Humphreys, T. P. & Markham, C. (2014). Ontario parents' opinions and attitudes towards sexual health education in the schools. *Canadian Journal of Human Sexuality*, 23(3), 159-166.
- Nagpal, A. N., Fernandes, C. (2015). Attitude of parents toward sex education. *The Int J Indian Psychol*, 2(4), 38-43.
- Naz, R. (2014). Sex education in Fiji. *Sexuality & Culture*, 18, 664-687.
- Owis, Yasmin (2019). Educate, Not Titillate: LGBTQ Issues in Sex Education.
- Polit, Denise F., & Beck, Cheryl Tatano (2006). The content validity index: are you sure you know what's being reported? Critique and recommendations. *Research in nursing & health*, 29(5), 489-497.
- Prochaska, J., & Diclemente, C. (1983). Stages and processes of self-change of smoking: Toward an integrative model of change. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 51, 390-395.
- Puolimatka, Tapio (2019). Dietrich von Hildebrand's Criticism of Amoral Sex Education. *Acta Paedagogica Vilnensia*, 43, 128-140.
- Rowe, D., Sinclair, James, Hirano, Kara & Barbour, Josh (2018). Let's Talk About Sex Education. *American Journal of Sexuality Education*, 13, 205-216.
- Sand, Logan (2019). Removing Judgement: Discussing BDSM in Adult Sexuality Education. *American Journal of Sexuality Education*, 14, 1-10.
- Sanjakdar, F., Allen, L., Rasmussen, M. L., Quinlivan, K., Brömdal, A. & Aspin, C. (2015). In search of critical pedagogy in sexuality education: Visions, imaginations, and paradoxes. *Review of Education, Pedagogy, and Cultural Studies*, 37(1), 53-70.
- Sharma, Rajni (2020). Vital Need for Sex Education in Indian Youth and Adolescents. *The Indian Journal of Pediatrics*.
- Sharon, Dganit, Gonen, Ayala & Linetsky, Ira (2020). Factors Influencing Nursing Students' Intention to Practice Sexuality Education in their Professional Work. *American Journal of Sexuality Education*, 1-17.
- Shirai, M., Tsujimura, A., Abdelhamed, Amr & Horie, Shigeo (2017). Sexuality education in Japanese medical schools. *International journal of impotence research*.
- Strauss, A. & Corbin, J. (2014). Basic of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques. 3rd ed. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Talukder, Ali (2019). Pedagogy of democratization: revisiting two classroom examples of critical pedagogy and Islamic pedagogy. *Pedagogies: An International Journal*, 1-15.
- UNESCO (2009) the rationale for sexuality education . in : international technical guidance on sexuality education: an evidence- informed approach for schools , teachers and helth educators. *Paris*, 14(1), 2-6.
- UNESCO, U., UNICEF, & UNAIDS, W. (2009). International Technical Guidance on Sexuality Education: an Evidence-informed approach for schools, teachers and health educators, 1.
- Webster, C. R. and Telingator C. J. (2016). Lesbian, gay, bisexual, and transgender families. *Pediatric Clinics*, 63(6), 1107-1119.
- Wight, D. & Fullerton, D. (2013). A review of interventions with parents to promote the sexual health of their children. *Journal of Adolescent Health*, 52(1), 4-27.

اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال دهم، شماره دوم، پیاپی ۲۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۳ (ص ۱۴۳-۱۶۱)

طراحی بسته آموزشی عزت نفس معنوی با رویکرد اسلامی و امکان سنجی در افزایش بهزیستی روانی

Development of an educational-psychological package for spiritual self-esteem with an Islamic approach and its Feasibility study in mental well-being

محمد قنبری / کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران

محمد رضا جهانگیرزاده / استادیار گروه روان شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ایران

محمد فرهوش / دکتری روان شناسی دانشگاه سمنان، ایران

✉ **Mohammad Ghanbari** / Master of Family Counseling, Institute of Higher Education in Ethics and Training, Qom, Iran
ml.qanbari@gmail.com

Mohammad Reza Jahangirzadeh / Assistant Professor, Department of Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran

Mohammad Farhoosh / PhD in Psychology, Semnan University, Iran

Abstract

This research was done with the main goal of designing a spiritual self-esteem educational package with an Islamic approach and its feasibility in increasing mental well-being. In line with the goal, a mixed research approach was used, which includes qualitative techniques to analyze the content of Islamic sources and identify the key components of strengthening spiritual self-esteem. In the qualitative part, it led to the design and organization of nine training sessions, each of which examined and strengthened different aspects of spiritual self-esteem. The content validity of package was confirmed by experts. In the quantitative part, The research has investigated the effectiveness of the educational package using an experimental design and

چکیده

این پژوهش با هدف اصلی طراحی بسته آموزشی عزت نفس معنوی با رویکرد اسلامی و امکان سنجی آن در افزایش بهزیستی روانی انجام شده است. در راستای این هدف، از رویکرد تحقیق آمیخته استفاده شده که شامل تکنیک های کیفی برای تحلیل محتوای منابع اسلامی و شناسایی اجزای کلیدی تقویت عزت نفس معنوی می باشد. در بخش کیفی به طراحی و تنظیم نه جلسه آموزشی منجر شده است که هریک به بررسی و تقویت جنبه هایی از عزت نفس معنوی پرداخته شد. روایی محتوایی این جلسات توسط کارشناسان تأیید گردید. در بخش کمی این پژوهش با استفاده از یک طرح آزمایشی و تخصیص تصادفی با نمونه آماری ۲۰ نفر، به دو گروه گواه و آزمایش، اثربخشی بسته آموزشی را

random allocation with a statistical sample of 20 people into two control and experimental groups. To evaluate the effect of the package, Riff's psychological well-being questionnaire (1989) was used in two steps of pre-test and post-test sessions, and the data were analyzed using covariance analysis. The findings showed that spiritual self-esteem is an important psychological factor that affects health and quality of life, and this educational package of spiritual self-esteem with an Islamic approach can effectively help increase mental well-being.

Key words: spiritual self-respect, sense of worth and empowerment, spirituality, educational package, psychological - mental well-being.

مورد بررسی قرار داده است. برای ارزیابی تأثیر بسته از پرسش نامه بهزیستی روانی ریف (۱۹۸۹) در دو نوبت پیش آزمون و پس آزمون استفاده شده و داده ها با استفاده از تحلیل کواریانس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند. یافته ها نشان داده اند که عزت نفس معنوی یک عامل روان شناختی مهم و اثرگذار بر سلامت و کیفیت زندگی به شمار می رود و این بسته آموزشی عزت نفس معنوی با رویکرد اسلامی می تواند به طور مؤثری به افزایش بهزیستی روانی کمک نماید.

کلیدواژه ها: بسته آموزشی، عزت نفس معنوی، رویکرد اسلامی، امکان سنجی، بهزیستی روان شناختی.

مقدمه

بهزیستی روانی از موضوعات مهم که دارای اهمیت فراوانی در جوامع مختلف است. بهزیستی روانی بیانگر آن است که افراد چه احساسی از خودشان دارند و شامل پاسخ های هیجانی افراد، رضایت مندی از زندگی و قضاوت درباره کیفیت زندگی می شود. بهزیستی روانی ساختار مهمی است که در سطح پایین منجر به افسردگی و انزوای اجتماعی و باعث فقدان احساس رضایت و اعتماد به نفس و احساس بوده و به کاهش سلامت روانی و جسمی منجر می شود (کینگ، ۲۰۰۱).

عزت نفس که به عنوان ارزیابی فرد از خودش تعریف می شود، نقش مهمی در تعیین سطح بهزیستی روانی فرد دارد. تحقیقات نشان داده اند که عزت نفس بالا با احساسات مثبت تر، پایین تر بودن سطوح استرس و اضطراب و بهبود کیفیت زندگی مرتبط است. در مقاله ای منتشر شده در «مجله روان شناسی بالینی»^۲ در سال ۲۰۲۲، محققان بر اهمیت ادغام معنویت در برنامه های درمانی برای تقویت عزت نفس و بهبود بهزیستی روانی تأکید کرده اند. آنها بیان می کنند که فرایندهای شناختی مثبت از جمله ارزیابی های مثبت از خود می تواند به عنوان مکانیزم های محافظتی عمل کند که به فرد کمک می کند تا با چالش های زندگی بهتر کنار بیاید.

1. King

2. Journal of Clinical Psychology

در کتاب «روان‌شناسی عزت نفس»^۱ اثر براندن^۲ (۲۰۲۱)، عزت نفس به‌عنوان «یکی از اساسی‌ترین نیازهای روان‌شناختی برای شکوفایی و پیشرفت انسان»، که نشان‌دهنده ارتباط مستقیم بین عزت نفس مثبت و بهزیستی روانی است، توصیف شده. براندن استدلال می‌کند که عزت نفس نه تنها بر احساس خوشبختی تأثیر می‌گذارد؛ بلکه بر توانایی فرد برای مقابله با مشکلات و بحران‌های زندگی نیز اثر می‌گذارد. مقاله‌ای در سال ۲۰۲۱ با عنوان «مجله مطالعات شادی»^۳ به بررسی چگونگی تأثیر عزت نفس بر عناصر مختلف بهزیستی روانی می‌پردازد. در این مقاله، عزت نفس به‌عنوان یک پیش‌بینی‌کننده قوی برای بهزیستی عمومی معرفی شده و تأکید می‌شود که افزایش عزت نفس می‌تواند به‌طور قابل‌توجهی به افزایش سطوح سلامت روان و رضایت از زندگی کمک کند.

در دهه‌های اخیر نیز، توجه به ابعاد معنوی و روان‌شناختی زندگی انسان‌ها و تأثیر آنها بر سلامت کلی افزایش یافته است. تحقیقات نشان داده‌اند که عزت نفس معنوی، که ناشی از ارزش‌های درونی و باورهای معنوی است، می‌تواند نقش مهمی در بهزیستی روانی افراد ایفا کند. با این حال، بیشتر مطالعات موجود تمرکز خود را بر رویکردهای غربی به سلامت روانی و عزت نفس متمرکز کرده‌اند و کمتر به تأثیرات ابعاد معنوی عزت نفس پرداخته‌اند. این پژوهش با تمرکز بر رویکردهای اسلامی به عزت نفس معنوی، سعی دارد تا فهم عمیق‌تری از چگونگی تأثیر این عنصر بر بهزیستی روانی فرد ارائه دهد و بدین ترتیب، دیدگاه جامع‌تری نسبت به توسعه مداخلات مؤثر روان‌شناختی و معنوی فراهم آورد. این بررسی نه تنها به پر کردن شکاف‌های موجود در ادبیات می‌پردازد؛ بلکه می‌تواند به طراحی برنامه‌های آموزشی و درمانی که بر اساس فرهنگ و ارزش‌های اسلامی شکل گرفته‌اند کمک کند؛ در نتیجه به ارتقای سطح عمومی سلامت جوامع در کشورهای اسلامی منجر شود.

در طول قرون گذشته بسیاری از روان‌شناسان اتفاق نظر دارند که عزت نفس از نیازهای اساسی انسان است. در ادبیات روان‌شناختی مطالب مفصلی درباره عزت نفس وجود دارد و تا امروز تحقیقات و مطالعات زیادی درباره عزت نفس و ارتباط آن با متغیرهای متعدد دیگر انجام گرفته است که بیشتر تحقیقات این مطلب مهم و اساسی را تأیید می‌کنند که عزت نفس بالا، از عوامل مثبت و مؤثر در بهداشت روانی و عزت نفس پایین، از عوامل مستعدکننده ناراحتی‌های روانی است. عزت نفس عبارت است از احساس ارزشمند بودن، این حس از مجموع افکار، احساسات، عواطف و تجربیاتمان در طول زندگی ناشی می‌شود. همه افراد، صرف‌نظر از سن، جنسیت، زمینه فرهنگی، جهت و نوع کاری که در

1. The Psychology of Self-Esteem

2. Nathaniel Branden

3. Journal of Happiness Studies

زندگی دارند، نیازمند تقویت عزت نفس هستند. پژوهشگران عزت نفس را عنصر اصلی موفقیت در عرصه زندگی می‌دانند که بر رفتارها، انتخاب‌ها و تصمیمات انسان تأثیر می‌گذارد و در صورت پایین بودن آن، مشکلات هیجانی و رفتاری در افراد پدید می‌آید (امیدی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۲۸).

کوئینک همان عزت نفس را یکی از نیازهای معنوی می‌شمارد (کوئینک،^۱ ۱۹۹۸، سالاری فر و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۱۸)، و تحقیقات فورنیر،^۲ گریف^۳ و هیرمن^۴ این‌طور نشان می‌دهد که بین معنویت و افزایش عزت نفس نیز ارتباط دوسویه و معنادار مثبتی وجود دارد (فورنیر، ۱۹۹۸، گریف و هیرمن، ۲۰۰۴، یاکوشکو، ۲۰۰۵). برخی دیگر نیز ارزیابی مثبت فرد از خویش و احساس ارزشمندی نفس را راه نیل به فضایل اخلاقی می‌دانند (آذربایجانی و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۲۸؛ عباسی‌نژاد و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۱۱۵). عزت نفس به معنای داشتن احساس ارزشمندی در آموزه‌های اسلامی، از مهم‌ترین عوامل ترک گناه و دین‌داری محسوب می‌شود.

عزت نفس با بسیاری از متغیرهای شناختی، هیجانی و رفتاری ارتباط بالایی دارد. وجود احساس ارزشمندی خود باعث شکل‌گیری شخصیتی منسجم و سالم شده و احساس ثبات، فردیت و هدفمندی می‌دهد و شخص را در به‌دست آوردن شخصیت دین‌دار، بهنجار و عامل به ارزش‌های اخلاقی کمک خواهد کرد. پژوهش‌هایی به نقش معنویت در عزت نفس کلی پرداختند. این پژوهش‌ها رابطه عزت نفس و معنویت را نشان داده‌اند. «عزت نفس معنوی» به‌عنوان یک سازه مستقل نیز بررسی گردیده است. عزت نفس معنوی به معنای احساس ارزشمندی به‌واسطه فرا رفتن از زندگی مادی روزمره و احساس توانمندی در جست‌وجوی امر قدسی و یکپارچه شدن با آن تبیین کرده‌اند. عزت نفس معنوی بر اساس منابع اسلامی یعنی فرد مسلمان خودش را بنده ارزشمند خداوند بداند و در مسیر تقرب به خدا احساس توانمندی کند، احساس کند با تلاش می‌تواند به‌مراتب بالایی معنویت و قرب خدا دست یابد (فرهوش، ۱۳۹۶). پژوهش‌های داخلی نیز نقش عزت نفس و معنویت در بهداشت و سلامت روانی و جسمی و تعامل ابعاد روان‌شناختی و معنوی آدمی در ایجاد نگرش‌های مثبت و سازگاری را مؤثر دانسته‌اند (گودرزی، سهرابی و فرخی، ۱۳۹۱).

در این پژوهش، هدف اصلی طراحی یک بسته آموزشی - روان‌شناختی مبتنی بر سازه عزت نفس معنوی است که بر اساس آموزه‌های اسلامی مرتبط با احساس ارزشمندی و توانمندی فرد توسعه یافته است (فرهوش، ۱۳۹۶). این تحقیق با توجه به وجود خلأهای کاربردی در این زمینه، سعی دارد تا با رویکردی

-
1. Quenk.
 2. Fournier
 3. Griff
 4. Hiermann

اسلامی، به دسته‌بندی و تحلیل این آموزه‌ها پردازد و بسته‌ای آموزشی را ارائه دهد. در بخش نهایی پژوهش به امکان‌سنجی اثربخشی این بسته در تقویت بهزیستی روانی افراد می‌پردازد، تا اطمینان حاصل شود که آموزه‌های به کاررفته در بسته می‌توانند به‌طور مؤثری به ارتقای بهزیستی روانی کمک کنند.

روش و ابزار پژوهش

این پژوهش در واقع از روش تحقیق آمیخته استفاده می‌کند؛ یعنی ترکیبی از روش‌های کیفی و کمی به کار گرفته شده است. این نوع تحقیق امکان می‌دهد که هم از داده‌های عمیق و توصیفی کیفی و هم از تجزیه و تحلیل‌های آماری کمی بهره برده شود، که این خود می‌تواند به اعتباربخشی به نتایج تحقیق کمک کند. پژوهش حاضر به لحاظ هدف کاربردی^۱ است. پژوهش‌های کاربردی با استفاده از زمینه فراهم‌شده از طریق تحقیقات بنیادی برای رفع نیازمندی‌های بشر، بهبود و بهینه‌سازی ابزارها و روش‌ها در جهت توسعه رفاه، آسایش و ارتقای سطح زندگی انسان مورد استفاده قرار می‌گیرد (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۹۰، ص ۸۰).

روش کار بدین گونه بود که ابتدا در ارتباط با هر مؤلفه عزت نفس معنوی، آموزه‌ها و موضوعاتی با رویکرد اسلامی مرتبط استخراج شد؛ سپس تأثیر آموزه‌ها بر تقویت هریک از مؤلفه‌های عزت نفس معنوی، توسط پژوهشگر تحلیل و تألیف شد؛ سپس مجموعه آموزه‌ها در فرمی به کارشناسان ارائه شد که بررسی کنند در هر مؤلفه کدام آموزه‌ها موجب تقویت آن مؤلفه می‌شود.

آموزه‌های مرتبط با هر مؤلفه جمع‌آوری و تحلیل شد؛ سپس بسته عزت نفس معنوی در قالب اهداف، تکنیک‌ها و تکالیف طراحی گردید و به کارشناسان ارائه شد و اهداف و تکنیک‌ها و تکالیف هر جلسه به لحاظ «روایی محتوا»^۲ مورد ارزیابی قرار گرفت.

در مرحله امکان‌سنجی از مقیاس بهزیستی روانی ریف (۱۹۸۰) استفاده گردید و با روش آزمایشی با آزمون تحلیل کواریانس، ابتدا نرمالیتی داده‌ها با آزمون کولموگروف - اسمیرنوف بررسی گردید؛ همچنین با استفاده از نتایج حاصل از آزمون لوین، پیش‌فرض تساوی واریانس‌های نمره‌ها مورد بررسی قرار گرفت، و در نهایت امکان اثرگذاری بسته عزت نفس معنوی با رویکرد اسلامی بر ارتقای بهزیستی روانی مورد بررسی قرار گرفته است. جامعه آماری این پژوهش طلاب مدارس حوزه علمیه قم و نمونه آماری ۱۰ نفر به‌عنوان گروه آزمایش و ۱۰ نفر به‌عنوان گروه گواه از طلاب قم در سال ۱۴۰۰ می‌باشند که با مراجعه به مشاور مدرسه به‌صورت تصادفی به گروه آزمایش و گواه انتصاب داده شدند.

1. Practical
2. Content validity

یافته‌های پژوهش

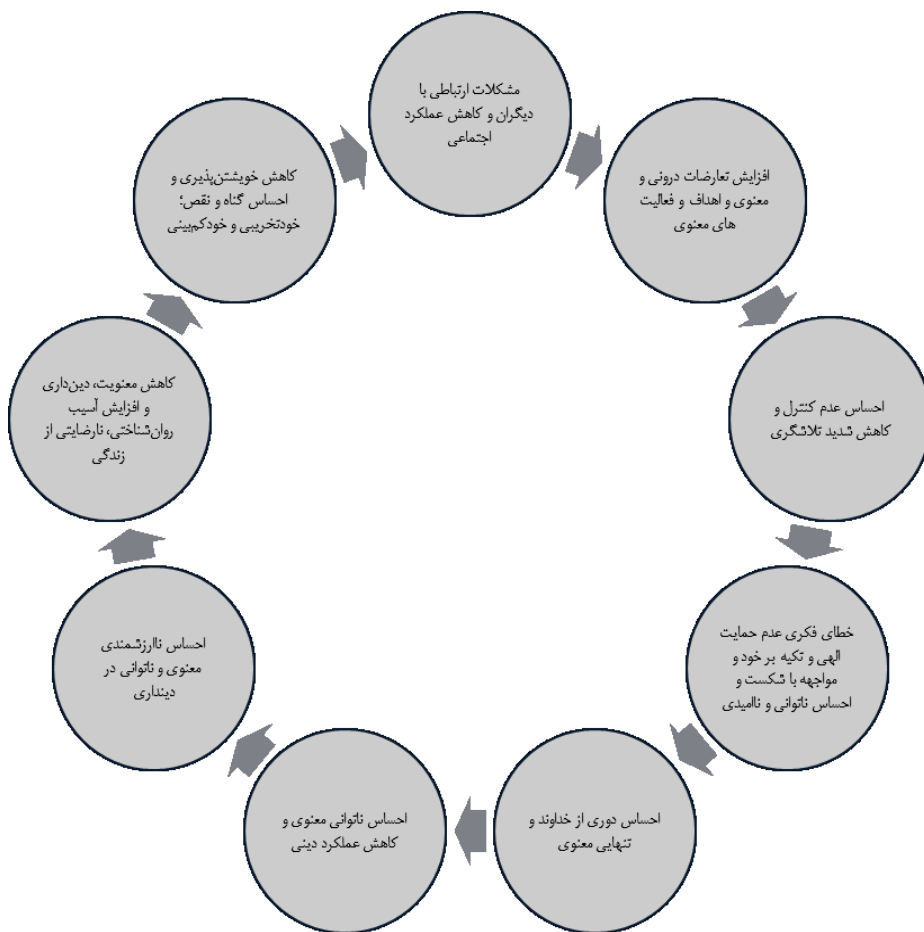
یافته‌های این پژوهش نشان داد که بسته آموزشی روان‌شناختی عزت نفس معنوی با رویکرد اسلامی که در نه جلسه طراحی شده، به بررسی و امکان‌سنجی تأثیر آن بر بهزیستی روان‌شناختی می‌پردازد. در تحقیقات انجام‌شده توسط فرهوش در سال ۱۳۹۶، سازه عزت نفس معنوی بر پایه متون اسلامی و با استفاده از نظریه زمینه تبیین شده است. به منظور رسیدن به این ابعاد، آموزه‌های اسلامی که به ارزشمندی و شایستگی فرد در جنبه معنوی مرتبط هستند، جمع‌آوری و دسته‌بندی شده‌اند، و سازه پیشنهادی عزت نفس معنوی در هفت عنصر مختلف تدوین گردیده است.

به‌منظور یافتن راهکارهای جزئی و دقیق و مداخله روشمند جهت افزایش عزت نفس معنوی، حلقه معیوب و ناسالم روان‌شناختی فقدان عزت نفس معنوی و آثار آن در بهزیستی روانی در ارتباط با هر مؤلفه و جلسه مورد بررسی و تبیین قرار می‌گیرند تا بتوان راهکارهایی را بر اساس مداخله در این محورها ارائه داد. از تلفیق جلسات، الگوی کلی برای طراحی بسته به‌دست آمد.



شکل ۱: الگوی کلی بسته عزت نفس معنوی و امکان‌سنجی آن با بهزیستی روانی

در ادامه سعی گردید تا ترتیبی منطقی بر اساس توجیه نظری مابین مؤلفه‌ها و جلسات کشف گردد که در جدول ذیل ارائه گردید.



چرخه کاهش بهزیستی روانی و عزت نفس معنوی

در مواجهه فرد با مشکلات معنوی و نارضایتی در زندگی، چرخه آسیب‌ها و کاهش بهزیستی روانی در شخص شکل می‌گیرد. با توجه به پژوهش می‌توان با معکوس‌سازی آن و افزایش احساس توانمندی و ارزشمندی معنوی، ادامه چرخه معیوب را متوقف و فرایند رشد بهزیستی روانی را تقویت نمود.

ساختار کلی بسته

پیش از طراحی جزئیات بسته، ساختار کلی آن که عبارت‌اند از: اهداف، مکانیزم تغییر، محتوا و مراحل و تکنیک‌های کلی به قرار ذیل تنظیم گردید که در جدول (۱) قابل مشاهده است.

جدول ۱: ساختار کلی اهداف، مکانیزم و فرایند بسته

به‌طور کلی بازسازی معرفتی - معنوی - هیجانی - رفتاری بر اساس: افزایش باور به توانمندی معنوی تقویت احساس نزدیکی به خداوند افزایش احساس کنترل ایجاد یکپارچگی و هدفمندی معنوی افزایش باور به بهرمندی از حمایت الهی و توکل افزایش ارتباط کریمانه با مردم اصلاح تحریف‌های شناختی نسبت به خود و خویش‌پندیری جهت تقویت عزت نفس معنوی و افزایش بهزیستی روانی	اهداف
۱. تغییر معرفتی در ارتباط با ارزش و توان خود و نسبت خود و خداوند و جایگاه در هستی ۲. تغییر معنوی در ارتباط با خدا و خود ۳. تغییر هیجانی بر اساس باورهای معنوی ۴. تغییر رفتاری بر اساس باورها و احساسات نسبت به خود و خداوند در ارتباط و رفتار با خود و دیگران	مکانیزم تغییر
۱. تبیین ۲. آسیب‌شناسی ۳. فراهم آوردن زمینه‌های تجربه معنوی ۴. شناخت عوامل افزایشنده و کاهنده احساس ارزشمندی و توانمندی معنوی ۵. بررسی موقعیت‌های آسیب‌زا بهزیستی روانی ۶. آسیب‌شناسی معرفتی نحوه مواجهه با این موقعیت‌ها و کاهش عزت نفس معنوی و بهزیستی روانی ۷. بررسی ارتباط آسیب‌شناسی فوق با آموزه‌های عزت نفس معنوی ۸. آموزش راهکارهای عزت نفس معنوی به‌طور تفصیلی توسط درمانگر / مربی / استاد - بازسازی معرفتی - معنوی - هیجانی - رفتاری با استفاده از تکنیک‌ها، تمرین و تثبیت و کمک به برنامه‌ریزی معنوی	محتوا و مراحل
۱. تبیین، مشارکت جمعی (بحث گروهی)، بارش فکری، پرسشگری سقراطی، متقاعدسازی، گفت‌وگوی تطبیقی ۲. تکرار و توجه به آموزه‌ها و همراه با مراقبه و تأمل درون و خارج از جلسه ۳. تمرین‌های شناختی رفتاری برآمده از آموزه‌ها، درون و خارج از جلسه	تکنیک‌های کلی

بسته آموزشی عزت نفس معنوی با رویکرد اسلامی در نه جلسه طراحی گردید و با تمرکز بر سازه هفت مؤلفه‌ای عزت نفس معنوی در جلسات اول به معرفی بسته و ایجاد یک رابطه آموزشی، درمانی با شرکت‌کنندگان و انگیزه‌سازی پرداخته شد و در جلسات بعدی به ترتیب به مؤلفه‌های باور به توانمندی

معنوی، توکل و امداد الهی، احساس نزدیکی به خدا، احساس کنترل، یکپارچگی معنوی، ارتباط کریمانه با مردم و خویش‌نشدن‌پذیری پرداخته شد، که به شرح ذیل می‌باشد:

جدول ۲: خلاصه بسته عزت نفس معنوی

شماره جلسه	اهداف جلسه	محتوای جلسه	تکالیف
۱	جلسه اول: معرفی بسته عزت نفس معنوی ایجاد رابطه آموزشی و درمانی با شرکت‌کنندگان و آشنایی با سبک معیوب و آثار فقدان بهزیستی روانی و عزت نفس معنوی ایجاد انگیزش و حس مثبت معنوی	اجرای فنون ارتباطی: احترام، گوش کردن فعال، ایجاد احساس امنیت، پاسخ‌دهی به نیاز مخاطبین، پذیرش بی‌قیدوشرط و ایجاد انگیزه و امید نسبت به رشد و تغییر. تبیین آثار فقدان عزت نفس معنوی و پیامدهای فقدان بهزیستی روانی بیان آثار عزت نفس معنوی در کیفیت زندگی شرکت‌کنندگان و انگیزش و امید آنان برای افزایش عزت نفس معنوی ارزیابی بینش و آگاهی شرکت‌کنندگان تبیین قوانین کارگاه و وظایف مخاطبین ارزیابی عمومی از میزان عزت نفس معنوی همدلی با مشکلات کمبود عزت نفس معنوی شرکت‌کنندگان	تهیه گزارشی از نشانگان فقدان یا پایین بودن عزت نفس معنوی و توجه به این بعد از عزت نفس در بینش فرد در زندگی معنوی خود و همچنین بهزیستی روان‌شناختی گزارش انواع پیامدهای رفتاری و عاطفی فقدان عزت نفس معنوی در رفتارهای معنوی خود (اعتقادات، بینش‌ها + صفات + اعمال عبادی و معنوی و بهزیستی روانی) گزارش موارد و موقعیت‌هایی که احساس عزت نفس معنوی داشتید یا احساس فقدان عزت نفس معنوی دارید و همچنین بهزیستی روان‌شناختی انجام آزمون عزت نفس معنوی و بهزیستی روان‌شناختی ریف
۲	جلسه دوم: تقویت باور به توانمندی معنوی و قابلیت‌های خویش برای رشد معنوی، برتری و جایگاه آدمی در هستی، آشنایی با عوامل تقویت باور به توانمندی معنوی	ثبت توانایی‌ها / دارایی‌های معنوی، یا مرور ذهنی جهت‌دار، یا بحث و گفت‌وگو جهت آگاهی و توجه به توانمندی‌ها و امکانات معنوی و استعداد ویژه برای تقرب به خدا و تقویت باور به توانمندی معنوی، توجه به توانایی فکری و جسمی اعطایی از جانب خدا برای تصرف در عالم ماده و تقویت آن، شناخت و توجه به نعم الهی	مراقبت روزانه بر فعالیت‌های معنوی و عبادی، مراقبه تأملی، تفکر در موضوع جایگاه انسان در هستی و توانمندی‌های رشد معنوی ثبت آن در جدول روزانه عزت نفس معنوی، مطالعه و تدبر در قرآن و روایات و ادعیه به‌صورت روزانه، توجه و تکرار جملات تقویت‌کننده باور به توانمندی معنوی انسان، نمونه‌یابی و مطالعه زندگی اسوه‌های کرامت نفس، مراقبت تأملی توجه و شکر از نعمت هدایت،

شماره جلسه	اهداف جلسه	محتوای جلسه	تکالیف
۳	جلسه سوم: تقویت احساس نزدیکی به خدا شناخت نسبت و جایگاه عظیم انسان و خداوند، احساس انس و قرب، تقویت احساسات عرفانی و نزدیکی با خدا در هنگام مناجات و عبادت و تلاوت قرآن و متون عرفانی و هنگام مشاهده نشانه‌ها و نعم الهی در طبیعت	تبیین نسبت و رابطه عبد و مولا (انسان و خداوند)، تبیین اهمیت خودسازی و ترک گناه، تبیین نقش درک مراتب ایمان و بندگی و اجرای فرامین الهی، تقویت کیفی عبادات به‌خصوص نماز، تبیین اهمیت و نقش علاقه به حق و تخلق به اخلاق الهی / ارائه فرازهای مناجاتی دعای عرفه و ابوحمزه و شناخت و محبت و توسل به اهل‌بیت	خواندن مناجات‌محبین با ملاحظه و آرامش و توجه به معانی زیبای آن، گفت‌وگوی محاوره‌ای و ساده با خداوند و اهل‌بیت در تک‌تک موقعیت‌های روزمره، تکرار آرام و با توجه ذکر «یا رحیم» «یا قریب» «یا حبیب» «یا رفیق» «یا لاریق» و مجموعه از اذکاری که از محور حبیبی و انس با خداوند دارند، توصیف و تصور زیبا و پر احساس از نعمات الهی به فرد / زیبایی‌های طبیعت / داستان سبب و سلول‌های آن (نامه عاشقانه)، توجه به تک‌تک نفس‌ها و جزء جزء نعمی که تناول می‌کند؛ آنها را هدیه‌ای پرمحبت از خدا ببیند و به این حس زیبای محبتی توجه داشته باشد
۴	جلسه چهارم: تقویت باور به بهره‌مندی از حمایت الهی و توکل، آشنایی با مفهوم توکل و آثار آن، تقویت شناخت و باور به ساحت ربوبیت و حمایت‌گری خداوند و درونی‌سازی آن، افزایش احساس توانمندی به‌واسطه واگذاری کار به خدا + (احساس آرامش) افزایش توانایی مقابله با مشکلات، انعطاف و کاهش ترس و اندوه برآمده از احساس ناتوانی	واگذاری امور و مشکلات به خدا / القا آرامش و اعتماد به نفس و احساس توانمندی و احساس بهره‌مندی از یاری و پشتیبانی خداوند، مناجات با خدا در هنگام مشکلات و ابراز توکل (ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا ... / قالوا ربنا افرغ علينا صبراً ...) + راهکارهای شناختی و معرفتی (تقویت ایمان، یقین به حقانیت خدا، اعتماد به خدا، باور به حکمت و مصلحت خدا) توجه به ابعاد مثبت و قابل حل مشکلات، بازخوانی و توجه به خاطرات و تجربه‌های مثبت گذشته، استعانت به صبر و نماز، تقویت توانایی مقابله، انعطاف و مهارت حل مسئله / رویکرد هیجان‌مدار مثبت و مسئله‌مدار مثبت معنوی	مراقبت تأملی و روزانه بر توجه به نصرت، امداد و حمایت الهی در هر مشکل، تکرار ذکر «حسبنا الله و نعم الوکیل» همراه با توجه به تکیه‌گاه، تکرار ذکر «لا حول و لا قوة الا بالله» همراه با توجه به اراده کامل خداوند در واگذاری امور به او، مطالعه حکایت‌های قرآنی توکل (داستان حضرت ابراهیم و نمرود) مرور روایات و زندگی‌نامه شخصیت‌ها و علمای برجسته اخلاق با محوریت توکل، مطالعه کتاب‌ها در باب توکل: توکل به خدا؛ راهی به‌سوی حرمت خود و سلامت روان - شجاعی، کتاب رضایت از زندگی / الگوی شادکامی - عباس پسندیده
۵	جلسه پنجم: احساس کنترل، تقویت باور به نقش اراده و تلاش و تقویت احساس توانمندی و ارزشمندی، تقویت باور به نقش تلاش در جایگاه بهتر در آخرت	تبیین جایگاه اراده نسبت به عوامل دیگر در زندگی و نقش تلاش محوری و فرایندگرایی به‌عنوان ملاک ارزش‌گذاری خداوند و تلاش برای ایجاد موقعیت‌های و تجربه معنوی هدف‌گذاری رفتارهای معنوی کوچک و پایدار در امور زندگی	مداومت بر یک فعالیت معنوی روزانه، ورزش (تقویت اراده)، شناخت، ارتباط و مرادبه با انسان‌های مؤمن و موفق، مطالعه کتاب گام‌های موفقیت در پرتو قرآن کریم - محمدعلی انصاری، مطالعه کتاب جوان و انتخاب بزرگ - اصغر طاهرزاده، مطالعه کتاب خودمهارگری اسلامی - رفیعی‌هنر

شماره جلسه	اهداف جلسه	محتوای جلسه	تکالیف
۶	جلسه ششم: هدفمندی معنوی و یکپارچگی معنوی توجه به هدفی معنوی در زندگی، بعد معنوی دادن به مسائل روزمره، کاهش حسرت گذشته و ترس از آینده، کاهش دوگانگی و تعارضات درونی، شناخت و تقویت اخلاص، کاهش نیاز به دیگران در منبع احساس ارزشمندی معنوی	تبیین مبانی و مفهوم یکپارچگی و ارائه راهکاری شناختی و عملی در رفع دوگانگی معنوی تبیین لزوم وجود معنا در زندگی و تعارضات درونی	برنامه‌ریزی روزانه عبادی و اخلاقی / جدول مشارطه و مراقبه، انجام واجبات و مستحبات به صورت روزانه و مستمر، عدم تفکیک بین کارهای عبادی و فعالیت‌های روزانه و توجه به عبودیت تمامی فعالیت‌ها، تهیه لیستی از تعارضات درونی و تفکر در آنها، تهیه لیستی از موقعیت‌ها و رفتارهایی مخدوش به ریا و تفکر در آن، مطالعه حدیث دوم در باب ریا کتاب چهل حدیث اخلاقی امام خمینی ^{۱۰}
۷	جلسه هفتم: ارتباط کریمانه با مردم، تقویت احساس ارزشمندی معنوی فرد به واسطه معاشرت نیکو به عنوان عمل صالح، تقویت لذت رفتار کریمانه با دیگران، تقویت احساس ارزشمندی معنوی فرد به واسطه توجه به محبت بین فردی به عنوان پیامد خوش‌رویی با دیگران	تفکیک بین فعل و فاعل، شخصیت و رفتار دیگران و افزایش تاب‌آوری، تبیین آداب معاشرت و یادگیری فنون گفت‌وگو. توجه‌بخشی به جایگاه مؤمنین در منظر خداوند، تبیین اهمیت و نقش مراد و معاشرت با افراد بالیمان و با اخلاق و خیر، تبیین اهمیت احترام و تواضع نسبت به دیگران و نقش آن در احساس ارزشمندی، تبیین اهمیت مدارا با مردم و ایجاد محبت و علاقه بین خود و خانواده و دوستان، تبیین نقش برآوردن نیازهای مردم و یاری آنها و احساس یگانگی و خویشاوندی و برادری در تقویت احساس ارزشمندی و توانمندی معنوی، ارزیابی مثبت عمل صالح و توجه به لذت رفتار کریمانه و محبت دیگران به او	بخشیدن خطای دیگران، راهکارهای تقویت خوش‌رویی، محبت و مهربانی با مردم و اطعام و هدیه و صدقه، خواندن و توجه به معانی و منطق کریمانه فقرات دعای «اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ...» ^{۱۱} توجه به نکات مثبت عالی در اطرافیان و توجه به حس مثبت بین فردی و تفکیک افعال منفی از ذات افراد، صلۀ رحم و افزایش مراد و با خانواده‌های مذهبی و اخلاق مدار، مطالعه سیر و سلوک رفتاری و اخلاقی ائمه اطهار، مشارکت در امور خیریه و نیکوکاری، خوش‌رفتاری با اعضای خانواده و دوستان، تمرین اسناد خوش‌بینانه (غیر خصمانه) به صورت روزانه و ثبت آنها در جدول روزانه عزت نفس معنوی

۱۰. «اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ، اللَّهُمَّ أَشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ، اللَّهُمَّ اكْسُ كُلَّ غَرَبَانٍ، اللَّهُمَّ اقْضِ دَيْنَ كُلِّ مَدِينٍ، اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنْ كُلِّ مَكْرُوبٍ، اللَّهُمَّ رُدِّ كُلَّ غَرِيبٍ، اللَّهُمَّ فَكِّ كُلِّ اسِيرٍ، اللَّهُمَّ أَصْلِحْ كُلَّ فَاسِدٍ مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ اشْفِ كُلَّ مَرِيضٍ» (شیخ عباس قمی، ۱۳۵۹ق)

شماره جلسه	اهداف جلسه	محتوای جلسه	تکالیف
۸	جلسه هشتم: خویشن‌پذیری، تبیین خطاها و تحریف شناختی کاهنده عزت نفس معنوی، تقویت روحیه تلاشگری در مقابل نتیجه‌گرایی، تبیین کمال‌گرایی افراطی، افزایش محبت معنوی به خود از راه توبه	راهکارهای اصلاح تحریف‌های شناختی و تفکرات افزایش‌دهنده عزت نفس معنوی جایگزینی تلاش محوری به جای نتیجه‌گرایی تبیین آسیب‌های کامل‌گرایی و راهکارهای خروج از آن	تهیه لیستی از خطاهای شناختی نسبت به عزت نفس معنوی خود، استغفار از گناهان و توجه به محبت خداوند نسبت به توبه‌کاران، توجه به تفکیک بین انزجار از رفتار خطا و شخصیت، تهیه لیستی از نقاط قوت و نقاط ضعف و عادات روزمره، تهیه لیست ناکاملی‌ها و تصمیم‌گیری در مورد آنها (مهارت تصمیم‌گیری و بستن پرونده‌های باز) تنظیم جدول ارزیابی هیجانات، تنظیم و تکمیل جدول مدیریت احساس، موقعیت‌ها و رفتار، احساس نشاط
۹	جلسه نهم: جمع‌بندی و راهکارهای حفظ و تثبیت دستاوردها، ارزیابی از میزان عزت نفس معنوی و بهزیستی روان‌شناختی، افزایش خودآگاهی بعد معنوی عزت نفس، ارزیابی میزان رضایت‌مندی مخاطبین از دوره، جمع‌بندی و پیگیری	مراقبت‌شناختی و باور به احساس توانمندی و ارزشمندی معنوی، مراقبت عاطفی و هیجانی و رفتاری، نسبت به عزت نفس معنوی، بازخوانی افکار بنیادی مخدوش و مضر به عزت نفس معنوی، هم‌افزایی و پیش‌بینی موقعیت‌هایی کاهنده عزت نفس معنوی	ثبت و تدوین محتوای دوره عزت نفس معنوی و مرور ماهانه آن، مطالعات پایدار و کوتاه کتاب‌های معرفی شده در بسته، ارائه راهکارهای حفظ و تداوم عزت نفس معنوی و بهزیستی روان‌شناختی، معرفی کتب مرتبط با مؤلفه‌های عزت نفس معنوی، معرفی و سوق‌دهی ارتباط با اساتید اخلاق و تربیت

در مرحله بررسی روایی بسته عزت نفس معنوی با رویکرد اسلامی نتایج در اختیار ۱۱ خبره قرار گرفت که از روایی مطلوب برخوردار بوده و بر این اساس ضریب نسبی روایی محتوا برای تمامی جلسات، بزرگ‌تر از مقدار مورد نیاز بر اساس جدول لاوشه بوده و ضریب نسبی روایی محتوا برای همگی جلسات بیش از ۰/۵ بود و به تأیید کارشناسان رسیده است؛ همچنین شاخص روایی محتوای تمام جلسات از ۰/۷۹ بیشتر بوده و به تأیید خبرگان رسید و به غیر از جلسه ششم و هفتم، در تمام جلسات جمع تعداد کارشناسانی که گزینه کاملاً مرتبط یا مرتبط اما نیاز به بازبینی را انتخاب نموده‌اند، به ۱۱ می‌رسد (بنابراین $CVI=1$)، و تنها این تعداد در دو جلسه، به ده رسیده است که با این حال CVI برابر با ۰/۹۱ شده است و لذا شاخص روایی محتوای تمام جلسات با اختلاف زیادی از ۰/۷۹ بیشتر شده و مورد تأیید می‌باشد.

در بخش تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش بر اساس امکان‌سنجی بسته بر بهزیستی روان‌شناختی جهت بررسی پیش‌فرض‌های آزمون تحلیل کوواریانس، ابتدا نرمالتی داده‌ها با آزمون کولموگروف -

اسمیرنوف بررسی شد، از آنجاکه سطح معناداری در تمامی متغیرها بیش از ۰/۰۵ بود ($P > 0/05$)، نرمال بودن متغیرها تأیید شد. نتایج حاصل از آزمون لوین نشان داد، پیش‌فرض تساوی واریانس‌های نمره‌ها برقرار است ($P > 0/05$)؛ همچنین نتایج حاصل از آزمون ام باکس (همسانی ماتریس‌های واریانس - کوواریانس) پیش‌فرض برابری کوواریانس‌ها در همه تحلیل‌ها را تأیید کرد (آزمون لامبدای ویلکز). به‌منظور بررسی پیش‌فرض همگنی شیب رگرسیون نیز تعامل متغیرهای وابسته و هم‌پراش بررسی شد، نتایج نشان داد که ($P > 0/05$) است و پیش‌فرض همگنی شیب رگرسیون برقرار است؛ بنابراین تمامی پیش‌فرض‌های آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیری برقرار است.

جدول ۳: میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیر	گروه‌ها	پیش‌آزمون		پس‌آزمون	
		میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد
استقلال	آزمایشی	۱۰/۳	۱/۶	۱۴/۵	۱/۱
	گواه	۱۰/۳	۱/۶	۱۱/۳	۱/۶
تسلط بر محیط	آزمایشی	۹/۸	۲/۴	۱۶/۵	۲/۶
	گواه	۹/۸	۲/۴	۱۰/۸	۲/۴
رشد شخصی	آزمایشی	۱۱/۶	۳/۲	۱۴/۸	۳/۰
	گواه	۱۱/۶	۳/۲	۱۲/۶	۳/۲
ارتباط مثبت با دیگران	آزمایشی	۱۰/۰	۱/۹	۱۵/۰	۲/۷
	گواه	۱۰/۰	۱/۹	۱۱/۰	۱/۹
هدفمندی در زندگی	آزمایشی	۹/۸	۴/۰	۱۵/۸	۲/۴
	گواه	۹/۸	۴/۰	۱۰/۸	۴/۰
پذیرش خود	آزمایشی	۹/۹	۳/۰	۱۵/۵	۲/۳
	گواه	۹/۹	۳/۰	۱۰/۹	۳/۰
بهزیستی کل	آزمایشی	۶۱/۳	۹/۲	۹۰/۰	۹/۶
	گواه	۶۱/۳	۹/۲	۶۷/۳	۹/۲

جدول ۴: نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیری (مانکوا) متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته	مقدار	Df فرضیه	df خطا	F	سطح معناداری	مجذور اتا
آزمون اثر پیلاپی	۰/۹۵۳	۱۰/۰۳۱	۶/۰۰۰	۳/۰۰۰	۰/۰۴۳	۰/۹۵۳
آزمون لامبدای ویلکز	۰/۰۴۷	۱۰/۰۳۱	۶/۰۰۰	۳/۰۰۰	۰/۰۴۳	۰/۹۵۳
آزمون اثر هتلینگ	۲۰/۰۶۲	۱۰/۰۳۱	۶/۰۰۰	۳/۰۰۰	۰/۰۴۳	۰/۹۵۳
آزمون بزرگ‌ترین ریشه روی	۲۰/۰۶۲	۱۰/۰۳۱	۶/۰۰۰	۳/۰۰۰	۰/۰۴۳	۰/۹۵۳

همان طور که نتایج در جدول (۳) مشاهده می شود، تفاوت دو گروه آزمایشی و گواه در مؤلفه های بهزیستی در مجموع معنادار است. به عبارت دیگر، بین آزمودنی هایی که مداخلات عزت نفس معنوی را دریافت کرده اند، در مرحله پس آزمون، حداقل به لحاظ یکی از متغیرهای وابسته تفاوت معنی داری وجود دارد. میزان این تفاوت ۹۵ درصد می باشد؛ یعنی ۹۵ درصد تفاوت های فردی در متغیرها، مربوط به تفاوت بین گروه ها می باشد. جهت تعیین متغیرهایی که پس آزمون با پیش آزمون تفاوت معنادار دارد، آزمون تحلیل کوواریانس تک متغیره انجام شد. نتایج در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۵: نتایج تحلیل کوواریانس تک متغیری (آنکوا) متغیرهای پژوهش

منبع تغییرات	متغیر وابسته	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	مقدار F	سطح معناداری	ضرایب اتا
گروه	استقلال	۴۲/۲۵۰	۱	۴۲/۲۵۰	۱۷/۴۸۳	۰/۰۲۵	۰/۸۵۴
	تسلط بر محیط	۴۹/۵۰۰	۱	۴۹/۵۰۰	۱۶/۵۰۷	۰/۰۱۰	۰/۷۷۷
	رشد شخصی	۱۱/۰۲۵	۱	۱۱/۰۲۵	۳/۹۹۵	۰/۰۸۵	۰/۳۶۱
	ارتباط مثبت با دیگران	۳۴/۰۰۰	۱	۳۴/۰۰۰	۲۳/۰۳۶	۰/۰۰۴	۰/۸۱۵
	هدفمندی در زندگی	۵۳/۰۴۷	۱	۵۳/۰۴۷	۴/۷۵۴	۰/۰۹۲	۰/۵۳۴
	پذیرش خود	۷۵/۶۲۵	۱	۷۵/۶۲۵	۱۳/۷۱۶	۰/۰۱۰	۰/۶۹۰
	کل بهزیستی	۲۰۷۰/۲۵۰	۱	۲۰۷۰/۲۵۰	۵۰/۱۸۸	۰/۰۰۰	۰/۸۷۸

نتایج جدول (۵) نشان می دهد تفاوت بین میانگین های تعدیل شده پس آزمون دو گروه آزمایش و گواه در نمرات مؤلفه های بهزیستی روانی معنادار بوده است و شرکت کنندگان در گروه عزت نفس معنوی به طور معناداری بیش از شرکت کنندگان در گروه گواه، در تسلط بر محیط، ارتباط مثبت با دیگران، پذیرش خود و بهزیستی روانی افزایش داشته اند. بر اساس پس آزمون میزان تأثیر عزت نفس معنوی در افزایش تسلط بر محیط ۷۸ درصد، ارتباط مثبت با دیگران ۸۱ درصد، پذیرش خود ۶۹ درصد، بهزیستی روانی کل ۸۸ درصد است ($P < 0/001$).

بحث و نتیجه گیری

یافته های پژوهش نشان داد که بسته آموزشی روان شناختی عزت نفس معنوی با رویکرد اسلامی از روایی مطلوبی برخوردار است. عزت نفس معنوی بر اساس منابع اسلامی؛ یعنی فرد به لحاظ معنوی احساس ارزشمندی کند؛ همچنین در مسیر تقرب به خدا، احساس توانمندی کند؛ احساس کند با تلاش می تواند به مراتب بالای معنویت و قرب خدا دست یابد. سازه عزت نفس معنوی از هفت مؤلفه تشکیل شده است:

۱. باور به توانمندی معنوی؛ ۲. توکل و امداد الهی؛ ۳. احساس نزدیکی به خدا؛ ۴. احساس کنترل؛ ۵. یکپارچگی معنوی؛ ۶. ارتباط کریمانه با مردم؛ ۷. خویش‌پذیری. پژوهش نشان می‌دهد تفاوت بین میانگین‌های تعدیل‌شده پس‌آزمون دو گروه آزمایش و گواه در نمرات مؤلفه‌های بهزیستی روانی معنادار بوده است و شرکت‌کنندگان در گروه عزت نفس معنوی به‌طور معناداری بیش از شرکت‌کنندگان در گروه گواه، تغییرات مثبتی داشتند که بر اساس پس‌آزمون میزان تأثیر عزت نفس معنوی در افزایش تسلط بر محیط، ارتباط مثبت با دیگران، پذیرش خود و بهزیستی روانی کل مثبت و افزایش‌دهنده بوده است.

مطالعات نشانگر این نکته است که عزت نفس معنوی یک عامل روان‌شناختی مهم اثرگذار بر سلامت و کیفیت زندگی به‌شمار می‌رود. با افزایش عزت نفس معنوی، احساس توانمندی و ارزشمندی و عزت نفس کلی در فرد به وجود می‌آید و تغییرات مثبتی در تمامی ابعاد زندگی معنوی و روزمره خود؛ همچون پیشرفت تحصیلی، افزایش تلاش برای کسب موفقیت، داشتن اعتمادبه‌نفس بالا، بلند همت بودن و تمایل به داشتن سلامت بهتر در فرد پدیدار می‌شود. نتایج تحقیق حاضر با توجه به افزایش عزت نفس کلی نیز با نتایج تحقیق بک و همکارانش همخوانی داشته است، به‌طوری‌که عزت نفس می‌تواند رابطه متضاد و معکوسی با مشکلات روان‌شناختی داشته باشد، به‌طوری‌که در برخی از این تحقیقات نمونه‌ها با داشتن مشکلات روان‌شناختی از عزت نفس بالایی برخوردار بودند؛ همچنین در تعدادی از مطالعات بین عزت نفس با مشکلات و اختلالات سلامت روانی، روابط علی کاملاً واضح و متقنی گزارش نشده است.

پژوهش‌هایی به نقش معنویت در عزت نفس کلی، رابطه هوش معنوی و عزت نفس کلی، رابطه مؤلفه‌های هوش معنوی و عزت نفس کلی پرداختند (برای نمونه تاج‌آبادی هرات و کارگریان مروتی، ۱۳۹۴، فراهنگ‌پور، نوربخش و مولوی، ۱۳۹۴). این پژوهش‌ها رابطه عزت نفس و معنویت را نشان داده‌اند، «عزت نفس معنوی» به‌عنوان یک سازه مستقل نیز بررسی گردیده است (فرهوش، ۱۳۹۶).

پژوهش‌هایی نیز به لحاظ نظری آثار معنوی عزت نفس تبیین شده است؛ مانند نرم‌خویی، وفاداری، پایبندی به عهد و پیمان، ساده‌زیستی و بی‌توجهی به جلوه‌های دنیا، بخشودگی (مهدوی‌کنی، ۱۳۸۹، ص ۶۰۲)، دوری از ریا و خودنمایی (ابن‌فهد حلی، ۱۳۷۵، ص ۳۶۰)، دوری از گناه و معصیت (رایزن، ۱۳۸۸؛ به نقل کانون نشر و ترویج فرهنگ اسلامی حسنات اصفهان، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۳۵)، اما اکثر پژوهش‌های میدانی تنها به لحاظ روان‌شناختی به آثار مثبت «عزت نفس» توجه کرده‌اند؛ مانند تفکر انتقادی و توانایی حل مسئله (امیرپور، ۱۳۹۱؛ عباسی و همکاران، ۱۳۹۲)، خویش‌داری (مدانلو، حقانی و جعفرپور علوی، ۱۳۸۰؛ عارفی، ۱۳۸۹)، سازگاری اجتماعی (مظاهری و همکاران، ۱۳۸۵؛ اصل فتاحی و نجارپور استادی، ۱۳۹۰)، کاهش درگیری ذهنی و کشمکش فکری با اطرافیان (آزادمرزآبادی،

هوشمندجا و پورخلیل، ۱۳۹۱؛ اردلان، سرچپانی و سرچپانی، ۱۳۹۳)، کاهش خشم و پرخاشگری (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۰؛ پیوسته‌گر و همکاران، ۱۳۹۰؛ کرمی، بهارلو، زارعی و ثابت، ۱۳۹۲)، کاهش خودشیفتگی، خودبرتربینی و اغراق در توانمندی‌ها (براندن، ۱۳۸۸، ص ۲۲؛ بساک‌نژاد، ۱۳۸۸؛ یزدی و مختاری، ۱۳۹۰؛ پیوسته‌گر و همکاران، ۱۳۹۰)، کاهش خودکم‌بینی و غرب‌زدگی (عابدی، ۱۳۹۰)، کاهش احساس تنهایی (احدی، ۱۳۸۸)، کاهش جرم (ذبیحی و همکاران، ۱۳۸۹؛ محمدی و همکاران، ۱۳۹۲)، کاهش احساس شرم و گناه (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۲)، اما به اهداف و فن‌ها و روش‌های تقویت عزت نفس معنوی پرداختند (فرهوش ۱۳۹۶).

برخی پژوهش‌ها نیز به راهکارهای تقویت عزت نفس کلی پرداختند، مهم‌ترین این عوامل عبارت‌اند از: دل‌بستگی ایمن، نوع رویکرد تربیتی والدین (لیم و لی، ۲۰۱۷^۱)، جایگاه اقتصادی اجتماعی، سلامت جسمی، عوامل شخصیتی و روابط اجتماعی فرد (وان سوست و همکاران، ۲۰۱۷^۲)، آموزش مهارت زندگی (لطیفی و همکاران، ۱۳۹۱؛ خالدیان، ۱۳۹۲)، تقویت جرئت‌آموزی (به‌پژوه و حجازی، ۱۳۸۶)، کیفیت زندگی (زکی، ۱۳۸۶)، آموزش مهارت‌های مثبت‌اندیشی (برخوری و همکاران، ۱۳۸۸)، آموزش بازسازی شناختی (کتیبایی و همکاران، ۱۳۸۹؛ وطن‌خواه و همکاران، ۱۳۹۰) و آموزش مهارت‌های اجتماعی (حسینی‌نسب و همکاران، ۱۳۸۹). در جمع‌بندی می‌توان گفت رویکرد غالب در این پژوهش‌ها توجه به عوامل و راهکارهای روان‌شناختی نسبت به عزت نفس کلی بوده است و به ابعاد و عوامل تقویت‌کننده عزت نفس معنوی توجه نشده است. در این پژوهش راهکارهای فوق به معنویت با رویکرد اسلامی آمیخته شده و عزت نفس معنوی را نیز تقویت نموده و اثربخشی بیشتر را شکل می‌دهد.

محدودیت‌ها هر پژوهشی در مسیر اجرا، ناگزیر از رویارویی با مسائلی است که تفسیر، تبیین و تعمیم‌یافته‌های آن را با محدودیت مواجه می‌کند. پژوهشگر باید با صرف وقت و انرژی لازم متناسب با شرایط پژوهش سعی نماید مشکلات و محدودیت‌های پژوهش را به حداقل رساند. علاوه بر این هر تحقیقی از ابتدای امر یعنی انتخاب موضوع تا مراحل اجرا، تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری دارای محدودیت‌هایی است. بیان محدودیت‌ها در پژوهش به محققانی که قصد تحقیق در زمینه‌های مختلف را دارند، کمک می‌کند تا با دیدی باز و آگاهی از موانع، کمبودها و محدودیت‌های تحقیق به امر پژوهش در زمینه‌های مشابه بپردازند. پژوهش حاضر نیز از این امر استثناء نبوده است. در ادامه به برخی از محدودیت‌های پژوهش حاضر اشاره می‌گردد.

1. Lim, Y., & Lee, O.

2. Von Soest, T. et al

هرچند نتایج پژوهش نشان داد که بسته آموزشی عزت نفس معنوی در جلسات از روایی مطلوب برخوردار است و اهداف مورد نظر را برآورده می‌نماید؛ اما برای سنجش اثرگذاری آن، نیاز به بررسی‌های بیشتر، اجرا و آزمایش تجربی آن در بین افراد و بوم‌های مختلف است.

در این پژوهش سلسله جامع اسناد روایاتی که مبنای استخراج راهکارها بودند، مورد بررسی قرار نگرفته است. البته تلاش شده است تا از منابع دست اول روایی استفاده گردد؛ همچنین به راهکارها و اعمال مأثورهای که برای افزایش عزت نفس معنوی از جانب معصومین علیهم‌السلام صادر شده بودند، اکتفا گردید؛ لذا از دستورات غیرمأثوره ولو مجرب، چشم‌پوشی شد.

عدم وجود تحقیقات مشابه در کشور و حتی خارج از کشور از مهم‌ترین محدودیت‌ها این پژوهش است که امکان مقایسه نتایج این پژوهش با نتایج تحقیقات مشابه را امکان‌پذیر نکرد.

دشواری دسترسی به مخاطبین و جلب رضایت آنان جهت شرکت در دوره و تکمیل پرسش‌نامه‌ها نیز از محدودیت‌های این پژوهش به حساب می‌آید؛ به‌ویژه در سال‌های کرونا در کشور حضور افراد بسیار محدود است.

مقیاس بهزیستی روانی، در خارج از کشور طراحی شده و اگرچه روایی و پایایی آنها در پژوهش‌های داخلی به اثبات رسیده؛ لکن همچنان نگرانی از بابت عدم تطابق آنها با فرهنگ بومی وجود دارد.

حجم نمونه تنها ۲۰ نفر بود که اگرچه طبق معیارها برای امکان‌سنجی کافی و طبق قواعد روش آزمایشی بود؛ اما اگر تعداد حجم نمونه به تعداد بیشتری افزایش می‌یافت، نتایج بهتری به دست می‌آمد.

با توجه به موانع و محدودیت‌های این پژوهش، پیشنهادهای ذیل می‌تواند راهگشا باشد: اثرگذاری این بسته، به روش آزمایشی یا شبه‌آزمایشی مورد سنجش محققان واقع گردد تا علاوه بر تأیید نظری مورد تأیید تجربی نیز قرار گرفته و کاربردی‌تر گردد.

بر اساس منابع اسلامی، راهکارها و مفاهیم دارای پتانسیل بالایی برای تغییر در ابعاد سه‌گانه شناختی، عاطفی و رفتاری انسان می‌باشند و می‌توان از کلیدواژه کرامت نفس سخن به میان آورد. بدین خاطر خوب است که بسته‌های دیگری از این سازه به‌منظور راهکارهای کسب فضائل و یا دفع رذائل و همچنین درمان بسیاری از بیماری‌های روحی و روانی طراحی گردند تا کرامت نفس و عزت نفس معنوی نیز هم‌تراز دیگر سازه‌های مفاهیم اسلامی، مقبولیت عام یابد.

همان‌طور که در مباحث فقهی، شهرت می‌تواند جابر ضعف سند باشد، به نظر می‌رسد در مباحث این تحقیق نیز تجربه موفق عزت نفس معنوی با تبیین اسلامی، می‌تواند جابر ضعف راهکارها باشد؛ لذا پیشنهاد می‌شود از راهکارهای و روش‌های ضعیف‌السند و حتی غیرمأثوره نیز در این راستا استفاده گردد. نهایتاً اگر تجربه موفق در پی داشتند، به کار گرفته شوند والا طرد گردند.

با انجام تحقیقاتی مقایسه‌ای، اثرگذاری بسته عزت نفس معنوی و تأثیر آن بر بهزیستی روانی، با دیگر بسته‌ها و پروتکل‌ها سنجیده گردد.

پیشنهاد می‌شود که اجرای این تحقیق در سایر جوامع و مقایسه نتایج حاصل با یکدیگر انجام گیرد. پیشنهاد می‌شود اجرای این تحقیق با دامنه سنی گسترده‌تر به منظور مطالعه تأثیر متغیرهای دیگر بر بهزیستی روان‌شناختی انجام گیرد.

با توجه به تحقیقاتی که انجام شده و اثرات مثبت بهزیستی روانی و عزت نفس معنوی بر سرنوشت افراد و موفقیت آنها ثابت شده است و از طرفی مشخص شده بهزیستی روان‌شناختی قابل رشد است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود با گذاشتن کارگاه‌های آموزشی برای خانواده‌ها به صورت آموزش خانواده در آموزش و پرورش، زمینه‌های سلامت روانی و عزت نفس معنوی به آنها آموزش داده شود تا زمینه افزایش و رشد بهزیستی روان‌شناختی در والدین افزایش یابد.

با توجه به نتایج تحقیق سعی شود مهارت‌های بهزیستی روان‌شناختی در بین نوجوانان بیشتر تقویت شود.

بر اساس نتایج، افرادی که میزان تحصیلاتشان کمتر بوده، مهارت‌های بهزیستی روان‌شناختی پایینی داشته‌اند؛ بنابراین مناسب است با اطلاع‌رسانی درست و به موقع و آموزش آنان نسبت به این مهارت‌ها، بهره‌مندی آنان را بیشتر نمایند.

منابع

- قرآن کریم.
- آذربایجانی، مسعود؛ سالاری‌فر، محمدرضا؛ عباسی، اکبر؛ کاویانی، محمد و موسوی اصل، سیدمهدی (۱۳۸۷). روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ابن فهد حلی، احمد بن محمد (۱۳۷۵). المذهب البارع فی شرح المختصر النافع. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- اردلان، محمدرضا؛ سرچهانی، زهرا و سرچهانی، مجتبی (۱۳۹۳). رابطه هوش معنوی با کیفیت زندگی کاری و بلوغ معلمان ابتدایی ناحیه ۲. رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۱۷(۵)، ۸۱.
- امیدی، حمید؛ ساجدی، فیروزه؛ رستمی، رضا و بخشی، عنایت‌اله (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس دانش‌آموزان مبتلا به اختلال کم‌توجهی و بیش‌فعالی و توانمندسازی کودکان استثنایی. نشریه توانمندسازی کودکان استثنایی، ۹(۲)، ۳۷-۳۷.
- امیرپور، برزو (۱۳۹۱). رابطه تفکر انتقادی و ابعاد آن با شادکامی و عزت نفس اجتماعی دانشجویان. دوماهنامه راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، ۵(۳)، ۱۴۳-۱۴۷.
- براندن، ناتانیل (۱۹۸۷). تقویت و خودباوری. ترجمه الهام مبارکی‌زاده. تهران: پل.
- به‌پژوه، احمد و حجازی، مسعود (۱۳۸۶). تأثیر برنامه جرئت‌آموزی گروهی در افزایش میزان جرئت‌ورزی و عزت نفس دانش‌آموزان کم‌جرئت. پژوهش‌های مشاوره تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، ۶(۲۳)، ۷.
- پیوسته‌گر، مهرانگیز، یزدی، سیده منور و مختاری، لیلا (۱۳۹۰). رابطه خودشیفتگی و عزت نفس با پرخاشگری و مقایسه تحولی آن در دختران نوجوان. مطالعات روان‌شناختی، ۷(۱)، ۱۳۰-۱۴۷.
- تاج‌آبادی، هرات و کارگریان، مروستی (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس دانش‌آموزان مبتلا به اختلال کم‌توجهی و بیش‌فعالی. توانمندسازی کودکان استثنایی، ۹(۲)، ۳۷-۳۷.

- حسینی‌نسب، سیدداود؛ مصرآبادی، جواد و آقاجان‌زاده، ناهید (۱۳۸۹). بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس دانش‌آموزان دختر پایه سوم مقطع متوسطه تبریز. آموزش و ارزشیابی، ۳، ۴۷-۶۴.
- خالدیان، م. (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان و عزت‌نفس افراد معتاد به مواد مخدر. مجله روان‌شناسی اجتماعی، ۱(۲۹)، ۱۵-۱.
- ذبیحی، لیلیا، و زارعی، طهمورث (۱۳۸۹). رابطه بین عزت نفس و ارتکاب جرم در بین افراد زندانی و غیرزندان مرد سنین ۵۵-۱۵ ساله. اصلاح و تربیت، ۱(۹)، ۳۶-۴۴.
- سالاری‌فر، محمدرضا؛ شجاعی، محمدصادق؛ موسوی اصل، سیدمهدی و دولتخواه، محمد (۱۳۸۹). بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حبازی، الهه (۱۳۹۷). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگه.
- سهرابی، فرامرز و ناصری، اسماعیل (۱۳۹۲). هوش معنوی و مقیاس‌های سنجش آن. تهران: آوای نور.
- شفیعی، حسن و صفاری‌نیا، مجید (۱۳۹۰). خودشیفتگی، عزت نفس و ابعاد پرخاشگری در نوجوانان. فرهنگ مشاوره، ۲(۶)، ۱۲۲.
- فروهوش، محمد (۱۳۹۵). نقش و جایگاه عزت نفس در تربیت اخلاقی. پایان‌نامه سطح سه مرکز تخصصی اخلاق حوزه علمیه قم.
- فروهوش، محمد (۱۳۹۶). عزت نفس معنوی و ساخت پرسش‌نامه آن بر اساس منابع اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت. قم.
- کانون نشر و ترویج فرهنگ اسلامی حسانت اصفهان (۱۳۸۹). سیری در سپهر اخلاق. قم: صحیفه خرد.
- کتیبایی، ژیا؛ حمیدی، هوشنگ؛ یاریان، سجاد؛ قنبری، سعید و سیدموسوی، پریسا (۱۳۸۹). مقایسه کیفیت زندگی، تنیدگی و سلامت روان در معتادان و غیرمعتادان مبتلا به HIV و افراد سالم. فصلنامه علوم رفتاری، ۴(۲)، ۱۳۵-۱۴۰.
- کریمی، سمیه (۱۳۹۳). راهکارهای قرآن برای تحقق سبک تربیتی مبتنی بر تکریم شخصیت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم. دانشکده علوم قرآنی. قم.
- گودرزی، کورش؛ سهرابی، فرامرز و فرخی، نورعلی (۱۳۹۱). اثربخشی تعاملی هوش معنوی و آموزش مهارت‌های زندگی بر بهبود نگرش‌های دانشجویان نسبت به مهارت‌های زندگی. فصلنامه نوآوری‌های مدیریت آموزشی، ۴(۷)، ۱-۴.
- لطیفی، مرضیه؛ تقدیسی، محمدحسین؛ افکاری، محمداسحاق و اعظم، کمال (۱۳۹۱). تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر عزت نفس و کاهش خشونت خانگی علیه زنان شهر گرگان. تحقیقات نظام سلامت، ۸(۶)، ۱۰۴۰.
- مظاهری، اکرم؛ باغبان، ایران و فاتحی‌زاده، مریم (۱۳۸۵). تأثیر آموزش گروهی عزت نفس بر میزان سازگاری اجتماعی دانشجویان. دانشور رفتار، ۱(۱۳)، ۴۹-۵۶.
- مهدوی‌کنی، محمدرضا (۱۳۸۹). نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی. تهران: فرهنگ اسلامی.
- وطن‌خواه، حمیدرضا؛ نیک‌آمال، میترا و نیک‌شعار، لیلیا (۱۳۹۰). اثربخشی آموزش بازسازی شناختی بر درماندگی آموخته‌شده و عزت نفس دانشجویان. تحقیقات روان‌شناختی، ۳(۱۰)، ۵۵-۶۶.
- Branden, N. (2021). The Psychology of Self-Esteem: A Revolutionary Approach to Self-Understanding that Launched a New Era in Modern Psychology.
- Hudson, W. (1982) The clinical measurement package: A field manual. Homewood ,IL: Dorsey.
- Koeing, H, G. (2008). Religious attitudes and practices of hospitalized medically ill older adult. International Journal of Geriatric Psychiatry, 13(4), 25-38.
- Koeing, Horold (1994). Aging and God. New York: The Haworth Pastoral Pewss,.
- Lim, Y. & Lee, O. (2017). Relationships between Parental Maltreatment and Adolescents' School Adjustment: Mediating Roles of Self-Esteem and Peer Attachment. Journal of child and family studies, 26(2), 393-404.
- Nugent, W. R. & Thomas, J. W. (1993). Validation of clinical measure of self-esteem. Research on Social Work Practice, 3(2), 208-218.
- von Soest, T., Wagner, J., Hansen, T. & Gerstorf, D. (2017). Self-Esteem Across the Second Half of Life: The Role of Socioeconomic Status, Physical Health, Social Relationships, and Personality Factors.

اثربخشی برنامه مشاوره معنویت درمانی بر هیجان تحصیلی و خودپنداره تحصیلی دانش آموزان خانواده های تک والد

The effectiveness of spiritual therapy counseling program on academic excitement and academic self-concept of students Single parent families

رضا شبیبانی فر / کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

سهیل هاشمی / کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

سجاد قاسمی / کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

زینب امیدواری / کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

✉ **Reza Sheibanifar** / Master of School Counseling, Islamic Azad University, Arak, Iran

Rezasheybani1996@yahoo.com

Soheil Hashemi / Master of School Counseling, Islamic Azad University, Arak, Iran

Sajjad Ghasemi / Master of Educational Psychology, Islamic Azad University, Arak, Iran

Zeinab Omidvari / Master of Educational Psychology, Islamic Azad University, Arak, Iran

Abstract

Background and Aim: Children from single-parent families are facing many problems, among which is disruption in their children's academic performance. This research was conducted with the aim of determining the effectiveness of spiritual therapy counseling program on academic excitement and academic self-concept of students from single-parent families. Methods: The research was a semi-experimental one of pre-test, post-test with a control group. The statistical population was the students of the second intermediate section of Borujerd city in the academic year of 1400-1401, who were selected by available sampling method. The purpose to be obtained, 30 students were selected

چکیده

کودکان خانواده های تک والد با مشکلات متعددی روبه رو هستند که از جمله آنها اختلال در عملکرد تحصیلی فرزندان است. این پژوهش با هدف تعیین اثربخشی برنامه مشاوره معنوی درمانی بر هیجان تحصیلی و خودپنداره تحصیلی دانش آموزان خانواده های تک والد صورت گرفت. پژوهش حاضر از نظر روش شناسی نیمه آزمایشی از نوع پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری این پژوهش را دانش آموزان مقطع متوسطه دوم شهر بروجرد در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ تشکیل می دادند که به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. برای این منظور تعداد ۳۰ نفر از دانش آموزان انتخاب و به صورت تصادفی در دو

and placed randomly in two experimental and control groups. Then 8 training sessions of spiritual intervention were implemented for the experimental group and the control group did not receive any intervention. For the pre-test and post-test, all the subjects completed the tools used, the academic self-concept of Baysanchi (2004), the academic excitement of Pakran et al. (2005). Results: Then the data was analyzed using covariance analysis test. The findings indicated that spiritual therapy has made a significant difference on the components of academic excitement and academic self-concept of the experimental group. Conclusion: The results of data analysis showed that the counseling program based on spiritual therapy was effective in reducing academic excitement and increasing students' academic self-concept.

Key words: Spiritual therapy, academic self-concept, academic excitement, single parent students, divorce.

گروه آزمایش و کنترل جایگزین شدند؛ سپس ۸ جلسه آموزشی مداخله معنوی در مورد گروه آزمایش اجرا شد و گروه کنترل هیچ‌گونه مداخله‌ای دریافت نکرد. برای پیش‌آزمون و پس‌آزمون، تمام آزمودنی‌ها، ابزارهای مورد استفاده، خودپنداره تحصیلی بی یسن چی (۲۰۰۴)، هیجان تحصیلی پکران و همکاران (۲۰۰۵) را تکمیل نمودند. داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس تجزیه و تحلیل شد. یافته‌ها بیانگر این بود که معنوی درمانی بر مؤلفه‌های هیجان تحصیلی و خودپنداره تحصیلی گروه آزمایش تفاوت معناداری ایجاد کرده است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که برنامه مشاوره مبتنی بر معنوی درمانی بر کاهش هیجان تحصیلی و افزایش خودپنداره تحصیلی دانش‌آموزان اثرگذار بوده است.

کلیدواژه‌ها: معنویت درمانی، خودپنداره تحصیلی، هیجان تحصیلی، دانش‌آموزان تک والد، طلاق.

مقدمه

کودکان خانواده‌های تک والد که تنها به‌وسیله مادر اداره می‌شوند، استرس روانی، مشکلات شخصیتی، مشکلات مدرسه، پرخاشگری و عدم سازگاری با گروه هم‌سن را در مقایسه با سایر کودکان بیشتر تجربه می‌کنند (مهی، ۲۰۱۵). عدم فهم و ادراک جدا زندگی کردن والدین، بهداشت روانی پایین‌تر و استفاده بیشتر از شیوه مقابله هیجانی و اجتنابی، پرخاشگری بیشتر، ترس کودک از طردشدگی، تغییرات در شرایط زندگی، خجالت، احساس گناه، نگرانی در رابطه با جدایی‌های بعدی و ترس ماندگار از مشکل ناشناخته و اعتمادبه‌نفس پایین از اضطراب کودک نشئت می‌گیرد (لرد، ۲۰۱۵؛ یحیی‌زاده و حامد، ۲۰۱۵). پژوهش‌ها نشان می‌دهد آسیب‌های فرزندان خانواده‌های طلاق در

1. Mahi, A.

2. Laird, J.

حوزه‌های عملکرد فردی (تحصیلی، شناختی، عاطفی، هیجانی)، میان‌فردی و خانوادگی نمود پیدا می‌کند (کاویان، خجسته کاشانی و تهامی، ۱۳۹۵)؛ همچنین طلاق برای فرزندان نیز آسیب‌هایی به همراه دارد (لییثوید، سیلر و کارنی، ۲۰۱۴^۱؛ پارکر، دورانت و هسلتون، ۲۰۲۱^۲). افسردگی، اضطراب جدایی، مشکلات تغذیه، مشکلات خواب، انزوای طلبی، ناسازگاری، پرخاشگری، افت عملکرد تحصیلی، مشکلات رفتاری، مشکلات با همسالان و مشکلات اضطرابی از جمله آسیب‌های طلاق برای فرزندان است (سان و ژاو، ۲۰۱۶^۳). مطالعات اخیر در مورد ویروس کرونا نشان داده که اضطراب ناشی از بیماری کرونا و قرنطینه‌سازی خانواده‌ها، سلامت روان خانواده‌ها و کودکان را مستعد بروز نشانه‌های اختلالات روان‌شناختی می‌سازد (شهیداد و محمدی، ۱۴۰۰). شیبانی‌فر و همکاران (۱۴۰۲) در تحقیق خود با عنوان «بررسی مقایسه‌ای انگیزش تحصیلی، نگرش به مدرسه فرزندان طلاق با هم‌تایان عادی در همه‌گیری کرونا»، یافته‌هایشان حاکی از این بود که بین دو گروه آزمایش و گواه، در همه مؤلفه‌های انگیزش تحصیلی و مؤلفه‌های نگرش نسبت به مدرسه، تفاوت معناداری وجود دارد. آنچه مهم است، این است که همه‌گیری کرونا می‌تواند بر عملکرد تحصیلی فرزندان تأثیرگذار باشد. طلاق در خانواده‌ها می‌تواند سبب افت تحصیلی و ضعف خودپنداره دانش‌آموزان شود. یکی از ابعاد خودپنداره، خودپنداره تحصیلی است که به بازنمایی‌های ذهنی توانایی‌های فرد در مدرسه و محیط‌های تحصیلی و یا بازنمایی‌های مرتبط با پیشرفت تحصیلی اشاره دارد. به عبارت دیگر، خودپنداره تحصیلی به خودارزیابی یک فرد در مورد قلمرو و توانایی‌های ویژه تحصیلی اشاره دارد (اسلامی، غفاری، موسی‌زاده و هاشمی، ۱۳۹۹).

در طول دو دهه گذشته خودپنداره به عنوان یک رفتار انگیزشی مهم و تأثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی افراد مطرح شده است، و یک مفهوم کلی است که به معنای تصورات فرد از توانایی‌ها، قابلیت‌ها و محدودیت‌های خود است (کوپر، کریگ و برونل، ۲۰۱۸^۴). مهتا (۱۹۶۹) نیز انگیزه تحصیلی را به عنوان عملکرد تحصیلی دانش‌آموز، هم در برنامه‌های آموزشی و هم مشارکت در این برنامه‌ها تعریف کرده است. به اعتقاد وی، انگیزه تحصیلی پیامد یادگیری دانش‌آموزان است؛ یعنی در کلاس‌ها، دانش‌آموزان به طور کارآمدی قابلیت‌هایی را شکل می‌دهند و در نتیجه آن یادگیری اتفاق می‌افتد، و نتیجه یادگیری نیز تغییر الگوی رفتاری دانش‌آموزان از طریق موضوعات درسی مختلف است. پیشرفت تحصیلی به توانایی آموخته‌شده یا اکتسابی فرد در موضوعات آموزشگاهی نیز اطلاق می‌شود (دلیرناصر

1. Lloyd, G. M., Sailor, J. L., Carney W.

2. Parker, G. Durante, K. M. Hill, S. E. & Haselton, M. G.

3. Sun, A. Zhao, Y.

4. Cooper, K. M., Krieg, A. & Brownell, S.

و حسینی‌نسب، ۱۳۹۴). بی‌انگیزگی یک موضوع جدی تحصیلی است که توجه بسیاری از محققان در حوزه‌های تحصیلی را به خود جلب نموده است؛ امری که با عوامل متعدد شناختی، هیجانی، رفتاری و شخصیتی فراگیران ارتباط دارد (نوشاد،^۱ ۲۰۰۸) و کلید مهم درک مشکلات تحصیلی دانش‌آموزان؛ همچون افت تحصیلی، انصراف از تحصیل، مردودی‌ها، تجدیدی‌ها و... محسوب می‌شود (قافله‌باشی و همکاران، ۱۳۹۴). جینگ^۲ (۲۰۰۷) نشان داد که دانش‌آموزان با خودپنداره تحصیلی پایین، خودشان را به‌عنوان افرادی با صلاحیت و قابلیت پایین درک می‌کنند، که چنین برداشت منفی از توانمندی‌ها منجر به بروز هیجانات منفی از جمله اضطراب امتحان در موقعیت‌های آموزشی می‌شود (راست‌روشن و محمدی، ۱۳۹۸)؛ از این‌رو بررسی عوامل مؤثر بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان از اهمیت خاصی برخوردار است. طیف مخالف انگیزه تحصیلی، مسئله افت تحصیلی است؛ مسئله‌ای که می‌تواند منجر به ترک تحصیل شود و رفتارهای منفی را برای افراد به دنبال داشته باشد؛ بنابراین پیشگیری از شکست تحصیلی و متعاقب آن، بهبود کیفیت آموزشی و بازده تحصیلی دانش‌آموزان، در گرو توجه به متغیرهای مرتبط با پیشرفت تحصیلی است که هیجان تحصیلی نمونه‌ای از این عوامل است.

از نظر علامه طباطبایی (۱۳۸۵) نیز سیر باطنی و حیات معنوی انسان یک رشته واقعیت‌های بیرون از واقعیت طبیعت و جهان ماده، و بسیار اصیل‌تر، واقعیت‌دارتر و پهناتر از جهان ماده و حس است. جعفری و همکاران (۱۳۸۸) معنویت را دو بعد می‌دانند: بعد اول، معنویت مذهبی است که در آن مفهوم فرد از وجود مقدس یا واقعیت غایی که در آن به سبک و سیاق مذهبی بیان می‌شود و بعد دوم، معنویت وجودی که در آن تجربیات روان‌شناختی خاص که در واقع ارتباطی با وجود مقدس یا غایی ندارند، مد نظر می‌باشد.

عظیمی، امین‌زاده دانا و شریعتمدار (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «اثربخشی معنویت درمانی اسلامی بر تعلل‌ورزی و اشتیاق تحصیلی دانشجویان پرستاری»، به این نتیجه رسیدند که معنویت درمانی اسلامی در کاهش میزان تعلل‌ورزی تحصیلی و همچنین افزایش میزان اشتیاق تحصیلی مؤثر بوده است. اقدامی (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «رابطه بین نیازهای اساسی روان‌شناختی و درگیری تحصیلی با واسطه‌گری خودکارآمدی»، دریافت که نیازهای اساسی روان‌شناختی به نحو مثبت خودکارآمدی و درگیری تحصیلی را پیش‌بینی می‌کند و خودکارآمدی تأثیر مستقیم بر درگیری تحصیلی دارد. سماوی (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه درگیری‌های تحصیلی، خودکارآمدی و انگیزش تحصیلی با پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر بندرعباس» نشان داد که پیشرفت تحصیلی می‌تواند به‌وسیله ابعاد درگیری تحصیلی، خودکارآمدی تحصیلی و

1. Noushad, P.

2. Jing, H.

انگیزش تحصیلی به شکل معناداری پیش‌بینی شود. ویمِر^۱ (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان «تأثیرات در ابعاد مختلف خودپنداره تحصیلی در بهبودی قبلی دانشجویان پس از یک رویداد استرس‌زا»، یافته‌ها حاکی از آن است که تمرکز روی توانایی‌های شخصی خود (به‌عنوان مثال استاندارد عملکرد داخلی) با الگوهای سازگارتر پاسخ در شرایط چالش‌برانگیز مرتبط است؛ درحالی‌که به نظر می‌رسد تمرکز روی مقایسه‌های اجتماعی مانع مقابله سازگار با استرس دانشگاهی می‌شود. آبیولا و اکومولافه^۲ (۲۰۱۳) در تحقیقی با عنوان «اثر روش خود مدیریت بر خودپنداره دانش‌آموزان مدارس متوسطه» که در بین چهل دانش‌آموز با هدف مطالعه اثرات روش خودمدیریتی در افزایش خودپنداره دانش‌آموزان متوسطه انجام شده، نتایج نشان داد، روش خودمدیریتی به‌طور قابل‌توجهی خودپنداره تحصیلی را در دانش‌آموزان مدارس متوسطه افزایش می‌دهد.

یکی از عوامل انگیزشی مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، هیجان‌های تحصیلی آنان است. هیجان تحصیلی به‌عنوان هیجان‌هایی که مستقیماً در پیوند با فعالیت‌های پیشرفت یا پیامدهای پیشرفت هستند، تعریف می‌شود (زیدنر،^۳ ۲۰۰۷). هیجان‌های تحصیلی طبق ارزش آنها (مثبت یا منفی بودن یا خوشایند ناخوشایند بودن) و درجه فعالیت (فعال بودن یا غیرفعال بودن) تقسیم می‌شوند (پکران، ایلویت و مایر،^۴ ۲۰۰۹؛ لیننبرینک و پینتریش،^۵ ۲۰۱۹). پیری للهلو، پناه‌علی و اقدسی (۱۳۹۹) در تحقیق خود با عنوان «اثربخشی معنویت‌درمانی مبتنی بر خودآگاهی بر بهزیستی روان‌شناختی و قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان سال اول پسر دوره دوم متوسطه» به این نتیجه رسیدند که با استفاده از معنویت‌درمانی مبتنی بر خودآگاهی می‌توانند بهزیستی روان‌شناختی و قضاوت اخلاقی دانش‌آموزان را بهبود بخشند. بشریور، عیسی‌زادگان، زاهد و احمدیان (۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان «مقایسه خودپنداره تحصیلی و اشتیاق به مدرسه در دانش‌آموزان مبتلا به ناتوانی یادگیری و عادی»، پایین بودن خودپنداره تحصیلی و اشتیاق به مدرسه در دانش‌آموزان مبتلا به ناتوانی یادگیری را نشان دادند و به نقش مهم متغیرهای مدرسه‌ای در عملکرد یادگیری این دانش‌آموزان اشاره کردند. شیبانی‌فر، هاشمی، کریمی و حمیدی‌پور (۱۴۰۲) در تحقیق خود با عنوان «همسنگی خودپنداره تحصیلی و هیجان تحصیلی دانش‌آموزان خانواده‌های طلاق و منسجم در دوره پسا کرونا»، یافته‌هایشان در پژوهش حاکی از این بود که دانش‌آموزان خانواده‌های طلاق خودپنداره تحصیلی و هیجان تحصیلی پایین‌تری نسبت به دانش‌آموزان

1. Wimmer, S.

2. Abiola, F. & Akomolafe, M.

3. Zidner, A.

4. Pekrun, R., Elliot, A. J. & Maier, M.

5. Linnenbrink, E. A. & Pintrich, P. R.

خانواده‌های منسجم دارند. توجه به خودپنداره تحصیلی و هیجان تحصیلی دانش‌آموزان خانواده‌های طلاق در پیشرفت تحصیلی آنان مؤثر است. حیات، اسمی، رضایی و نبیئی (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان «رابطه هیجان‌های تحصیلی با عملکرد تحصیلی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز» به این نتیجه رسید که بین هیجان‌های مثبت (لذت، امید، افتخار) با عملکرد تحصیلی دانشجویان رابطه مثبت و معنی‌دار و بین هیجان‌های منفی (خشم، اضطراب، ناامیدی، شرم، خستگی) با عملکرد تحصیلی دانشجویان رابطه منفی و غیرمعنی‌دار وجود دارد. پکران و همکاران (۲۰۱۷)، در تحقیقی با عنوان «مدل اثرات متقابل، ارتباط بین احساسات و دستاوردها در طول زمان»، احساسات مثبت (لذت، غرور) پیشرفت‌های بعدی نمرات پایان سال و نمرات آزمون را پیش‌بینی می‌کنند. با توجه به آنچه گفته شد، خودپنداره تحصیلی و هیجان تحصیلی در بین دانش‌آموزان از اهمیت زیادی برخوردار است. بررسی و مطالعه روی فرزندان طلاق موضوعی است که نیازمند بحث‌های دقیق‌تر و موشکافانه‌تر است؛ بنابراین دلیل نمی‌شود دانش‌آموزی که فرزند طلاق است از تحصیل دور بماند؛ بلکه باید مورد بحث بیشتری قرار بگیرند تا اگر این دانش‌آموزان در امر تحصیل با مشکل مواجه هستند، این مشکلات کمتر شود. از آنجاکه طلاق منجر به تغییرات عمده‌ای در ساختار خانواده و الگوهای روابط بین اعضای خانواده می‌گردد، می‌توان انتظار داشت که موجب کاهش اثربخشی عملکرد تحصیلی فرزندان طلاق گردد. خلأهای پژوهشی در زمینه فرزندان خانواده‌های طلاق و همچنین با توجه به اینکه کمتر مطالعه‌ای در زمینه متغیرهای یادشده وجود داشت، از دلایل انجام این پژوهش بود. برخی از مطالعات قبلی انجام‌شده حاکی از آن است که فرزندان تک‌والد، نسبت به سایر کودکان، احساس نزدیکی کمتری با پدران خود دارند؛ همچنین می‌پندارند که حمایت کمتری را از طرف وی دریافت می‌کنند. شرایط بحرانی همه‌گیری کرونا مشکلاتی را در خانواده‌ها به وجود آورد که بر روی عملکرد تحصیلی فرزندان تأثیرگذار است. آثار منفی ناشی از کرونا و به مدرسه نرفتن فرزندان در مشکلات رفتاری آنها و تعاملاتشان با والدین و مدرسه مؤثر خواهد بود. نظر به اینکه هیچ پژوهشی با متغیرهای یادشده بر روی دانش‌آموزان خانواده‌های تک‌والد یافت نشد، از دلایل انجام این تحقیق بود. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که برنامه مشاوره معنوی درمانی بر هیجان تحصیلی و خودپنداره تحصیلی دانش‌آموزان خانواده‌های تک‌والد چه اثری دارد؟

روش پژوهش

در مطالعه حاضر از روش تحقیق نیمه‌آزمایشی و طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل استفاده شد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم بروجرد در سال

تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ بودند. بدین منظور حجم نمونه شامل ۳۰ دانش‌آموز (۱۵ دانش‌آموز از گروه آزمایش و ۱۵ دانش‌آموز از گروه کنترل) می‌باشد که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به‌طور تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل گمارده شدند. پس از آن از اعضای گروه آزمایش خواسته شد، به مدت ۸ جلسه به‌صورت هفته‌ای ۴۵ دقیقه وارد درمان شوند. کلیه آزمودنی‌ها تمام ابزار پژوهش را در دو نوبت (پیش‌آزمون و پس‌آزمون) تکمیل کردند و همچنین پس از اتمام مداخله، بار دیگر هر دو گروه به‌وسیله ابزارهای پژوهش آزمون شدند.

معیارهای ورود به نمونه پژوهش عبارت بودند از: ۱. سلامت کامل روحی دانش‌آموزان و عدم سابقه مصرف داروی روان‌پزشکی در شش ماه اخیر؛ ۲. رضایتمندی وی برای شرکت در آزمون؛ ۳. اختلافات خانوادگی پدر و مادر که منجر به طلاق شده است، که این معیارها از طریق خودگزارشی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پس از جمع‌آوری در نرم‌افزار اکسل کدگذاری شد و سپس از طریق نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۱ همبستگی بین متغیرها مشخص شد.

مقیاس خودپنداره تحصیلی (ASC)

پرسش‌نامه حاضر در سال ۲۰۰۴ توسط بی یسن چی پس از اجرا بر روی ۱۶۱۲ دانش‌آموز دوره ابتدایی ساخته شد. تمرکز پرسش‌نامه حاضر بر سنجش خودپنداره دانش‌آموزان دوره ابتدایی و راهنمایی است و بر این اساس خودپنداره را در سه سطح عمومی، آموزشگاهی و غیرآموزشگاهی مورد سنجش قرار می‌دهد.

نمره‌گذاری پرسش‌نامه: پرسش‌نامه حاضر از نوع خودگزارشی است که شامل ۱۵ عبارت بوده و پاسخ‌ها به‌صورت مقیاس لیکرتی چهارگزینه‌ای طراحی شده است. آزمودنی‌ها می‌توانند پاسخ‌های خود را از میان گزینه‌های ۴. کاملاً موافق، ۳. موافق، ۲. مخالف، ۱. کاملاً مخالف انتخاب کنند. حداقل نمره آزمودنی در این آزمون ۱۵ و حداکثر آن ۶۰ است. بالاتر بودن نمره آزمودنی نسبت به سایر آزمودنی‌ها نشان‌دهنده خودپنداره مثبت‌تر وی نسبت به سایرین است. ضریب آلفای کرونباخ سه عامل در پژوهش بی یسن چی (۲۰۰۴)، خودپنداره عمومی، آموزشگاهی و غیرآموزشگاهی به ترتیب برابر با ۰/۷۵، ۰/۸۲ و ۰/۸۲ است. ضریب خی یا کای دو که نشان‌دهنده همبستگی درونی عبارات آزمون بوده و در حالات مختلف از نظر آماری، سطح معنادار را نشان می‌دهد؛ همچنین این پرسش‌نامه به‌وسیله مرعشیان و همکاران (۲۰۱۲) در نمونه ۳۶ نفره استفاده شده که ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۹۲ بوده است.

مقیاس هیجان تحصیلی (AEQ)

این ابزار به‌منظور اندازه‌گیری هیجان‌های تحصیلی دانش‌آموزان توسط پکران و همکاران (۲۰۰۵) طراحی و ساخته شده است. این پرسش‌نامه از نوع خودگزارشی و مداد کاغذی است که در سه قسمت،

شامل بخش هیجان‌های مربوط به کلاس، هیجان‌های مربوط به یادگیری و هیجان‌های مربوط به امتحان تهیه شده است. بخش مربوط به هیجان امتحان تحت عنوان «پرسش‌نامه هیجان‌ات امتحان» انتشار یافته و یک بخش کامل و مجزا از پرسش‌نامه را تشکیل می‌دهد. در هر قسمت ۸ زیرمقیاس وجود دارد. زیرمقیاس‌های مربوط به کلاس که شامل ۸۰ سؤال است و هشت هیجان را اندازه‌گیری می‌کند: لذت از کلاس، امیدواری، غرور (افتخار)، عصبانیت (خشم)، اضطراب، شرم، ناامیدی و خستگی (بی‌حوصلگی). قسمت مربوط به هیجان‌ات امتحان که شامل ۷۷ سؤال است عبارت‌اند از: لذت از امتحان، امیدواری، غرور، عصبانیت، اضطراب، آرامش، شرم و ناامیدی. هیجان‌ات مربوط به یادگیری که شامل ۷۵ سؤال است: لذت از یادگیری، امیدواری، غرور، عصبانیت، اضطراب، شرم، ناامیدی و خستگی را اندازه‌گیری می‌کنند. در این پرسش‌نامه دانش‌آموزان تجربیات هیجانی خود را در یک مقیاس لیکرتی پنج‌درجه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) درجه‌بندی می‌کنند.

پژوهش پکران و همکاران (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که آلفای کرونباخ محاسبه‌شده برای خرده‌مقیاس‌های پرسش‌نامه از ۰/۷۵ تا ۰/۹۵ به‌دست آمده است، که نشان‌دهنده پایایی قابل قبول این ابزار است. کدیور و همکاران (۱۳۸۸) این پرسش‌نامه را در جامعه دانش‌آموزان دبیرستانی ایران مورد اعتباریابی قرار داده و پایایی مقیاس هیجان‌های مربوط به کلاس این پرسش‌نامه را نیز بین ۰/۷۳ تا ۰/۸۴ گزارش نموده‌اند.

روش اجرا

پس از ارزیابی آزمودنی‌ها، برنامه مداخله معنوی طراحی‌شده توسط وزیری، لطفی کاشانی و اکبری (۱۳۹۶) توسط پژوهشگر ارائه شد. در پژوهش حاضر بررسی روایی محتوایی جلسات توسط اساتید دارای مدرک دکترای روان‌شناسی به‌کار رفت و مقدار روایی ۰/۹۸ به‌دست آمد، که حاکی از روایی محتوایی قابل قبولی بوده است؛ همچنین بررسی اثربخشی برنامه با توجه به پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده روایی آن را تأیید می‌کند. برنامه مشاوره معنویت درمانی شامل هشت مؤلفه روانی - معنوی: توکل و توسل به خدا، نیایش و دعا، شکر، صبر و تحمل، بخشش و نادیده گرفتن خشم، ارتباط با خدا و گفت‌وگوی درونی با خدا، خودآگاهی و گوش دادن به ندای درونی، خواندن متون مقدس و استفاده از کتاب‌های مذهبی و معنوی است. پس از آن از اعضای گروه آزمایش خواسته شد، به مدت ۸ جلسه به‌صورت هفته‌ای ۴۵ دقیقه وارد درمان شوند. خلاصه مراحل درمان در تمامی جلسات به این صورت بود که ابتدا با اهداف هر مرحله آشنا شده و در بعضی جلسات نکاتی گفته می‌شد که در طول هفته انجام دهند.

خلاصه جلسات برنامه معنویت درمانی

جلسه اول

هدف: آشنایی اعضا با یکدیگر، اطلاع از دلایل تشکیل گروه و آشنایی با قوانین گروه.
فرایند: اعضا خود را معرفی می‌کنند. قوانین گروه مبتنی بر محرمانه ماندن، احترام به نظر یکدیگر و تحمل دیدگاه‌های متفاوت، تعداد و زمان جلسات و حضور مداوم تا انتهای درمان مطرح می‌شود.

جلسه دوم

هدف: آگاهی از معنای ضمنی و شخصی معنویت و تعریف آن از نظر هریک از اعضا، بررسی وجود اعتقاد به نیروی برتر و مقدس در اعضا.
فرایند: طرح سؤال معنویت چیست؟ آیا به نیروی مقدس معتقدید؟ در مقابل این نیرو چه کاری دوست دارید انجام دهید؟ چه کاری انجام می‌دهید؟ اعمالی که انجام می‌دهید چه احساسی در شما ایجاد می‌کند؟ کدام رفتار در شما احساس خوب ایجاد می‌کند؟ این اقدامات در برابر مشکلات و کنار آمدن با آنها چطور به شما کمک می‌کند؟ آیا تا به حال شده که این کارها برای شما مشکل ایجاد کند؟

جلسه سوم

هدف: خودمشاهده‌گری و توضیح مراقبه.
فرایند: آنچه در این هفته در رابطه با اعمال معنوی انجام دادید و احساسات را بیان کنید (یادداشت‌برداری درمانگر از موارد مشترک مانند دعا، بخشیدن، تأمل، صبر و...)، بیان احساسات و هیجانات ناشی از این اعمال و تأکید بر احساس اعضا در مقابل هریک از این عملکردها، آموزش تکنیک مراقبه و تمرین روزانه آن تا انتهای درمان.

جلسه چهارم

هدف: توضیح تجربیات افراد از مراقبه و تمرکز بر موضوع خاص، بررسی اثرات مراقبه، فرایند مراقبه چه احساسی در شما ایجاد می‌کرد؟ هدف ارائه مفهوم پایان‌ناپذیری و اتصال به نیروی لایزال.
فرایند: آیا کسی را که دوست داشتید از دست داده‌اید؟ احساسات در حال حاضر نسبت به آن فرد چیست؟ آیا کسی در اطرافتان هست که در سنی باشد که ممکن است از دست بدهید؟ این از دست دادن چه معنایی برایتان دارد؟ آیا دیدگاهی معنوی یا مذهبی در رابطه با این از دست دادن دارید؟ از نظر معنوی یا مذهبی چه توضیحی دارید؟ از دست دادن‌ها چه تأثیری بر ما می‌گذارد؟ تأکید بر اینکه هفته بعد از بخشش خود و دیگران و احساس معنوی که در این حس داریم، صحبت خواهیم کرد.

جلسه پنجم

هدف: فهم بخشودگی.

فرایند: چه کسی از هفته قبل تا به حال در مورد بخشش فکر کرده؟ چه کسانی را قرار است ببخشیم؟ بخشش کسانی که با آنها رابطه ای نداریم، بخشش کسانی که با آنها رابطه داریم، بخشش چه احساسی در شما ایجاد می کند؟ بخشش چه احساسی را در دیگران ایجاد می کند؟ طلب بخشش از کسی که در رابطه با او خطایی مرتکب شدیم و اینکه بخشیده شویم، چه احساسی در ما ایجاد می کند؟ برای اینکه احساس بخشودگی کنید، چه کارهایی انجام می دهید؟ توضیح دهید (مواردی مانند دعا و... توسط درمانگر یادداشت و جمع بندی می شود) کدام یک را تا هفته بعد انجام دهیم؟

تمرین مراقبه و خواندن دعای زیر همه با هم:

خدایا! من در پیشگاه تو آنهایی را که مرا اذیت کرده اند یا آسیبی متوجه من ساخته اند، می بخشم. تو قادر مطلق، من آنها را به تو واگذار نمی کنم و از تو هم برای آنها طلب بخشش می کنم. خدایا! من آنهایی را که نسبت به من بدی کرده بودند، بخشیدم و از تو برای آنها طلب بخشش کردم. از تو هم می خواهم تا مرا مورد عفو و بخشش خود قرار دهی. من اطمینان دارم که توسط تو بخشوده خواهم شد؛ چون تو بخشنده ترین بخشنده گانی. تکلیف: خواندن این دعا هر روز بعد از مراقبه تا انتهای درمان.

جلسه ششم

هدف: بخشش و تعمیم آن به کنترل خشم.

فرایند: توضیح در مورد اهمیت بیان نیروی آزارنده خشم به دیگران و درخواست کمک.

جلسه هفتم

هدف: بررسی تجربیات ناشی از بخشودگی.

فرایند: بیان احساس مثبت و تجربیات ناشی از بخشش و عملکردهای معنوی. انجام این اعمال در شما چه تغییری ایجاد کرده است؟ چگونه می توانیم این احساسات را در خودمان ثابت نگه داریم؟ چه اقداماتی وجود دارد که ما را در این راه کمک می کند؟ تمرین مراقبه و خواندن دعای زیر همه با هم: خدایا! ما دعا می کنیم تا فکر و عمل ما را در مسیر تجربه جدیدی که کسب کرده ایم هر روز بیشتر از روز قبل در مسیر خودت پایدار نگه داری. خدایا! از اینکه چشم های مرا به خودم و پیرامونم باز کردی از تو سپاسگزارم.

تکلیف: هر روز بعد از تمرین مراقبه و دعای بخشش این دعا را تکرار کنند.

جلسه هشتم

هدف: شکر و توجه به تغییرات مثبت ناشی از معنویت و معنادگی به تجربیات سخت.

فرایند: نام بردن نعمت‌هایی که در زندگی فرد وجود دارد، کمک به پیدا کردن معنا در آنچه ناخوشایند درک می‌کنند و شکرگزاری.

یافته‌های پژوهش

شاخص‌های توصیفی مربوط به متغیرهای جمعیت‌شناختی نشان داد که ۸۰ درصد تعداد دانش‌آموزان بر مبنای جنسیت پسر هستند؛ همچنین ۷۵ درصد والدین بین ۳۰-۴۰ سال بودند. ۵۰ درصد تحصیلات والدین دیپلم، ۳۸ درصد لیسانس و ۱۲ درصد فوق لیسانس بودند، و مدت زمان طلاق آنان بیشتر از ۲ سال بود. دانش‌آموزان نیز با مادر خود زندگی می‌کردند. جدول (۱ و ۲) آمار توصیفی مربوط به متغیرهای خودپنداره تحصیلی و هیجان تحصیلی را در دو گروه آزمایش و کنترل ارائه می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که دانش‌آموزان گروه آزمایش در خودپنداره تحصیلی (۴۵/۲۲) میانگین بالاتری نسبت به دانش‌آموزان گروه کنترل (۲۵/۷۷) دارند؛ همچنین میانگین هیجان تحصیلی در دانش‌آموزان گروه آزمایش نسبت کمتری به دانش‌آموزان گروه کنترل را نشان می‌دهد. نتایج داده‌های توصیفی حاکی از آن است که در بعضی از مؤلفه‌های خودپنداره تحصیلی نمره‌های پس‌آزمون در گروه آزمایش بیشتر از گروه کنترل می‌باشد که به معنی افزایش این مؤلفه‌هاست.

جدول ۱: یافته‌های توصیفی متغیرهای تحقیق در گروه کنترل

متغیر	پیش‌آزمون		پس‌آزمون	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
خودپنداره تحصیلی	خودپنداره عمومی	۲۵/۷۷	۱/۹۵	۲۵/۴۰
	خودپنداره آموزشی	۲۰/۹۰	۲/۲۳	۲۱/۷۰
	خودپنداره غیرآموزشی	۲۵/۶۵	۲/۰۴	۲۵/۶۰
هیجان تحصیلی	لذت از کلاس	۱۳/۳۷	۱/۳۳	۱۲/۳۱
	خشم	۲۴/۹۷	۱/۳۸	۲۴/۹۷
	اضطراب	۱۸/۳۲	۱/۰۲	۱۶/۳۱
	شرم	۲۲/۴۲	۱/۰۳	۲۲/۴۲
	غرور	۷/۷۲	۱/۱۰	۸/۷۲
	ناامیدی	۱۸/۳۲	۱/۰۲	۱۸/۲۰
	خستگی	۱۸/۲۰	۱/۱۱	۱۸/۳۲

جدول ۲: یافته‌های توصیفی متغیرهای تحقیق در گروه آزمایش

متغیر	پیش‌آزمون		پس‌آزمون	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
خودپنداره تحصیلی	خودپنداره عمومی	۲۵/۱۲	۲/۱۱	۴۵/۲۲
	خودپنداره آموزشی	۲۰/۰۱	۱/۹۰	۳۰/۰۵
	خودپنداره غیرآموزشی	۱۴/۳۲	۲/۳۴	۳۴/۷۲
هیجان تحصیلی	لذت از کلاس	۱۸/۳۲	۱/۰۲	۳۸/۳۲
	خشم	۳۹/۶۰	۱/۵۴	۲۸/۶۰
	اضطراب	۲۲/۴۲	۱/۰۳	۱۲/۴۲
	شرم	۲۶/۹۵	۱/۲۱	۱۶/۴۵
	غرور	۱۲/۰۵	۱/۳۱	۱۱/۲۵
	ناامیدی	۲۲/۰۵	۱/۰۲	۱۱/۰۵
	خستگی	۱۲/۰۵	۱/۱۶	۱۲/۳۵

به منظور بررسی تأثیر برنامه مشاوره معنوی درمانی در هیجان تحصیلی و خودپنداره تحصیلی دانش‌آموزان از تحلیل کوواریانس چندمتغیره استفاده شد. قبل از استفاده از آزمون، از پیش‌فرض‌ها جهت اطمینان استفاده شد. نتایج آزمون لامبدای ویلکز نشان داد که بین دو گروه حداقل در یکی از مؤلفه‌های خودپنداره تحصیلی تفاوت معنادار وجود دارد ($F(۳, ۲۲/۹۴۸) = ۵۶$ و $P < 0/05$)، و همین‌طور بین دو گروه حداقل در یکی از مؤلفه‌های هیجان تحصیلی تفاوت معنادار وجود دارد ($F(۳, ۱۹/۱۵۰) = ۳$) و $F(۵۶, P < 0/05)$. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از آزمون‌های باکس، لامبدای ویلکز و لون، تحلیل‌های مربوط به اثرات بین‌آزمودنی‌ها مورد بررسی قرار گرفت که نتایج به‌دست‌آمده در جدول (۳) قابل مشاهده است. بر اساس جدول (۳)، بین دو گروه آزمایش و کنترل در همه مؤلفه‌های خودپنداره تحصیلی دانش‌آموزان به شرح زیر تفاوت معنادار وجود دارد:

بین دو گروه آزمایش و کنترل در میزان خودپنداره عمومی تفاوت معنادار وجود دارد ($F(۱, ۱۱/۷۶۰) = ۵۸$ و $P < ۰/۰۵$). به این صورت که میزان خودپنداره عمومی در گروه آزمایش به‌طور معناداری بیشتر از گروه کنترل می‌باشد. متغیر گروه ۵۶ درصد واریانس خودپنداره عمومی را تبیین می‌کند. بین دو گروه آزمایش و کنترل در میزان خودپنداره آموزشی تفاوت معنادار وجود دارد ($F(۱, ۱۷/۶۵۰) = ۵۸$ و $P < ۰/۰۵$). به این صورت که میزان خودپنداره آموزشی در گروه آزمایش به‌طور معناداری بیشتر از گروه کنترل می‌باشد. متغیر گروه ۵۲ درصد واریانس خودپنداره آموزشی را تبیین می‌کند. بین دو گروه آزمایش و کنترل در میزان خودپنداره غیرآموزشی تفاوت معنادار وجود دارد ($F(۱, ۱۵/۶۲۳) = ۵۸$ و $P < ۰/۰۵$). به این صورت که میزان خودپنداره غیرآموزشی در گروه

آزمایش به‌طور معناداری بیشتر از گروه کنترل می‌باشد. متغیر گروه ۵۰ درصد واریانس خودپنداره غیرآموزشگاهی را تبیین می‌کند.

جدول ۳: نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره اثرات گروه
بر مؤلفه‌های خودپنداره تحصیلی و هیجان تحصیلی

منابع	متغیر وابسته	مجموع مجزورات	df	میانگین مجزورات	F	سطح معنی‌داری	مجذور ایثا
گروه خطا	خودپنداره عمومی	۲۱۸/۹۰۰	۱	۲۱۸/۹۰۰	۱۱/۷۶۰	۰/۰۲۶	۰/۵۶۷
	خودپنداره آموزشگاهی	۲۳۶/۹۰۰	۱	۲۳۶/۹۰۰	۱۷/۶۵۰	۰/۰۲۶	۰/۵۲۲
	خودپنداره غیرآموزشگاهی	۲۲۹/۷۵۶	۱	۲۲۹/۷۵۶	۱۵/۶۲۳	۰/۰۰۵	۰/۵۰۲
	لذت از کلاس	۲۰۳/۲۲۵	۱	۲۰۳/۲۲۵	۱۴/۳۳۶	۰/۰۰۱	۰/۵۹۸
	خشم	۲۰۳/۲۲۵	۱	۱۹۹/۲۲۵	۱۶/۳۶۷	۰/۰۰۱	۰/۱۵۷
	اضطراب	۲۰۳/۲۲۵	۱	۲۶۷/۵۴۲	۱۸/۳۵۹	۰/۰۰۱	۰/۲۳۹
	شرم	۲۰۳/۲۲۵	۱	۲۵۵/۱۸۶	۱۵/۴۰۹	۰/۰۰۱	۰/۲۲۸
	غرور	۲۰۳/۲۲۵	۱	۲۶۳/۳۴۸	۱۲/۴۳۷	۰/۰۰۱	۰/۳۰۰
	ناامیدی	۲۰۳/۲۲۵	۱	۱۹۲/۶۴۹	۱۳/۵۱۹	۰/۰۰۱	۰/۳۱۹
	خستگی	۲۰۳/۲۲۵	۱	۲۳۴/۴۸۸	۱۵/۶۹۱	۰/۰۰۱	۰/۲۵۴
	خودپنداره عمومی	۶۶/۶۷۲	۵۸	۱۸/۰۱۹	-	-	-
	خودپنداره آموزشگاهی	۹۱/۳۱۹	۵۸	۲۷/۴۹۳	-	-	-
	خودپنداره غیرآموزشگاهی	۸۲/۳۲۷	۵۸	۲۴/۶۶۸	-	-	-
	لذت از کلاس	۷۹/۴۳۲	۵۸	۱۹/۱۹۴	-	-	-
	خشم	۷۴/۶۵۴	۵۸	۲۹/۳۹	-	-	-
	اضطراب	۷۵/۲۲۸	۵۸	۲۷/۸۹	-	-	-
	شرم	۸۲/۹۸۴	۵۸	۲۶/۲۷	-	-	-
	غرور	۸۰/۳۵۸	۵۸	۲۶/۹۳	-	-	-
	ناامیدی	۷۷/۷۸۶	۵۸	۳۳/۴۶	-	-	-
	خستگی	۷۸/۳۱۸	۵۸	۲۷/۹۷	-	-	-

بین دو گروه آزمایش و کنترل در میزان لذت از کلاس تفاوت معنادار وجود دارد ($F(۱ و ۵۸) = ۱۴/۲۱۰$) و $P < ۰/۰۵$). به این صورت که میزان لذت از کلاس در گروه آزمایش به‌طور معناداری بیشتر از گروه کنترل می‌باشد. متغیر گروه ۵۹ درصد واریانس لذت از کلاس را تبیین می‌کند.

بین دو گروه آزمایش و کنترل در میزان خشم تفاوت معنادار وجود ندارد ($F(۱ و ۵۸) = ۱۴/۳۳۶$) و $P < ۰/۰۵$. به این صورت که میزان خشم در گروه آزمایش تغییر چندانی نداشته است. متغیر گروه ۱۵ درصد واریانس خشم را تبیین می‌کند.

بین دو گروه آزمایش و کنترل در میزان اضطراب تفاوت معنادار وجود دارد ($F(1, 58) = 18/359$) و $P < 0/05$. به این صورت که میزان اضطراب در گروه آزمایش به‌طور معناداری کمتر از گروه کنترل می‌باشد. متغیر گروه ۲۳/۹ درصد واریانس اضطراب را تبیین می‌کند.

بین دو گروه آزمایش و کنترل در میزان شرم تفاوت معنادار وجود ندارد ($F(1, 58) = 15/409$) و $P < 0/05$. به این صورت که میزان شرم در گروه آزمایش تغییر چندانی نداشته است. متغیر گروه ۲۲/۸ درصد واریانس شرم را تبیین می‌کند.

بین دو گروه آزمایش و گواه در میزان غرور تفاوت معنادار وجود ندارد ($F(1, 58) = 12/437$) و $P < 0/05$. به این صورت که میزان غرور در گروه آزمایش تغییر چندانی نداشته است. متغیر گروه ۲۰/۰ درصد واریانس غرور را تبیین می‌کند.

بین دو گروه آزمایش و کنترل در میزان ناامیدی تفاوت معنادار وجود دارد ($F(1, 58) = 13/519$) و $P < 0/05$. به این صورت که میزان ناامیدی در گروه آزمایش به‌طور معناداری کمتر از گروه کنترل می‌باشد. متغیر گروه ۳۱/۹ درصد واریانس ناامیدی را تبیین می‌کند.

بین دو گروه آزمایش و کنترل در میزان خستگی تفاوت معنادار وجود ندارد ($F(1, 58) = 15/691$) و $P < 0/05$. به این صورت که میزان خستگی در گروه آزمایش تغییر چندانی نداشته است. متغیر گروه ۲۵/۴ درصد واریانس خستگی را تبیین می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به‌منظور بررسی اثربخشی برنامه مشاوره معنویت درمانی بر هیجان تحصیلی و خودپنداره تحصیلی دانش‌آموزان خانواده‌های تک والد انجام گرفت. نتایج بیانگر این بود که برنامه مشاوره معنویت درمانی بر برخی مؤلفه‌های هیجان تحصیلی و خودپنداره تحصیلی گروه آزمایش تفاوت معناداری ایجاد کرده است. نتایج با یافته‌های ویمر (۲۰۱۹)، عظیمی و همکاران (۱۳۹۷)، زنگی‌آبادی (۱۳۹۷) و اقدامی (۱۳۹۷) همسو بود. تعدادی از مطالعات همسو در زمینه خودپنداره تحصیلی نیز نشان می‌دهند که سطح خودپنداره در بین فرزندان که والدین آنها از هم جدا شده‌اند، پایین‌تر از کودکانی است که با والدین خود زندگی می‌کنند. نتایج این پژوهش با پژوهش ویمر (۲۰۱۹) هم‌راستاست. در خصوص این فرضیه می‌توان گفت که فرزندان خانواده‌های منسجم، استقلال و اختیار بیشتری در زندگی دارند و این استقلال و خودمختاری سبب می‌شود که در درس‌ها پیشرفت بیشتری داشته و مشغله‌های فکری کمتری داشته باشند. انگیزه نیرویی است که توسط هدف، هدایت و به برانگیختگی افراد منجر و ادامه رفتار را تا دستیابی به هدف موجب می‌شود، و از آنجایی که رفتار هر فردی ناشی از

انگیزه اوست و انگیزه به‌طور مستقیم در چگونگی انجام یک فعالیت نقش دارد، این انگیزه در دانش‌آموزان خانواده‌های منسجم بیشتر است و حتی در امر یادگیری و آموزش نیز داشتن انگیزش تحصیلی تعیین‌کننده کیفیت و کمیت بسیاری از متغیرهای تحصیلی است. یکی از عوامل مهمی که به ارتقای خودپنداره تحصیلی دانش‌آموزان کمک می‌کند، معنویت است. ایمان به خدا داشتن، تحمل افراد را در سختی‌ها افزایش می‌دهد و آنان را در برابر چالش‌ها یاری می‌کند. باورهای معنوی امید و آرامش را فراهم می‌نماید و می‌تواند سلامتی را برای انسان به دنبال داشته باشد که در خودپنداره دانش‌آموزان و درک از خودشان مؤثر است. داشتن معنا و هدف زندگی و امیدواری به کمک خدا از جمله منابعی هستند که خودپنداره را تقویت کرده و می‌تواند در مواجهه با شرایط دشوار زندگی دانش‌آموزان تک والد مفید باشد. برنامه مشاوره مبتنی بر معنوی درمانی برای رساندن فرد به آرامش، یک مجموعه از راهکارهای بینشی را فراهم می‌نماید. در جمع‌بندی می‌توان گفت معنوی درمانی باعث می‌شود دانش‌آموزان معنای زندگی را دریابند و از رفتارهای عقلانی پیروی کنند.

همچنین با توجه به یافته‌های دوم پژوهش بین دو گروه آزمایش و کنترل، از بین مؤلفه‌های هیجان تحصیلی دانش‌آموزان، در میزان لذت از کلاس تفاوت معناداری وجود داشت، اما در سایر مؤلفه‌های خشم، اضطراب، شرم، غرور، ناامیدی و خستگی تفاوت معنادار وجود ندارد. نتایج تا حدودی با یافته‌های پژوهش حیات (۱۳۹۶)، پیری لله‌لو و همکاران (۱۴۰۰) و شیبانی فر و همکاران (۱۴۰۲) هم‌راستاست. تنش‌های ناشی از شروع همه‌گیری کرونا و تغییرات قابل ملاحظه ایجادشده در خانواده، باعث بروز مشکلات فراوانی برای فرزندان طلاق می‌شود که یکی از تبعات برخورد با این بحران، افزایش هیجان تحصیلی در دانش‌آموزان خانواده‌های طلاق است؛ همچنین بر طبق نتایج برنامه مشاوره مبتنی بر معنویت درمانی هیجان تحصیلی در فرزندان طلاق را کاهش می‌دهد. در خصوص تبیین این فرضیه می‌توان گفت هیجان تحصیلی و مؤلفه‌های آن؛ از جمله لذت از کلاس به شدت تحت تأثیر عوامل محیطی و ادراکات افراد از این عوامل است، که در سطح خانواده و نظام‌های آموزشی و اجتماعی گسترده‌اند. بنابراین عناصر و عوامل تشکیل‌دهنده در محیط‌های آموزشی (معلم، شیوه ارزشیابی، تجارب یادگیری، تکالیف، تشویق و تنبیه، اهداف آموزشی) از طریق تأثیر بر ادراک دانش‌آموزان از محیط کلاس، مواد و موضوع‌های درسی بر هیجان آنان پیرامون تحصیل و پیشرفت تحصیلی تأثیر می‌گذارند. هیجان دانش‌آموزان درباره تحصیل می‌تواند در جهت‌گیری‌های آنها در فعالیت‌های یادگیری تأثیر عمده‌ای داشته باشد. دانش‌آموزان وقتی موضوع درس را لذت‌بخش و مفید بدانند، بر یادگیری تمرکز کرده و هدف تکلیف‌مداری را دنبال خواهند کرد. هیجان افراد درباره تحصیل و مدرسه در انتخاب

اهداف آنها مؤثر است. دانش‌آموزان زمانی در کلاس احساس امنیت و راحتی خواهند کرد که احساس کنند می‌توانند در کلاس فعالانه درگیر شده و در تصمیم‌گیری‌ها شرکت کنند. وقتی دانش‌آموز احساس کند معلم هر لحظه قصد ارزیابی او را دارد، احساس ایمنی نمی‌کند و در نتیجه جوی تنش‌زا ایجاد خواهد شد. فرزندان طلاق به سبب تک والدی شدن آنها و تغییر در شیوهٔ هیجان آنها نسبت به محیط اطراف، از هم‌تایان عادی تا حدودی فاصله می‌گیرند و این امر ممکن است نسبت به مدرسه نگرش خوبی نداشته باشند و این شبهه برای آنها ایجاد شود که مدرسه جای آنها نیست. برنامهٔ مشاورهٔ مبتنی بر معنویت درمانی باعث کاهش تنش و پریشانی‌های فرد می‌شود. آرامشی که ناشی از برنامه‌های معنوی است در هیجان دانش‌آموزان اثرگذار است و آن را کنترل می‌کند. توکل به خدا عامل تقویت فرد در هیجان‌هاست؛ در نتیجه دانش‌آموزی که به خدا برای حل مشکلش توسل می‌یابد کمتر تحت‌تأثیر اضطراب خواهد بود و هیجان خود را کنترل می‌کند.

با توجه به اینکه برنامهٔ مشاورهٔ مبتنی بر معنویت درمانی تأثیر معنی‌داری بر هیجان تحصیلی و خودپندارهٔ تحصیلی دانش‌آموزان خانواده‌های تک والد دارد، توصیه می‌شود معنویت درمانی در خانوادهٔ تک والد مورد توجه قرار گیرد و همچنین این درمان در بازسازی زندگی پس از طلاق می‌تواند مؤثر باشد. مهم‌ترین محدودیت پژوهش این است که به خاطر در دسترس بودن نمونه قابل تعمیم نیست. از جمله محدودیت‌های دیگر پژوهش مربوط به سن و جنس شرکت‌کنندگان است؛ لذا انجام پژوهش‌های تکمیلی با سنین مختلف پیشنهاد می‌شود.

منابع

- اسلامی، اسماعیل؛ غفاری، عذرا؛ موسی‌زاده، توکل؛ هاشمی، تورج و فتحی‌آذر، اسکندر (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش متمرکز بر تعدیل جهت‌گیری یادگیری معلمان بر خودکارآمدی معلمان و خودپندارهٔ تحصیلی دانش‌آموزان پایهٔ چهارم. *مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ۱۷(۳۷)، ۱-۲۶.
- اقدامی، زهرا و یوسفی، فریده (۱۳۹۷). رابطهٔ بین نیازهای اساسی روان‌شناختی و درگیری تحصیلی با واسطه‌گری خودکارآمدی. *مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ۱۵(۲۹)، ۳۷-۷۲.
- بشرپور، سجاد؛ عیسی‌زادگان، علی؛ زاهد، عادل و احمدیان، لیلیا (۱۳۹۲). مقایسهٔ خودپندارهٔ تحصیلی و اشتیاق به مدرسه در دانش‌آموزان مبتلا به ناتوانی یادگیری و عادی. *مجلهٔ مطالعات آموزش و یادگیری*، ۵(۲)، ۴۷-۶۴.
- پیری‌لله‌لو، جمال؛ پناه‌علی، امیر و اقدسی، علی‌نقی (۱۳۹۹). اثربخشی معنویت درمانی مبتنی بر خودآگاهی بر بهزیستی روان‌شناختی و ابراز وجود. *فصلنامهٔ پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۱۵(۵۹)، ۳۰-۴۸.
- جعفری، عیسی؛ دهشیری، غلامرضا؛ سهرابی، فرامرز و نجفی، محمود (۱۳۸۸). رابطهٔ بهزیستی معنوی با سلامت روان دانشجویان. *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، ۸(۳۱)، ۴۵-۷۸.
- حیات، علی‌اصغر؛ اسمی، کرامت؛ رضایی، ریتا و نبیئی، پریسا (۱۳۹۶). رابطهٔ هیجان‌های تحصیلی با عملکرد تحصیلی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز. *پژوهش در آموزش علوم پزشکی*، ۹(۴)، ۲۹-۲۰.
- خجسته‌مهر، رضا؛ عباس‌پور، ذبیح‌اله؛ کرابی، امین و کوچکی، رحیم (۱۳۹۱). تأثیر برنامهٔ موفقیت تحصیلی بر عملکرد و خودپندارهٔ تحصیلی، نگرش نسبت به مدرسه، یادگیری شیوهٔ موفقیت در مدرسه و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان. *روان‌شناسی مدرسه و آموزشگاه*، ۱(۱)، ۲۷-۴۵.

- دلیرناصر، نرگس و حسینی‌نسب، سیدداوود (۱۳۹۴). بررسی مقایسه‌ای پیشرفت تحصیلی و انگیزه پیشرفت در دانش‌آموزان ابتدایی مدارس عادی و هوشمند شهر تبریز. *آموزش و ارزشیابی (علوم تربیتی)*، ۲۹(۸)، ۴۲-۳۱.
- راست‌روشن طبیبی، آناهیتا و محمدی، عیسی (۱۳۹۸). نقش نگرش‌های ناکارآمد و خودپنداره تحصیلی در پیش‌بینی اضطراب امتحان دانش‌آموزان. *روان‌شناسی مدرسه و آموزشگاه*، ۴(۸)، ۷۷-۹۱.
- زنگی‌آبادی، معصومه؛ صادقی، مسعود و قدم‌پور، عزت‌اله (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش راهبردهای پردازش هیجان‌مدار بر هیجان تحصیلی و خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر کرمان. *مجله علوم روان‌شناختی*، ۱۷(۶۷)، ۴۰۶-۳۹۹.
- سماوی، سیدعبدالله؛ ابراهیمی، کلثوم و جاودان، موسی (۱۳۹۵). بررسی رابطه درگیری‌های تحصیلی، خودکارآمدی و انگیزش تحصیلی با پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر بندرعباس. *راهبردهای شناختی در یادگیری*، ۷(۷)، ۷۱-۹۲.
- شیبانی‌فر، رضا؛ کریمی، ایمان؛ هاشمی، سهیل و حمیدی‌پور، رحیم (۱۴۰۲). همسنجی خودپنداره تحصیلی و هیجان تحصیلی دانش‌آموزان خانواده‌های طلاق و منسجم در دوره پسا‌کرونا. *پژوهش در روان‌درمانی کودک و نوجوان*، ۱۱(۲)، ۴۵-۵۶.
- شیبانی‌فر، رضا؛ هاشمی، سهیل؛ کریمی، ایمان و کریمی، الهام (۱۴۰۲). بررسی مقایسه‌ای انگیزش تحصیلی، نگرش به مدرسه فرزندان طلاق با هم‌تایان عادی در همه‌گیری کرونا. *فصلنامه پژوهش‌های کاربردی در مشاوره*، ۴(۲)، ۹۵-۱۱۱.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۵). معنویت تشیع. قم: تشیع.
- عظیمی، داریوش؛ امین‌زاده دانا، محمد و شریعتمدار، آسیه (۱۳۹۷). اثربخشی معنویت درمانی اسلامی بر تعلل‌ورزی و اشتیاق تحصیلی دانشجویان پرستاری. *راهبردهای توسعه در آموزش پزشکی*، ۲(۵)، ۹۷-۱۰۸.
- قافله‌باشی، مهدیه؛ موسوی، سیده فاطمه و گلشنی، فاطمه (۱۳۹۴). فرسودگی تحصیلی در دانشجویان: نقش پیش‌بینی‌کننده‌های کمال‌گرایی و هدف‌گزینی. *مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ۱۲(۲۲)، ۱۳۳-۱۵۶.
- کاویان، مینا؛ خجسته‌کاشانی، امیر و تهامی، الهام (۱۳۹۵). کمک‌های اولیه روان‌شناختی برای کودکان طلاق: یک مطالعه مروری. *رویش روان‌شناسی*، ۵(۳)، ۱۸۵-۲۰۲.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۳). مجموعه آثار. تهران: صدرا.
- وزیری، شهرام؛ لطفی کاشانی، فرح و اکبری، محمداسماعیل (۱۳۹۶). *راهنمای معنویت‌درمانی*. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- یحیی‌زاده، حسین و حامد، محبوبه (۱۳۹۴). مسایل فرزندان طلاق در ایران و مداخلات مربوطه: فراتحلیل مقالات موجود. *مطالعات زن و خانواده*، ۳(۲)، ۹۱-۱۲۰.
- Abiola, F. & Akomolafe, M. J. (2013). Effects of Self-Management Technique on Academic Self- Concept of Under-Achievers in Secondary Schools. *Journal of Education and Practice*, 4(6), 138-141
- Cooper, K. M., Krieg, A. & Brownell, S. E. (2018). Who perceives they are smarter? Exploring the influence of student characteristics on student academic self-concept in physiology. *Advances in physiology education*, 42(2), 200-208.
- Jing, H. E. (2007). Analysis on the relationship among test anxiety, self-concept and academic competency. *Journal of Educational Psychology*, 5(1), 48-51.
- Laird, J. (2015). effect of divorce on children's outcomes [Online]. Available from: URL: <http://www.econ.ku.dk/Kalender/seminarerepru/21052015/>
- Linnenbrink, E. A., & Pintrich, P. R. (2019). Motivation as an enabler for academic success. *School psychology review*, 31(3), 313-327.
- Lloyd G. M., Sailor J. L., Carney W. (2014). A phenomenological study of post-divorce adjustment in midlife. *J Divorce Remarriage*, 55(6), 441-50.
- Mehta, A. P. (1969). Achievement motive in high school boys. Monographs of National Council of Educational Research and Training (NCERT), *New Delhi*, 61, 12-14
- Noushad, P. P. (2008). From teacher burnout to student burnout. Retrieved from ERIC Database. (ED502150).
- Parker, G. Durante, K. M. Hill, S. E. & Haselton, M. G. (2021). Why women choose divorce: An evolutionary perspective. *Current opinion in psychology*.

- Pekrun, R., Elliot, A. J. & Maier, M. A. (2009). Achievement goals and achievement emotions: Testing a model of their joint relations with academic performance. *Journal of educational Psychology*, 101(1), 115.
- Pekrun, R., Lichtenfeld, S., Marsh, H. W., Murayama, K. & Goetz, T. (2017). Achievement emotions and academic performance: Longitudinal models of reciprocal effects. *Child development*, 88(5), 1653-1670
- Shahyad, S., Mohammadi M. T. (2021). Strategies to Promote the Mental Health of Children and Teenagers during the COVID-19 Pandemic: A Narrative Review. *J Mar Med*; 3(4), 142-152(Persian).
- Sheibanifar, R., Hashemi, S., Karimi, I. & Karimi, E. (2023). A comparative study of academic motivation, attitudes toward school for divorced children with normal counterparts in the Corona epidemic. *Applied Research in Consulting*, 4(13), 95-111.
- Sheibanifar, R., Karimi, I., Hashemi, S. & Hamidipour, R. (2023). Comparison of academic self-concept and academic excitement of students from divorced and united families in the post-corona era. *Research in Child and Adolescent Psychotherapy*, 2(1), 45-56.
- Sun, Ang, Zhao, Yaohui (2016). Divorce, abortion, and the child sex ratio: The impact of divorce reform in China". *Journal of Development Economics*, Volume 120.
- Wimmer, S., lackner H. K., papousek I., paechter M. (2019) The effects of different dimensions of academic self-concept on previous student improvement after a stressful.12:2019, 1031-1040.

شاخص های آمادگی پیش از ازدواج دختران با تأکید بر منابع اسلامی

The Indices of the Girls' Pre-marriage Readiness with an Emphasis on Islamic Sources

✉ **فائزه سادات موسوی** / کارشناسی ارشد مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران
هادی حسین خانی / استادیار گروه اخلاق مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ایران
عبدالاحد اسلامی / استادیار گروه روان شناسی مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران

✉ **Faezeh Sadat Mousavi** / Master of Family Studies, Institute of Higher Education in Ethics and Education, Qom, Iran
fzmosavi1400@gmail.com

Hadi Hosseinkhani / Assistant Professor, Department of Ethics, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran

Abdolahad Eslami / Assistant Professor, Department of Psychology, Institute of Higher Education in Ethics and Education, Qom, Iran

Abstract

Marriage and choosing one's spouse forms the foundation of the families. Considering widespread social and cultural changes in the society and the existing educational impairments, debate on pre-marriage readiness, especially in girls, is very essential, and practical studies in this sphere are of considerable importance. The present study aimed at investigating the indices of the girls' pre-marriage readiness with an Islamic approach. The study was conducted with a qualitative method in order to discover and specify the indices of girls' readiness before marriage. The necessary data were gathered using Islamic sources (the Quran and traditions). The indices of readiness were obtained in seven spheres, including the following types of readiness: religious, cognitive, moral, emotional, social, economic, physical

چکیده

با توجه به تغییرات گسترده اجتماعی و فرهنگی در جامعه و سخت تر شدن امر ازدواج، بحث از آمادگی های پیش از ازدواج، به ویژه در دختران بسیار ضروری است. پژوهش حاضر با هدف بررسی شاخص های آمادگی پیش از ازدواج دختران با رویکرد اسلامی تدوین گردیده است. این مطالعه به روش توصیفی تحلیلی و کیفی به منظور کشف و تعیین شاخص های آمادگی پیش از ازدواج دختران انجام گرفته و اطلاعات مورد نیاز با شیوه داده پردازی کتابخانه ای از منابع اسلامی (قرآن و روایات) گردآوری شد. بر اساس نتایج تحقیق شاخص های آمادگی در ۷ حوزه به دست آمد که عبارت اند از: آمادگی های دینی، شناختی، اخلاقی، عاطفی، اجتماعی، اقتصادی، جسمی و جنسی. در هریک از این محورها، شاخص های آمادگی تعریف و زیرمؤلفه های مناسب تبیین گردید. در نهایت روایی محتوایی یافته ها مورد ارزیابی کارشناسان

and sexual. In each of these lines, the indices of readiness were defined and the proper sub-components were explained. Finally, the experts evaluated the content validity of the findings, and the results showed that the indices of readiness for girls' marriage enjoy desirable level of content validity.

Key words: index, pre-marriage readiness, Islamic sources.

قرار گرفت و نتایج نشان داد که شاخص‌های آمادگی ازدواج دختران از روایی محتوایی مطلوبی برخوردار می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: شاخص‌های ازدواج، آمادگی پیش ازدواج، ازدواج دختران.

مقدمه

ازدواج^۱ امری مطابق با طبیعت، فطرت و عقل است که از دیدگاه اسلام به منظور ارضای نیازهای عاطفی، جنسی، تکامل و رشد ارزش‌های اخلاقی، تربیت فرزند صالح و در نهایت رسیدن به آرامش روان تحقق می‌یابد (بختیاری، شرف‌الدین و بستان، ۱۳۹۰). در اسلام آفرینش زن و مرد از یک خمیرمایه است و آیات قرآن نشان می‌دهند بین آن دو پیوندی الهی وجود دارد که در سایه ازدواج، این همبستگی به صورت عهده محکم در می‌آید (نساء: ۲۱) و آن دو مایه آرامش یکدیگر می‌شوند (روم: ۲۱؛ خدایاری فرد و همکاران، ۱۳۸۶).

تشکیل خانواده و ازدواج نخستین و مهم‌ترین مرحله در چرخه زندگی خانوادگی است که در آن شریک زندگی فرد انتخاب می‌شود و معمولاً موفقیت در دیگر مراحل زندگی به موفقیت در این مرحله بستگی دارد (کارو و همکاران، ۲۰۱۴^۲). موفقیت در ازدواج، وابسته به وجود شرایطی است و یکی از این شرایط، وجود سطحی از آمادگی‌های متعدد شناختی، اجتماعی، عاطفی، اقتصادی و جنسی پیش از ازدواج می‌باشد. این آمادگی‌ها زمینه‌ساز ازدواج موفق هستند، به طوری که پس از آن، بهداشت روان و سلامت شخصیت فرد تأمین می‌گردد (سالاری فر و همکاران، ۱۳۸۹).

آمادگی را می‌توان برای تبیین و اندازه‌گیری نوع خاصی از رفتار به کار برد و اطلاع از حالت آمادگی امکان پیش‌بینی آن نوع رفتاری را فراهم می‌سازد که در صورت فعال شدن، آمادگی می‌تواند اتفاق افتد؛ از این رو آمادگی برای ازدواج شاخص مهمی برای اقدام به ازدواج و زمان حرکت در جهت ازدواج رسمی است. آمادگی ازدواج عبارت است از ارزیابی ذهنی فرد از آمادگی برای پذیرش مسئولیت‌ها و چالش‌های ازدواج (لارسون، ۱۹۸۸^۳). بسیاری از طلاق‌ها بدین دلیل رخ می‌دهد که

1. Marriage

2. Carr

3. Larson

زوجین برای ازدواج آماده نبوده و رابطه خوبی ندارند (اولسون،^۱ ۲۰۰۱، به نقل از: قلیلی رنای، ۱۳۹۱). شناخت‌های لازم آن دسته از نگرش‌ها و آگاهی‌هاست که وجود آنها تا حد زیادی تضمین‌کننده سلامت ازدواج بوده و موجب استحکام و پایداری زندگی مشترک می‌شود و نبود آنها سلامت ازدواج و زندگی مشترک را با تهدیدهای جدی مواجه می‌سازد. امیر مؤمنان^ع درخصوص ضرورت وجود شناخت در آغاز تمام امور می‌فرمایند: «ای کمیل! هیچ حرکت و اقدامی نیست جز آنکه تو در آن نیازمند شناخت و آگاهی هستی» (مجلسی، ۱۴۰۳ق). اگر زن و شوهر به وظایف خویش آشنا بوده و به آنها عمل کنند، محیط خانه باصفا و دوست‌داشتنی خواهد شد. عوامل مختلفی در به وجود آمدن اختلاف‌های خانوادگی نقش دارند؛ عواملی همچون مسائل اقتصادی، تربیت خانوادگی، محیط زندگی و دخالت‌های بیجای دیگران. یکی از عوامل ناسازگاری و اختلافات داخلی، آشنا نبودن زن و شوهر به وظایف زناشویی خود و عدم آمادگی برای ایجاد زندگی مشترک است که برای بر عهده گرفتن هر مسئولیت و انجام هر کاری آشنایی و آمادگی، شرطی اساسی است و کسی که اطلاعات کافی و آمادگی قبلی نداشته باشد، نمی‌تواند کاری را به‌گونه‌ای مطلوب انجام دهد. برای زندگی مشترک زناشویی نیز تخصص و آمادگی و اطلاعات کافی لازم است (امینی، ۱۳۸۷).

آماده شدن برای ازدواج رویکرد نسبتاً تازه‌ای برای پیشگیری از نارضایتی و شکست در زندگی زناشویی است و مبتنی بر این دیدگاه است که زوجها می‌توانند یاد بگیرند که چگونه ازدواج‌های موفق پایداری داشته باشند و هدف زیربنایی بسیاری از رویکردهای آماده‌سازی نیز کمک به قوی‌تر شدن پیوندهای زناشویی است (اولسون^۲ و همکاران، ۲۰۱۲). در این زمینه، مرکز ملی تحقیقات ازدواج سالم بیان می‌کند که آمادگی قبل از ازدواج می‌تواند راهبرد مؤثری در کاهش طلاق و حمایت از ازدواج سالم باشد. عدم آمادگی افراد برای ازدواج و نگرش‌های اشتباه، عواملی هستند که می‌بایستی در مداخلات قبل از ازدواج شناسایی شوند؛ چراکه آمادگی کافی قبل از ازدواج به‌طور مثبت نه‌تنها روی ازدواج؛ بلکه روی انسان و نسل‌های آینده نیز مؤثر است (پولی،^۳ ۲۰۱۱).

با توجه به روایت امیر مؤمنان^ع متوجه می‌شویم که در روایات هم آمادگی‌های پیش از ازدواج دختران متفاوت از پسران است. ایشان در روایتی بهترین زنان را دارای پنج ویژگی می‌دانند، این ویژگی‌ها عبارت است از: «آسان‌گیری، نرم‌خویی، سازگاری، تلاش برای خشنودی شوهر و خاموش کردن شعله خشم او و در نهایت حفظ مال و آبروی شوهر در زمانی که او حضور ندارد» (کلینی، ۱۴۰۷ق). پذیرش کامل و سالم هویت و نقش زن در خانواده و انجام با کیفیت وظایف، مسئولیت‌ها و

1. Olson

2. Olson

3. Poley

دستیابی به اهداف عالی ازدواج، منوط به ویژگی‌ها و شاخص‌هایی است که بسیاری از آن را دختران پیش از ازدواج باید به‌دست آورند؛ از این‌رو بررسی شاخص‌های این آمادگی امری ضروری می‌باشد. شلالوند (۱۳۹۸) تدوین الگوی آمادگی برای ازدواج دانشجویان پسر را انجام داده است. یافته‌های پژوهش او نشان از تجسم آمادگی برای ازدواج به‌مثابه پختگی یا بلوغ دارد. این مسئله متأثر از برخی شرایط علی نظیر ادراک پختگی روانی، ادراک گسترش ظرفیت شناختی، ادراک پختگی در جنبه عاطفی و ادراک پذیرش تعهد و رشد طرح‌واره‌ای آمادگی ازدواج هست. ادراک نیاز به حمایت خانواده، پختگی در جنبه مالی و اقتصادی و نگرش مثبت یا منفی به ازدواج از جمله عوامل زمینه‌ای مؤثر بر آمادگی ازدواج دانشجویان محسوب می‌شود.

قلیلی رنانی (۱۳۹۱) در رساله دکتری خود به شناسایی معیارهای آمادگی برای ازدواج از دیدگاه جوانان، والدین و کارشناسان، ارائه معیارهای بومی آمادگی و بررسی میزان آمادگی جوانان در شهر اصفهان پرداخت. از نتایج بخش کیفی تحقیق ۱۱ مفهوم کفایت عقلی، آمادگی اخلاقی، مدیریت هیجان، آمادگی شخصیتی، سلامت روان‌شناختی، نقش‌های مربوط به خانواده، مهارت ارتباط، آمادگی جسمی، آمادگی مالی، آمادگی خانوادگی و آمادگی اجتماعی برای معیارهای آمادگی ازدواج به‌دست آورد. در این پژوهش‌ها آمادگی‌های دختران به‌طور مجزا بررسی نشده و با توجه به منابع اسلامی نیستند.

موفقیت در ازدواج نیز با آن همه آثار و نتایج، مستلزم آمادگی طرفین ازدواج است. چه‌بسا بدون آمادگی، نه‌تنها ازدواج به نتایج مثبتی نرسد؛ بلکه آسایش و آرامش پیش از ازدواج را نیز سلب کند. بر این اساس، احراز آمادگی فرد لازمه موفقیت در ازدواج به‌شمار می‌رود. اما سؤال اساسی آن است که این آمادگی با چه شاخص‌هایی تعیین می‌شود؟ و به دلیل تفاوت‌های زنان و مردان در ابعاد گوناگون، شاخص‌های آمادگی در دو جنس نیز متفاوت می‌باشد. پژوهش در زمینه شاخص‌های آمادگی پیش از ازدواج، گام مهمی در ازدواج موفق و نجات از سردرگمی دختران و سلامت جامعه خواهد بود. بنابراین هدف تحقیق حاضر آن است که شاخص‌های آمادگی ازدواج در دختران و چگونگی احراز آنها را با تأکید بر منابع اسلامی استخراج کند.

روش پژوهش

این تحقیق به لحاظ هدف، بنیادی و به لحاظ رویکرد، کیفی است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کیفی داده‌بنیاد استفاده شد و روش توصیفی زمینه‌یابی به منظور بررسی روایی محتوایی به‌کار رفت. جامعه متنی پژوهش، کلیه جملات توصیفی و تبیینی موجود در متون اسلامی (آیات و روایات) و مرتبط با حوزه معنایی آمادگی پیش از ازدواج دختران است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در پژوهش حاضر، محتوای آشکار و نهان متون اسلامی در قرآن و روایات تجزیه و تحیل شدند. این کار با رویکرد تحلیل کیفی داده‌ها انجام گردیده است. بدین منظور کلیدواژه‌های آمادگی پیش از ازدواج دختران در قرآن و کتاب‌های حدیثی جست‌وجو، جمع‌آوری و کدگذاری گردید و شاخص‌های آمادگی پیش از ازدواج دختران با رویکرد اسلامی تنظیم شد و در نهایت روایی محتوایی یافته‌ها مورد ارزیابی کارشناسان قرار گرفت؛ همچنین جامعه آماری پژوهش در بخش توصیفی در بررسی روایی محتوایی را کارشناسان خبره‌ای تشکیل می‌دهند که در حیطه فهم و استنباط منابع اسلامی و رشته روان‌شناسی آگاه و نسبتاً در یک سطح می‌باشند.

یافته‌های پژوهش

برای دستیابی به شاخص‌ها، آموزه‌های اسلام که با ازدواج و دختران مرتبطاند جمع‌آوری و دسته‌بندی شدند و همان‌طور که در شکل (۱) قابل ملاحظه است در هفت شاخصه اصلی تدوین گردید، تا بررسی‌های کارشناسی و آماری صحت آنها را ارزیابی کنند. این شاخص‌ها عبارت‌اند از: آمادگی دینی، شناختی، اخلاقی، عاطفی، اجتماعی، جسمی، جنسی و اقتصادی.

هریک از این شاخص‌ها تعریف و مؤلفه‌های مناسب برای هر شاخصه تعیین شدند.



شکل ۱: شاخص‌های آمادگی پیش از ازدواج دختران

۱. آمادگی‌های دینی

باایمان بودن: فرد باایمان به خدا، دین را محور زندگی خود قرار داده و به سعادت اخروی بیش از رفاه دنیوی اهمیت می‌دهد، در انجام وظایف دینی‌اش تلاش می‌کند و در صورت کوتاهی در این زمینه، پشیمان شده و توبه می‌کند، محبت اولیای الهی را در دل داشته و به رهنمودهای آنان عمل می‌کند و به ازدواج و انتخاب همسر نگاهی دینی دارد (حسین‌خانی، ۱۳۸۹). گرچه ایمان یک مسئله معنوی است و بیشتر به رابطه فرد با خداوند ارتباط پیدا می‌کند؛ اما تأثیر این ارتباط آن‌چنان است که بر تمامی ابعاد شخصیت فرد هویدا و بارز است. فرد باایمان با کسی ارتباط دارد که مظهر لطف و صفاست، ارتباط با کسی است که سرچشمه عدالت و احسان است، تلاش برای نزدیک شدن به کمال مطلق و مطلق کمال است، پیروی از فرمان کسی است که جز به نیکی فرمان نمی‌دهد و جز به دوری از زشتی دستوری نمی‌دهد (یزدانی، ۱۳۸۸).

انگیزه الهی در ازدواج: با توجه به نقش دین‌داری در سعادت زندگی زناشویی، می‌توان برخورداری از انگیزه الهی در ازدواج را نخستین گام به‌رمندی از ولایت خداوند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷) و زمینه‌ساز تحصیل سایر معیارهای آمادگی ازدواج (کلینی، ۱۳۶۵) به‌شمار آورد.

داشتن ملاک‌های اسلامی در انتخاب همسر: اگر خداوند می‌گوید مؤمن را با هیچ‌کس دیگر مبادله نکنید، به دلیل ارزش و اهمیت و خدمات فراوانی است که یک مؤمن به هم‌نشین عطا می‌کند، و اگر می‌گوید با بی‌دین ازدواج نکنید، به دلیل همان خطری است که به‌واسطه فساد و باطل از وجود یک بی‌دین به دیگری می‌رسد. هرچند ممکن است آن بی‌دین در اوج ثروت و زیبایی باشد؛ اما آنچه را از انسان می‌گیرد بیش از تمام چیزهایی است که به انسان می‌دهد.

نگرش به ازدواج با هویت عبادی: رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «مردی که با زن ازدواج نماید و زنی که با مرد عقد زناشویی ببندد، هرکدام نصف دین خود را حفظ نموده‌اند» (بروجردی، ۱۳۸۰)؛ یعنی هویت مرد برای زن در نکاح و نیز هویت زن برای مرد در ازدواج، یک هویت دینی است، نه غریزی و آمیزش حیوانی که در هر نر و ماده‌ای یافت می‌شود؛ همچنین پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «هیچ جوانی نیست که در عنفوان جوانی ازدواج نماید، مگر آنکه شیطان مراقب وی ناله برمی‌آورد که دو سوم دین خود را از من حفظ نموده است. بنده خدا بعد از ازدواج باید درباره یک سوم دیگر دین خود پرهیزکار باشد» (بروجردی، ۱۳۸۰).

در این حال مرد یا زن جوان که پیوند زندگی مشترک را می‌بندد، با این عمل بخش مهم دین خود را حفظ می‌نماید. چنین نگرش ملکوتی به زن و نگاه الهی به ازدواج و بینش آسمانی به تشکیل کانون مشترک زناشویی، هرگز مرد را وابسته یا آزاد نمی‌بیند و زن را نیز از نگاه وابستگی و ابزاری مصون می‌داند (جوادی آملی، ۱۳۷۵).

پایبندی به قواعد و قوانین دین: آیه ۵ سورة تحریم بر دین‌داری زن تأکید دارد: «امید است که اگر او شما را طلاق دهد، پروردگارش به جای شما همسرانی بهتر برای او قرار دهد، همسرانی مسلمان، مؤمن، متواضع، توبه‌کار، عابد، هجرت‌کننده، زنانی غیرباکره و باکره». اینها از جمله مواردی است که قرآن کریم به‌عنوان مشخصه‌های یک زن شایسته ذکر می‌کند که با توصل به این اعمال، دین خود را کامل و تعالی روحی و روانی و به تبع آن شایستگی‌های اخلاقی و فکری را نصیب خود کرده‌اند (طالب‌زاده دزفولی و همکاران، ۱۴۰۰).

همیاری با همسر در انجام وظایف دینی: بارزترین شاخصی که امیرمؤمنین[ؓ] در مورد همسرشان حضرت زهرا[ؓ] در اولین روز زندگی مطرح می‌فرمایند، کمک ایشان در طاعت خداوند است و چه خوب است که دختران این شاخص را در خود پرورش دهند و هدف خود از ازدواج بدانند. رسول خدا^ﷺ صبح اولین روز عروسی وارد حجله شدند و از حضرت علی[ؓ] پرسیدند: «همسرت را چگونه یافتی؟ او در جواب عرض کرد: بهترین کمک است بر اطاعت از خدا» (مجلسی، ۱۴۰۳ق).

۲. آمادگی‌های شناختی

شناخت اهداف ازدواج: قرآن کریم با آیه «لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم: ۳۱) فلسفه ازدواج را روشن کرده است. ازدواج هدفی را دنبال می‌کند و آن آرامش و تسکین آدمی است؛ بنابراین تمام ملاک و معیارها در این مسیر قرار می‌گیرد.

خودشناسی: یکی از گام‌های مهم برای اقدام به ازدواج و تشکیل زندگی مشترک این است که فرد بداند چه کسی است و چه ویژگی‌هایی دارد، اعم از ویژگی‌های جسمی و شخصیتی (افکار، باورها، اهداف و آرزوها، احساسات، توانایی‌ها، نقاط ضعف و...) و ویژگی‌های خانوادگی و موقعیتی اقتصادی، فرهنگی، تحصیلی و... با شناختی که از مسئله ازدواج به‌دست آورده است، بفهمد آیا برای آن آمادگی لازم را دارم یا نه؟ کشف کند که از ازدواج واقعاً چه انتظاری دارد و قصد و انگیزه‌اش چیست؟ برای رسیدن به این اهداف در ازدواج چه کسی مناسب اوست و به‌اصطلاح با چه ملاک‌ها و معیارهایی می‌توان فرد مناسب خود را تعیین کند؟

امام علی[ؓ] می‌فرمایند: «همانا چنانچه نفوس متناسب هم باشند بینشان الفت ایجاد می‌شود» (تمیمی آمدی، ۱۴۰۹ق). افراد زمانی قادر خواهند بود فرد مناسبی را برای زندگی خود پیدا کنند که خود فرد مناسبی شده باشند

شناخت جایگاه زن: زن به‌عنوان امین حق‌الله از نظر قرآن مطرح است؛ یعنی این مقام و این حرمت و حیثیت را خدای سبحان که حق خود اوست به زن داده و فرموده این حق مرا تو به‌عنوان امانت حفظ کن.

جامعه‌ای که قرآن در او حاکم است، جامعه عاطفه است و سرش این است که نیمی از جامعه را معلمان عاطفه به عهده دارند و آن مادرها هستند، چه بخواهیم چه نخواهیم چه بدانیم و چه ندانیم اصول خانواده درس رأفت و رقت می‌دهد و رأفت و رقت در همه مسائل کارساز است (جوادی آملی، ۱۳۷۵).

شناخت جایگاه مادری: در متون دینی گرامیداشت مقام مادران مایه ورود بهشت است، چه اینکه خط مشی و کیفیت رفتار مادر در تربیت فرزند وارسته اهل بهشت نقش تعیین کننده‌ای دارد و از حضرت رسول اکرم ﷺ در این باره دو مطلب رسیده است: یکی آنکه «الجنة تحت اقدام الأمهات» و دیگر آنکه «اگر مشغول نماز مستحبی هستی، وقتی پدرت تو را خواند، نماز را قطع نکن و اگر مادرت تو را خواند، نماز را قطع نما». البته قطع نافله حرام نیست، لیکن در حالت جواز قطع یا رجحان آن یکسان نیست و از این جهت نیکی نسبت به مادر افضل از احسان نسبت به پدر است؛ چنان‌که از رسول گرامی اسلام ﷺ رسیده است (بروجردی، ۱۳۸۰)، و سر ترجیح آن هم در تحمل رنج‌های فراوان مادر تعبیر شده است و نیز گرامیداشت خاله، خواهر مادر در نبود و فقدان مادر به منزله تکریم مادر تلقی شده است (بروجردی، ۱۳۸۰).

آیات قرآن که در مورد حق‌شناسی از والدین آمده است بر دو قسم است: یک قسم حق‌شناسی مشترک پدر و مادر را بیان می‌کند و قسم دیگر آیاتی است که مخصوص حق‌شناسی مادر است. مادران فرزندان‌شان را دو سال شیر می‌دهند (بقره: ۲۳۳) که مستقیماً کودک از مادر تغذیه می‌کند، مادر مسئول حفظ دو نفر است و دو تکلیف دارد: یکی برای خود و دیگری برای کودک. پدر در اصل نطفه موظف است حلال بخورد و اگر بعداً مبتلا به حرام شد، ارتباط تنگاتنگی با پرورش کودک ندارد؛ زیرا غذای حرام پدر در جهاز گوارشی پدر هضم می‌شود، اما غذای مادر در دستگاه گوارشی او تبدیل به شیر می‌شود و کودک تغذیه می‌کند؛ لذا او موظف است به کودک حلال بدهد و خود حلال بخورد، این در مورد تغذیه جسمانی. در غذای روحانی نیز چنین است، اگر مرد خاطره، خیال و هوس بدی در سر پروراند خود را می‌سوزاند. خیال گناه و خاطره تلخ در درون مرد علیه خود اوست، اما خیال باطل و حرام و اندیشه گناه و خاطرات تلخ برای زن علیه دو نفر خواهد بود. اگر مادری بداند که اندیشه‌های او در کودک اثر می‌گذارد، اندیشه‌ها و بینش‌های خود را تعالی بیشتری می‌بخشد. بنابراین مسئولیت زن در این سی ماه به مراتب بیش از مرد است، و هرکه مسئولیتش بیشتر باشد در صورت عمل به آن توجهش به خدا بیشتر است، و هرکه توجهش به خدا بیشتر بود و عمل کرد موفق‌تر است. هرکس مسئولیت بیشتری دارد نشانه آن است که اگر به این مسئولیت‌ها با دید تکریم بنگرد به خدا نزدیک‌تر است (جوادی آملی، ۱۳۷۵).

شناخت تفاوت‌های مرد و زن: قرآن کریم تفاوت‌های زن و مرد را این‌چنین بیان می‌کند: «مردان مانند زنان نیستند» (آل عمران: ۳۶). زن و مرد با وجود اشتراکات زیادی که در هویت انسانی، ویژگی‌های

جسمانی، استعداد و توان بالقوه‌ای که در رسیدن به کمال و هدف از آفرینش خود دارند، دارای تفاوت‌های زیادی نیز می‌باشند. تفاوت‌های بین زن و مرد امری جدی و انکارناپذیر است. دانستن این تفاوت‌ها به هریک از همسران کمک می‌کند تا روابط خود را با دیگری به نحوی مناسب تنظیم نمایند و ضمن بهره‌مندی از تفاهم بیشتر، از بروز اختلافات و نارضایتی‌ها پیشگیری نمایند (ربانی، ۱۳۹۶).

آگاهی از توانمندی‌های ویژه زن و مرد باعث می‌شود که هریک از آنان در نقش و جایگاهی متناسب قرار گیرند و استعداد‌های خود را در آن عرصه‌ها شکوفا کنند و خود نیز از رضایت‌مندی برخوردار شوند (پناهی، ۱۳۹۸). اگر تفاوت‌هایی در استعداد‌های زنان مشاهده می‌شود، در راستای شکل‌گیری نظام احسن و بر زمین نماندن وظایف اجتماعی و خانوادگی است (جوادی آملی، ۱۳۷۵).

مرد‌ها کلی‌نگر هستند و زن‌ها جزئی‌نگر؛ به این معنا که معمولاً مردان در زندگی روزمره به ریزه‌کاری‌ها و جزئیات کاری ندارند یا متوجه آن نیستند. در مقابل، زنان به جزئیات و ظرافت‌ها توجه بیشتری دارند. جزئی‌نگری زنان را آماده‌مربیگری و ایفای نقش مادری می‌کند و کلی‌نگری مدیران خوبی از مرد‌ها می‌سازد (محمدی صیفار، ۱۳۹۴). مرد‌ها در مسائل زندگی و حل مشکلات رویکرد مسئله‌مدار دارند و بر اساس تفکر و استفاده از عقل خود مسائل را حل می‌کنند و در مقابل، زن‌ها در مواجهه با استرس و مشکلات، هیجان‌مدار هستند (مهکام، ۱۳۹۹).

شناخت نقش‌ها در خانواده

نقش مرد: مدیریت کل خانواده، نقش اقتصادی و پرداخت نفقه، نقش تربیتی.

نقش زن: مدیریت منزل، آرام‌بخش بودن، نقش جنسی، نقش تربیتی.

شناخت وظایف زن: جهاد زن خوب شوهرداری کردن است. مردی به رسول خدا ﷺ عرض کرد: همسری دارم که وقتی وارد منزل می‌شوم به استقبال من می‌آید و آنگاه که خارج می‌شوم بدرقه‌ام می‌کند، وقتی مرا غمناک می‌بیند می‌گوید برای چه غصه می‌خوری؟ اگر به خاطر رزق است که خداوند تعهد آن را داده است، و اگر غم آخرت را داری، خدا غصه‌ات را زیاده‌تر کند. رسول خدا ﷺ فرمود: «همانا خداوند کارگزارانی دارد و این زن یکی از کارگزاران خداست، این زن با این عملی که انجام می‌دهد ثواب نصف شهید را دارد» (حر عاملی، ۱۴۱۲ق).

هوشمندی و سلامت روان: در منابع اسلامی ضمن تأکید بر ویژگی کفایت عقلانی زن، از ازدواج با زنان کودن به دلیل رنج‌آور بودن معاشرت با ایشان و نیز ناتوانی آنان در تربیت صحیح فرزند جلوگیری شده است (کلینی، ۱۳۶۵). کفایت عقلانی با برخورداری از ویژگی‌هایی مانند: قدرت تشخیص، فهم و درک و تجزیه و تحلیل صحیح مفاهیم، اتخاذ تصمیم‌های مناسب، بجا و حکیمانه در موقعیت‌ها و شرایط

مختلف، استقلال فکری، انتظار واقع‌بینانه داشتن از خویش و دیگران بر اساس ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها، قدرت غلبه بر احساسات و هیجان‌ها و کشش‌های نفسانی و... قابل تشخیص خواهد بود (افروز، ۱۳۸۳).

۳. آمادگی‌های اخلاقی

حسن خلق: از جمله ارزش‌های مهم اخلاقی که موجب رضایتمندی زناشویی می‌گردد، حسن خلق است. به دلیل اهمیت فوق‌العاده این ویژگی، امام رضا^ع ازدواج با فرد بداخلاق را روا ندانسته و از آن نهی می‌کنند (کلینی، ۱۳۶۵). امام صادق^ع حسن خلق را عبارت از فروتنی، نیکو گفتاری و خوش‌رویی می‌دانند (کلینی، ۱۳۶۵)؛ همچنین با توجه به تأثیر گفتار و مهارت‌های ارتباطی در روابط همسران، بر پرهیز از بدزبانی به همسر تأکید شده است (صدوق، ۱۴۰۰ق؛ ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق). پیامبر اسلام^ص نیز در زمینه دوری از زخم‌زبان و بددهنی می‌فرماید: «وقتی زنی به شوهر خود گوید از تو خیری ندیدم، اعمال نیکش بی‌اثر می‌شود» (پابنده، ۱۳۸۳). همین‌طور امام صادق^ع در این زمینه می‌فرماید: «ملعون است، ملعون، آن زنی که شوهر خود را بیازارد و غمگین کند و خوشبخت است، خوشبخت، آن زنی که شوهر خود را احترام نهد و آزارش ندهد و در همه حال از وی فرمان برد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق). در جایی دیگر پیامبر اکرم^ص در این زمینه می‌فرماید: «وای بر زنی که شوهرش را ناراحت کند و خوشا به حال زنی که شوهرش از او راضی باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق). خوش‌خلقی بعد از دین‌داری بزرگ‌ترین خصیصه مثبتی است که هر فردی به‌ویژه بانوان باید داشته باشند.

عفت و پاک‌دامنی: عفت به معنی حفاظت نفس از تمایلات و شهوات نفسانی است (مصطفوی، ۱۳۷۵). وجود این خصلت در زنان آن‌چنان از اهمیت برخوردار است که دارنده آن از جمله برترین زنان به‌شمار آمده (طوسی، ۱۳۶۵). آیات قرآن کریم با عنایت ویژه به خصیصه پاک‌دامنی در پیش از ازدواج، مردان و زنان جامعه اسلامی را به ازدواج با افراد پاک‌دامن فراخوانده (مائده: ۵؛ نساء: ۲۴) و ایشان را از وصلت با فاسقان بر حذر داشته است (نور: ۳ و ۲۶). پیشوایان اسلامی نیز ضمن آنکه همسانی را در عفاف دانسته‌اند (کلینی، ۱۳۶۵)، در دعا‌های خود برخورداری از پاک‌دامن‌ترین همسران را از خداوند طلب کرده‌اند (کلینی، ۱۳۶۵).

از دیگر ارزش‌های قابل توجه در موضوع عفاف آن است که مرد و زن داوطلب ازدواج، چشم خود را از مشاهده صحنه‌های حرام بپوشانند (حر عاملی، ۱۴۱۲ق).

عفت در گفت‌وگو با نامحرم هم از نظر محتوا و هم از نظر سبک گفت‌وگو اهمیت دارد (احزاب: ۳۲). باید ادای کلمات و طرز سخن گفتن به‌گونه معروف و دور از هرگونه عشوهرگری باشد تا زمینه فساد و ارتباط نامشروع فراهم نشود؛ همچنین در سخنان خود باید به مقدار ضرورت بسنده کنند و از به درازا کشیدن کلام و ردوبدل کردن مطالب غیرضروری پرهیز نمایند (طاهری‌نیا، ۱۳۸۶).

دوری از روابط دوستانه با جنس مخالف: کسانی که روابط دوستانه با جنس مخالف دارند نیز از صلاحیت لازم برای آمادگی پیش از ازدواج برخوردار نیستند (نساء: ۲۵؛ مائده: ۵). گسترش روزافزون این‌گونه روابط می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از مسائل و دشواری‌ها و ناهنجاری‌های فردی و اجتماعی شود؛ همچون افزایش نرخ طلاق، کاهش نرخ ازدواج و افزایش فرزندان نامشروع که تا اندازه‌ای پی‌آمد این‌گونه روابط پیش از ازدواج است، می‌تواند نهاد ازدواج و خانواده را با چالش‌هایی بنیادی روبه‌رو سازد.

رعایت پوشش و حجاب شرعی یکی از راه‌های حفظ عفت و پاک‌دامنی در جامعه، خانواده و فرد است. خداوند در آیه ۳۱ سوره نور به پیامبر دستور می‌دهد:

و به زنان مؤمن بگو که چشمان خویش را فروگیرند و دامن‌های خود را حفظ کنند و زینت‌های خود را جز آن مقدار که پیداست آشکار نکنند و مقنعه‌های خود را تا گریبان فروگذارند و زینت‌های خود را آشکار نکنند؛ جز برای شوهر خود یا پدر خود یا پدر شوهر خود یا پسر خود یا پسر شوهر خود یا برادر خود یا پسر برادر خود، یا پسر خواهر خود یا زنان همکیش خود، یا بندگان خود، یا مردان خدمتگزار خود که رغبت به آن ندارند، یا کودکانی که از شرمگاه زنان بی‌خبرند و نیز چنان پای بر زمین نزنند تا آن زینت که پنهان کرده‌اند دانسته شود. ای مؤمنان! همگان به درگاه خدا توبه کنید، باشد که رستگار گردید.

خداوند در آیه ۵۹ سوره احزاب می‌فرماید: «ای پیامبر! به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو پوشش‌های خود را فروتر گیرند، برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیک‌تر است». پیامبر اکرم ﷺ در حدیث دیگر می‌فرماید: «بهترین زنان شما خود را از نامحرم می‌پوشانند» (طوسی، ۱۳۶۵).

اهتمام به حضور در منزل و خودداری آنان از خروج بی‌مورد: بخش دیگری از ارزش‌های اخلاقی مورد نظر اسلام در قلمرو آمادگی پیش از ازدواج این موضوع است و یکی از زمینه‌های مهم تحقق عفاف در قلمروهای پیش‌گفته است، این موضوع نیز به‌عنوان شاخصی برای تشخیص عفت زن محسوب می‌شود (احزاب: ۳۳؛ کلینی، ۱۳۶۵).

پرهیز از خودآرایی در برابر نامحرم: به اظهار زیبایی‌های زن که باید مستور باشد، «تبرج» می‌گویند (طبرسی، ۱۴۱۸ق). قرآن شریف در دو جا زنان را از خودنمایی و تبرج برحذر داشته است: خداوند در آیات خود خطاب به زنان پیامبر ﷺ فرموده است: «و در خانه‌های خود بمانید و همچون جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید» (احزاب: ۳۳). این دستور گرچه در قرآن شریف به لحاظ اهمیت و موقعیت

ویژه‌ای که زنان پیامبر^ص در میان مردم داشتند، متوجه زنان رسول خدا^ص شده است؛ ولی دلیلی بر اختصاص آن به زنان پیامبر^ص نداریم و مورد آیه نمی‌تواند مخصص باشد.

در آیه ۶۰ سوره نور به زنان سالمند در کیفیت پوشش تخفیف داده است، مشروط به اینکه از این کار قصد تبرج و خودنمایی نداشته باشند؛ بنابراین تبرج به‌طور مطلق، برای همه زنان، خواه زنان پیامبر باشند یا غیر آن و خواه جوان باشند یا مسن، ممنوع است و استثنایی ندارد. این دستور بدان سبب است که زن ممکن است دستور پوشش را رعایت کند و با سروگردن پوشیده در بیرون از منزل حاضر شود، اما با هیئتی که جلب‌توجه می‌کند، تحریک شهوت می‌کند. این کار خودنمایی و به نمایش گذاشتن زیبایی‌ها برای به طمع انداختن دیگران است که در فرهنگ قرآن بدان «تبرج» گفته شده است. دستور پوشش گرچه زنان را از بی‌حجابی منع می‌کند؛ اما برای منع تبرج و جلوگیری از خودنمایی کافی نیست؛ ازاین‌رو دستور پوشش به مکملی نیاز داشت که جلوی این‌گونه ظاهر شدن زنان را بگیرد، آیات یادشده مکمل و متمم حکم پوشش است.

رسول گرامی^ص نهی فرمودند از اینکه زن برای غیر همسر خود آرایش کند و زنی را که مرتکب چنین عملی شود، سزاوار عذاب و آتش دانسته‌اند و نهی کردند از اینکه زن لباسی بپوشد که در میان مردم انگشت‌نما باشد و همه به او نگاه کنند (نوری، ۱۳۶۵).

رسول خدا^ص دو گروه را اهل دوزخ دانست، در توصیف گروه دوم فرمودند: «زنانی که به‌ظاهر پوشیده‌اند، اما در واقع برهنه و بی‌حجابند، با زرق‌وبرق خود را به مردم نشان می‌دهند و هوس‌های آنان را به‌سوی خود جذب می‌کنند، موهای سرشان همچون کوهان شتر عربی است» (صدوق، ۱۴۰۴ق). این روایات گرچه از نظر سند، محل تأمل‌اند و نمی‌توان به‌تنهایی به آنها استناد کرد؛ اما مضامین آنها موافق با آیات نهی از «تبرج» است و می‌توان به‌عنوان مؤید از آنها بهره جست (طاهرنیا، ۱۳۸۵).

سازگاری و نرم‌خویی: امیر مؤمنان علی^ع نرم‌خو بودن را یکی از بهترین ویژگی زنان می‌دانند (مجلسی، ۱۴۰۳ق). مدارا نقش بسیار سازنده‌ای در زندگی خانوادگی و اجتماعی انسان دارد؛ در امان ماندن دین و دنیا، سرازیر شدن خیروبرکت، پایداری دوستی و صمیمیت، پوشیده ماندن عیوب، از بین رفتن کینه و دشمنی و... از آثار و برکات رفق و مداراست. در زندگی خانوادگی اگر رفق و مدارا نباشد، تندی و خشونت سراسر زندگی را فرا خواهد گرفت؛ چراکه در طول زندگی مشترک، موارد فراوانی یافت می‌شود که رفتار و گفتار همسر، مطابق میل انسان نیست و در صورت عدم مدارا با همسر، هریک از این موارد می‌تواند زمینه‌ای برای بروز خشونت و درگیری میان افراد خانواده باشد؛ درحالی‌که با رفق و مدارا می‌توان بسیاری از اختلافات را حل کرده، آرامش و صمیمیت را در محیط خانواده حاکم نمود.

سهل‌گیری: امیرالمؤمنین علی^ع در مورد آسان‌گیری در زندگی فرمودند: «زندگی و کارها را آسان گیرید و دشوار نکنید، سبک بگیرید و سنگین نکنید» (تمیمی آمدی، ۱۴۰۹ق). همسران پیامبر^ص بعد از پاره‌ای از جنگ‌ها که غنایم سرشاری در اختیار مسلمین قرار می‌گرفت، تقاضاهای مختلفی از پیامبر^ص داشتند: ام‌سلمه تقاضای کنیز خدمتگزاری کرد، میمونه حله‌ای خواست، زینب (دختر جحش) پارچهٔ یمنی تقاضا کرد، حفصه جامه مصری، جویریة لباس مخصوص و سوده گلیم خیبری از پیامبر اعظم^ص خواستند. پیامبر^ص که می‌دانست در برابر این‌گونه درخواست‌ها که معمولاً پایانی ندارد و چه عواقبی برای بیت نبوت دربر دارد، از جواب آنها سرباز زد و مدتی از همسرانش کناره‌گیری کرد، تا اینکه آیات ۲۸-۳۱ سورة احزاب نازل شد و با لحن قاطع و درعین حال توأم با رأفت و رحمت به آنها هشدار داد:

اگر زندگی پرزرق‌وبرق دنیا می‌خواهید، می‌توانید از پیامبر^ص جدا شوید و به هر کجا می‌خواهید بروید. اگر به خدا و رسول او و روز جزا دل‌بسته‌اید و به زندگی ساده و افتخارآمیز خانهٔ پیامبر^ص قانع هستید، بمانید و از پاداش‌های بزرگ پروردگار برخوردار شوید (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰)

بنابراین وجود ویژگی سهل‌گیری در تمامی ابعاد و مراحل زندگی مانند ازدواج و مراسمات آن، طول زندگی و مسائل مالی و اقتصادی مانند ساده‌زیستی در خانواده بسیار ضروری می‌باشد. **مطیع بودن و عدم لجبازی:** یکی دیگر از آمادگی‌های اخلاقی مطیع بودن است؛ یعنی روحیهٔ لجبازی و زیربار نرفتن نداشته باشد و قبل از ازدواج بتواند از والدین و بزرگسالان که صلاح او را می‌خواهند پیروی کند، همان‌طور که در روایات تأکید شده است. پیامبر اسلام^ص می‌فرمایند: «می‌خواهی تو را از بهترین گنجینهٔ مرد خبر دهم؟ زن پارسا که وقتی به او نگرد مسرور شود و همین‌که به او فرمان دهد اطاعت کند» (پاینده، ۱۳۸۳)، و در حدیثی دیگر با تأکید بیشتر می‌فرمایند: «اگر به کسی دستور می‌دادم کسی را سجده کند، به زن دستور می‌دادم شوهرش را سجده کند» (کلینی، ۱۳۶۵). این دستور ایشان فقط به این دلیل است که راه سعادت خانواده، تبعیت زن از شوهر است. از طرفی زن به خاطر احساساتی بودن به شدت در معرض خطر و سوءاستفاده قرار دارد و لذا مهم‌ترین چیزی که می‌تواند از انحراف زنان جلوگیری کند، تبعیت آنان از شوهرانشان است.

یکی از رفتارهای ناپسندی که می‌تواند خوشبختی و سعادت را از زندگی زناشویی دور کند، لجبازی است. لجبازی هم موجب نفرت افراد از فرد لجباز می‌شود و هم در زندگی زناشویی بسیار مشکل‌آفرین است. از طرفی احادیث معصومین^ع نیز به شدت لجبازی را برای بانوان منع کرده است و این خصلت را امری قبیح در برابر شوهر می‌دانند. پیامبر^ص می‌فرمایند: «بهترین زنانان زنی است که با محبت، فرزندان و سازگار باشد و بدترین آنان زنی است که لجباز باشد» (نوری، ۱۴۰۸ق).

بدبین نبودن: متأسفانه یکی از مشکلاتی که امروزه در روابط میان زنان و شوهرانشان بسیار به چشم می‌خورد، حساسیت بیش از حد زنان نسبت به شوهرانشان است. در واقع نوعی غیرت زنانه که به حد افراط کشیده شده و تبعات بسیار ناگواری را در روابط زوجین ایجاد کرده است. این غیرت و حساسیت زنانه که در بسیاری از موارد به دور از هرگونه ریشه و پایه منطقی و عقلایی است، مردان را بسیار می‌آزارد. امیر مؤمنان حضرت علی^ع در این زمینه می‌فرماید: «غیرت زن، کفر آور، و غیرت مرد نشانه ایمان اوست» (سید رضی، ۱۴۱۴ق).

صبور بودن: بی‌صبوری در مقابل مشکلات زندگی می‌تواند بحران‌ساز و فاجعه‌آفرین باشد. زنان اگر نتوانند در مقابل سختی‌های زندگی صبوری به خرج دهند، و نیز اگر نتوانند در مقابل برخی رفتارهای خشن مردان صبر پیشه کنند، در زندگی زناشویی به شدت به مشکل بر می‌خورند. به همین دلیل امام باقر^ع صبر را برای زن نوعی جهاد در راه خدا معرفی می‌کنند و در حدیثی در این زمینه می‌فرماید:

خداوند متعال برای مردان جهاد را مقرر داشت و برای زنان نیز جهاد را منظور داشت و

جهاد مردان آن است که مال و جان خویش را در راه خدا ایثار کنند، ولی جهاد زنان آن

است که بر اذیت‌های شوهر و غیرت‌ورزی‌های او صبر کنند (حر عاملی، ۱۴۱۲ق).

صبر در برابر نامالایمات زندگی، صبر در برابر برخی بدخلق‌ها، صبر در برابر مشکلات مالی، صبر برای تربیت فرزند و بسیاری صبرهای دیگر، همه و همه ضامن حفظ زندگی زناشویی و هدایت آن به سمت سعادت و خوشبختی است. پس بانوان باید صبر پیشه کنند تا بتوانند به اهداف خود در زندگی دست یابند، در غیر این صورت روزهای تیره و تاری در زندگی آنان رقم خواهد خورد (طالب‌زاده دزفولی و همکاران، ۱۴۰۰).

دوری از قهر و پرخاشگری: یکی از علل افول عشق و علاقه بین زوجین و حتی نفرت، قهر و مشاجره بین آنان می‌باشد. در حدیثی امام صادق^ع می‌فرماید: «از ازدواج با زن پرخاشگر دوری کن» (کلینی، ۱۳۶۵)، و همچنین حضرت الیاس فرمود: «ازدواج مکن با ناشزه؛ زنی که در کردار و گفتار بر شوی خویش بلندی می‌کند» (فیض کاشانی، ۱۴۲۸ق).

البته زنانی هستند که در برابر شوهران خود، کلامشان را به بی‌حرمتی نمی‌گشایند. چنین زنانی می‌دانند شوهر به‌عنوان حامی اصلی خانواده و وظایف خطیری به عهده دارد و لذا با شوهر خود در انجام وظایفش همراه می‌شوند و در صورت ضرورت برای حصول نتیجه بهتر در زندگی زناشویی به گفت‌وگوی منطقی متصل می‌شوند، نه اینکه با ادبیات توهین‌آمیز شوهرشان مورد خطاب قرار دهند، لجاجت پیشه کنند و با رفتارهای نامناسب و سپس قهر کردن کانون خانواده را به خطر اندازند (مطیری و همکاران، ۱۴۰۰).

اهل گذشت و بخشش: علت تأکید خداوند بر عفو و گذشت به دلیل اثراتی است که بر جسم و

روان انسان می‌گذارد. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «بهترین زنان شما زنی است که اگر خشمگین شد یا خشم بر او غلبه پیدا کرد به شوهر خود بگوید اختیار من به دست توست، هرگز نخواهم خوابید تا از من راضی شوی» (صدوق، ۱۴۰۴ق). بر اساس آیات و روایات، عفو و گذشت از فضائل والای اخلاقی و از صفات محبوب نزد خداوند است. پاداش عفوکننده بر عهده خداوند بوده و این خصلت از نشانه‌های بزرگواری در دنیا و موجب سعادت در آخرت است. گذشت، انسان را از عذاب الهی نجات داده و او را به سیره اهل بیت (ع) نزدیک می‌سازد؛ درحالی‌که عدم گذشت، نشان‌دهنده کاستی درونی، بیماری قلب و تسلط نفس سرکش بر انسان است.

رازداری: یکی دیگر شاخص‌های آمادگی‌های پیش از ازدواج این است که دختر بداند باید در زندگی زناشویی رازدار همسر باشد و بتواند اسرار همسرش را حفظ کند و اگر این‌طور نباشد مانند زنان نوح و لوط مورد شتمانت قرآن قرار می‌گیرد (تحریم: ۱۰) و هلاک می‌شود (نمل: ۵۷).
و در آیه ۳ سوره تحریم به رازدار بودن همسر تأکید می‌شود تا همسرش بتواند اسرارش را به او بگوید و بیان برخی مطالب برای تمام افراد خانواده، ضرورتی ندارد (قرائتی، ۱۳۷۶).
مسئله رازداری یکی از مهم‌ترین شرایط یک همسر باوفاست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰).

۴. آمادگی‌های عاطفی

اسلام زن را در سایه حجاب و سایر فضایل به صحنه می‌آورد تا معلم عاطفه، رقت، درمان، لطف، صفا، وفا و مانند آن شود، و دنیای کنونی حجاب را از زن گرفته تا زن به عنوان لعبه به بازار بیاید و غریزه را تأمین کند. زن وقتی با سرمایه غریزه به جامعه آمد دیگر معلم عاطفه نیست، فرمان شهوت می‌دهد نه دستور گذشت و شهوت جز کوری و کری چیزی به همراه ندارد. لذا اسلام اصرار دارد که زن در جامعه بیاید، ولی با حجاب بیاید؛ یعنی بیاید که درس عفت و عاطفه بدهد نه اینکه درس شهوت و غریزه بیاموزد (جوادی آملی، ۱۳۷۵).

صمیمیت و مهرورزی: در روایات دینی به موضوع صمیمیت بین همسران و آثار آن به‌خصوص در مورد دختران پرداخته شده است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «اینکه مردی به همسرش بگوید تو را دوست دارم، هرگز از قلب زن بیرون نمی‌رود» (کلینی، ۱۴۰۷ق). هر اندازه تبادل عواطف بین زن و شوهر حس همدلی و قدرت ابراز علاقه و محبت به همسر بیشتر باشد، خانواده از استحکام بیشتر و بالندگی بهتری برخوردار خواهد بود (پناهی، ۱۳۹۸).

امام صادق علیه السلام درباره ویژگی‌های عاطفی همسر مناسب می‌فرمایند: «بهترین بانوان زنانی هستند که برای شوهران خود مهربانند، در امر دنیا و آخرت مددکار آنها هستند و در زندگی برای آنها مشکل نمی‌آفرینند» (صدوق، ۱۴۰۴ق).

تمایز یافتگی از خانواده: در منابع دینی نیز به تمایز یافتگی به خوبی توجه شده است. هنگامی که دو نفر ازدواج کردند باید برای خانواده خود و والدین خود احترام قائل شوند. رسول اکرم ﷺ در این زمینه می‌فرماید: «بهترین زنان امت من کسانی هستند که در برابر خانواده خود نفوذناپذیر و در برابر همسر خود انعطاف‌پذیر باشند» (نوری، ۱۴۰۸ق)؛ یعنی زمانی که پای ارتباط با همسر در برابر تعامل با والدین به میان می‌آید، نسبت به خانواده خود نفوذناپذیر و نسبت به همسر خود انعطاف‌پذیر هستند (پسندیده، ۱۳۹۳).

از مهم‌ترین جلوه‌های استقلال و تمایز یافتگی از خانواده، استقلال در انتخاب همسر است. شخصی که این آمادگی را دارد و می‌تواند بر اساس سلايق و معیارهای فردی خود، همسری را برگزیند، احساس رضایت بیشتری از زندگی خواهد داشت نسبت به فردی که دیگران بر اساس سلايق خود برای او همسری را انتخاب کنند. روایات دینی استقلال جوان در تصمیم‌گیری برای ازدواج را به رسمیت شناخته‌اند؛ به‌عنوان مثال امام صادق ﷺ به جوانی که به ایشان عرض کرد: می‌خواهم با دختری ازدواج کنم، ولی پدر و مادرم فرد دیگری را برایم انتخاب کرده‌اند. فرمود: «با فردی که دوست داری ازدواج کن و به فردی که والدین انتخاب کرده‌اند توجه نکن» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق).

تعهد و وفاداری: به‌عنوان یکی از صفات همسر شایسته لحاظ شده و از ازدواج با ساکنین برخی از مناطق جغرافیایی به دلیل وجود رگه‌هایی از عدم وفاداری در آنان، نهی به عمل آمده است (صدوق، ۱۴۰۰ق؛ کلینی، ۱۳۶۵). خداوند در قرآن کریم ازدواج را به میثاق و تعهد دادن تعبیر کرده است: «و زنان از شما میثاق محکمی گرفتند» (نساء: ۲۱). منظور از میثاق در آیه خطبه عقد و نکاح است که خوانده شده و به موجب آن لازم است مرد مهر زن را پرداخت نماید؛ همچنین برخی منظور از میثاق محکم را تعهد مرد به خوش‌رفتاری و معاشرت به نیکی با زن می‌دانند، به‌طوری‌که اگر مرد از ادامه زندگی مشترک منصرف شد، باید همسرش را به نیکی طلاق دهد و از هرگونه رفتار برخلاف مقام انسانی زن اجتناب نماید (طباطبائی، ۱۳۶۳). در متون اسلامی برای هریک از زن و مرد حقوق و تکالیفی مشخص شده است (سالاری‌فر، ۱۳۹۹). فردی که می‌خواهد وارد عرصه زندگی مشترک شود باید این آمادگی را داشته باشد که در کنار لذت‌های عاطفی و جنسی که از همسر خود می‌برد، خود را به رعایت تکالیف و مسئولیت‌هایی که بر عهده‌اش آمده، ملزم نماید.

قدردان بودن: امام صادق ﷺ در حدیثی می‌فرماید: «بهترین زنان شما آن زنی است که چون به او چیزی داده شود سپاسگزاری کند و اگر به او چیزی داده نشود راضی باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق). پیامبر اسلام ﷺ نیز در این زمینه می‌فرماید: «وقتی زنی به شوهر خود گوید از تو خیری ندیدم، اعمال نیکش بی‌اثر می‌شود» (پاینده، ۱۳۸۳).

۵. آمادگی‌های اجتماعی

صله رحم: فرزندان متولدشده از یک زن خواه بدون فاصله و خواه با فاصله نسبت به یکدیگر رئوف و مهربان بوده و پیوند فطری خود را در پرتو تعالیم دینی شکوفا می‌نمایند و در مکتب دین حفظ این پیوند و فراموش نکردن آن از واجبات مهم به‌شمار آمده و اگر کسی این پیوند فطری و دینی را قطع نماید از رحمت ویژه الهی محروم خواهد شد؛ زیرا صله رحم از چیزهایی است که خداوند به آن امر فرموده و درباره قاطعان چیزی که باید وصل شود، لعن و نفرین الهی وعده داده شده است (بقره: ۲۷؛ جواد آملی، ۱۳۷۵).

مهارت‌های ارتباطی: شامل مهارت ارتباط کلامی، ارتباط غیرکلامی و گوش دادن فعال است. اهمیت ارتباط کلامی از این جهت بیشتر می‌شود که خداوند به‌طور مستقیم مؤمنین را به برقراری روابط کلامی زیبا و نیکو با همه انسان‌ها حتی اگر مسلمان نباشند، فرمان داده است، آنجا که می‌فرماید: «با همه انسان‌ها به نیکویی سخن بگویند» (بقره: ۸). شفافیت، مستدل بودن، واقعیت و اهمیت داشتن، از خصوصیات کلام و قاطعیت در لحن کلام جزو عناصر تشکیل‌دهنده قول سدید هستند.

۶. آمادگی‌های جسمی و جنسی

توانایی باروری: با توجه به اینکه از دیدگاه منابع اسلامی یکی از کارکردهای مهم تشکیل خانواده، پرورش فرزندان مؤمن است (بقره: ۲۷)، و در روایات از فرزند با تعابیری چون میوه‌دل، نوردریده (شجاعی، ۱۳۸۶)، مایه خوشبختی (کلینی، ۱۳۶۵)، کسی که انسان را یاری می‌کند، و نیز مایه ثواب اخروی (حر عاملی، ۱۴۱۲ق)، و رحمت و غفران الهی (حر عاملی، ۱۴۱۲ق) یاد شده است (شجاعی، ۱۳۸۶)، یکی از ابعاد جسمانی قابل توجه در آمادگی پیش از ازدواج، توجه به توانایی باروری می‌باشد. اهمیت این ویژگی تا آنجا در منابع اسلامی مورد توجه قرار گرفته (کلینی، ۱۳۶۵) که فرد را از ازدواج با زنی که از جهت خصوصیات گوناگون دینی، اخلاقی، و... مطلوب تشخیص داده شده، ولی نابارور می‌باشد، برحذر داشته‌اند (کلینی، ۱۳۶۵؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷)؛ همچنین در مقام مقایسه بین زیبایی ظاهری و توانمندی باروری، به‌گونه‌ای روشن امکان فرزندآوری زن ترجیح داده شده است (صدوق، ۱۴۰۴ق؛ حسین‌خانی، ۱۳۸۹).

سن مناسب: در اسلام سن مشخصی برای ازدواج دختران مقرر نشده است، اما بر حسب برخی روایات، اقتادن فاصله زیاد بین بلوغ جنسی و ازدواج از نظر اولیای دین، نامطلوب قلمداد شده است (نوری، ۱۴۰۸ق؛ حر عاملی، ۱۴۱۲ق؛ بستان، ۱۳۸۸). درعین‌حال، بر اساس منابع اسلامی ازدواج در صغر سن می‌تواند زمینه‌ساز گاری همسران را فراهم نماید (کلینی، ۱۳۶۵).

میل جنسی: در کنار عقیف بودن زن، برخورداری وی از شهوت جنسی ویژگی همسر مطلوب به‌شمار آمده (کلینی، ۱۳۶۵). برای زمینه‌سازی در جهت ایجاد ارتباط مطلوب جنسی علائمی ذکر شده (صدوق، ۱۴۰۴ق) و از برقراری پیوند با زنانی که تمایلی در این خصوص ندارند، ممانعت به عمل آمده است (حر عاملی، ۱۴۱۲ق).

کنترل میل جنسی: قرآن کریم دستور کنترل و مدیریت میل جنسی را چنین بیان می‌کند: «و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی‌یابند باید پاک‌دامنی پیشه کنند تا خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز گرداند» (نور: ۳۳). دستور به عفت‌ورزی در این آیه علی‌رغم قدرت میل جنسی و سختی عفت‌ورزی، همان‌گونه که از واژه استعفاف بر می‌آید و نشان از سختی کار عفت‌ورزی است، دلیلی است که انسان از نگاه خداوند حکیم توان مدیریت این میل و عفت‌ورزی را دارد و بنمایه‌های درونی لازم برای کنترل آن مانند کشش به سوی کمالات عالی و پلید دانستن انحرافات را دارد (حجرات: ۷)؛ به‌خصوص که فضل الهی نیز طبق این آیه شامل حال کسانی که عفت پیشه می‌کنند خواهد شد، و به فرموده امیر مؤمنان علی علیه السلام «اجر مجاهد شهید در راه خداوند بیشتر از کسی نیست که قادر به گناه باشد و نکند، چیزی نمانده که انسان عقیف فرشته‌ای از فرشتگان الهی به حساب آید» (سید رضی، ۱۴۱۴ق).

۷. آمادگی‌های اقتصادی

باور به فضل خداوند: قرآن کریم اعضای جامعه اسلامی را به زمینه‌سازی برای ازدواج مردان و زنان بی‌همسری که از شایستگی لازم برای ازدواج برخوردارند، فراخوانده است و درعین‌حال، نه‌تنها تمکن مالی را شرط این شایستگی ندانسته؛ بلکه ازدواج را برای افراد بی‌بضاعت موجب استغنا و برخورداری آنان از فضل الهی دانسته است (نور: ۳۲؛ طبرسی، ۱۴۱۴ق). بر اساس این نگرش، اولیای الهی مردان بدون همسر را به ازدواج ترغیب کرده، و ترک ازدواج از ترس فقر را بدگمانی به خدا دانسته (کلینی، ۱۳۶۵) و آن را موجب جدا شدن از مسیر پیشوایان دین به حساب آورده‌اند (الهندی، ۱۳۹۷، به نقل از: محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷).

ثروت محور نبودن: همچنین پیشوایان دین از انتخاب همسر صرفاً به انگیزه ثروتمندی برحذر داشته و متذکر این نکته شده‌اند که خداوند چنین افرادی را به دارایی همسر واگذار (طوسی، ۱۳۶۵) و به آن پناهنده می‌کند (طوسی، ۱۳۶۵)، و از تحت عنایت خود خارج می‌کند و ثروت همسر ممکن است او را به طغیان کشاند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷).

امانت‌داری: محافظت از امانت‌های مالی یکی از ویژگی‌های همسر مطلوب از دیدگاه اسلام به‌شمار می‌رود. از ویژگی‌های زنان صالح آن دانسته شده که زنانی [در برابر نظام خانواده] خاضع‌اند که در غیاب

همسر، اسرار و حقوق او را که خدا برای او قرار داده، حفظ می‌کنند (نساء: ۳۴). پیامبر اکرم ﷺ در حدیثی این مسئولیت زنان را توضیح داده و آن را حفاظت در مورد خویشتن و اموال شوهران معرفی می‌کند (کلینی، ۱۳۶۵).

توجه به روزی حلال و حرام: طلب روزی حلال از همسر از دیگر ویژگی‌های مطرح در این باره است. آنجا که خداوند به شیطان رخصت داد تا در ثروت و فرزندان پیروانش مشارکت جوید (اسراء: ۶۴)، راوی از امام باقر ﷺ مفهوم این مشارکت را جویا شد. آن حضرت مشارکت شیطان را در چیزهایی دانستند که با مال حرام در ارتباط است (مجلسی، ۱۴۰۳ق)؛ از این رو افرادی که مشارکت شیطان را در دارایی و فرزندان‌شان بر نمی‌تابند، لازم است در مورد رعایت حلال و حرام در کسب و کار همسر دقت لازم را به خرج دهند.

قناعت: در منابع اسلامی، برخی ویژگی‌های اقتصادی زنان نیز در ازدواج مورد توجه قرار گرفته است. در این میان خصیصه قناعت از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است، به گونه‌ای که در دعای امیرالمؤمنین ﷺ بهره‌مند شدن از همسر قانع از خداوند متعال درخواست شده است (راوندی، ۱۴۰۵ق). این دعا با ازدواج آن حضرت با فاطمه زهرا ﷺ به اجابت رسید و همسری نصیب آن حضرت شد که الگویی جاودانه برای قناعت و ساده‌زیستی بود (حسکانی، ۱۴۱۱ق). قناعت و رضایت زن به وضع موجود تا آن حد مورد تأکید پیشوایان اسلام قرار دارد که امام صادق ﷺ در تقسیم‌بندی زنان به سه گروه، از جمله بدترین آنان افرادی را معرفی می‌کنند که اندک را نمی‌پذیرند و بسیار را ناچیز می‌شمرند (صدوق، ۱۴۰۴ق). از این گروه زنان نه نماز واجب و نه نافله پذیرفته نمی‌شود تا آنکه توبه کرده و از همسر خویش به اندازه توانش طلب کنند (مشکینی، ۱۴۲۴ق).

کم هزینه بودن: پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمودند: «زنی مبارک است که هزینه‌اش کم باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق). منظور از «مؤنه» در این روایت، ممکن است هزینه‌های عادی زندگی باشد؛ یعنی زن هر روز به دنبال مد جدیدی نباشد و همواره به سراغ زر و زیور نرود و در مخارج، اسراف و زیاده‌روی نکند. در منابع اسلامی، کم‌هزینه بودن زن از برکت او و سنگینی مخارج او از شومی وی به حساب آمده است (طبرسی، ۱۳۷۰). پیامبر اکرم ﷺ در این زمینه می‌فرمایند: «برای زن جایز نیست که شوهرش را به بیش از توانایی‌اش مجبور کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق).

مهریه اندک و نگاه ارزشی به آن: از دیگر ویژگی‌های زن شایسته در نگاه اسلام، اندک بودن میزان مهریه وی عنوان شده است (صدوق، ۱۴۰۴ق). گزارش‌های فراوان در سرتاسر کتاب‌های حدیثی و فقهی، تردیدی برجا نمی‌نهد که مهر اندک و سبک، پسندیده و مورد سفارش اسلام است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷، ص ۱۱۷). از سوی دیگر، مهریه سنگین به جای آنکه عمل به دستور قرآن (نساء: ۴)

و باعث برکت ازدواج شود (شیبانی، ۱۴۱۴ق، به نقل از: محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷)، موجب شومی (کلینی، ۱۳۶۵) و زمینه‌ساز عداوت (طبرسی، ۱۳۷۰) بین همسران و خانواده‌های آنان می‌گردد (طالب‌زاده دزفولی، ۱۴۰۰).

پرهیز از منت‌گذاری: از دیدگاه اسلام، تأمین نیازهای مالی خانواده برعهده مرد است، زنان نیز در صورت تمکن اقتصادی می‌توانند بخشی از بار زندگی را به دوش کشند. اما آنچه از اهمیت ویژه برخوردار است، آن است که این همیاری نباید موجب منت‌گذاری بر همسر شده و روزی به رخ او کشیده شود. رسول خدا ﷺ در حدیثی فرمود: «هر زنی که به دارایی خود بر شوهرش منت نهد و بگوید تو از ثروت من می‌خوری، اگر تمام آن ثروت را هم در راه خدا صدقه بدهد، خداوند از او نمی‌پذیرد، مگر آنکه شوهرش از او راضی شود» (طبرسی، ۱۳۷۰)، و در روایتی دیگر فرمود:

اگر همه طلا و نقره‌های زمین را زن به خانه شوهرش ببرد، سپس روزی از روزها بر سر او بزند و بگوید تو کیستی؟ این دارایی مال من است، اعمالش بر باد می‌رود؛ اگرچه از عابدترین مردمان باشد، مگر آنکه توبه کند و از سخنش برگردد و از شوهرش پوزش بخواهد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷).

دوری از تجمل‌گرایی: تجمل‌گرایی نشان‌دهنده دغدغه فرد در خصوص مهریه بالا، مراسم مجلل ازدواج، جهیزیه چشمگیر و وسایل تشریفاتی زندگی است. باید از ازدواج با زنی که به‌طور افراطی هزینه می‌کند، پرهیز کرد؛ چون ممکن است به یک کانون کشمکش در ازدواج تبدیل شود. علاوه بر آن، این امر حاکی از روحی مادی‌گراست و شخص ابله که او را برای ازدواج انتخاب می‌کند، احتمالاً به خاطر امر غیرضرور زندگی متحمل بدهی بسیار گردد (حسین‌خانی، ۱۳۸۹). همچنان‌که پرهیز از دنیاطلبی و تفاخر به جلوه‌های مادی از معیارهای زن شایسته قلمداد شده است (احزاب: ۲۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۲۸ق).

بررسی روایی پژوهش

شاخص‌های پیشنهادی به همراه توضیحات لازم در اختیار ۱۰ نفر از خبرگان آگاه به علوم اسلامی (دارای مدرک سطح چهار حوزه) و همچنین صاحب‌نظر در روان‌شناسی (دارای مدرک دکترای روان‌شناسی) قرار گرفت تا اعتبار و میزان مطابقت آن با اهداف موردنظر ارزیابی شود؛ درنتیجه CVR و CVI هریک از جلسات بر اساس نظرات آنها مورد محاسبه قرار گرفت.

ضریب نسبی روایی محتوا برای تمامی شاخص‌ها، بزرگ‌تر از مقدار مورد نیاز بر اساس جدول لاوشه می‌باشد و برابر با ۹۷ درصد شده است. با این حال ضریب نسبی روایی محتوا برای همگی شاخص‌ها بیش از ۰/۵ است. این رقم، ضریب مورد نیاز به‌ازای ۱۰ کارشناس است و از آنجاکه هرچه تعداد کارشناسان

بیشتر گردد، ضریب مورد نیاز کوچک‌تر می‌شود؛ پس می‌توان نتیجه گرفت که CVRهای به‌دست‌آمده به‌ازای ۱۰ کارشناس، قطعاً بزرگ‌تر از مقدار مورد نیاز در جدول لاوشه خواهد بود و لذا به تأیید کارشناسان رسیده است و همچنین شاخص روایی محتوای تمام شاخص‌ها CVI برابر با ۰/۹۶۸ شده است و لذا شاخص روایی محتوایی تمام شاخص‌ها با اختلاف زیادی از ۰/۶۲ بیشتر شده و لذا به تأیید رسیده است.

بحث و نتیجه‌گیری

شاخص‌های آمادگی پیش از ازدواج دختران با تأکید بر منابع اسلامی بدین شرح می‌باشد:

آمادگی‌های دینی جزو آمادگی‌های لازم برای ازدواج می‌باشد که با نتایج حسین‌خانی (۱۳۸۹)، معصومی (۱۳۹۵) همخوانی دارد. با توجه به آیات و روایت باایمان بودن لازمه ازدواج است و توانایی انجام اعمال دینی که بر زندگی اثر مثبت دارد. در این مورد فرد دین را محور زندگی خود قرار داده، به سعادت اخروی بیش از رفاه دنیوی اهمیت می‌دهد، در انجام وظایف دینی‌اش تلاش می‌کند و در صورت کوتاهی در این زمینه، پشیمان شده و توبه می‌کند، محبت اولیای الهی را در دل دارد و به رهنمودهای آنان عمل می‌کند و به ازدواج و انتخاب همسر، نگاهی دینی دارد و انگیزه او از ازدواج با نگاه الهی است نه مادی و به همسرش در انجام وظایف دینی کمک می‌کند.

آمادگی‌های شناختی هم جزو آمادگی‌های لازم برای ازدواج می‌باشد که با نتایج حسین‌زاده (۱۳۹۷)، رفیعی (۱۳۹۴)، قلیلی رنای (۱۳۹۱) و کارول و همکاران (۲۰۰۹) نزدیکی زیادی دارد و این شناخت‌ها شامل: آشنایی با هدف ازدواج که رسیدن به آرامش است و خودشناسی برای اینکه بداند چه کسی برای ازدواج با او مناسب است. دختران باید بدانند اسلام جایگاه ویژه‌ای برای آنان قائل است و می‌توانند با انجام وظایف خود به بالاترین مقامات نزد خداوند دست یابند. از مهم‌ترین وظایف زن خوب شوهرداری کردن است و هرگاه مادر شود با وجود تحمل سختی‌ها پاداش بسیاری کسب خواهند کرد. در خانواده به هریک از زن و مرد برای اینکه امورات خانواده به‌خوبی بگذرد، باید به نقش‌های خود شناخت داشته تا به‌خوبی از پس آن برآیند. هر فرد باید فراگیرد در هر موقعیتی واکنش‌های زن یا مرد ممکن است متفاوت باشد و باید در این مواقع همسر را درک کرد. در منابع اسلامی ضمن تأکید بر ویژگی کفایت عقلانی زن، از ازدواج با زنان کودن به دلیل رنج‌آور بودن معاشرت با ایشان و نیز ناتوانی آنان در تربیت صحیح فرزند جلوگیری شده است.

آمادگی اخلاقی از جمله مهم‌ترین آمادگی‌های پیش از ازدواج از دیدگاه اسلام محسوب می‌شود و با نتایج صاحب‌دل (۱۳۹۴)، شالوند (۱۳۹۸) و ربانی (۱۳۹۶) تطابق دارد. در این پژوهش توصیه‌های پیشوایان دینی درخصوص توجه به وجود ارزش‌های اخلاقی در بین داوطلبان ازدواج ارائه شده است و

عبارت‌اند از: حسن خلق، سازگاری و نرم‌خویی، پاک‌دامنی، پرهیز از خودآرایی در برابر نامحرم، پرهیز از ارتباط دوستانه با جنس مخالف، عفت زن در نگاه و گفت‌وگو با نامحرم، رعایت پوشش شرعی، پرهیز از پرخاشگری و قهر، مطیع بودن، سهل‌گیری، بدبین نبودن، گذشت، رازداری و صبور بودن.

آمادگی‌های عاطفی نیز جزو آمادگی‌های لازم برای ازدواج دختران می‌باشد که با نتایج ربانی (۱۳۹۶)، دانیالی (۱۳۹۴) شباهت دارد. در این پژوهش به مهرورزی و صمیمیت، تمایز یافتگی، وفاداری و تعهد، قدردان بودن پرداخته شده است.

آمادگی‌های اجتماعی جزئی دیگر از آمادگی‌های لازم برای ازدواج دختران است که با نتایج معصومی (۱۳۹۵) و قلیلی رنانی (۱۳۹۱) انطباق دارد. نتیجه آنکه مهره اصلی خانواده و محبت را زن به عهده دارد و باید تلاش کرد که در جوامع، عواطف حاکم شود. از دیگر مؤلفه‌های آمادگی اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی است.

آمادگی جسمی و جنسی از دیگر آمادگی‌های لازم برای ازدواج دختران است که با نتایج قلیلی رنانی (۱۳۹۱) تشابه دارد. در اسلام سن مشخصی برای ازدواج دختران مقرر نشده است، اما بر حسب برخی روایات، افتادن فاصله زیاد بین بلوغ جنسی و ازدواج از نظر اولیای دین، نامطلوب قلمداد شده است. در عین حال، ازدواج در صغر سن می‌تواند زمینه عدم سازگاری همسران را فراهم نماید. به موقع ازدواج کردن، توانایی باروری بیشتر و بهتر را فراهم می‌کند. از دیگر آمادگی‌های لازم رسیدن به بلوغ جنسی و میل جنسی است که تا قبل از ازدواج باید بتواند خود را کنترل کند.

آمادگی‌های اقتصادی هم یکی دیگر از آمادگی‌های ضروری برای ازدواج دختران می‌باشد که با نتایج صاحب‌دل (۱۳۹۴)، به‌پژوه (۱۳۸۰) همخوانی دارد. هرچند که تأمین مایحتاج زندگی و کسب درآمد بر عهده مرد است؛ اما بانوان هم در برابر این درآمد وظایفی دارند که با توجه به آیات و روایات عبارت‌اند از: باور به فضل خداوند، ثروت محور نبودن، توجه به روزی حلال و حرام، پرهیز از تفاخر به امور دنیوی، مهریه اندک، قناعت، امانت‌داری، پرهیز از منت‌گزاری، کم هزینه بودن.

میزان روایی محتوایی در CVR به‌ازای ۱۰ کارشناس، به تأیید رسیده است و همچنین شاخص روایی محتوایی تمام شاخص‌ها CVI برابر با ۰/۹۶۸ شده است و شاخص روایی محتوایی تمام شاخص‌ها با اختلاف زیادی از ۰/۶۲ بیشتر شده و لذا تأیید شده است.

گسترده‌گی و سختی کار استنباط شاخص‌ها، مانع از آن شد که از شیوه‌های کیفی دیگر از جمله مصاحبه با متخصصین حوزه ازدواج برای انجام دیدگاه ارائه‌شده سود جسته شود و این موضوع یک محدودیت پژوهشی محسوب می‌شود. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات تکمیلی تدوین بسته آموزشی آمادگی‌های پیش ازدواج دختران صورت پذیرد و در یک مطالعه طولی، اثربخشی این بسته آموزشی بر سطح رضایت از زندگی زناشویی دختران بررسی گردد؛ همچنین ساخت مقیاس برای سنجش میزان

آمادگی پیش از ازدواج دختران و انجام مصاحبه و روش‌های کیفی برای عوامل مؤثر بر آمادگی پیش از ازدواج دختران از جمله پیشنهاد‌های پژوهشی می‌باشد.

منابع

- قرآن کریم. ترجمه ناصر مکارم شیرازی. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- نهج البلاغه (۱۴۱۴ق). ترجمه محمد دشتی. قم: هجرت.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول عن آل الرسول ﷺ. قم: جامعه مدرسین.
- افروز، غلامعلی (۱۳۸۳). مبانی روان‌شناختی ازدواج در بستر فرهنگ و ارزش‌های اسلامی. تهران: دانشگاه تهران.
- امینی، ابرهیم (۱۳۸۷). همسر‌داری. قم: بوستان کتاب.
- بختیاری، محمدعزیز؛ شرف‌الدین، سیدحسین و بستان، حسین (۱۳۹۰). اسلام و جامعه‌شناسی خانواده. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بروجردی، سیدحسین (۱۳۸۰). جامع احادیث الشیعه. قم: المهر.
- به‌پژوه، احمد (۱۳۸۰). عوامل مؤثر در ازدواج موفق (پیش از ازدواج). مجله علوم تربیتی پیوند، ۲۶۳، ۶۲۳.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ). تهران: دنیای دانش.
- پسندیده، عباس (۱۳۹۳). رضایت زناشویی. قم: دارالحديث.
- پناهی، علی‌احمد (۱۳۸۶). اهمیت ازدواج و سن مناسب آن. در: مجموعه مقالات تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- پناهی، علی‌احمد (۱۳۹۸). جوانی، فصل شکفتن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۴۰۹ق). غررالحکم و دررالکلم. قم: دار الکتاب اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۵). زن در آیین جمال و جلال الهی. قم: اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ق). وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- حسکانی، حاکم (۱۴۱۱ق). شواهد التنزیل لقواعد التفضیل. تهران: مؤسسه طبع و نشر.
- حسین‌خانی، هادی (۱۳۸۹). معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه اسلام و ساخت مقیاس آن. رساله دکتری. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- حسین‌خانی، هادی (۱۳۹۳). فرایند همسرگزینی. قم: بنیاد بنیاد.
- حسین‌زاده (۱۳۹۷). بررسی کیفی نقش باورهای مرتبط با ازدواج در آمادگی برای ازدواج. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره. دانشگاه علامه طباطبائی.
- خدایاری‌فرد، محمد؛ شهابی، روح‌اله و اکبری زردخانه، سعید (۱۳۸۶). رابطه نگرش مذهبی با رضایتمندی زناشویی در دانشجویان متأهل. خانواده‌پژوهی، ۳(۱۰)، ۶۱۱-۶۲۰.
- دانیالی، زینب (۱۳۹۴). مطالعه آمادگی ازدواج دانشجویان متأهل دانشگاه شهید چمران اهواز: یک مطالعه کیفی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید چمران اهواز. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- راوندی، سیدفضل‌الله (۱۴۰۵ق). التوادد للراوندی. قم: دار الکتاب اسلامی.
- ربانی، محسن (۱۳۹۶). تهیه بسته آموزشی آمادگی‌های پیش از ازدواج با نگرش به منابع اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. مؤسسه اخلاق و تربیت.
- رفیعی، اعظم؛ اعتمادی، عذرا؛ بهرامی، فاطمه و جزایری، رضوان سادات (۱۳۹۴). بررسی تأثیر آموزش آمادگی بر انتظارات زناشویی و مؤلفه‌های آن در دختران عقدکرده شهر اصفهان.
- سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۹۹). خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی. قم: سمت و پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- سالاری‌فر، محمدرضا؛ شجاعی، محمدصادق؛ موسوی اصل، سیدمهدی و دولتخواه، محمد (۱۳۸۹). بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۶). نقش فرزند در استحکام و بهداشت روانی خانواده، تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

- شالوند، عشرت (۱۳۹۸). تدوین الگوی آمادگی برای ازدواج دانشجویان پسر. پایان‌نامه دکتري تخصصی مشاوره. دانشگاه شهید چمران اهواز.
- صاحبدل، حسین؛ زهراکار، کیانوش و دلاور، علی (۱۳۹۴). شناسایی شاخص‌های ازدواج موفق، یک مطالعه کیفی. *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۰ق). *الامالی*. بیروت: اعلمی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۴ق). *من لا یحضره الفقیه*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طالب‌زاده دزفولی، مریم؛ کریمی‌نیا، محمدمهدی؛ مددمالکی، علی و انصاری مقدم، مجتبی (۱۴۰۰). ویژگی زنان برتر از دیدگاه اسلام با تأکید بر آیه ۵ سوره تحریم. *مجله پژوهش و مطالعات علوم اسلامی*، ۲۸-۱۳.
- طاهری‌نیا، احمد (۱۳۸۷). پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، ارتباط گفتاری زن و مرد نامحرم از دیدگاه کتاب و سنت. *نشریه معرفت*، ۱۶(۱۱)، ۱۰۷.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۶۳). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰). *متن و ترجمه کتاب نفیس مکارم الاخلاق*. ترجمه و نگارش: محمدحسین رحیمیان. قم: مؤمنین.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵). *تهذیب الاحکام*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۲۸ق). *المحجۃ البیضاء*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- قادرپور، زرگزار؛ احمدی، سیداحمد و اعتمادی، عذرا (۱۳۹۰). *جزوه آموزشی مشاوره پیش از ازدواج*. دانشگاه اصفهان.
- قراچی، محسن (۱۳۷۶). *تفسیر نور*. قم: مؤسسه در راه حق.
- قلیلی رنایی، زهره (۱۳۹۱). بررسی و تدوین معیارهای بومی آمادگی برای ازدواج از دید جوانان، والدین و کارشناسان ازدواج و ارزیابی میزان آمادگی ازدواج در جوانان شهر اصفهان. پایان‌نامه دکتري مشاوره خانواده. دانشگاه اصفهان.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). *الکافی*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- متقی، علی بن حسام‌الدین (۱۳۹۷). *کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*. تصحیح: صفوة السقا. بیروت: مکتبه التراث الاسلامی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محمدی صیفار، مهدی؛ علی‌محمدی، کاظم و حسین‌خانی، هادی (۱۳۹۴). *از تفاوت تا تفاهم: آشنایی با تفاوت‌های زن و مرد*. قم: مؤسسه فرهنگی هنری طریق معرفت ثقلین.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۷). *تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث*. ترجمه حمیدرضا شیخی. قم: دار الحدیث.
- مشکینی، علی (۱۴۲۴ق). *تحریر المواعظ العددیه*. قم: الهادی.
- مصطفوی، حسن (۱۳۷۵). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطیری، رباب؛ انصاری‌مقدم، مجتبی و کریمی‌نیا، محمدمهدی (۱۴۰۰). آمادگی‌ها و پیش‌نیازها در ازدواج موفق از منظر قرآن و حدیث. *پژوهش و مطالعات علوم اسلامی*، ۲۵(۳)، ۲۸-۱۳.
- معصومی، مریم (۱۳۹۵). بررسی برداشت‌های دختران و پسران مجرد درباره آمادگی‌های لازم برای ازدواج. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره. دانشگاه علامه طباطبایی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۰). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مهکام، رضا و شریف‌یزدی، سعید (۱۳۹۹). *سرشناسی، همسرشناسی*. قم: معارف.
- نوری، میرزااحسین (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. بیروت - لبنان: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- یزدانی، محمود (۱۳۸۸). یک انتخاب مناسب (همسرگزینی در بیست گام). مشهد: آهنگ قلم.
- Carr, D., Freedman, V. A., Cornman, J. C., & Schwarz, N. (2014). Happy marriage, happy life? Marital quality and subjective well-being in later life. *Journal of Marriage and Family*, 2;76(5):930-948
- Larson, J. H. (1988). Factors influencing college students' perceived readiness for marriage. *Family Perspective*, 22, 145-157.
- Olson, D. H., Defrain, j. & Olson, A. K. (1998). *Building Relationship marital attitudes and readiness for marriage of single young adult*
- Olson, d.h. (2001). Rational for the premarital education bill. State of Minnesota. *relations*, 36, 5-10.

پیش بینی رضایت از زندگی بر اساس خودمهارگری و تاب آوری

The Prediction of Life-Satisfaction based on Self-Control and Resilience

✉ **سعید عبادی** / دانشجوی دکتری مشاوره خانواده مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران
حسن تقیان / استادیار گروه روان شناسی مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران
زهرا قمری دوزنده / کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی دانشکده هدی، قم، ایران

✉ **Saeed Ebadi** / PhD Student in Family Counseling, Islamic Humanities Higher Education Complex, Al-Mustafa Al-Alamiyah University, Qom, Iran
sebadi2477@gmail.com

Hassan Taghian / Assistant Professor, Department of Psychology, Islamic Humanities Higher Education Complex, Al-Mustafa Al-Alamiyah University, Qom, Iran

Zahra Qamari Douzandeh / Master of General Psychology, Hoda Faculty, Qom, Iran

Abstract

This research was conducted with the aim of investigating the role of self-control and resilience in predicting life satisfaction. The research method of the study is descriptive of correlational types. The population included all the students of Tehran University. By convenient sampling method, 381 students (109 men and 272 women) were selected. Data analysis was done through Pearson's moment correlation coefficient and linear regression. Data collection tools include Life satisfaction scale, scale of resilience and scale of self-control. research findings showed that there is a positive and significant correlation between the variables of life satisfaction and self-control and resilience, and the two variables of resilience and self-control explain 31% of the variance of the variable of life satisfaction. This finding is in contrary to the stereotype that maintains self-

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش خودمهارگری و تاب آوری در پیش بینی رضایت از زندگی انجام شد. این مطالعه به روش توصیفی و از نوع همبستگی طراحی گردید و جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان دانشگاه تهران تشکیل دادند. نمونه ای شامل ۳۸۱ دانشجو (۱۰۹ مرد و ۲۷۲ زن) به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل داده ها با روش های ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون و رگرسیون خطی انجام پذیرفت. داده ها با استفاده از پرسش نامه های استاندارد رضایت از زندگی، مقیاس تاب آوری و مقیاس خودمهارگری جمع آوری شد. نتایج یافته های تحقیق، همبستگی مثبت و معناداری بین هر دو متغیر پیش بین (خودمهارگری و تاب آوری) با رضایت از زندگی نشان داد. تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که این دو متغیر در مجموع ۳۱ درصد از واریانس رضایت از زندگی را تبیین می کنند. این یافته ها بیانگر آن است که

restraint reduces the possibility of enjoying life's pleasures and impairs life satisfaction.

Key words: Satisfaction with life, self-control, resilience.

تقویت خودمهارگری و تاب‌آوری می‌تواند به‌عنوان راهبردی مؤثر در افزایش رضایت از زندگی مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: رضایت از زندگی، خودمهارگری، تاب‌آوری.

مقدمه

هدف اصلی و نهایی روان‌شناسی بهبود کیفیت زندگی بشر از طریق مطالعه فرایندها و مکانیسم‌های ذهن و رفتار بشر است (استرنبرگ،^۱ ۲۰۰۱). از طرفی هر انسانی بیشترین زمان عمر خود را در کانون خانواده سپری می‌کند؛ لذا کیفیت روابط و کنش و واکنش مطلوب میان اعضای خانواده، به‌طوری‌که خشنودی اعضا را برآورده سازد اهمیت بسیاری دارد (عقیلی و همکاران، ۱۴۰۱). در این میان بحث رضایت از زندگی^۲ نیز در راستای بهبود کیفیت زندگی بشر مطرح می‌شود و جزء بی‌همتای بهزیستی ذهنی است (عقیلی و دیگران، ۱۴۰۱).

رضایت از زندگی به معنای ارزیابی کلی فرد از کیفیت زندگی خود بر اساس معیارهای انتخاب‌شده توسط خودش است. طبق نظریه ساختاری دینر رضایت از زندگی به‌عنوان مؤلفه شناختی (ذهنی) بهزیستی در نظر گرفته می‌شود و رضایت کلی زندگی را نشان می‌دهد (دینر و ریان،^۳ ۲۰۰۹). این مقوله در واقع، یک فرایند دایره‌ای است که افراد کیفیت زندگی خود را بر اساس ملاک‌های منحصر به فرد خود ارزیابی می‌کنند. رضایت از زندگی یک صفت پایدار و عینی نیست؛ بلکه به تغییرات موقعیتی حساس بوده و بر اساس برداشت و دیدگاه خود افراد در نظر گرفته می‌شود (شیخی، هومن، احدی و سپاه‌منصور، ۱۳۹۰). و درحقیقت به یک فرایند قضاوتی - شناختی اشاره دارد (دینر، امونز، لارسن و گریفین،^۴ ۱۹۸۵) که در آن افراد، کیفیت زندگی خود را بر اساس مجموعه‌ای از ملاک‌ها ارزشیابی می‌کنند (پاوت^۵ و دینر، ۱۹۹۳). اگرچه اشخاص مختلف در زمینه مؤلفه‌های مهم یک زندگی خوب از قبیل سلامت و روابط موفق با یکدیگر توافق دارند؛ اما به این مؤلفه‌ها وزن‌های متفاوتی می‌دهند (دینر و دیگران، ۱۹۸۵). نظریه‌های رضایت از زندگی معتقدند که رضایت از زندگی منعکس‌کننده توازن بین آرزوهای فرد و وضعیت فعلی او و

1. Sternberg, R.

2. Satisfaction With Life Scale (SWLS)

3. Diener, E. & Ryan, K.

4. Diener, E., Emmons, R. A., Larsen, R. J., Griffin, S.

5. Pavot, W.

کسب شادکامی در نتیجه رسیدن به اهداف است (مورگانتی، نهرک و هالیکا،^۱ ۱۹۸۰). رضایت از زندگی به‌وسیله کاهش دادن تنش‌ها و رضایت از اهداف و نیازهای زیستی و روان‌شناختی در افراد شکل می‌گیرد. پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند رضایت از زندگی از نگرش و ارزیابی خوش‌بینانه عمومی فرد نسبت به کلیت زندگی خود یا برخی از جنبه‌های زندگی همچون زندگی خانوادگی، شغلی، اوقات فراغت، درآمد و عزت نفس بالا نشئت می‌گیرد؛ به‌عنوان مثال رحمتی، هوشیاری، صفورایی (۱۳۹۸) در پژوهشی نشان دادند، رضایت از زندگی با عزت نفس و جهت‌گیری مذهبی درونی، بیرونی فردی و بیرونی اجتماعی و کل رابطه مثبت و معنادار دارد. پژوهش‌های مختلف نشان دادند، رضایت از زندگی با رفتارهای مرتبط با سلامت ارتباط دارد (ژانگ و همکاران،^۲ ۲۰۱۸). نظر به اهمیت این سازه در سلامت روان، پژوهشگران ضمن مطالعه عمیق آن، تلاش کرده‌اند راه‌های افزایش رضایت از زندگی را کشف نمایند؛ از این‌رو در سال‌های اخیر تحقیقاتی با هدف ساخت بسته‌های مداخله‌های تأثیرگذار بر رضایت از زندگی و یا کشف متغیرهای مرتبط با این سازه رو به افزایش است. به‌طور نمونه تبریزیان، صالحی و رفیعی‌هنر (۱۳۹۹) در پژوهشی نشان دادند که بسته آموزشی امید مبتنی بر شکرگزاری اسلامی امکان استفاده برای افزایش رضایت از زندگی دختران جوان محله‌های محروم شهر قم را دارد.

با مراجعه به منابع اسلامی نیز روشن می‌شود که در اندیشه اسلامی «رضا» در زمره مفاهیم اساسی است که جزء بسیار مهم سعادت و شادکامی شمرده شده است (پسندیده، ۱۳۹۵)؛ همچنین رضایتمندی رابطه تنگاتنگی با دین و ایمان دارد. در روایتی از امام علی^ع رضامندی یکی از ارکان چهارگانه ایمان شمرده شده است^۳ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۲۳)، و در روایتی دیگر از ایشان نقل شده است: «سه چیز در هر کس باشد، در حقیقت خیر دنیا و آخرت نصیبش گشته است: خشنودی به قضا، شکیبایی بر گرفتاری و سپاسگزاری در آسایش»^۴ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۲۸۲)؛ از سوی دیگر طبق برخی روایات، کسی که راضی نباشد، کفر در دین او نفوذ کرده است^۵ (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۶۳)، و باید در آخرت منتظر شدیدترین عذاب‌ها باشد^۶ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۰۷).

1. Morganti, J. B., Nehrke, M. F. & Hulicka, I. M.

2. Zhang, X., Zhou, X., Lin, M. & Sun, J.

۳. «الْإِيمَانُ عَلَى أَرْبَعَةِ أَرْكَانٍ: التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ وَالتَّفْوِضُ إِلَى اللَّهِ وَالتَّسْلِيمُ لِأَمْرِ اللَّهِ وَالرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ وَارْتِكَانُ الْكَفْرِ أَرْبَعَةَ الرَّغْبَةِ وَ الرَّهْبَةِ وَ الْقَضَبِ وَ الشَّهْوَةِ»

۴. «ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَقَدْ رَزَقَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ: هُنَّ: الرِّضَا بِالْقَضَاءِ وَ الصَّبْرُ عَلَى الْبَلَاءِ، وَ الشُّكْرُ فِي الرِّخَاءِ»

۵. «مَنْ لَمْ يَرْضَ بِالْقَضَاءِ دَخَلَ الْكُفْرَ دِينَهُ»

۶. «أَشَدُّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْمَسْخُطُ لِقَضَاءِ اللَّهِ»

یکی از متغیرهایی که می‌تواند با رضایت از زندگی ارتباط داشته باشد، تاب‌آوری^۱ است. تاب‌آوری یکی از سازه‌های مهم و مطرح در روان‌شناسی مثبت است که به رشد فرد و تجربه وی از شرایط نامطلوب اشاره دارد (مارگالیت و کلیتمن،^۲ ۲۰۰۶، به نقل از: فلاحتی سیچانی،^۳ ۱۳۹۱). مستن و گارمزی،^۴ (۱۹۹۰، به نقل از: کانر و دیویدسون،^۴ ۲۰۰۳). تاب‌آوری را یک فرآیند توانایی یا پیامد سازگاری موفقیت‌آمیز با شرایط تهدیدکننده تعریف کرده‌اند. البته تاب‌آوری تنها پایداری در برابر آسیب‌ها یا شرایط تهدیدکننده و حالتی انفعالی در رویارویی با شرایط خطرناک نیست؛ بلکه شرکت فعال و سازنده در محیط پیرامونی خود است. تاب‌آوری توانمندی فرد در برقراری تعادل زیستی - روانی در شرایط خطرناک است (کانر و دیویدسون،^۴ ۲۰۰۳). این مقوله جایگاه ویژه‌ای در حوزه‌های روان‌شناسی تحولی، روان‌شناسی خانواده و بهداشت روانی یافته است؛ از این رو آن را به‌عنوان عامل حافظ سلامت روانی فرایندهای ارتقا و بهبود در نظر گرفته‌اند. افراد تاب‌آور موقعیت‌های تنش‌زا را بررسی و با اتخاذ راه‌حل‌های منطقی، بر آن موقعیت‌ها چیره می‌شوند و در چنین شرایطی احساس خشنودی، خودباوری و اعتمادبه‌نفس می‌کنند (بکر، کاسول و اکلز،^۵ ۲۰۱۹). تاب‌آوری یکی از عوامل حفاظت‌کننده است که در موفقیت افراد و جان سالم به در بردن از شرایط ناگوار نقش مهمی دارد، به‌طوری‌که بهره‌مندی از این خصوصیت باعث می‌شود افراد رفتار سازگارانه داشته باشند، رویارویی با مشکلات را برای آنها ساده‌تر می‌کند و در مواجهه با موانعی که در راه رسیدن به اهداف است، امکان برخورد مؤثر را افزایش می‌دهد (کافمن، هالاها و پولن،^۶ ۲۰۱۸).

در متون اسلامی با اصطلاحات متعددی همچون صبر و حلم به سازه تاب‌آوری اشاره شده است؛ همچنان‌که در روایت شریفی حضرت رسول اکرم ﷺ می‌فرمایند: «شخص مؤمن با حلم و نرمش به مقام عبادت‌کننده شب‌زنده‌دار می‌رسد»^۷ (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۲۸۸)، و یا «از محبوب‌ترین راه‌ها به سوی خدا نوشیدن دو جرعه است؛ جرعه خشم را به‌وسیله حلم فرو بردن و جرعه مصیبت را با صبر تحمل کردن»^۸ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۱۰)، و امام علی ع می‌فرمایند: «قوی‌ترین مردم کسی است که با نیروی حلمش بر غضبش چیره شود»^۹ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۰۴).

1. Resilience

2. Margalit, M. & Kleitman, T.

3. Masten, A. S., Best, K. M. & Garmezy, N.

4. Connor, K. M. & Davidson, J. R.

5. Baker, D. A., Caswell, H. L. & Eccles, F. J.

6. Kauffman, J. M., Hallahan, D. P., Pullen, P. C. & Badar, J.

۷. «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُذْرِكُ بِالْحِلْمِ وَاللَّيْنِ دَرَجَةَ الْعَابِدِ الْمُتَّقِينَ».

۸. «مَنْ أَحَبَّ السَّبِيلَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ جُرْعَتَانِ جُرْعَةُ غَيْظٍ تَرُدُّهَا بِحِلْمٍ وَ جُرْعَةُ مُصِيبَةٍ تَرُدُّهَا بِصَبْرٍ».

۹. «قَوَى النَّاسِ مَنْ قَوَى عَلَى غَضَبِهِ بِحِلْمِهِ».

یکی دیگر از متغیرهای مرتبط با رضایت از زندگی، خودمهارگری^۱ است. به عقیده بامیستر^۲ خودمهارگری شامل کنترل اندیشه‌ها، احساسات، خواسته‌ها و رفتارها می‌شود، به‌گونه‌ای که آنها را با مطلوب‌های شخصی یا اجتماعی مانند قوانین، قوانین اخلاقی، آرمان‌ها و هنجارهای اجتماعی مطابقت دهد. رفیعی‌هنر (۱۳۹۳) با جمع‌بندی و تحلیل مفاهیم مرتبط با خودمهارگری، هسته خودمهارگری را «توانایی بازداري پاسخ» می‌داند. با توجه به این تعاریف می‌توان «خودمهارگری» را «توانایی اجتناب از رفتار نامطلوب» دانست. خودمهارگری را توانایی پایداری در برابر وسوسه (ماگن و گراس،^۳ ۲۰۱۰) و انتخاب پاداش بزرگ‌تر با تأخیر، به جای پاداش کوچک‌تر آنی (بارکلی،^۴ ۲۰۰۴) تعریف کرد (رفیعی‌هنر و همکاران، ۱۳۹۳). خودمهارگری یک ستون حمایت روانی در گرایش‌های رفتاری انسان است که مانع خطرپذیری و رفتار هیجان‌طلبانه و در نهایت منجر به کاهش رفتارهای انحرافی توسط افراد می‌گردد (علی‌وردی‌نیه، معمار و نصرت‌زهی، ۱۳۹۴). در چارچوب عقاید دینی خودمهارگری را می‌توان اساس فضیلت‌های اخلاقی تلقی کرد، از این جهت که مردم برای رفتار فضیلت‌مندانه و پرهیزکارانه، به خودمهارگری نیازمندند؛ لذا فضیلت‌هایی چون دوراندیشی، صبر و تقوا از خودمهارگری سرچشمه می‌گیرند (رفیعی‌هنر و همکاران، ۱۳۹۳). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که خودمهارگری به‌منزله یکی از انواع مهارت‌های اجتماعی می‌تواند میزان موفقیت در زندگی را تعیین کند و با سلامت روانی، ابراز متناسب نیازها و احساسات، روابط بین‌فردی مثبت، سازگاری روان‌شناختی، پیشرفت در تکالیف، عملکرد تحصیلی و بهزیستی رابطه مثبت و معنادار دارد (محمدی، مصیری و همکاران، ۱۳۹۱). افرادی که از خودمهارگری بالا یا توانایی برای به تعویق انداختن ارضای فوری نیازها برخوردارند، در کنترل افکار، تنظیم هیجانات و بازداري تکانه‌ها از افراد با خودمهارگری کمتر، عملکرد بهتری دارند.

در پی بررسی آیات و روایات اسلامی مربوط به مهار خویشتن و تنظیم رفتار، با مفاهیمی مواجه می‌شویم که می‌توان موضوع خودمهارگری را از آنها استنباط کرد؛ یعنی اسباب روان‌شناختی را می‌توان استنباط کرد که فرد به‌وسیله آنها، خود را از گناه حفظ کرده یا او را به‌سوی طاعتی سوق می‌دهد. از روایات اسلامی برمی‌آید که افراد، انگیزه‌هایی متنوع در خودمهارگری دارند و هرکس با توجه به انگیزشی که هم‌اکنون در روانش فعال شده است، خویشتن را در مقابل کشش‌های نفسانی مهار می‌کند. در آموزه‌های دین اسلام نیز به صورتی خاص، بر مهار خویشتن در عرصه‌های فردی و اجتماعی تأکید شده و این موضوع در قالب مفاهیمی همچون تقوا، عقل، صبر و مفاهیمی دیگر مانند

1. Self control

2. Baumeister

3. Magen, E. & Gross, J. J.

4. Barkley, R. A.

محاسبه نفس، خوف، رجا، حیا، محبت، غیرت، عفت و حلم مطرح شده است (رفیعی هنر و جان‌بزرگی، ۱۳۸۹)؛ برای نمونه روایت ذیل نشان می‌دهد افراد با انگیزه‌های مختلف، به فعالیتی خاص اقدام یا از فعالیتی خودداری می‌کنند، که از آن می‌توان به وجود انگیزه‌ها در خودمهارگری اسلامی پی برد. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

هرکس که مشتاق بهشت باشد، از شهوات دوری می‌کند و هرکس از آتش جهنم بترسد، از امور حرام روی برمی‌گرداند و هرکس به دنیا بی‌رغبت باشد، تحمل مصیبت‌ها برایش آسان می‌شود و هر آن کس که به انتظار مرگ باشد، در رسیدن به خیرات تلاش می‌ورزد^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۰).

هرچند در پژوهش‌های متعددی مستقلاً رابطه تاب‌آوری و خودمهارگری با متغیر رضایت از زندگی، در گروه‌های متفاوتی بررسی شده است؛ اما رابطه هم‌زمان دو متغیر خودمهارگری و تاب‌آوری در پیش‌بینی رضایت از زندگی مورد بررسی قرار نگرفته است. بنابراین این پژوهش قصد دارد با بررسی رابطه دو متغیر خودمهارگری و تاب‌آوری در یک مدل رگرسیون با متغیر رضایت از زندگی مشخص کند که تاب‌آوری و خودمهارگری در یک مدل چند درصد از واریانس رضایت از زندگی را تبیین می‌کنند.

روش پژوهش

از آنجاکه این تحقیق قصد دارد رابطه بین خودمهارگری و تاب‌آوری را با رضایت از زندگی مورد بررسی قرار دهد، روش پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل دانشجویان دانشگاه تهران که تعدادشان ۵۲۱۲۴ نفر بوده است و حجم نمونه بر اساس جدول مورگان شامل ۳۸۱ نفر از دانشجویان که ۱۰۹ مرد و ۲۷۲ زن بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده‌اند. تحلیل داده‌ها از طریق ضریب همبستگی گشتاوری پیرسون و رگرسیون خطی و با استفاده از نرم افزار Spss انجام شده است.

ابزارهای اندازه‌گیری مورد استفاده در این پژوهش شامل ابزارهای ذیل می‌باشد:

مقیاس رضایت از زندگی:^۲ این مقیاس توسط دینر و دیگران (۱۹۸۵) ساخته شد. مقیاس رضایت از زندگی جنبه شناختی شادکامی را می‌سنجد. درحقیقت این مقیاس نشان می‌دهد که آزمودنی‌ها تا چه حد از زندگی خود راضی‌اند و تا چه اندازه زندگی خود را به زندگی آرمانی که برای خویش در نظر گرفته‌اند

۱. «فَمَنْ ارْتَبَقَ إِلَى الْجَنَّةِ سَلَا عَنْ الشَّهَوَاتِ وَ مَنْ ارْتَبَقَ مِنَ النَّارِ رَجَعَ عَنِ الْحُرُمَاتِ وَ مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا هَانَتْ عَلَيْهِ الْمُصِيبَاتُ وَ مَنْ ارْتَبَقَ الْمَوْتَ سَارَعَ إِلَى الْخَيْرَاتِ».

نزدیک می‌دانند. این مقیاس دارای پنج گویه است و افراد بر روی یک مقیاس لیکرت هفت‌درجه‌ای میزان رضایت خود را از زندگی درجه‌بندی می‌کنند. نمرات گویه‌ها سپس با هم جمع می‌شوند و سطح کل رضایت از زندگی فرد تعیین می‌شود. بنابراین نمرات این مقیاس بین ۳۵-۵ متغیر است. دینر و دیگران (۱۹۸۵)، ضریب بازآزمایی مقیاس را در یک فاصله دو ماهه ۰/۸۲ و ضریب همسانی درونی مقیاس را با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۷ به‌دست آوردند. این محققان همچنین در یک تحلیل عاملی پی بردند که کلیه گویه‌های مقیاس بر روی یک عامل قرار دارند که این تک عامل ۰/۶۶ واریانس مربوطه را تبیین می‌کند. در پژوهش بیانی، کوچکی و گودرزی (۱۳۸۶) ضریب آلفای کرونباخ مقیاس ۰/۸۳، ضریب پایایی با استفاده از روش دو نیمه کردن برابر ۰/۷۵ و با روش بازآزمایی یک ماهه برابر ۰/۶۹ به‌دست آمد. روایی سازه مقیاس رضایت از زندگی از طریق روایی هم‌گرا با استفاده از پرسش‌نامه شادکامی اکسفورد و پرسش‌نامه افسردگی بک برآورد شد. این مقیاس همبستگی مثبت با پرسش‌نامه شادکامی اکسفورد و همبستگی منفی با پرسش‌نامه افسردگی بک نشان داد.

مقیاس تاب‌آوری (کونور و دیویدسون):^۱ کونور و دیویدسون (۲۰۰۳) این پرسش‌نامه را تدوین کردند. بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس در شش گروه، جمعیت عمومی، مراجعه‌کنندگان به بخش مراقبت‌های اولیه، بیماران سرپایی روان‌پزشکی، بیماران با مشکل اختلال اضطراب فراگیر و دو گروه از بیماران استرس پس از سانحه انجام شده است. سازندگان معتقدند که این پرسش‌نامه به خوبی قادر به تفکیک افراد تاب‌آور از غیرتاب‌آور در گروه‌های بالینی و غیربالینی بوده و می‌تواند در موقعیت‌های پژوهشی و بالینی مورد استفاده قرار گیرد. این پرسش‌نامه ۲۵ گویه دارد که در یک مقیاس لیکرتی بین صفر (کاملاً نادرست) تا چهار (همیشه درست) نمره‌گذاری و نمره کل آزمون بین ۰-۱۰۰ قرار دارد. نمرات بالاتر بیانگر تاب‌آوری بیشتر آزمودنی است. نتایج تحلیل عاملی حاکی از آن است که این آزمون دارای پنج عامل: الف) تصور از شایستگی فردی (۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۱۷، ۲۳، ۲۴، ۲۵)؛ ب) اعتماد به غرایز فردی و تحمل عاطفه منفی (۶، ۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۱۴، ۱۵)؛ ج) پذیرش مثبت تغییر و روابط ایمن (۱، ۲، ۴، ۵، ۸)؛ د) کنترل (۱۳، ۲۱، ۲۲)؛ ه) تأثیرات معنوی (۳، ۹) است. کونور و دیویدسون (۲۰۰۳) ضریب آلفای کرونباخ مقیاس تاب‌آوری را ۰/۸۹ و ضریب پایایی حاصل از روش بازآزمایی در فاصله چهار هفته‌ای را ۰/۸۷ گزارش کرده‌اند. این مقیاس در ایران توسط محمدی (۱۳۸۴) هنجاریابی شده است. او ضریب آلفای کرونباخ را ۰/۸۹ گزارش کرده است. نمره‌های این مقیاس با نمره‌های مقیاس سرسختی کوباسا همبستگی مثبت و معنادار و با نمره‌های مقیاس استرس ادراک‌شده

1. The Connor - Davidson Resilience Scale (CD-RISC).

کوهن و مقیاس آسیب پذیری نسبت به استرس شیپهان، همبستگی منفی و معناداری داشتند، که این نتایج حاکی از اعتبار همزمان این مقیاس است. روایی این مقیاس به روش های تحلیل عوامل و همسانی درونی، در گروه های مختلف عادی و آسیب پذیر احراز گردید (محمدی، ۱۳۸۴).

فرم کوتاه مقیاس خودمهارگری - BSCS (تانجنی، ۲۰۰۴): مقیاس خودمهارگری در سال ۲۰۰۴ توسط تانجنی و همکاران تهیه شده است. فرم کوتاه آن شامل ۱۳ ماده است که در طیف لیکرت پنج درجه ای نمره گذاری می شود (یک به معنای کاملاً مخالفم، دو به معنای مخالفم، سه به معنای نظری ندارم، چهار به معنای موافقم و پنج به معنای کاملاً موافقم) می باشد. در این پرسش نامه سؤالات شماره های (۱۳، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۰، ۱۲) به طور معکوس نمره گذاری می شوند. سازندگان پرسش نامه را بر روی دو گروه از دانشجویان دوره کارشناسی اجرا کردند و اعتبار آن را با روش ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۵ و ۰/۸۳ گزارش کردند (تانجنی، بامیستر و بون، ۲۰۰۴). بررسی های مالونی و همکاران (۲۰۱۲) نشان دادند از زمان ساخت مقیاس خودمهارگری توسط تانجنی و همکاران در سال ۲۰۰۴، اکثر تحقیقات حوزه خودکنترلی با استفاده از فرم کوتاه مقیاس تانجنی انجام شده است. اعتبار نسخه فارسی این مقیاس از روش آلفای کرونباخ ۰/۸ گزارش شده است (سرافراز، قربانی و جواهری، ۱۳۹۱).

یافته های پژوهش

در جدول (۱) ضرایب همبستگی پیرسون متغیرهای تحقیق ارائه شده است.

جدول ۱: ماتریس همبستگی متغیرهای تحقیق

تاب آوری	خودمهارگری	رضایت از زندگی	
		۱	رضایت از زندگی
	۱	۰/۲۲۴**	خودمهارگری
۱	۰/۱۷۰**	۰/۴۱۷**	تاب آوری

$$P \leq ۰/۰۱ **$$

یافته های جدول (۱) نشان می دهد بین دو متغیر رضایت از زندگی و خودمهارگری همبستگی مثبت و معنی داری وجود دارد ($r = ۰/۲۱۴$)؛ بنابراین رابطه بین دو متغیر مستقیم است و با افزایش مقدار یک متغیر، مقدار متغیر دیگر نیز افزایش می یابد و با کاهش مقدار یک متغیر، مقدار متغیر دیگر نیز کاهش می یابد. بین دو متغیر رضایت از زندگی و تاب آوری نیز همبستگی مثبت و معنی داری وجود دارد ($r = ۰/۴۲۷$)، که نشان دهنده رابطه مستقیم این دو متغیر است.

به منظور بررسی پیش‌بینی رضایت از زندگی بر اساس متغیرهای خودمهارگری و تاب‌آوری از رگرسیون خطی استفاده شده است. قبل از انجام تحلیل رگرسیون پیش‌فرض‌های این روش آماری بررسی شدند. بر اساس نتایج جدول (۱) وجود رابطه خطی بین متغیرهای تحقیق تأیید شد. آزمون کلموگروف - اسمیرنوف ($P = 0/2$) نشان داد توزیع باقیمانده‌های رگرسیون نرمال است. عدم وجود هم‌خطی چندگانه با استفاده از شاخص تورم واریانس^۱ و تولرانس^۲ بررسی شد. $VIF = 1/051 < 5$ و $Tolerance = 0/951 > 0/1$ نشان‌دهنده عدم وجود هم‌خطی چندگانه است. در جدول (۲) نتایج رگرسیون خطی ارائه شده است.

جدول ۲: نتایج رگرسیون پیش‌بینی رضایت از زندگی بر اساس خودمهارگری و تاب‌آوری

مدل	B	خطای استاندارد	بتا	t	سطح معنی‌داری	F (P)	R ^۲ تعدیل شده
مقدار ثابت	-0/751	1/793		-0/419	0/676	115/160 (0/0001)	0/311
خودمهارگری	-0/119	0/038	0/128	3/112	0/002		
تاب‌آوری	0/214	0/015	0/512	13/799	0/000		

دو متغیر خودمهارگری و تاب‌آوری به‌صورت هم‌زمان قادر به پیش‌بینی رضایت از زندگی هستند ($F = 115/160$, $P = 0/0001$). رابطه هر دو متغیر پیش‌بین با متغیر ملاک، مثبت و معنی‌دار است. بر اساس ضرایب استاندارد بتا می‌توان گفت در پیش‌بینی رضایت از زندگی، تاب‌آوری نقش بیشتری نسبت به خودمهارگری داشته است. دو متغیر تاب‌آوری و خودمهارگری ۳۱ درصد از واریانس متغیر رضایت از زندگی را تبیین می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی رضایت از زندگی بر اساس خودمهارگری و تاب‌آوری بود. نتایج یافته‌های تحقیق نشان داد که دو متغیر تاب‌آوری و خودمهارگری ۳۱ درصد از واریانس متغیر رضایت از زندگی را تبیین می‌کنند. این یافته‌ها با پژوهش‌های انجام‌شده توسط خلعتبری (۱۳۸۹)، ارزانی (۱۳۹۴)، کرمی (۱۳۹۵)، بخشایش (۱۳۹۵) همسو و همخوان بود. در تبیین این نتایج می‌توان گفت که در سال‌های اخیر روان‌شناسی مثبت‌گرا با شعار توجه به استعدادها و توانمندی‌های انسان مورد توجه حوزه‌های مختلف روان‌شناسی قرار گرفته است. این رویکرد هدف نهایی خود را شناسایی سازه‌ها و شیوه‌هایی می‌داند که

1. VIF

2. Tolerance

بهبزبستی و شادکامی انسان را فراهم می‌کند؛ از این رو عواملی که موجبات تطابق هرچه بیشتر آدمی با نیازها و تهدیدهای زندگی را سبب گردند، بنیادی‌ترین سازه‌های مورد پژوهش این رویکرد می‌باشند. در این میان تاب‌آوری جایگاه ویژه‌ای مخصوصاً در حوزه‌های روان‌شناسی تحولی، روان‌شناسی خانواده و بهداشت و سلامت روانی به خود اختصاص داده است (کمپل و همکاران، ۲۰۰۶).^۱ تاب‌آوری فرایند توانایی یا پیامد سازگاری موفقیت‌آمیز، علی‌رغم شرایط چالش‌برانگیز و تهدیدکننده تعریف شده است. تاب‌آوری با در نظر داشتن توأم شرایط استرس‌زا و توانایی ذاتی افراد برای پاسخگویی، دوام آوردن و رشد نرمال در حضور شرایط استرس‌زا مطرح می‌شود. مفهوم تاب‌آوری یک راه‌حل امیدبخش و خوشایند است (کاظمی، ۱۳۸۸، به نقل از: خلعتبری و بهاری، ۱۳۸۹). هیچ انسانی در گذر زندگی از آسیب‌پذیری روانی مصونیت ندارد. عوامل استرس‌زای شدید که معمولاً پیش‌بینی‌اند تهدیدکننده سلامت روانی می‌باشند و انسان‌ها در شرایط استرس‌زای یکسان واکنش نشان نمی‌دهند. تحقیقات نشان داده است که یکی از دلایل این واکنش‌های متفاوت مفهوم تاب‌آوری است. مدارکی وجود دارد که نشان می‌دهد رضایت از زندگی یک راه مهم برای اهداف معتبر است. وقتی مردم شاد هستند به نظر می‌رسد که تفکرشان بیشتر فراغ‌اندیش و خلاق است. در مقابل، افرادی که شاد نیستند مضطرب می‌باشند. به نظر می‌رسد دید تونلی و تفکر خشک را به نمایش بگذارند. از طرفی مهم‌ترین تفاوت احساسی بین زن و مرد این است که زنان تغییرپذیری بیشتری دارند. زنان ۵۰ درصد بیشتر از مردان از اضطراب و روان رنجوری رنج می‌برند و هیجان منفی بیشتری در زندگی روزمره دارند و دو برابر مردان دچار افسردگی می‌شوند. شاید این مهم‌ترین دلیل کم بودن رضایت از زندگی زنان نسبت به مردان باشد (آیزنک، ۱۳۷۸).

یکی دیگر از نتایج تحقیق نشان داد خودمهارگری نیز رابطه مثبت و معناداری با رضایت از زندگی دارد. این نتیجه با پژوهش شیخ‌الاسلامی (۱۳۹۸) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت خودمهارگری به عنوان مکانیزم مقاومت در برابر لذات آنی، با کاهش وسوسه‌های ناسالم و تمرکز بر آرمان‌ها و سرمایه‌گذاری بر رفتارهای خلاقانه برای رسیدن به اهداف بلندمدت، باعث افزایش رضایت از زندگی می‌شود (چیونگ و دیگران، ۲۰۱۵).^۲ همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهد که وجدان از پیش‌بینی‌کننده‌های مثبت رضایت از زندگی است. افراد با وجدان بالا، خودمهارگری بالایی دارند و در دستیابی به اهدافشان برنامه‌ریزی و متعهدانه عمل می‌کنند که این به نوبه خود موجب افزایش رضایت از زندگی می‌شود (هیز و جوزف، ۲۰۰۳).^۳ این یافته برخلاف این باور کلیشه‌ای است که خودمهارگری و

1. Campbell-Sills, L., Cohan, S. L. & Stein, M. B.

2. Cheung, T. T., Gillebaart, M., Kroese, F. & De Ridder, D.

3. Hayes, N. & Joseph, S.

خویشترنداری امکان بهره بردن از لذت‌های زندگی را کاهش می‌دهد و رضایت از زندگی را خدشه‌دار می‌کند. از جمله محدودیت‌های پژوهش عدم کنترل ویژگی‌های شخصیتی بود. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده این ویژگی‌ها به‌عنوان متغیرهای متعامل در نظر گرفته شود.

منابع

- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). *تحف العقول*. قم: جامعه مدرسین.
- ارزانی، غلامحسین و باصری، احمد (۱۳۹۴). پیش‌بینی رضایت از زندگی با تأکید بر هویت دینی، با قدرت تاب‌آوری و امید به زندگی در کارکنان یک واحد نظامی و انتظامی. *فصلنامه روان‌شناسی نظامی*، ۶(۲۴): ۲۳-۳۳.
- آیزنک، مایکل دبلیو (۱۳۷۸). *همیشه شاد باشی*. ترجمه زهرا چلونگر. تهران: نسل نو اندیش.
- بخشایش، علیرضا (۱۳۹۵). رابطه تاب‌آوری و کیفیت دوستی با رضایت از زندگی در دانش‌آموزان. *فصلنامه علمی - پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، ۷(۱)، ۱۴۵-۱۵۸.
- بیانی، علی‌اصغر؛ کوچکی، عاشورمحمد و گودرزی، حسنی (۱۳۸۶). اعتبار و روایی مقیاس رضایت از زندگی (SWLS). *روان‌شناسی تحولی (روانشناسان ایرانی)*، ۳(۱۱)، ۲۵۹-۲۶۵.
- پسندیده، عباس (۱۳۹۵). *الگوی اسلامی شادکامی*. قم: دار الحديث.
- تبریزیان، فائزه؛ صالحی، مبین و رفیعی‌هنر، حمید (۱۳۹۹). تدوین بسته آموزشی امید مبتنی بر شکرگزاری و امکان‌سنجی آن در افزایش رضایت از زندگی. *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۱۴(۲۷): ۷۵-۹۳.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰). *غررالحکم و دررالکلم*. قم: دار الکتب الاسلامی.
- خلعتبری، جواد و بهاری، صونا (۱۳۸۹). ارتباط بین تاب‌آوری و رضایت از زندگی. *فصلنامه روان‌شناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن*، ۲(۱)، ۸۳-۹۴.
- رحمتی، امین؛ هوشیاری، جعفر و صفورایی پاریزی، محمدمهدی (۱۳۹۸). میانجیگری عزت نفس در رابطه جهت‌گیری مذهبی و رضایت از زندگی. *پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده*، ۷(۱۴)، ۱۱۹-۱۳۸.
- رفیعی‌هنر، حمید و جان‌زرگی، مسعود (۱۳۸۹). رابطه جهت‌گیری مذهبی و خودمهارگری. *روان‌شناسی و دین*، ۳(۱)، ۳۱-۴۲.
- رفیعی‌هنر، حمید؛ جان‌زرگی، مسعود؛ پسندیده، عباس و رسول‌زاده طباطبایی، سیدکاظم (۱۳۹۳). تبیین سازه خودمهارگری بر اساس اندیشه اسلامی. *روان‌شناسی و دین*، ۷(۳)، ۵-۲۶.
- سرافراز، مهدی‌رضا؛ قربانی، نیما و جواهری، عابدین (۱۳۹۱). خودمهارگری: ظرفیتی واحد یا دو وجهی؟ تمایز بین وجوه بازدارندگی و برانگیزندگی در دانشجویان دانشگاه‌های تهران. *پژوهش در سلامت روان‌شناختی*، ۶(۴)، ۶۹-۷۵.
- شیخ‌الاسلامی، راضیه و عباسی، نرجس (۱۳۹۸). خودمهارگری و رضایت از زندگی در بزرگسالی در حال ظهور: نقش واسطه‌ای هیجان‌های هشیار شرم و گناه. *روان‌شناسی تحولی روان‌شناسان ایرانی*، ۱۷(۶۵)، ۳۹-۵۱.
- شیخی، منصوره؛ هومن، حیدرعلی؛ احدی، حسن و سپاه‌منصور، مژگان (۱۳۹۰). مشخصه‌های روان‌سنجی مقیاس رضایت از زندگی. *اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی (اندیشه و رفتار)*، ۵(۱۹)، ۱۵-۲۶.
- عقیلی، مجتبی؛ نانوا، طیب؛ بابایی، انسیه و پورشفیع، مژگان (۱۴۰۱). پیش‌بینی رضایت از زندگی بر اساس سبک زندگی اسلامی، شکیبایی و تحمل ناکامی در بین زنان. *دین و سلامت*، ۱۹(۱۰)، ۲-۱۰.
- علی‌وردی‌نیا، اکبر؛ معمار، رحمت‌الله و نصرت‌زهی، سیمین (۱۳۹۴). بررسی تجربی رابطه دین‌داری، خودکنترلی و رفتارناحرافی. *فصلنامه راهبر اجتماعی فرهنگی*، ۴(۱۶)، ۷-۴۳.
- کریمی، جهانگیر؛ سنجایی، امیر و کریمی، پروانه (۱۳۹۵). پیش‌بینی رضایت از زندگی بر اساس تاب‌آوری و شادکامی در سالمندان. *مجله روان‌شناسی پیری*، ۲(۴)، ۲۳۹-۲۳۶.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- لثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). *عیون الحکم و المواعظ*. قم: دار الحديث.
- محمدی مصیری، فرهاد؛ شفیع‌فرد، یعقوب؛ داوری، مژده و بشارت، محمدعلی (۱۳۹۱). نقش خودمهارگری، کیفیت رابطه با والدین و محیط مدرسه در سلامت روانی و رفتارهای ضد اجتماعی نوجوانان. *مجله روان‌شناسی تحولی روان‌شناسان ایرانی*، ۸(۳۲)، ۳۹۷-۴۰۴.

محمدی، مسعود (۱۳۸۴). بررسی عوامل مؤثر بر تاب‌آوری در افراد در معرض خطر سوء مصرف مواد. پایان‌نامه دکتر روان‌شناسی. دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.

- Baker, D. A., Caswell, H. L. & Eccles, F. J. (2019). Self-compassion and depression, anxiety, and resilience in adults with epilepsy. *Epilepsy & Behavior*, 90, 154-161.
- Barkley, R. A. (2004). *Attention-Deficit/ Hyperactivity Disorder and Self-Regulation: Taking an Evolutionary Perspective on Executive Functioning*.
- Campbell-Sills, L., Cohan, S. L. & Stein, M. B. (2006). Relationship of resilience to personality, coping, and psychiatric symptoms in young adults. *Behaviour research and therapy*, 44(4), 585-599.
- Cheung, T. T., Gillebaart, M., Kroese, F. & De Ridder, D. (2014). Why are people with high self-control happier? The effect of trait self-control on happiness as mediated by regulatory focus. *Frontiers in psychology*, 5, 722.
- Connor, K. M. & Davidson, J. R. (2003). Development of a new resilience scale: The Connor- Davidson resilience scale (CD- RISC). *Depression and anxiety*, 18(2), 76-82.
- Diener, E. & Ryan, K. (2009). Subjective well-being: A general overview. *South African journal of psychology*, 39(4), 391-406.
- Diener, E., Emmons, R. A., Larsen, R.J., Griffin, S. (1985) The satisfaction with life scale. *Journal of Personality Assessment*, 49, 71- 75.
- Hayes, N. & Joseph, S. (2003). Big 5 correlates of three measures of subjective well-being. *Personality and Individual differences*, 34(4), 723-727.
- Kauffman, J. M., Hallahan, D. P., Pullen, P. C. & Badar, J. (2018). *Special education: What it is and why we need it*. Routledge.
- Magen, E. & Gross, J. J. (2010). Getting our act together: Toward a general model of self-control. *Self-control in society, mind and brain*, 335-53.
- Margalit, M. & Kleitman, T. (2006). Mothers' stress, resilience and early intervention. *European Journal of Special Needs Education*, 21(3), 269-283.
- Masten, A. S., Best, K. M. & Garmezy, N. (1990). Resilience and development: Contributions from the study of children who overcome adversity. *Development and psychopathology*, 2(4), 425-444.
- Morganti, J. B., Nehrke, M. F. & Hulicka, I. M. (1980). Resident and staff perceptions of latitude of choice in elderly institutionalized men. *Experimental Aging Research*, 6(4), 367-384.
- Pavot, W. & Diener, E. (1993). Review of the satisfaction with life scale. *Psychological Assessment*, 5, 164-172.
- Sternberg, R. J. (2001). What is the common thread of creativity? Its dialectical relation to intelligence and wisdom. *American Psychologist*, 56(4), 360.
- Zhang, X., Zhou, X., Lin, M. & Sun, J. (2018). Shufflenet: An extremely efficient convolutional neural network for mobile devices. In Proceedings of the IEEE conference on computer vision and pattern recognition (p. 6848-6856).

پیش بینی کارآمدی خانواده بر اساس تمایز یافتگی و همدلی عاطفی زوجین با میانجیگری مرزهای ارتباطی زوجینی

Predicting Family Efficiency Based on Couples' Differentiation, and Emotional Empathy with the Mediating Role of Marital Boundaries

فاطمه شیرچی / دانشجوی دکتری روان شناسی مجتمع آموزش عالی بنت الهدی جامعة المصطفی العالمیه، قم، ایران
جعفر هوشیاری / استادیار روان شناسی مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی جامعة المصطفی العالمیه، قم، ایران

Fatemeh Shirchi / PhD student in psychology, Bint Al-Huda Higher Education Complex, Al-Mustafa Al-Alamiyah University, Qom, Iran

Jafar Hoshyari / Assistant Professor of Psychology, Islamic Humanities Higher Education Complex, Al-Mustafa Al-Alamiyah University, Qom, Iran
j.hoshyari@yahoo.com

Abstract

This study aimed to predict family efficiency based on couples' differentiation and emotional empathy, with the mediating role of marital boundaries. The research employs a descriptive-correlational method, through convenience sampling from the population of all married men and women in Qom, Iran, comprising 165 people. The study utilizes Safouraei's Family Efficiency Questionnaire and Inventory (1388), Self-Differentiation Inventory by Skowron (1998), The Questionnaire Measure of Emotional Empathy (Mehrabian & Epstein, 1972), and the Houshyari's Spouse Boundaries Questionnaire (2020). Data were analyzed using Pearson correlation, structural equation modeling. The results show there is a positive and significant relationship between couples'

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش بینی کارآمدی خانواده بر اساس تمایز یافتگی و همدلی عاطفی زوجین با میانجیگری مرزهای ارتباطی زوجینی با روش توصیفی از نوع همبستگی صورت گرفت. نمونه آماری با روش نمونه گیری در دسترس از میان جامعه آماری تمام مردان و زنان متأهل شهر قم، به حجم ۱۶۵ نفر به دست آمد. برای انجام پژوهش از پرسش نامه های سنجش کارآمدی خانواده صفورائی، مقیاس تمایز یافتگی اسکورون، همدلی عاطفی مهرابیان و اپستین و پرسشنامه مرزهای زوجینی هوشیاری استفاده شده است. داده ها با استفاده از روش های آماری ضریب همبستگی پیرسون، مدل معادلات ساختاری تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد بین تمایز یافتگی زوجین با کارآمدی خانواده رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد؛ همچنین بین همدلی عاطفی زوجین و کارآمدی

differentiation and family efficiency. In addition, there is a positive and significant relationship between couples' emotional empathy and family efficiency. Marital boundaries partially mediated the relationship between self-differentiation and family efficiency and fully mediated the relationship between emotional empathy and family efficiency.

Key words: family efficiency, Differentiation of self, couples' emotional empathy, marital boundaries.

خانواده رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد. مرزهای زوجینی در رابطه بین تمایزیافتگی خود و کارآمدی خانواده به صورت جزئی نقش میانجی دارد؛ همچنین مرزهای زوجینی در رابطه بین همدلی عاطفی و کارآمدی خانواده به صورت کامل نقش میانجی دارد.

کلیدواژه‌ها: کارآمدی خانواده، تمایزیافتگی، همدلی عاطفی زوجین، مرزهای ارتباطی زوجینی.

مقدمه

خانواده به عنوان بنیادی‌ترین واحد اجتماعی، اولین بستر شکل‌گیری بنیادهای رفتاری، مبدأ بروز عواطف انسانی و کانون صمیمانه‌ترین روابط و تعاملات بین فردی است که مورد توجه اندیشمندان و پژوهشگران بسیاری قرار داشته است. خانواده دارای کارکرد سالم، سهم سازنده‌ای در سلامت جامعه (جعفری، شریفی و هوشیاری، ۱۳۹۸) و تضمین‌کننده کیفیت زندگی و سلامت روانی خانواده و اعضای آن است (رسولی، ۱۳۹۵). کارکرد خانواده به زمینه‌هایی مانند توانایی خانواده در هماهنگی با تغییرات، حل تضادها و تعارض‌ها، همبستگی بین اعضا و موفقیت در اعمال الگوهای انضباطی، رعایت حد و مرز بین افراد، اجرای مقررات و اصول حاکم بر این نهاد با هدف حفاظت از کل نظام خانواده اشاره (بخشی‌پور و دیگران، ۱۳۹۱) و کارآمدی خانواده^۱ نیز به میزان موفقیت در این زمینه‌ها بستگی دارد (آذربایجانی و شجاعی، ۱۴۰۱). به بیان دیگر، کارآمدی خانواده عبارت است از ایفای مناسب نقش‌ها و وظایف خانواده در برابر اعضای خود و به تعبیر واضح‌تر تحقق تکالیف که توسط اعضا و زیرمنظومه‌های آن صورت می‌گیرد (هی‌لی، ۱۹۷۶). از نظر صفورائی (۱۳۸۸) کارآمدی خانواده عبارت است از وضعیتی که در آن خانواده با پایداری اعضای آن به اعتقادات دینی و رعایت حقوق و اخلاق اسلامی، زمینه کشف و پرورش قابلیت‌ها و توانایی‌های آنان را در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری فراهم کند. جامعه آرمانی اسلامی جامعه‌ای است که ازدواج هدفمند در آن رواج داشته باشد و گرایش به تشکیل خانواده به عنوان ارزش و موضوعی بااهمیت مورد توجه قرار گیرد. روشن است که بنای خانواده در صورتی مایه آرامش اعضای آن خواهد شد که حفاظت از کارآمدی آن

1. efficient family

2. Haley, J.

همچون اصل تشکیل آن مورد توجه سازندگان و صاحبان سیستم خانواده قرار گیرد، در غیر این صورت خانواده به کانونی تنش‌زا و آزاردهنده تبدیل خواهد شد و اعضای آن هر لحظه آرزوی خراب شدن و یا خراب کردن آن را دارند (صفورائی، ۱۳۹۲). این هدف زمانی محقق خواهد شد که تأثیر متغیرها و عوامل گسترده‌ای که در کارآمدی خانواده نقش دارند و از طریق آنها می‌توان کارایی سازنده خانواده را پیش‌بینی کرد، تبیین و مشخص شود. یکی از این متغیرها تمایز‌یافتگی^۱ زوجین است. تمایز‌یافتگی یک شاخص کلیدی عملکرد خانواده (کاظمیان و دلاور، ۱۳۹۱) و مهم‌ترین مفهوم نظریه سیستم‌های خانواده بوئن^۲ (۱۹۷۸) است که در روابط بین‌فردی نقش مهمی ایفا می‌کند. بوئن (۱۹۷۸) تمایز‌یافتگی خود را به‌عنوان درجه‌ای که در آن فرد قادر است بین کارکرد عقلانی - هیجانی (درون روانی) و صمیمیت - خودمختاری (برون‌روانی) در روابط تعادل برقرار کند، تعریف می‌کند. تمایز‌یافتگی پایین اعضا از خانواده اصلی‌شان باعث اضطراب و استرس در آنها می‌شود و کارکرد فردی و اجتماعی افراد را به خاطر اضطراب مختل می‌کند و منجر به احساس بی‌کفایتی و در نتیجه خودباوری ضعیف و عزت نفس پایین می‌شود. عدم تمایز‌یافتگی در این افراد از طریق بالا بردن سطح اضطراب باعث کاهش کیفیت زندگی آنها (احدی و علیزاده اصل، ۱۳۹۰) و ناکارآمدی^۳ خانواده می‌شود. زوج‌های تمایز‌نیافته قادر نیستند فردیت و استقلال خود را از خانواده پدری خود حفظ نمایند و احتمال بیشتری دارد تا ازدواج آنها به شکست بیانجامد (بوهلندر، ۱۹۹۵، به نقل از: طالبی و غباری بناب، ۱۳۹۱). در مقابل افراد تمایز‌یافته تعریف مشخصی از خود و عقایدشان دارند. آنها می‌توانند مسئولیت بیشتری را در انتخاب جهت‌گیری‌های خود در زندگی بپذیرند و در موقعیت‌های شدیداً عاطفی، کنترل خود را از دست ندهند و منطقی و مسئولانه تصمیم‌گیری نمایند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۳). هیل^۵ (۲۰۰۹) نشان داد که تمایز‌یافتگی به‌طور معنی‌داری با رضایت زناشویی ارتباط دارد و افراد متأهل با تمایز‌یافتگی بالا، رضایت زناشویی بالاتری را گزارش می‌نمودند. یافته‌های پژوهش هاوس و مالینکروود^۶ (۲۰۰۷) نیز حاکی از آن است که با افزایش سطح تمایز‌یافتگی و استقلال از خانواده اصلی، رضایت زناشویی بالاتر می‌رود. اسکورون^۷ (۲۰۰۰) در مورد ارتباط مثبت سطح تفکیک خود با کیفیت روابط نشان داد که تمایز بالا، کیفیت روابط زناشویی خوب را پیش‌بینی می‌کند؛ همچنین وی دریافت فقط

1. Differentiation of self

2. Bowen, M.

3. Dysfunction

4. Goldenberg, H. & Goldenberg, A.

5. Hill, A.

6. Haws, W. & Mallinckrodt, B.

7. Skowron, E.

بعد جدایی عاطفی و واکنش عاطفی پیش‌بینی‌کنندهٔ اختلاف زناشویی است. در پژوهش دیگر اسکورون و فریدلندر^۱ (۱۹۹۸) گزارش شده کسانی که واکنش عاطفی و جدایی عاطفی پایینی نشان می‌دهند و تمایز خود بالایی دارند، به گونه‌ای چشمگیر در پیوند زناشویی رضایت بیشتری تجربه می‌کنند. پژوهش نصری (۱۳۹۹)، بخشی‌زاده و دیگران (۱۳۹۸)، فعله‌کار و دیگران (۱۳۹۸)، افضل‌ی و باباخانی (۱۳۹۸)، سلیمی علویجه، پذیرا، و نامور (۱۳۹۸) گویای آن است که بین تمایز یافتگی و کیفیت زندگی رابطهٔ مثبت و معنادار وجود دارد.

از دیگر متغیرهایی که می‌تواند کارآمدی خانواده را پیش‌بینی کند، همدلی عاطفی^۲ زوجین است. این عامل روان‌شناختی بالقوه (توگنتی^۳ و دیگران، ۲۰۱۹) را اولین بار لیپز^۴ در اوایل قرن بیستم در پژوهش‌های روان‌شناسی به کار برده است (ایکز،^۵ ۲۰۱۳). همدلی^۶ سائق و توانایی فهم حالات، هیجان‌ها و افکار دیگران و پاسخ‌دهی به آنها با هیجان‌های متناسب و همخوان؛ یا به عبارتی توانایی سهیم شدن در احساسات دیگران و گرایش به تجربهٔ نیابتی حالات هیجانی آنهاست (استوکس، لیشر و دکر،^۷ ۲۰۰۹). همدلی دارای دو بعد شناختی و عاطفی است؛ همدلی شناختی^۸، به معنای درک و فهم احساس دیگری است و همدلی عاطفی به معنای ارتباط عاطفی با دیگران و سهیم شدن در حالات عاطفی آنهاست؛ از این رو به نظر می‌رسد همدلی عاطفی مستلزم وجود همدلی شناختی است؛ زیرا در غیاب همدلی شناختی، همدلی عاطفی نیز وجود نخواهد داشت (دیویس،^۹ ۱۹۸۳). همدلی عاطفی عنصری ضروری برای عملکردهای موفقیت‌آمیز بین‌شخصی محسوب می‌شود (سوسا^{۱۰} و دیگران، ۲۰۱۰). برانگیختگی عاطفی لازمهٔ برانگیختگی فرد برای کمک به دیگران است و تجربهٔ همدلی با حالات عاطفی دیگران با کارهای انسان‌دوستانه و کمک کردن به دیگران در ارتباط است (تامسون و بارنت،^{۱۱} ۱۹۹۵). افراد در یک ارتباط همدلانه می‌توانند عواطف و احساس‌های خود را مدیریت و رفتار خود را با انتظارات افراد جامعه هماهنگ سازند (دوآرت، پینتو - گئورا و کروز،^{۱۲} ۲۰۱۶). این امر به‌ویژه

1. Friedlander, M.

2. affective empathy

3. Tognetti, A.

4. Lipps, T.

5. Ickes, W.

6. Empathy.

7. Stocks, E., Lishner, D. & Decker. S.

8. Cognitive empathy

9. Davis, M.

10. Sousa, A.

11. Thompson, M. & Barnett, S.

12. Duarte, J., Pinto-Gouveia, J. & Cruz, B.

در زمینه روابط زن و مرد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ارکستر و استیونسون^۱ (۱۹۹۱) در پژوهشی نشان دادند که متغیرهای مقیاس‌های نقش‌های خانوادگی و همراهی عاطفی به وفور و به‌طور مکرر با طلاق در ارتباط است. در ایران پژوهش زینعلی و بشری (۱۳۹۹) حاکی از آن است که بین روابط عاطفی نسبتاً مطلوب و مطلوب با کارآمدی رابطه معنادار وجود دارد؛ همچنین بین روابط عاطفی نامطلوب با کارآمدی رابطه وجود ندارد. نادری، مولوی و نوری (۱۳۹۴) نیز نشان دادند که همدلی و بخشودگی از مؤلفه‌های مؤثر بر رضایت زناشویی هستند؛ همچنین کریمی وردجانی (۱۳۹۵) بر نقش تعهد زناشویی و همدلی زناشویی در میانجیگری بین خانواده اصلی و رضایت زناشویی تأکید کرد. پیش‌بینی کارآمدی بر اساس تمایز یافتگی و همدلی عاطفی در تحقیقاتی بررسی شده است، اما مکانیزم اثر دو متغیر پیش‌بین در متغیر ملاک مشخص نیست. به نظر می‌رسد تمایز و همدلی از طریق بهبود مرزهای زوجینی، باعث افزایش کارآمدی می‌شود. اصطلاح مرز^۲ در خانواده، نخستین بار در نظریه ساختاری از سوی مینوچین^۳ مورد توجه قرار گرفت (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۳). الیزر^۴ و مینوچین (۱۹۹۰) معتقدند:

مرزهای زوجینی خانواده خطوط فرضی حاصل از الگوهای رفتاری، قوانین و انتظاراتی است که زیرمنظومه زوجینی را از سایر زیرمنظومه‌ها و بیرون خانواده متمایز کرده و کمیت و کیفیت تعاملات زوجین با یکدیگر و با بیرون از زیرمنظومه خود را معین می‌کند.

کارکرد مرز، متمایز کردن محدوده و وظایف زیرمنظومه‌هاست. هر زیرمنظومه عملکردی ویژه دارد و از اعضای خود انتظارات به‌خصوص را طلب می‌کند. تکوین مهارت‌های بین‌فردی در منظومه‌ها به آزادی زیرمنظومه از مداخله سایر زیرمنظومه‌ها بستگی دارد؛ مثلاً قابلیت تطابق و سازگاری مکمل بین زن و شوهر با شرایط جدید، مستلزم آزادی از مداخله فامیل آنها، بچه‌ها و گاه کل «برون خانواده» است (مینوچین، ۱۹۷۴).

روانشناسان سیستمی مانند مینوچین (۱۹۷۴) و جی‌هی‌لی (۱۹۷۶) وجود مرزهای شفاف و تصریح‌شده خانوادگی را از ضروریات کارآمدی خانواده می‌دانند، و مینوچین یکی از علل اختلال کارکرد خانواده را مرزهای نامشخص یا انعطاف‌ناپذیر دانسته و خانواده با مرزهای به‌هم‌تنیده و گسسته را ناکارآمد می‌داند (مینوچین، ۱۹۷۴).

-
1. Arkister, J. & Stevenson, H.
 2. Boundary
 3. Minuchin, C.
 4. Elizur, J.

از سوی دیگر خانواده، زیرمنظومه‌ها و مرزهای آن از موضوعات مهمی است که در آموزه‌های اسلامی با اهمیت و فراوانی بالا به آن پرداخته شده است و ماهیت و محتوای مرزها به روشنی بیان شده است (بستان، ۱۳۹۲). مراد از مرزهای خانواده در رویکرد قرآنی عبارت است از آموزه‌های الزامی و غیرالزامی قرآنی که با هدف تعیین گستره و کیفیت تعاملات اعضای خانواده با یکدیگر و با بیرون از خود بیان شده و دارای کارکرد مرزی است (هوشیاری و دیگران، ۱۳۹۹). تمام خانواده‌ها ساختاری شامل خرده‌سیستم‌ها، مرزها، قواعد و نقش‌ها دارند و برای حفظ کارآمدی آن، تنظیم و کنترل ابعاد این ساختار لازم است؛ چنانچه نتایج پژوهش پیاوس، بلایز و بلو^۱ (۲۰۱۹) شاهوران‌فرد (۱۳۹۴) و شاهسوار و کچویی (۱۳۹۸) نشان داد که بین مؤلفه‌های کارآمدی خانواده با مرزهای بیرونی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. یافته‌های تقیان و قاسمی (۱۳۹۹) نیز بیانگر آن است که میان تعهد زناشویی با مرزهای زوجینی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ همچنانکه تحقیقات بسیاری، مشکلات مرزی، دخالت خانواده همسر، اقوام و خویشان را به‌عنوان مهم‌ترین علل طلاق و فروپاشی کانون خانواده دانسته‌اند. نتایج تحقیق عزیزی و دیگران (۱۳۹۵) نیز نشان داد، روابط زوجین با خانواده همسر را آسیب‌هایی نظیر مرزبندی‌های نادرست، انتظارات و توقعات بیجا، آزار و اذیت‌های کلامی و رفتاری، عدم توزیع متوازن قدرت، وابستگی‌ها و... می‌تواند تهدید کند و موجبات درگیری‌ها و اختلافات بین زوجین را فراهم آورد، که با نتایج تحقیقات شعبانی (۱۳۸۲)، ملتفت و احمدی (۱۳۸۱)، زرگر و نشاط‌دوست (۱۳۸۶) و بنی‌جمال و دیگران (۱۳۸۳) همسو است.

با اینکه تحقیقات بسیاری در زمینه کارآمدی خانواده صورت گرفته، با توجه به نقش بنیادین و بی‌بدیل خانواده در ساختار یک جامعه کارآمد و سازنده، شناسایی دیگر عوامل دخیل در کارآمدی خانواده ضروری به نظر می‌رسد؛ همچنین با توجه به اهمیت وجود تمایزیافتگی، همدلی عاطفی و مرزهای ارتباطی در زوجین و تأثیر آن بر کارآمدی خانواده و فقدان پژوهش در این زمینه، ضروری بود که کارآمدی خانواده بر اساس تمایزیافتگی و همدلی عاطفی با میانجیگری مرزهای زوجینی مورد بررسی قرار گیرد؛ ازاین‌رو هدف پژوهش فوق بررسی پیش‌بینی کارآمدی خانواده بر اساس تمایزیافتگی و همدلی عاطفی زوجین با میانجیگری مرزهای ارتباطی زوجینی است.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نظر هدف، از نوع تحقیقات کاربردی و به لحاظ شیوه گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع همبستگی است. در این پژوهش، کارآمدی خانواده به‌عنوان متغیر ملاک، تمایزیافتگی متغیر

1. Piazzesi, C., Blais, M & Belleau, H.

پیش‌بین اول، همدلی عاطفی زوجین متغیر پیش‌بین دوم و مرزهای ارتباطی زوجین به‌عنوان متغیر میانجی است. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی زوجین متأهل شهر قم در سال ۱۴۰۰ بود که با استفاده از فرمول تاباچنیک و فیدل^۱ (۲۰۰۷)، ۱۶۵ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انجام شد. برای گردآوری داده‌ها از ابزارهای زیر استفاده شد:

مقیاس سنجش کارآمدی خانواده از دیدگاه اسلام (SFEQ):^۲ پرسش‌نامه ۷۹ سؤالی سنجش کارآمدی خانواده از دیدگاه اسلام (SFEQ) توسط صفورائی (۱۳۸۸) و برگرفته از آیات و روایات اسلامی تهیه و اعتباریابی شد. پرسش‌نامه دارای سه شاخص بینشی، اخلاقی و حقوقی و در مجموع دارای ده مؤلفه است. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: ازدواج و رضایت جنسی، خوش‌بینی و رضامندی، نقش‌ها و مرزها، مدیریت مالی، فرزند و فرزندپروری، واقع‌بینی و اعتماد متقابل، تعهد و مسئولیت‌پذیری، کنترل رفتار، جهت‌گیری مذهبی، صمیمیت و همدلی. طبق گزارش صفورائی (۱۳۸۸)، ضریب همسانی درونی بر اساس آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه ۰/۸۹۱، شاخص بینشی ۰/۸۹۲ و شاخص حقوقی ۰/۷۶۷ است؛ همچنین اعتبار پرسش‌نامه از طریق دو نیمه کردن بر اساس ضریب اسپیرمن براون ۰/۸۳۴ و بر اساس ضریب دو نیمه‌سازی گاتمن ۰/۸۳۳ به‌دست آمده است. هوشیاری، تقیان و صفورائی (۱۳۹۵) با استفاده از نظریه سؤال - پاسخ، پرسش‌نامه فوق را مجدد هنجاریابی و در نهایت با ۶۰ سؤال ارائه کردند. برای بررسی روایی کل پرسش‌نامه کوتاه‌شده و مؤلفه‌های آن از همبستگی بین نمرات حاصل از کل مقیاس و مؤلفه‌ها در دو فرم اولیه و کوتاه استفاده شد. همبستگی بین دو فرم برای کل مقیاس ۰/۹۹، در مورد شاخص بینشی ۰/۹۹۶، در ارتباط با شاخص حقوقی ۰/۹۳۶ و در مورد شاخص اخلاقی نیز ۰/۹۸۴ است. برای تعیین میزان همسانی دو فرم در طبقه‌بندی آزمودنی‌ها از میانه استفاده شد. میزان توافق در نمره کل دو فرم ۹۹/۶ درصد، برای شاخص بینشی نیز درصد توافق دو فرم ۹۹ درصد، برای شاخص حقوقی، میزان توافق مربوط به دو فرم ۸۹/۳ درصد و دو فرم در شاخص اخلاقی ۹۶/۴ درصد توافق داشته‌اند؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که فرم کوتاه به اندازه فرم اولیه روایی دارد (هوشیاری، ۱۳۹۵).

مقیاس تمایز یافتگی اسکورون و فریدلندر (R-DSI):^۳ این پرسش‌نامه توسط اسکورون و فریدلندر (۱۹۹۸) تهیه و سپس توسط اسکورون و اسمیت^۴ (۲۰۰۳) مورد تجدید نظر قرار گرفت. این پرسش‌نامه دارای ۴۶ گویه است و تمرکز اصلی آن بر روی ارتباطات مهم زندگی و روابط افراد با خانواده اصلی است.

1. Tabachnick, B. & Fidell, L.

2. Safurayi Family Efficiency Questioner based on Islamic view

3. Differentiation of Self Inventory Revised

4. Schmitt, A.

این پرسش‌نامه یک نمره کل (تمایز یافتگی خود) و چهار خرده‌آزمون واکنش عاطفی،^۱ گریز عاطفی،^۲ آمیختگی با دیگران^۳ و موقعیت من^۴ را دربر می‌گیرد. اسکورون و فریدلندر (۱۹۹۸) همبستگی درونی پرسش‌ها را با آلفای کرونباخ برای پرسش‌نامه و خرده‌آزمون‌های آن چنین به‌دست آوردند: کل پرسش‌نامه ۰/۸۸، واکنش عاطفی ۰/۸۳، گریز عاطفی ۰/۸، آمیختگی با دیگران ۰/۸۲ و جایگاه من ۰/۸۰. در بررسی رشیدی (۱۳۹۵) آلفای کرونباخ پرسش‌نامه ۰/۸۳ به‌دست آمد. در پژوهش بخشی‌زاده و دیگران (۱۳۹۸) پایایی این ابزار و خرده‌آزمون‌های آن چنین به‌دست آمد: کل پرسش‌نامه ۰/۸، واکنش عاطفی ۰/۶۵، گسلش عاطفی ۰/۶۳، جایگاه من ۰/۴۲، آمیختگی با دیگران ۰/۳ را گزارش نمود. اسکورون و فریدلندر (۱۹۹۸) در یک تحقیق بر روی ۳۱۳ دانشجوی آمریکایی، ضرایب روایی سازه پرسش‌نامه تمایز یافتگی خود با پرسش‌نامه اضطراب حالت - صفت را در کل مقیاس ۰/۶۴ - ($P < ۰/۰۰۰۱$) و برای خرده‌مقیاس‌های هم‌آمیختگی با دیگران ۰/۱۶ -، موقعیت من ۰/۱ -، گسلش هیجانی ۰/۵۵ - و واکنش پذیری هیجانی ۰/۵۸ - به‌دست آوردند که همه به غیر از هم‌آمیختگی با دیگران، در سطح $P < ۰/۰۰۱$ معنی‌دار بودند. اسکیان (۱۳۸۴) برای بررسی روایی محتوایی پرسش‌نامه تمایز یافتگی خود از ده نفر از صاحب‌نظران در این زمینه نظرخواهی کرد که همه آنها روایی محتوایی پرسش‌نامه فوق را تأیید کردند. بهات (۲۰۰۱)، به نقل از: علیکی و نظری، (۱۳۸۷) ضریب پایایی آلفای کرونباخ کل پرسش‌نامه تمایز یافتگی خود را ۰/۸۱ و برای خرده‌مقیاس واکنش‌پذیری هیجانی ۰/۸۱، موقعیت من ۰/۶۹، گسلش هیجانی ۰/۶۵ و برای هم‌آمیختگی با دیگران ۰/۶۰ گزارش داده‌اند.

پرسش‌نامه همدلی عاطفی زوجین مهراییان و اپستین:^۵ این ابزار که مهراییان و اپستین (۱۹۷۲) آن را طراحی نمودند، یک مقیاس ۳۳ گویه‌ای است که پاسخ‌های عاطفی فرد به واکنش عاطفی دیگران را می‌سنجد. ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس در نمونه‌ای متشکل از ۹۲۴ نفر بررسی شد و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۱ به‌دست آمد که نشانه همسانی درونی خوب آن است. به منظور بررسی روایی سازه این مقیاس، از تحلیل عاملی اکتشافی^۶ با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی برای کل شرکت‌کنندگان استفاده شد. در تحلیل چرخش‌نیافته، بار عاملی اکثر گویه‌های مقیاس روی یک عامل کلی (همدلی عاطفی) قرار گرفت که ۶۷٪ واریانس کل را تبیین می‌کند. روایی هم‌گرا و^۷ تشخیص

1. Emotional reactivity

2. Emotional cut off

3. Fusion with others

4. I-Position

5 The Empathy Scale Mehrabian, Albert & Epstein, Norman

6. exploratory factor analysis

7. convergent

افتراقی^۱ آن از طریق اجرای هم‌زمان سیاهه سلامت روانی^۲ و فهرست عواطف مثبت و منفی^۳ محاسبه شد. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که نمره آزمودنی‌ها در مقیاس همدلی عاطفی با بهزیستی روان‌شناختی، عواطف مثبت، همبستگی مثبت و با درماندگی روان‌شناختی و عواطف منفی، همبستگی منفی دارد. این نتایج روایی هم‌گرا و تشخیص افتراقی مقیاس همدلی عاطفی را تأیید می‌کند (بشارت و دیگران، ۱۳۹۰).

پرسش‌نامه مرزهای ارتباطی زوجینی هوشیاری (H.SBQ):^۴ پرسش‌نامه ۶۶ سؤالی مرزهای زوجینی خانواده در سال ۱۳۹۹ توسط هوشیاری بر اساس آموزه‌های اسلامی ساخته و ویژگی‌های روان‌سنجی آن بررسی شده است و شش زیرمؤلفه تعهد خاص زناشویی، مرزهای تعاملات جنسی زوجین، مرزهای تعاملات غیرجنسی زوجین، فضای روانی - فیزیکی اختصاصی، رازداری خانوادگی - زناشویی و حدود انتظارات دوسویه را اندازه‌گیری می‌کند. روایی ابزار با روش تحلیل عاملی تأیید و پایایی آن با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ محاسبه شد. به منظور بررسی روایی سازه و برآورد پارامترهای گویه‌ها بر روی نمونه‌ای ۵۰۸ نفری از جامعه آماری اجرا شد. نتایج تحلیل عاملی تأییدکننده روایی سازه و مرزهای زوجینی است و کلیه شاخص‌ها نشان‌دهنده برازش مناسب مدل تحلیل عاملی تأییدی مرزهای درونی زوجینی است. به‌عنوان شاهی بر روایی سازه، میانگین نمره دو گروه از پاسخ‌گویان با هم مقایسه شد. نتایج نشان داد به‌صورت معناداری میانگین نمره مرز در گروه پاسخ‌گویان دارای اختلال خانواده کمتر از میانگین نمره در خانواده‌های عادی است و پرسش‌نامه به خوبی توانسته بین دو گروه خانواده‌های عادی و دارای اختلال خانوادگی تفکیک قائل شود.

یافته‌های پژوهش

نمونه مورد مطالعه شامل ۱۶۵ نفر (۹۴ زن و ۷۱ مرد) آزمودنی بود که بیشترین فراوانی ۸۸ نفر (۵۳/۴ درصد) مربوط به گروه سنی ۳۱-۴۰ سال است. ۲۷/۹ درصد پاسخ‌گویان در بازه سنی ۳۶-۴۰ سال و ۲۵/۵ درصد پاسخ‌گویان در بازه سنی ۳۱-۳۵ سال بوده‌اند. افرادی که در بازه سنی ۲۶-۳۰ سال و ۴۱-۴۵ سال بوده‌اند به ترتیب ۱۳/۹ و ۱۲/۷ درصد کل پاسخ‌گویان را تشکیل داده‌اند. هریک از دو گروه سنی ۲۵-۲۰ سال و ۴۶-۵۰ سال، ۶/۷ درصد کل پاسخ‌گویان را تشکیل داده‌اند. از نظر نوع تحصیلات ۴۴ نفر (۲۶/۷

1. discriminat
2. mental healthy inventory
3. positive & negative schedule
4. Houshyari Spousal Boundaries Questioner

درصد) تحصیلات حوزوی، ۵۴ نفر (۳۲/۷ درصد) تحصیلات دانشگاهی، ۲۳ نفر (۱۳/۹ درصد) تحصیلات حوزوی و دانشگاهی و ۴۴ نفر (۲۶/۷ درصد) هیچ کدام بود. میانگین سن ازدواج پاسخ گویان، ۲۱ سال و میانگین مدت زمان تأهل پاسخ گویان ۱۵ سال با انحراف معیار ۷/۹۷ بود. نتایج مربوط به میانگین، انحراف معیار، کجی و کشیدگی بین متغیرهای پژوهش در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱: آمارهای توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
کارآمدی خانواده	۱۴۰/۴	۲۰/۰۴	-۰/۱۹	-۰/۱۶
تمایز یافتگی	۱۶۷/۸	۲۶/۸۴	۰/۴۳	۰/۵۷
همدلی عاطفی زوجین	۲۰۸/۵	۲۴/۷۹	-۰/۱۵	-۰/۲۲
مرزهای زوجینی	۲۱۴/۷	۲۳/۶۰	-۰/۶۸	۰/۴۴

میانگین، انحراف معیار، کجی و کشیدگی متغیرهای تحقیق و زیرمقیاس های آن در جدول فوق ارائه شده است. از آنجاکه میزان کجی و کشیدگی متغیرهای تحقیق بین ۲- تا ۲+ است، می توان گفت توزیع متغیرهای تحقیق متقارن بوده و به توزیع نرمال نزدیک است.

جدول ۲: ضرایب همبستگی متغیرهای کارآمدی خانواده و تمایز یافتگی زوجین

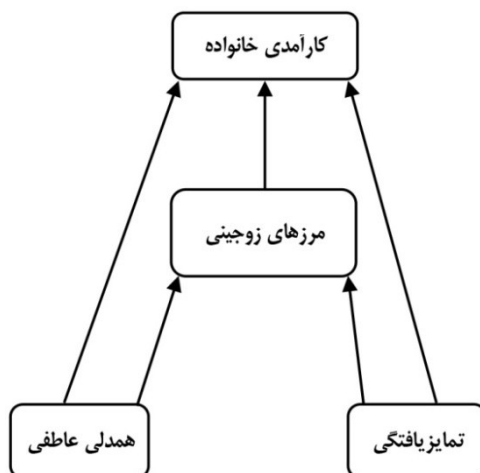
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
بینشی	۱							
حقوقی	۰/۷۸۰***	۱						
اخلاقی	۰/۸۱۶***	۰/۸۴۸***	۱					
کارآمدی خانواده	۰/۹۲۶***	۰/۹۱۱***	۰/۹۶۴***	۱				
واکنش پذیری هیجانی	۰/۲۶۸***	۰/۱۵۷*	۰/۲۱۶***	۰/۲۳۵***	۱			
موقعیت من	۰/۳۴۴***	۰/۲۶۷***	۰/۳۹۰***	۰/۳۲۲***	۰/۴۶۲***	۱		
گسلش هیجانی	۰/۳۷۶***	۰/۳۳۱***	۰/۳۴۶***	۰/۳۷۶***	۰/۵۴۸***	۰/۳۰۱***	۱	
هم آمیختگی با دیگران	۰/۰۷۶	-۰/۰۰۱	۰/۰۳۰	۰/۰۴۲	۰/۷۲۳***	۰/۳۹۸***	۰/۳۶۸***	۱
تمایز یافتگی	۰/۳۳۵***	۰/۲۳۵***	۰/۲۷۸***	۰/۳۰۷***	۰/۸۹۶***	۰/۶۶۶***	۰/۷۲۱***	۰/۸۱۳***

تمایز یافتگی زوجین با کارآمدی خانواده رابطه مثبت و معنی داری دارد. رابطه بین کارآمدی خانواده با همه زیرمقیاس های تمایز یافتگی زوجین به جز زیرمقیاس «هم آمیختگی با دیگران» مثبت و معنی دار است. بین زیرمقیاس مذکور و کارآمدی خانواده رابطه معنی داری وجود ندارد. بین تمایز یافتگی زوجین و هر سه زیرمقیاس کارآمدی خانواده رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

جدول ۳: ضرایب همبستگی متغیرهای کارآمدی خانواده و همدلی عاطفی زوجین

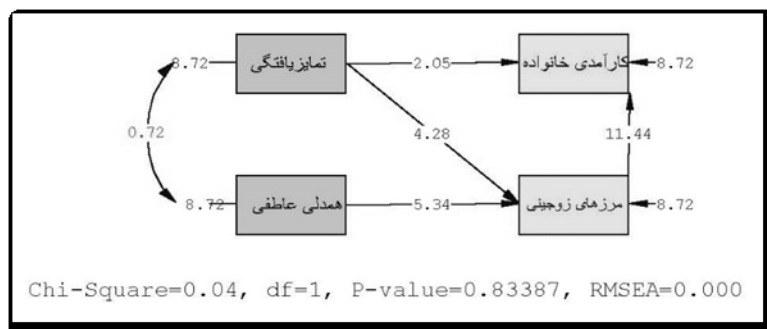
۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
										۱	بینشی
									۱	۰/۷۳۰**	حقوقی
								۱	۰/۸۱۳**	۰/۷۷۱**	اخلاقی
							۱	۰/۹۵۶**	۰/۸۹۱**	۰/۹۰۵**	کارآمدی خانواده
						۱	۰/۰۰۴	۰/۰۱۲	۰/۰۲۱	۰/۰۱۸	همدلی واکنشی
					۱	۰/۲۳۴**	۰/۰۹۱	۰/۱۰۱	۰/۰۵۰	۰/۰۸۲	همدلی بیانی
				۱	۰/۲۹۲**	۰/۵۲۳**	۰/۱۸۳*	۰/۱۶۲*	۰/۱۵۶	۰/۱۸۸*	همدلی مشارکتی
			۱	۰/۳۹۸**	۰/۰۳۷	۰/۴۰۵**	۰/۰۴۲	۰/۰۰۷	۰/۰۲۰	۰/۱۱۵	اثربخشی عاطفی
		۱	۰/۴۰۶**	۰/۴۵۱**	۰/۲۹۷**	۰/۴۱۰**	۰/۰۵۲	۰/۰۵۲	۰/۰۶۸	۰/۰۳۱	ثبات عاطفی
	۱	۰/۲۷۵**	۰/۳۳۱**	۰/۴۴۶**	۰/۳۳۵**	۰/۲۸۷**	۰/۱۱۷	۰/۱۴۲	۰/۱۱۱	۰/۰۵۹	همدلی نسبت به دیگران
۱	۰/۲۱۸**	۰/۲۸۴**	۰/۴۸۱**	۰/۱۲۵	۰/۰۱۸	۰/۰۹۲	۰/۱۷۸*	۰/۱۵۱	۰/۰۵۸	۰/۲۵۳**	کنترل
۰/۰۶۳	۰/۶۱۶**	۰/۵۸۸**	۰/۲۱۹**	۰/۶۲۰**	۰/۷۱۳**	۰/۳۸۶**	۰/۲۶۳**	۰/۲۵۸**	۰/۲۱۱**	۰/۲۴۳**	همدلی عاطفی زوجین

بین همدلی عاطفی زوجین و کارآمدی خانواده رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همدلی عاطفی زوجین با زیرمقیاس‌های کارآمدی خانواده نیز رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. بین کارآمدی خانواده با زیرمقیاس‌های همدلی عاطفی به جز دو زیرمقیاس «همدلی مشارکتی» و «کنترل» رابطه معنی‌داری وجود ندارد. رابطه بین کارآمدی خانواده و همدلی مشارکتی مثبت و رابطه آن با کنترل منفی است. برای بررسی نقش میانجی مرزهای زوجینی در رابطه بین تمایز‌یافتگی و همدلی عاطفی زوجین با کارآمدی خانواده، از تحلیل مسیر معادلات ساختاری استفاده شده است. نمودار معادلات مذکور در نمودار (۱) ارائه شده است.



نمودار ۱: مسیر پیشنهادی ارتباط بین تمایز‌یافتگی و همدلی با کارآمدی خانواده از طریق مرزهای زوجینی

در تحلیل صورت گرفته ارتباط مستقیم بین همدلی عاطفی و کارآمدی خانواده معنی‌دار نبود که از مدل فوق حذف شد. بنابراین مدل ذیل به عنوان مدل نهایی مورد تأیید قرار گرفت.



نمودار ۲: مسیر نهایی ارتباط بین تمایز یافتگی و همدلی عاطفی با کارآمدی خانواده از طریق مرزهای زوجینی

شاخص‌های برازش مدل ($\chi^2/df = 0.04$ ، $RMSEA = 0.00$ ، $\Delta IFI = 0.99$ ، $\Delta FI = 0.99$ ، $AGFI = 0.99$) نشان‌دهنده مناسب بودن مدل معادلات ساختاری برای پیش‌بینی کارآمدی خانواده بر اساس تمایز یافتگی و همدلی عاطفی زوجین با میانجیگری مرزهای ارتباطی زوجینی است. جدول شماره (۲) ضرایب مسیر و اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول ۲: مسیرهای آزمون شده در نمودار مسیر

R2	اثر کل		اثر غیرمستقیم		اثر مستقیم		متغیر برون‌زا	متغیر درون‌زا
	t	ضریب استاندارد	t	ضریب استاندارد	t	ضریب استاندارد		
۰/۵۲	۱۱/۴۴	۰/۶۸	—	—	۱۱/۴۴	۰/۶۸	مرزهای زوجینی	کارآمدی خانواده
	۴/۴۳	۰/۳۳	۴/۰۱	۰/۲	۰/۰۵	۰/۱۲	تمایز یافتگی	
	۴/۸۴	۰/۲۵	۴/۸۴	۰/۲۵	—	—	همدلی عاطفی	
۰/۲۵	۴/۲۸	۰/۳۰	—	—	۴/۲۸	۰/۳۰	تمایز یافتگی	مرزهای زوجینی
	۵/۳۴	۰/۳۸	—	—	۵/۳۴	۰/۳۸	همدلی عاطفی	

همان گونه که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، سه متغیر مرزهای زوجینی، تمایز یافتگی و همدلی عاطفی از طریق مسیر آزمون شده، ۵۲ درصد واریانس کارآمدی خانواده را پیش‌بینی می‌کنند. مرزهای زوجینی بر کارآمدی خانواده فقط اثر مستقیم دارد، همدلی عاطفی تنها اثر غیرمستقیم دارد، اما تمایز یافتگی هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم بر کارآمدی خانواده اثر دارد. همه اثرات مستقیم و غیرمستقیم، مثبت و معنی‌دار است.

تمایز یافتگی زوجین و همدلی عاطفی بر مرزهای زوجینی فقط اثر مستقیم دارد. اثر مستقیم هر دو متغیر بر مرزهای زوجینی مثبت و معنی‌دار است. دو متغیر تمایز یافتگی و همدلی عاطفی زوجین ۰/۲۵ درصد از واریانس مرزهای زوجینی را تبیین می‌کنند. از آنجاکه همبستگی پیرسون همدلی عاطفی و کارآمدی خانواده مثبت و معنی‌دار بود (جدول ۳)، اما در مدل تحلیل مسیر این مسیر غیر معنی‌دار شده است، می‌توان گفت مرزهای زوجینی در رابطه بین همدلی عاطفی و کارآمدی خانواده نقش میانجی دارد و این رابطه را به صورت کامل واسطه‌گری می‌کند.

همبستگی پیرسون تمایز یافتگی و کارآمدی خانواده مثبت و معنی‌دار بود (جدول ۲). در مدل تحلیل مسیر نیز این مسیر معنی‌دار شده است، اما ضریب استاندارد این مسیر کاهش یافته است، می‌توان گفت مرزهای زوجینی در رابطه بین تمایز یافتگی خود و کارآمدی خانواده به صورت جزئی نقش میانجی دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی کارآمدی خانواده بر اساس تمایز یافتگی و همدلی عاطفی زوجین با میانجیگری مرزهای ارتباطی زوجینی بود. نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون نشان داد بین تمایز یافتگی زوجین با کارآمدی خانواده رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. این یافته‌ها با نتایج مطالعات هیل (۲۰۰۹)، هاوس و مالینکروود (۲۰۰۷)، اسکورون (۲۰۰۰)، اسکورون و فریدلندر (۱۹۹۸)، نصری (۱۳۹۹)، بخشی‌زاده و دیگران (۱۳۹۸)، فعله‌کار و دیگران (۱۳۹۸)، افضل‌ی و باباخانی (۱۳۹۸)، روشن‌نژاد و دیگران (۱۳۹۸)، کشاورز افشار و دیگران (۱۳۹۷) و همایی و دشت‌بزرگی (۱۳۹۷) همخوان و با پژوهش مجد و دیگران (۱۳۹۴)، قاسمی‌مقدم و علی‌آبادی (۱۳۹۳) ناهمخوان است. در تبیین نقش مؤلفه‌های تمایز یافتگی با کارآمدی خانواده می‌توان گفت تمایز یافتگی به عنوان مهم‌ترین مفهوم در نظریه خانواده بوئن (۱۹۸۷) و یکی از کارکردهای سیستم عاطفی خانواده است که در روابط بین فردی نقش مهمی ایفا می‌کند. از نظر بوئن تمایز یافتگی با توجه به کارکرد بین فردی، توجه به تجربه کردن صمیمیت همراه با استقلال در روابط بین فردی و تعادل مناسب میان آنها را نشان می‌دهد (تواسون و فریدلندر، ۲۰۰۰). فرایندی که در آن، فرد یاد می‌گیرد جهت و مسیر خود را در زندگی ترسیم کند بی‌آنکه دائماً از رهنمودهای خانواده یا دیگران پیروی کند. این افراد با توجه به اینکه تعریف مشخصی از خود و عقایدشان دارند، می‌توانند مسئولیت بیشتری را در انتخاب جهت‌گیری‌های خود در زندگی بپذیرند و در موقعیت‌های شدیداً عاطفی، کنترل خود را از دست ندهند و منطقی و مسئولانه تصمیم‌گیری نمایند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۳). فرد تمایز یافته به خوبی با اضطرابش کنار آمده و در

برابر ناکارآمدی‌های طولانی مقاوم است و قادر به برقراری ارتباط با دیگران، بدون گم کردن «خود» یا آمیخته شدن با دیگران است (هیل، ۲۰۰۹). در مقابل، افراد تمایز نیافته که هویت تعریف‌شده‌ای ندارند، در تنش‌ها و مسائل بین اشخاص موجود همراه با موج عاطفی خانواده حرکت می‌کنند و در نتیجه اضطراب مزمن بالایی را تجربه کرده و مستعد مشکلات روان‌شناختی و بروز نشانه‌های بیماری هستند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۳). چنانچه ازدواج بر پایه معیارهای صحیح و آگاهانه صورت گیرد، به‌طوری‌که هریک از زوجین درحالی‌که به لحاظ فردی از پختگی و تمایز کافی جهت تشکیل زندگی مشترک برخوردار بوده، ازدواج فرصت ادامه رشد فردی و خانوادگی را فراهم می‌سازد. بدین صورت که پس از ازدواج هریک از همسران در راستای رشد خانوادگی می‌توانند برای دستیابی به اهداف فردی خود نیز تلاش کنند. این امر موجب رضایتمندی از پیوند زناشویی، عملکرد بهتر خانواده و در نهایت شکل‌گیری خانواده‌های کارآمد می‌شود.

یافته دیگر پژوهش حاضر این است که بین همدلی عاطفی زوجین و کارآمدی خانواده رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همدلی عاطفی زوجین با زیرمقیاس‌های کارآمدی خانواده نیز رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. بین کارآمدی خانواده با زیرمقیاس‌های همدلی عاطفی به جز دو زیرمقیاس «همدلی مشارکتی» و «کنترل» رابطه معنی‌داری وجود ندارد. رابطه بین کارآمدی خانواده و همدلی مشارکتی مثبت و رابطه آن با کنترل منفی است. این یافته‌ها با نتایج مطالعات ارکیستر و استیونسون (۱۹۹۱)، زینعلی تاجانی و بشری (۱۳۹۹)، حیرانی و حیرانی (۱۳۹۹)، فتوت، قهاری و سالمی خامنه (۱۳۹۸)، جهان‌دوست، علاءالدینی و براتی (۱۳۹۸)، جعفری و دیگران (۱۳۹۸)، کریمی وردنجانی (۱۳۹۵)، نادری و دیگران (۱۳۹۴) همخوان و با تاجیک (۱۳۹۴) ناهمسو است. در تبیین نتایج فوق می‌توان گفت یکی از اهداف مهم تشکیل خانواده، تأمین و ارضای نیازهای عاطفی و مقابله با بحران در این زمینه است (علینی، ۱۳۹۳). ازدواج معمولاً اصلی‌ترین و مهم‌ترین زمینه‌ای است که عملکرد و اثر صمیمیت و روابط اجتماعی رشدیافته در آن تجلی پیدا می‌کند (علی‌اکبری دهکردی، ۱۳۸۹)، و اصولاً یکی از عوامل مهمی که انسان را به سوی ازدواج و تشکیل خانواده سوق می‌دهد، همین نیاز به عاطفه و همراهی دیگران است. بر همین اساس می‌توان ادعا کرد که نیرومندترین عامل دوام و رشد خانواده، عاطفه و محبت و بهترین عامل استحکام و بقای آن برانگیختن عواطف متقابل افراد خانواده خصوصاً زوجین نسبت به یکدیگر است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۷۲)، به‌گونه‌ای که یکی از کارکردهای مهم خانواده، برقراری روابط عاطفی بین زن و شوهر و گسترش روابط روان‌شناختی است، که مایه آرامش هر دوی آنها می‌شود و اگر نیازهای زوجین برطرف نشود و به راه‌حل مثبتی جهت دستیابی به نیازهای آنها نرسند، استرس، ناکامی، سرخوردگی، خشم و در نهایت دلزدگی زناشویی بروز پیدا می‌کند (علی‌اکبری دهکردی،

۱۳۸۹). اهمیت این مسئله به قدری است که برقراری روابط عاطفی زوجین در منابع دینی به عنوان یکی از کارکردها و شاخص‌های کارآمدی خانواده مورد توجه ویژه قرار گرفته است. مهربانی در نگاه گرفتن دست‌ها (متقی هندی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۶، ص ۲۷۶)، اظهار مهربانی و محبت (متقی هندی، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۲۲۵؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۱۵۷)، خوش رفتاری و مهرورزی (حلی، ۱۴۰۷ق، ص ۹۱)، ابراز علاقه و عشق در گفتار (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۶۹)، پرهیز از آزار رساندن و سخت‌گیری (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۳۲۵)، همدلی عاطفی (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۵۲)، نشستن در کنار یکدیگر (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۲۸۷)، عشق به خانواده در راستای عشق به خداوند (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۱۵۷)، دفع بدی اعضای خانواده با خوبی (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ج ۵، ص ۵۵)، تلاش در جهت رفع حاجت اعضای خانواده (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۸۸)، دلجویی از اعضای خانواده هنگام مورد آزار قرار گرفتن از سوی انسان (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۳۸) و دفاع از همسر (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵، ص ۱۲۰) از جمله تجویزات اسلامی در راستای ایجاد ارتباط همدلانه زوجینی است که نقش مهمی در کارآمدی خانواده ایجاد می‌کنند.

رعایت مهرورزی و ارتباط عاطفی طبق دستورات اخلاقی یک امر خصوصی در زندگی شخصی نیست که فقط یک مسئله مقدس، روحانی و معنوی باشد که تنها برای زندگی آخروی فایده داشته باشد؛ بلکه همه مسائل اخلاقی، آثاری در زندگی مادی و معنوی جامعه بشری و انسانی دارد که بدون آن زندگی انسانی مفهوم خود را از دست خواهد داد. درست است که زندگی فرد نیز بدون اخلاق لطافت و شکوفایی و زیبایی ندارد؛ ولی مهم‌تر از زندگی فردی، خانواده و زندگی اجتماعی است که با حذف و یا کمرنگ شدن مسائل اخلاقی به سرنوشت نامطلوبی گرفتار می‌شود و کارآمدی خانواده دچار اختلال می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷). تلاش برای عمل به مقررات و قوانین بدون پشتوانه اخلاق در خانواده و بلکه باید گفت در هیچ جا ثمری ندارد. در مقابل، ایمان و اخلاق بهترین ضامن اجرایی قوانین و مقررات در کانون خانواده است و کارآمدی آن را تضمین می‌کند (صفورائی، ۱۳۹۷).

از دیگر یافته‌های پژوهش آن است که مرزهای زوجینی در رابطه بین تمایز یافتگی و کارآمدی خانواده به صورت جزئی نقش میانجی دارد. نتایج فوق با نتایج پژوهش تقیان و قاسمی (۱۳۹۹) همخوانی دارد. در تبیین یافته فوق می‌توان گفت با توجه به اینکه خودتمایز یافتگی عبارتند از ترکیبی پیچیده‌ای از بلوغ عاطفی، توانایی تفکر منطقی در یک موقعیت عاطفی و توانایی حفظ روابط عاطفی نزدیک (دراک، ۲۰۱۱)^۱ و توانایی است که به مالکیت و مسئولیت تمامی افکار، احساسات و انجام اعمال

بر طبق آنها به صورت آگاهانه اشاره دارد (پلگ، ۲۰۰۵)، افراد تمایز یافته به دلیل اینکه تعریف مشخصی از خود و عقایدشان دارند و می‌توانند جهت خویش را در زندگی انتخاب کنند، قادرند مرزهای ارتباطی را در روابط بین فردی حفظ نمایند. این افراد در برابر ناکارآمدی‌های طولانی مقاوم‌اند و بدون گم کردن «خود» یا آمیخته شدن با دیگران قادر به برقراری ارتباط با دیگران هستند. بنابراین ناکارآمدی درجه‌ای است که فرد یا سیستم، فاقد تمایز یافتگی مناسب بوده که منتج به آمیختگی خود و بروز نشانگان روانی، فیزیکی یا اجتماعی می‌شود (هیل، ۲۰۰۹)، به گونه‌ای که در رابطه زناشویی هرگاه سطح تمایز یافتگی هر دو زوج پایین باشد، آمیزش عاطفی بیشتری روی می‌دهد که این حالت منجر به کاهش کیفیت زناشویی و سازگاری پایین در روابط زناشویی می‌شود. در عوض زوج‌هایی که حداقل آمیزش عاطفی را با هم دارند، بیشترین فردیت را نیز دارند و این، امکان با هم بودن باثبات و محکم‌تری به آنها می‌دهد (بوئن، ۱۹۷۸). بنابراین با توجه به اینکه ارتباط و تأثیرگذاری سازنده هریک از زیرنظام‌های خانواده منوط به ایجاد مرزها در خانواده و بین زیرنظام‌ها با یکدیگر است (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۳)، تمایز یافتگی زوجین زمانی منجر به کارآمدی خانواده می‌شود که مرزهای زوجینی بهنجار محقق شده باشد.

یافته دیگر پژوهش حاضر نشان داد مرزهای زوجینی در رابطه بین همدلی عاطفی و کارآمدی خانواده نقش میانجی دارد و این رابطه را به صورت کامل واسطه‌گری می‌کند. در تبیین یافته حاضر می‌توان گفت وجود ارتباطات همدلانه و بر پایه عاطفه و صداقت بین زوجین، یکی از مهم‌ترین عوامل تشکیل کارآمدی خانواده است (علینی، ۱۳۹۳). همدلی عاطفی به عنوان یکی از ویژگی‌های رفتار بین فردی برای برقراری ارتباط مؤثر در دنیای اجتماعی، توانایی عاطفی و شناختی حالات روانی (احساسات، افکار و انگیزه‌ها) دیگران و پاسخ‌دهی مناسب به آنها با هیجان‌های مناسب می‌باشد (کانراس، میر و بوشمن، ۲۰۱۸)^۲، که باعث می‌شود تا افراد بتوانند آرا و عقاید دیگران را درک و رفتارشان را پیش‌بینی و به آنها پاسخ مناسب دهند (موسوی، خسروی و دهشیری، ۱۳۹۶). اگرچه با تحقق پیمان زناشویی، احساس علاقه، محبت و همدلی به طور تکوینی بین زوجین به وجود می‌آید؛ اما استحکام، ثبات و تکوین مهارت‌های بین فردی در منظومه‌ها به آزادی زیرمنظومه از مداخله سایر زیرمنظومه‌ها بستگی دارد. رعایت مرزها در روابط افراد موجب درک بهتری از احساس، افکار و رفتارهای یکدیگر شده و پاسخ‌دهی متناسب به آنها با هیجان‌های مناسب صورت می‌گیرد. احترام متقابل، اعتماد و صداقت، مسئولیت‌پذیری نسبت به یکدیگر، پیشرفت و توسعه فردی دو طرف، تداوم و تقویت همدلی و

1. Peleg, O.

2. Konrath, S., Meier, B. & Bushman, B.

پرورش عشق میان زوجین و در نهایت کارآمدی خانواده از جمله نتایجی است که با رعایت حد و مرزها در ارتباطات زوجینی حاصل می‌شود. در مقابل، ورود به فاصله‌های روان‌شناسی افراد موجب سلب حق آزادی، احساس عدم امنیت، احساس تنش و عدم صمیمیت می‌شود. بنابراین با توجه به اینکه ارتباط و تأثیرگذاری سازنده هریک از زیرنظام‌های خانواده منوط به ایجاد مرزها در خانواده و بین زیرنظام‌ها با یکدیگر است، همدلی عاطفی زوجین زمانی منجر به کارآمدی نظام خانواده می‌شود که مرزبندی و رعایت حریم همسران محقق شده باشد.

از دیگر یافته‌های پژوهش آن است که مرزهای زوجینی در رابطه بین تمایز یافتگی و همدلی عاطفی با کارآمدی خانواده، نقش میانجی دارد. در تبیین نتیجه فوق می‌توان گفت در رویکرد ساختاری، خانواده به عنوان سیستمی تلقی می‌شود که از طریق خرده سیستم‌هایی عمل می‌کند که نیازمند وضوح و نفوذپذیری کافی مرزهاست (دوهرتی و مک دانیل، ۱۳۸۹). طبق این رویکرد تمام خانواده‌ها ساختاری شامل خرده سیستم‌ها، مرزها، قواعد و نقش‌ها دارند و برای حفظ کارآمدی آن، تنظیم و کنترل ابعاد این ساختار لازم است. توجه به مرزهای خانواده در این میان اهمیت بسزایی دارد و بهنجار بودن مرزهای خانواده به صورت طبیعی با کارآمدی خانواده ارتباط خواهد داشت؛ چراکه تعاملات قانونمند اعضای خانواده به حفظ ساختار، عدم ورود و دخالت سایرین، پیوستگی و مشارکت بیشتر اعضای خانواده، حفظ و تقویت تفرد اعضا و کل سیستم خانواده و قانونمندی اعضا در حل بحران‌های داخلی خانواده خواهد شد، که در نهایت برآیند کلی آن، کارآمدی بیشتر فردی و خانوادگی خواهد بود (شاهسوار و کچویی، ۱۳۹۸). این هدف زمانی محقق خواهد شد که تأثیر عوامل مختلف روانی، معنوی و رفتاری زوجین بر کارآمدی خانواده تبیین و مشخص شود. تمایز یافتگی و همدلی عاطفی زوجین از جمله ویژگی‌های است که می‌تواند جنبه‌های خاصی از عملکرد زوجین را در زمینه‌های گوناگون در بستر خانواده روشن سازد. چنان که گذشت بین تمایز یافتگی و همدلی عاطفی زوجین با مرزهای زوجینی و بالتبع با کارآمدی زندگی زناشویی رابطه وجود دارد و عدم آنها پیش‌بینی کننده اختلاف زناشویی بوده است. در نظام‌های زناشویی تمایز یافته، همسران به یکدیگر اجازه می‌دهند که نقشی نرمش پذیرتر و رابطه‌ای صمیمانه‌تر داشته باشند و تفاوت عقاید یکدیگر را تحمل و واکنش هیجانی کمتری را تحمل کنند. به سخن دیگر، برای اینکه مشکلات کمتری داشته باشند در پاسخ به عواطف دیگران آرامش خود را حفظ نمایند (بوئن، ۱۹۷۸)، انعطاف‌پذیری بیشتری را در نقش‌شان روا داشته، ارتباطات صمیمانه را مجاز می‌دانند، تفاوت از عقایدشان را تحمل می‌کنند و انفعال هیجانی کمتری را تجربه می‌کنند. چنین زوج‌هایی هنگام مواجهه با تضاد دارای تحمل بیشتری نسبت به اختلاف‌ها هستند و در نتیجه تهدید کمتری را احساس می‌کنند (هیل، ۲۰۰۹). این افراد ممکن است عواطف شدیدی را تجربه کنند، اما توسط این عواطف تحلیل

نمی‌روند و واکنش این دسته افراد کنترل شده است. زمانی که تجربه‌های درونی یا تعاملات بین فردی بسیار تنش‌زا باشد، افراد تمایز یافته لزومی احساس نمی‌کنند که از لحاظ عاطفی از دیگران جدا شوند و منطقی و مسئولانه تصمیم‌گیری می‌نمایند (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۳).

بنابراین با توجه به اینکه ارتباط و تأثیرگذاری سازندهٔ هریک از زیرنظام‌ها در ساختار خانواده منوط به ایجاد مرزهای بهنجار در خانواده و بین زیرنظام‌ها با یکدیگر است، ویژگی‌های ارتباطی مانند همدلی عاطفی و ویژگی‌های شخصیتی همچون تمایز یافتگی زوجین زمانی منجر به تحقق کارکردها و در نتیجه کارآمدی نظام خانواده می‌شود که مرزبندی و رعایت حریم همسران محقق شده باشد. رعایت مرزها در روابط افراد موجب درک بهتری از احساسات، نگرش‌ها، رفتارها، انتخاب‌ها، محدودیت‌ها، ارزش‌ها، خواسته‌ها، افکار، استعدادها، حساسیت‌ها و... با یکدیگر شده و تکلیف خود را نسبت به خود و نسبت به شریک زندگی خود می‌دانند و سعی می‌کنند هماهنگ و با رعایت مرزها رفتار نمایند. مرزها به افراد کمک می‌کنند که بین اولویت‌های خود و همسرشان تعادل برقرار کنند. نادیده گرفته شدن مرزهای زوجینی موجب سلب حق آزادی و انتخاب همسران و فضایی آکنده از تنش، نادیده انگاشته شدن، احساس حقارت و عدم صمیمت می‌شود. احترام متقابل، اعتماد و صداقت، مسئولیت‌پذیری نسبت به یکدیگر، پیشرفت و توسعهٔ فردی دو طرف، تداوم و تقویت همدلی و پرورش عشق میان زوجین و در نهایت کارآمدی خانواده از جمله نتایجی است که با رعایت حد و مرزها در ارتباطات زوجینی حاصل می‌شود. در مقابل، ورود به فاصله‌های روان‌شناسی افراد موجب سلب حق آزادی، احساس عدم امنیت شدن، احساس تنش، عدم صمیمت و عدم مسئولیت‌پذیری و بی‌توجهی به کارکردهای خانواده و در نهایت ناکارآمدی نظام خانواده می‌گردد؛ زیرا تحقق کارکردهای صحیح خانواده، مبتنی بر تعاملات صحیح بین اعضا و تحقق نقش‌های صحیح هریک از اعضا جهت نیل به هدف واحد است.

نهاد خانواده همواره نیازمند مراقبت می‌باشد تا رشد پیدا کند و پرورش یابد و در نهایت به کمال برسد. مراقبت از خانواده نیازمند آگاهی و دانش کافی می‌باشد. زوجین به‌عنوان اثربخش‌ترین اعضای این نهاد می‌توانند با یادگیری مهارت‌هایی مانند تمایز یافتگی، همدلی، رعایت حدود و مرزها و... به شکل موفقیت‌آمیزی عمل کنند و این نهاد نوپا را به کمال شایسته خود برسانند.

منابع

- آذربایجانی، مسعود و شجاعی، محمدصادق (۱۴۰۱). *روان‌شناسی در نهج البلاغه*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- احدی، حسن و علیزاده اصل، افسانه (۱۳۹۰). پیش‌بینی کیفیت زندگی دانشجویان دختر بر اساس متغیرهای تمایز یافتگی و تاب‌آوری. *زن و مطالعات خانواده*، ۴(۱۴)، ۲۷-۴۲.
- اسکیان، پرستو (۱۳۸۴). *بررسی تأثیر سایکودرام بر افزایش تمایز یافتگی فرد در خانواده اصلی در دانش‌آموزان دختر دبیرستان منطقه ۵ تهران*. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد مشاوره. دانشکدهٔ روان‌شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه تربیت معلم.

- افضلی، نیلوفر و باباخانی، نرگس (۱۳۹۸). تمایز یافتگی خود، سخت‌رویی، سبک‌های حل تعارض و سازگاری زناشویی. *هفتمین کنگره انجمن روان‌شناسی ایران*. تهران.
- بخشی‌پور، باب‌الله؛ اسدی، مسعود؛ کیانی، احمد رضا؛ شیرعلی‌پور، اصغر و احمد دوست، حسین (۱۳۹۱). رابطه عملکرد خانواده با تعارضات زناشویی زوج‌های در آستانه طلاق. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۱۳(۲)، ۱۰-۱۹.
- بخشی‌زاده، فاطمه؛ سامانی، سیامک؛ خیر، محمد و سهرابی، نادره (۱۳۹۸). آزمون مدل علی تمایز یافتگی و رضایت زناشویی. *زن و جامعه*، ۱۰(۳)، ۳۱-۴۶.
- بستان، حسین (۱۳۹۲). *نظریه‌سازی دینی در علوم اجتماعی با تطبیق بر جامعه‌شناسی خانواده*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بشارت، محمدعلی؛ خدابخش، محمدرضا؛ فراهانی، حجت‌الله و رضازاده، محمدرضا (۱۳۹۰). نقش واسطه‌ای خودشیفتگی در رابطه بین همدلی و کیفیت روابط بین‌شخصی. *روان‌شناسی کاربردی*، ۵(۲)، ۷-۲۳.
- بنی‌جمال، شکوه‌السادات؛ یزدی، سیده منوره و نفیسی، غلامرضا (۱۳۸۳). ریشه‌یابی از هم‌پاشیدگی خانواده‌ها در رابطه با ویژگی‌های روانی - اجتماعی دختران و پسران قبل از ازدواج. *علوم تربیتی و روان‌شناسی اهواز*، ۱۱(۱ و ۲)، ۱۴۳-۱۷۰.
- تاجیک، زینب (۱۳۹۴). *پیش‌بینی همدلی و کیفیت زندگی دانشجویان زن متأهل بر اساس الگوهای ارتباطی و تمایز یافتگی خود*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه الزهراء.
- تقیان، حسن و قاسمی مروج، مهدی (۱۳۹۹). پیش‌بینی تعهد زناشویی بر اساس تمایز یافتگی زوجین با نقش میانجی مرزهای زوجینی خانواده. *پژوهش‌های روان‌شناسی اسلامی*، ۳(۱)، ۲۱-۳۷.
- جعفری، زهر؛ شریفی، فاطمه و هوشیار، جعفر (۱۳۹۸). رابطه هوش هیجانی و کارآمدی بینشی، اخلاقی و حقوقی خانواده در طلاب خواهر متأهل جامعه المصطفی العالمیه، *پژوهش‌های روان‌شناسی اسلامی*، ۲(۲)، ۴۹-۶۶.
- جهان‌دوست، سوسن؛ علاءالدینی، زهره و براتی، هاجر (۱۳۹۸). نقش هوش موفق و همدلی عاطفی در رضایت زناشویی با در نظر گرفتن نقش تعدیل گر سن. *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۱۱(۴۱)، ۱۳۹-۱۵۶.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل‌البیت.
- حلی اسدی، احمد بن محمد بن فهد (۱۴۰۷ق). *عدة الداعی و نجاح الساعی*. بیروت: دار الکتب اسلامی.
- حیرانی، محمدحسین و حیرانی، امیرحسین (۱۳۹۹). همبستگی خانواده با همدلی عاطفی در بیماران مبتلا به دیابت نوع دو، *چهارمین همایش ملی روان‌شناسی دانشگاه پیام نور رشت*.
- رسولی، آراس (۱۳۹۵). تدوین الگوی کارکرد خانواده بر اساس مؤلفه‌های امید، صمیمیت و تعارضات زناشویی زوجین. *زن و جامعه*، ۷(۳)، ۳۹-۶۰.
- روشن‌نژاد، نجمه؛ بیان‌فر، فاطمه و طالع‌پسند، سیامک (۱۳۹۸). پیش‌بینی سازگاری زناشویی زوج‌های جوان بر مبنای ویژگی‌های شخصیتی، تمایز یافتگی خود و سرسختی، *روان‌شناسی بالینی*، ۱۱(۱)، ۹۳-۱۰۶.
- زرگر، فاطمه و نشاط‌دوست، حمیدطاهر (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر در بروز طلاق در شهرستان فلاورجان، *خانواده‌پژوهی*، ۳(۳)، ۷۳۷-۷۴۹.
- زینعلی تاجانی، شینا و بشری، حسین (۱۳۹۹). بررسی روابط عاطفی و کارآمدی خانواده در زمان کرونا. *اولین همایش ملی آسیب‌شناسی روانی*. اردبیل.
- سلیمان‌زاده موسوی، ملیحه‌سادات (۱۳۹۴). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و مؤلفه‌های تمایز یافتگی، *کنفرانس بین‌المللی مدیریت و علوم انسانی*.
- سلیمی علویجه، فاطمه؛ پذیرا، رقیه و نامور، هومن (۱۳۹۸). پیش‌بینی کیفیت زندگی بر اساس تمایز یافتگی خود در مبتلایان به فشار خون، *دومین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و علوم انسانی*.
- شاهسوار، محبوبه و کچویی، فرزانه (۱۳۹۸). پیش‌بینی کارآمدی خانواده بر اساس مرزهای بیرونی خانواده و خردمندی زوجین. *پژوهش‌های روان‌شناسی اسلامی*، ۲(۳)، ۳۵-۵۴.
- شاهوران فرد، سعیده (۱۳۹۴). مرزهای ایمن، حفظ مرزها در خانواده‌های سالم. *رشد آموزش مشاور مدرسه*، ۴۰، ۵۷-۶۱.
- شعبانی، عین‌الله (۱۳۸۲). *بررسی عوامل مؤثر بر تقاضای طلاق در شهر تبریز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی. تهران.

- صفورائی پاریزی، سلیمه (۱۳۹۷). بررسی رابطه تنظیم شناختی هیجان با کارآمدی خانواده و رضایت از زندگی و تبیین آن بر اساس منابع اسلامی. پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی اسلامی. دانشگاه قرآن و حدیث. قم.
- صفورائی پاریزی، محمدمهدی (۱۳۹۲). شاخص های کارآمدی خانواده، پژوهش نامه مطالعات اسلامی زنان و خانواده، ۵۸-۲۹، (۱)۱.
- صفورائی پاریزی، محمدمهدی (۱۳۸۸). اثربخشی رعایت آموزه های اخلاق اسلامی در کارآمدی خانواده. معرفت اخلاقی، ۱۱(۱)، ۹۱-۱۱۸.
- طالبی، مریم و غباری بناب، باقر (۱۳۹۱). رابطه تمایز یافتگی خود، هوش هیجانی و رضایت زناشویی در مراکز مشاوره شهر شاهرود. زن و مطالعات خانواده، ۵(۱۸)، ۳۲-۱۵.
- عزیزی، آرمان؛ رحمانی، شمس الله؛ ویسی، فرشید؛ محمدی، فاروق و فتحی، حسام (۱۳۹۵). پیش بینی افزایش و کاهش طلاق با توجه به نقش خانواده همسر در زندگی خصوصی. سومین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی، ۱۵-۱.
- علی اکبری دهرودی، مهناز (۱۳۸۹). رابطه عملکرد جنسی زنان با سازگاری زناشویی. علوم رفتاری، ۴(۳)، ۱۹۹-۲۰۶.
- علیکی، محمود و نظری، علی محمد (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین تمایز یافتگی و رضایت زناشویی. پژوهش های مشاوره، ۲۶(۷)، ۲۴-۷.
- علینی، محمد (۱۳۹۳). بررسی کارکردهای خانواده در شکل گیری سبک زندگی اسلامی. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۴(۱)، ۷۸-۱۰۷.
- فتوت، فاطمه؛ قهاری، شهربانو و سالمی خامنه، علیرضا (۱۳۹۸). سبک های ابرازگری هیجانی، همدلی عاطفی، رضایت زناشویی با میانجیگری سبک دلبستگی در مادران کودکان ای دی ایچ دی، پرستار و پزشک در رزم، ۷(۲۵)، ۳۳-۴۰.
- فعله کار، اشکان؛ بردن، زهرا؛ دانایی کوشا، منا؛ امانی، امید و مقدم فر، نصیره (۱۳۹۸). ارتباط تمایز یافتگی خود و طرحواره های ناسازگار اولیه با رضایت زنان متقاضی طلاق، پژوهش پرستاری ایران، ۱۴(۶)، ۲۶-۳۴.
- قاسمی مقدم، مریم و علی آبادی، زکبه (۱۳۹۳). بررسی میزان پیش بینی پذیری عملکرد خانواده توسط تمایز یافتگی خود در بانوان متأهل شهر قم. ششمین کنگره ملی آسیب شناسی خانواده (و جشنواره ملی خانواده پژوهی).
- کاظمیان، سمیه و دلاور، علی (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین تمایز یافتگی با میزان تمایل به اعتیاد در مردان متأهل. نظم و امنیت انتظامی، ۴(۴)، ۱۰۵-۱۱۵.
- کریمی وردنجانی، محمد (۱۳۹۵). ارزیابی مدل رابطه بین خانواده اصلی و رضایت زناشویی با میانجیگری تعهد زناشویی و همدلی زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید چمران اهواز. دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی.
- کشاورز افشار، حسین؛ قنبریان، الهه؛ جبلی، سیدجلیل و سعادت، سیدحسن (۱۳۹۷). رابطه بین تمایز یافتگی خود و طرحواره های ناسازگار اولیه با مؤلفه های عملکرد خانواده در زنان نظامیان شهر تهران. طب نظامی، ۲۰(۶)، ۳۵-۶۴۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- گلدنبرگ، هربرت و گلدنبرگ، آیرین (۲۰۰۳م). خانواده درمانی. ترجمه مهرداد فیروزبخت. تهران: رسا.
- متقی هندی، علی بن حسام الدین (۱۴۱۹ق). کنز العمال فی سنن الاقوال و الأفعال. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- مجد، مریم؛ راضی، کمال؛ موسوی، مژگان و کاظمی، زینب (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین ابعاد تمایز یافتگی خود با ابعاد رضایتمندی زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه علوم تحقیقات فارس. دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی. تهران.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۴). میزان /الحکمه، تهران: دار الحدیث.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱). اخلاق در قرآن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن. قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب.
- ملفت، حسین و احمدی، حبیب (۱۳۸۱). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در شهرستان داراب. پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی. دانشگاه شیراز.
- موسوی، پانته‌آ؛ خسروی، زهره و دهشیری، غلامرضا (۱۳۹۶). ساختار عاملی مدل همدلی بر اساس پرسش نامه بهره همدلی در یک نمونه بزرگسال ایرانی. تازه های علم شناختی، ۱۹(۱)، ۷۵-۹۰.

مینوچین، سالوادور (۱۹۷۴م). *خانواده و خانواده درمانی*. ترجمه باقر ثنائی. تهران: امیرکبیر.
 نادری، لیلا؛ مولوی، حسین و نوری، ابوالقاسم (۱۳۹۴). پیش‌بینی رضایت زناشویی زوجین شهر اصفهان بر اساس همدلی و بخشودن. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۱۶(۴)، ۷۵-۶۹.
 نصری، سپیده (۱۳۹۹). بررسی رابطه مهارت‌های حل تعارض و تمایز یافتگی خود با رضایت زناشویی در زنان متأهل ساکن منطقه ۵ تهران. *هشتمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روان‌شناسی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران*. تهران.

نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. قم: مؤسسه آل‌البیت.
 همای، رضوان و دشت‌بزرگی، زهرا (۱۳۹۷). همبستگی تمایز یافتگی خود و خوش‌بینی با مسئولیت‌پذیری و رضایت زناشویی در دانشجویان پرستاری. *مدیریت ارتقای سلامت*، ۷(۲)، ۶۴-۵۸.
 هوشیاری، جعفر؛ تقیان، حسن و صفورائی، محمدمهدی (۱۳۹۵). *هنجار یابی مجدد پرسش‌نامه سنجش کارآمدی خانواده با استفاده از نظریه پرسش - پاسخ*. *پژوهش مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۱۰(۱۹)، ۹۹-۱۱۷.
 هوشیاری، جعفر؛ صفورائی، محمدمهدی؛ جزایری، سیدحمید و تقیان، حسن (۱۳۹۹). *تبیین مرزهای خانواده بر اساس قرآن کریم و ساخت پرسش‌نامه سنجش آن*، پایان‌نامه دکتری تخصصی. مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی جامعه المصطفی العالمیه.

هی‌لی، جی (۱۹۷۶م). *روان درمانی خانواده*. ترجمه باقر ثنائی. تهران: امیرکبیر.

- Arkister, J. & Stevenson, H. (1991). Identifying family at risk: Exploring the MC Master family assessment device. *Journal of family therapy*, 13(4)411-421.
 Bowen, M. (1978). *Family Therapy in Clinical Practice*. New York: Jason Aaronson. 25-39.
 Davis, M. H. (1983). Measuring individual differences in empathy: Evidence for a multidimensional approach. *Journal of Personality and Social Psychology*, 44(1), 113-126.
 Drak, J. R. (2011). Differentiation of self inventory_short form: creation and initial evidence of construct validity. Missouri-Kansas.
 Duarte, J., Pinto-Gouveia, J. & Cruz, B. (2016). Relationships between nurses' empathy, self-compassion and dimensions of professional quality of life: A cross-sectional study. *International Journal of Nurs Studies*. 60, 1-11.
 Elizur, J. Minuchin, c. (1990). Institutionalizing Madness: Families, Therapy and Society, Hardcover, Basic Books; 1st edition (December 21, 1989).
 Haws, W. & Mallinckrodt, B. (2007). Separation-individuation from family of origin and marital adjustment of recently married couple. *American Journal of Family Therapy*, 26(4), 293-307.
 Hill A. (2009). Predictors of relationship satisfaction: the link between cognitive flexibility, compassionate love and level of differentiation. Los Angeles, California: Alliant International University; 2008.
 Ickes, William. (2013). Empathic accuracy in close relationships, p. 348-373.
 Konrath, S., Meier, B. P., Bushman, B. J. (2018). Development and validation of the Single Item Trait Empathy Scale (SITES). *Journal of research in personality*, 73, 11-22.
 Peleg, O. (2005). The relation between differentiation and social anxiety: what can be learn from students and their parents? *The American journal of family therapy*, 33, 167-183.
 Piazzesi, Chiara. Blais, Martin & Belleau, Hélène. (2019). Nouvelles frontières de l'intimité conjugale et familiale, openedition Journal, Numéros 34.
 Richards, E. (1989). Self-reports of differentiation of self and marital compatibility as related to family functioning in the third and fourth stages of the family life cycle. *Nursing Practice*, 3(3), 177-80.
 Skowron E. A. (2000). The role of differentiation of self in marital adjustment. *Journal of Counseling Psychology*, 47, 229-237.
 Skowron E, Friedlander M. (1998). The differentiation of self inventory: development and initial validation. *Journal of Counseling Psycho*, 28, 235-46.

- Skowron, E. A. & Schmitt, A. T. (2003). Assessing interpersonal fusion: Reliability and validity of a new DSI fusion with others subscale. *Journal of Marital and Family Therapy*, 29, 209-222.
- Sousa, A. D., McDonald, S., Rushby, J., Li, S., Dimoska, A., James, C. (2010). Understanding deficits in empathy after traumatic brain injury. *The role of affective responsivity*, 47(5):526-35.
- Stanford Encyclopedia of Philosophy. (2008).
- Stocks, E. L., Lishner, D. A., Decker, S. K. (2009). Altruism or psychological escape: Why does empathy promote prosocial behavior? *Europaian Journal of Social Psychology*, 39(5), 649-665.
- Thompson, M. A. & Barnett, S. T. (1995). The role of perspectivetaking and empathy in childrens Machiavellianism, prosocial behavior and motive for helping. *Journal of Genetic Psychology*. 148(3). 295-305.
- Tognetti Arnaud, Doat David, Dubois Dimitri, Romaniuc Rustam (2019). Does the presence of a physically disabled person in the group increase cooperation? An experimental test of the empathy-altruism hypothesis Cooperation between individuals with and without disabilities, Karolinska Institutet, Department of Clinical Neuroscience, Division of Psychology, Nobels väg 9, 171 65 Solna, 1-15.
- Tuason, M. T. & Fricdlander, M. L. (2000), Do parents' differentiation levels predict those of their adult children? And other tests of Bowen theory in Philippine sample. *Journal of counseling psychology*, 47(1), 27-35.

اسلام و پژوهش های روان شناختی

سال دهم، شماره دوم، پیاپی ۲۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۳ (ص ۲۳۹-۲۶۳)

پیش بینی جهت گیری دینی چرخشی بر پایه الگوی ارتباطات خانواده با نقش میانجیگر کمال گرایی

Prediction of Commitment - Reflectivity Circumplex (CRC) religious orientation based on Family communications patterns (FCP) on student with the mediating role of perfectionism

مجید هزاری / دانشجوی دکتری روان شناسی عمومی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

ک. ناصر آقابابائی / استادیار گروه روان شناسی دانشگاه قرآن و حدیث، تهران، ایران

امیرعلی مازندرانی / استادیار گروه علوم رفتاری پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی، تهران، ایران

Majid Hezari / PhD student in Psychology, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Saveh, Iran

✉ **Naser Aghababaei** / Assistant Professor, Department of Psychology, University of Quran and Hadith, Tehran, Iran
naseragha@gmail.com

Amir Ali Mazandarani / Assistant Professor, Department of Behavioral Sciences, Research and Development Institute for Humanities, Organization for Study and Compilation of Academic Textbooks in Islamic Sciences and Humanities, Tehran, Iran

Abstract

The present study was conducted with the aim of predicting the religious orientation of students based on the model of family communication and the mediator role of perfectionism. The research was descriptive-correlation one. The population of the study consisted of all the students of Farhangian University of Tehran in 1401, among whom 388 participants were selected as the sample group by quota sampling and answered the questionnaires of circumplex religious orientation, perfectionism and the revised questionnaire of Family Communication Patterns. Regarding the

چکیده

هدف پژوهش حاضر پیش بینی جهت گیری دینی چرخشی بر اساس الگوی ارتباطات خانواده با نقش میانجیگری کمال گرایی بود. ۳۸۸ دانشجوی دانشگاه فرهنگیان شهر تهران به پرسش نامه های جهت گیری دینی چرخشی، کمال گرایی، و الگوهای ارتباطی خانواده پاسخ دادند. یافته های مدل سازی حاکی از برازش مناسب مدل پژوهش بود. یافته ها نشان دادند الگوی ارتباطات خانواده مستقیم و با میانجیگری کمال گرایی بر جهت گیری دینی چرخشی دانشجویان تأثیر دارند. بر اساس نتایج پژوهش حاضر می توان گفت افراد با سبک ارتباطی گفت و شنود از مسیر کمال گرایی به منابع و

data analysis, structural equation modeling method was used and data were analyzed by SPSS version 24 and AMOS software. The modeling results indicated the appropriacy of the research model. Also, the results showed that the Family Communication Pattern both directly and through the mediation of perfectionism have an effect on the circumplex religious orientation of students. Based on the results of the present research, it can be concluded that people with a communication style of conversation and conformity, through perfectionism, have significant positive and negative effects on various religious orientations. Then it is suggested that the mediating role of perfectionism in the relationship between family communication patterns and circumplex religious orientation to be regarded and therapists should consider this component in their therapeutic strategies and educational models.

Key words: Perfectionism, Family Communication Patterns, Religious Orientation.

هدف‌های کامل معنوی و دینی می‌پردازند و تلاششان به‌منظور تحقق کمالات معنوی و دینی در خود را تأمین و تقویت می‌کنند و وارد فرایند معنادهی به زندگی و هستی، ارزشمندسازی زندگی، و هدفمند کردن زندگی می‌شوند که موجب جهت‌گیری دینی متعهد - تأمل‌گر می‌گردد. همچنین در خانواده‌هایی با سبک ارتباطی هم‌نوایی بستر برای رشد کمال‌گرایی بسیار فراهم است، به‌طوری‌که محتوای بیشتر گفت‌ووشنودها را تحمیل عقاید والدین تشکیل می‌دهد و این اتفاق موجب می‌شود فرزندان دارای جهت‌گیری دینی غیرمتعهد - غیرتأمل‌گر و غیرمتعهد - تأمل‌گر شوند.

کلیدواژه‌ها: کمال‌گرایی، الگوهای ارتباطی خانواده، جهت‌گیری دینی چرخشی.

مقدمه

دین با برخی از بزرگ‌ترین فضایل و شکست‌های بشریت همراه بوده است، از این جهت نقش اساسی در زندگی و سیستم روانی انسان دارد (ویتن و لوکوف،^۱ ۲۰۲۲). جهت‌گیری دینی^۲ عبارت است از نوع دین‌داری افراد و اشاره دارد به انگیزه افراد از روی آوردن به دین یا روی گرداندن از آن (آقابائی و همکاران، ۲۰۱۹). تعهد^۳ اصلی‌ترین ویژگی جهت‌گیری دینی است، اما زیربنای اینکه چرا فرد متعهد است، اغلب به طرق مختلف و به دلیل انگیزه‌های گوناگون آشکار می‌شود (ایساک^۴ و همکاران، ۲۰۱۷)؛ بنابراین جهت‌گیری دینی ماهیت چندبعدی دارد. این امر منجر به ارائه

1. Vieten & Lukoff

2. religious orientation

3. commitment

4. Isaak

الگوهای متعددی از سوی محققان شده است (آلپورت و راس،^۱ ۱۹۶۷؛ بوریس و تارپلی،^۲ ۱۹۹۸؛ هتاوی،^۳ ۲۰۱۶؛ هیل^۴ و همکاران، ۲۰۱۲؛ کراوس و هود،^۵ ۲۰۱۳، به نقل از: ایساک و همکاران، ۲۰۱۷؛ آقابابائی و همکاران، ۲۰۱۹). در این بین مفهوم‌پردازی آلپورت و راس (۱۹۶۷) مبنی بر جهت‌گیری دینی درونی و بیرونی یکی از گسترده‌ترین تحقیقات انجام شده است (به نقل از: پارک و ون تونگرن،^۶ ۲۰۲۲).

کراوس و هود (۲۰۱۳) مدل چرخشی تعهد - تأمل‌گر^۷ را به‌عنوان یک رویکرد جدید جهت‌گیری دینی مطرح کرده‌اند. در مدل چرخشی تعهد - تأمل‌گر دو بعد اساسی و متفاوت مطرح می‌شود که شامل تعهد به معنای اهمیت و محوریت ایمان و تأمل به معنای میزان تحلیل و بررسی اعتقادات دینی می‌باشد. تلاقی این دو بعد، چهار ربع را ایجاد می‌کند، هر ربع از یک یا چند مفهوم تشکیل شده است که در مجموع نوع جهت‌گیری فرد را شامل می‌شود. ربع متعهد و غیرتأمل‌گر^۸ به جهت‌گیری دینی اشاره دارد که متضمن تعهد به آموزه‌های دینی است، اما به فقدان تأمل نیز مرتبط است. این ربع شامل جهت‌گیری‌های فردیت^۹ (به‌طور کلی به رویکردی که فرد برای مذهب اتخاذ می‌کند مثلاً برای کسب آرامش، مراقبت، بخشش و کمک اشاره دارد)، مرکزیت^{۱۰} (میزان اهمیت دین در زندگی فرد)، سود^{۱۱} (میزانی که دین به‌عنوان روشی برای کسب ثروت، سلامتی، موفقیت و سایر خواسته‌های شخصی مورد توجه قرار می‌گیرد) و مجازات^{۱۲} (رویکرد فرد به دین به‌عنوان روشی برای دوری از عذاب الهی، چه در دنیا و چه در آخرت) می‌شود. ربع غیرمتعهد و غیرتأمل‌گر^{۱۳} شامل جهت‌گیری‌های اجتماعی^{۱۴} (میزان مشارکت در دین و فعالیت‌های مذهبی با هدف دیدن آشنایان و شبکه اجتماعی) و الزام^{۱۵} (میزان فشار اجتماعی برای انجام اعمال مذهبی) است. ربع غیرمتعهد و تأمل‌گر^{۱۶} به جهت‌گیری‌هایی اشاره دارد که

1 Allport & Ross

2. Burris & Tarpley

3. Hathaway

4. Hill

5. Krauss and Hood

6. Park & Van Tongeren

7. commitment-reflectivity circumplex (CRC)

8. committed-unreflective

9. personal

10. centrality

11. gain

12. punishment

13. uncommitted-unreflective

14. social

15. obligation

16. uncommitted-reflective

عدم تعهد آموزه‌های دینی را با تأمل در مورد ایده‌های دینی ترکیب می‌کند و شامل شک^۱ (میزانی که فرد از تردیدها، عدم قطعیت‌ها و سوالات مذهبی خود لذت می‌برد و برای آنها ارزش قائل است، می‌باشد. این جهت‌گیری نشان‌دهنده فقدان تعهد مذهبی است)، تردید^۲ (میزان عدم اطمینانی که فرد از اعتبار عینی اعتقادات خود دارد) و گفت‌وگو^۳ (میزانی که فرد تحت‌تأثیر تعارض‌ها و تجربه‌های زندگی از دین خود آگاه است) می‌شود. ربع متعهد و تأمل‌گر^۴ شامل جهت‌گیری است که سبک زندگی وفادارانه را با عشق به یادگیری در مورد ایمان ترکیب می‌کند. مدل چرخش تعهد - تأمل (کراوس و هود، ۲۰۱۳) یک معیار واحد تحت عنوان علاقه^۵ (میزانی که فرد از یادگیری، خواندن، مطالعه، تجزیه و تحلیل و صحبت در مورد دین و نظریه‌های دینی لذت می‌برد) را به این ربع اختصاص داده است. فایف^۶ و همکاران (۲۰۱۴) اذعان داشتند یکی از عواملی که جهت‌گیری دینی دانشجویان را می‌تواند تحت‌تأثیر قرار دهد، الگوهای ارتباطی خانواده^۷ است.

خانواده یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه و شکل‌دهنده شخصیت آدمی دارای قواعد و اصولی خاص است و برای اعضای خود نقش‌های متنوعی تعیین می‌کند (آمبرسون و تومر،^۸ ۲۰۲۰). یکی از مهم‌ترین سازه‌های مربوط به خانواده، الگوهای ارتباطی خانواده است (کرنز و شروود،^۹ ۲۰۱۴). الگوی ارتباطی خانواده، ساختار ارتباطی از دنیای خانواده است که بر اساس ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر و اینکه اعضا چه چیزی به یکدیگر می‌گویند، چه کاری انجام می‌دهند و چه معنایی از این ارتباطات دارند، تعریف می‌شود (فیتزپاتریک،^{۱۰} ۲۰۰۴، به نقل از: کامپتون و کریک،^{۱۱} ۲۰۱۹). فیتزپاتریک و ریچی^{۱۲} (۱۹۹۴) با بررسی نظریه مک‌لئود و چفی^{۱۳} (۱۹۷۲) دو بعد زیربنایی جهت‌گیری گفت‌وگوشنود^{۱۴} و جهت‌گیری هم‌نوایی^{۱۵} را در الگوهای ارتباطی خانواده شناسایی کردند

-
1. doubt
 2. tentativeness
 3. dialog
 4. committed-reflective
 5. interest
 6. Fife
 7. family communication patterns
 8. Umberson & Thomeer
 9. Koerner & Schrodtt
 10. Fitzpatrick
 11. Compton & Craig
 12. Ritchie
 13. McLeod & Chaffee
 14. conversational
 15. conformity

(به نقل از: بوستویک و جانسون،^۱ ۲۰۱۸). جهت‌گیری گفت‌و شنود به میزانی که خانواده‌ها فضای آزاد و راحتی برای شرکت اعضای خانواده در موضوعات مختلف ایجاد می‌کنند، اشاره دارد. در خانواده‌هایی با جهت‌گیری گفت‌و شنود، افراد آزادانه به صورت هم‌زمان و بدون هیچ‌گونه محدودیت زمانی و موضوعی به بحث و گفت‌وگو می‌پردازند. این‌گونه خانواده‌ها زمان زیادی را صرف ارتباط با یکدیگر می‌کنند و اعضای آن یکدیگر را در جریان فعالیت‌ها، افکار و احساسات شخصی خود می‌گذارند (کوئر و ماری‌آن،^۲ ۲۰۰۲، به نقل از: ادزوی و ادزوی،^۳ ۲۰۲۰). جهت‌گیری هم‌نوایی اشاره دارد به مقدار تأکیدی که خانواده‌ها بر روی یکسان بودن نگرش‌ها، ارزش‌ها و عقاید دارند و فرزندان ملزم به رعایت هنجارهای والدین خود هستند (کوئر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲، به نقل از: الوی،^۴ ۲۰۲۰). موقعیت‌های متفاوتی که خانواده‌ها در طول این دو بعد دارند، می‌تواند در شکل‌گیری جهت‌گیری دینی فرزندان مؤثر باشد (فایف و همکاران، ۲۰۱۴).

هاشمی و لطیفیان (۱۳۹۱) نشان دادند در خانواده‌هایی که جهت‌گیری هم‌نوایی غالب است، تعاملات میان اعضای خانواده بر همگونی، اجتناب از تعارض و وابستگی متقابل اعضا با یکدیگر متمرکز است و ارتباطات بین دو نسل حرف‌شنوی از والدین را منعکس می‌کند. در چنین خانواده‌هایی والدین برای فرزندان تصمیم می‌گیرند و از فرزندان انتظار می‌رود مطابق خواسته‌ها و انتظارات والدین رفتار کنند؛ در نتیجه داشتن معیارهای سختگیرانه و کمال‌گرایی^۵ در فرزندان مشهود است. از سوی دیگر اشبای و هافمن^۶ (۱۹۹۹، به نقل از: ناخیمسون،^۷ ۲۰۲۱) در پژوهش خود نشان دادند جهت‌گیری مذهبی با کمال‌گرایی انطباقی رابطه مثبت و معنادار و با کمال‌گرایی غیرانطباقی رابطه منفی و معنادار داشتند. همان‌طور که اشاره شد در بین عوامل روان‌شناختی تأکید زیادی بر نقش الگوهای ارتباطی خانواده در جهت‌گیری دینی افراد شده است (فایف و همکاران، ۲۰۱۴)؛ برای مثال راسموسن و تریلو^۸ (۲۰۱۶)، ویت و ترول^۹ (۱۹۹۹)، وانگ^{۱۰} و همکاران (۲۰۱۸)، والتون^{۱۱} و همکاران (۲۰۲۰)، کارمو^{۱۲} و

-
1. Bostwick & Johnson
 2. Koerner & Mary Anne
 3. Adzovie & Adzovie
 4. Aloia
 5. psychological coherence
 6. Ashby & Huffman
 7. Nachimson
 8. Rasmussen & Troilo
 9. Vieth & Trull
 10. Wang
 11. Walton
 12. Carmo

همکاران (۲۰۲۱) و آدامز^۱ (۲۰۱۸) با این استدلال که الگوهای ارتباطی خانواده با کمال‌گرایی و کمال‌گرایی با جهت‌گیری دینی رابطه دارد (اشبای و هافمن، ۱۹۹۹؛ جنوانی و ادیتیا،^۲ ۲۰۲۱)، به تعیین نقش غیرمستقیم الگوهای ارتباطی خانواده در جهت‌گیری دینی پرداختند. این یافته‌ها در مجموع این فرضیه را به ذهن متبادر می‌کند که اثر الگوهای ارتباطی خانواده بر جهت‌گیری دینی بیشتر از نوع غیرمستقیم و به‌واسطه سایر متغیرها از جمله کمال‌گرایی است.

کمال‌گرایی یک ویژگی شخصیتی چندبعدی است که شامل استانداردهای غیرواقعی بالا همراه با ارزیابی بیش از حد شدید است (هویت^۳ و همکاران، ۲۰۲۲). در خانواده‌هایی که جهت‌گیری هم‌نواپی زیادی دارند، حرف آخر را بزرگ‌ترها می‌زنند (کوروش‌نیا، ۱۳۸۹). در این خانواده‌ها از والدین انتظار می‌رود تا برای همه اعضای خانواده تصمیم‌گیری کنند و از فرزندان انتظار می‌رود تا مطابق با خواسته‌های والدین خود رفتار کنند، به‌طوری‌که ممکن است موجب شود آنها برای جلب پذیرش و تأیید والدین پرتوقع خود استانداردهای بالا و غیرواقع‌بینانه‌ای انتخاب کنند و مدام خود را برای دست نیافتن به این استانداردها سرزنش کرده و درگیر خودانتقادی‌های مخرب و شدیدی شوند (هاشمی و لطیفیان، ۱۳۹۱)؛ از سوی دیگر منطبق بر نظریه آلپورت و راس (۱۹۶۷) و کرواس و هود (۲۰۱۳) جهت‌گیری‌های دینی درونی و بیرونی یک بعد واحد هستند. با این حال تأثیر جهت‌گیری درونی بر کاهش کمال‌گرایی غیرانطباقی را می‌توان توسط فردی که دارای جهت‌گیری درونی است توضیح داد، که شامل ایمان بالغانه و توانایی درونی کردن آموزه‌های دینی است. افراد با ایمان بالغانه و آموزه‌های دینی درونی‌شده، بهتر می‌توانند با شرایطی که با آن روبه‌رو می‌شوند، کنار بیایند (اشبی و هافمن، ۱۹۹۹). می‌توان گفت افراد با نوع خاصی از کمال‌گرایی که توسط جهت‌گیری دینی بیرونی شکل می‌گیرد، تمایل دارند اعمالشان را صرفاً برای رضایت جامعه خود انجام دهند (جنوانی و ادیتیا، ۲۰۲۱).

مرور پژوهش‌های پیشین نشان داد، الگوهای ارتباطی خانواده، انتظارات و جهت‌گیری دینی افراد را پیش‌بینی می‌کند (دولاهیت^۴ و همکاران، ۲۰۱۸؛ برادشاو،^۵ ۲۰۲۱؛ اخوان، ۲۰۱۹)؛ همچنین نحوه تعامل والدین با فرزندان و سبک‌های فرزندپروری نیز در جهت‌گیری دینی نقش تعیین‌کننده دارند (پترو^۶ و همکاران، ۲۰۱۸؛ کروک،^۷ ۲۰۱۸؛ فایف و همکاران، ۲۰۱۴؛ کوروش‌نیا و همکاران، ۱۳۸۹).

1. Adams

2. Geovani & Aditya

3. Hewitt

4. Dollahite

5. Bradshaw

6. Petro

7. Krok

فولاد چنگ و قدومی‌زاده، ۱۳۹۴). برخی مطالعات حاکی از این بودند که جهت‌گیری‌های متعهد با بهزیستی ذهنی و روان‌شناختی همبستگی مثبت دارند؛ درحالی‌که جهت‌گیری‌های غیرمتعهد با جنبه‌های بهزیستی رابطه منفی دارند (آقابابائی و لوک، ۲۰۲۳)^۱، قدومی‌زاده و فولاد چنگ (۱۳۹۴) و رضائیان و توتونچی (۱۳۹۸) نیز اذعان داشتند، نگرش مذهبی مادر و جهت‌گیری گفت‌وشنود در الگوی ارتباطی خانواده، توان پیش‌بینی هویت دینی فرزندان را دارد. شیرچی و همکاران (۱۳۹۸) هم بر پیوند والدین و فرزندان و همچنین نقش ویژگی‌های شخصیتی نظیر عزت نفس در شکل‌گیری سبک هویت دینی نوجوانان تأکید کردند.

با وجود پژوهش‌های انجام‌شده می‌توان گفت غالب مطالعاتی که در زمینه جهت‌گیری دینی صورت گرفته است، از نظر تبار آلپورتی‌ها هستند (آقابابائی و همکاران، ۲۰۱۹) و دارای محدودیت‌هایی نظیر عدم وضوح در مورد آنچه که مقیاس‌ها اندازه‌گیری می‌کنند هستند، که این امر هم مانع درک نظری عمیق از ساختارهای موجود و هم مانع پیش‌بینی چگونگی توسعه و تغییر ساختارها در طول زمان می‌شود؛ همچنین محدودیت در بررسی جامع جهت‌گیری دینی را دربر می‌گیرد. علاوه بر این، مطالعاتی که بر پایه جهت‌گیری دینی آلپورت انجام شده است، فقط نمونه‌های مذهبی را مورد بررسی قرار داده است (آقابابائی و همکاران، ۲۰۱۹) و برای افراد غیرمذهبی دارای محدودیت است. از آنجایی که مدل چرخشی تعهد - تأمل دارای معیارهایی است که قابلیت بررسی نمونه‌های مختلفی را دربر می‌گیرد؛ لذا پیش‌بینی می‌شود استفاده از این مدل موجب رفع کاستی‌های پژوهش‌های پیشین باشد؛ همچنین علی‌رغم پژوهش‌های انجام‌شده در سایر متغیرهای پژوهش، در مورد نحوه و میزان تأثیر متغیرهای میانجی همچنان خلأ پژوهشی وجود دارد. علاوه بر اینکه مدل جهت‌گیری دینی چرخشی یک مدل نوین است و لازم است با متغیرهای دیگر مورد آزمایش و بررسی قرار گیرد. بنابراین سؤال اصلی این پژوهش این است که آیا می‌توان جهت‌گیری دینی چرخشی دانشجویان را بر اساس الگوی ارتباطات خانواده و نقش میانجیگر کمال‌گرایی پیش‌بینی کرد؟

روش پژوهش

این مطالعه از نوع توصیفی - همبستگی است که برای تجزیه و تحلیل اطلاعات آن از روش مدلیابی معادلات ساختاری^۲ استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان دانشگاه فرهنگیان شهر تهران در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲ تشکیل دادند که از میان آنها ۳۸۸ نفر به‌صورت نمونه‌گیری سهمیه‌ای

1. Lueke

2. Structural equation modeling (SEM)

به‌عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. حجم نمونه با استفاده از نظر گادانگولی ویسر^۱ (۱۹۸۸) که پیشنهاد می‌کنند در پژوهش با رویکرد الگویابی و تحلیل مسیر نمونه‌ای با حجم ۳۰۰ تا ۴۵۰ نفر ضروری است، مشخص شد. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل رضایت آگاهانه و داوطلبانه جهت شرکت در پژوهش و دانشجوی دانشگاه فرهنگیان شهر تهران و ملاک‌های خروج از پژوهش عبارت‌اند از: عدم تمایل به شرکت در پژوهش و بی‌دقتی در پاسخ دادن به سؤالات بود. علاوه بر راهنمایی‌های لازم که در دستورالعمل پرسش‌نامه‌ها ارائه شده، به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات تنها در راستای اهداف مطالعه و بدون ذکر مشخصات هویتی مورد استفاده قرار خواهد گرفت. پس از توضیح اهداف پژوهش و کسب رضایت آگاهانه از افراد، جهت گردآوری داده‌های موردنظر از پرسش‌نامه کمال‌گرایی، پرسش‌نامه تجدیدنظرشده الگوهای ارتباطی خانواده و پرسش‌نامه جهت‌گیری دینی چرخشی استفاده شد.

ابزارهای پژوهش

پرسش‌نامه تجدیدنظرشده الگوهای ارتباطی خانواده^۲: پرسش‌نامه تجدیدنظرشده الگوهای ارتباطی خانواده در سال ۲۰۰۲ توسط کوئرنر و فیتزپاتریک ساخته شده و دارای ۲۶ آیتم پنج‌گزینه‌ای از کاملاً موافقم (۵) تا کاملاً مخالفم (۱)، در زمینه ارتباطات خانوادگی است. این ابزار جهت‌گیری گفت‌وشنود و جهت‌گیری هم‌نوایی خانواده را که به ترتیب ۱۵ گزاره اول و ۱۱ گزاره بعدی را تشکیل می‌دهند، مورد سنجش قرار می‌دهد. دامنه نمرات در بعد جهت‌گیری گفت‌وشنود بین ۱۵-۷۵ می‌باشد. نمره بالاتر به معنای جهت‌گیری گفت‌وشنود در خانواده و نمره پایین به معنای جهت‌گیری گفت‌وشنود پایین در خانواده است. دامنه نمرات در بعد جهت‌گیری هم‌نوایی بین ۱۱-۵۵ می‌باشد. نمره بالاتر به معنای جهت‌گیری هم‌نوایی در خانواده و نمره پایین به معنای جهت‌گیری هم‌نوایی پایین در خانواده است. کوئرنر و فیتزپاتریک (۲۰۰۲) اعتبار مقیاس را ۰/۸۹ برای بعد گفت‌وشنود و ۰/۷۹ برای بعد هم‌نوایی گزارش کردند. کوروش‌نیا (۱۳۸۹) برای بعد گفت‌وشنود آلفای ۰/۸۷ و برای بعد هم‌نوایی آلفای ۰/۸۱ گزارش داد؛ همچنین کوئرنر و فیتزپاتریک (۲۰۰۲) این پرسش‌نامه را دارای روایی مطلوب از هر سه دیدگاه محتوایی، ملاکی و سازه می‌دانند. کوروش‌نیا (۱۳۸۹) با استفاده از روش تحلیل عاملی و همسانی درونی، روایی مطلوبی برای این ابزار گزارش نموده است، ولی ارزش ویژه دو عامل گفت‌وشنود و هم‌نوایی را در تحلیل عاملی به ترتیب ۶/۴۸ و ۳/۲۶ گزارش نمود که ۳۷/۴۳٪ واریانس مقیاس را ارزیابی می‌نمود. ضریب همبستگی ابعاد با نمره کل نیز به ترتیب ۰/۷۵ و ۰/۴۴ بودند.

1. Guadagnoli & Velicer

2. family communication patterns instrument (RFCP)

پرسش‌نامه جهت‌گیری دینی چرخشی^۱: پرسش‌نامه جهت‌گیری دینی چرخشی توسط کراوس و هود در سال ۲۰۱۳ ساخته شد. دارای ۶۳ سؤال می‌باشد و در طیف پنج‌گزینه‌ای از کاملاً موافقم (۵) تا کاملاً مخالفم (۱)، نمره‌گذاری می‌شود. این پرسش‌نامه دارای ۱۰ مقیاس می‌باشد که در چهار ربع جداگانه اندازه‌گیری می‌شود. ربع متعهد - تأمل‌گر (جهت‌گیری علاقه ۶ سؤال)، ربع متعهد - غیرتأمل‌گر جهت‌گیری فردیت (۶ سؤال)، مرکزیت (۶ سؤال)، سود (۶ سؤال)، مجازات (۶ سؤال)، ربع غیرمتعهد - تأمل‌گر جهت‌گیری شک (۷ سؤال)، تردید (۶ سؤال) و گفت‌وگو (۶ سؤال) می‌باشد. ربع غیرمتعهد - غیرتأمل‌گر جهت‌گیری اجتماعی (۶ سؤال) و الزام (۸ سؤال). کراس و هود (۲۰۱۳) پایایی درونی مقیاس را بر مبنای میانگین چهار گروه نمونه آمریکایی بین ۰/۷۲ (سود) و ۰/۹۱ (مرکزیت) گزارش کردند. ایساک و همکارانش (۲۰۱۷) در نمونه‌ای معرف از جامعه ایالات متحده میانگین ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس را ۰/۸۵ به‌دست آوردند. دامنه ضرایب آلفای ده مقیاس بین ۰/۷۶ (سود) و ۰/۹۵ (مرکزیت) گزارش شد. آقابابائی و همکاران (۲۰۱۹) ضرایب آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌های نسخه فارسی این پرسش‌نامه را به ترتیب مرکزیت (۰/۸۷)، فردیت (۰/۸۰)، سود (۰/۸۲)، مجازات (۰/۷۸)، اجتماعی (۰/۸۵)، الزام (۰/۸۲)، شک (۰/۷۴)، تردید (۰/۶۳)، گفت‌وگو (۰/۷۸)، علاقه (۰/۷۸) محاسبه شد؛ همچنین پرسش‌نامه جهت‌گیری دینی چرخشی دارای روایی واگرا و هم‌گرای خوبی با دیگر مقیاس‌ها و ابزار تأییدشده جهت‌گیری دینی و دین‌داری مسلمانان است (نجیب‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸).

مقیاس کمال‌گرایی چندبعدی تهران^۲: مقیاس کمال‌گرایی چندبعدی تهران توسط بشارت در سال ۱۳۸۶ ساخته شد. دارای ۳۰ سؤال است که سه بعد کمال‌گرایی خودمدار^۳، کمال‌گرایی دیگرمدار^۴ و کمال‌گرایی جامعه‌مدار^۵ در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت کاملاً موافقم (۵) تا کاملاً مخالفم (۱). حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در زیرمقیاس‌های سه‌گانه آزمون به ترتیب ۱۰ و ۵۰ می‌باشد؛ همچنین حداکثر نمره ممکن در این مقیاس ۱۵۰ و حداقل نمره ۳۰ می‌باشد. نمره بالاتر به معنای کمال‌گرایی بالاتر و نمره کمتر به معنای کمال‌گرایی پایین‌تر است. کمال‌گرایی خودمدار دارای ۱۵ گویه، کمال‌گرایی دیگرمدار دارای ۱۱ گویه، کمال‌گرایی جامعه‌مدار دارای ۴ گویه می‌باشد.

1. circumplex religious orientation inventory (CROI)
2. tehran multidimensional perfectionism questionnaire
3. self-oriented perfectionism
4. other-oriented perfectionism
5. socially prescribed perfectionism

مقیاس‌هایی که از آنها برای ساخت مقیاس کمال‌گرایی چندبعدی تهران استفاده شد عبارت بودند از: «مقیاس کمال‌گرایی چندبعدی فراست»^۱ و همکاران، «مقیاس کمال‌گرایی چندبعدی هویت»^۲ و فلت^۳، «مقیاس کمال‌گرایی مثبت و منفی تری - شورت»^۴ و همکاران و مواردی از زیرمقیاس‌های پرسش‌نامه‌های دیگر، مخصوصاً پرسش‌نامه‌های سنجش اختلال‌های خوردن. بشارت (۱۳۸۶) اعتبار محتوایی مقیاس کمال‌گرایی چندبعدی تهران را با استفاده از ضرایب توافق کندال برای ابعاد کمال‌گرایی خودمدار (۰/۸۰)، کمال‌گرایی دیگرمدار (۰/۷۲) و کمال‌گرایی جامعه‌مدار (۰/۶۹) محاسبه و ضریب بازآزمایی همبستگی بین نمره‌های ۷۸ نفر از آزمودنی‌ها در دو نوبت با فاصله دو تا چهار هفته را برای مؤلفه کمال‌گرایی خودمدار $r=0/85$ ، برای کمال‌گرایی دیگرمدار $r=0/79$ و برای کمال‌گرایی جامعه‌مدار $r=0/84$ ، به دست آورده است؛ همچنین همسانی درونی مقیاس کمال‌گرایی تهران را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای کل آزمودنی‌ها ($n=500$) برای مؤلفه‌های کمال‌گرایی خودمدار ۰/۹۰، کمال‌گرایی دیگرمدار ۰/۹۱ و کمال‌گرایی جامعه‌مدار ۰/۸۱ محاسبه شد که نشانه همسانی درونی رضایت‌بخشی دارد.

داده‌های پژوهش حاضر پس از توصیف اولیه و بررسی مفروضه‌ها با استفاده از نسخه ۲۲ نرم‌افزار لیزرل و مدل‌یابی معادلات ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر ۳۸۸ دانشجو (۲۹۵ زن) با میانگین و انحراف استاندارد سنی به ترتیب $22/24 \pm$ ۵/۴۸ سال شرکت کردند. از بین شرکت‌کنندگان ۴۴ نفر (۱۱/۳ درصد) در رشته زبان‌های خارجه، ۱۹۴ نفر (۵۰ درصد) در رشته‌های علوم تربیتی، ۱۹ نفر (۴/۹ درصد) در رشته‌های روان‌شناسی و مشاوره، ۶۹ نفر (۱۷/۸ درصد) در رشته ادبیات فارسی، ۲۹ نفر (۷/۵ درصد) در رشته الهیات، ۱۷ نفر (۴/۴ درصد) در رشته‌های فنی - مهندسی و ۱۰ نفر (۲/۶ درصد) در سایر رشته‌ها مشغول به تحصیل بودند. گفتنی است که ۴ نفر از شرکت‌کنندگان رشته تحصیلی خود را تعیین ننمودند. جدول ۱ علاوه بر میانگین و انحراف استاندارد، مقادیر چولگی، کشیدگی، ضریب تحمل، عامل تورم واریانس و ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

1. Frost
2. Hewitt
3. Flett
4. Terry-short

جدول ۱: میانگین، انحراف استاندارد، چولگی، کشیدگی، ضریب تحمل، عامل تورم واریانس و ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیرهای تحقیق	۱. الگوی ارتباطات - گفت‌و شنود	۲. الگوی ارتباطات - هم‌نوایی	۳. کمال‌گرایی - خودمحور	۴. کمال‌گرایی - دیگرمحور	۵. کمال‌گرایی - جامعه‌محور	۶. مذهب متعهد - تأمل‌گر	۷. مذهب متعهد - غیر تأمل‌گر - مرکزیت
۱	-	۰/۵۵**	۰/۲۲**	۰/۲۷**	۰/۲۵**	۰/۴۴**	۰/۲۷**
۲		-	۰/۰۸	۰/۲۴**	۰/۲۲**	۰/۲۷**	۰/۳۱**
۳			-	۰/۶۵**	۰/۲۷**	۰/۲۳**	۰/۰۵
۴				-	۰/۶۴**	۰/۳۳**	۰/۱۱*
۵					-	۰/۲۹**	۰/۰۶
۶						-	۰/۲۶**
۷							-
۸							
۹							
۱۰							
۱۱							
۱۲							
۱۳							
۱۴							
۱۵							

۸. مذهب متعهد - غیر تامل‌گر - فردیت	۹. مذهب متعهد - غیر تامل‌گر - سود	۱۰. مذهب متعهد - غیر تامل‌گر - مجازات	۱۱. مذهب غیر متعهد - تامل‌گر - شک	۱۲. مذهب غیر متعهد - تامل‌گر - تردید	۱۳. مذهب غیر متعهد - تامل‌گر - گفت‌وگو	۱۴. مذهب غیر متعهد - غیر تامل‌گر - اجتماعی	۱۵. مذهب غیر متعهد - غیر تامل‌گر - الزامات
-۰/۰۹**	-۰/۱۵**	۰/۰۱	-۰/۱۳**	-۰/۰۷	-۰/۲۳**	۰/۰۱	-۰/۱۲**
۰/۲۷**	۰/۱۶**	۰/۰۴	۰/۱۹**	۰/۰۶	۰/۲۹**	۰/۰۱	۰/۲۲**
-۰/۰۱	۰/۱۶**	۰/۲۳**	-۰/۰۵	۰/۰۲	۰/۰۲	۰/۲۰**	۰/۲۵**
۰/۱۶**	۰/۲۷**	۰/۲۳**	-۰/۱۶**	-۰/۱۰**	۰/۰۳	-۰/۰۳	۰/۰۸
۰/۱۰	۰/۲۰**	۰/۱۲**	-۰/۰۸	-۰/۰۷	۰/۰۵	۰/۱۲**	۰/۱۹**
۰/۱۲**	-۰/۰۶	-۰/۰۱	-۰/۰۷	-۰/۰۴	-۰/۲۴**	-۰/۰۶	-۰/۱۰
۰/۵۲**	۰/۵۸**	۰/۲۷**	-۰/۲۶**	-۰/۲۱**	-۰/۲۸**	-۰/۰۱	-۰/۰۶
-	۰/۶۷**	۰/۰۸	-۰/۲۹**	-۰/۲۳**	-۰/۲۶**	-۰/۱۰	-۰/۲۲**
	-	۰/۳۴**	-۰/۲۶**	-۰/۳۰**	-۰/۲۲**	۰/۰۹	۰/۰۴
		-	-۰/۲۴**	-۰/۱۷**	-۰/۱۷**	۰/۱۷**	۰/۳۰**
			-	۰/۲۸**	۰/۴۴**	-۰/۰۳	-۰/۰۹
				-	۰/۲۱**	-۰/۱۳**	۰/۰۸
					-	۰/۰۲	۰/۰۱
						-	۰/۳۲**
							-

میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی	ضریب تحمل	تورم واریانس
۵۲/۱۳	۱۳/۳۷	-۰/۵۸	-۰/۴۵	۰/۵۳	۱/۸۸
۲۸/۸۹	۹/۵۳	-۰/۳۳	-۰/۱۲	۰/۶۲	۱/۴۰
۵۴/۱۳	۹/۸۳	-۰/۴۱	-۰/۳۰	۰/۸۲	۱/۸۲
۳۴/۱۵	۵/۵۰	۰/۱۲	-۰/۳۷	۰/۵۱	۱/۴۴
۱۱/۱۵	۲/۴۴	۰/۳۱	-۰/۰۹	۰/۵۲	۱/۹۳
۲۲/۱۰۲	۴/۹۲	-۰/۴۰	-۰/۷۰	-	-
۳۲/۸۵	۴/۶۵	-۰/۶۴	-۰/۲۷	-	-
۲۵/۹۱	۳/۳۳	-۰/۸۸	۰/۹۷	-	-
۱۹/۰۲	۳/۵۹	-۰/۲۷	-۰/۲۱	-	-
۱۴/۸۴	۴/۰۸	-۰/۲۷	-۰/۲۱	-	-
۱۹/۸۵	۵/۰۷	-۰/۱۲	-۰/۵۵	-	-
۲۰/۲۱	۳/۳۹	۰/۰۴	۰/۰۷	-	-
۱۴/۵۹	۵/۱۱	-۰/۰۵	۰/۸۱	-	-
۱۳/۴۳	۴/۳۰	۰/۱۲	-۰/۲۰	-	-
۱۷/۳۱	۵/۰۱	-۰/۱۱	-۰/۸۱	-	-

$$0.01 > p^{**} \text{ و } 0.05 > p^{*}$$

جدول (۱) ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد. جهت همبستگی بین متغیرها همسو با انتظار پژوهشگران و تئورهای حوزه پژوهش بود. جدول (۱) نشان می‌دهد ارزش‌های کشیدگی و چولگی هیچ‌یک از متغیرها از محدوده بین $+2$ و -2 خارج نشده است. این مطلب بیانگر آن است که توزیع داده‌های مربوط به متغیرهای پژوهش از نرمال بودن تک متغیری انحراف آشکاری ندارند. همچنان‌که جدول (۱) نشان می‌دهد که مفروضه هم‌خطی بودن نیز در بین داده‌های پژوهش برقرار بود؛ زیرا که مقادیر ضریب تحمل کمتر از 0.1 و مقادیر عامل تورم واریانس برای هریک از متغیرهای پیش‌بین بالاتر از 10 نبود. در این تحقیق به منظور ارزیابی برقراری / عدم برقراری مفروضه نرمال بودن توزیع داده‌های چندمتغیری، از تحلیل اطلاعات مربوط به «فاصله مهلنوبایس»^۱ استفاده شد. مقادیر

1. Mahalanobis distance

چولگی و کشیدگی نمرات مزبور به ترتیب برابر با ۰/۵۱ و ۰/۲۸ - به‌دست آمد. این یافته بیانگر برقراری مفروضه نرمال بودن توزیع داده‌های چندمتغیری در بین داده‌هاست.

تحلیل مدل

همچنان‌که در شکل (۱) ملاحظه می‌شود، در پژوهش حاضر کمال‌گرایی، جهت‌گیری مذهب متعهد - غیرتأمل‌گر، جهت‌گیری مذهب غیرمتعهد - تأمل‌گر و جهت‌گیری مذهب غیرمتعهد - غیرتأمل‌گر متغیرهای مکنون بودند. چنین فرض شده است که متغیر مکنون کمال‌گرایی به‌وسیله نشانگرهای خودمحور، دیگرمحور و جامعه‌محور، متغیر مکنون جهت‌گیری مذهب متعهد - غیرتأمل‌گر به‌وسیله نشانگرهای مرکزی، فردیت، سود و تنبیه، متغیر مکنون جهت‌گیری مذهب غیرمتعهد - تأمل‌گر به‌وسیله نشانگرهای شک، تردید و گفت‌وگو و متغیر مکنون جهت‌گیری مذهب غیرمتعهد - غیرتأمل‌گر به‌وسیله نشانگرهای اجتماعی و الزامات سنجیده می‌شود. چگونگی برازش مدل اندازه‌گیری با داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی و با به‌کارگیری نسخه ۲۴ نرم‌افزار AMOS و استفاده از روش برآورد بیشینه احتمال^۱ (ML) مورد ارزیابی قرار گرفت. جدول (۲) شاخص‌های برازندگی مدل‌های اندازه‌گیری و ساختاری را نشان می‌دهد.

جدول ۲: شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری و مدل ساختاری

نقطه برش ^۲	مدل ساختاری	مدل اندازه‌گیری		شاخص‌های برازندگی
		مدل اصلاح‌شده	مدل اولیه	
	۱۹۷/۱۲	۱۴۷/۵۸	۱۸۳/۳۶	مجذور کای ^۳
-	۷۷	۴۷	۴۸	درجه آزادی مدل
-	۲/۵۶	۳/۱۴	۳/۸۲	χ^2/df ^۴
$3 <$	۰/۹۲۵	۰/۹۲۹	۰/۹۰۲	GFI ^۵
$0/90 >$	۰/۸۷۲	۰/۸۷۶	۰/۸۵۵	AGFI ^۶
$0/85 >$	۰/۹۳۸	۰/۹۲۳	۰/۸۹۰	CFI ^۷
$0/90 >$	۰/۰۶۳	۰/۰۷۴	۰/۰۸۵	RMSEA ^۸

1. Maximum Likelihood

۲. نقاط برش بر اساس دیدگاه کلاین (۲۰۱۶)

3. Chi-Square

4. normed chi-square

5. Goodness Fit Index

6. Adjusted Goodness Fit Index

7. Comparative Fit Index

8. Root Mean Square Error of Approximation

جدول (۲) نشان می‌دهد که به‌استثنای شاخص برازندگی CFI دیگر شاخص‌های برازندگی حاصل از تحلیل عاملی تأییدی از برازش قابل قبول مدل اندازه‌گیری با داده‌های گردآوری شده حمایت می‌کنند. با توجه به اهمیت شاخص برازندگی CFI در برازش مدل، با ایجاد کوواریانس بین خطاهای دو نشانگر فردیت و تنبیه مدل اندازه‌گیری اصلاح و همچنان که جدول (۲) نشان می‌دهد، با این عمل شاخص‌های برازندگی قابل قبول برای مدل اندازه‌گیری به‌دست آمد. در مدل اندازه‌گیری بارهای عاملی همه نشانگرها بزرگ‌تر از ۰/۳۲ بود؛ بنابراین می‌توان گفت همه آنها از توان لازم برای اندازه‌گیری متغیرهای مکنون پژوهش حاضر برخوردار بودند.

در مدل ساختاری پژوهش فرض شده بود که الگوی ارتباطات خانواده هم به‌صورت مستقیم و هم با میانجیگری کمال‌گرایی بر جهت‌گیری دینی چرخشی (متعهد - تأمل‌گر، متعهد - غیرتأمل‌گر، غیرمتعهد - تأمل‌گر و غیرمتعهد - غیرتأمل‌گر) دانشجویان اثر دارد. برای آزمون مدل مزبور روش مدلیابی معادلات ساختاری به‌کار گرفته شد. همچنان که جدول (۲) نشان می‌دهد همه شاخص‌های برازندگی حاصل از تحلیل مدلیابی معادلات ساختاری از برازش مدل ساختاری با داده‌های گردآوری شده حمایت نمودند. جدول (۳) ضرایب مسیر مستقیم بین متغیرها را در مدل ساختاری پژوهش نشان می‌دهد.

جدول ۳: ضرایب مسیر مستقیم در مدل ساختاری

sig	β	S.E	b	ضرایب مسیر مستقیم
۰/۰۰۱	-۰/۲۵۹	۰/۰۳۰	-۰/۰۸۱	الگوی ارتباطات - گفت‌و شنود - کمال‌گرایی
۰/۵۲۸	۰/۰۳۱	۰/۰۱۰	۰/۰۰۲	الگوی ارتباطات - گفت‌و شنود - مذهب غیرمتعهد - غیرتأمل‌گر
۰/۰۳۹	-۰/۱۸۲	۰/۰۲۴	-۰/۰۴۹	الگوی ارتباطات - گفت‌و شنود - مذهب غیرمتعهد - تأمل‌گر
۰/۰۰۱	-۰/۲۶۲	۰/۰۲۱	-۰/۰۶۹	الگوی ارتباطات - گفت‌و شنود - مذهب متعهد - غیرتأمل‌گر
۰/۰۰۱	۰/۳۴۸	۰/۰۲۱	۰/۱۲۷	الگوی ارتباطات - گفت‌و شنود - مذهب متعهد - تأمل‌گر
۰/۰۷۹	۰/۱۴۰	۰/۰۳۶	۰/۰۶۲	الگوی ارتباطات - هم‌نوایی - کمال‌گرایی
۰/۰۱۱	۰/۱۶۰	۰/۰۱۷	۰/۰۱۷	الگوی ارتباطات - هم‌نوایی - مذهب غیرمتعهد - غیرتأمل‌گر
۰/۰۰۱	۰/۳۱۷	۰/۰۳۷	۰/۱۲۱	الگوی ارتباطات - هم‌نوایی - مذهب غیرمتعهد - تأمل‌گر
۰/۰۰۱	-۰/۲۸۸	۰/۰۳۴	-۰/۱۰۷	الگوی ارتباطات - هم‌نوایی - مذهب متعهد - غیرتأمل‌گر
۰/۸۹۰	-۰/۰۰۲	۰/۰۳۰	-۰/۰۰۱	الگوی ارتباطات - هم‌نوایی - مذهب متعهد - تأمل‌گر
۰/۱۲۶	۰/۱۱۰	۰/۰۴۳	۰/۰۲۷	کمال‌گرایی - مذهب غیرمتعهد - غیرتأمل‌گر
۰/۰۰۱	-۰/۳۲۴	۰/۰۹۱	-۰/۲۸۱	کمال‌گرایی - مذهب غیرمتعهد - تأمل‌گر
۰/۰۰۱	۰/۴۶۴	۰/۱۰۳	۰/۳۸۹	کمال‌گرایی - مذهب متعهد - غیرتأمل‌گر
۰/۰۰۱	-۰/۲۶۵	۰/۰۸۳	-۰/۳۰۹	کمال‌گرایی - مذهب متعهد - تأمل‌گر

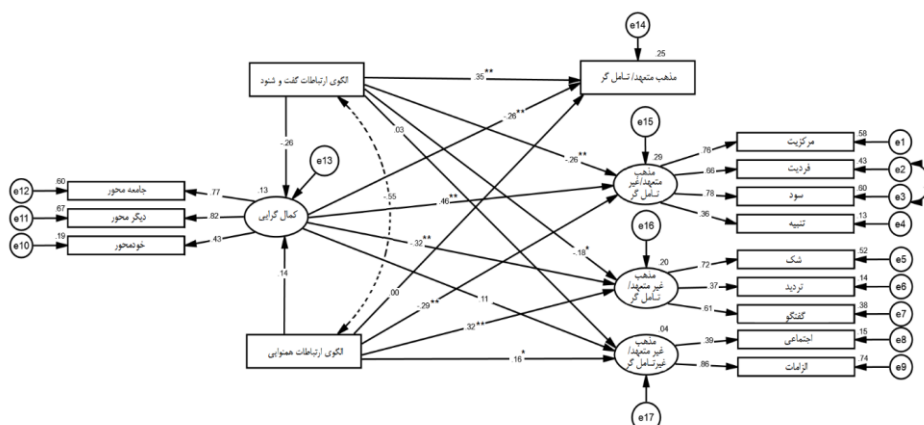
جدول (۳) نشان می دهد که اثر مستقیم الگوی گفت و شنود ارتباطات خانواده بر جهت گیری دینی چرخشی غیرمتعهد - تأمل گر ($\beta = -0/182, p < 0/05$) و متعهد - غیرتأمل گر ($\beta = -0/262, p < 0/01$) منفی و بر جهت گیری دینی متعهد - تأمل گر ($\beta = 0/348, p < 0/01$) مثبت و معنادار است. جدول (۳) نشان می دهد که اثر مستقیم الگوی هم نوایی ارتباطات خانواده بر جهت گیری دینی چرخشی غیرمتعهد - غیرتأمل گر ($\beta = 0/160, p < 0/05$) و غیرمتعهد - تأمل گر ($\beta = 0/317, p < 0/01$) مثبت و بر متعهد - غیرتأمل گر ($\beta = -0/288, p < 0/01$) منفی و معنادار است.

در این پژوهش به منظور ارزیابی نقش میانجیگر کمال گرایی در تبیین اثر الگوی ارتباطات خانواده بر جهت گیری دینی چرخشی از روش بوت استرپ استفاده شد که نتایج آن در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول ۴: اثر غیرمستقیم متغیرهای الگوی ارتباطات خانواده
بر جهت گیری دینی چرخشی از طریق کمال گرایی با استفاده از روش بوت استرپ

p	β_{ab}	SEab	bab	متغیرهای پیش بین
0/125	-0/028	0/004	-0/002	الگوی ارتباطات گفت و شنود $\xrightarrow{a}$ کمال گرایی $\xrightarrow{b}$ مذهب غیرمتعهد - غیرتأمل گر
0/032	0/084	0/013	0/023	الگوی ارتباطات گفت و شنود $\xrightarrow{a}$ کمال گرایی $\xrightarrow{b}$ مذهب غیرمتعهد - تأمل گر
0/001	-0/120	0/013	-0/032	الگوی ارتباطات گفت و شنود $\xrightarrow{a}$ کمال گرایی $\xrightarrow{b}$ مذهب متعهد - غیرتأمل گر
0/001	0/069	0/010	0/025	الگوی ارتباطات گفت و شنود $\xrightarrow{a}$ کمال گرایی $\xrightarrow{b}$ مذهب متعهد - تأمل گر
0/139	0/015	0/004	0/002	الگوی ارتباطات هم نوایی $\xrightarrow{a}$ کمال گرایی $\xrightarrow{b}$ مذهب غیرمتعهد - غیرتأمل گر
0/108	-0/045	0/014	-0/017	الگوی ارتباطات هم نوایی $\xrightarrow{a}$ کمال گرایی $\xrightarrow{b}$ مذهب غیرمتعهد - تأمل گر
0/021	0/065	0/011	0/024	الگوی ارتباطات هم نوایی $\xrightarrow{a}$ کمال گرایی $\xrightarrow{b}$ مذهب متعهد - غیرتأمل گر
0/080	-0/037	0/012	-0/019	الگوی ارتباطات هم نوایی $\xrightarrow{a}$ کمال گرایی $\xrightarrow{b}$ مذهب متعهد - تأمل گر

جدول (۴) نشان می دهد که اثر غیرمستقیم الگوی گفت و شنود ارتباطات خانواده بر جهت گیری دینی چرخشی متعهد - غیرتأمل گر ($\beta = -0/120, p < 0/01$) منفی و بر جهت گیری غیرمتعهد - تأمل گر ($\beta = 0/084, p < 0/05$) و متعهد - تأمل گر ($\beta = 0/069, p < 0/01$) مثبت و معنادار است؛ همچنین جدول (۴) نشان می دهد که ضریب مسیر غیرمستقیم الگوی هم نوایی ارتباطات خانواده تنها بر جهت گیری دینی چرخشی متعهد - غیرتأمل گر ($\beta = 0/065, p < 0/01$) مثبت و معنادار است. در ادامه شکل (۱) مدل ساختاری پژوهش را نشان می دهد.



شکل ۱: مدل ساختاری پژوهش با استفاده از داده‌های استاندارد

شکل (۱) نشان می‌دهد که مجموع مجذور همبستگی‌های چندگانه برای متغیرهای جهت‌گیری دینی چرخشی متعهد - تأمل‌گر، متعهد - غیر تأمل‌گر، غیر متعهد - تأمل‌گر و غیر متعهد - غیر تأمل‌گر به ترتیب برابر با ۰/۲۵، ۰/۲۹، ۰/۲۰ و ۰/۰۴ به دست آمد. این یافته بیانگر آن است که متغیرهای الگوی ارتباطات خانواده و کمال‌گرایی در مجموع ۲۵ درصد، ۲۹ درصد، ۲۰ درصد و ۴ درصد از واریانس جهت‌گیری دینی چرخشی متعهد - تأمل‌گر، متعهد - غیر تأمل‌گر، غیر متعهد - تأمل‌گر، غیر متعهد - غیر تأمل‌گر را تبیین می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که الگوی ارتباطات خانواده هم به صورت مستقیم و هم با میانجیگری کمال‌گرایی بر جهت‌گیری دینی چرخشی دانشجویان تأثیر دارند؛ همچنین نتایج نشان داد که اثر مستقیم الگوی گفت‌و شنود ارتباطات خانواده بر جهت‌گیری دینی چرخشی (غیر متعهد - تأمل‌گر) و (متعهد - غیر تأمل‌گر) منفی و بر جهت‌گیری دینی (متعهد - تأمل‌گر) مثبت و معنادار است و نیز اثر مستقیم الگوی هم‌نوایی ارتباطات خانواده بر جهت‌گیری دینی چرخشی (غیر متعهد - غیر تأمل‌گر) و (غیر متعهد - تأمل‌گر) مثبت و بر (متعهد - غیر تأمل‌گر) منفی و معنادار است. نتایج پژوهش‌های دولایت و همکاران (۲۰۱۸)، برادشاو (۲۰۲۱)، اخوان (۲۰۱۹)، پترو و همکاران (۲۰۱۸)، کروک (۲۰۱۸)، فایف و همکاران (۲۰۱۴)، کوروش‌نیا و همکاران (۱۳۸۹)، فولاد چنگ و قدومی‌زاده (۱۳۹۴)، قدومی‌زاده و فولاد چنگ (۱۳۹۴) و رضائیان و توتونچی (۱۳۹۸) به صورت تلویحی از این یافته پژوهشی حمایت می‌کنند؛ همچنین نتایج نشان دادند اثر غیرمستقیم الگوی گفت‌و شنود ارتباطات

خانواده از طریق کمال‌گرایی بر جهت‌گیری دینی چرخشی (متعهد - غیرتأمل‌گر) منفی و بر جهت‌گیری (غیرمتعهد - تأمل‌گر) و (متعهد - تأمل‌گر) مثبت و معنادار است؛ همچنین مسیر غیرمستقیم الگوی هم‌نوایی ارتباطات خانواده از طریق کمال‌گرایی تنها بر جهت‌گیری دینی چرخشی (متعهد - غیرتأمل‌گر) مثبت و معنادار است. به این معنا است که الگوی گفت‌و شنود ارتباطات خانواده از طریق کمال‌گرایی به‌صورت منفی جهت‌گیری دینی چرخشی (متعهد - غیرتأمل‌گر) را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، اما در مقابل جهت‌گیری (غیرمتعهد - تأمل‌گر) و (متعهد - تأمل‌گر) را به‌صورت مثبت تحت‌تأثیر قرار می‌دهد؛ همچنین الگوی هم‌نوایی ارتباطات خانواده از طریق کمال‌گرایی جهت‌گیری دینی چرخشی (متعهد - غیرتأمل‌گر) را به‌صورت مثبت تحت‌تأثیر قرار می‌دهد که نتایج پژوهش‌های راسموسن و تریلو (۲۰۱۶)، ویت و ترول (۱۹۹۹)، وانگ و همکاران (۲۰۱۸)، والتون و همکاران (۲۰۲۰)، کارمو و همکاران (۲۰۲۱)، آدامز (۲۰۱۸)، فایف و همکاران (۲۰۱۴)، هاشمی و لطیفیان (۱۳۹۱)، اشبای و هافمن (۱۹۹۹)، آدامز (۲۰۱۸)، جنوانی و ادیتیا (۲۰۲۱)، آقابابائی و لوک (۲۰۲۳) و شیرچی و همکاران (۱۳۹۸) به‌صورت تلویحی از این یافته پژوهشی حمایت می‌کنند.

در تبیین این یافته پژوهشی می‌توان گفت در خانواده‌هایی که الگوی ارتباطی گفت‌و شنود وجود دارد، جهت‌گیری دینی چرخشی بیشتر از نوع متعهد - تأمل‌گر است. ویژگی بارز این جهت‌گیری مقیاس علاقه است، در واقع علاقه چیزی است که افراد را به جست‌وجوی چالش‌های خاص سوق می‌دهد (به نقل از: کراوس و هود، ۲۰۱۳). در چنین خانواده‌هایی اعضا یکدیگر را به همکاری و تعامل در رابطه با موضوعات تشویق می‌کنند. هریک از اعضای خانواده فعالیت‌ها، تفکرات و احساسات خود را با دیگران در میان می‌گذارند و با همفکری هم تصمیمات مربوط به خانواده را اتخاذ می‌کنند (کرنز و شرودت، ۲۰۱۴). همین امر موجب می‌گردد اعضای خانواده به‌صورت آزادانه گفت‌وگو و ارتباط برقرار کنند (به نقل از: کامپتون و کریک، ۲۰۱۹). از آنجایی که مقیاس علاقه با سلامت روان ضعیف ارتباط ندارد؛ لذا این مقیاس بیشتر با ثبات عاطفی، سخت‌کوشی، محافظه‌کاری فرهنگی و ایدئولوژی‌های انسان‌گرایانه و دموکراتیک مرتبط است، و به نظر می‌رسد ویژگی‌های انطباقی هر دو جهت‌گیری متعهد و جهت‌گیری تأملی را داراست (کراوس و هود، ۲۰۱۳)؛ همچنین مبنی بر نتایج این پژوهش بین الگوی ارتباطی گفت‌و شنود خانواده و جهت‌گیری متعهد - تأمل‌گر رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. بنابراین می‌توان گفت در خانواده‌هایی که ارتباطات خانواده باز و نامحدود است و به کفایت ارتباطی فرزندان اهمیت داده می‌شود، والدین به پذیرش باورها و اعتقادات فرزندان خود گرایش داشته و به آنها اجازه می‌دهند به‌طور برابر در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی شرکت کنند (به نقل از: بوستویک و جانسون، ۲۰۱۸).

در این خانواده‌ها فرزندان یاد می‌گیرند به گفت‌وگوهای خانوادگی و دیدگاه‌های والدین احترام بگذارند؛ همچنین می‌آموزند که مستقل و خودمختار باشند. این یادگیری‌ها باعث می‌شود آنها در ارتباطات خود کفایت و کارایی را به‌دست آورند و نسبت به توانایی تصمیم‌گیری خود اعتماد پیدا کنند (به نقل از: بیطرف و همکاران، ۱۳۸۹). در این خانواده‌ها نوعی از کمال‌گرایی پرورش می‌یابد که فرزندان پاداش‌هایی نظیر تأیید موفقیت شخصی و عزت نفس بالا به‌دست می‌آورند و بیشتر از اینکه به داشتن معیارهای دست‌نیافتنی تمایل داشته باشند، به معیارهای واقع‌بینانه تمایل نشان می‌دهند. کمال‌گرایی در این افراد به این صورت است که برای پیشرفت بسیار می‌کوشند و در مواجهه با شکست رفتارهای انطباقی نشان می‌دهند؛ مانند تغییر در معیارهای خود و مجدانه و سخت‌تر کار کردن بیشتر (برگمن^۱ و همکاران، ۲۰۰۷).

در چنین خانواده‌هایی فرزندان از یادگیری، خواندن و صحبت در مورد دین و مفاهیم دینی لذت می‌برند و برای رویارویی با پرسش‌های وجودی آمادگی دارند (کراوس و هود، ۲۰۱۳). از آنجایی که الگوی ارتباطی گفت‌و شنود ارتباطات خانواده از طریق کمال‌گرایی بر جهت‌گیری دینی چرخشی (متعهد - غیرتأمل‌گر) به صورت منفی و بر جهت‌گیری (غیرمتعهد - تأمل‌گر) و (متعهد - تأمل‌گر) به صورت مثبت تأثیر می‌گذارد، می‌توان گفت در خانواده‌هایی که ارتباطات خانواده باز و نامحدود است، داشتن مهارت ارتباطی و عقاید مستقل در فرزندان پرورش پیدا می‌کند (کونر و فیتزپاتریک، ۲۰۰۲). در چنین خانواده‌هایی کمال‌گرایی فرزندان به این صورت شکل می‌گیرد که افراد معیارهایی را برای خود در نظر می‌گیرند، اما به جای اینکه رسیدن و یا نرسیدن به آن معیارها برایشان مهم باشد، نفس تلاش برای رسیدن به هدف در نظرشان اهمیت دارد. در واقع این افراد از کار و تلاش زیاد لذت می‌برند و وقتی در انجام دادن و یا ندادن کاری آزاد هستند، سعی می‌کنند آن را به بهترین نحو ممکن انجام دهند. این نوع کمال‌گرایی نه تنها موجب مشکلاتی نمی‌شود؛ بلکه باعث می‌شود فرد استعدادهای خویش را شکوفا سازد و به احساس رضایت شخصی بالایی دست یابد. آنها به هنگام پردازش اطلاعات و تصمیم‌گیری بیش از هر چیز تحت تأثیر پیام‌هایی قرار می‌گیرند که مبنای بحث منطقی دارند؛ در نتیجه در این خانواده‌ها فرزندان دچار تردیدها و عدم قطعیت در مورد دین نمی‌شوند و از تعهد مذهبی نسبتاً بالایی برخوردارند. در چنین خانواده‌هایی فرزندان، سلامت روانی نسبتاً بالایی دارند. هرچند نسبت به تجربه کردن گشودگی کمتری دارند؛ اما بهره‌وری بیشتری خواهند داشت. این چنین فرزندان از اطمینان بیشتری نسبت به اعتقادات دینی خویش برخوردارند (کراوس و هود، ۲۰۱۳). منطبق با پژوهش کوروش‌نیا و همکاران (۱۳۸۹) و قدومی‌زاده و فولاد چنگ (۱۳۹۴) می‌توان گفت اگر فضای خانواده به‌گونه‌ای باشد که فرزندان به گفت‌وگو در زمینه‌های مختلف تشویق

شوند و افکار، احساسات و فعالیت‌های خود را با اعضای خانواده در میان بگذارند، و در یک فضای امن بتوانند عقاید خود را هرچند متناقض با خانواده در میان بگذارند (به نقل از: بیطرف و همکاران، ۱۳۸۹)، و نگران سرزنش و طرد شدن از سمت والدین نباشند و مهم‌تر از همه به بررسی عقاید با در نظر گرفتن جوانب مثبت و منفی آنها تشویق شوند، در این صورت است که می‌توانند با آسودگی خاطر افکار خود را در هر زمینه‌ای حتی در خصوص شناخت دین در میان بگذارند و به دنبال کشف حقیقت باشند تا دین اصیل را بشناسند. افراد در چنین خانواده‌هایی رویکردشان به دین بر اساس کسب سود و یا پرهیز از مجازات نیست (کراوس و هود، ۲۰۱۳). به نظر می‌رسد این نتایج از ادعای تیمپ^۱ (۱۹۸۳) حمایت می‌کند که دین‌داری ممکن است با ابعاد مثبت کمال‌گرایی مرتبط باشد. یافته پژوهشی مبنی بر اینکه افراد با جهت‌گیری دینی سطوح بالاتری از کمال‌گرایی انطباقی دارند (به نقل از: اشبای و هافمن، ۱۹۹۹)، با یافته مطالعه حاضر همسو می‌باشد. علاوه بر این، نتایج این پژوهش نتایج مبن و ریدلی^۲ (۱۹۸۸) و هایز و استیتز^۳ (۱۹۹۱) را در مورد نوعی از کمال‌گرایی که ناشی از دین‌داری ناکارآمد و مخرب است را تأیید نمی‌کند؛ بلکه به نظر می‌رسد یکی از راه‌هایی که به عزت نفس و خودکارآمدی بیشتر کمک می‌کند، کمال‌گرایی از نوع انطباقی است (به نقل از: اشبای و هافمن، ۱۹۹۹).

همان‌طور که نتایج پژوهش حاضر نشان داد، الگوی هم‌نوایی ارتباطات خانواده بر جهت‌گیری دینی چرخشی غیرمتعهد - غیرتأمل‌گر (اجتماعی و الزام) و غیرمتعهد - تأمل‌گر (شک، تردید، گفت‌وگو) مثبت و بر متعهد - غیرتأمل‌گر (فردیت، مرکزیت، سود و مجازات) منفی و معنادار است. می‌توان گفت در خانواده‌هایی که الگوی ارتباط هم‌نوایی وجود دارد، اعضای خانواده برای روابط درون خانواده در مقایسه با روابط بیرون از خانواده اهمیت بیشتری قائل هستند و اعضای خانواده از یکدیگر انتظار دارند تا نسبت به علایق اعضای اصلی خانواده، علایق خود را در درجه دوم اهمیت قرار دهند. در این خانواده‌ها از والدین انتظار می‌رود که برای کل اعضای خانواده تصمیم بگیرند و از فرزندان انتظار می‌رود که مطابق با خواسته‌های والدین رفتار کنند (کرنز و شروود، ۲۰۱۴). در چنین خانواده‌هایی بستر مناسب برای رشد کمال‌گرایی فراهم می‌شود، به‌طوری‌که در خانواده‌ها با الگوی ارتباطی هم‌نوایی قاعده رعایت بی‌قید و شرط انتظارات و استانداردهای والدین پابرجاست و احساس ارزشمندی در فرزندان اغلب وابسته به تأیید والدین است، و اگر عملکرد ناکامل فرزندان با انتقاد والدین روبه‌رو شود، ممکن است آنها از اشتباه کردن بترسند (به نقل از: کاوامورا^۴ و همکاران، ۲۰۰۲). بنابراین در این خانواده‌ها فرزندان برای

1. Timpe

2. Mebane & Ridley

3. Heise & Steitz

4. Kawamura

به‌دست آوردن پذیرش و تأیید والدین خود مجبور به رعایت استانداردهای والدین شده، این استانداردها را درونی کرده و در عمل مطابق با آنها رفتار می‌نماید. علاوه بر این، انتقادات والدین را درونی کرده و خودانتقادگری را در خود پرورش می‌دهند (به نقل از: کلاومورا و همکاران، ۲۰۰۲). در واقع افراد با سبک ارتباطی گفت‌وشنود از مسیر کمال‌گرایی به منابع و اهداف کامل معنوی و مذهبی می‌پردازد و تلاششان به‌منظور تحقق کمالات معنوی و مذهبی و تأمین و تقویت آنهاست. ترکیب کمال‌گرایی و سبک ارتباطی گفت‌وشنود می‌تواند بهزیستی روان‌شناختی را در فرد افزایش دهد. در این راستا می‌توان به پژوهش آقابابائی و همکاران (۲۰۲۳) مبنی بر اینکه جهت‌گیری‌های متعهد به‌طورکلی با بهزیستی ذهنی و روان‌شناختی رابطه مثبت دارند؛ درحالی‌که جهت‌گیری‌های غیرمتعهد به‌طورکلی با این جنبه‌های بهزیستی رابطه منفی دارند، اشاره کرد. مطابق با یافته‌های پژوهشی بشارت و همکاران (۱۴۰۰) و ریچادسون^۱ (۲۰۱۴)، الگوی ارتباطی گفت‌وشنود به‌واسطه کمال‌گرایی وارد فرایند معنادهی به زندگی و هستی، ارزشمندسازی زندگی و هدفمند کردن زندگی می‌شوند که موجب تقویت بهزیستی روان‌شناختی و عواطف مثبت فرد می‌شود، که این امر در نهایت منجر به جهت‌گیری دینی چرخشی غیرمتعهد - غیرتأمل‌گر (اجتماعی و الزام) و غیرمتعهد - تأمل‌گر (شک، تردید، گفت‌وگو) می‌شود.

این تبیین همسو با نظریه هم‌چک^۲ (۱۹۷۸)، به نقل از: بشارت، ۱۳۹۰ است که فرض می‌کند کمال‌گرایی سازش‌نیافته در فرزندان به وجود می‌آید که خانواده آنها انتظارات بالایی دارند و هرگز از کارکرد فرزندان خود راضی نمی‌شوند (به نقل از: انس^۳ و همکاران، ۲۰۰۲)، و محیط‌های هیجانی تأیید مثبت مشروط را بستر مناسبی برای رشد کمال‌گرایی نوروژیک می‌دانند (هم‌چک، ۱۹۷۸، به نقل از: اشی و همکاران، ۲۰۰۵). در محیطی که تأیید مثبت مشروط وجود دارد، تأیید بیرونی فقط وقتی ارائه می‌شود که شرایط معینی وجود داشته باشد. در چنین محیطی به‌جای اینکه به فرد بها داده شود، به عمل او بها داده می‌شود؛ بنابراین فرد در این محیط‌ها به این دلیل که دائماً با ایجاد استانداردهای بالای غیرواقعی برای پیشرفت و عمل در جست‌وجوی تأیید و پذیرش است، در چرخه بی‌پایانی از سعی، ناکامی و شکست درگیر می‌شود (هم‌چک ۱۹۷۸، به نقل از: شالر^۴، ۱۹۹۹). در چنین خانواده‌هایی اعضای خانواده به هم‌نوايي خشک یا غیرقابل‌انعطاف با هنجارهای خانواده یا کنار آمدن با دیگران تشویق می‌شوند و به‌ندرت در معرض اطلاعاتی که اختلاف‌برانگیز باشند قرار می‌گیرند. والدین این خانواده‌ها معتقدند که خودشان باید برای خانواده و فرزندان‌شان تصمیم‌گیری کنند و دلیلی ندارد که برای

1. Richardson

2. Hamachek

3. Enns

4. Schuler

تصمیمات خود به فرزندان نشان توضیح بدهند (فیتزپاتریک، ۲۰۰۴)؛ در نتیجه فرزندان یاد می‌گیرند که گفت‌و شنود در خانواده کم‌ارزش است و نسبت به توانایی تصمیم‌گیری خود بی‌اعتماد می‌شوند و تصمیمات والدین را اجرا می‌کنند (فیتزپاتریک و ریچی، ۱۹۹۴). این سبک ارتباطی خانواده، موجب رشد کمال‌گرایی از نوع خودمحور می‌شود، به‌صورتی که فرد عادت به خودانتقادگری و تحمیل خواسته‌های سخت‌گیرانه بر خود را خواهد داشت و از سوی دیگر نمودهای کمال‌گرایی دیگر محور به‌گونه‌ای خود را نشان می‌دهد که فرد در آن انتظارات افراطی و ارزشیابی انتقادی از دیگران دارد. به‌عبارت دیگر، در سبک ارتباطی هم‌نوایی که تسهیل‌گر کمال‌گرایی از نوع دیگر محور است، گرایش به داشتن انتظارات کمال‌گرایانه از اشخاصی که برای فرد اهمیت دارند؛ مثل انتظارات کمال‌گرایانه والدین از فرزندان مشهود است. در این بافتار افراد استانداردهای بالا و گاه غیرواقع‌بینانه‌ای برای دیگران در نظر می‌گیرند. طبق نتایج پژوهش حاضر می‌توان گفت سبک ارتباطی هم‌نوایی از طریق کمال‌گرایی (خودمحور، دیگرمحور و جامعه‌محور) موجب به وجود آمدن جهت‌گیری مذهبی خاصی می‌شود. به‌عبارت دیگر، افراد با سبک ارتباطی هم‌نوایی در خانواده و داشتن ویژگی کمال‌گرایی موجب اتخاذ جهت‌گیری دینی غیرمتعهد - تأمل‌گر و متعهد - غیرتأمل‌گر می‌شوند (کراوس و هود، ۲۰۱۳). به بیان دیگر الگوی ارتباطی هم‌نوایی خانواده و کمال‌گرایی افراطی و غیرانطباقی می‌تواند با هدایت بیشتر، بحث و تبادل نظرها به سمت هم‌نوایی فرزندان با عقاید و ارزش‌های مذهبی والدین از کارکرد الگوی ارتباطی گفت‌و شنود خانواده را بکاهد (به نقل از: بیطرف و همکاران، ۱۳۸۹). در چنین شرایطی والدین دلایل خود را برای داشتن عقاید و باورهای مذهبی بیان می‌کنند و خواستار پیروی فرزندان خود از این عقاید و ارزش‌ها می‌شوند. در چنین خانواده‌هایی بستر رشد کمال‌گرایی غیرانطباقی بسیار فراهم می‌شود، به‌طوری که فرزندان عمیقاً به این باور می‌رسند که باید تقاضاهای کمال‌گرایانه را پذیرفته و این تقاضاها را مناسب و درخور خود دانسته و باید آنها را رعایت کنند. نکته قابل‌توجه این است که این نوع تقاضاهایی که فرد ادراک می‌کند، از طرف محیط بر او تحمیل می‌شوند (به نقل از: بیطرف و همکاران، ۱۳۸۹). به‌عبارت دیگر، در این الگو محتوای بیشتر گفت‌و شنودها را تحمیل عقاید والدین تشکیل می‌دهد (فیتزپاتریک، ۲۰۰۴)، و این اتفاق موجب می‌شود فرزندان که دارای والدین با جهت‌گیری هم‌نوایی هستند، دارای جهت‌گیری دینی غیرمتعهد - غیرتأمل‌گر و غیرمتعهد - تأمل‌گر باشند. به‌طور کلی از آنجایی که رسیدن به جهت‌گیری دینی مبتنی بر علاقه که نیازمند سطحی از فردیت است، به نظر می‌رسد در خانواده‌ها الگوی ارتباطی هم‌نوایی و کمال‌گرایی‌های از نوع غیرانطباقی که مبتنی بر محوریت خود، دیگری و جامعه هستند، اتفاق نمی‌افتد؛ چراکه در چنین خانواده‌هایی جهت‌گیری‌های دینی به‌منظور جلب تأیید و هم‌نوایی با خانواده انجام می‌گیرد (کراوس و هود، ۲۰۱۳).

پژوهش حاضر از محدودیت‌هایی نیز برخوردار بود. از آنجایی که این مطالعه در شهر تهران انجام شده است در تعمیم نتایج آن باید احتیاط به عمل آورد؛ همچنین این مطالعه بر روی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان انجام شده است؛ بنابراین تعمیم نتایج بر روی سایر گروه‌ها باید با احتیاط صورت گیرد. از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر عدم کنترل متغیرهای مداخله‌گر، عدم در نظر گرفتن متغیرهای تعدیل‌کننده از قبیل طبقه اقتصادی و اجتماعی و سطح تحصیلات بود. علاوه بر اینها از آنجایی که مدل جهت‌گیری دینی چرخشی یک مدل نوین در این حوزه است؛ لذا پژوهشگر با محدودیت منابع پژوهشی مواجه بود. برای تعمیم بیشتر این پژوهش، پیشنهاد می‌شود در دیگر شهرها و سایر جوامع نیز تکرار شود. در پژوهش‌های آتی، اثر متغیرهای مداخله‌گر (مانند سطح تحصیلات و طبقه اجتماعی افراد) و متغیرهای میانجی مانند توانمندی‌های منش نیز بررسی شود؛ همچنین بهتر است در پژوهش‌های آتی از مطالعات کیفی برای بررسی عمیق‌تر جهت‌گیری دینی و عوامل مؤثر در آن استفاده شود و یا همین متغیرها بین دو جنس دختران و پسران، و یا بین افراد متدین و غیرمتدین و خدا‌باور و غیرخدا‌باور به صورت مقایسه‌ای انجام شود.

منابع

- بشارت، م. ع. (۱۳۸۶). ساخت و اعتباریابی مقیاس کمال‌گرایی چندبعدی تهران. *پژوهش‌های روان‌شناختی*، ۱۹، ۴۹-۶۷.
- بشارت، م. ع.؛ حسینی، س. ا. و نقی‌پور، م. (۱۴۰۰). تأثیر کمال‌گرایی معنوی / مذهبی بر شاخص‌های سلامت روانی و ابعاد کمال‌گرایی غیرمعنوی / غیرمذهبی. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۱۳۲(۱)، ۱۵۵-۱۶۷.
- بشارت، م. ع.؛ عزیزی، ک. و پورشریفی، ح. (۱۳۹۰). رابطه سبک‌های فرزندپروری والدین با کمال‌گرایی فرزندان در نمونه‌ای از خانواده‌های ایرانی. *خانواده‌پژوهی*، ۷(۲)، ۱۴۶-۱۶۰.
- بیطرف، ش.؛ شعیری، م. ر. و حکیم جواد، م. (۱۳۸۹). هراس اجتماعی، سبک‌های والدگری و کمال‌گرایی. *روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی*، ۷(۲۵)، ۷۵-۸۲.
- رضائیان، ح. و توتونچی، ب. (۱۳۹۸). پیش‌بینی هویت دینی فرزندان بر اساس الگوهای تعاملی خانواده، دین‌داری والدین و تفکر انتقادی نوجوان. *مطالعات زن و خانواده*، ۷(۳)، ۱۰۹-۱۲۸.
- شیرچی، ر.؛ رضاییان بیلندی، ح. و مصلحی، ج. (۱۳۹۸). نقش پیوند والدینی و عزت‌نفس در پیش‌بینی سبک‌های هویت دینی نوجوانان. *روان‌شناسی و دین*، ۴۸(۱۶)، ۸۵-۱۰۰.
- فولاد چنگ، م. و قدومی‌زاده، ف. (۱۳۹۴). واسطه‌گری جهت‌گیری مذهبی دانشجویان در رابطه بین الگوهای ارتباطی خانواده و گرایش به تفکر انتقادی. *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، ۱۱(۱)، ۱۳۲-۱۰۷.
- کوروش‌نیا، م.؛ مزیدی، م. و حسین‌چاری، م. (۱۳۸۹). رابطه ابعاد الگوهای ارتباطات ادراک‌شده در خانواده و جهت‌گیری مذهبی در دانشجویان. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۶(۳)، ۴۵-۶۶.
- نجیب‌زاده، آغ. اسکندری، ج. غ. خلعتبری، ج. و کرمی، ابوالفضل. (۱۳۹۸). تحول هویت در بافت فرهنگی: کلان روایات ایران. *مطالعات روان‌شناسی بالینی*، ۹(۳۴)، ۳۳-۱.
- هاشمی، ل. و لطیفیان، م. (۱۳۹۱). پیش‌بینی کمال‌گرایی بهنجار و نوروتیک دختران توسط ابعاد کمال‌گرایی مادران و الگوهای ارتباطی خانواده. *خانواده‌پژوهی*، ۸(۴)، ۴۰۵-۴۲۵.
- Adams, M. D. (2018). Religious perfectionism: Utilizing models of perfectionism in treating religious clients. *Issues in Religion and Psychotherapy*, 39(1), 10.

- Adzovie, R. H. & Adzovie, D. E. (2020). Family communication patterns and adolescent sexual and reproductive health: experiences from coastal communities in Ghana. *Technium Social Sciences Journal*, 9(1), 195-210.
- Aghababaei, N. & Lueke, N. A. (2023). Well-being and the circumplex religious orientation in Iran. *Current Psychology*, 42(18), 15742-15751.
- Aghababaei, N., Krauss, S. W., Aminikhoo, M. & Isaak, S. L. (2019). The Circumplex Religious Orientation Inventory: Validity and reliability of a new approach to religious orientation in a Muslim population. *Psychology of Religion and Spirituality*, 11(4), 350-357.
- Allport, G. W. & Ross, J. M. (1967). Personal religious orientation and prejudice. *Journal of Personality and Social Psychology*, 5(4), 432.
- Aloia, L. S. (2020). Parent-child relationship satisfaction: The influence of family communication orientations and relational maintenance behaviors. *The Family Journal*, 28(1), 83-89.
- Ashby, J. S. & Huffman, J. (1999). Religious orientation and multidimensional perfectionism: Relationships and implications. *Counseling and Values*, 43(3), 178-188.
- Bergman, A. J., Nyland, J. E. & Burns, L. R. (2007). Correlates with perfectionism and the utility of a dual process model. *Personality and Individual Differences*, 43(2), 389-399.
- Bostwick, E. N. & Johnson, A. J. (2018). Family secrets: The roles of family communication patterns and conflict styles between parents and young adult children. *Communication Reports*, 31(2), 91-102.
- Bradshaw, M. (2021). Understanding motivations to attend various sized churches: A study using family communication patterns, expectancy violations, and anxiety to predict church attendance. Unpublished Thesis. James Madison University.
- Burris, C. T. & Tarpley, W. R. (1998). Religion as being: Preliminary validation of the Immanence scale. *Journal of Research in Personality*, 32(1), 55-79.
- Carmo, C., Oliveira, D., Brás, M. & Faisca, L. (2021). The influence of parental perfectionism and parenting styles on child perfectionism. *Children*, 8(9), 777.
- Compton, J. & Craig, E. A. (2019). Family communication patterns, inoculation theory, and adolescent substance- abuse prevention: Harnessing post- inoculation talk and family communication environments to spread positive influence. *Journal of Family Theory & Review*, 11(2), 277-288.
- Dollahite, D. C., Marks, L. D. & Dalton, H. (2018). Why religion helps and harms families: A conceptual model of a system of dualities at the nexus of faith and family life. *Journal of Family Theory & Review*, 10(1), 219-241.
- Enns, M. W., Cox, B. J. & Clara, I. (2002). Adaptive and maladaptive perfectionism: Developmental origins and association with depression proneness. *Personality and Individual Differences*, 33(6), 921-935.
- Fife, E. M., Leigh Nelson, C. & Messersmith, A. S. (2014). The influence of family communication patterns on religious orientation among college students. *Journal of Family Communication*, 14(1), 72-84.
- Fisher, J. W. (2010). *Spiritual health: Its nature and place in the school curriculum*. UoM Custom Book Centre.
- Fitzpatrick, M. A. & Ritchie, L. D. (1994). Communication schemata within the family: Multiple perspectives on family interaction. *Human Communication Research*, 20(3), 275-301.
- Fitzpatrick, M. A. (2004). Family communication patterns theory: Observations on its development and application. *Journal of Family Communication*, 4(3-4), 167-179.
- Geovani, L. & Aditya, Y. (2021). The influence of religious orientation on maladaptive perfectionism among perfectionist college students. *Jurnal Psikologi Ulayat*, 8(2), 330-342.
- Guadagnoli, E. & Velicer, W. F. (1988). Relation of sample size to the stability of component patterns. *Psychological Bulletin*, 103(2), 265.
- Hamachek, D. E. (1978). Psychodynamics of normal and neurotic perfectionism. *Psychology: A Journal of Human Behavior*, 15(1), 27-33.
- Hathaway, W. (2016). Religion as a Potentiator in Human Motivation. Paper presented at the Division 36.
- Heise, R. G., & Steitz, J. A. (1991). Religious perfectionism versus spiritual growth. *Counseling and Values*, 36(1), 11-18.

- Hewitt, P. L., Smith, M. M., Ge, S. Y., Mössler, M. & Flett, G. L. (2022). Perfectionism and its role in depressive disorders. *Canadian Journal of Behavioural Science/Revue canadienne des sciences du comportement*, 54(2), 121.
- Hill, P. C., Smith, E. & Sandage, S. J. (2013). Religious and spiritual motivations in clinical practice. In *The psychology of religion and spirituality for clinicians* (p. 69-99). Routledge.
- Ikhwan, A., Biantoro, O. F. & Rohmad, A. (2019). The Role of the Family in Internalizing Islamic Values. *Dinamika Ilmu*, 19(2), 323-335.
- Isaak, S. L., James, J. R., Radeke, M. K., Krauss, S. W., Schuler, K. L. & Schuler, E. R. (2017). Assessing religious orientations: Replication and validation of the Commitment-Reflectivity Circumplex (CRC) model. *Religions*, 8(10), 208.
- Kawamura, K. Y., Frost, R. O. & Harmatz, M. G. (2002). The relationship of perceived parenting styles to perfectionism. *Personality and Individual Differences*, 32(2), 317-327.
- Koerner, A. F. & Fitzpatrick, M. A. (2002). Toward a theory of family communication. *Communication theory*, 12(1), 70-91.
- Koerner, A. F. & Schrodt, P. (2014). An introduction to the special issue on family communication patterns theory. *Journal of Family Communication*, 14(1), 1-15.
- Koerner, F. A. & Mary Anne, F. (2002). Understanding family communication patterns and family functioning: The roles of conversation orientation and conformity orientation. *Annals of the International Communication Association*, 26(1), 36-65.
- Krauss, S. W. & Hood Jr, R. W. (2013). *A new approach to religious orientation: The commitment-reflectivity circumplex* (Vol. 16). Rodopi.
- Krok, D. (2018). Examining the role of religion in a family setting: religious attitudes and quality of life among parents and their adolescent children. *Journal of Family Studies*, 24(3), 203-218.
- McLeod, J. & Chaffee, S. (1972). The construction of social reality. In, JT Tiedeschi (ed.), *The social influence process* (p. 50-99).
- Mebane, D. L. & Ridley, C. R. (1988). The role-sending of perfectionism: Overcoming counterfeit spirituality. *Journal of Psychology and Theology*, 16(4), 332-339.
- Nachimson, S. L. (2021). *Adaptive and Maladaptive Perfectionism in Jewish Adults: Associations with Religious Practice, Intrinsic Religiosity, and Subjective Well-Being*. Unpublished Doctoral Dissertation. Hofstra University.
- Park, C. L. & Van Tongeren, D. R. (2022). Meaning as a framework for integrating positive psychology and the psychology of religiousness and spirituality. In *Handbook of Positive Psychology, Religion, and Spirituality* (p. 83-96). Cham: Springer International Publishing.
- Petro, M. R., Rich, E. G., Erasmus, C. & Roman, N. V. (2018). The effect of religion on parenting in order to guide parents in the way they parent: a systematic review. *Journal of Spirituality in Mental Health*, 20(2), 114-139.
- Rasmussen, K. E. & Troilo, J. (2016). "It has to be perfect!": The development of perfectionism and the family system. *Journal of Family Theory & Review*, 8(2), 154-172.
- Richardson, P. (2014). Spirituality, religion and palliative care. *Annals Of Palliative Medicine*, 3(3), 150-159.
- Schuler, P. A. (1999). *Voices of perfectionism: perfectionistic gifted adolescents a rural middle school*. (research monograph 99140). Storrs, CT: University of Connecticut, The National Reasearch Center on the Gifted and Talented.
- Timpe, R. L. (1983). Ritualizations and ritualisms in religious development: A psychosocial perspective. *Journal of Psychology and Theology*, 11(4), 311-317.
- Umberson, D. & Thomeer, M. B. (2020). Family matters: Research on family ties and health, 2010 to 2020. *Journal of Marriage and Family*, 82(1), 404-419.
- Vieten, C. & Lukoff, D. (2022). Spiritual and religious competencies in psychology. *American Psychologist*, 77(1), 26.
- Vieth, A. Z. & Trull, T. J. (1999). Family patterns of perfectionism: An examination of college students and their parents. *Journal of personality assessment*, 72(1), 49-67.
- Walton, G. E., Hibbard, D. R., Coughlin, C. & Coyl-Shepherd, D. D. (2020). Parenting, personality, and culture as predictors of perfectionism. *Current Psychology*, 39, 681-693.
- Wang, L., Wong, Y. J. & Chung, Y. B. (2018). Family perfectionism, shame, and mental health among Asian American and Asian international emerging adults: Mediating and moderating relationships. *Asian American Journal of Psychology*, 9(2), 117.

Contents

The Subject Matter of Islamic Psychology, Its Challenges and Its Future Horizons	7
Rahim Naroui Nosrati	
Finding a Conceptual Model of Cognitive Errors in the Teachings of the Holy Quran.....	33
Milad Shamakhte / Mohammed Reza Ahmadi Mohammadabadi	
The effectiveness of spiritual transformation education on spiritual attitude.....	53
Mohammad Reza Hatami	
Construction, validation and exploratory and confirmatory factor analysis of positive and negative image questionnaire of God based on Islamic sources	65
Ahad Omid	
Designing Psychological Educational Package for Facilitating Juveniles' Religious Identification and Investigating its Validity	85
Mohsen Motallebi Korbekandi / Najibollah Nouri	
Developing a Theoretical Model of Sex Education Based on Islamic Thought.....	111
Navid Khakbazan / Ali Aboutorabi / Hami Rafiei Honar	
Development of an educational-psychological package for spiritual self-esteem with an Islamic approach and its Feasibility study in mental well-being	143
Mohammad Ghanbari / Mohammad Reza Jahangirzadeh / Mohammad Farhoosh	
The effectiveness of spiritual therapy counseling program on academic excitement and academic self-concept of students Single parent families.....	163
Reza Sheibanifar / Soheil Hashemi / Sajjad Ghasemi / Zeinab Omidvari	
The Indices of the Girls' Pre-marriage Readiness with an Emphasis on Islamic Sources	181
Faezeh Sadat Mousavi / Hadi Hosseinkhani / Abdolabad Eslami	
The Prediction of Life-Satisfaction based on Self-Control and Resilience.....	205
Saeed Ebadi / Hassan Taghian / Zahra Qamari Douzandeh	
Predicting Family Efficiency Based on Couples' Differentiation, and Emotional Empathy with the Mediating Role of Marital Boundaries.....	217
Fateme Shirchi / Jafar Hoshyari	
Prediction of Commitment -Reflectivity Circumplex (CRC) religious orientation based on Family communications patterns (FCP) on student with the mediating role of perfectionism.....	239
Majid Hezari / Naser Aghababaei / Amir Ali Mazandarani	

In the Name of Allah

Islam & Psychological Research

Vol.10, No. 22

Two Quarterly Journal of Psychology

Fall & Winter 2024-25

Proprietor: Akhlaq & Tarbiat High Education Institute

Managing director: Dr. Mohammad Javad Zarean

Editor in Chief: Dr. Mohammad Reza Ahmadi

Executive Secretary: Amir Erfani Nejad

Editorial Board

Hujjat ul_Islam Dr. Mohammad Reza Ahmadi: *IKI*

Dr. Hadi Bahrami Ehsan: *Tehran University*

Hujjat ul_Islam Dr. Mohammad Javad Zarean: *Academic Institute for Ethics And Education*

Ayatollah Sayyid Mohammad Gharavi Rad: *Research Institute of Howza Wa Daneshgah*

Dr. Ali Fathi Ashtiani: *Baqiyatallah University*

Hujjat ul_Islam Dr. Mohammad Kaviani: *Research Institute of Howza Wa Daneshgah*

Hujjat ul_Islam Dr. Rahim Narouei: *IKI*

Hujjat ul_Islam Dr. Mahmood Nozari: *Research Institute of Howza Wa Daneshgah*

ADDRESS:

The High Institute of Ethics and Education

No. 13, Shahid Shahbazi Street, Shahid Sadooqi Blvd, Qom, Iran

Postcode: 3716715545

Tel: +982532918444

Fax: +982523922239

www.ipr.ueae.ir

pajooohesh.ueae@gmail.com